ص: ۱۸۸۴

[جلد ششم]

سنه ۱۲۶۸ قمری شنبه یا یکشنبه غره محرم الحرام مطابق سنه ۱۲۳۰ شمسی (...) عقرب ماه برجی

❊ (۱۱۳۶- کشته شدن امیر کبیر اتابیک اعظم، ره)❊

وی مرحوم میرزا تقی خان بن کربلائی محمد قربان طباخ فراهانی است.

فراهان قصبه‌ئی است در ناحیه عراق عجم از توابع شهر سلطان‌آباد.

و کربلائی محمد قربان- بطوری‌که در کتاب «کرج نامه: ۲۶۵» نوشته- فرزند عباس بن طهماسب از اهل قریه هزاوه (بکسر هاء وزای) از توابع فراهان مذکور است، و این عباس دو فرزند داشته: یکی حاج شهباز خان، و دیگر محمد قربان مذکور، و او نخست طباخ مرحوم میرزا عیسی قائم‌مقام و فرزندش میرزا ابو القاسم بوده و پس از آن ترقی کرده بنظارت نائل شد، و فرزندانی داشته: یکی میرزا حسن خان که مدتی وزیر- نظام آذربایجان و در حدود ۱۲۷۰ و ۷۱ نایب الحکومه عراق بوده.

و دیگر مرحوم امیر کبیر صاحب عنوان که از اجله و معاریف رجال دوران و در سیاست و کفایت و امور مملکت‌گیری و مملکت‌داری و تدبیر کارهای لشگری و کشوری نظیری برای او کم پیدا شده و در رجال مشرق زمین یکی از مفاخر و نوابغ محسوب می‌شود و فقط خشونت نفس و غرور فوق العاده او که هیچ چیز را مخل کار خود نمیدید مخالف عقل و شرع بوده و آن را نقص وی دانسته‌اند.

شرح احوال او در چندین کتاب بنظر رسیده، لکن غالب که در زمان ناصر الدین شاه تألیف شده از حقیقت دوری جسته و مفاخر و شرح عزل و قتل او را برخلاف واقع نوشته‌اند،

ص: ۱۸۸۵

تا این که در این اواخر در «آگهی شهان از کار جهان ۳: ۴۵» و «مجله ارمغان. سال پانزدهم» و کتاب «گلهای رنگارنگ» پرده از روی این کار برداشته و مقامات او را طبق آنچه رخ داده نوشته‌اند، و ما اینک از شماره سیم و پنجم سال مرقوم «ارمغان» و جلد (یا شماره) ۹ تا ۱۴ «گلهای رنگارنگ» مختصری از احوال او را این‌جا می‌آوریم و چنین گوئیم که:

امیر کبیر بواسطه این که پدرش در خانواده میرزا عیسی قائم‌مقام بوده منظور نظر فرزند وی میرزا ابو القاسم گردیده و هوش فطری و استعدادی که از او در کودکی بروز می‌کرد قائم‌مقام را بر آن داشت که بتربیت وی همت گماشت و از هرگونه مساعدتی در حق او کوتاهی ننمود و روزی نظر بوی انداخته فرمود فرزند! تو در آتیه مشاغل مهمه را اشغال خواهی کرد و روزی بیاید که اگر مغرضین بگذارند کشتی شکسته مملکت را از گرداب بلا نجات خواهی داد، و مرحوم امیر در اثر قابلیت

ذاتی در تحت نظر معلمین خود علوم مختلفه را فراگرفته و در جوانی مردی دانشمند و قوی الاراده و تناور و با تجربه و کاردان برآمد و در دستگاه محمد خان زنگنه‌ئی که در آن ایام در دربار نایب السلطنه عباس میرزا امیر نظام بود وارد و در سلک مستوفیان وی داخل شد و در اثر خدمات برجسته و اراده خستگی‌ناپذیر محرم اسرار و طرف مشورت او در امور مهمه قرار گرفت تا موقعی که گریبایدوف روسی- چنان‌که در (۱۲۶۳ ج ۵ ص ۱۷۰۰ ش ۱۰۳۱) گذشت- بقتل رسید و بنا شد یک نفر از شاهزادگان باعتذار نزد ایمپراطور روسیه برود و خسرو میرزا ابن عباس میرزای نایب السلطنه برای این کار معلوم شد. عباس میرزا که نیز ملتفت مقام امیر از هرجهت و بخصوص حسن سلوک و معاشرت او با مأمورین خارجی شده در شوال سنه ۱۲۴۴ وی را بهمراه خسرو میرزا بروسیه روانه کرد و او در اثر حسن سیاست و اظهار کفایت این مأموریت را بخوبی انجام و در نتیجه پس از مراجعت وزیر نظام آذربایجان گردید.

و در سنه ۱۲۵۴ که نیکلای اول ایمپراطور روسیه بقفقاز آمد و از محمد شاه دعوت کرد که برای ملاقات یکدیگر بایروان برود و محمد شاه بواسطه سفر هرات عذر آورد و بنا شد ناصر الدین شاه با محمد خان زنگنه امیر نظام و چند نفر از مردان کارآزموده بخدمت ایمپراطور بروند، میرزا تقی خان ثانیا بروسیه رفته و بخدمت پادشاه روس رسید، و با هم

ص: ۱۸۸۶

بزبان روسی صحبت کرده و خیلی در نزد ایمپراطور پسندیده شده و به اعطاء دو أنفیه‌دان از طرف او سرافراز گردید.

و در سنه ۱۲۵۷ علیرضا پاشا از طرف دولت عثمانی شهر محمره را که اینک خرم‌شهر می‌گویند قتل و غارت نمود، و در سنه ۱۲۵۸ نجیب پاشا در کربلا همین کار را کرد، و در اثر آنها میرزا تقی خان به ارز روم رفته که با حضور نمایندگان دولتین روس و انگلیس قراری در جبران اینکار و اخذ خسارت آن از دولت عثمانی با سفیران دولت بدهند و این سفر چهار سال و خورده‌ئی طول کشید و از امیر کفایت و سیاست محیر العقول و کاردانیهای فوق العاده بظهور رسید، و در سنه ۱۲۶۳ بایران برگشت و به پیشکاری ناصر الدین شاه در تبریز بر- قرار و اهمیت و معروفیتی شایسته پیدا کرد، تا در سنه ۱۲۶۴ محمد شاه رحلت نمود.

چون خبر وفات محمد شاه بتبریز رسید میرزا تقی خان با خالی بودن خزانه در ظرف چند روزی بوسیله استقراض باعتبار شخصی خود چندین عرابه توپ و سرباز و سایر تجهیزات مجللانه فراهم کرده و در حفظ ولایت آذربایجان تدابیر عمیقانه نمود و دستورات کافی داده و ناصر الدین شاه را با ابهت و جلالی تمام از تبریز بتهران حرکت داد، و چون وی این کفایت و کاردانی را از میرزا تقی خان دید در بین راه منصب محمد خان زنگنه را که امارت نظام بود بمیرزا تقی خان داده و از این پس وی را امیر نظام گفتند که هم بجزء اولش (امیر) مشهور گردید.

تا در ۱۸ ذی القعده این سال (۱۲۶۴) ناصر الدین شاه را بتهران رسانید و در شب ۲۲ وی را بتخت سلطنت جلوس داد، و حاجی میرزا آقاسی وزیر محمد شاه از ترس خود بشاه عبد العظیم (ع) متحصن شد و چندین نفر دیگر منتظر الوزاره امیدها از خود ابراز داشتند لکن ناصر الدین شاه پی بمقام بزرگی او برده مقام صدارت عظمی را با اختیارات تامه بوی واگذار و او را اتابیک اعظم لقب داد.

میرزا تقی خان چون بمقام صدر اعظمی رسید و زمام امور ایران را در کف کفایت خود گرفت نتایج تجارب و کاردانی‌های چندین ساله خود را در مقام عمل نهاده و باصلاح امور مملکت پرداخت، اما چه مملکتی و چه ایرانی که در اثر سوء سیاست شاه و وزیر سابق

ص: ۱۸۸۷

چنان شیرازه‌اش از هم گسیخته که تصور نمی‌رفت باین آسانی‌ها بتوان بدان سر و صورتی داد، و این نابغه روزگار در اندک مدتی چنان شالوده‌ئی ریخت که می‌توان گفت اگر هنوز هم چیزی از ایران مانده از تدابیر او باقی می‌باشد، و شرح آنها از ترتیب امور لشگر و تعدیل مالیات‌ها و تنظیم دخل و خرج خزانه و سرکوبی چندین نفر از أشرار که هریک از گوشه‌ئی خروج کرده و درست یک ملوک الطوایفی تشکیل داده بودند و ترتیب امور تجارت و زراعت و اقتصاد ولایت و پیش‌بینی‌های غریبه‌ئی که نموده از نوشتن در این مقام خارج و در بسیاری از کتب باز نموده شده.

اما افسوس که عوامل داخلی و خارجی که هریک برای نفع شخصی از ایران و ایرانیان چشم پوشیده نتوانستند آن را به‌بینند و شاه را بوی بددل نموده و خواهی نخواهی وی را بر ضد او وادار کردند، و در نتیجه در ۱۸ محرم این سال از تمام مناصب و مراتب معزول و جلیل خان نیابت با صد سوار او را بقریه فین کاشان آورده و در آنجا محصور گردید، و زوجه‌اش عزة الدوله دختر محمد شاه چون این بی‌وفائی را از برادر خود دید ترک وفا ننمود، و بهمراه او بفین سفر فرمود و همواره وی را تسلی داده با غم او شرکت می‌کرد، تا معاندین رقم قتل او را از شاه گرفته و حاجی علیخان حاجب الدوله- که در (۱۲۸۵) بیاید- با دو سه نفر دیگر فراش غضب بقصد قتل او روانه کاشان گردیدند، و در روز یک‌شنبه هیجدهم ماه ربیع المولود این سال- مطابق (...) جدی ماه برجی- موقعی که امیر در حمام بود بغتة بدون این‌که بگذارند عزة الدوله مطلع شود وارد حمام فین شدند و حکم قتل را باو ارائه دادند و گفتند شاه فرموده که بهرطور خودش اختیار می‌کند او را بکشید!

آن بزرگ مرد چون حکم قتل را دید فرمود اطاعت دارم و بدون هیچ ترس و ضعفی خودش گفت تا هر دو دستش را فصد نموده از هر دستی دو رگ و دستها را بر زمین نهاده خون مانند فواره بجریان افتاد و شروع کرد بشرح خدمات خود نسبت بایران و حاجی علیخان همه را تصدیق نموده و از این مأموریت شرمنده گردید، تا ضعف بر وی طاری شده و از کثرت آمدن خون بیهوش بزمین افتاد و جان خود را برای ایران فدا نمود.

و پس از آن مأمورین بتهران حرکت و جسد او را بکربلا برده در حجره سالون پشت گنبد

ص: ۱۸۸۸

مطهر دفن کردند

و هم او را پسری بوده بنام میرزا احمد خان ساعد الملک که از اعیان زمان بشمار می- رفته. و دخترش امیرزاده خانم زوجه خان مؤتمن از سادات وهابیه تبریز بوده و از او فرزندانی داشته و در سال (۱۳۵۴) ذکری از او میشود، چنانکه در کتاب «رجال آذربایجان: ۱۹۵» فرموده.

و از «مجله یادگار. سال ۳ ش ۱ ص ۴۰» چنین برآید که وی از عزة الدوله دو دختر بنام تاج الملوک و همدم السلطنه داشته. تاج الملوک زن مظفر الدین شاه و مادر محمد علی شاه و ملقب به ام الخاقان شده. و همدم السلطنه زن ظل السلطان و مادر جلال الدوله و کوکب السلطنه و شوکة السلطنه بوده و در سنه ۱۲۹۶ وفات نموده، انتهی.

و در کتاب «امیر کبیر» تألیف میرزا فریدون آدمیت (ج ۱ چاپ ۲ ص ۹) نوشته که ام الخاقان دختری هم از مظفر الدین شاه بنام عزة الدوله داشت که زوجه عبد الحسین میرزا فرمانفرما گردید، و خودش پس از وفات مظفر الدین شاه بنکاح معتمد السلطنه درآمد و در وقتی که بسفر عتبات میرفت در صحنه بیمار شده و وفات کرد، انتهی.

و سید حسین مکی نیز کتابی بعنوان «زندگانی میرزا تقی خان امیر» در احوال او نوشته، چنان‌که در «الذریعه ۱۲: ۵۲ ش ۳۶۲» فرموده.

قتل مرحوم امیر چنان‌که نوشتیم روز یکشنبه ۱۸ ع ۱ بوده، لکن در کتاب «سالنامه پارس، سال ۱۳۰۸ شمسی در قسمت ۱ ص ۵۰» شرحی نوشته بخلاصه اینکه: تعطیل دوشنبه‌ها بعد از ظهر از روز دوشنبه ۵ آذر موقوف و به بعد از ظهر ۵ شنبه‌ها مقرر گردید «تعطیل دوشنبه‌ها پس از قتل امیر کبیر بأمر ناصر الدین شاه بر اثر پشیمانی و عذاب وجدانی از آثار آن عصر بود» انتهی.

و از این سخن «سالنامه» چنین برآید که قتل امیر ۲ شنبه بوده، و این مبنی بر اختلاف غره ماه ربیع الاول آن سال برؤیت و حساب بوده، یا این‌که قتل که یک‌شنبه بوده فردای آن را که دوشنبه بوده تعطیل رسمی قرار داده‌اند. و ۲ شنبه ۵ آذر را که نوشته این تعطیلات را موقوف داشتند مقصود ۵ آذر باستانی سال ۱۳۰۷ شمسی مطابق ۱۳ ج ۲ سنه ۱۳۴۷ هجری قمری است.

ص: ۱۸۸۹

و هم در «سالنامه» مذکور در محل مزبور نوشته که جلوس شاه را که ۲۵ آذر بوده و همه ساله تعطیل می‌کردند در همین روز موقوف داشتند، انتهی.

و نظیر این قتل امیر از رگ زدن دست و خون آمدن تا بیجان شود، در باره مطهر بن عبد اللّه وزیر عضد الدوله واقع شده که وی چون از مأموریتی که عضد الدوله در دفع دزدان بطیحه بوی داده بود و از عهده برنیامد خودش رگ‌های دست خود را زد و آن قدر خون آمد تا درگذشت، چنانکه در کتاب «شاهنشاهی عضد الدوله: ۲۲۷» نوشته.

❊ (۱۱۳۷- تولد مرحوم آقا فتحعلی زنجانی، ره)❊

وی چنان‌که در کتاب «فهرست مشاهیر علماء زنجان: ۹۷» نوشته، فرزند حاج ولی ابن علی عسکر و برادرزاده مرحوم ملا قربانعلی زنجانی است که در (۱۳۲۸) بیاید.

مرحوم آقا فتحعلی از علما و فقهاء بزرگ عصر خود بود، و در چهارشنبه بیستم ماه ربیع الاخر این سال، چنان‌که در «احسن الودیعه» نوشته- مطابق (...) دلو ماه برجی- متولد شده، و در نزد چندین نفر از اجله علما درس خوانده و کتب چندی تألیف کرده، از آن جمله کتاب «مفتاح اللباب» در شرح «خلاصة الحساب» که آنرا در تهران تألیف کرده و در ۱۷ صفر سنه ۱۲۹۲ از آن فارغ شده. و در سنه ۱۳۳۸ هزار و سیصد و سی و هشت در نجف وفات نموده، چنان‌که در «الذریعه ۹: ۸۰۷ ش ۵۴۴۶» فرموده، و آنجا وی را خواهرزاده ملا قربانعلی مذکور نوشته، و «دیوانی در اشعار فارسی» از او ذکر کرده.

ص: ۱۸۹۰

یکشنبه بیست و نهم جمادی الاولی سنه ۱۲۳۱ شمسی اول حمل ماه برجی

❊ (۱۱۳۸- تولد شیخ عبد العلی زنجانی)❊

وی فرزند ملا عبد الصمد بن ملا علی اکبر بن محمد سعید، و خود عالمی جلیل و فقیهی پارسا بوده، و همانا در سیزدهم ماه رجب الفرد این سال- چنان‌که در «نقباء البشر: ۱۱۴۱ ش ۱۶۶۷» فرموده با ملاحظه «فهرست علماء زنجان: ۷۳»- متولد شده، و در وطن خویش مقدمات و سطوح را درس خوانده، و هم بر میرزا قربانعلی زنجانی قرائت نموده، و سپس بنجف اشرف مشرف و در نزد شیخ محمد حسن مامقانی و فاضل شرابیانی درس خواند، و همچنین بمجالس دروس غیر آنها از أعلام آن زمان حضور بهم رسانید. و بالاخره زیاده بر ده سال در آن اراضی مقدسه بسر برد، و بدروس فقها و أبحاث ایشان ملازمت داشت، و از آنها بدریافت اجازت نائل گردید، و بعد از آن بزنجان برگشت و بتدریس و ترویج پرداخت.

و او مردی با صلاح و تقوی و ورع و نزد مردمان موثق بود، و بسیاری از مؤمنین بجماعت او حاضر میشدند، و استخاراتش مورد تجربه مردم آن حدود گردیده، و کتب چندی تألیف کرده: اول «شرح دعاء صباح». دویم «حاشیه بر رسائل شیخ انصاری».

و آخر، پس از مدت هشتاد سال و یازده ماه قمری عمر، در روز چهارشنبه سیزدهم ماه جمادی الاخری سنه ۱۳۴۹ هزار و سیصد و چهل و نه- مطابق ۱۳ ابان ماه باستانی- وفات کرد.

ص: ۱۸۹۱

❊ (۱۱۳۹- تولد صمد علی، عارف تهرانی)❊

وی بطوری‌که در «طرائق ۳: ۱۱۹» نوشته، نامش آقا محمد تقی ابن حاجی عبد الکریم تبریزی، و از جمله عرفاء عصر خود است که در شب آدینه بیست و هشتم ماه رجب الفرد این سال- مطابق (...) ثور ماه برجی- متولد شده، و در سنه ۱۲۹۱

بخدمت حاجی میرزا علینقی جنتعلی که در (۱۲۹۶) بیاید رسیده و داخل سلسله عرفان و ملقب به صمد علی گردید، چنان‌که هم در اشعار تخلص صمد می‌نماید. و پس از وفات جنتعلی بدعوای خلافت وی برخواست و جمعی باو ارادت ورزیده‌اند، و او تألیفاتی دارد: اول کتاب «مشکوة الحقیقه» در سیر و سلوک دویم «دیوان اشعار»، و این چند شعر از آن است:

الا ای دل بیا در کوی لیلی — ببین در کوه دل سینه چو سینا

مرا از چشم جنت داد روزی — که دیدم روی او با جمله اعضا

صمد خاموش شو لب را بهم نه — مکن أسرار دل دیگر هویدا

و له ایضا:

برویت ای شه خوبان بگو نقاب چراست — میان عاشق و معشوق این حجاب چراست

ص: ۱۸۹۲

❊ (۱۱۴۰- تولد میرزا محمود خان علاء الملک تبریزی)❊

وی فرزند میرزا سید علی اصغر بن میرزا رفیع بن میرزا ابو طالب وزیر ابن میرزا سلیم نایب الصدر، از نژاد علی ۱۱ الشاعر الشهاب است که در (۱۱۹۵ ج ۱ ش ۱۳ ص ۳۲) گذشت.

میرزا محمود خان از اعیان زمان خود بود که در آدینه غره ماه شعبان المعظم این سال- مطابق (...) ثور ماه برجی- متولد شده و در زمان مظفر الدین شاه و أدوار مشروطیت وزارت‌های چندی را تحمل نموده. و پس مدت هفتاد و پنج سال و نه ماه قمری و بیست و هفت روز عمر، در دوشنبه بیست و هفتم ماه جمادی الاولی سنه ۱۳۴۴ هزار و سیصد و چهل و چهار- مطابق ۲۳ آذر ماه باستانی- در طهران وفات کرد، و جنازه‌اش را بقم حمل کرده و آنجا دفن نمودند.

و کتابی بعنوان «گزارشهای سیاسی علاء الملک» بنام او منتشر شده که در «ماهنامه وحید، سال ۷ ش ۱۱ ش مسلسل ۸۳» چندی از آن نقل کرده.

❊ (۱۱۴۱- تولد مرحوم میرزا عبد الرحمن مدرس مشهدی، ره)❊

وی فرزند مرحوم میرزا نصر اللّه فارسی (۱۲۹۰) و خود از اعاظم علماء مشهد مقدس بوده و در شب سه‌شنبه دوازدهم ماه شعبان المعظم این سال- مطابق (...) جوزا ماه برجی- در شیراز متولد شده، و پس از تحصیل علوم در آن آستان قدس

بتدریس مشغول شد، و کتب چندی تألیف کرد از آن جمله: «تاریخ علماء خراسان» و غیره. و یکی از شاگردان او مرحوم ادیب پیشاوری (۱۲۶۰ ج ۵ ش ۹۶۲ ص ۱۶۲۳) است.

شرح احوال صاحب عنوان در «مطلع الشمس ۲: ۴۰۰» و «المآثر: ۱۵۹» و از همه

ص: ۱۸۹۳

بهتر «مجله ارمغان. سال ۲۵ ش ۴ صادره در خرداد ۱۳۳۰- شعبان- رمضان ۱۳۷۰ ص ۱۶۴» بنظر رسیده، و از این اخیر چنین برآید که وی علاوه بر اینکه از علما و فقها و در آستان قدس رضوی مدرس اول بوده؛ در نظم شعر عربی و فارسی تبحری تمام داشته و هم از اهل سیر و سلوک بوده، و نخست در ۴ سالگی در شیراز در مکتب مدرسه منصوریه که پدرش در آن مدرسه سمت تدریس داشته، نزد پدر خود و غیره بدرس خواندن مشغول شد، و در سنین هفت و نه و ده که رسید تقریرات دروس صرف و نحو و منطق خود را نوشته، و هم‌چنین تعلیقات و شروحی بر کتبی که درس می‌خواند مینوشت. و در ۱۱ سالگی بهمراه پدر بمشهد مقدس آمده مجاورت اختیار کرد، و آنجا در نزد چندین نفر از علما و فضلا مانند ملا عبد الرحمن شیخ الاسلام (۱۲۹۲) و پدر خود و میرزا محمد شاگرد حاجی ملا هادی سبزواری و حاج شیخ محمد رحیم بروجردی در انواع علوم شرعیه و ریاضیه و حکمیه درس خواند، و چندین کتاب تألیف کرد، از آن جمله:

اول «تاریخ علماء خراسان» که ذکر شد. دویم «تقریرات» دروس پدرش برای او در مشکلات صرف و اشتقاق، چهار هزار بیت. سیم کتاب «تراکیب اشعار و امثال و آیات مستشهد به در شرح قطر الندی» شش هزار بیت. چهارم «شرح بر البهجة المرضیه سیوطی» پنج هزار بیت. پنجم «شرح کبری» سید شریف، شش هزار بیت. ششم کتاب «حکمة العارفین» در سیر و سلوک بنظم. هفتم «اشعار عربی و فارسی» در سیر و سلوک و غیره که شطری از آنرا در «مجله» ذکر کرده.

و در سیر و سلوک خدمت میرزا باباء ذهبی (۱۲۸۶) ارادت داشته. و در (شمار ۵ همین مجله ص ۲۲۳) وفات او را در نیمه دویم صفر ۱۲۹۸ شمسی نوشته که مطابق عقرب ماه برجی سنه ۱۳۳۸ قمری بوده باشد.

و در «فهرست کتابخانه رضویه ۵: ۳۱۰ در پاورقی» وفاتش را در مشهد در سنه ۱۳۳۶ و قبرش را در ایوان طلای ناصری روضه رضویه گفته.

و ما در این کتاب در (۱۲۹۸) شرحی درباره «تاریخ خراسان» که در تألیفات او نوشتیم ذکر خواهیم کرد.

ص: ۱۸۹۴

بعد از نوشتن مرقومات فوق کتاب «تاریخ علماء خراسان» بنظر رسید و در مقدمه آن آقای ساعدی شرحی در احوال وی نوشته و ما در این کتاب از هر دوی آنها نقل می‌کنیم، و در آنجا در (ص ی) وفاتش را در نیمه دوم صفر سال ۱۳۲۸ و

مدفنش را در ایوان طلای صحن جدید ذکر کرده، و در آخر کتاب (ص ۳۲۵) در غلطنامه ۱۳۲۸ را نادرست و ۱۳۳۸ را درست، و در (ص ۱۳۴) که احوال مؤلف عنوان شده[1] وفات را در (۱۳۲۸ ه ۱۹۱۹ م) نوشته.

و ما را از این اقوال مختلفه چنین بنظر رسید که همان ۱۳۳۸ درست و ۱۳۲۸ غلط است.

❊ (۱۱۴۲- وفات مرحوم صابر علیشاه گرگویه‌ئی، ره)❊

گرگویه ناحیه‌ئی است از توابع اصفهان که در طرف میان مشرق و جنوب آن از نه فرسنگ تا بیست و پنج فرسنگ افتاده و آنرا در این ازمنه جرقویه بجیم و قاف می‌گویند.

و صابر علیشاه از اهل قریه نصرآباد این ناحیه و از معاریف عرفا و أرکان صوفیه عصر خود بوده، و از نخست بدلالت مرحوم حاجی شروانی خدمت مرحوم مجذوبعلیشاه رسید

---

(۱) آقای ساعدی در صدر همه عناوین تاریخ تولد و وفات معنونین را هر کدام معلوم بوده بهجری قمری و میلادی اضافه مینموده. منه.

از این تطبیق هم معلوم گردید که ۱۳۲۸ غلط چاپی است، چون ۱۹۱۹ م مطابق ۱۳۳۸ بوده. در اینجا اشاره باین مطلب لازم است که در شرح حال مختصری که از میرزا عبد الرحمن مدرس بقلم آقای سید محمد تقی مدرس رضوی «سلمه اللّه» در «یادداشتهای قزوینی ۸: ۲۶۷» چاپ شده و از جمله تألیفات او «تعریب گلستان سعدی» را ذکر کرده‌اند، تاریخ وفات آن مرحوم را باین صورت نوشته‌اند که خیلی غریب است: «وفاتش در دهه دوم سال ۱۳۱۸ شمسی هجریست» انتهی. م.

ص: ۱۸۹۵

آنگاه از خدمت رحمتعلیشاه تکمیل شد، و پس از وفات حاجی شروانی از طرف رحمتعلی شاه منصوب گردید و بأخلاق نیکو و صدق و صفا قلوب مؤالف و مخالف را بخود جذب نمود، و همواره یار و یاور فقرا و سالکان بود، تا در ماه رمضان المبارک این سال- مطابق (جوزا- سرطان) ماه برجی- در همان نصرآباد وفات کرد و هم آن‌جا دفن شده و اینک قبرش مزاری معروف است. و سه فرزند ذکور از او بازماند:

---

[1] (۱) آقای ساعدی در صدر همه عناوین تاریخ تولد و وفات معنونین را هر کدام معلوم بوده بهجری قمری و میلادی اضافه مینموده. منه.

از این تطبیق هم معلوم گردید که ۱۳۲۸ غلط چاپی است، چون ۱۹۱۹ م مطابق ۱۳۳۸ بوده. در اینجا اشاره باین مطلب لازم است که در شرح حال مختصری که از میرزا عبد الرحمن مدرس بقلم آقای سید محمد تقی مدرس رضوی« سلمه اللّه» در« یادداشتهای قزوینی ۸: ۲۶۷» چاپ شده و از جمله تألیفات او« تعریب گلستان سعدی» را ذکر کرده‌اند، تاریخ وفات آن مرحوم را باین صورت نوشته‌اند که خیلی غریب است:« وفاتش در دهه دوم سال ۱۳۱۸ شمسی هجریست» انتهی. م.

اول میرزا جعفر خان که در سنه ۱۳۰۴ در شیراز وفات کرد.

و دیگر آقا محمد باقر و حاجی زین العابدین که در نصرآباد زراعت می‌کرده‌اند.

و پس از فوت وی مرحوم رحمتعلیشاه امور صوفیه اصفهان را به آقا میر محمد علی مشهور به قناد اصفهانی واگذار کرد ولی طولی نکشید که او هم وفات کرد.

❊ (۱۱۴۳- وفات حاجی درویش حسن نقیب الممالک شیرازی)❊

حاجی درویش حسن از اهل محله بازار مرغ شیراز و مردی نقال و سخن طراز بوده و همواره لطایف حکم و مواعظ را بطور افسانه در مجالس اعیان و معاریف نقل می‌نموده، و مرحوم محمد شاه خیلی باو مایل بوده، و در این سال وفات کرد و چندین نفر فرزند باز نهاد:

اول حاجی میرزا احمد نقیب که در (۱۲۳۸ ج ۴ ش ۵۳۸) گذشت.

دویم حاجی میرزا محمود شیخ المحققین که علوم ادبیه و عربیه را نیکو فراگرفت و در نزد حاجی شیخ محمد مهدی کجوری که در (۱۲۹۳) بیاید علم فقه و اصول را درس خواند ولی روزگارش مهلت نداد و بجوانی وفات کرد و یک پسر از وی بنام شیخ علی بازماند که باستحقاق بلقب پدر نائل گردید.

سیم آقا میرزا ابو القاسم که در کمالات موروثی استاد بوده.

چهارم آقا میرزا محمد نقیب الاشراف که سفر یزد و کرمان و عراقین را نموده و آخر در تهران ساکن شده و چندین فرزند بنام میرزا ابو الحسن خان و میرزا جلال الدین خان که چند سال در لندن درس خوانده و میرزا حبیب اللّه و میرزا فضل اللّه باز نهاده.

ص: ۱۸۹۶

❊ (۱۱۴۴- تولد حاج میرزا حسین علوی سبزواری، ره)❊

شرحی از شعب سادات علوی سبزوار در (۱۲۶۲ ج ۵ ش ۱۰۱۰) گذشت[۲].

حاج میرزا حسین صاحب عنوان فرزند مرحوم میرزا حسن علوی، و خود از علما و ادبا و حکماء این عصر بود که در این سال متولد شده، و چنان‌که در «فهرست کتابخانه رضویه ۴: ۳۱۹ در پاورقی» نوشته بهفده سالگی با اجازت مرحوم حاج ملا

---

[۲] (۱) بشماره ج/ ۴۵ رجوع شود. رجوع شود بضمیمه« تاریخ علماء خراسان: ۳۷۹ ش ۵ و ۳۸۱». یادداشت مؤلف. و شماره متعلق بمجموعه نامه‌های واصله بمؤلف است. م.

هادی سبزواری بمجلس درس آن حکیم الهی حاضر شده و کتاب «أسفار» و سایر علوم حکمت را در آن مدرس مبارک تحصیل نموده، آنگاه بعتبات رفت و علوم شرعیه را در نزد فاضل اردکانی و میرزای شیرازی درس خواند، و چند ماهی بعد از وفات جلوه در مدرسه سپهسالار طهران در ریاضی و حکمت تدریس مینمود، و پس از آن بسبزوار بازگشت و در آن شهر مرجعیت و ریاستی تمام بهم رسانید. و در قبال مرحوم حاج میرزا حسین سبزواری (۱۲۹۶) بمیرزا حسین کبیر شهیر گردید، و چندین کتاب تألیف کرد:

اول «ارجوزه‌ئی در فلسفه عالیه». دویم «حاشیه بر فرائد شیخ» که فقط بر حجیت ظن و برائت در یک جلد است.

و در پنج‌شنبه بیست و سیم ماه شوال المکرم سنه ۱۳۵۲ هزار و سیصد و پنجاه و دو- مطابق ۱۹ بهمنماه باستانی- وفات کرد، چنان‌که در جلد ۱ «الذریعه: ش ۲۴۲۵» است، و در «جلد ۶ ش ۸۵۳» در سنه ۱۳۵۳ بدون ماه و روز نوشته، و ظاهرا وی همان باشد که در

---

(۱) بشماره ج/ ۴۵ رجوع شود. رجوع شود بضمیمه «تاریخ علماء خراسان: ۳۷۹ ش ۵ و ۳۸۱». یادداشت مؤلف. و شماره متعلق بمجموعه نامه‌های واصله بمؤلف است. م.

ص: ۱۸۹۷

«تاریخ سرتیپ» وفاتش را در سنه ۱۳۴۲ نوشته و اشتباه کرده، چنان‌که در «الذریعه» در هر دو موضع مذکور نام پدرش را محسن نوشته و آنچه ما حسین نوشتیم طبق نامه‌ئی است که آنرا سید محمد حسن علوی (۱۳۴۹) در «۲۰ شعبان ۱۳۷۲» بما نوشته و البته آن اصح از قول «الذریعه» است، و آنجا نوشته که دو دختر حاج میرزا عبد الکریم علوی (۱۳۳۷) در زوجیت حاج میرزا حسین مذکور بودند و هر دو در خانه وی بلاعقب وفات کردند، و وفاتش را در ۲۱ یا ۲۲ شوال مذکور ذکر کرده و گوید: اصل او از قریه آزاد منجر سه فرسنگی سبزوار است که هم اکنون طایفه وی آنجا سکنی دارند، و فرزندانش بعضی اهل علم بودند لکن در سلک غیر اهل علم درآمدند و فوت شدند، انتهی.

و بهرحال، وی پس از فوت در سبزوار در مقبره استاد مذکورش دفن شد، و او را شاگردان چندی است: اول سید عبد اللّه برهان سبزواری[۳]. دویم حاج میرزا علی اکبر نوقانی (۱۳۰۰).

و این حاج میرزا حسین صاحب عنوان ظاهرا همان باشد که در «مطلع الشمس ۳: ۲۱۹» او را بعنوان حاجی میرزا محمد حسین ذکر کرده و فرماید: میرزای شیرازی بر اجتهاد و مقامات فضل و علم ایشان تصدیق فرموده و بدادن فتوی مجاز نموده‌اند، انتهی. و نیز در «المآثر و الاثار: ۱۷۲» وی را بعنوان حاج میرزا محمد حسین مجتهد سبزواری ترجمه کرده و

---

[۳] (۱) شرح حال مرحوم سید عبد اللّه برهان المحققین در سال تولدش(۱۳۰۳) بیاید. م.

فرماید: در آن مملکت از مروجین شریعت است و می‌گویند از حجة الاسلام رئیس الشیعه حاج میرزا محمد حسن شیرازی تصدیق اجتهاد دارد، انتهی.

و دو نفر دیگر از علماء سبزوار که در اسم و عصر با این حاج میرزا حسین تقریبا شرکت دارند در (۱۲۹۶) و (۱۳۱۷) بیایند.

---

(۱) شرح حال مرحوم سید عبد اللّه برهان المحققین در سال تولدش (۱۳۰۳) بیاید. م.

ص: ۱۸۹۸

❊ (۱۱۴۵- تولد بدیع، نظام الشریعه خوانساری)❊

در «تذکره شعرای خوانسار: ۳۲»[۴] گوید: «میرزا رضا ملقب بنظام الشریعه و متخلص ببدیع فرزند محمد، از شعرای قرن اخیر است که در سال ۱۲۶۸ قمری بدنیا آمده. بدیع خط رقاع و ثلث و نسخ را بسیار زیبا مینوشت و در خط نسخ استاد بود، خود او در یک قطعه چنین ادعا کرده است:

تا کرده خدا لوح و قلم را ایجاد — کس خط ننوشته چون من و میر عماد

من در خط نسخ او خط نستعلیق — بودیم بعصر خویش هر یک استاد

قطعات و کتابهای خطی او کم‌نظیر و گرانبها و تماشائی است، مدار زندگانی بدیع بکتابت و نویسندگی أسناد و قباله‌جات و حکاکی و تعلیم خط و مساحت اراضی میگذشت و در ساختن مرکبهای برجسته و ثابت نیز مهارت داشت». تا آنکه گوید:

«کمال واقعی و هنر بدیع در ساختن ماده تاریخ بوده و این کار را بدرجه اعلا رسانیده است». سپس چند ماده تاریخ بعنوان نمونه از آن مرحوم آورده و گوید:

«بدیع در سال ۱۳۲۹ یکهزار و سیصد و بیست و نه قمری در شصت سالگی بمرض ذات الریه درگذشت و قبل از فوت برای سال تاریخ خود چنین نوشته است:

ماده تاریخ وفات این حقیر است:

بسان سکه و زر چون مرا ولای علی است — مقیم جنت فردوس کرد یزدانم

---

[۴] (۱) در نسخه اصل همین چند کلمه بیشتر نوشته نشده، لذا شرح حال بدیع را بتلخیص از مأخذ نقل کردیم. م.

«صدر المشایخ اختر که از نزدیکترین دوستان آنمرحوم بود قطعه را در مرگ او سروده که مشتمل بر ۱۲ بیت است و از هر ۲۴ مصراع این قطعه تاریخ فوت بدیع بدست میآید، این ماده تاریخ در شرح حال اختر نوشته شد. از آثار بدیع یک «مثنوی» بجای مانده که متمم «تاریخ منظومه» است الخ.

---

(۱) در نسخه اصل همین چند کلمه بیشتر نوشته نشده، لذا شرح حال بدیع را بتلخیص از مأخذ نقل کردیم. م.

ص: ۱۸۹۹

❊ (۱۱۴۶- تولد شیخ طاهر جزائری دمشقی)❊

وی فرزند شیخ صالح بن احمد، و خود از اهل علم و ادب زمان خویش بوده و شعر هم می‌گفته، و در اینسال- چنان‌که در «معجم المطبوعات العربیه: ۶۸۸» نوشته- در دمشق متولد شده[۵] و عشقی وافر بجمع کتب خطی و بحث در اطراف آن داشته، و در اثر همین خصلت کتابخانه‌ئی در مدرسه ظاهریه بدمشق تأسیس نموده و کتب متفرقه در آن جمع کرد، و هم در بیت المقدس کتابخانه‌ئی بنا نهاد و ظاهرا در سنه ۱۲۸۶ مفتش مکاتب در دمشق بوده. و در حدود ۱۳۳۲ از ترس أتراک بقاهره رفته و در حدود ۱۳۳۶ بدمشق برگشت و آنجا عضو مجمع علمی عربی و مدیر کتابخانه ظاهریه گردید. و او اعتنائی تمام بنشر کلمات و آثار

---

(۱) محمد کرد علی رئیس مجمع علمی عربی دمشق، پنجاه صفحه از مقدمه کتاب خود «کنوز الاجداد. ط دمشق ۱۳۷۰» را بشرح حال دوستش شیخ طاهر جزائری اختصاص، و ألحق تصویر جامعی از او بدست داده که یکی از بهترین سبک‌های نگارش تراجم احوال و شایسته اتباع است. در آنجا تاریخ ولادتش را در ربیع الثانی ۱۲۶۸ و وفاتش را در روز ۱۴ ربیع الثانی ۱۳۳۸ قید کرده. عناوین آن شرح حال از این قرار است: ۱- اصله و نشأته ۲- علمه و عمله ۳- اخلاقه و عاداته ۴- غرایب عاداته ۵- تآلیفه و رسائله ۶- رسائله الخاصة، و در آخر نیز تصویر یک نامه ۸ صفحه‌ئی بخط شیخ طاهر است.

---

[۵] (۱) محمد کرد علی رئیس مجمع علمی عربی دمشق، پنجاه صفحه از مقدمه کتاب خود« کنوز الاجداد. ط دمشق ۱۳۷۰» را بشرح حال دوستش شیخ طاهر جزائری اختصاص، و ألحق تصویر جامعی از او بدست داده که یکی از بهترین سبک‌های نگارش تراجم احوال و شایسته اتباع است. در آنجا تاریخ ولادتش را در ربیع الثانی ۱۲۶۸ و وفاتش را در روز ۱۴ ربیع الثانی ۱۳۳۸ قید کرده. عناوین آن شرح حال از این قرار است: ۱- اصله و نشأته ۲- علمه و عمله ۳- اخلاقه و عاداته ۴- غرایب عاداته ۵- تآلیفه و رسائله ۶- رسائله الخاصة، و در آخر نیز تصویر یک نامه ۸ صفحه‌ئی بخط شیخ طاهر است.

کرد علی در ص ۹ گوید که شیخ طاهر از کودکی مفتون کتب ابن تیمیه بود و لذا بسیاری از تألیفات او را چاپ کرد و رواج داد با اینکه عموم فقهاء عصر؛ ابن تیمیه را تکفیر مینمودند.

بعد میگوید شیخ طاهر مسلمانی بود مجتهد و آزاد، نه حنبلی بود و نه مالکی و نه حنفی، و گاه در مسائل حق را بعلماء شیعه و گاه به اباضیه و گاه نیز بمعتزله می‌داد. و در ص ۲۶ او را به گاندی فیلسوف هندی تشبیه نموده است. م.

کرد علی در ص ۹ گوید که شیخ طاهر از کودکی مفتون کتب ابن تیمیه بود و لذا بسیاری از تألیفات او را چاپ کرد و رواج داد با اینکه عموم فقهاء عصر؛ ابن تیمیه را تکفیر مینمودند.

بعد میگوید شیخ طاهر مسلمانی بود مجتهد و آزاد، نه حنبلی بود و نه مالکی و نه حنفی، و گاه در مسائل حق را بعلماء شیعه و گاه به اباضیه و گاه نیز بمعتزله می‌داد. و در ص ۲۶ او را به گاندی فیلسوف هندی تشبیه نموده است. م.

ص: ۱۹۰۰

ابن مقفع فارسی داشته. و خود چندین کتاب تألیف نموده:

اول کتاب «اتمام الانس» در عروض فرس. دویم کتاب «اختصار شرح کتاب امنیة الالمعی و منیة المدعی» تألیف رشید ابن الزبیر در ملح و فکاهیات که در آن علوم چندی را درج کرده و صاحب عنوان در این اختصار تتمه‌ئی بر آن علوم و موضوعات آنها نوشته. سیم کتاب «ارشاد الالباء» در طریق تعلیم الف با، که در آن در أشکال و معانی و أعداد و ترتیب و رسم و حرکات و ضبط حروف هجا بحثی وافی نموده، و آن قسم اول از کتاب «مراقی علم الادب» او است که آنرا سه قسم قرار داده، و دویم آن کتاب التمرین، و سیم کتاب تدریب است که هر دو بیاید. چهارم کتاب «بدیع التلخیص و تلخیص البدیع» که آن قصیده بدیعیه‌ئی است بدین مطلع:

بدیع حسن بدور نحوذی سلم قد راقنی ذکره فی مطلع الکلم

با شرح آن. پنجم کتاب «تدریب اللسان» بر تجرید بیان که قسم سیم «مراقی» است.

ششم کتاب «تسهیل المجاز» بسوی دو فن معما و ألغاز. هفتم کتاب «التقریب» برای اصول تعریب که در آن بحث در اطراف بعضی از معربات و راه تعریب نموده.

هشتم کتاب «تلخیص ادب الکاتب» ابن قتیبه که در «الذریعه ۴ ش ۱۸۴۸» نوشته.

نهم کتاب «التمرین» بر بیان و تبیین که قسم دویم «مراقی» است.

دهم کتاب «تمهید العروض» بسوی فن عروض. یازدهم کتاب «توجیه النظر» بسوی اصول علم اثر (یعنی مصطلح حدیث). دوازدهم کتاب «جدول الحروف» در اشکال حروف عربی قدیم و یونانی و هندی و غیره.

سیزدهم کتاب «الجواهر الکلامیه» در عقائد اسلامیه و توحید. چهاردهم کتاب «حدائق الافکار» در دقایق اشعار. پانزدهم کتاب «الحکم المنثوره».

شانزدهم دائرهئی در معرفت اوقات و ایام. هفدهم رسائل متفرقه در علم خط. هیجدهم «شرح خطب ابن نباته». نوزدهم «شرح کتاب کافی» خودش که اینک ذکر میشود. بیستم کتاب «عمدة المغرب و عمدة المعرب» که آن قصیدهئی است در الفاظ نحویه. بیست و یکم کتاب «الفوائد الجسام» در خواص أجسام.

ص: ۱۹۰۱

بیست و دویم کتاب «کافی» در منشأ و اشتقاق لغت که گفتیم خودش شرحی بر خطبه آن نوشته. بیست و سیم کتاب «مدخل الطلاب» بسوی علم حساب. بیست و چهارم کتاب «مد الراحه» برای گرفتن مساحه.

کتاب «مراقی علم الادب» که چون أجزاء آنرا در عدد آوردیم خودش را نیاوردیم.

بیست و پنجم کتاب «منیة الاذکیا» در قصص انبیاء که ترجمه از ترکی است.

بیست و ششم کتاب «میزان الافکار» در شرح «معیار الاشعار» که ظاهرا مقصود «معیار- الاشعار» محقق طوسی باشد، در عروض و قوافی.

و او پس از مدت هفتاد سال قمری عمر، در سنه ۱۳۳۸ هزار و سیصد و سی و هشت وفات کرد.

❊ (۱۱۴۷- تولد میرزا عباسقلیخان سپهر، مشیر افخم، ره)❊

وی فرزند مرحوم میرزا محمد تقی سپهر (ره) است که در (ج ۲ سال ۱۲۱۶ ص ۵۸۰ ع ۲۳۷) گذشت، و خود از اجله فضلا و اعاظم رجال دربار ناصری و مظفری بود، و بتألیف کتب نفیسه نافعه تاریخی که بسیاری از آنها در احوال حضرات ائمه اطهار (صلوات اللّه علیهم) از روی خلوص نیت و حسن عقیدت تألیف شده شهرتی مهم بهم رسانیده.

شرح احوال وی بطور اختصار در «المآثر و الاثار: ۱۹۰ س ۲» ذکر شده و آنجا درباره او فرماید: «منشی و شاعر و در این دو فن شریف هر دو ماهر». و توصیفی از او در تتبع و استقراء و احاطه و استقصا و سایر شرایط تألیف نموده، و هم خود وی در دیباچه جلد دویم «احوال حضرت امام محمد باقر علیه السلام» فهرستی از تألیفات خود نوشته. و در «روزنامه شرف.

ش ۷۳ سال ۱۳۰۷» و «ریحانة الادب» نیز احوال او ذکر شده.

و بهتر از همه شرحی است که آقای جهانگیر قائم‌مقامی در مقدمه «تاریخ قاجاریه» تألیف مرحوم پدرش سپهر بزرگ در (ص ۲۱) نوشته که جامع مواضع مذکوره و مغنی از همه می‌باشد.

ص: ۱۹۰۲

و از این مآخذ کلا چنین برآید که وی در این سال- بنص این مأخذ- از بطن دختر نیک اختر فتحعلیخان ملک الشعرا (چنان‌که در ص ۱۸ فرموده) متولد شده، و پس از تحصیلات لازمه در سنه ۱۲۸۷ بخدمات دولتی در آمد و بسمت منشی مخصوص وزارت خارجه بکار پرداخت، و در سنه ۱۲۹۳ داروغه دفتر وزارت خارجه گردید، بعد از آن رئیس مجلس اجراء و أحکام آن وزارتخانه، و در سنه ۱۲۹۹ منشی اول و در سنه ۱۳۰۰ نایب دویم وزارت خارجه شد، و در خلال این ایام مأموریت ترجمه کتاب «وفیات الاعیان» تألیف ابن خلکان را یافت و او شروع بدین کار نموده و اصل کتاب را بر چهار بخش قسمت نموده و از بابت شرح و تفصیلی که در آن بکار برده هر ربعی را در چند جلد ترجمه کرد چنان‌که ذکر می‌کنیم.

و در سنه ۱۳۰۴ ملقب به سپهر ثانی شد و بنیابت اول وزارت خارجه ارتقاء یافت (در مقدمه آقای قائم‌مقامی اشتباها این نیابت را نیز مانند اول نیابت دوم نوشته). و پس از چند ماه بخدمت وزارت عدلیه در آمد و مستشار الوزاره لقب یافته و مستوفی دویم دیوان گردید. و بعد از سال ۱۳۰۷ مستوفی اول دیوان شد. و در سنه ۱۳۱۱ وزیر دار الشوری گردید. و خودش در بسیاری از تألیفات درباره خویش نوشته: «مستوفی اول دیوان اعلی و وزیر تألیفات مجلس شورای کبری».

و بالاخره تا بعد از قتل ناصر الدین شاه هم در خدمات دولتی بوده لیکن بعنوان نگارش و کارهای علمی، و پس از پیدایش مشروطیت دست از همه کشیده و فقط بکار تألیف پرداخت.

و اینک شرح تألیفات او بترتیب حروف اوائل اسماء آنها تقریبا:

همانا آن مرحوم خود در خاتمه کتاب احوال حضرت امام زین العابدین (ع) صورتی از تألیفات خویش که تا سنه ۱۳۱۶ تألیف نموده نوشته که ما آنرا با آنچه در مقدمه قائم- مقامی (ص ۲۲) ذکر کرده با یکدیگر ملفق نموده و می‌نویسیم و چنین گوئیم که در مقدمه مزبوره فرموده که آثار او قریب نهصد هزار بیت است، و منظور از بیت سطرهای بطول سطور مجلدات «ناسخ التواریخ» می‌باشد، انتهی.

اول «احوال حضرت امام زین العابدین علیه السلام» در دو جلد، صد هزار بیت که ۲۰۳۰ صفحه رحلی بزرگ است و انجام تألیف ج ۱ آن سنه ۱۳۱۲. دویم «احوال حضرت

ص: ۱۹۰۳

امام محمد باقر علیه السلام» سه جلد ایضا صد هزار بیت که جلد سیم آن ۶۷۵ صفحه رحلی ۲۵ سطری است، انجام تألیف آن سنه ۱۳۲۳ و خود در ربیع الاول سنه ۱۳۲۴ فهرستی برای آن تنظیم کرده. سیم «احوال حضرت صادق علیه السلام» چهار جلد قریب ۳۰۰۰۰ بیت و جلد پنجم آن در ۱۳۳۴ در دست تألیف بوده. چهارم «احوال حضرت کاظم علیه السلام» در سه جلد بزرگ، آغاز تألیف جلد دویم آن شنبه ۲۰ ذی القعده سنه ۱۳۲۴ انجامش ۵ شنبه ۱۱ ج ۱ سنه ۱۳۲۶ و آغاز تألیف ج ۳ همین روز ۱۱ مذکور و انجام آن روز ۵ شنبه ۱۵ شعبان سنه ۱۳۴۰ چنان‌که در اول و آخر آنها نوشته. پنجم «احوال حضرت رضا علیه السلام ۱۵۰۰۰ بیت. ششم «احوال اولاد ناصر الدین شاه». هفتم «احوال سلاطین بنی آشور و بابل». هشتم کتاب «ارشاد الخلایق» در احوال حضرت رسول و ائمه و آباء و اجداد ایشان تا حضرت آدم علیهم السلام ۱۰۰۰۰

بیت. نهم کتاب «برهان النبوه ناصری» در اثبات نبوت خاصه ۵۰۰ بیت. دهم «تاریخ بنی امیه» چهار جلد که جلد دویم آن بقطع وزیری بزرگ در ۷۱۵ صفحه ۱۷ سطری است، انجام تألیف آن ذی الحجه سنه ۱۳۲۰.

یازدهم «تاریخ دولت مظفر الدین شاه». دوازدهم کتاب «تذکره ناصری» در احوال شعرای عصر ناصر الدین شاه که جلد اول آن بنام «اوصاف ناصری» است. سیزدهم «ترجمه احتجاج ابو الندیل». چهاردهم «ترجمه رساله روزنامه انگلیس». پانزدهم «ترجمه عوامل جرجانی» بفارسی در نحو. شانزدهم «ترجمه کتاب الفوائد الضیائیه» که «شرح جامی» باشد بر «کافیه ابن حاجب» در نحو. هفدهم «خلاصه سفرنامه میرزا فضل اللّه خان در ماچین». هیجدهم «خلفای عباسی». نوزدهم دیباچه‌هائی بر بعضی از کتب.

بیستم «دیوان اشعار» پنج هزار بیت.

بیست و یکم «رساله‌ئی در نتایج احوال روی زمین». بیست و دویم کتاب «سلوک الملوک مظفری» در گفتار و رفتار پادشاهان و حکما و دانشمندان ۱۵۰۰ بیت.

بیست و سیم کتاب «شامل التواریخ مظفری» دو جلد در احوال سلاطین مغول ۲۰۰۰۰ بیت، انجام تألیف آن ۵ ج ۲ سنه ۱۳۱۶. بیست و چهارم کتاب «شبستان اندرز ناصری» در سه جلد بسبک «کلیله و دمنه». بیست و پنجم «شرح عوامل جرجانی» که ظاهرا غیر از

ص: ۱۹۰۴

ترجمه آن است که گذشت. بیست و ششم کتاب «طراز المذهب مظفری» در احوال حضرت زینب کبری علیها السلام، بیست هزار بیت. بیست و هفتم کتاب «محمود التواریخ مظفری» در احوال سلطان محمود غزنوی ۳۰۰۰ بیت. بیست و هشتم «مختصر احوال اجداد سلاطین قاجاریه». بیست و نهم و سی‌ام کتاب «مختصر مظفری که دو کتاب بدین نام تألیف کرده، یکی «مختصر تاج المآثر» صدر الدین حسن نظامی ۱۳۰۰۰ بیت، و دیگری «مختصر آئین اکبری» ابو الفضل هندی ۱۲۰۰۰ بیت، هر دو بنام مظفر الدین شاه.

سی و یکم کتاب «مستجمع الاجوبه» در أجوبه حاضره ۱۰۰۰۰ بیت. سی و دویم «جواب‌های عرایض زردشتیان» که بپارسی سره نوشته. سی و سیم کتاب «مشکوة الادب ناصری» در ترجمه «وفیات» که ذکر کردیم و نوشتیم که آنرا بر چهار ربع قرار داده هر ربعی چند جزء یا جلد. جزء اول از ربع اول چهل هزار بیت. جزء اول از ربع دویم بیست و پنج هزار بیت. جلد دویم از ربع دویم بیست هزار بیت. جزء اول از ربع سیم سی هزار بیت. جزء دویم از ربع سیم بیست هزار بیت. سی و چهارم مطالب ادبیه و نحویه سی هزار بیت. سی و پنجم مقالاتی در بعضی مطالب دولتی. سی و ششم «منتخب بعضی از لغات فارسی». سی و هفتم «منشئات و تلفیقات مخصوصه» ۵۰۰۰ بیت. سی و هشتم کتاب «مهر و سپهر» در مطالب متفرقه مفید بحال عامه ۵۰۰۰ بیت.

مرحوم سپهر چون در تواریخ و احوال ائمه علیهم السلام کتاب می‌نوشته و آن مستلزم نوشتن احادیث آن بزرگواران بوده نه تنها مردی مورخ بشمار می‌رفته بلکه می‌توان وی را در عداد محدثین بشمار آورد، و گویا خود هم متوجه این دقیقه بوده که از مرحوم حاج ملا فیض اللّه دربندی از علماء معروف طهران در آن زمان استجازت نموده، و وی در سنه ۱۳۰۳ اجازه‌ئی برای او نوشته که صورت آن در پشت جلد دویم احوال حضرت امام زین العابدین علیه السلام بدین نحو ذکر شده:

بسم اللّه الرحمن الرحیم. الحمد للّه الذی خلق الانسان و علمه البیان و أنزل الفرقان و أوضح سبیل الهدی و الایمان بمحمد سید الانس و الجان الذی خصه اللّه عز و جل بالفرقان و جعله لسان محکمات آثار الحسان ناسخا لاحکام

ص: ۱۹۰۵

ساير الاديان معبرا بلسان الوحی من تاريخ سوالف الازمان و مواضی الاعوام و الايام، صلی اللّه عليه و آله السفراء المعصومين الذين هم تراجمة وحی اللّه سيما ابن عمه و اخيه و وصيه و وزيره علی امير المؤمنين الذی هو لسان وحی اللّه فی ملكه و ملكوته و آية هيبة اللّه فی عظمته و جبروته.

و بعد، فانی لما رأيت منبع الفضائل و معدن الفواضل قطب دائرة الكمال و بدر دائرة الفضل و الافضال ذا الحسب المنيع و المجد الرفيع أعنی به نائب الوزارة الجليلة الخارجة مقرب الخاقان و مؤتمن السلطان الا ميرزا عباسقليخان الملقب بسپهر- دام اجلاله العالی- ابن المرحوم المبرور الملقب بلسان الملک الساكن فی اعلی غرفات الجنان و حليف خازن فراديس رضوان، الذی نسخ تاريخ ناسخه تواريخ الكفرة من اهل النيران؛ قد صنف كتابا جامعا لجوامع ما يتعلق بحالات مولانا و امامنا و سيدنا و مقتدانا الامام الهمام زين العابدين و سيد الساجدين علی بن الحسين بن علی بن ابی طالب عليهم- الصلوة و السلام، و هو الكتاب الذی أسفر عنه وجه الفجر و توج به مفرق الدهر و يباهی به أبناء العصر و يتعلق بكعبة الفضل، صحيفة تنشر الزهر علی صفحات الحدائق و تغرس الدرفی رياض المهارق، و لقد تحيرت فی وصفه فتارة اقول انه الماء المرىء و اخری أرجحه علی العيش الهنىء و آونة اشبهه بالسحر البابلی؛

كتاب كأن اللّه قال لحسنه — تشبه بمن قد خطک اليوم فأتمر

فأين بيان الصبح من وجه فضله — و هيهات أين الفجر من صفة القمر

و لعمری لقد أهدی هذا الكتاب الی معاشر الموالين محاسن الدنيا و الدين بما تضمن من احوال سيد الساجدين و سند العابدين، عليه و علی آبائه و أبنائه المعصومين افضل صلوات المصلين.

فاستخرت اللّه تعالی أن أجيز له فی الروايات فأجزت له بعد ما استجازنی رواية ما رويته عن مشايخی الثقات بأسانيدی المتصلة الی النبی و الائمة الهدات، عليه و عليهم السلام و الصلوة. منها ما أرويه عن شيخی

ص: ۱۹۰۶

الاجل الانبل الاوحد الاشيم الافضل الحاج المولى على الطهرانى الاصل النجفى المسكن و المدفن ابن المرحوم الحاج الاميرزا خليل بن ابراهيم بن محمد على الرازى رحمهم اللّه تعالى. عن الشيخ العالم الورع التقى النقى الشيخ جواد بن الشيخ تقى مولى كتاب. عن شيخه الشريف السيد جواد العاملى صاحب «مفتاح الكرامة» رحمه اللّه تعالى. عن السيد العلامة السيد محمد مهدى.

عن المشايخ الذين منهم المحقق البهبهانى (ره) الاقا محمد باقر بن محمد اكمل. عن أبيه. عن جماعة منهم الاقا ميرزا محمد الشروانى (ره) و الشيخ جعفر القاضى (ره) و محمد شفيع الاسترابادى، بأسانيدهم عن الائمة الطاهرين صلوات اللّه عليهم اجمعين.

و منهم المولى محمد باقر الهزار جريبى عن اساتيده محمد بن محمد زمان و اميرزا ابراهيم القاضى باصبهان بحق روايتهما عن الامير محمد حسين بن امير محمد صالح و محمد طاهر بن مقصود على و محمد قاسم بن محمد رضا الهزار جريبى الطبرسى (ره) جميعا عن مولينا الاعظم المولى محمد باقر المجلسى (رحمه اللّه تعالى) بأسانيده المتصلة اليهم (صلوات اللّه عليهم اجمعين) المذكورة فى أربعينه.

و منهم الشيخ يوسف البحرانى صاحب «الحدائق» (ره) عن الشيخ حسين الماحوزى البحرانى و الشيخ عبد اللّه بن على البلادى عن شيخهما الشيخ سليمان بن عبد اللّه الماحوزى و الشيخ سليمان بن على الشاخورى عن الشيخ على بن سليمان المتقدم البحرانى عن شيخه الشيخ بهائى عن ابيه حسين بن الشيخ عبد الصمد الحارثى عن شيخه الشهيد الثانى (ره) الشيخ زين الدين العاملى الجبعى. و روى الشيخ سليمان بن عبد اللّه الماحوزى المتقدم أيضا عن الشيخ احمد بن الشيخ محمد بن يوسف عن الشيخ على بن سليمان المتقدم. و روى الشيخ احمد المذكور عن السيد محمد مؤمن الحسينى الاسترابادى صاحب كتاب «الرجعة» عن السيد نور الدين عن أخويه أحدهما لابيه و هو صاحب

ص: ۱۹۰۷

«المدارک» و الاخر لامه و هو صاحب «المعالم» (ره) عن جماعة منهم والد صاحب «المدارک» السيد على و منهم الشيخ حسين بن عبد الصمد. و للشيخ سليمان الماحوزى المذكور طرق يوجب ذكرها التطويل المنافى لغرض المستجيز (دام اقباله العالى). و للسيد محمد مهدى الطباطبائى (ره) صاحب «المنظومة الغروية» طرق اخر أيضا. و أيضا أجزت لجناب المستجيز أن يروى عنى ما رويته عن السيد (رحمه اللّه) بفروعه و شعبه، ملتمسا منه أن لا ينسانى من الدعوات فى الخلوات و مظان الاستجابات، انه تعالى غافر الخطيئات و ولى الحسنات و انه عز و جل قريب مجيب. كتبه بيده الدائرة الجانية الفانية خادم الاخبار أحقر عباد اللّه المستفيض من فيض اللّه فيض اللّه الدربندى الشروانى فى دار الخلافة طهران يوم السبت من شهر رجب من شهور سنة ۱۳۰۳.

* بالاخره مرحوم سپهر در نوزدهم ماه جمادى الاخرى سنه ۱۳۴۲ هزار و سيصد و چهل و دو در طهران وفات كرده، چنان‌كه در مقدمه قائم‌مقامى (ص ۲۲) نوشته، و آن مطابق شنبه ۶ دلو ماه برجى بوده.

و چنان‌که خود در کتاب «احوال حضرت کاظم (ع): ۴۴ و ۴۵» فرموده زوجه وی دختر محمد حسین خان معظم الملک فرزند احمد خان بن محمد حسین خان بن قاسم خان قاجار (که در ۱۲۲۰ ج ۳ ص ۶۷۶ در عنوان سلیمان خان عزت گذشت) بوده، انتهی.

و در صفحه مرقومه مقدمه قائم‌مقامی فرماید که دو پسر از او باز ماند:

اول میرزا محمد تقی خان مستوفی ملقب بکمال السلطنه (که در ۱۳۲۹ بیاید). دویم عبد المجید سپهر که پس از وفات پدر بدنیا آمده و مدیر «روزنامه واهمه» و در صفحه مرقومه فرماید در قید حیات است.

* و چون ما تاریخ تولد و وفات حاج ملا فیض اللّه مرقوم را نمیدانیم باید در اینجا بگوئیم که در «المآثر و الاثار: ۱۶۲ س ۲» عنوانی مخصوص برای او آورده و در آن فرماید:

ص: ۱۹۰۸

«عالمی فاضل و محدثی کامل است، اصلا از باب الابواب داغستان و فعلا در دار الخلافه طهران می‌باشد، در تفسیر و حدیث و فقه و اصول و ادبیات مهارتی وافر دارد، و در نهی از منکرات و حفظ حدود شرعیه و ارغام انوف ظلام بی‌اختیار است، أحیانا بوعظ مسلمین و تشکیل مجالس ارشاد و هدایت عامه می‌پردازد و مردم را باستماع تحقیقات و مطالب وی ولعی عظیم و میلی مفرط است، چرا که باحاق شریعت مقدسه موافق سخن می‌راند و از تأویل و تطبیق مابین و ظاهر و باطن که سیره سایرین است اجتنابی سخت می‌ورزد، اینک بدار الخلافه نزد خواص و عوام قرین قبول تام و در نهایت اعزاز و احترام است» انتهی.

و دیدی که وی از مرحوم حاج ملا علی میرزا خلیلی روایت می‌کند، و خود اجازت روایت بمرحوم صاحب عنوان داده.

* (۱۱۴۸- تولد سید عبد الحسین آل کمونه نجفی، ره)*

آل کمونه یک سلسله از سادات حسینی میباشند که نژادشان منتهی می‌شود بأبو منصور جعفر (۱۸) بن ابو منصور (۱۷) بن طراد (۱۶) بن شکر (۱۵) الاسود بن ابو جعفر النفیس هبة اللّه (۱۴) بن ابو الفتح محمد ۱۳ نقیب کوفه ابن ابو طاهر عبد اللّه (۱۲) بن ابو الفتح محمد (۱۱) معروف بابن صخرة بن محمد (۱۰) الاشتر اعرجی که در (۱۲۱۰ ش ۳) گذشت.

و آنها را بنسبت عبد اللّه (۱۲) بنی عبد اللّه نیز گویند.

و سید عبد الحسین صاحب این عنوان فرزند سید علی بن سید محمد بن سید ثابت نجفی از این خانواده و از ادباء عصر خود بود. و او در این سال در بروجرد متولد شده و هم آنجا نشو و نما و توطن نموده چندان که ببروجردی معروف شده و تألیفاتی دارد: اول «ارجوزه‌ئی در رجال». دویم «کتابی در اصول فقه» در دو جلد ۱- در مباحث الفاظ ۲- در برائت و اشتغال.

ص: ۱۹۰۹

و پس از مدت شصت و هشت سال قمری عمر در سنه ۱۳۳۶ هزار و سیصد و سی و شش در نجف وفات کرد[۶].

❊ (۱۱۴۹- تولد مجدی، ملک الکلام کردستانی)❊

وی مجد الدین عبد المجید بن کریم و خود عالمی عظیم بوده که در اینسال در سقز متولد شده و در صغر سن بواسطه استعداد فطری در نظم و نثر قدرتی وافر بهم رسانیده و مسافرت بکردستان و کرمانشاهان و طهران و تبریز و اصفهان نموده و بصحبت بزرگان رسیده، تا آخر در سنندج متوطن شده و تألیفاتی فراهم فرموده: اول «دیوان اشعار». دویم «منظومه مجدیه».

و آخر در حدود (۵- ۱۳۴۴) وفات کرده، چنانکه در کتاب «مؤلفین کتب چاپی ۴: س ۵ و ۶» تألیف خانبابا مشار فرموده.

❊ (۱۱۵۰- تولد شیخ علی فومنی رشتی)❊

وی فرزند ملا حسین بن ملا محمد علی فومنی است.

ملا محمد علی قاضی نواحی فومنات رشت بوده. فرزندش ملا حسین از علما و زهاد بوده و در سنه ۱۲۸۷ وفات نموده و در کربلا دفن شده.

فرزندش شیخ علی صاحب عنوان از علماء این عصر بود، و او در این سال در رشت متولد شده و در خدمت چندین نفر از اعاظم علما درس خوانده تا در علوم معقول و منقول

---

(۱) شرح حال نسبة مفصلی از صاحب عنوان در «نقباء البشر: ۱۰۵۳- ۱۰۵۶» موجود و آنجا تولدش را در بروجرد در روز دوشنبه ۱۶ ذی الحجه ۱۲۶۸ و وفاتش را در نجف اشرف در ماه رجب ۱۳۳۶ و مدفنش را در صحن شریف مرتضوی نوشته است. م.

ص: ۱۹۱۰

تبرزی تمام بهم رسانید، و چهار جلد کتاب در «اصول» و هشت جلد در «فقه» تألیف کرد، و در شب آدینه بیست و سیم ماه ربیع الاخر سنه ۱۳۲۷ هزار و سیصد و بیست و هفت- مطابق ۲۴ ثور ماه برجی- در رشت از ضرب گلوله چندین نفر که در شب ۲۲ بخانه او ریختند و بر او گلوله زدند درگذشت و جسدش را در رشت امانت نهاده و پس از آن بکربلا بردند و آنجا در حجرهٔی از زاویه جنوبی و شرقی صحن حسینی (ع) دفن کردند، چنانکه در «شهداء الفضیله: ۳۶۸» نوشته.

---

[۶] (۱) شرح حال نسبة مفصلی از صاحب عنوان در« نقباء البشر: ۱۰۵۳- ۱۰۵۶» موجود و آنجا تولدش را در بروجرد در روز دوشنبه ۱۶ ذی الحجه ۱۲۶۸ و وفاتش را در نجف اشرف در ماه رجب ۱۳۳۶ و مدفنش را در صحن شریف مرتضوی نوشته است. م.

❊ (۱۱۵۱- تولد مرحوم شیخ علی آل کاشف الغطا، رحمة الله علیه)❊

وی فرزند مرحوم شیخ محمد رضاء آل کاشف الغطاء نجفی است که در (۱۲۹۷) بیاید.

مرحوم شیخ علی (اعلی اللّه مقامه) از اجله علماء متتبعین نجف اشرف است، و در این سال- چنان‌که در «الاسناد المصفی: ۳۶» نوشته- متولد شده[۷].

و پس از تحصیل علوم سفرها بایران و غیره نموده، و در اثر آن تتبعی تمام و اطلاعی کافی در احوال علما بهم رسانیده، و چندین هزار جلد کتاب که بسیاری از آنها از نفائس و منفردات کتب است جمع کرده و زیاده بر صد جلد از آنها را بخط خود نوشته و کتاب خانه‌ئی بغایت مهم فراهم نموده، و چندین کتاب هم خود تألیف کرده از آن جمله کتاب «نهج الصواب» در کتابخانه‌ها و کتابت و کتاب. و از چندین نفر روایت کرده و هم چندین نفر از او روایت می‌کنند. و آخر در بامداد روز سه‌شنبه غره ماه محرم الحرام سنه ۱۳۵۰ هزار و سیصد و پنجاه- مطابق ۲۸ اردی بهشتماه باستانی- وفات کرده، و در مقبره آل کاشف الغطا در نجف دفن شد.

و او را فرزندان چندی بود: اول شیخ احمد که در (۱۳۴۴) بیاید. دویم شیخ محمد حسین (۱۲۹۵).

---

(۱) چون که در «نقبا: ۱۴۳۷ ش ۱۹۴۹» مخصوصا نوشته که «خودش تولد خود را بمن در حدود ۱۲۶۸ فرمود» لذا باید شرح احوالش در سال وفاتش (۱۳۵۰) نوشته شود، و اعتباری بهرجا که تولدش را در ۱۲۶۸ بدون تقیید بحدود نوشته‌اند نباید نمود. یادداشت مؤلف.

❊ (۱۱۵۲- تولد مولوی فقیر محمد لاهوری)❊

وی فرزند حافظ محمد جهلمی و خود از اهل علم و ادب بود، و بطوری‌که در کتاب «مؤلفین کتب چاپی ۴: ۸۷۳» نوشته در اینسال در چتن از توابع شهر جهلم متولد شده، و کتابی بنام «حدائق الحنفیه» در تذکره علمای حنفی تألیف نموده.

❊ (۱۱۵۳- تولد مرحوم میرزا لطفعلی صدر الافاضل، ره)❊

مرحوم میرزا لطفعلی فرزند محمد کاظم امین السفراء شیروانی تبریزی، و خود از بزرگان ادبا و اهل علم و عرفان و حکمت بوده و شعر هم می‌گفته و تخلص دانش می‌نموده.

---

[۷] (۱) چون که در« نقبا: ۱۴۳۷ ش ۱۹۴۹» مخصوصا نوشته که« خودش تولد خود را بمن در حدود ۱۲۶۸ فرمود» لذا باید شرح احوالش در سال وفاتش(۱۳۵۰) نوشته شود، و اعتباری بهرجا که تولدش را در ۱۲۶۸ بدون تقیید بحدود نوشته‌اند نباید نمود. یادداشت مؤلف.

شرح احوالش در چند موضع بنظر رسیده، مانند «طرائق الحقائق ج ۳» و «مجله یادگار:

ص ۱ ش ۸ ص ۷۹ و ص ۵ ش ۴ و ۵ ص ۸۴» و «الذریعه ۹: ۳۱۶ ش ۱۸۷۷»، و از آنها همه چنین برآید که وی در این سال متولد شده[۸]، و در اوائل امر خویش بطهران آمده، و علوم عقلیه

---

(۱) رجوع شود به «الذریعه ۱۷: ۲۲۵ ش ۱۲۳۷». یادداشت مؤلف.

ترجمه عبارت «ذریعه» در موضع مذکور چنین است: «قید النواظر و نزهة الخواطر» تألیف لطفعلی بن محمد کاظم بن لطفعلی بن کاظم خان تبریزی شیرازی، مدعو به فانی سپس دانش و ملقب بصدر الافاضل متولد در شیراز روز چهارشنبه ۱۹ ماه رمضان ۱۲۶۸ و متوفای پس از اقامت بطهران در روز پنجشنبه ۶ ماه شعبان ۱۳۵۰. این کتاب در فهرست تألیفاتش در مقدمه چاپی کتاب دیگرش «الکلم و الحکم» بقلم آقای فخر الدین نصیری امینی ذکر شده، و نواده مذکورش (آقای نصیری امینی) در فهرست کتابخانه خود گوید که آن کتاب مجموعه‌ئی است از منتخبات و در کتابخانه وی موجود و در ۱۳۰۲ تألیف شده است، انتهی. م.

ص: ۱۹۱۲

را در خدمت آقا علی مدرس و میرزای جلوه تحصیل کرده، و چندین کتاب تألیف نموده:

اول «دیوان اشعار» که از آن جمله مرثیه‌ئی برای استادش مرحوم جلوه و مرثیه برای حاج شیخ فضل اللّه شهید (رضی اللّه عنهما) میباشد. دویم کتاب «اندرزنامه». سیم «قصیده انصافیه» و شرح آن. چهارم کتاب «ایضاح الادب». پنجم کتاب «ترجمان الجال» در احوال خودش مختصرا در چهار صفحه که شیخ مهدی الهی قمشه‌ئی بر آن حواشی نوشته. ششم کتاب «جواهر البلاغه» در منشآت خودش. هفتم کتاب «مفتاح الخط کوفی». هشتم «مقدمه اصلاح المنطق» که ظاهرا از ابن السکیت (یا ابن قتیبه) باشد، چون ما خود آنرا ندیده‌ایم و این هر دو نفر کتابی بدین عنوان دارند. نهم کتاب «المخلص» در تذکره شعرا. دهم کتاب «نمکدان». یازدهم کتاب «هزاردستان» در محاضرات، و در «الذریعه» در مخاطرات نوشته که ظاهرا اشتباه باشد.

---

[۸] (۱) رجوع شود به« الذریعه ۱۷: ۲۲۵ ش ۱۲۳۷». یادداشت مؤلف.

ترجمه عبارت« ذریعه» در موضع مذکور چنین است:« قید النواظر و نزهة الخواطر» تألیف لطفعلی بن محمد کاظم بن لطفعلی بن کاظم خان تبریزی شیرازی، مدعو به فانی سپس دانش و ملقب بصدر الافاضل متولد در شیراز روز چهارشنبه ۱۹ ماه رمضان ۱۲۶۸ و متوفای پس از اقامت بطهران در روز پنجشنبه ۶ ماه شعبان ۱۳۵۰. این کتاب در فهرست تألیفاتش در مقدمه چاپی کتاب دیگرش« الکلم و الحکم» بقلم آقای فخر الدین نصیری امینی ذکر شده، و نواده مذکورش(آقای نصیری امینی) در فهرست کتابخانه خود گوید که آن کتاب مجموعه‌ئی است از منتخبات و در کتابخانه وی موجود و در ۱۳۰۲ تألیف شده است، انتهی. م.

و او در شعر تخلص دانش مینموده، و ما فهرست اسماء کسانی را که دانش تخلص می‌نموده‌اند در جلد دویم (سال ۱۲۱۰ ع ۱۵۵ ص ۳۹۰) ذکر کردیم که بالغ بر ده نفر می‌شدند، و این دانش صاحب عنوان را آنجا ننوشتیم که با وی ۱۱ نفر خواهند شد.

و خود هم شاگردانی دارد از آن جمله حاجی محتشم السلطنه اسفندیاری که در (۱۲۸۳) بیاید.

و پس از مدت هشتاد و دو سال قمری عمر در سنه ۱۳۵۰ هزار و سیصد و پنجاه وفات کرده، چنان‌که در «مجله یادگار: س ۱ ش ۸ ص ۷۹» نوشته.

و از او فرزندی مانده بنام میرزا مجد الدین نصیری امینی.

و در «س ۵ ش ۴ و ۵ ص ۸۴» فرماید که وی نزد میرزای جلوه نیز درس خوانده و در عهد مظفر الدین شاه بتعلیم چند نفر از شاهزادگان منصوب بود و سپس در زمان محمد علی شاه معلم احمد شاه گردید، و وفاتش را در ۶ شعبان ۱۳۵۴ نوشته[۹].

---

(۱) این سهو القلم مرحوم معلم است، زیرا عین عبارت مجله چنین است: «وی در روز چهارشنبه ۲۴ آذرماه ۱۳۱۰ شمسی مطابق ششم شعبان هزار و سیصد و پنجاه هجری قمری در طهران وفات یافت» الخ. و ناگفته نماند که در این اواخر بهمت والای دو نفر فرزندان فاضل و ارجمند مرحوم میرزا مجد الدین نصیری امینی جنابان دکتر صدر الدین نصیری و حاج میرزا فخر الدین نصیری امینی «دامت افاضاتهما» چند جلد از آثار مهم نیای گرامیشان صاحب ترجمه بطبع رسیده و از جمله آنها کتاب «خلافت و ولایت در اسلام» است که در مقدمه آن شرح حال و آثار مؤلف بتفصیل ذکر شده و در (ص ه) وفاتش را در (روز پنج‌شنبه ششم شعبان) و مدفنش را در جنب مزار شیخ صدوق (ره) در ابن بابویه شهر ری نوشته. لکن مطابق تقاویم آن سال ششم ماه شعبان چهارشنبه بوده است. شاید وفات در چهارشنبه و دفن روز پنجشنبه واقع شده. م.

ص: ۱۹۱۳

❊ (۱۱۵۴- وفات محمد افندی بیومی مصری)❊

---

[۹] (۱) این سهو القلم مرحوم معلم است، زیرا عین عبارت مجله چنین است:« وی در روز چهارشنبه ۲۴ آذرماه ۱۳۱۰ شمسی مطابق ششم شعبان هزار و سیصد و پنجاه هجری قمری در طهران وفات یافت» الخ. و ناگفته نماند که در این اواخر بهمت والای دو نفر فرزندان فاضل و ارجمند مرحوم میرزا مجد الدین نصیری امینی جنابان دکتر صدر الدین نصیری و حاج میرزا فخر الدین نصیری امینی« دامت افاضاتهما» چند جلد از آثار مهم نیای گرامیشان صاحب ترجمه بطبع رسیده و از جمله آنها کتاب« خلافت و ولایت در اسلام» است که در مقدمه آن شرح حال و آثار مؤلف بتفصیل ذکر شده و در(ص ه) وفاتش را در(روز پنج‌شنبه ششم شعبان) و مدفنش را در جنب مزار شیخ صدوق(ره) در ابن بابویه شهر ری نوشته. لکن مطابق تقاویم آن سال ششم ماه شعبان چهارشنبه بوده است. شاید وفات در چهارشنبه و دفن روز پنجشنبه واقع شده. م.

وی از علماء ریاضیین عصر خویش بوده و همانا در سنه ۱۲۴۱ برای اولین بار که از مصر رسولی باروپا فرستاده شد وی بعنوان رسالت باروپا رفت و نه سال آنجا ماند و بمدرسه مهندسی فرانسه درآمد و از هر جهت فنون هندسی را تحصیل کرد، و در سنه ۱۲۵۰ بمصر برگشت و در مدرسه هندسی بولاق بتعلیم این علم پرداخت و بعد از آن مترجم دیوان مدرسه و سپس ناظر آن گردید و بکمک رفاعه بک بمترجمی کتب تاریخ و جغرافیا مشغول شد. و همانا او مردی بزرگوار و مهیب و دارای رأیی صائب و فکری ثاقب بوده، و چندین کتاب تألیف نموده:

اول کتاب «ثمرة الاکتساب» در علم حساب. دویم کتاب «جامع الثمرات» در حساب مثلثات، و این دو معرب از کتب دیگران است. سیم کتاب «جبر و مقابله مکمله». چهارم کتاب «میکانیقه» یعنی جرأثقال که آنرا بکمک احمد طویل تألیف کرده. پنجم کتاب «الهندسة الوصفیه» که معرب است.

و او در اینسال- چنانکه در «معجم المطبوعات: ۶۲۲» نوشته- وفات کرد.

❊ (۱۱۵۵- تولد محمد رضا خان قوام الملک شیرازی)❊

وی فرزند مرحوم میرزا علی محمد خان قوام الملک بن حاجی میرزا علی اکبر قوام الملک است که در (۱۲۰۳ ش ۸۶) گذشت. مرحوم میرزا علی محمد خان از اعیان عصر خود در فارس بوده، تولدش سنه ۱۲۴۵ وفاتش صفر سنه ۱۳۰۱ قبرش در تکیه قوامیه در پهلوی حصار مغربی تکیه حافظیه شیراز.

ص: ۱۹۱۴

فرزندش محمد رضا خان از رؤسا و بزرگان مملکت فارس بود، و در این سال در شیراز متولد شده و قسطی وافر از علوم و فضائل فراهم نمود، و در روز شنبه چهارم ماه صفر الخیر سنه ۱۳۲۶ هزار و سیصد و بیست و شش- مطابق ۱۷ حوت‌ماه برجی- در شیراز کشته شد.

و دو نفر فرزند بازنهاد: یکی میرزا حبیب اللّه خان که در (۱۲۸۶) بیاید. و دیگر میرزا محمد علی خان که در هزار و دویست و نود و اندی در شیراز متولد شده و از معاریف فارس در زمان خود گردید.

❊ (۱۱۵۶- تولد مرحوم میرزا محمد علی نخجوانی، ره)❊

وی فرزند مرحوم حاجی خداداد، و خود از أجله علما و فقهاء أمجاد بود.

و او در این سال در نخجوان متولد شده و در نزد چندین نفر از بزرگان علما درس خواند و عمری را با اعراض از دنیا و اقبال بآخرت بسر آورد، و کتب چندی تألیف کرد از آن جمله کتاب «دعاة الحسینیه».

و آخر در ساعت چهارم شب آدینه هفتم ماه ربیع الاخر سنه ۱۳۳۴ هزار و سیصد و سی و چهار- مطابق ۲۱ دلوماه برجی- در کربلا وفات کرد و در نجف در حجره‌ئی پهلوی مسجد عمران در صحن مطهر دفن شد[۱۰].

---

(۱) این ترجمه اختصاری است از «احسن الودیعه ۱: ۲۲۰- ۲۲۳». و مخفی نماند که این کتاب یکی از مآخذ اولیه مرحوم مؤلف است و چنانکه خود میگفت در آن اوائل مقید بذکر مصادر نبوده اگرچه بعدا در مراجعه مجدد برخی از تراجم را مسند کرده است.

شرح حال مفید دیگری از نخجوانی صاحب عنوان در «نقباء البشر: ۱۴۲۹» ذکر شده و تاریخ ولادت او و مأخذ آن ترجمه را ضبط نفرموده، لکن از «ذریعه ۸: ۱۹۸» معلوم میشود که از «احسن الودیعه» استفاده کرده. و «دعات حسینیه» که در نقباء و ذریعه «الدعاة الحسینیه» قید شده کتاب مفید مرغوب و محققانه‌ئی است بصورت سؤال و جواب در سه-

ص: ۱۹۱۵

❊ (وفات حاجی ملا محمد مهدی نراقی ثانی، اعلی اللّه مقامه)❊

شرح احوال او در (۱۲۰۹ ش ۱۴۸) گذشت.

❊ (۱۱۵۷- وفات محمد مؤمن خان، شاعر دهلوی)❊

وی از شعراء اردو زبان در مملکت هند بوده، و در اینسال- چنانکه در «رساله احوال سید عبد الحی حسنی (۱۲۸۶) در (ص ع)» نوشته وفات نموده.

❊ (۱۱۵۸- تولد مرحوم سید مرتضی کشمیری، ره)❊

---

[۱۰] (۱) این ترجمه اختصاری است از« احسن الودیعه ۱: ۲۲۰- ۲۲۳». و مخفی نماند که این کتاب یکی از مآخذ اولیه مرحوم مؤلف است و چنانکه خود میگفت در آن اوائل مقید بذکر مصادر نبوده اگرچه بعدا در مراجعه مجدد برخی از تراجم را مسند کرده است.

شرح حال مفید دیگری از نخجوانی صاحب عنوان در« نقباء البشر: ۱۴۲۹» ذکر شده و تاریخ ولادت او و مأخذ آن ترجمه را ضبط نفرموده، لکن از« ذریعه ۸: ۱۹۸» معلوم میشود که از« احسن الودیعه» استفاده کرده. و« دعات حسینیه» که در نقباء و ذریعه« الدعاة الحسینیه» قید شده کتاب مفید مرغوب و محققانه‌ئی است بصورت سؤال و جواب در سه-- بخش: ۱- در مسائل مربوط بعزاداری حضرت سید الشهدا علیه السلام(تا ص ۹۴). ۲- در مسائل متفرقه مهمه(تا ص ۱۳۳). ۳- در مسائل نقل جنائز(تا آخر). و این کتاب شریف که عموم مطالب آن موافق آراء و عقائد امامیه است در ۱۹۲ صفحه باندازه رقعی و خط مرغوب در مطبعه سنگی مظفری بمبئی بسال ۱۳۳۰ ق چاپ شده و عبارت صفحه اول چنین است:

« ... دعات الحسینیه من مصنفات حضرت مستطاب اعلم العلماء و المجتهدین و أفقه الفقهاء المتبحرین، مروج احکام اشرف المرسلین و محیی آثار المذهب و الدین حجة الاسلام و المرسلین الشیخ محمد علی الغروی النخجوانی،« مد ظله العالی» الخ. م.

وی چنانکه در «دیوان سید موسی طالقانی: ۷۸ پاورقی» فرموده، فرزند مرحوم سید مهدی بن محمد بن کرم اللّه بن حبیب اللّه بن مهدی بن سید رضاء رضوی (رضی اللّه عنه)، و خود از اجله علما و فقها و صاحب مقامات نفسیه و معارف الهیه بوده، شرح احوالش در

- بخش: ۱- در مسائل مربوط بعزاداری حضرت سید الشهدا علیه السلام (تا ص ۹۴). ۲- در مسائل متفرقه مهمه (تا ص ۱۳۳). ۳- در مسائل نقل جنائز (تا آخر). و این کتاب شریف که عموم مطالب آن موافق آراء و عقائد امامیه است در ۱۹۲ صفحه باندازه رقعی و خط مرغوب در مطبعه سنگی مظفری بمبئی بسال ۱۳۳۰ ق چاپ شده و عبارت صفحه اول چنین است:

«... دعات الحسینیه من مصنفات حضرت مستطاب اعلم العلماء و المجتهدین و أفقه الفقهاء المتبحرین، مروج احکام اشرف المرسلین و محیی آثار المذهب و الدین حجة الاسلام و المرسلین الشیخ محمد علی الغروی النخجوانی، «مد ظله العالی» الخ. م.

ص: ۱۹۱۶

«احسن الودیعه ۱: ۱۵۲» و «الاسناد المصفی: ۲۲» نوشته، و از آن‌ها و هم از «کتابچه آقای الفت» بخط خودش (ص ۱۷) چنین برآید که او (در این سال. م) در کشمیر متولد شده و در نجف سکونت داشته و در نزد دائی خود سید ابو الحسن کشمیری (۱۲۶۰ ج ۵ ص ۱۶۳۱ ش ۹۷۱) درس خوانده، و از چندین نفر از تلامذه صاحب «جواهر» و غیر آنها از آن جمله آقا میرزا محمد هاشم چهارسوئی (ره) روایت نموده، و کتابی بنام «اعلام الاعلام» در رجال تألیف فرموده که أبسط از «وجیزه علامه مجلسی» است. و جناب آقای شیخ آقا بزرگ طهرانی (ادام اللّه تعالی ایامه) از او روایت می‌کند، و همچنین حاج آقا حسین قمی (ره) چنان‌که در «اجازه میرزا محمد علی اردوبادی برای شیخ حسین آل محفوظ» نوشته.

و در اواخر عمر بمرض سل و بواسیر مبتلا شد و پنج سال این درد طول کشید تا برای معالجه ببغداد رفت، و آخر در آنجا- یا کاظمین- در اول مغرب شب دوشنبه چهاردهم ماه شوال المکرم سال ۱۳۲۳ یکهزار و سیصد و بیست و سه- مطابق ۱۹ قوس ماه برجی ۱۲۸۴- بسن پنجاه و اندی وفات کرد و نعش او را از آنجا بحائر طاهر آورده و در آن زمین مقدس در حجره هندی‌ها نزدیک درب زینبیه پهلوی دائی مذکورش دفن کردند، و مرحوم حاجی میرزا حسین حاجی میرزا خلیل در نجف برایش فاتحه گرفت.

و فرزندش سید محمد در (۱۳۰۸) بیاید. و فرزند دیگر او دختری بوده زوجه سید عبد الرسول و مادر سید محمد حسن طالقانی که در مستدرکات سال (۱۳۵۰) بیاید. و در «نقباء البشر: ۹۶۴ در پاورقی» وفاتش را در روز یک‌شنبه ۱۳ نوشته.

ص: ۱۹۱۷

سنه ۱۲۶۹ قمری مطابق سنه ۱۲۳۱ شمسی غره محرم الحرام (...) میزان ماه برجی

❊ (۱۱۵۹- تولد مرحوم شیخ اسمعیل محلاتی، ره)❊

وی فرزند مرحوم ملا محمد علی محلاتی است که در (۱۲۳۲ ج ۳ ص ۹۵۷ ش ۴۴۴) گذشت.

مرحوم شیخ اسمعیل از اعیان علما و فقها بوده، و او در عصر چهارشنبه بیست و هشتم ماه جمادی الاولی این سال، چنان‌که خود در «انوار المعرفه» گفته- مطابق (...) حوت‌ماه برجی- در محلات متولد شده و در خدمت چندین نفر از علما درس خوانده و در نجف ساکن شد، و کتب چندی تألیف کرد از آن جمله کتاب «انوار العلم و المعرفه» که آن را «انوار المعرفه» نیز گویند در اصول دین در دو جلد: ۱- در توحید، انجام تألیف آن عصر ۳ شنبه ۵ محرم سنه ۱۳۴۱. ۲- در اصول اربعه دیگر.

و پس از مدت هفتاد و سه سال و نه ماه و نیم عمر، در یک‌شنبه سیزدهم ماه ربیع المولود سنه ۱۳۴۳ هزار و سیصد و چهل و سه- مطابق ۲۰ میزان ماه برجی- وفات کرد. و فرزندش آقا محمد در (۱۲۹۵) بیاید. و دیگر شیخ حسن روحانی که از علماء قم است و در «آینه دانشوران: ۱۶۷» ذکر شده، و شیخ عبد الحسین روحانی که در «الذریعه ۱۸: ۲۷۶ ش ۹۱» ذکر شده.

ص: ۱۹۱۸

سنه ۱۲۳۲ شمسی

دوشنبه دهم جمادی الاخری اول حمل ماه برجی

❊ (۱۱۶۰- تولد مرحوم مظفر الدین شاه قاجار، ره)❊

وی فرزند ناصر الدین شاه قاجار است که در (۱۲۴۷ ج ۴ ش ۱۲۹۴ ش ۶۹۳) گذشت.

مرحوم مظفر الدین شاه پادشاهی سالم و ملایم بود و در صفحه تاریخ ایران برای این مملکت کاری ننمود الا این که چون مشروطه را بمردم ایران عطا کرد محبوبیتی در قلوب آن‌ها بهم رسانید، و بهرحال او در روز آدینه چهاردهم ماه جمادی الاخرای این سال- مطابق ۵ حمل ماه برجی- از بطن شکوه السلطنه دختر فتح اللّه میرزا شعاع السلطنه ابن فتحعلیشاه (که در سال چهارم سلطنت ناصر الدین شاه بمزاوجت او درآمده و در ۴ شنبه ۱۴ شوال سنه ۱۳۰۹ وفات کرده و در یکی از حجره‌های رواق نجف دفن شده) متولد گردید، و در ذی‌القعده سنه ۱۲۷۸ ولیعهد پدرش شد و در ۲ شنبه ۲۶ ذی‌الحجه سنه ۱۳۱۳ پس از قتل پدر رسما جلوس بسلطنت نمود، و پس از مدت پنجاه و پنج سال و پنج ماه قمری و ده روز عمر و ۱۰ سال و ۱۰ ماه و ۲۸ روز سلطنت، در بامداد روز چهارشنبه بیست و چهارم ماه ذی‌القعده الحرام سنه ۱۳۲۴ هزار و سیصد و بیست و چهار- مطابق ۱۸ جدی ماه برجی- وفات کرد و در کربلا در حجره میان مسجد پشت سرو رواق مطهر دفن شد، و

فرزندان چندی ذکورا و اناثا از زوجات عدیده از او باز ماند. از آن جمله چند نفر پسر از او در این کتاب نوشته می‌شود: اول محمد علیشاه در (۱۲۸۹)، دویم شعاع السلطنه در (۱۲۹۷)، سیم ابو الفتح میرزا سالار الدوله که در (۱۲۹۸) بیاید.

ص: ۱۹۲۰

مرحوم آیة اللّه حاج آقا منیر الدین اصفهانی

ص: ۱۹۲۱

مظفر الدین شاه شعر هم می‌گفته و «دیوان» کوچکی از اشعار بنام وی بطبع رسیده در سنه ۱۳۱۷ در تهران که تخلص در مقاطیع آن مظفر دین نموده.

❊ (۱۱۶۱- تولد مرحوم حاج آقا منیر الدین اصفهانی، نور اللّه قبره)❊

وی فرزند آقا جمال الدین بن ملا علی بن محمد شریف بروجردی است.

مرحوم ملا علی بروجردی از اجله علماء زمان خود و داماد مرحوم میرزای قمی بوده و در سنه ۱۲۶۲ وفات کرده و در بروجرد دفن شد و چندین فرزند برگذار کرده: یکی شیخ مهدی که در (۱۳۳۶) بیاید، و دیگر آقا جمال الدین که فرزندش مرحوم حاج آقا منیر الدین (ره) از اعاظم علماء اصفهان بود.

مرحوم حاج آقا منیر الدین در شنبه بیست و یکم ماه رجب الفرد این سال- مطابق (...)

ثور ماه برجی- متولد شده، و در بروجرد و اصفهان درس خوانده تا از علما و فقها گردید و در اصفهان سکونت گزید و بامامت و قضاوت[۱۱] و طی مرافعات اشتغال ورزید، و در تتبع تواریخ و احوال علما و رجال و ذکر حکایات نادره و صحت استخاره تبرز و تبرعی[۱۲] تمام بهم رسانید، و خود می‌فرمود که «منظومه الفیه» عربی در احوال علما بنظم آورده‌ام، و در ماه رجب سنه ۱۳۳۸- که این فقیر نیز در همان ماه بدان مکان شریف بودم- در مشهد مقدس بود و خود می‌گفت که چندین نفر را در این سفر اجازه داده‌ام، انتهی.

و یکی از آنها- چنان که در «نقبا: ۱۵۶۳» فرموده- شیخ علی معصومی گنابدی است.

و آخر پس از مدت هفتاد و دو سال و هفت ماه قمری و بیست و شش روز عمر، در ظهر روز دوشنبه هفدهم

---

[۱۱] (۱) قضاوت که در اصطلاح فارسی کنونی بمعنای داوری گفته و نوشته می‌شود باین شکل در عربی نیامده و صواب آن قضاء است. م.

[۱۲] (۲) مقصود از« تبرز و تبرع» تفوق و برتری است و ظاهرا این دو کلمه در زبان عرب معانی دیگری غیر از مقصود مؤلف دارد. م.

(۱) قضاوت که در اصطلاح فارسی کنونی بمعنای داوری گفته و نوشته می‌شود باین شکل در عربی نیامده و صواب آن قضاء است. م.

(۲) مقصود از «تبرز و تبرع» تفوق و برتری است و ظاهرا این دو کلمه در زبان عرب معانی دیگری غیر از مقصود مؤلف دارد. م.

ص: ۱۹۲۲

ماه ربیع الاخر سنه ۱۳۴۲ هزار و سیصد و چهل و دو- مطابق ۴ قوس ماه برجی- در اصفهان وفات کرد و در تخت پولاد در تکیه ملک بخاک رفت که هم اکنون قبر وی آنجا معلوم است.

و او را فرزندان چندی ذکورا و اناثا باز ماند، از آن جمله یکی از پسرانش مرحوم میرزا اسمعیل بود که از جمله علما بشمار می‌آمد و بسن جوانی در ۴ شنبه ۳ شعبان سنه ۱۳۵۲ وفات کرده و در نزد پدر دفن شد. و دیگر دختری که زوجه مرحوم حاج سید محمد باقر میر محمد صادقی که در (۱۳۶۳) بیاید بود. و مادر این دو نفر دختر مرحوم حاجی میرزا جعفر نوری که در (۱۳۰۰) بیاید بوده. و دیگر دختری که زوجه میرزا محمد باقر فقیه ایمانی بود که در (۱۳۷۰) بیاید[۱۳].

❊ (۱۱۶۲- تولد نیسان شاعر شهشهانی)❊

وی مرحوم حاجی میرزا عبد الحسین بن میرزا ابو القاسم بن محمد الملقب به میر میران از اعقاب سید علاء الدین حسینی معروف بشاه شاهان اصفهانی است.

سید علاء الدین شاه شاهان در سنه ۸۵۰ مقتول و در اصفهان مدفون و اینک محله‌ئی را که قبر او در آن است بنام وی شاه شاهان یا بطور تخفیف شهشهان می‌گویند.

و حاج میرزا عبد الحسین از مردم این محله و از علما و شعرا و اهل کمال و عرفان بوده، و در ماه رجب الفرد این سال- مطابق (حمل- ثور) ماه برجی- در همین محله متولد شده و کسب علم و فضایل نموده تا عالمی فاضل گردید، و چندین سال در ایران و هند مسافرت و سیاحت نموده، و آخر در همدان ساکن شد، و کتابی بنام «سر تمدن» تألیف کرد، و شعر هم می‌گفت و تخلص نیسان داشت. و آخر در همدان در سنه ۱۳۵۵ هزار و سیصد و پنجاه و پنج-

[۱۳] (۱) مختصر شرح حالی از صاحب عنوان در« دانشمندان و بزرگان اصفهان: ۵۰۵» مذکور است، جز اینکه چهار سطر آخر آن صفحه شایسته ذکر نبوده و نیست. م.

(۱) مختصر شرح حالی از صاحب عنوان در «دانشمندان و بزرگان اصفهان: ۵۰۵» مذکور است، جز اینکه چهار سطر آخر آن صفحه شایسته ذکر نبوده و نیست. م.

ص: ۱۹۲۳

چنانکه آقای الفت میفرمود- وفات کرده و هم آنجا در قبرستان اهل قبور دفن شد[۱۴].

❊ (۱۱۶۳- تولد مرحوم میرزا محمد ابراهیم ۳۴ چهارسوئی، ره)❊

وی فرزند مرحوم میرزا محمد صادق ۳۳ چهارسوئی (۱۲۲۸ ج ۳ ص ۸۵۰ ش ۳۸۷)، و خود از علماء اصفهان بود که در پانزدهم ماه رمضان المبارک این سال، چنان که در «شجره نامه چهارسوئی‌ها» نوشته- مطابق (...) سرطان ماه برجی- متولد شده، و چنان که در «احسن الودیعه ۲: ۸۰» احوال او را عنوان کرده و از آن برآید؛ در نزد عمش میرزا محمد هاشم در اصفهان و هم نزد چندین نفر از علما در عتبات درس خوانده و از چند تن روایت نموده، و در اصفهان ریاستی شایسته بهم رسانید[۱۵].

و پس از مدت شصت و یک سال و هفت ماه قمری و هشت روز عمر، در شب سه‌شنبه بیست و سیم ماه ربیع الاخر سنه ۱۳۳۱ هزار و سیصد و سی و یک- مطابق ۱۲ حمل ماه برجی- در اصفهان وفات کرد و در تخت پولاد در بقعه عمش آقا میرزا محمد باقر دفن شد. و تاریخ وفاتش بدین طور مطابق آن است که این فقیر خود بخاطر دارم و در همان ایام ضبط نمودم، لکن در «شجره نامه»

(۱) چند سطری در احوال صاحب عنوان در «نقباء البشر: ۱۰۲۸» و چند سطری در «دانشمندان و بزرگان اصفهان: ۴۰۷» نوشته شده، لکن در «فرهنگ سخنوران» مطلقا شاعری با تخلص نیسان بنظر نرسید. م.

(۲) آن مرحوم سالها در مسجدی واقع در نزدیکی محله خلجها و هم در خانه خود در محله چهارسوی شیرازیها اقامه جماعت مینموده و پس از نماز بر فراز منبر عوام و خواص را مستفیض میفرموده. شنیده شد که مرحوم آیة اللّه آقا نجفی مسجد شاهی مکرر در ایام ماه مبارک رمضان بخانه آن مرحوم آمده و پای منبرش می‌نشسته است. م.

[۱۴] (۱) چند سطری در احوال صاحب عنوان در« نقباء البشر: ۱۰۲۸» و چند سطری در« دانشمندان و بزرگان اصفهان: ۴۰۷» نوشته شده، لکن در« فرهنگ سخنوران» مطلقا شاعری با تخلص نیسان بنظر نرسید. م.

[۱۵] (۲) آن مرحوم سالها در مسجدی واقع در نزدیکی محله خلجها و هم در خانه خود در محله چهارسوی شیرازیها اقامه جماعت مینموده و پس از نماز بر فراز منبر عوام و خواص را مستفیض میفرموده. شنیده شد که مرحوم آیة اللّه آقا نجفی مسجد شاهی مکرر در ایام ماه مبارک رمضان بخانه آن مرحوم آمده و پای منبرش می‌نشسته است. م.

ص: ۱۹۲۵

مرقومه در نوزدهم ربیع الاخر مذکور نوشته[۱۶].

و او مخدره آمنه بیگم ۳۴ دختر عمش آقا میرزا محمد هاشم را بزوجیت داشته و از او فرزندان چندی بهم رسانیده بشرح ذیل طبق «شجره نامه»:

اول آقا میرزا ابو القاسم ۳۵ که در سنه ۱۳۱۱ متولد شده و اینک از علماء اصفهان

---

(۱) تاریخ مذکور را اینجانب بنقل از روی سنگ قبر صاحب ترجمه در «شجره نامه» نوشتم، بعدا صفحه‌ئی مشتمل بر تواریخی چند بخط پدر آن مرحوم و غیره یافتم که اینک تصویر تاریخ تولد بخط پدر و تاریخ وفات بخط پسر عمش مرحوم آقا میرزا مجتبی روضاتی ابن صاحب الروضات در اینجا نقل شده و چنانکه دیده میشود اینجا تاریخ وفات در نخستین ساعت شب یکشنبه ۲۱ ربیع دوم ۱۳۳۱ قید گردیده که نظر بوثاقت نویسنده و قرائن دیگر همین تاریخ باید صحیح باشد، و شاید آنچه مرحوم معلم نوشته‌اند راجع بروز دفن باشد، و اللّه العالم. صاحب عنوان چند ماهی قبل از فوت در اثر عارضه سکته فالج گردیده و بستری بوده است. رحمة اللّه تعالی علیه. و ناگفته نماند که سنگ قبر آن مرحوم در حدود سی سال قبل توسط بازماندگانش تهیه و نصب شده و ابیاتی که در رثاء و تاریخ وی بر روی آن دیده میشود از مرحوم حاج میرزا حسن خان جابری انصاری است که در همان ایام نصب سنگ سروده و بیت ماده چنین است:

سر برون آورد جبریل و بگفتا کامده چون خلیل اللّه ابراهیم مهمان جلیل. م.

ص: ۱۹۲۶

و در مسجد مریم بیگم امامت دارد[۱۷]. دویم آقا میرزا محمود ۳۵ که در جمعه ۳ ع ۲ سنه ۱۳۲۲ متولد شده، و هر یک اولاد چندی دارند.

---

[۱۶] (۱) تاریخ مذکور را اینجانب بنقل از روی سنگ قبر صاحب ترجمه در« شجره نامه» نوشتم، بعدا صفحه‌ئی مشتمل بر تواریخی چند بخط پدر آن مرحوم و غیره یافتم که اینک تصویر تاریخ تولد بخط پدر و تاریخ وفات بخط پسر عمش مرحوم آقا میرزا مجتبی روضاتی ابن صاحب الروضات در اینجا نقل شده و چنانکه دیده میشود اینجا تاریخ وفات در نخستین ساعت شب یکشنبه ۲۱ ربیع دوم ۱۳۳۱ قید گردیده که نظر بوثاقت نویسنده و قرائن دیگر همین تاریخ باید صحیح باشد، و شاید آنچه مرحوم معلم نوشته‌اند راجع بروز دفن باشد، و اللّه العالم. صاحب عنوان چند ماهی قبل از فوت در اثر عارضه سکته فالج گردیده و بستری بوده است. رحمة اللّه تعالی علیه. و ناگفته نماند که سنگ قبر آن مرحوم در حدود سی سال قبل توسط بازماندگانش تهیه و نصب شده و ابیاتی که در رثاء و تاریخ وی بر روی آن دیده میشود از مرحوم حاج میرزا حسن خان جابری انصاری است که در همان ایام نصب سنگ سروده و بیت ماده چنین است:

\i\s ُ سر برون آورد جبریل و بگفتا کامده\z چون خلیل اللّه ابراهیم مهمان جلیل. م.\E\E\z

تحقیقی است از صاحب ترجمه برهامش ص ۱۰۸ نسخه چاپی کتاب «الاثنا عشریه فی المواعظ العددیه.

طبع اول سنگی طهران». از تعلیقات فراوانی که آن مرحوم بر این نسخه و بر کتب دیگر بالاخص اخبار و احادیث نوشته کمال احاطه و استحضار و تحقیق و تتبع او ظاهر میشود. افسوس که کتابخانه مهم آن مرحوم بالمره متفرق گردیده و از دست رفت. م.

---

(۱) آقا میرزا ابو القاسم موسوی خوانساری در شب دوشنبه ۱۳ ماه رمضان ۱۳۸۱ وفات یافت و در بقعه صاحب روضات دفن شد. ولادت آن مرحوم بنا بر ضبط والد ماجدش تقریبا سه ساعت پس از طلوع آفتاب روز شنبه دهم ربیع الاخر ۱۳۱۱، و ایضا ولادت برادرش آقا میرزا محمود موسوی خوانساری بنا بر همان ضبط نیم ساعتی پس از طلوع آفتاب روز چهارشنبه هشتم ربیع الاخر ۱۳۲۲ بوده و تاریخ متن اشتباهست. صاحب عنوان دخترهای متعددی نیز داشته که عموما مزوجه و دارای اولاد و اعقابند. م.

ص: ۱۹۲۷

❊ (۱۱۶۴- تولد مرحوم حاج شیخ محمد حسن آل کبه، ره)❊

وی فرزند حاج محمد صالح آل کبه است که در (۱۲۸۷) بیاید.

و خود از بزرگان علمای شیعه در عراق عرب بود و شعر هم می‌گفت، و در ماه رمضان المبارک این سال- مطابق (جوزا- سرطان) ماه برجی- در کاظمین (ع) متولد شده، و خدمت چند نفر از علما درس خوانده تا خود از علماء بزرگوار گردید و شهرت و اهمیتی بغایت بهم رسانید، چندانکه مرحوم سید حیدر حلی- که در ۱۲۴۴ گذشت[۱۸]- کتابی بنام «العقد المفصل» در مدح او نوشته. و کتاب‌هائی تألیف کرد، از آن جمله:

اول «دیوان اشعار». دویم کتاب «الرحلة المکیة» که قریب بیست نفر از اهل علم و ادب تقریظاتی بر آن نوشته‌اند و در «الذریعه ۱۵: ۲۹۸» اسماء آنان یاد شده. سیم «شرح کتاب ارشاد الاذهان» بسوی أحکام ایمان تألیف علامه (ره).

و در عصر پنج‌شنبه هفدهم ماه رمضان المبارک سنه ۱۳۳۶ هزار و سیصد و سی و شش- مطابق ششم سرطان ماه برجی در نجف وفات کرد، و هم آنجا در مقبره پدر خود نزدیک در طوسی دفن شد. و فرزندی بنام شیخ مهدی برجا نهاد.

---

[۱۷] (۱) آقا میرزا ابو القاسم موسوی خوانساری در شب دوشنبه ۱۳ ماه رمضان ۱۳۸۱ وفات یافت و در بقعه صاحب روضات دفن شد. ولادت آن مرحوم بنا بر ضبط والد ماجدش تقریبا سه ساعت پس از طلوع آفتاب روز شنبه دهم ربیع الاخر ۱۳۱۱، و ایضا ولادت برادرش آقا میرزا محمود موسوی خوانساری بنا بر همان ضبط نیم ساعتی پس از طلوع آفتاب روز چهارشنبه هشتم ربیع الاخر ۱۳۲۲ بوده و تاریخ متن اشتباهست. صاحب عنوان دخترهای متعددی نیز داشته که عموما مزوجه و دارای اولاد و اعقابند. م.

[۱۸] (۱) مع الاسف شرح حال مرحوم سید حیدر حلی بعلت سهو مؤلف(ره) در سال تولدش ۱۲۴۴ چاپ نشده بناچار در سال وفاتش(۱۳۰۴) ذکر خواهد شد. م.

و تاریخ وفات او را در جلد پنجم «الذریعه. ش ۸۳۶» در عصر ۵ شنبه ۱۹ ماه رمضان این سال نوشته و ما هم اینجا از آن نقل کردیم، و تبدیل ۱۹ به ۱۷ باستناد تقویم آن سال است که ۵ شنبه ۱۹ نبوده بلکه ۱۷ بوده.

---

(۱) مع الاسف شرح حال مرحوم سید حیدر حلی بعلت سهو مؤلف (ره) در سال تولدش ۱۲۴۴ چاپ نشده بناچار در سال وفاتش (۱۳۰۴) ذکر خواهد شد. م.

❊ (۱۱۶۵- تولد احمد خان مجاهد الدوله تهرانی)❊

وی فرزند محمود خان ملک الشعراء است که در (۱۳۱۱) بیاید.

احمد خان از فضلاء این اعصار بوده که در این سال متولد شده و کسب علوم و فضائل نموده تا در مهندسی و نقشه‌کشی استاد گردید. و پس از مدت هفتاد و هفت سال قمری عمر در سنه ۱۳۴۶ هزار و سیصد و چهل و شش وفات کرد.

❊ (۱۱۶۶- وفات ثاقب افندی اخسخه‌ئی)❊

حکیم ثاقب افندی بطوری‌که در کتاب «لغت نامه دهخدا. جلد حرف ث: ۱۱» نوشته از اهل اخسخه است، و آنگاه که بدرجه سعادت درآمد در مدرسه قره مصطفی پاشا واقع در بازار ارغاد بتحصیل علوم پرداخت و طب آموخت، پس از اکمال تحصیل در مقابل جامع شریف سلمانیه در مریضخانه بتعلیم طب مشغول شد. و او را أشعاری است. و در اینسال در ۱۲۰ سالگی وفات کرده، انتهی.

❊ (۱۱۶۷- تولد میرزا حسنخان ملک الحکماء خراسانی)❊

وی فرزند مرحوم میرزا محمد خان خجسته است که در (۱۲۳۹ ج ۴ ص ۱۰۷۸) گذشت، و خود از اهل علم و فضل بوده و در این سال متولد شده و در مشهد طبابت می‌نموده و در شب

سه‌شنبه بیست و هفتم ماه ربیع الاخر سنه ۱۳۴۳ هزار و سیصد و چهل و سه- مطابق ۳ قوس ماه برجی- وفات کرد.

❊ (۱۱۶۸- وفات مرحوم شیخ رضاء عاملی، رحمه اللّه)❊

وی فرزند مرحوم شیخ زین العابدین بن شیخ بهاء الدین محمد بن شیخ محسن بن زین العابدین بن شیخ بهاء الدین ابو المعالی محمد بن شرف الدین محمد مکی بن ضیاء الدین محمد بن شمس الدین علی بن جمال الدین حسن بن زین الدین بن محمد

بن علی بن شهاب الدین محمد بن احمد بن محمد بن شمس الدین محمد بن بهاء الدین علی بن ضیاء الدین ابو القاسم (یا ابو الحسن) علی بن شیخ جلیل شهید شمس الدین ابو عبد اللّه محمد بن جمال الدین ابو محمد مکی بن شمس الدین محمد بن حامد بن احمد نبطی جزینی (ره) است.

مرحوم شیخ جمال الدین مکی بن محمد جزینی (رضی اللّه عنه) از علما و مشایخ اجازات بوده.

فرزندش مرحوم شیخ شمس الدین ابو عبد اللّه محمد معروف بشهید اول (یا شهید مطلق) (اعلی اللّه مقامه) از أجله علما و عظما و فقهاء فرقه شیعه است، و در علوم شرعیه از فقه و اصول و حدیث و هم‌چنین در علوم ادبیه و تاریخ و رجال نادره اعصار بوده و با این همه در علوم باطن و عرفان و توحید و اخلاق فاضله و ملکات ملکوتیه از مراتب رضا و تسلیم و شوق و ذوق و وجد و حال و غیره دارای مقامات عالیه می‌باشد و شعر هم می‌گفته و تقریبا در میان علماء این فرقه نظیری در بزرگی و بزرگواری برای او نتوان یافت و او در سنه ۷۳۴ متولد شده و کتب نفیسه چندی تألیف کرده که اعظم و اشهر همه کتاب «اللمعة الدمشقیه» در فقه امامیه است. شهادتش چاشت پنج‌شنبه ۱۹ ج ۱ سنه ۷۸۶ در میدان دمشق و پس از شهادت جسد مبارکش را سوزانیدند، و وی را یک دختر و سه پسر بوده که

ص: ۱۹۳۰

اعقاب آنها تاکنون در بلاد شام و غیره موجود و آنها را بیت شمس الدین می‌گویند؛ از آن جمله پسر أوسط او مرحوم شیخ علی (علیه الرحمه) که هم از علما و مشایخ اجازه بوده، و در سال (۱۳۶۶) در احوال شیخ محمد امین آل شمس الدین شهید اول ذکری از او میشود.

و شیخ شرف الدین محمد مکی بن محمد از بزرگان علما در مائه دوازدهم بوده و کتب چندی تألیف نموده: اول کتاب «سفینة نوح» که از هر چیز خوبی در آن جمع کرده. دویم کتاب «الروضة العلیه». سیم کتاب «الدرة المضیئه» در دعوات. و او روایت می‌کند از چند نفر: اول برادرش شیخ ابراهیم، دویم شیخ حسین بن محمد بن جعفر مأحوزی وفاتش سنه ۱۱۷۱، و چندین نفر از او روایت می‌کنند؛ از آن جمله شیخ محمد رضا و شیخ محمد ابراهیم و شیخ محمد اسمعیل فرزندان مرحوم ملا عبد المطلب تبریزی که در (ج ۲ سال ۱۲۰۸ ش ۱۳۷ ص ۳۴۴) گذشت و در عید غدیر سنه ۱۱۷۸ برای ایشان اجازه نوشته.

فرزندش شیخ بهاء الدین محمد از علما بوده و بهند هجرت نموده و هم آنجا وفات کرده و قبرش در هند مزاری معروف است.

نواده‌اش شیخ محسن هم از اهل علم و فضل بوده.

فرزندش شیخ بهاء الدین محمد از علماء اجلاء در عصر خود بوده.

نواده‌اش شیخ رضا بن زین العابدین صاحب عنوان از علما و فقهاء بزرگوار بوده، و نژادش را تا شیخ شرف الدین محمد مکی و از وی تا مرحوم شهید (اعلی اللّه مقامه) بدین طور در «شهداء الفضیله» نوشته، و از شهید تا شرف الدین تقریبا مطابق میزان معمول، لکن از شرف الدین تا صاحب عنوان بواسطه کثرت واسطه فی الجمله مشکل بنظر رسید.

و بهرحال مرحوم شیخ رضا از دختر مرحوم سید محمد جواد عاملی که در (۱۲۲۶ ج ۳ ش ۳۷۶ ص ۸۲۹) گذشت متولد شده و تحصیل علوم و فضائل نموده تا عالمی جلیل و فقیهی نبیل گردید، و کتب چندی تألیف فرمود: اول کتاب «التحفة الرضویه» در شناختن اصول دین مرضیه. دویم کتاب «الرسالة الرضویه» در أحکام مرضیه در طهارت و نماز، بنا بر آنچه در جلد سیم «الذریعه» این دو کتاب را احتمالا از وی دانسته. سیم «شرح شرایع».

و او روایت می‌کند از چند نفر: اول جدش سید محمد جواد مذکور. دویم سید عبد اللّه

ص: ۱۹۳۱

شبر که در (۱۲۴۲ ج ۴ ش ۶۱۳ ص ۱۱۶۴) گذشت. و فرزندش شیخ جواد که اینک ذکر می‌شود در نزد او درس خوانده. و روایت می‌کند از او مرحوم حاج ملا علی میرزا خلیلی که در (۱۲۲۶ ج ۳ ش ۳۷۲ ص ۸۲۷) گذشت.

و او در این سال وفات کرد، یا در سنه ۱۲۷۲ چنان‌که در حاشیه «اجازه سید حسن صدر برای حاج میرزا ابو الهدی» نوشته‌ام، و در مدارس هند دفن شد[۱۹].

و فرزندش شیخ جواد شاگرد پدر خود و مرحوم حاجی شیخ محمد حسن نجفی که در (۱۲۶۶ ج ۵ ش ۱۱۰۱ ص ۱۸۲۶) گذشت بوده، و دو نفر پسر بنام شیخ علی و شیخ محمد داشته.

❊ (وفات حاج میرزا عبد الفتاح شیخ الاسلام تبریزی)❊

شرح احوال او در (ج ۲ سال ۱۲۰۹ ص ۳۵۷ ش ۱۴۶) گذشت.

---

(۱) اولا کلمه مدارس اشتباه و صواب مدارس است. ثانیا در شرح حال خوبی که مؤلف «الکرام البرره: ۵۵۲ ببعد» برای صاحب عنوان نوشته او را از اولاد جناب حبیب بن مظاهر اسدی شهید (علیه السلام) دانسته نه از اولاد شهید اول (ره) و صورت نسب با اینجا اختلاف دارد. و ثالثا وفات او را بنقل از «الحصون المنیعه» در نجف اشرف در شب پنجشنبه یازدهم

---

[۱۹] (۱) اولا کلمه مدارس اشتباه و صواب مدارس است. ثانیا در شرح حال خوبی که مؤلف« الکرام البرره: ۵۵۲ ببعد» برای صاحب عنوان نوشته او را از اولاد جناب حبیب بن مظاهر اسدی شهید(علیه السلام) دانسته نه از اولاد شهید اول(ره) و صورت نسب با اینجا اختلاف دارد. و ثالثا وفات او را بنقل از« الحصون المنیعه» در نجف اشرف در شب پنجشنبه یازدهم ذی الحجه ۱۲۶۹ نوشته و مدفنش را در یکی از حجرات قبلی صحن شریف علوی تعیین کرده است. برای اطلاع بیشتر رجوع بکتاب مذکور و« ماضی النجف و حاضرها ۴: ۳۱۶ ببعد» و« معارف الرجال ۱: ۳۲۱ ببعد» شود. م.

ذی الحجه ۱۲۶۹ نوشته و مدفنش را در یکی از حجرات قبلی صحن شریف علوی تعیین کرده است. برای اطلاع بیشتر رجوع بکتاب مذکور و «ماضی النجف و حاضرها ۴: ۳۱۶ ببعد» و «معارف الرجال ۱: ۳۲۱ ببعد» شود. م.

ص: ۱۹۳۲

❊ (۱۱۶۹- وفات شیخ عبد اللّه حکیم یمنی)❊

وی فرزند حمزة بن هادی بن یحیی بن محمد قاضی دوار صنعانی، و از اهل علم و ادب و شعر و طب بوده و مخصوصا در علوم فلک و نجوم و حساب و حکمت و ریاضیات عالیه تبرزی تمام داشته و استخراج احکام می‌نموده و کتب بسیاری در طب و حساب بخط خویش نوشته و خود نیز چندین کتاب بنظم و نثر تألیف فرموده: اول کتاب «بلغة المقتات» در علم اوقات.

دویم کتاب «معدن الجواهر» در اخراج ضمائر در حدود دو جزء. سیم کتاب «المهدویه» که آن منظومه‌ئی است در ملحمه در وقایعی که در همه شهرها رخ می‌دهد، در حدود دویست بیت بنام امام مهدی عبد اللّه بن احمد متوکل که در آخر آن در اظهار عدم اعتقاد خود بتأثیر نجوم چنین فرموده:

و سمیتها بالمهدویة کونها — برسم امام العصر دام له العلا

مع العلم و الاقرار للّه وحده — بعلم علوم الغیب علما مفصلا

و لکنه ظن و علم بحدسنا — یدل علی المظنون ظنا مخیلا

و ان اعتقادی أن ربی قادر — علی فعل ما یختار ان شا و ان بلا

و هم این دو شعر از اوست که در توریت بنام و لقب خود گفته:

و مذ أشرقت بالعلم کالشمس أنواری — صعدت علی الافلاک (قاض. کذا) و (دواری(

ولی قلم فی العلم جل صفاته — یدل علی ما کان من حکمة الباری

و او در اینسال در صنعاء- چنان‌که در «معجم ادباء الاطبا ۱: ۲۲۲» فرموده- وفات کرد.

ص: ۱۹۳۳

❊ (۱۱۷۰- تولد میرزا علی اکبر آقا اردبیلی، ره)❊

وی فرزند حاج میرزا محسن اردبیلی (۱۲۹۴) و خود از علما و فقها بوده، و در این سال- چنانکه در «الذریعه ۳ ش ۴۳۶» و «نقباء البشر: ۱۶۰۵» فرموده- متولد شده، و کتب چندی تألیف نموده، از آن جمله کتاب «خطاء الخوانساری»[۲۰] درباره شیخ أحسائی در رد کلمات مرحوم آقا میرزا محمد باقر چهارسوئی در «روضات» در تعریف شیخ احمد أحسائی و رد کلمات خود شیخ مرقوم. و از این کتاب چنین برآید که او سخت بذاء و فحاش بوده و نسبت باین دو بزرگوار و همچنین- چنانکه در «أحسن الودیعه» نوشته- بمرحوم ملا محمد کاظم خراسانی بی‌ادبی‌هائی نموده. و آقا میرزا احمد روضاتی (۱۳۴۷) در ترجمه مختصری که برای صاحب عنوان در پشت کتاب مرقوم نوشته بعضی از کلمات او را جواب داده.

و بالاخره وی در شنبه بیست و پنجم ماه شعبان المعظم سنه ۱۳۴۶ هزار و سیصد و چهل و شش- مطابق ۲۸ بهمنماه باستانی- در اردبیل وفات کرد.

❊ (۱۱۷۱- وفات انجم، شاعر نفری فارسی)❊

وی علی اکبر خان بن محمد تقی خان بن حاجی حسین خان فارسی است.

حاجی حسین خان و فرزندش محمد تقی خان هر یک در زمان خود حاکم ایل نفر فارس بوده‌اند. و علی اکبر خان صاحب عنوان فرزند محمد تقی خان هم بجای آنها حاکم آن ایل و غیره بوده و علم و فضلی وافر داشته و شعر هم می‌گفته و تخلص انجم می‌نموده، و در این

---

(۱) نامش «کشف خطاء الخوانساری» است. م.

سال وفات کرده. و فرزندش محمد حسن خان از شغل پدران خود کناره‌جوئی نموده[۲۱].

❊ (۱۱۷۲- تولد شیخ علیرضاء همدانی)❊

وی بطوری‌که در «نقباء: ۱۶۱۵ ش ۲۱۵۸» فرموده، فرزند میرزا علی محمد بن محمد علی شیرازی و عالمی صالح و فاضل و زکی بوده، و همانا در اینسال در قریه زاغه از قرای همدان متولد شده، و در نزد شیخ عبد اللّه بروجردی همدانی و غیره درس خوانده تا دارای فضیلت سامیه و معرفت تامه گردید، و در سنه ۱۳۰۵ در همدان سکونت گزید، و با علم فراوان و خلق پسندیده که داشت هم در غایت ورع و صلاح و زهد و عبادت و عفت و قناعت بود، و بواسطه این اخلاق و وعظ و ارشادی که می‌نمود محبوب مردمان گردید و همی دور او را گرفتند، و وی بر تلاوت قرآن و أذکار و زیارات مواظبت داشت،

---

[۲۰] (۱) نامش «کشف خطاء الخوانساری» است. م.

[۲۱] (۱) مرحوم مؤلف این شرح حال را از «فارسنامه ناصری: ۳۱۴» گرفته است. م.

تا پس از مدت هفتاد و چهار سال عمر در سنه ۱۳۴۳ هزار و سیصد و چهل و سه در همدان وفات کرد و در سنه ۱۳۴۵ او را بنجف حمل کردند. انتهی.

❊ (۱۱۷۳- وفات مرحوم سید علیشاه رضوی، ره)❊

وی فرزند مرحوم سید صفدر کشمیری است که در (۱۲۵۵ ج ۵ ش ۸۵۵) گذشت.

و خود ساکن لکهنو و عالمی جلیل و کبیر بوده، و کتابی بنام «کاشف الغمه» در أصالت برائت ذمه تألیف نموده، و در این سال در لکهنو وفات کرده، و فرزندش سید ابو الحسن در (۱۲۶۰ ج ۵ ش ۹۷۱) گذشت.

---

(۱) مرحوم مؤلف این شرح حال را از «فارسنامه ناصری: ۳۱۴» گرفته است. م.

ص: ۱۹۳۵

❊ (۱۱۷۴- تولد امین خاقان شیرازی)❊

«مؤلفین کتب چاپی ج ۴ ش ۵۹۷»[۲۲]

«امین خاقان درویش علیمحمد بن محمود شیرازی خرسند بن خرم حمزوی (متولد ۱۲۶۹ ق متوفی ۱۳۴۶ ق). خطوط هفتگانه را خوش مینوشت. در اوائل منشی میرزا علی اصغر خان اتابک بود، بعد از طهران بهندوستان رفت و از آنجا. بشیراز بازگشت و در آنجا مدرسه مسعودیه را افتتاح نمود و چند سال ریاست دبیرستان شعاعیه را داشت. چند روز قبل از وفاتش اداره معارف او را از این شغل برکنار داشت» انتهی. سپس آقای مشار تألیفی از او بنام «سید الانشاء نوظهور» ذکر کرده و این کتاب که باندازه وزیری یک‌بار در بمبی و دوبار در طهران چاپ سنگی شده قریب ۲۰۰ صفحه میباشد. م.

❊ (۱۱۷۵- وفات مرحوم آقا غلامعلی خوشنویس اصفهانی)❊

مرحوم آقا غلامعلی فرزند محمد رحیم، چنانکه در «سخنوران نامی معاصر ۳: ۲۰۰» نوشته، و خود از خطاطین مهم عصر خویش بوده، و در خطنویسی و آوازه‌خوانی صنایع عجیبه می‌نموده، و در این سال وفات کرده. و نواده پسریش آقا عبد الکریم بن حاج محمد

---

[۲۲] (۱) مرحوم مؤلف پس از عنوان فقط نام مأخذ را قید کرده بود، بناچار عینا شرح حال از آنجا نقل شد و تفصیل با نمونه‌ئی از اشعار صاحب ترجمه در« دانشمندان و سخن‌سرایان فارس ۲: ۴۳۱ ببعد» که تنها مأخذ آقای مشار بوده مذکور است. م.

(۱) مرحوم مؤلف پس از عنوان فقط نام مأخذ را قید کرده بود، بناچار عینا شرح حال از آنجا نقل شد و تفصیل با نمونه‌ئی از اشعار صاحب ترجمه در «دانشمندان و سخن‌سرایان فارس ۲: ۴۳۱ ببعد» که تنها مأخذ آقای مشار بوده مذکور است. م.

ص: ۱۹۳۶

رضا بن آقا محمد رحیم بن آقا غلامعلی مرقوم در (۱۳۱۶) بیاید. و نواده دختریش آقا میرزا محمد کاظم غمگین در (۱۲۸۶) بیاید. و شاگردش میرزا محمد ابراهیم ساغر در (۱۳۰۲) بیاید.

❊ (۱۱۷۶- وفات مرحوم آقا فتحعلی حجاب شاعر شیرازی)❊

از «آثار عجم» چنین برمی‌آید که وی فرزند آقا محمد جعفر و از اهل فضل و کمال بوده و خط نستعلیق را نیکو می‌نوشته و شعر را خوب می‌گفته و تخلص حجاب می‌نموده، و در این سال وفات کرده و در حرم شاه چراغ (ع) دفن شده، و این اشعار را از او آورده:

بتیغم از بزنی از تو کی برم امید — که هست کشته تیغ تو زنده جاوید

کست درست نیارست دید پرده مبند — بس است حاجب خورشید پرتو خورشید

ز عشق زلف سیاه تو نیز نپسندم — بخویشتن که شوم روز حشر نامه سفید

مگر بسایه سرو قدت شوم قانع — مرا که کرده تهی‌دست روزگار چو بید

ز عکس روی تو و مستی دو چشم تو کرد — سکندر آینه را و شراب را جمشید

گمان مبر که حجاب ار ز غصه خاک شود — برد غبار وی از دامن تو دست امید

انتهی. و در «گلشن وصال: ۲۷۹» نوشته که او فن خطاطی و سخنوری را در نزد مرحوم وصال آموخته.

ص: ۱۹۳۷

❊ (۱۱۷۷- وفات مرحوم سید محمد زنجانی، ره)❊

وی بطوری‌که در «فهرست علماء زنجان: ۱۲۰» فرموده فرزند مرحوم سید ابو القاسم حسینی سردانی، و خود از جمله علما و امام جمعه زنجان بوده، و همانا که در قریه سردانه- از دهات طارم سفلی از مضافات زنجان- متولد شده، و چندی در اصفهان در نزد حاجی کرباسی درس خوانده، سپس با شهادات علمیه بزنجان باز آمد و یکی از زعما و مراجع روحانی آن

شهر گردید، و از جانب عبد اللّه میرزای دارا فرزند فتحعلیشاه- که درج ۲ (سال ۱۲۱۱ ص ۳۹۸ ش ۱۶۲) گذشت- متولی مدرسه سید که مؤسس و واقف آن شاهزاده مزبور بود گردید، و هماره در آن شهر بافاده و افتاء و تدریس بسر می‌برد، تا در اینسال وفات کرد، و تألیفاتی چند از او باز ماند: اول کتاب «انیس الفقها» در فقه زیاده بر هفت جلد. دویم «رساله در خروج مسافر از محل اقامت تا کمتر از حد مسافت» که آنرا بأمر استاد مذکور خود تألیف کرده. سیم «حاشیه بر معالم الاصول». چهارم «رساله در مسائل عملیه با اصول عقاید».

پنجم «کتابی در فقه» در سه جلد غیر از «انیس الفقها». ششم کتاب «لسان الصدق».

مرحوم سید محمد را فرزندان و نوادگان چندی بوده همه از علماء بزرگوار: اول میرزا عبد الواسع که در (۱۲۳۵ ج ۳ ص ۹۸۸ ش ۴۷۶) گذشت. دویم سید فتح اللّه بن سید قوام الدین بن سید محمد صاحب عنوان که در نجف درس خوانده و از فضلا بوده.

ص: ۱۹۳۸

❊ (۱۱۷۸- وفات ملا محمد حجة الاسلام مامقانی تبریزی)❊

وی فرزند حسین بن زین العابدین بن علی بن ابراهیم، و خود از علماء معروف آذربایجان بوده و در فقه و فلسفه و تخلق بملکات فاضله و حسن بیان از نوادر بشمار می‌آمده، و در «المآثر: ۱۶۱ س ۱» او را عنوان نموده و فرماید: از مشایخ مشاهیر شعبه شیخیه است، انتهی. و او در مجلس مباحثه با میر علی محمد باب در تبریز حضور داشته. و بطوری‌که در «الذریعه ۹: ۱۲۴۱» فرموده شاگرد شیخ احمد أحسائی بوده، و در اینسال وفات نموده، انتهی. و در جلد قاجاریه «ناسخ: ۵۶۱» و نیز در مقدمه‌ئی که میرزا علی اکبر عماد بر «آتشکده» فرزندش نیز نوشته در ۱۲۶۸ گفته‌اند. و پس از خود فرزندانی باز نهاده، یکی میرزا اسمعیل نیاز که از اهل علم و فضل بوده و شعر هم می‌گفته و تخلص نیاز می‌فرموده و پس از وفات پدر جانشین او شده. و دیگر میرزا محمد تقی حجة الاسلام که در (۱۲۴۸ ج ۴ ص ۱۳۳۷ ش ۷۳۱) گذشت.

❊ (۱۱۷۹- وفات سید محمد قطیفی حائری)❊

وی فرزند مرحوم سید مال اللّه موسوی و از شعراء بوده، و در اینسال وفات نموده، چنانکه در «أعیان الشیعه ۱: ۴۰۴» فرموده.

ص: ۱۹۳۹

❊ (۱۱۸۰- وفات مرحوم حاج ملا میرزا محمد ترکابادی، ره)❊

وی فرزند میرزا محمد علی بن میرزا محمد بن غلامرضا بن ملا محمد (ره) است که جد اعلایش ملا محمد مرقوم از اهل علم و فضل بوده، و خود نیز- چنانکه در «لباب الالقاب:

۶۳» فرموده- فاضل فقیه صالح متقی بوده و نخست در کاشان نزد حاج ملا احمد نراقی (۱۲۴۵ ج ۴ ص ۱۲۳۵ ش ۶۵۳) و حاج سید محمد تقی پشت مشهدی (۱۲۵۸ ج ۵ ص ۱۵۷۵ ش ۹۶۳) و میرزا ابو الحسن معروف بمجتهد و حاج ملا ابو القاسم ترکابادی (که از معاریف علماء کاشان و شاگرد میرزای قمی بوده و در پهلوی مقبره ملا محسن- چنانکه در «لباب: ۶۳» فرموده- دفن است) درس خوانده، آنگاه بعراق عرب رفت و در نزد شریف العلما و آقا سید محمد کربلائی درس خواند و هم از این استاد اخیر اجازت گرفت و بکاشان برگشت، و آنجا در نهایت فقر و فاقه بسر آورد و از همین رو غالبا بنماز و روزه نیابت می‌پرداخت چنانکه حج او هم بنیابت بوده، و چندین کتاب تألیف نموده:

اول کتاب «زبدة الاصلاح» در مختصر «اصلاح العمل» سید محمد مرقوم. دویم «الرسالة الجعفریه» در دیات. سیم «مجموعه‌ئی در اخلاق». چهارم «مجموعه‌ئی در أعمال ایام هفته». پنجم «مجموعه‌ئی در ادعیه ماه‌ها». ششم «شرح زبدة الاصلاح» خودش. هفتم کتاب «مجمع الفوائد» که در آن کتاب «جامع الشتات» میرزای قمی را جمع کرده. هشتم کتاب «معتمد الانام» در فقه. نهم کتاب «هلال الاحکام». دهم کتاب «محبوب القلوب» در احوال انبیا و حکما و سلاطین و غیره. یازدهم تلخیص و اختصار بسیاری از کتب دیگر.

و او در اینسال بشصت و شش سالگی وفات کرده و در کاشان در کلچقانه دفن شد.

و فرزندش میرزا محمد رضا هم از علما بوده و پس از پدر در مسجدش بجای او امامت جماعت می‌نموده و کتابی بنام «منافع» در شرح «نافع» تألیف کرده و احوال پدر خود را او بطوری که نوشتیم نقل کرده چنانکه در «لباب» بدان تصریح نموده، و طوری آنجا عبارت را آورده که

ص: ۱۹۴۰

این تاریخ وفات درست معلوم نمیشود با تألیف «منافع» که از پدر است یا پسر، الا اینکه ما بقرینه اساتید آنرا مربوط بپدر و تألیف «منافع» را از پسر دانستیم.

و میرزا ابو الحسن استاد صاحب عنوان- چنانکه در «لباب: ۷۷» فرموده- از علماء فاضل و مرجع مرافعات در کاشان و معروف به مجتهد و از أقرباء أمی مؤلف «لباب» و شاگرد حاج ملا محمد مهدی نراقی کبیر و میرزای قمی بوده و «رساله‌ئی در حجیت مظنه» تألیف فرموده.

❊ (۱۱۸۱- وفات صبور، شاعر تبریزی)❊

صبور- از قراری که در «دانشمندان آذربایجان» و «ریحانة الادب ۲: ۴۵۷» نوشته- نامش محمد حسین و از شعراء عثمانی و اصلا تبریزی بوده و از آنجا باسلامبول رفت و بواسطه حسن خطی که داشت باستنساخ دو او ین بعضی از شعرا پرداخت و این شعر از اشعار ترکی طریفه او است:

آل شانه دستوه صنما طاره تللرون گو گلوم کبی داغیت نپه رخساره تللرون

و در این سال وفات کرده.

❊ (۱۱۸۲- تولد صفاء شاعر اصفهانی)❊

وی از بزرگان عرفا و حکما و اهل زهد و تقوی و اعراض از دنیا و سایر مراتب تجرد و تقدس بوده و شعر هم می‌گفته. شرح احوالش را آقای سهیلی خوانساری در مقدمه دیوانش

ص: ۱۹۴۱

(که در بهمن ۱۳۳۷ شمسی- رجب- شعبان ۱۳۷۸ قمری در تهران چاپ شده) در چندین صفحه بطور تفصیل نوشته، و خلاصه آن چنین می‌شود که:

وی بنام محمد حسین و اصلا از اهل فریدن اصفهان بوده، و همانا در اینسال در این ناحیه متولد شده و روزگار جوانی را برنج کسب فضل و دانش در همانجا گذرانید، آن‌گاه بار سفر بسته و با برادر خود میرزا علی محمد (که در ۱۳۴۳ بیاید) رحل اقامت بتهران افکندند، و هر یک در مدرسه‌ئی منزل گزیده و بسختی با اندک سرمایه‌ئی اسباب معاش را فراهم نموده و بکسب علوم می‌کوشیدند، تا آن‌که در علم و فضل و حکمت و فلسفه و کلام و فقه و عرفان مقام استادی یافته و در سخنوری نیز بدرجه اعلا رسیدند، و دیری نگذشت که شهرتی پیدا کرده و ارباب ذوق دور ایشان را گرفتند.

آن‌گاه برادر مهتر صفا صاحب این عنوان در سالی که حاجی میرزا محمد رضای مستشار الملک (مؤتمن السلطنه) وزیر خراسان برای انجام بعضی از امور دیوانی بطهران آمد و برگشت در رکاب وی بمشهد مقدس رفت و هماره در سرای وی بسر می‌برد، و بر خلاف آنچه بعضی نوشته‌اند هیچگاه در مدرسه منزل نگرفت و مؤتمن السلطنه نهایت پذیرائی و احترام را از وی بعمل می‌آورد و با اینحال مقام تقدس و تقوای صفا چنان بود که هیچ در «دیوان» وی اشعاری در مدح او دیده نمی‌شود.

و چون مؤتمن السلطنه در سنه ۱۳۰۹ وفات کرد و وزارت خراسان بفرزند ارشدش میرزا علی محمد مؤتمن السلطنه (چنانکه در «ص ب» نوشته) یا میرزا محمد علیخان (چنانکه در «ص و» فرموده) قرار گرفت، وی نیز چون پدر صفا را گرامی میداشت و در حق او احسان فراوان بجا می‌آورد، چنان که در سنه ۱۳۱۳ خانه‌ئی برای وی در مشهد در کوچه پشت مقبره (یعنی پشت مقبره نادرشاه) که نزدیک منزل خودش بود خرید، و اثاث البیت زندگانی او را هرچه بایست فراهم کرد، تا پس از چند سال مؤتمن السلطنه ثانی از وزارت خراسان معزول و ناچار بتهران رهسپار شد، و صفا را بپسر عم خویش میرزا حسنخان (معروف به آباخان) سپرد.

نوشته‌اند که وی در ایام اقامت بمشهد کمتر با مردم معاشرت داشت و هماره در خانه خلوت پای در دامن عزلت کشیده و بیرون نمی‌آمد، و گاهی که بیرون می‌شد عبا را بسر

ص: ۱۹۴۲

می‌افکند و قصایدی که در مدح ائمه (ع) می‌سرود، در مسجد گوهرشاد کنار مناره می‌ایستاد و آن‌ها را با خضوع و خشوع می‌خواند و باز می‌گشت، چنان‌که در مدت عمر عیال اختیار نکرد، و در سنه ۱۳۱۴ پهلو بر بستر بیماری نهاد و مدتی رنجور بود و پس از بهبودی گاهی برای اجتماع قوای فکریه استعمال حشیش می‌نمود و در اثر آن کار حواسش مختل شده و بدون احتفاظ سر بکوچه و برزن مینهاد، و برای گذران معاش علاوه بر آنچه مؤتمن السلطنه می‌داد از دیوان دولت نیز مبلغی مستمری داشت، تا این که میرزا کریم خان بنان الدوله فرزند میرزا فضل اللّه آنرا قطع کرد و در حق شاعری رازی دیگر که تخلص او نیز صفا بود برقرار نمود، چنانکه در مقدمه (ص ه) فرموده.

و ما فهرست شعرائی را که تخلص صفا داشته‌اند در (۱۲۲۱ ج ۳ ص ۷۳۰ ش ۳۰۶) نوشتیم، و آیا این صفا یکی از آنها یا دیگری است ندانیم. و در «الذریعه ۹: ۶۰۸ و ۱۰» صفاء تفرشی و صفاء لواسانی را نوشته که نزیل طهران بوده‌اند.

و صفاء صاحب عنوان با این که در اشعار خود نام هیچ‌کس را بزشتی نبرده با این صفاء لواسانی بی‌صفائی نموده و وی را مورد هجو قرار داده.

و بهرحال، صفا پس از مدت پنجاه و سه سال قمری عمر در سنه ۱۳۲۲ هزار و سیصد و بیست و دو، چند ماهی پس از مرگ آباخان بیماری وبا در مشهد وفات کرد و جسدش را در مدرسه ملا تاج بخاک سپردند.

در مقدمه (ص و) فرماید: این مدرسه در شمال صحن عتیق و بنام ملا تاج معروف بوده و مرحوم حاجی میرزا محمد رضا مؤتمن السلطنه آنرا بخرج خویش ترمیم کرد و موقوفاتی برای نگاهداری آن معین فرمود و تولیت آن پس از وی با خاندانش بود، بدین مناسبت صفا را در آنجا دفن کردند در پای مناره‌ئی متصل ببنای ایوان عباسی که در عهد نادر شاه ساخته شده ولی اکنون بسبب خرابی بسیار سنگ قبر و دیگر آثار در زیر آوار پنهان شده شاید اگر توده‌های خاک برداشته شود قبر او آشکار گردد، انتهی.

در «مطلع الشمس ۲: ۲۴۲» که اجمالا اسماء مدارس مشهد را نوشته این مدرسه را ذکر کرده لیکن در (ص ۲۴۷) و ما بعدها که شرح و تفصیل بعضی از آنها را آورده از این مدرسه چیزی ننوشته.

ص: ۱۹۴۳

❊ (۱۱۸۳- تولد سید مهدی لکهنوی هندی)❊

از جلد دویم «فهرست کتابخانه رضویه و ج ۶ ص ۵۷۵» چنین برمی‌آید که وی فرزند سید علی از علماء لکهنو است و در این سال متولد شده و کتابی بنام «مواعظ المتقین» تألیف کرده.

❊ (وفات مرحوم حاجی میرزا هاشم مشهدی، ره)❊

شرح احوال او در (۱۲۰۹ ج ۲ ص ۳۴۷ ش ۱۴۰) گذشت.

سنه ۱۲۷۰ قمری مطابق سنه ۱۲۳۲ شمسی غره محرم الحرام (...) میزان ماه برجی

❊ (۱۱۸۴- تولد سلطان حسین کامل خدیوی مصری)❊

وی فرزند اسمعیل پاشا خدیوی مصری است که در (۱۲۷۹) بیاید.

سلطان حسین کامل در نوزدهم ماه صفر الخیر این سال- مطابق (...) عقرب ماه برجی- در قاهره متولد شده و در مصر و پاریس تحصیل علوم عدیده نمود، و در سنه ۱۳۳۳ پادشاه مصر شد، و در ظهر روز سه‌شنبه بیست و دویم ماه ذی الحجة الحرام به افق مصر و ۲۱ بافق تهران سنه ۱۳۳۵ هزار و سیصد و سی و پنج- مطابق ۱۶ میزان ماه برجی- پس از مدت شصت و پنج سال و ده ماه قمری و سه روز عمر وفات کرد و فردای آن در نزد پدرش دفن شد.

❊ (وفات احمد، شاعر قاجار)❊

ماه صفر. شرح احوال او در (۱۲۱۸ ج ۳ ش ۲۵۷ ص ۶۴۹) گذشت.

ص: ۱۹۴۴

❊ (۱۱۸۵- تولد مرحوم حاجی نایب الصدر شیرازی، رضی اللّه عنه)❊

وی مرحوم معصوم علیشاه میرزا محمد معصوم بن رحمتعلیشاه شیرازی است که در (۱۲۰۸ ج ۲ ش ۱۳۱) گذشت.

مرحوم حاجی نایب الصدر از أجله فضلا و بزرگان رجال این عصر بود، و در سحر شب شنبه چهاردهم ماه ربیع المولود این سال از بطن دختر میرزا مهدی خلیفه سلطانی جرقویه‌ئی (که در سنه ۱۳۰۰ وفات کرده و در صحن کوچک حایر حسینی ع دفن است) در شیراز متولد شده، و سال‌ها در همانجا و عتبات و تهران در خدمت چندین نفر از علما و عرفا و حکماء بزرگ و اهل فضل و کمال و علم و عرفان درس خواند تا بدرجات عالیه در علوم شریعت و طریقت و عرفان و حکمت نائل گردید و شعر هم می‌گفت و تخلص معصوم می‌نمود چنان که هم در طریقت معصومعلیشاه لقب داشت، و در سنه ۱۲۹۵ (بعد از فوت برادرش منصور علی) از طرف ناصر الدین شاه به نایب الصدر ملقب شد، و چندین سال در اطراف بلاد هند و ایران سفرهای عدیده نمود و حاصل معلومات خود را در ظرف این سنوات کتابی کریم تألیف فرموده بنام «طرائق الحقائق» در سه جلد:

اول در اثبات حقیقت تصوف. انجام تألیفش ۲ شنبه ۹ ع ۱ سنه ۱۳۱۵.

دویم در احوال عرفاء صدر اسلام تا شاه نعمت اللّه. انجام تألیف آن روز ۱ شنبه ۸ شوال سنه ۱۳۱۶.

سیم در احوال شاه نعمت اللّه تا زمان تألیف و أعیان معاصرین هر یک از عرفا در این دو جلد. انجام تألیف آن عصر ۲ شنبه ۶ صفر سنه ۱۳۱۸.

در کتاب «نابغه علم و عرفان: ۳۶۴» نوشته که وی چند سالی حالش خوش بود ولی بعدا مدتی انقلاب حال برایش دست داده و خود دعوای جانشینی حاج آقا محمد نمود و خود را معصوم علیشاه نامید. و هم او در انقلاب مشروطیت وارد بود و در زمان محمد علی شاه

ص: ۱۹۴۵

خواستند وی را بدین سبب بقتل برسانند، او فرار کرده و بشاه عبدالعظیم (ع) پناهنده شد و مرحوم اعتماد التولیه نزد شاه از او شفاعت کرد و وی قبول نموده از قتل او گذشت بشرطی که از شاه عبدالعظیم (ع) بیرون برود. لاجرم او حرکت کرده و مستقیما بگنابد آمد و از کردار خود پشیمان و بتقصیر خویش معترف بود، و حاج ملا سلطانعلی او را مورد لطف خود قرار داد و وی آنجا بود تا حاج ملا سلطانعلی را بقتل آوردند و اشعاری در مرثیه او سرود، و بعدا با حاج ملا علی و سپس با فرزندش صالح علیشاه تجدید عهد نمود. و در اواخر چندی رئیس اوقاف گرگان شد، و بعد از آن ریاست اوقاف گنابد را یافت، و بعد از آن بمشهد رفت تا وفات کرد.

و بالاخره وی پس از مدت هفتاد و چهار سال و چهار ماه قمری و بیست و هفت روز عمر، در چهارشنبه یازدهم ماه شعبان المعظم سنه ۱۳۴۴ هزار و سیصد و چهل و چهار- مطابق ۵ اسفند ماه باستانی- در مشهد وفات کرد، و هم آن‌جا در بیرون دروازه سراب که سمت غربی شهر است دفن شد در قبرستان دویم که از یک حد بباغ منبع می‌پیوندد و بقیه حدود بصحرا است در میان قبرستان در میان زمینی بمساحت نه گز مربع که یک چهار یک ارتفاع دارد.

و او را چندین نفر فرزند از زنان عدیده بهم رسیده: اول میرزا محمد حسین که در «طرائق ۳: ۳۴۸» نامی از او برده شده، تولدش آخر شب ۴ شنبه ۱۴ محرم سنه ۱۲۹۷.

دویم میرزا محمد تقی ناصر علی، تولدش شب شنبه ۲۶ ذی الحجه سنه ۱۳۰۶. و این دو پسر با دو دختر (سکینه متولد در اول روز ۴ شنبه ۶ ذی القعده سنه ۱۳۰۷ و رباب متولد در اول روز شنبه ماه رمضان سنه ۱۳۱۱) از دختر حاج میرزا مهدی بن میرزا علی اردکانی‌اند که در (۱۲۵۹ ج ۵ ش ۹۵۲ ص ۱۶۰۵) گذشت.

و هم او را دو دختر دیگر بنام رقیه و خدیجه (متولد در ساعت هشت و نیم از شب ۴ شنبه ۱۳ شوال سنه ۱۳۱۶) از دو بطن دیگر بوده.

در «مجله وحید. س ۱۱ ش ۷ ص ۷۹۱» نوشته که صفیعلیشاه این شعر را درباره حاجی نایب الصدر شیرازی که سر بسلسله طاوسیه سپرده بود گفته:

ص: ۱۹۴۶

* (۱۱۸۶- تولد میرزا محمد باقر مدرس رضوی، ره)*

وی فرزند میرزا اسمعیل رضوی است که در (۱۲۴۲ ج ۴ ش ۶۱۲ ص ۱۱۶۳) گذشت.

و خود از اعاظم علماء أعلام و مدرسین بسیار والامقام عصر حاضر بود، و شرح احوالش در «منتخب التواریخ. باب ۱۰ در خاتمه ص ۴۹۶» و «الذریعه ۱۳: ۳۳ ش ۱۰۸» و برخی از جلدهای دیگر و «فهرست کتابخانه مبارکه رضویه ۵: ۵۰۵ در پاورقی» و ضمیمه «تاریخ علماء خراسان: ۳۰۱ ش ۱۲۰» نوشته، و از آن‌ها چنین برآید که او در هفدهم ماه ربیع المولود (که میلاد مسعود حضرت رسول اکرم صلی اللّه علیه و آله و سلم بوده) این سال متولد شده، و در سنه ۱۲۹۴ بسبزوار رفت و مدتی از روحانیت حکیم بزرگوار مرحوم حاج ملا هادی «قدس سره العزیز» و اثر آن خاک پاک و تربت تابناک استفاده مطالب عالیه نموده، و سپس در سنه ۱۳۰۶ بعتبات عالیات مشرف شد و از مدرس مقدس آخوند خراسانی بهره‌مند گردید، و در سنه ۱۳۲۵ از حاج شیخ حسنعلی مشهدی اجازت روایت گرفت، آنگاه در مشهد مقدس بتألیف و تدریس مشغول شد، و زیاده بر دویست نفر بمجلس درس او می‌آمدند و دوره «شرح لمعه» را بیش از بیست مرتبه درس گفت، و تدریس هر دوره دو سال و نیم طول می‌کشید، و حتی ایام آخر عمر هم ترک تدریس نفرمود، و چندین کتاب تألیف نمود:

اول «حاشیه بر شرح لمعه». دویم «حاشیه بر فصول». سیم «حاشیه بر قوانین». چهارم «رساله در خط». پنجم کتاب «شجره طیبه» در احوال و انساب سادات رضوی[۲۳]. ششم «شرح احادیث مشکله». هفتم «کتابی در احوال خواجه ربیع». هشتم «کتابی در عروض و قافیه و بدیع». نهم کتاب «اللالیء المنثوره» در مطالب متفرقه.

---

(۱) این کتاب شریف با تکمله و تصحیح و تهیه مشجرات بسعی و اهتمام آقای سید محمد تقی مدرس رضوی (أیده اللّه) فرزند دانشمند مؤلف بسال ۱۳۵۲ ش در تهران طی حدود ۵۰۰ صفحه وزیری چاپ شد. م.

ص: ۱۹۴۷

---

[۲۳] (۱) این کتاب شریف با تکمله و تصحیح و تهیه مشجرات بسعی و اهتمام آقای سید محمد تقی مدرس رضوی(أیده اللّه) فرزند دانشمند مؤلف بسال ۱۳۵۲ ش در تهران طی حدود ۵۰۰ صفحه وزیری چاپ شد. م.

و آخر، پس از مدت هفتاد و دو سال و هشت ماه قمری و بیست و دو روز عمر، در روز شنبه نهم ماه ذی الحجة الحرام سنه ۱۳۴۲ هزار و سیصد و چهل و دو- مطابق ۲۱ سرطان ماه برجی- در قریه سوران پنج فرسنگی مشهد مقدس وفات کرد و جنازه‌اش را بمشهد آورده، و در روز جمعه عید قربان (که دو عید بود) در زیر درب پائین پای حرم مطهر رضوی (ع) دفن کردند آنجا که بدار السعاده میرود، چنانکه در «منتخب التواریخ» است، و آنجا وفاتش را بدون تعیین ماه و روز در سنه ۱۳۴۳ نوشته بهفتاد و سه سالگی. و در ضمیمه «تاریخ علماء خراسان» در ۵ شنبه نهم ذی الحجه سنه ۱۳۴۲ نوشته که در تعیین روز هفته اشتباه شده، چه طبق تقویم آن سال غره ذی القعده ۵ شنبه و آن ناقص، و غره ذی الحجه جمعه و نهم آن شنبه بوده. و بر فرض تمام بودن ذی القعده باز غره ذی الحجه شنبه و ۹ آن یکشنبه خواهد بود نه ۵ شنبه[۲۴].

سنه ۱۲۳۳ شمسی

سه‌شنبه بیست و یکم جمادی الاخری اول حمل ماه برجی

❊ (۱۱۸۷- تولد مرحوم حاجی امین الواعظین ۶۵ تهرانی)❊

وی حاجی شیخ اسد اللّه ۶۵ بن شیخ ابو القاسم ۶۴ بن شیخ محمد باقر ۶۳ بن شیخ عبد الرضا ۶۲ بن شیخ شمس الدین ۶۱ جابری انصاری است.

---

(۱) خداوند رحمت کناد مؤلف جلیل القدر را که اینهمه دقت در کار تألیف از مختصات آن مرحوم بود و در جاهای دیگر کمتر بچشم می‌خورد. م.

ص: ۱۹۴۸

شیخ شمس الدین ۶۱ جابری در (۱۲۱۴ ش ۲۰۰) گذشت.

فرزندش شیخ عبد الرضا ۶۲ از جمله أسخیا بوده و در دزفول دفن است.

فرزندش شیخ محمد باقر ۶۳ مردی زاهد و عالم بوده.

فرزندش مرحوم شیخ ابو القاسم ۶۴ از جمله علما و شاگرد پسرعمش مرحوم حاجی شیخ مرتضی انصاری «اعلی اللّه مقامه» بوده، وفاتش سنه ۱۲۸۰ قبرش در وادی السلام.

فرزندش مرحوم حاجی امین الواعظین ۶۵ صاحب عنوان (ره) از علما و وعاظ و مردی ادیب و مورخ بود. و او در سه‌شنبه سیزدهم ماه رجب الفرد این سال- مطابق ۲۲ حمل ماه برجی- در نجف متولد شده، و پس از تحصیل علوم عدیده در تهران

---

[۲۴] (۱) خداوند رحمت کناد مؤلف جلیل القدر را که اینهمه دقت در کار تألیف از مختصات آن مرحوم بود و در جاهای دیگر کمتر بچشم می‌خورد. م.

ساکن و بموعظه و تألیف پرداخت، و از جمله مؤلفات وی کتاب «حدائق الادب» در نوادر عرب است مانند «کشکول» در دو جلد. انجام تألیف جلد اول آن شب ۲ شنبه ۴ رجب سنه ۱۳۰۷. و ما خود در روز یک- شنبه غره ع ۱ سنه ۱۳۵۲ در تهران خدمت او رسیدیم و بعد از آن در جلد دویم «الذریعه ش ۴۹۴» بنظر رسید که وی در حدود سال ۱۳۵۲ وفات کرده و اعقاب پسری و دختری او هم اینک در تهران موجوداند[۲۵].

---

(۱) در سال (۱۳۴۹ ش) کتابی بنام «کشکول امینی» یا «کنز الافادة فی بیوت العباده» تألیف مرحوم حاج امین الواعظین صاحب ترجمه در ۳ جزء بطبع رسیده که در مقدمه جزء اول شرح حال مختصری با دو تصویر از او دیده میشود و در آنجا وفاتش را بدون قید روز و ماه در سال ۱۳۵۲ نوشته‌اند، لکن در آخر جزء سوم (ص ۳۳۱) بنقل از کتاب «زندگانی و شخصیت شیخ انصاری: ۱۷۶» تاریخ وفات را در دو موضع بسال ۱۳۵۳ در تهران نوشته و نیز در آنجا گوید که «شیخ اسد اللّه حدود چهل کتاب متنوع تألیف نموده که از آنهاست: ۱- «حدائق الادب فی نوادر العرب» در دو جلد ۲- «کنز الافادة فی بیوت العباده» ۳- «الحیاض الطریفه» ۴- «تذکرة العروض» در علم عروض ۵- «اصطلاحات العلوم» ۶- «النوادر» ۷- «أخبار الخلفا» ۸- «مجموعه در نحو» ۹- «مجمع اللغات» ۱۰- «جنگ مواعظ» ۱۱- «نهج الفصاحه» ۱۲- «دیوان شعر» فارسی و عربی در دو جلد ۱۳- «مرآة الحیات» در ۱۴ جلد در سوانح عمر خود و بر هر چه از وقایع مهمه اطلاع پیدا نموده»، انتهی. و از مقدمه جزء اول مستفاد*

ص: ۱۹۴۹

* (وفات میرزا حبیب اللّه حکیم قاآنی، ره)*

۵ شعبان. شرح احوال او در (۱۲۲۲ ج ۳ ش ۳۱۹ ص ۷۴۵) گذشت.

بموجب آنچه آقای روضاتی در یک صفحه کاغذ نوشته‌اند شرح احوال او باید در این سال بنقل از «مجله هفتگی وحید، سال ۶ ش ۷ ش مسلسل ۶۷ ص ۵۴۷» دوباره نوشته شود[۲۶].

---

[۲۵] (۱) در سال(۱۳۴۹ ش) کتابی بنام« کشکول امینی» یا« کنز الافادة فی بیوت العباده» تألیف مرحوم حاج امین الواعظین صاحب ترجمه در ۳ جزء بطبع رسیده که در مقدمه جزء اول شرح حال مختصری با دو تصویر از او دیده میشود و در آنجا وفاتش را بدون قید روز و ماه در سال ۱۳۵۲ نوشته‌اند، لکن در آخر جزء سوم(ص ۳۳۱) بنقل از کتاب« زندگانی و شخصیت شیخ انصاری: ۱۷۶» تاریخ وفات را در دو موضع بسال ۱۳۵۳ در تهران نوشته و نیز در آنجا گوید که« شیخ اسد اللّه حدود چهل کتاب متنوع تألیف نموده که از آنهاست: ۱-« حدائق الادب فی نوادر العرب» در دو جلد ۲-« کنز الافادة فی بیوت العباده» ۳-« الحیاض الطریفه» ۴-« تذکرة العروض» در علم عروض ۵-« اصطلاحات العلوم» ۶-« النوادر» ۷-« أخبار الخلفا» ۸-« مجموعه در نحو» ۹-« مجمع اللغات» ۱۰-« جنگ مواعظ» ۱۱-« نهج الفصاحه» ۱۲-« دیوان شعر» فارسی و عربی در دو جلد ۱۳-« مرآة الحیات» در ۱۴ جلد در سوانح عمر خود و بر هر چه از وقایع مهمه اطلاع پیدا نموده»، انتهی. و از مقدمه جزء اول مستفاد** میشود که جنازه مرحوم امین الواعظین در امامزاده عبد اللّه دفن شد. و هم فرزندی از وی بنام« مرحوم حجة الاسلام شیخ محمد حسن جابری» در آنجا یاد شده که فرزندش آقای علی جابری‌پور اقدام بطبع کتاب مذکور نموده است. جزاه اللّه خیرا. م.

[۲۶] (۱) یادداشتی که اینجانب برای مرحوم مؤلف بحبیب آباد فرستادم و اینک ضمیمه اوراق اصل موجود است باین شرح بود:

* میشود که جنازه مرحوم امین الواعظین در امامزاده عبد اللّه دفن شد. و هم فرزندی از وی بنام «مرحوم حجة الاسلام شیخ محمد حسن جابری» در آنجا یاد شده که فرزندش آقای علی جابری‌پور اقدام بطبع کتاب مذکور نموده است. جزاه اللّه خیرا. م.

(۱) یادداشتی که اینجانب برای مرحوم مؤلف بحبیب آباد فرستادم و اینک ضمیمه اوراق اصل موجود است باین شرح بود:

«جناب آقای معلم. شما شرح حال مرحوم حکیم قاآنی را در سال ۱۲۲۲ ق نوشته‌اید که در (جلد سوم مکارم ص ۷۴۵ ببعد) چاپ شد. اما شرح حالی بقلم خود حکیم در «مجله هفتگی وحید سال ۶ ش ۷ ش مسلسل ۶۷ ص ۵۴۷» چاپ شده است که آنجا تولدش را در ۲۹ شعبان ۱۲۲۳ و وفات را در ۲۷ رجب ۱۲۷۰ نوشته است. لازم است شما شرح حال چاپ شده در مکارم را با آنچه در مجله است تطبیق و تلفیق کنید و یک شرح حال جامع بنویسید و بیاورید».

مرحوم مؤلف در ذیل مکتوب چنین نوشته بود:

«این شرح حال انشاء اللّه اگر حیاتی باشد در سال ۱۲۷۰ که سال وفات او است نوشته خواهد شد».

مع الاسف فرصت این کار را نیافت و وفات کرد، اینک همین تذکر کافی بنظر می‌رسد. م.

ص: ۱۹۵۰

* (وفات عباس پاشا خدیوی مصری)*

ماه شوال. شرح احوال او در (۱۲۲۸ ج ۳ ش ۳۹۰ ص ۸۶۵) گذشت.

* (وفات سید شهاب الدین آلوسی بغدادی)*

۳ ذی القعده. شرح احوالش در (۱۲۱۷ ج ۳ ش ۲۴۳ ص ۶۲۳) گذشت.

* (۱۱۸۸- وفات میرزا مهدی ۳۷ ملک الکتاب فراهانی، ره)*

« جناب آقای معلم. شما شرح حال مرحوم حکیم قاآنی را در سال ۱۲۲۲ ق نوشته‌اید که در(جلد سوم مکارم ص ۷۴۵ ببعد) چاپ شد. اما شرح حالی بقلم خود حکیم در« مجله هفتگی وحید سال ۶ ش ۷ ش مسلسل ۶۷ ص ۵۴۷» چاپ شده است که آنجا تولدش را در ۲۹ شعبان ۱۲۲۳ و وفات را در ۲۷ رجب ۱۲۷۰ نوشته است. لازم است شما شرح حال چاپ شده در مکارم را با آنچه در مجله است تطبیق و تلفیق کنید و یک شرح حال جامع بنویسید و بیاورید».

مرحوم مؤلف در ذیل مکتوب چنین نوشته بود:

« این شرح حال انشاء اللّه اگر حیاتی باشد در سال ۱۲۷۰ که سال وفات او است نوشته خواهد شد».

مع الاسف فرصت این کار را نیافت و وفات کرد، اینک همین تذکر کافی بنظر می‌رسد. م.

وی فرزند مرحوم میرزا روح اللّه ۳۶ بن میرزا اقدس ۳۵ بن میرزا ابو الفتح ۳۴ مهردار حسینی (ره) است.

میرزا ابو الفتح ۳۴ مهردار در (۱۲۱۲ ش ۱۸۶) گذشت.

نواده‌اش میرزا روح اللّه ۳۶ از وزراء زندیه و در هنگام فتح بصره همراه نواب محمد صادقخان اعتضاد الدوله بوده.

فرزندش میرزا مهدی ۳۷ صاحب عنوان از اجله فضلا و رجال دوره قاجاریه بوده.

شرح احوالش در «مجله یادگار. س ۴ ش ۸ صادره درج ۲- رجب ۱۳۶۷ ص ۲۲- ۳۴» نوشته، و از آن چنین برآید که او در حدود سال (۱۱۸۲) تقریبا متولد شده و کسب فضائل و کمالات عالیه نموده تا بأقصی مدارج علم و فضل نائل گردید، و بخصوص در انشاء و کتابت و خط خوش که هنر خانوادگی ایشان بود درجه‌ئی عالی یافت و در نوشتن انواع خط استاد

ص: ۱۹۵۱

زمان خود شد، و بشیوه درویش رفتار میکرد، و قدرت قلم او بجائی رسید که مکرر در مدت هفت ساعت هزار بیت چیز می‌نوشت در نهایت سرعت و یک صفحه را نه کثیف می‌کرد نه سیاه. و کتب بسیاری بخط او برای فتحعلیشاه و شاهزادگان تحریر یافته. و شعر هم می‌گفته و تخلص عشرت می‌کرده.

و بهرحال، در سنه ۱۲۱۹ که میرزا عیسی قائم‌مقام بزرگ (۱۲۳۷ ج ۴ ش ۵۱۴ ص ۱۰۴۰) وزیر عباس میرزای نایب السلطنه شد میرزا مهدی را بزوجیت دختر خود مفتخر کرده و وی را با خود بتبریز برد. و در سنه ۱۲۲۶ وی را برای کارهای عباس میرزا بتهران فرستاد و این وقت بحضور فتحعلیشاه باز یافت. و در سنه ۱۲۲۷ رسما وکیل امور نایب السلطنه در دستگاه پدرش شد. و در (ج ۲ سنه ۱۲۳۰) کاتب خاصه پادشاه گردید. و در (ج ۱ سنه ۱۲۳۵) لقب ملک الکتابی یافت. و پس از وفات میرزا عیسی میرزا ابو القاسم فرزندش که قائم‌مقام مطلق باشد نیز این شوهر خواهر خود را مانند پدر در کارهای خود وارد کرد و همواره خود در تبریز بنزد نایب السلطنه بود و امور او را که می‌بایستی در دربار حل و فصل شود بمیرزا مهدی رجوع می‌کرد.

و چون مرحوم معتمد الدوله نشاط (۱۲۴۴ ج ۴ ش ۶۳۶ ص ۱۲۰۸) در اواخر عمر خود مجذوب گردید خدمات محوله بوی نیز بمیرزا مهدی رجوع می‌شد. و پس از وفات عباس میرزا که قائم‌مقام می‌خواست محمد شاه را ولیعهد کند و تا رسمی نشده هیچ کس نفهمد میرزا مهدی را محرم این راز دانسته و امور مربوطه باین کار را در دربار میرزا مهدی انجام داد. تا بالاخره بمقصود خویش نائل و قائم‌مقام جزای خود را از این پادشاه و همچنین منسوبان او از آن جمله میرزا مهدی ببدترین وجهی یافتند، و خلاصه این‌که وی همیشه نزد فتحعلیشاه بمنزله چشم و گوش قائم‌مقام بود و هیچ وقت از او دوری نمی‌نمود، چنان‌که در موقعی که فتحعلیشاه در اصفهان وفات کرد نیز میرزا مهدی همراه بود و در مخفی نمودن فوت شاه سعیی بلیغ بجا آورده، و در موقعی که محمد شاه در تبریز بتخت برآمد و ظل السلطان در تهران داعیه سلطنت نمود برای پیشرفت کار خود

بمیرزا مهدی متوسل شد، ولی او با ظل- السلطان همراهی نکرده و مقصد قائم‌مقام را تعقیب نمود، و پس از جلوس محمد شاه و وفات

ص: ۱۹۵۲

قائم‌مقام که منسوبان او همه بزندان افتادند و اموالشان بغارت رفت میرزا مهدی نیز مستثنی نشده زندانی گردید و بعد از چندی فرار کرده بقم گریخت و آنجا متحصن شد و عیال و اطفالش در تهران بخانه میر محمد مهدی امام جمعه پناه بردند تا موقعی که محمد شاه وفات کرد و در دوران ناصر الدین شاه که میرزا تقیخان امیر روی کار آمد وی بپاس محبتهائی که از قائم مقام دیده بود بازماندگانش را مورد ألطاف خود قرار داده و میرزا مهدی را در سنه ۱۲۶۵ از قم بتهران خواست و اموال و باغات و خانهایش را بوی رد کرد، و چیزی نشد که در سنه ۱۲۶۸ امیر نیز براه قائم‌مقام رفت و باز میرزا مهدی و غیره بشکنجه افتادند.

این بود که او در سنه ۱۲۶۹ تهران را ترک گفته بفراهان رفت، و در ماه ذی الحجة الحرام این سال در قریه آهنگران این بلوک در ۸۸ سالگی وفات کرد، و جنازه‌اش را بقم آورده و در مقبره شیخان دفن کردند.

و فرزندی از وی بنام حاج میرزا محمد حسین ۳۸ بازماند (۱۲۶۴ ج ۵ ش ۱۰۵۲ ص ۱۷۴۱).

و عشرت که تخلص شعری او است نیز تخلص چندتن دیگر از شعرا است از آن جمله:

۱- سراج الدین ابن مولوی عبد القادر لکهنوی. ۲- عشرت اللّه آبادی، که هردو از شعراء هند و در شماره مذکور مجله مرقومه (پاورقی ص ۳۳) نوشته‌اند، و غیر آنها.

و مرحوم میرزا مهدی صاحب عنوان دختری ۳۸ داشته که او زوجه میرزا علی قائم‌مقام (۱۳۰۰) بوده.

* (۱۱۸۹- وفات مرحوم حاجی ملا اسد اللّه بروجردی، رضی اللّه عنه)*

وی فرزند مرحوم حاج عبد اللّه و از أجله علما در عصر خود بوده، و احوالش در «الروضة البهیه» و «روضات الجنات» و غیره نوشته، و در «قصص العلما» در ضمن احوال حاج سید محمد باقر بیدآبادی مطالبی راجع بوی نوشته که بسیار از او دور و شأنش اجل از آن

ص: ۱۹۵۳

است، و بالعکس در «المآثر» در مدایح او افراط نموده و مرقومات «الروضه» و «روضات» را که اصح بواقع می‌نماید از اغلاط نوشته.

و بالاخره وی «تعلیقه‌ئی بر قواعد علامه» تألیف نموده.

و در اواخر این سال، چنان‌که در «روضات» و جلد اول «سفینة البحار» در ماده (أسد) آورده‌اند؛ وفات کرده و قبرش در بروجرد معروف است. و تاریخ وفات او را در جلد قاجاریه «ناسخ» و جلد دویم «مرآت البلدان» و جلد سیم «منتظم ناصری» و «المآثر» در سنه ۱۲۷۱ نوشته‌اند[۲۷].

و بهرحال، وی فرزندان چندی داشته: اول و دویم حاجی میرزا داود و حاجی میرزا ضیاء الدین که این دو نفر از یک مادر و در «المآثر: ۱۷۳» عنوانی دارند، و حاج میرزا داود (بنابر آنچه آقای ساعدی در نامه‌ئی که در ۳ ذی الحجه ۱۳۷۳ باین فقیر نوشته فرموده) شاگرد شیخ انصاری بوده و «شرحی بر قضاء شرایع» دارد که در سنه ۱۲۶۰ از تألیف آن فارغ شده و آنجا در اول آن شرح اجازه‌ئی که از شیخ دارد ذکر کرده و نسخه خطی این شرح جزو کتب خطی آقا شیخ حسین پدر آقای ساعدی مرقوم موجود است.

سیم و چهارم حاجی میرزا عسکری و میرزا محمد مهدی، و این دو نفر هم از یک مادرند.

پنجم آقا جمال الدین محمد، وفاتش سنه ۱۳۰۲، و فرزند او آقا نجم الدین علی اکبر است.

ششم آقا فخر الدین محمد، و فرزند او آقا اسمعیل است که شعر می‌گفت و تخلص نافذ می‌نمود و در (۱۳۳۵) بیاید.

---

(۱) آخرین و بهترین کوششی که در نگارش شرح حال صاحب ترجمه و خاندانش بعمل آمده است بقلم عالم فاضل محقق متتبع حاج شیخ غلامرضاء مولانا، بروجردی در جلد دوم کتاب نفیس «تاریخ بروجرد: ۳۱۸- ۳۴۴» می‌باشد. جزاه اللّه تعالی خیرا. در آنجا عبارت سنگ قبر را که نقل فرموده حاکی از آنست که وی در دهه سوم محرم ۱۲۷۱ وفات یافته است، و اللّه العالم. م.

ص: ۱۹۵۴

هفتم آقا نور الدین محمد، و مادر این سه نفر دختر مرحوم میرزای قمی است که در (۱۲۳۱ ج ۳ ش ۴۲۴ ص ۹۱۱) گذشت، که پس از فوت میرزا در سنه ۱۲۳۷- چنان‌که از «المآثر» برمی‌آید- بنکاح حاجی ملا اسد اللّه درآمده.

و پوشیده نباشد که این حاج ملا اسد اللّه صاحب عنوان غیر از ملا اسد اللّه بروجردی دیگری است که معاصر او بوده، یعنی قدری عقب‌تر از او وفات نموده که او فرزند محمد صادق است و کتابی بنام «صحیفة الشیعه» در اصول دین تألیف کرده،

---

[۲۷] (۱) آخرین و بهترین کوششی که در نگارش شرح حال صاحب ترجمه و خاندانش بعمل آمده است بقلم عالم فاضل محقق متتبع حاج شیخ غلامرضاء مولانا، بروجردی در جلد دوم کتاب نفیس« تاریخ بروجرد: ۳۱۸- ۳۴۴» می‌باشد. جزاه اللّه تعالی خیرا. در آنجا عبارت سنگ قبر را که نقل فرموده حاکی از آنست که وی در دهه سوم محرم ۱۲۷۱ وفات یافته است، و اللّه العالم. م.

چنانکه در «الذریعه ۸ ش ۱۰۱۳» آورده. و در کتاب «مؤلفین کتب چاپی ۱: ۵۴۹» عنوانی بنام شیخ اسد اللّه بن عبد اللّه صدوق بروجردی آورده و کتابی بنام «مفتاح الجنان» از او ذکر کرده و وی را همین صاحب عنوان دانسته[۲۸].

❊ (۱۱۹۰- وفات میرزا ابو الحسن، امید نهاوندی)❊

وی از اهل فضل و ادب و صاحب منصبان دیوان‌خانه بوده و شعر هم می‌گفته، و همانا در سنه ۱۲۱۰ هزار و دویست و ده متولد شده، و چون احوال او را در آن سال ننوشته‌ایم در اینسال که سال وفات او است تدارک کردیم.

و بهرحال، او مدتی ریاست کتابخانه سلطنتی را داشته و «دیوانی در اشعار» دارد، و پس از مدت شصت سال قمری عمر در اینسال وفات کرده، چنان‌که در «مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی ۱: ۱۴۰» فرموده[۲۹].

---

(۱) توضیح پیرامون این اشتباه موکول به «تاریخ بروجرد ۲: ۳۲۴» است. م.

(۲) دیگر از مآخذ شرح‌حال امید بنوشته «فرهنگ سخنوران»: ۱- «نگارستان دارا» و «مجمع الفصحا ۲: ۷۱» و «فهرست کتابخانه مجلس ۳: ۲۳۰» و «انجمن خاقان» و «سفینة المحمود» و «الذریعه ۹: ۹۷» و «تذکره دلگشا» و «محک شعرا» می‌باشد. م.

ص: ۱۹۵۵

❊ (۱۱۹۱- وفات مرحوم ملا حسن نائینی، قدس سره)❊

مرحوم ملا حسن «اعلی اللّه مقامه» بطوری‌که در «تاریخ نائین ۴: ۱۵» نوشته، فرزند زکریا و خود از أجله اهل علم و عرفان و حکمت و ریاضت و زهد و تقوی بوده، اصلا از اهل قریه آرند نائین و در مدرسه نماورد اصفهان سکونت داشته و سالها آنجا بریاضات شاقه و تدریس انواع و اقسام علوم بجهت طلاب فنون مختلفه روز می‌گذاشته و بقناعتی فوق العاده و انزواء و انقطاع و تجرد (از زن و فرزند) و اخلاق ملکوتی و صفات ملکی و تهذیب نفس بسر آورده، تا در این سال هم در آنجا بعالم اعلی پیوسته و در تخت فولاد در تکیه بابا رکن الدین در دم ایوان بقعه طرف راست وارد شونده دفن شده و قبر مطهرش آنجا معلوم و معین است.

در «تاریخ امامی: ص ۴۷» نوشته که وی دختر و پسری داشته که جزو زارعین بوده‌اند.

---

[۲۸] (۱) توضیح پیرامون این اشتباه موکول به« تاریخ بروجرد ۲: ۳۲۴» است. م.

[۲۹] (۲) دیگر از مآخذ شرح‌حال امید بنوشته« فرهنگ سخنوران»: ۱-« نگارستان دارا» و« مجمع الفصحا ۲: ۷۱» و« فهرست کتابخانه مجلس ۳: ۲۳۰» و« انجمن خاقان» و« سفینة المحمود» و« الذریعه ۹: ۹۷» و« تذکره دلگشا» و« محک شعرا» می‌باشد. م.

❊ (وفات حسنعلی میرزا شجاع السلطنه)❊

شرح احوال او در (۱۲۰۴ ج ۱ ش ۹۰ ص ۱۵۶) گذشت.

❊ (۱۱۹۲- تولد غبار، شاعر همدانی)❊

وی آقا سید حسین بن سید رضا بن سید صادق بن آقا هاشم بن آقا مهدی بن سید ابراهیم رضوی است (که از قم بهمدان رحلت کرده و اولاد او در آنجا مانده‌اند). و نواده‌اش

ص: ۱۹۵۶

سید صادق منسوب بگلپایگان و امام جمعه همدان بوده.

و نواده او آقا سید حسین صاحب عنوان در این سال در همدان متولد شده و پس از کبارت بتحصیل علوم پرداخته و لب بشعر گفتن گشوده و در مقاطیع تخلص غبار نمود. و پس از مدت پنجاه و دو سال قمری عمر، در سنه ۱۳۲۲ هزار و سیصد و بیست و دو، هم در همدان وفات کرد، چنان‌که این همه را باندک تغییری در «الذریعه ۹: ۷۸۵ ش ۵۲۹۱» فرموده. و در آن صفحه دو نفر دیگر شاعر غبار تخلص ذکر کرده که با این غبار صاحب عنوان سه نفر بشوند:

یکی غبار اصفهانی که نامش میرزا ابو تراب بن التفات خان و در عهد عالمگیر پادشاه گجرات بوده. و دیگر غبار رازی که در (۱۲۷۲) بیاید[۳۰].

❊ (۱۱۹۳- تولد پرنس میرزا رضا خان ارفع الدوله تبریزی)❊

---

[۳۰] (۱) مخفی نماند که« دیوان اشعار غبار همدانی» بسال ۱۳۴۲ ق طی ۶۶ صفحه رقعی در آغاز مجموعه« دانشنامه» باهتمام شادروان حاج شیخ محمد باقر ألفت نجفی اصفهانی بچاپ رسید و دو سال قبل نیز تجدید طبع شد. در کتاب« بزرگان و سخن‌سرایان همدان ۲:

۱۶۷» گوید که دیوان غبار را قبل از آن« توسط مدیر چاپخانه صفائیه همدان دوستانش در ۱۳۲۵ ق چاپ کرده‌اند» و ایضا« دفعه سوم در همدان بتوسط آقای عراقچیان در ۱۳۳۴ ش.

این نسخه که بوسیله آقای عراقچیان بچاپ رسیده مشتمل است بر مقدمه‌ئی مفصل که بوسیله شخصی بنام مرتضی کیوان نوشته شده»، انتهی. مؤلف کتاب مذکور در شرح حال غبار❊❊ گوید:« ولادت او در سال ۱۲۶۵ هجری قمری در محله کبابیان همدان بوده است». و در شرح حال مختصری که مرحوم الفت در« دانشنامه: ۶۶» نوشته گوید:« غبار در حدود یکهزار و دویست و هفتاد در شهر همدان تولد یافته». ظاهرا در« الذریعه» بکلمه حدود اعتنائی ننموده ولادتش را در(۱۲۷۰) قید کرده‌اند. اشتباه دیگری که در« الذریعه» واقع شده و از آنجا بمتن این کتاب آمده است نسبت دادن حاج سید صادق جد غبار بگلپایگان است که صواب کبابیان می‌باشد نه گلپایگان. بنا بقول« فرهنگ سخنوران» آزاد همدانی شرحی راجع به غبار در« مجله ارمغان ۱۰: ۳۲۱- ۳۲۶ و ۱۷: ۵۵۴- ۵۵۵» نوشته است. و در فرهنگ جمعا پنج نفر غبار تخلص و هشت نفر غباری را ذکر کرده. م.

وی فرزند حاجی شیخ حسن ایروانی و از فضلاء آذربایجان بوده و شعر هم می‌گفته و تخلص دانش می‌نموده، و در این سال در تبریز متولد شده و سالها در وزارت خارجه ایران شغل‌های مهم و در تفلیس و استانبول و پترسبورک سمت سفارت داشته، و در سنه ۱۳۱۷ مأمور صلح لاهه شده، و کتب چندی نظما و نثرا تألیف کرده: اول کتاب «منتخبات دانش». دویم

---

(۱) مخفی نماند که «دیوان اشعار غبار همدانی» بسال ۱۳۴۲ ق طی ۶۶ صفحه رقعی در آغاز مجموعه «دانشنامه» باهتمام شادروان حاج شیخ محمد باقر ألفت نجفی اصفهانی بچاپ رسید و دو سال قبل نیز تجدید طبع شد. در کتاب «بزرگان و سخن‌سرایان همدان ۲:

۱۶۷» گوید که دیوان غبار را قبل از آن «توسط مدیر چاپخانه صفائیه همدان دوستانش در ۱۳۲۵ ق چاپ کرده‌اند» و ایضا «دفعه سوم در همدان بتوسط آقای عراقچیان در ۱۳۳۴ ش.

این نسخه که بوسیله آقای عراقچیان بچاپ رسیده مشتمل است بر مقدمه‌ئی مفصل که بوسیله شخصی بنام مرتضی کیوان نوشته شده»، انتهی. مؤلف کتاب مذکور در شرح حال غبار*

ص: ۱۹۵۷

کتب بسیاری راجع به الف باء پارسی، و استقرار صلح عمومی، و طول عمر طبیعی انسان و غیره.

و او در ماه محرم الحرام سنه ۱۳۵۶ هزار و سیصد و پنجاه و شش- مطابق حمل ماه برجی- در تهران وفات کرده، چنان‌که در «مجله یادگار. س ۳ ش ۳ ص ۳۴» نوشته. و در «الذریعه ۹:

۳۱۵- ۳۱۷» چندین نفر شاعر دانش تخلص را ذکر کرده.

* (۱۱۹۴- وفات مرحوم حاج سید رضی لاریجانی، رضی اللّه عنه)*

وی از اجله حکما و فضلا و در حکمت متعالیه نخست در اصفهان و بعد از آن در تهران تدریس می‌فرموده، و در این سال وفات نموده. و فرزندش مرحوم شمس الادبا در (۱۲۵۳ ج ۴ ش ۸۰۸ ص ۱۴۲۰) گذشت. و یکی از شاگردانش میرزا محمد تنکابنی (۱۳۰۲) است.

و دیگر آقا محمد رضا قمیشه‌ئی (۱۳۰۶) و چنان‌که در «مجله یادگار. س ۳ ش ۱ ص ۷۵ و ۷۶» نوشته: خود شاگرد ملا علی نوری و میرزا عبد الجواد شیرازی بوده.

---

* گوید: «ولادت او در سال ۱۲۶۵ هجری قمری در محله کبابیان همدان بوده است». و در شرح حال مختصری که مرحوم

الفت در «دانشنامه: ۶۶» نوشته گوید: «غبار در حدود یکهزار و دویست و هفتاد در شهر همدان تولد یافته». ظاهرا در «الذریعه» بکلمه حدود اعتنائی ننموده ولادتش را در (۱۲۷۰) قید کرده‌اند. اشتباه دیگری که در «الذریعه» واقع شده و از آنجا بمتن این کتاب آمده است نسبت دادن حاج سید صادق جد غبار بگلپایگان است که صواب کبابیان می‌باشد نه گلپایگان. بنا بقول «فرهنگ سخنوران» آزاد همدانی شرحی راجع به غبار در «مجله ارمغان ۱۰: ۳۲۱- ۳۲۶ و ۱۷: ۵۵۴- ۵۵۵» نوشته است. و در فرهنگ جمعا پنج نفر غبار تخلص و هشت نفر غباری را ذکر کرده. م.

ص: ۱۹۵۸

❊ (۱۱۹۵- تولد شیخ عبد الهادی آل شلیله بغدادی)❊

وی ابو الحسن بن حاج شیخ جواد بن شیخ کاظم بن شیخ علی بن شیخ کاظم همدانی و خود از علما و اهل شعر و ادب در این عصر و معروف بهمدانی بود که در اینسال- چنانکه در «الذریعه ۸: ش ۴۰۶» نوشته- متولد شده و چندین کتاب تألیف کرده:

اول کتاب «الدرة المنتظمه» که آن ارجوزه‌ئی است در اصول فقه. دویم کتاب «العقد الفرید» انجام تألیف آن سنه ۱۲۹۷. سیم کتاب «فرایض الفقیه» که آن ارجوزه‌ئی است در ارث و نام آن ماده تاریخ آن است که (۱۳۱۷) میشود. چهارم کتاب «لؤلؤة المیزان» که آن ارجوزه‌ئی است در منطق. پنجم شرح آن، چنانکه در «احسن الودیعه ۲: ۱۰۸» نوشته.

و او روایت می‌کند از استادش حاج شیخ محمد طه نجف، و از او سید عبد اللّه بلادی (۱۲۹۱) و حاج شیخ اسمعیل نجفی اصفهانی (۱۲۸۸). و چندین نفر از علما از شاگردان اویند، از آن جمله سید مهدی آل بحر العلوم (۱۳۳۵).

و او در آخر عمر بقصد زیارت مشهد بطرف ایران حرکت کرد و چون بکرند رسید در سنه ۱۳۳۳ هزار و سیصد و سی و سه، پس از شصت و سه سال عمر وفات نمود، و نعش او را از آنجا بنجف آورده و در آن زمین برین دفن کردند، چنان که در «الذریعه ۱: ش ۲۲۷۴» فرموده.

در «دیوان سید موسی طالقانی: ۲۶۱ پاورقی» چندین نفر از علما را که در کرند وفات کرده‌اند ذکر کرده، و ما در احوال حاجی شیخ جعفر شوشتری علمائی که در کرند وفات کرده‌اند ذکر نموده‌ایم.

ص: ۱۹۵۹

❊ (۱۱۹۶- وفات قطره، شاعر چهار محلی)❊

چهار محل (چنانکه در «تاریخ اصفهان: ۱۸۳ قسمت بالای صفحه» و نیز کتاب «تاریخ و جغرافیای چهار محل و بختیاری آقای کریم نیکزاد امیر حسینی» فرموده‌اند) ناحیه‌ئی است در جنوب غربی اصفهان یعنی ما بین مغرب و جنوب که ابتدای آن در سیزده فرسنگی شهر و انتهایش در بیست و هشت فرسنگی آن است، و از شمال محدود است بدهستان لنحان و کرون، و

از مشرق بسمیرم علیا، و از جنوب بکوه سوخته میانه اردل و شلمزار، و از مغرب بفریدن؛ و آنرا بچند شعبه قسمت کرده‌اند که یکی شعبه را راست مشتمل بر چند قریه که یکی از آن‌ها سامان است.

و قطره از شعرای آن محل و بطوری‌که در کتاب مذکور (ص ۱۰۲) فرموده نامش عبد الوهاب بن مهدی، و خود اولین شاعر معروف سامان بوده که در حدود سال ۱۱۹۸ متولد شده، و اوائل عمر خود را در سامان گذرانیده و سپس بدربار و درگاه فتحعلیشاه راه یافته، و کتابی دارد بنام «فتحنامه» در فتوحات مختار بن ابو عبیده ثقفی، و خود در «مجمع الفصحا» عنوانی دارد. و آخر در اینسال وفات کرده، و فرزندانی داشته، یکی نصر اللّه دریا که در (۱۲۴۰ ج ۴ ش ۵۹۰ ص ۱۲۸) گذشت. و دیگر میرزا عبد اللّه جیحون که در (۱۲۶۴ ج ۵ ش ۱۰۷۷ ص ۱۷۸۵) گذشت.

ص: ۱۹۶۰

❊ (۱۱۹۷- تولد حاجی میرزا سید علی ۳۷ شیرازی، ره)❊

وی فرزند مرحوم حاجی میرزا حسن ۳۶ خان فسائی است که در (۱۲۳۷ ج ۴ ش ۵۱۸ ص ۱۰۴۳) گذشت.

حاجی میرزا سید علی از علما و معاریف فارس بوده و در این سال از بطن دختر مرحوم میرزا سید علی نیاز که در (۱۱۹۷ ش ۳۱) گذشت متولد شده و تحصیل علوم عقلیه و نقلیه نموده تا از فضلا گردید و بتدریس مدرسه منصوریه برقرار شد، و شعر هم می‌گفت، و پس از وفات پدر بتولیت مدرسه مرقومه نائل و لقب مهذب الدوله یافت، و در دوره سیم مجلس وکیل مردم شیراز شد، و در روز آدینه بیست و چهارم ماه شعبان المعظم سنه ۱۳۲۷ هزار و سیصد و بیست و هفت- مطابق ۱۸ سنبله ماه برجی- وفات کرده و در نزد پدر دفن شد.

❊ (۱۱۹۸- تولد حاج علی زین عاملی)❊

وی فرزند حاج سلیمان بن شیخ علی بن شیخ زین صیداوی عاملی است.

شیخ زین در (۱۲۱۱ ج ۲ ش ۱۶۸ ص ۴۰۳) گذشت، و چیزی که باید آنجا بگوئیم و نگفته‌ایم این که خزرجی که آنجا ذکر شده منسوب است به خزرج که نام شخصی معروف از اعراب زمان جاهلیت در مدینه طیبه بوده و بعد از ظهور اسلام و اظهار دعوت حضرت رسول (ص) اولاد و اعقاب او بیاری آن جناب برخواسته و وی را بمدینه دعوت کردند و از این رو بکلمه أنصار مشهور شدند، و بعد از آن شعب کثیره و طوائف عدیده در بلاد متفرقه از آنها بهم رسید و هر کدام بنامی معروف شدند، از آن جمله این خانواده زین در جبل عامل که منسوب بشیخ زین مذکوراند، و او معلوم میشود که شهرتی بسزا داشته که اعقابش بوی معروف شده‌اند.

ص: ۱۹۶۱

در «نقباء البشر: ۱۲۷ ش ۲۸۶» فرماید: آل زین از طوائف شریفه جبل عامل است که در آن علما و فقها و فضلا و زعما و رؤساء چندی بهم رسیده‌اند که در تاریخ صحیفه‌ئی بیضاء برای آنان بهم رسیده، انتهی.

و شیخ علی فرزند این شیخ زین از امراء و حکام شیعه در آن نواحی بوده، وفاتش سنه ۱۲۳۲ در جبل عامل، چنانکه در «شهداء الفضیله: ۲۶۴» گفته.

فرزندش حاج سلیمان در سنه ۱۲۶۳ وفات کرده و سه فرزند داشته: یکی شیخ حسین ابو خلیل که در (۱۲۸۴) بیاید. و دیگر شیخ محمد که در (۱۳۱۷) بیاید.

و دیگر حاج علی صاحب عنوان که از شعرا و ادباء این عصر بود و او در این سال در صیدا متولد شده، و این با وفات پدرش در (۱۲۶۳) نمیسازد، و ما هر دو را بدین طور در «شهداء الفضیله:

۲۷۳ و ۲۶۹» دیدیم، و چون در جای دیگر چیزی بنظر نرسید نتوانستیم در آن تحقیقی بنمائیم تا پس از این چه بشود[۳۱].

و بهرحال، حاج علی پس از کسب علوم بشاعری رغبت نموده و أشعار آبدار بسیاری سروده. و پس از مدت هفتاد و نه سال قمری عمر در سنه ۱۳۴۹ هزار و سیصد و چهل و نه وفات کرده. و فرزندش شیخ احمد زین در (۱۳۰۱) بیاید.

❊ (۱۱۹۹- تولد حاجی میرزا علی اکبر همدانی)❊

حاجی میرزا علی اکبر فرزند شیر محمد و ملقب به دبیر و مکنی به ابو المکارم و معروف به صدر الاسلام و از علماء این عصر بود. و او در این سال- چنانکه در «نقباء البشر:

۱۶۰۱» فرموده- متولد شده، پدرش مستوفی امیر همدان بوده و وی را نیکو تربیت نموده، و چون بحد رشد و تمیز رسید بجای او بهمان کار پرداخت، و چون حضرت حق- جل جلاله تعالی- برای او خیر می‌خواست؛ هجرت بنجف نمود و با ملا حسینقلی همدانی اخلاقی

---

(۱) در «اعیان الشیعه ۳۵: ۳۵۷» وفات حاج سلیمان را ۱۲۷۲ نوشته است. م.

آمیزش بهم رسانید و او اموال وی را از شبهات تطهیر و نفسش را از رذائل پاک کرد، و حاجی میرزا علی اکبر بمکه معظمه رهسپار شد و از آنجا بنجف رفت، و چندی بدروس بعضی از علما رفت تا آخر بمجالس دروس آقای شریعت و حاجی آقا

---

[۳۱] (۱) در« اعیان الشیعه ۳۵: ۳۵۷» وفات حاج سلیمان را ۱۲۷۲ نوشته است. م.

رضا همدانی و حاجی نوری راه یافت و از این بزرگوار مجاز در روایت گردید، و در سنه ۱۳۲۲ بهمدان باز آمد، و پس از دو سه سالی در سنه ۱۳۲۵ هزار و سیصد و بیست و پنج وفات کرد، و چندین فرزند صغیر باز نهاد[۳۲].

---

(۱) شرح حال صاحب ترجمه را آقای دکتر مهدی درخشان در کتاب «بزرگان و سخن سرایان همدان ۲: ۷۳- ۷۵» ذیل عنوان «صدر همدانی- صدر الاسلام- گلشن- دبیر» بنقل از چند مأخذ چاپی ذکر کرده است، اما اطلاعی از خاندان و بازماندگان آن مرحوم بدست نداده و درباره مدت عمر و وفات و مدفنش گوید: «... در سال ۱۳۲۵ ق در حالی که بیش از ۴۵ مرحله از عمرش نمیگذشت دار فانی را وداع گفت و جسدش را بنجف اشرف منتقل کردند»، انتهی.

بهترین شرح حالی که از صاحب ترجمه در دست است رساله‌ئی است بخط خود آنمرحوم در ۱۶ صفحه باندازه وزیری که در یکی از تألیفاتش «کاسه درویشان» وارد کرده و نسخه اصل آن با چند تألیف دیگر وی نزد فاضل ارجمند آقای حاج میرزا فخر الدین نصیری امینی (حفظه اللّه تعالی) موجود است و معظم له این جزوه را در سرآغاز کتاب نفیس دیگر صاحب عنوان «تکالیف الانام فی غیبة الامام علیه الصلوة و السلام» در سال ۱۳۹۶ ق در تهران عینا هر دو از روی خط زیبای مؤلف با ضمائم نفیس دیگر «جمعا در ۳۱۳ صفحه» بطبع رسانیده و حسبة توزیع نموده‌اند. جزاه اللّه تعالی عن الاسلام و اهله خیرا. مراجعه باین مجموعه جلیله بسیار مغتنم می‌باشد.

باری صاحب عنوان در مقدمه رساله گوید: «این حقیر اسمم علی اکبر خلف مرحوم مبرور حاجی میرزا شیر محمد بن حاجی گلمحمد بن ثقه عادل آقا محمد طاهر الهمدانی، و نام مادر مرحومه مغفوره‌ام حاجیه خورشید خانم بنت مرحوم ثقه عادل آقا

---

[۳۲] (۱) شرح حال صاحب ترجمه را آقای دکتر مهدی درخشان در کتاب« بزرگان و سخن سرایان همدان ۲: ۷۳- ۷۵» ذیل عنوان« صدر همدانی- صدر الاسلام- گلشن- دبیر» بنقل از چند مأخذ چاپی ذکر کرده است، اما اطلاعی از خاندان و بازماندگان آن مرحوم بدست نداده و درباره مدت عمر و وفات و مدفنش گوید:« ... در سال ۱۳۲۵ ق در حالی که بیش از ۴۵ مرحله از عمرش نمیگذشت دار فانی را وداع گفت و جسدش را بنجف اشرف منتقل کردند»، انتهی.

بهترین شرح حالی که از صاحب ترجمه در دست است رساله‌ئی است بخط خود آنمرحوم در ۱۶ صفحه باندازه وزیری که در یکی از تألیفاتش« کاسه درویشان» وارد کرده و نسخه اصل آن با چند تألیف دیگر وی نزد فاضل ارجمند آقای حاج میرزا فخر الدین نصیری امینی(حفظه اللّه تعالی) موجود است و معظم له این جزوه را در سرآغاز کتاب نفیس دیگر صاحب عنوان« تکالیف الانام فی غیبة الامام علیه الصلوة و السلام» در سال ۱۳۹۶ ق در تهران عینا هر دو از روی خط زیبای مؤلف با ضمائم نفیس دیگر« جمعا در ۳۱۳ صفحه» بطبع رسانیده و حسبة توزیع نموده‌اند. جزاه اللّه تعالی عن الاسلام و اهله خیرا. مراجعه باین مجموعه جلیله بسیار مغتنم می‌باشد.

باری صاحب عنوان در مقدمه رساله گوید:« این حقیر اسمم علی اکبر خلف مرحوم مبرور حاجی میرزا شیر محمد بن حاجی گلمحمد بن ثقه عادل آقا محمد طاهر الهمدانی، و نام مادر مرحومه مغفوره‌ام حاجیه خورشید خانم بنت مرحوم ثقه عادل آقا محمد شریف همدانی است» الخ. آنچه شایان توجه است اینکه در اواخر رساله گوید:« ... زمان مجاورت در نجف اشرف که حالت صحت بدن و اسباب جمع داشتم روزی یکهزار و دویست بیت تحریر می‌نمودم و فعلا قریب بده سال است« ناسخ التفاسیر» را نمی‌توانم از سواد به بیاض بیاورم، و این اوقات قادر بر این نیستم که روزی یک صفحه بنویسم چرا که فعلا عمرم از چهل** سال متجاوز است و قوا و مشاعرم بتحلیل رفته و کسالت و علت مزاج فرصت نمیدهد».

سپس صورت تألیفات و بعد از آن اسامی اولاد خود را ذکر نموده و آخرین تاریخی که در این رساله دیده میشود در سطر آخر آنست که گوید:« تاریخ تولد نور چشمی نور الهدی خانم صبیه رابعه در همدان وقت مغرب شب دوشنبه چهارم شهر ربیع الاول سنه یکهزار و سیصد و بیست و شش سنه ۱۳۲۶»، انتهی.

پس معلوم میشود وفات صاحب عنوان متأخر از تاریخ فوق بوده و قول به ۱۳۲۵ خطاء محض می‌باشد، و اللّه العالم. م.

محمد شریف همدانی است» الخ. آنچه شایان توجه است اینکه در اواخر رساله گوید: «... زمان مجاورت در نجف اشرف که حالت صحت بدن و اسباب جمع داشتم روزی یکهزار و دویست بیت تحریر می‌نمودم و فعلا قریب بده سال است «ناسخ التفاسیر» را نمی‌توانم از سواد به بیاض بیاورم، و این اوقات قادر بر این نیستم که روزی یک صفحه بنویسم چرا که فعلا عمرم از چهل*

ص: ۱۹۶۳

و او شعر هم می‌گفته و تخلص دبیر الدین می‌نموده[۳۳]، و چندین کتاب نظما و نثرا تألیف فرموده، از آن جمله: کتاب «اخوان الصفا» در اخلاق، و کتاب «ناسخ التفاسیر» هشتاد هزار بیت، و غیره.

و پس از مدت پنجاه و پنج سال قمری عمر در سنه ۱۳۲۵ هزار و سیصد و بیست و پنج وفات کرد.

* (۱۲۰۰- وفات مرحوم ملا علی مدد کاشانی، ره)*

وی فرزند مرحوم رمضان ساوه‌ئی و خود از علمای عظام و فقهای بزرگ عصر خود بوده، و در نزد صاحب «ضوابط» و غیره- چنان‌که در «لباب الالقاب: ۷۷» نوشته- درس خوانده، و کتب چندی تألیف نموده، از آن جمله: «شرح ارشاد علامه» که فقط دو جلد از آن در وضوء بیرون آمده، و در این سال در ساوه وفات کرده و در قم در مقبره ابن بابویه در پائین دیوار شرقی دفن و بر قبر او پنجره کوتاهی می‌باشد.

و فرزندش مرحوم حاجی میرزا حبیب اللّه در (۱۳۴۰) بیاید.

---

* سال متجاوز است و قوا و مشاعرم بتحلیل رفته و کسالت و علت مزاج فرصت نمیدهد».

سپس صورت تألیفات و بعد از آن اسامی اولاد خود را ذکر نموده و آخرین تاریخی که در این رساله دیده میشود در سطر آخر آنست که گوید: «تاریخ تولد نور چشمی نور الهدی خانم صبیه رابعه در همدان وقت مغرب شب دوشنبه چهارم شهر ربیع الاول سنه یکهزار و سیصد و بیست و شش سنه ۱۳۲۶»، انتهی.

پس معلوم میشود وفات صاحب عنوان متأخر از تاریخ فوق بوده و قول به ۱۳۲۵ خطاء محض می‌باشد، و اللّه العالم. م.

(۱) در «فرهنگ سخنوران» از ده نفر دبیر تخلص یاد کرده که یکی از آنها نیز همدانی است، اما از صاحب عنوان اطلاعی نداشته و ذکری نکرده است. م.

ص: ۱۹۶۴

---

[۳۳] (۱) در« فرهنگ سخنوران» از ده نفر دبیر تخلص یاد کرده که یکی از آنها نیز همدانی است، اما از صاحب عنوان اطلاعی نداشته و ذکری نکرده است. م.

❊ (۱۲۰۱- وفات محمد، صائب شاعر ترکی عثمانی)❊

در «ریحانة الادب ۲: ۴۰۸» بعد از ذکر محمد صائب (۱۲۶۲ ج ۵ ش ۱۰۲۲ ص ۱۶۹۱) او را ذکر کرده و گوید: عاشق مشرب بوده و اخیرا بنای عیش و عشرت گذاشته و عاقبت مبتلا باختلال حواس گردیده و بیمارستان رفته و در این سال در سی و چهار سالگی در همانجا درگذشت، و این شعر را از او آورده:

باده ویردی حاصل عمریم جفای روزگار　　صائبا اوراق تدبیرین قضا سوزانید ور

انتهی.

❊ (۱۲۰۲- تولد مرحوم حاجی سید محمد لاجوردی، ره)❊

وی فرزند مرحوم سید حسین مظفری است که در (۱۲۱۵ ج ۲ ش ۲۱۸) گذشت.

مرحوم حاج سید محمد از علماء این عصر و نزیل کربلای معلا بود. و او در این سال در نجف متولد شده و خدمت چندین نفر از علما تحصیل نموده، و «تقریرات دروس» آنها و برخی از کتب دیگر را تألیف کرده، و آخر در ماه شعبان المعظم سنه ۱۳۵۳ هزار و سیصد و پنجاه و سه- مطابق (ابان- آذر) ماه برجی- در کربلا وفات کرد.

و فرزندش سید زین العابدین در فواضل و فضائل جانشین وی گردید.

ص: ۱۹۶۵

❊ (۱۲۰۳- تولد مرحوم حکیم هیدجی، قدس سره العزیز)❊

هیدج- بکسرهاء هوز و سکون یاء حطی و فتح دال ابجد و سکون جیم- چنانکه در کتاب «فهرست علماء زنجان: ۱۳۳» نوشته، قریه بزرگی است از مضافات زنجان در نزدیکی ابهر رود که از أعمال خمسه و میانه زنجان و قزوین افتاده.

و مرحوم هیدجی صاحب این عنوان- چنانکه در (ص ۱۳۵) این کتاب فرموده- نامش حاجی ملا محمد بن حاج معصوم علی، و خود از مشاهیر حکماء الهین و معاریف اساتید و مدرسین این عصر در تهران بود، و شرح احوالش در آخر حاشیه خودش بر «شرح منظومه:

۴۳۵» و «فهرست علماء زنجان: ۱۳۵» و «الذریعه ۶: ۱۳۶ ش ۷۴۱ و ۱۳: ۹۰ ش ۱۸۶۳ و ۹: ۱۳۰۴ ش ۸۳۶۴» نوشته، و از آنها همه چنین برآید که وی در اینسال (۱۲۷۰) بنص این مأخذ اخیر در هیدج متولد شده و در سنه ۱۲۹۷ مهاجرت بقزوین نمود و علوم منطق و نحو و صرف و معانی و بیان را تحصیل کرد، آنگاه در ۳۵ سالگی بطهران و نجف رفت و پس از

بیست سال بطهران باز آمد، و در نزد میرزا محمد حسین مدرس سبزواری (۱۳۱۷) علوم کلام و ریاضیات را، و در نزد میرزای جلوه معارف حقه و فنون حکمت را، و در نزد علماء دیگر فنون فقه و اصول و حدیث و غیره را درس خواند.

آن‌گاه در مدرسه منیریه امامزاده سید ناصر الدین بعنوان تدریس معقول بر قرار و در حدود سی سال آنجا بتدریس معقول مشغول بود، و گاهی شعر هم بفارسی و ترکی می‌گفت و تخلص از نخست مغنی و سپس هیدجی بنسبت قریه مرقومه می‌نمود، بعد از پدر علایق ارثی را از ملک و مواشی ببرادران خود واگذار و مجردا در طهران بانزواء و قناعت عمری را بسر آورد، و غیر از حج و زیارت ائمه (ع) سفری دیگر نکرد، بلکه خود را آلوده بتزویج نیز نفرمود.

و «تعلیقه‌ئی بر شرح منظومه حاجی» در حکمت که ذکر شد و «مجموعه‌ئی در نظم و نثر

ص: ۱۹۶۶

عربی و فارسی و ترکی» در آداب و اخلاق و حکم و امثال تألیف کرد، و در «الذریعه ۳: ۹۰ ش ۱۸۶۳» تعبیر از این تعلیقه به «شرح منظومه» نموده. و نیز منظومه‌ئی دارد بنام «دانشنامه»[۳۴] در برابر «شاهنامه». و اینک این چند شعر از او نوشته شد:

بپاکی دل پیران پارسا سوگند — که من بجاه و جلال جهان نیم در بند

من از تمام جهانم بگوشه‌ئی خشنود — من از متاع جهانم بتوشه‌ئی خرسند

ز مال و مکنت دنیا نگاه پوشیدم — چو از نخست چنین داد پیر راهم پند

که ای جوان ز جمال جهان فریب مخور — دل از محبت این پیره زال باید کند

منه بمال و بفرزند دل، نبخشد سود — ترا بروز قیامت نه مال و نه فرزند

بدان که عزت جان است با قناعت جفت — چنان‌که ذلت آن است با طمع پیوند

قسم بکیش مسیحا که هیدجی زین پس — بپای خود نگذارد کسی گذارد بند

و آخر در ماه ربیع الاخر این سال، چنان‌که در «الذریعه ۶: ش ۷۴۱» نوشته- مطابق (مرداد- شهریور) ماه باستانی- در طهران وفات کرد و جنازه‌اش را بقم برده و در قبرستان بابلان دفن کردند.

و در مدرسه منیریه که وی در آن مدرس بوده- چنان‌که در (ص ۱۳۷) جلد مرقوم «الذریعه» در پاورقی نوشته- از بناهای امیر نظام حاکم طهران است که اتمام آنرا خواهرش منیر السلطنه زن ناصر الدینشاه نموده و بنام او موسوم شده. و در آن مقبره

---

[۳۴] (۱) بگفته مؤلف« فرهنگ سخنوران: ۶۳۶» چاپ سیم« دانشنامه و دیوان هیدجی» در تبریز انجام شده و ترجمه حال حکیم هیدجی بنحو اجمال در آن آمده، و نیز از مآخذ شرح حال آنمرحوم کتاب« رجال آذربایجان در عصر مشروطیت: ۱۸۴- ۱۸۳» را یاد کرده است. م.

امامزاده سید ناصر الدین از اولاد حضرت امام زین العابدین (علیه السلام) جد سادات طالقان واقع شده، و نصف این مدرسه و امامزاده در سنه ۱۳۵۱ که خیابان خیام را احداث می‌کردند در خیابان مرقوم افتاد، انتهی.

---

(۱) بگفته مؤلف «فرهنگ سخنوران: ۶۳۶» چاپ سیم «دانشنامه و دیوان هیدجی» در تبریز انجام شده و ترجمه حال حکیم هیدجی بنحو اجمال در آن آمده، و نیز از مآخذ شرح حال آنمرحوم کتاب «رجال آذربایجان در عصر مشروطیت: ۱۸۴-۱۸۳» را یاد کرده است. م.

ص: ۱۹۶۷

و منیر السلطنه مرقومه را در «المآثر: ۱۵» منیرة السلطنه (با تاء تأنیث) و دختر محمد تقیخان معمار باشی و مادر نایب السلطنه (۱۲۷۲) نوشته.

❊ (۱۲۰۴- وفات ارتضا علی خان صفوی مدراسی)❊

محمد ارتضا علی خان مردی فاضل و ادیب بوده و کتب چندی تألیف نموده: اول کتاب «التصریح المحشی» در منطق. دویم کتاب «النفائس الارتضیه» در شرح «الرساله العزیزیه» تألیف شیخ عبد العزیز دهلوی در معانی و بیان با حاشیه‌ئی بر آن.

و در اینسال وفات کرده، چنان‌که در «معجم المطبوعات: ۴۲۱» نوشته.

❊ (۱۲۰۵- وفات مرحوم حاج سید محمد تقی قزوینی، رحمه اللّه)❊

وی فرزند مرحوم میر مؤمن بن میر محمد تقی بن میر محمد رضا بن میر محمد قاسم حسینی قزوینی است.

میر محمد رضا از علما بوده و کتابی در أعمال شهر رمضان بنام «صیامیه» تألیف نموده.

نواده‌اش حاج سید محمد تقی صاحب عنوان از اجله علما و اهل شعر و ادب بلکه خداوند کرامات و مقامات و قدس و تقوی بوده، و کتب چندی تألیف نموده: اول «ارجوزه الفیه‌ئی در نحو» که مطلع آن این است:

قال التقی بن النقی بن الرضا مفتخرا بالمصطفی و المرتضی

و در اینجا ظاهرا برای نظم شعر نام پدر خود را ذکر نکرده. دویم کتاب «خلاصة التفاسیر» در تفسیر. و او شاگرد سید محمد کربلائی که در (۱۲۴۲ ج ۴ ش ۶۱۱ ص ۱۱۵۸) گذشت بوده و هم از او روایت نموده.

ص: ۱۹۶۸

و مرحوم حاج سید محمد مهدی قزوینی که در (۱۲۲۲) گذشت[۳۵] از او روایت نموده باجازه مفصله‌ئی که نزدیک به «لؤلؤتی البحرین» می‌شود. و در این سال وفات کرده.

و نواده‌اش سید آقای قزوینی در (۱۳۳۳) بیاید.

❊ (۱۲۰۶- تولد میرزا محمد جواد شباب شاعر کرمانشاهی)❊

وی از بزرگان شعرا و اهل علم و ادب عصر ما بود که در انواع و اقسام اشعار مهارتی بسزا و طبعی سرشار داشت و تخلص شباب می‌نمود، و قصائد و غزلیات وی در کتابهای ادبی و مجموعه‌های شعری نوشته شده، و همانا وی در اینسال- بنص کتاب «سخنوران نامی معاصر ۲: ۱۶۵»- در کرمانشاه متولد شده و هم آنجا تحصیل علوم نمود، و چندی روزنامه‌ئی بنام «فصاحت» منتشر کرد، و کلیات اشعار او زیاده بر پنجاه هزار بیت است که هر قسمتی از آن بهر یک از نام‌های ذیل میباشد: ۱- شکرستان ۲- مخزن لاآلی ۳- نشاط شباب ۴- چشمه نوش ۵- دبستان معرفت ۶- تیر شهاب ۷- پریشان ۸- لسان العاشقین ۹- کیمیای سعادت.

و هم در کتاب «وحید بهبهانی: ۳۳۳» شرح احوال او ذکر شده و آنجا فرماید:

«وی از خاندان ملا عبد الجلیل کرمانشاهی است (چنان که ما نیز در سال (۱۳۱۹) در احوال ملا عبد الجلیل مذکور اشاره بدان نمودیم) و طبعی روان و قریحه‌ئی سرشار داشته و در بدیهه- گوئی استاد بوده ...».

آن‌گاه نوشته که «رساله‌ئی در رد عارفنامه ایرج میرزا» از وی در مجموعه اشعاری که بخط او بود بنظر رسید. و از عجایب این که در این مجموعه که بسال ۱۳۴۱ نوشته شده در قطعه‌ئی که در آخر آن است تاریخ فوت خود را صریحا بنظم آورده که نه سال پیش از وفاتش

---

(۱) شرح حال قزوینی بهنگام طبع از قلم مؤلف ساقط شده بناچار در (۱۳۰۰) سال فوتش بیاید. م.

ص: ۱۹۶۹

بوده، و آن این است:

چون سال حیات من بهشتاد رسید — بگذشت بمن عمر چه زیبا و چه زشت

هنگام رحیل را که بر بستم رخت — رضوان جنانم خط احضار نوشت

---

[۳۵] (۱) شرح حال قزوینی بهنگام طبع از قلم مؤلف ساقط شده بناچار در(۱۳۰۰) سال فوتش بیاید. م.

تاریخ وفات خویشتن را گفتم: با حب علی شباب را جای بهشت

۱۳۵۰

انتهی و اینک این غزل از او از «سخنوران» آورده شد:

چنانکه ابر و گل اندر بهار گرید و خندد دل من و لبت ای گلعذار گرید و خندد

به بینوائی فصل خزان و شادی گل‌ها شگفت نیست گر ابر بهار گرید و خندد

دلم بسینه گه از درد یار و گه بامیدی کزان نگار شود کامکار گرید و خندد

بروزگار من و وعده‌های وصل دروغی که یار میدهدم روزگار گرید و خندد

ز هجر یار و ببد عهدی جهان پس مردن روان پاک من اندر مزار گرید و خندد

بدار اگر بکشندم بجرم عشق حبیبم بپایداری من پای دار گرید و خندد

کسی که همچو منش با پری بود سر الفت یقین شباب که دیوانه‌وار گرید و خندد

و او در عصر جمعه نوزدهم ماه ربیع الاخر سنه ۱۳۵۲ هزار و سیصد و پنجاه و دو- مطابق ۲۰ مرداد ماه باستانی- وفات کرد. لیکن دیدی که در کتاب «وحید» وفاتش را بدون تعیین

ص: ۱۹۷۰

ماه و روز در سال ۱۳۵۰ نوشته، و ظاهرا وی در ۱۳۵۰ که مطابق قطعه تاریخ باشد وفات نکرده و مؤلف کتاب «وحید» اشتباه نموده و درست همان قول «سخنوران» است.

❊ (۱۲۰۷- وفات زرگر شاعر اصفهانی)❊

وی بطوری‌که در «مجمع الفصحا ۲: ۱۵۰» نوشته نامش آقا محمد حسن و از عظماء شعراء زمن خود بوده و لطافت و جذابیتی که در اشعار او هست در اشعار کمی از متأخرین دیده میشود. و او در اصفهان بزرگری اشتغال داشته و در این سال لوای سفر آخرت برافراشته. و در (۱۲۹۷) فهرست اسماء چندین نفر از بزرگان که بکلمه زرگر شهرت دارند بیاید[۳۶].

---

[۳۶] (۱) مآخذ شرح حال صاحب عنوان و چهارتن زرگر تخلص دیگر در« فرهنگ سخنوران:

❊ (۱۲۰۸- وفات سعید العلماء بارفروشی مازندرانی)❊

وی بطوری‌که در کتاب «تاریخ رجال ایران در سه قرن اخیر ۲: ۷۱» نوشته با ملاحظه بعضی از مواضع دیگر: نامش ملا محمد سعید[۳۷] و مقیم بارفروش بوده. پس از تحصیلات مقدماتی برای تکمیل اصول و فقه بعراق عرب رفت و در حوزه درس ملا محمد شریف ملقب بشریف العلماء آملی داخل شده در جزء شاگردان وی گردید، سپس از او اجازه اجتهاد گرفته ببارفروش برگشت ... سعید العلما در سال ۱۲۷۰ بناخوشی وبا درگذشت: تلخیص از «تاریخ رجال ایران».

---

(۱) مآخذ شرح حال صاحب عنوان و چهارتن زرگر تخلص دیگر در «فرهنگ سخنوران:

۲۴۷» یاد شده است. م.

(۲) مع الاسف مرحوم معلم از این شرح‌حال بیش از همین چند کلمه را ننوشته بناچار شرح فوق را از دو مأخذ مرقوم آوردیم. م.

ص: ۱۹۷۱

و در «الکرام البرره: ۵۹۹» بتقریبی گوید که وی از اعاظم علما و اکابر فقها و مشاهیر اجلاء عصر خود بوده و بفقاهت و اجتهاد معروف و در ردیف آخوند ملا آقای دربندی و سید شفیع جاپلاقی و شیخ مرتضی انصاری و أقرانشان بوده، و جماعتی از بزرگان علما، چون ملا محمد اشرفی و شیخ زین العابدین مازندرانی و غیر آنان در نزد او درس خوانده‌اند. و سید محمد بن ربیع شوشتری در حدود (۱۲۴۶) برخی از «تقریرات دروس» وی را نوشته است، سعید العلما نزدیک بسال (۱۲۷۰) وفات یافت، انتهی. م.

❊ (۱۲۰۹- وفات شاهد، شاعر ایزد خواستی)❊

وی مرحوم حاجی آقا میر محمد مؤمن بن سید ابو القاسم واصلا از سادات رضوی خراسان و اجدادش از آنجا بفارس آمده و در ایزد خواست توطن نموده‌اند. و حاجی آقا میر محمد مؤمن سیدی عالی همت و شاعری نیکو فطرت بوده و در اشعار تخلص شاهد می‌نموده، و او در ایزد خواست متولد شده و در شیراز تحصیل علوم نموده، و در این سال- چنان که در «فارس نامه» نوشته- وفات کرده. و در «طرائق» اشتباها نقل از «فارسنامه» در سنه ۱۲۶۱ نموده.

۲۴۷» یاد شده است. م.

[۳۷] (۲) مع الاسف مرحوم معلم از این شرح‌حال بیش از همین چند کلمه را ننوشته بناچار شرح فوق را از دو مأخذ مرقوم آوردیم. م.

و بهرحال، وی فرزندانی داشته: اول حاجی میرزا حسن تولدش سنه ۱۲۴۹. دویم حاجی میرزا حسین که در سنه ۱۲۵۲ در شیراز متولد شده و پس از مدت ۵۴ سال عمر در سنه ۱۳۰۶ در تهران وفات کرده و دو نفر پسر از او بازمانده. سیم میرزا محمد صادق تولدش سنه ۱۲۵۴. چهارم میرزا علی تولدش سنه ۱۲۵۸،

ص: ۱۹۷۲

سنه ۱۲۷۱ قمری مطابق سنه ۱۲۳۳ شمسی یکشنبه غره محرم الحرام (...) سنبله ماه برجی

❊ (۱۲۱۰- وفات میرزا نصر اللّه صدر الممالک اردبیلی، ره)❊

صدر، در این موارد مقصود کسی است که از جانب پادشاه وقت معین می‌شود برای سرپرستی اوقاف و وظایف و تیولات مملکت و آنها را بأرباب استحقاق میرساند. در کتاب «نامه نامی» تألیف غیاث الدین بن کریم الدین «نسخه خطی ص ۴۷ با ملاحظه یک ورق افتاده» شرحی نوشته بخلاصه اینکه اول کسی که منصب صدارت را قرار داد سلطان ملکشاه سلجوقی بود که وی برای اینکه علما و بزرگان دین برای اخذ وظائف و حقوق خود بملازمت عمال دولت که از أتراک بودند نروند بخاطرش رسید که یکی از بزرگان علما که بتصدیق همه بر سایرین مقدم باشد با شخص پادشاه طرف شده وظایف را دریافت و بسایرین برساند و یکی از اولاد صاحب «محیط» را که مشمول این تعریف بود اختیار و او را صدر قرار داد و پس از آن سلاطین دیگر این سنت سنیه را از وی یاد گرفته و همواره بدان عمل می‌نمودند، انتهی.

و مرحوم میرزا نصر اللّه از اهل علم و عرفان بلکه از امراء و رجال کاردان دولت در زمان خود بوده و شعر هم می‌گفته و تخلص نصرت می‌نموده، چنان‌که هم در طریقت نصرتعلی لقب داشته و «مثنوی» پر تحقیقی بوزن رمل بنظم آورد. و در آدینه ششم ماه محرم الحرام این سال- مطابق (...) میزان ماه برجی- در عراق عرب وفات کرده.

ص: ۱۹۷۳

و فرزندش میرزا هادی در حدود سال (۱۳۰۶) با سنی متجاوز از هفتاد در قم وفات نمود.

و در «روزنامه اطلاعات. س ۲۴ ش ۷۱۰۹ صادره در غره ع ۱- ۳۶۹» وفات نصرت آقای صدری نجل صدر الممالک اردبیلی را در کربلا نوشته، انتهی.

و ظاهرا وی نتواند پسر بلافاصله صدر الممالک باشد و چنین برآید که وفات وی در اواخر صفر این سال بوده. و در شماره ۷۱۱۲ (۵ ع ۱) وی را جوان و پدر او را فضل اللّه و در حین فوت وی زنده نوشته، انتهی. پس معلوم میشود که نصرت آقای متوفی پسر فضل اللّه و او شاید پسر یکی از فرزندان صاحب عنوان که شاید میرزا هادی مرقوم باشد بوده و مقصود از نجل نواده میباشد.

❊ (۱۲۱۱- تولد مرحوم ثقة الاسلام حاجی شیخ)❊❊ (محمد علی اصفهانی، ره)❊

وی فرزند مرحوم حاجی شیخ محمد باقر اصفهانی است که در (۱۲۳۵ ج ۳ ش ۴۸۹ ص ۱۰۰۷) گذشت.

مرحوم حاج شیخ محمد علی از بزرگان علما و فقهاء عصر خود در اصفهان بود و در فروع و شعب مسائل فقه تبحر و اطلاعی تمام داشت. و او در أحد الربیعین این سال- مطابق (قوس- جدی) ماه برجی- از بطن دختر مرحوم آقا سید صدر الدین عاملی (ره) متولد شده و در نزد چندین نفر از علما از آن جمله پدر خود و میرزای رشتی- چنانکه در «فهرست کتابخانه رضویه ۵: ۵۸۱» نوشته- درس خواند، و کتب چندی تألیف کرد، از آن جمله: اول «رساله‌ئی در ولایات»[۳۸]. دویم کتاب «لسان الصدق» در مواعظ و اخبار (چنانکه در «الذریعه

---

(۱) این رساله محققانه فقهی عربی که در مسئله ولایت پدر و جد و وصی و حاکم شرع است بقطع ربع در ۱۷۴ صفحه (ظاهرا در اصفهان) چاپ شده بسعی و اهتمام حاجی میرزا محمد جعفر گلستانه تاجر کتابفروش اصفهانی (از سادات گلستانه) و آقا محمد حسین بن محمد*

ص: ۱۹۷۴

۱۸: ۳۰۵ ش ۲۲۳» فرموده)[۳۹].

سیم «رساله‌ئی در اصول دین و اخلاق»[۴۰].

---

[۳۸] (۱) این رساله محققانه فقهی عربی که در مسئله ولایت پدر و جد و وصی و حاکم شرع است بقطع ربع در ۱۷۴ صفحه(ظاهرا در اصفهان) چاپ شده بسعی و اهتمام حاجی میرزا محمد جعفر گلستانه تاجر کتابفروش اصفهانی(از سادات گلستانه) و آقا محمد حسین بن محمد** جعفر تاجر کتابفروش اصفهانی و کاتب آن« اقل الطلاب و احقر الکتاب» محمد علی بن محمد صادق ورنو سفادرانی سدهی اصفهانی است که در ۸ ماه رمضان ۱۳۱۳ از آن فراغت یافته و لابد در همان سال بطبع رسیده است. روی صفحه اول مدح بلیغی از مؤلف نوشته شده، و خود در سرآغاز کتاب گوید:« اما بعد، فیقول العاثر الفاقر محمد علی بن محمد باقر: هذه« وجیزة فی مسائل الولایات» الخ.

[۳۹] (۱) این مطلب ظاهرا باشتباه وارد« الذریعه» شده است و در جای دیگر چنین چیزی بنظر نرسید. کتاب« لسان الصدق» با اوصاف مذکوره که بنظر راقم این سطور رسیده تألیف مرحوم آقا شیخ احمد واعظ خوانساری اصفهانی(متوفی ۱۳۴۵) است که در« الذریعه ۱۸:

۳۰۶ ش ۲۲۷» نیز مذکور، و شاید منشأ اشتباه شرحی باشد که شیخ احمد در صفحه آخر کتاب خود در تجلیل از مرحوم آقای حاج شیخ ابو الفضل نجفی و والدش صاحب عنوان نوشته، و اللّه العالم. ضمنا در همین جای ذریعه تاریخ فوت را اشتباها(۱۳۱۷) قید کرده است. م.

[۴۰] (۲) گویا این رساله همانست که در« الذریعه ۱: ۱۹۰ ش ۷۲۰» و« فهرست مشار» ذکر شده و گویند در ۱۲۸۸ تألیف و در ۱۲۹۷ چاپ شده است. و دیگر از تألیفات چاپ شده صاحب عنوان« رساله در کیفیت نماز شب و استخاره و نماز جعفر طیار» است که بخواهش میرزا سلیمان خان رکن الملک تألیف و در مقدمه« قرآن کریم» چاپ رکن الملک بسال ۱۳۱۱ طبع شده، چنانکه در شرح حال صاحب ترجمه در کتاب« زندگانی آیة اللّه چهار سوقی: ۱۹۹» ذکر کردیم. و نیز از تألیفات آن مرحوم« رساله در مناسک حج» است که آن نیز بطبع رسیده.

ایضا در سنه ۱۳۰۸ رساله عملیه فارسیی در عبادات بنام« سراج العوام و مشکوة الظلام» تألیف میرزا احمد بن محمد علی واعظ اصفهانی با حواشی صاحب عنوان و برادرش مرحوم آیة اللّه آقا نجفی بطبع رسیده است. م.

و او روایت می‌کند از پدر خود از شیخ حسن بن شیخ جعفر و صاحب «جواهر» چنان‌که خود در «اجازه» ئی که برای سید فانی (که در ۱۲۸۱ بیاید) نوشته ذکر کرده. و از او سید فانی مذکور.

---

* جعفر تاجر کتابفروش اصفهانی و کاتب آن «اقل الطلاب و احقر الکتاب» محمد علی بن محمد صادق ورنو سفادرانی سدهی اصفهانی است که در ۸ ماه رمضان ۱۳۱۳ از آن فراغت یافته و لابد در همان سال بطبع رسیده است. روی صفحه اول مدح بلیغی از مؤلف نوشته شده، و خود در سرآغاز کتاب گوید: «اما بعد، فیقول العاثر الفاقر محمد علی بن محمد باقر: هذه «وجیزة فی مسائل الولایات» الخ.

(۱) این مطلب ظاهرا باشتباه وارد «الذریعه» شده است و در جای دیگر چنین چیزی بنظر نرسید. کتاب «لسان الصدق» با اوصاف مذکوره که بنظر راقم این سطور رسیده تألیف مرحوم آقا شیخ احمد واعظ خوانساری اصفهانی (متوفی ۱۳۴۵) است که در «الذریعه ۱۸:

۳۰۶ ش ۲۲۷» نیز مذکور، و شاید منشأ اشتباه شرحی باشد که شیخ احمد در صفحه آخر کتاب خود در تجلیل از مرحوم آقای حاج شیخ ابو الفضل نجفی و والدش صاحب عنوان نوشته، و اللّه العالم. ضمنا در همین جای ذریعه تاریخ فوت را اشتباها (۱۳۱۷) قید کرده است. م.

(۲) گویا این رساله همانست که در «الذریعه ۱: ۱۹۰ ش ۷۲۰» و «فهرست مشار» ذکر شده و گویند در ۱۲۸۸ تألیف و در ۱۲۹۷ چاپ شده است. و دیگر از تألیفات چاپ شده صاحب عنوان «رساله در کیفیت نماز شب و استخاره و نماز جعفر طیار» است که بخواهش میرزا سلیمان خان رکن الملک تألیف و در مقدمه «قرآن کریم» چاپ رکن الملک بسال ۱۳۱۱ طبع شده، چنانکه در شرح حال صاحب ترجمه در کتاب «زندگانی آیة اللّه چهار سوقی: ۱۹۹» ذکر کردیم. و نیز از تألیفات آن مرحوم «رساله در مناسک حج» است که آن نیز بطبع رسیده.

ایضا در سنه ۱۳۰۸ رساله عملیه فارسیی در عبادات بنام «سراج العوام و مشکوة الظلام» تألیف میرزا احمد بن محمد علی واعظ اصفهانی با حواشی صاحب عنوان و برادرش مرحوم آیة اللّه آقا نجفی بطبع رسیده است. م.

ص: ۱۹۷۶

و در سنه ۱۳۰۰ با برادر کوچک خود حاج آقا نور اللّه بسفر حج رفت و چندین سال زندگی و زندگانی با ریاست و شایسته بدون زحمتی نمود، لکن چنانکه طبیعت روزگار است که این‌طور زندگانی نمی‌پاید وی نیز به پنجاه سالگی نرسیده، در شب سه‌شنبه چهارم ماه شعبان المعظم سنه ۱۳۱۸ هزار و سیصد و هیجده- مطابق (...) قوس ماه برجی- در اصفهان وفات کرد و جسدش را پیش از دفن حمل بعتبات و در نجف نزد برادرش حاج شیخ محمد حسین (که در ۱۲۶۶ ج ۵ ش ۱۰۹۳ ص ۱۸۰۷ گذشت) دفن نمودند.

و او مخدره فاطمه ملقبه بمیرزا بیگم دختر آقا محمد ابراهیم قزوینی را (که مردی تاجر محترم بوده و مادرش «زوجه آقا محمد ابراهیم» خدیجه سلطان بیگم سیده رضویه است و خود میرزا بیگم در شب آدینه غره ج ۲ سنه ۱۳۵۲ در اصفهان وفات کرده و در قم در حجره پهلوی حجره حاجی شیخ فضل اللّه شهید دفن شده) بزوجیت اختیار کرده، و سه نفر پسر و چهار دختر داشته، و پسران: اول حاجی شیخ مهدی است که در (۱۲۹۸) بیاید. دویم مرحوم آقا شیخ محمد حسین که در شنبه ۱۹ محرم سنه ۱۳۱۸ وفات کرده. سیم حاجی شیخ ابو الفضل که از اعیان رجال عصر در اصفهان است و در علوم تاریخ و حوادث جهان و برخی از علوم اسلامی و مقتضیات زمان و معاشرت با أبناء آن بصیرتی شایان دارد و در سنه ۱۳۰۹ متولد شده و زمزم خانم دختر عمش حاج آقا جمال الدین را بزوجیت پذیرفته، و بطوری‌که آقای روضاتی در مقدمه «کتاب الاوائل مقدس» نوشته در ظهر جمعه ۲۵ ع ۱- ۱۳۹۱ در اصفهان وفات کرده و جسدش را بقم بردند، انتهی.

و دختران یکی بنام خانم جهان زوجه برادرزاده‌اش حاجی شیخ محمد باقر الفت است (که در ۱۳۰۱ بیاید) و در ۳ شنبه ۷ ذی القعده سنه ۱۳۸۷ وفات کرده. و دو نفر دیگر زوجه‌های دو تن از آقایان سادات کتابفروش اصفهانی‌اند بنام بی‌بی خانم و زهرا خانم و شوهران ایشان بترتیب حاج میرزا هلال الدین کتابی و حاج میرزا محمد صادق کتابی‌اند. و این دو نفر کوچک‌تر از بی‌بی خانم‌اند، و بزرگ‌تر از او سکینه خانم زن حاج میرزا محمد هاشم بن حاج میرزا عبد الجواد بن آقا محمد مهدی کرباسی است که بجمله چهار دختر باشند.

ص: ۱۹۷۷

❊ (۱۲۱۲- تولد مرحوم میرزا هدایت اللّه ۳۴ چهارسوئی، ره)❊

وی فرزند مرحوم آقا میرزا محمد باقر ۳۳ چهارسوئی است که در (۱۲۲۶ ج ۳ ش ۳۷۰ ص ۷۹۸) گذشت.

مرحوم میرزا هدایت اللّه از علماء اصفهان بود، و در آدینه بیست و هفتم ماه جمادی- الاخرای این سال- مطابق (...) حوت‌ماه برجی- متولد شده، و در نزد پدر و عم خود درس خواند تا عالمی فاضل و فقیهی کامل گردید، چندین سال در اصفهان بامامت و تدریس اشتغال ورزید، و پس از مدت هفتاد و چهار سال و سه ماه قمری و پنج روز عمر، در ساعت آخر روز سه‌شنبه دویم ماه شوال المکرم سنه ۱۳۴۵ هزار و سیصد و چهل و پنج- مطابق ۱۵ فروردین‌ماه باستانی- وفات کرد، و در پائین پای پدر بزرگوار دفن شد[۴۱].

---

[۴۱] (۱) صاحب عنوان عالمی جلیل القدر و دارای نفس قدسی و ذکاء فطری و دقت فهمی ممتاز بوده، راقم این سطور در کتاب« کواکب منتشره» ی خود که در ۱۳۶۶ ق تألیف کرده بنقل از فرزندان آن مرحوم وی را مجاز از دو نفر استاد مذکورش(والد ماجد و عم اجل) و مرحوم میرزا عبد الجواد حسین آبادی(مجاز از صاحب« جواهر») دانسته و نوشته‌ایم که تألیف مستقلی از ایشان در دست نیست، لکن حواشی مفیدی بر« شرح لمعه» و« فرائد شیخ» دارد. آن مرحوم از اساتید برادرزاده خود مرحوم آقای حاج میرزا سید حسن چهارسوقی(۱۲۹۴) در« شرح لمعه» بوده لذا شرح حال دیگری از وی بنقل از« مقالات مبسوطه» مؤلف این کتاب در« زندگانی آیة اللّه چهارسوقی: ۱۷۷ ببعد» نقل نموده‌ایم که خالی از فائده نیست، و اجازه مختصره پدر بزرگوارش برای او بتاریخ ۸ صفر ۱۳۰۸ میباشد و صورت آن در« ریاض الابرار» موجود است. فرزند اکبر آن مرحوم در ظهر نسخه‌ئی از« روضات الجنات» شرحی در کیفیت بیماری و وفات والد خود نوشته و از آن مستفاد میشود که وی یکسال مریض بوده و سرانجام به اسهال سخت درگذشته و در خانه خود جنازه‌اش را غسل داده و بعد❊❊ بمسجد عتیق چهارسو

(۱) صاحب عنوان عالمی جلیل القدر و دارای نفس قدسی و ذکاء فطری و دقت فهمی ممتاز بوده، راقم این سطور در کتاب «کواکب منتشره» ی خود که در ۱۳۶۶ ق تألیف کرده بنقل از فرزندان آن مرحوم وی را مجاز از دو نفر استاد مذکورش (والد ماجد و عم اجل) و مرحوم میرزا عبد الجواد حسین آبادی (مجاز از صاحب «جواهر») دانسته و نوشته‌ایم که تألیف مستقلی از ایشان در دست نیست، لکن حواشی مفیدی بر «شرح لمعه» و «فرائد شیخ» دارد. آن مرحوم از اساتید برادرزاده خود مرحوم آقای حاج میرزا سید حسن چهارسوقی (۱۲۹۴) در «شرح لمعه» بوده لذا شرح حال دیگری از وی بنقل از «مقالات مبسوطه» مؤلف این کتاب در «زندگانی آیة اللّه چهارسوقی: ۱۷۷ ببعد» نقل نموده‌ایم که خالی از فائده نیست، و اجازه مختصره پدر بزرگوارش برای او بتاریخ ۸ صفر ۱۳۰۸ میباشد و صورت آن در «ریاض الابرار» موجود است. فرزند اکبر آن مرحوم در ظهر نسخه‌ئی از «روضات الجنات» شرحی در کیفیت بیماری و وفات والد خود نوشته و از آن مستفاد میشود که وی یکسال مریض بوده و سرانجام به اسهال سخت درگذشته و در خانه خود جنازه‌اش را غسل داده و بعد*

ص: ۱۹۷۸

آقا میرزا هدایة اللّه چهارسوئی و فرزندان و ملازمان

ص: ۱۹۷۹

و فرزندانی از او طبق «شجره‌نامه‌های چهارسوئی‌ها» بازماند، بدین شرح: اول آقا میرزا حبیب اللّه ۳۵ که در سنه ۱۳۰۸ متولد شده و از سید محمد مهدی کاظمینی (۱۳۱۹) روایت می‌کند و در محله چهارسوی شیرازیان امامت و ریاست دارد و فرزندان چند از او بهم رسیده[۴۲].

دویم آقا میرزا محمود ۳۵ که هم از علماء اصفهان است و فرزندانی دارد. تولدش ۵ شنبه ۱۶ محرم سنه ۱۳۱۵[۴۳].

سیم آقا میرزا اسد اللّه ۳۵ که در سنه ۱۳۱۸ متولد شده و نیز طبق شجره‌نامه اولادی چند دارد[۴۴].

شیرازیها که خود و والد بزرگوارش صاحب روضات در آن اقامه جماعت و وعظ و ارشاد مینموده‌اند حمل و مرحوم آیة اللّه حاج میر محمد صادق مدرس خاتونابادی(۱۳۴۸) و جمعی کثیر بر او نماز گذارده و در روز چهارشنبه بر سر دست تا تخت پولاد تشییع شد و جمعیت مشیعین بالغ بر بیستهزار نفر گردید، و پس از آن سه روز مجلس ترحیم باعظمت و کم‌نظیر برای آن مرحوم تشکیل شد. غفر اللّه تعالی لنا و لهم. م.

[۴۲] (۱) آقا میرزا حبیب اللّه در نیمه شب یکشنبه ۱۶ ع ۱- ۱۳۷۹ بعارضه سکته وفات یافت و در بقعه تکیه معروف بگلزار در تخت پولاد مدفون شد. وی از مرحوم آخوند ملا محمد حسین فشارکی(مجاز از شیخ زین العابدین مازندرانی) باجازه مورخه ۸ ج ۲- ۱۳۴۳ و از مرحوم میرزا محمد حسین غروی نائینی(مجاز از حاج میرزا حسین میرزا خلیل و شیخ محمد طه نجف) باجازه مورخه ۱۴ ع ۲- ۱۳۴۴ و از مرحوم حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی(در هامش اجازه میرزای نائینی) و از مرحوم حاج سید صدر الدین صدر(مجاز از مرحوم سید حسن صدر) باجازه مورخه ۹ ج ۱- ۱۳۶۶ نیز روایت می‌کند و اصول اجازات در حین تحریر این سطور بنظر قاصر رسید. م.

[۴۳] (۲) آقا میرزا محمود مقارن طلوع آفتاب جمعه پنجم صفر ۱۳۹۶ وفات یافت و در داخل بقعه تکیه صاحب« روضات الجنات» مدفون شد. وی از والد ماجدش و مرحوم شیخ شیخ محمد رضا زنجانی کاظمینی و مرحوم حاج عبد الکریم حائری روایت می‌کند و راقم سطور از آن مرحوم اجازه روایت دارد. م.

* بمسجد عتیق چهارسو شیرازیها که خود و والد بزرگوارش صاحب روضات در آن اقامه جماعت و وعظ و ارشاد مینموده‌اند حمل و مرحوم آیة اللّه حاج میر محمد صادق مدرس خاتونابادی (۱۳۴۸) و جمعی کثیر بر او نماز گذارده و در روز چهارشنبه بر سر دست تا تخت پولاد تشییع شد و جمعیت مشیعین بالغ بر بیستهزار نفر گردید، و پس از آن سه روز مجلس ترحیم باعظمت و کم‌نظیر برای آن مرحوم تشکیل شد. غفر اللّه تعالی لنا و لهم. م.

(۱) آقا میرزا حبیب اللّه در نیمه شب یکشنبه ۱۶ ع ۱- ۱۳۷۹ بعارضه سکته وفات یافت و در بقعه تکیه معروف بگلزار در تخت پولاد مدفون شد. وی از مرحوم آخوند ملا محمد حسین فشارکی (مجاز از شیخ زین العابدین مازندرانی) باجازه مورخه ۸ ج ۲- ۱۳۴۳ و از مرحوم میرزا محمد حسین غروی نائینی (مجاز از حاج میرزا حسین میرزا خلیل و شیخ محمد طه نجف) باجازه مورخه ۱۴ ع ۲- ۱۳۴۴ و از مرحوم حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی (در هامش اجازه میرزای نائینی) و از مرحوم حاج سید صدر الدین صدر (مجاز از مرحوم سید حسن صدر) باجازه مورخه ۹ ج ۱- ۱۳۶۶ نیز روایت می‌کند و اصول اجازات در حین تحریر این سطور بنظر قاصر رسید. م.

(۲) آقا میرزا محمود مقارن طلوع آفتاب جمعه پنجم صفر ۱۳۹۶ وفات یافت و در داخل بقعه تکیه صاحب «روضات الجنات» مدفون شد. وی از والد ماجدش و مرحوم شیخ شیخ محمد رضا زنجانی کاظمینی و مرحوم حاج عبد الکریم حائری روایت می‌کند و راقم سطور از آن مرحوم اجازه روایت دارد. م.

(۳) تاریخ تولد معظم له در ۲۶ ع ۲- ۱۳۱۸ میباشد. و این هر سه فرزندان صاحب عنوان از دانشمندان طائفه و مروجین شریعت مطهره بشمارند. م.

ص: ۱۹۸۰

آقا میرزا هدایت اللّه چهارسوئی و فرزندان و ملازمان

«توضیحا عکس ص ۱۹۷۸ متعلق بشرح حال مرحوم حاج میر محمد حسین روضاتی اصفهانی است که در (۱۲۷۵) بیاید و اینجا اشتباها چاپ شده».

ص: ۱۹۸۱

سنه ۱۲۳۴ شمسی

چهارشنبه دویم رجب المرجب اول حمل ماه برجی

---

[۴۴] (۳) تاریخ تولد معظم له در ۲۶ ع ۲- ۱۳۱۸ میباشد. و این هر سه فرزندان صاحب عنوان از دانشمندان طائفه و مروجین شریعت مطهره بشمارند. م.

❊ (۱۲۱۳- تولد مرحوم سید ابو تراب ۳۴ خوانساری، رضی اللّه عنه)❊

وی مرحوم سید عبد العلی ۳۴ فرزند سید ابو القاسم ۳۳ خوانساری است که در (۱۲۸۰) بیاید.

مرحوم سید ابو تراب (ره) از اجله علماء معقول و منقول و عظماء فقهاء نجف اشرف بود[۴۵]. شرح احوالش در چندین کتاب نوشته و از آن جمله «احسن الودیعه ۲: ۳ تا ۵۱»

---

(۱) عالم فاضل متتبع آقای حاج شیخ رضا استادی تهرانی از اعاظم مشتغلین حوزه علمیه قم (دام توفیقه) در محرم ۱۳۹۵ ق رساله‌ئی (در ۳۲ صفحه رقعی) در آن بلده طیبه چاپ کرده‌اند که عنوانش «معجزات و یادنامه استاد علامه مرحوم آقا سید ابو تراب خونساری طاب ثراه» است و از (ص ۳ تا ۱۸) شرح حال صاحب ترجمه شامل نام و نسب و خاندان و تولد و اساتید و مشایخ اجازه و شاگردان و فرزندان و وفات و اسامی تألیفات و آثار منظوم و منثور که بالغ بر ۴۳ اثر می‌باشد. و از (ص ۱۹ تا ۲۲) منظومه‌ئی از آن مرحوم بعنوان «قصیده عام الخوارق» و سپس تا آخر رساله شرحی است پیرامون معجزات و خوارق عادات معصومین (علیهم السلام) و ترجمه گونه‌ئی از قصیده یاد شده که در آن هشت کرامت ظاهره و معجزه باهره از مرقد مطهر شاه ولایت اسد اللّه الغالب (صلوات اللّه و سلامه علیه و علی اولاده الطیبین الطاهرین) در اوائل ۱۲۹۹ ق آشکار شده و بسمع همگان رسیده است. خداوند منان بصدیق گرامی ما مؤلف و ناشر رساله جلیله جزای خیر دهاد. م.

ص: ۱۹۸۲

و «الذریعه ۸: ش ۲۹۰» و غیره، و از آنها چنین برآید که: او در شب پنج‌شنبه هفدهم ماه رجب الفرد این سال- مطابق ۱۶ حمل ماه برجی- در خوانسار متولد شده، و در سنه ۱۲۹۱ باصفهان و در ۱۲۹۵ بنجف آمده و در آنجا خدمت چندین نفر از اعاظم علما درس خوانده و از برخی اجازت روایت درست کرد، و پس از آن خود بتدریس و تألیف پرداخت و کتب بسیاری تألیف کرد، از آن جمله کتاب «سبل الرشاد» در شرح «نجاة العباد» حاجی شیخ محمد حسن نجفی در فقه، در ده جلد. انجام تألیف کتاب روزه سنه ۱۳۰۳، انجام تألیف کتاب ارث سنه ۱۳۰۴[۴۶].

---

[۴۵] (۱) عالم فاضل متتبع آقای حاج شیخ رضا استادی تهرانی از اعاظم مشتغلین حوزه علمیه قم(دام توفیقه) در محرم ۱۳۹۵ ق رساله‌ئی(در ۳۲ صفحه رقعی) در آن بلده طیبه چاپ کرده‌اند که عنوانش« معجزات و یادنامه استاد علامه مرحوم آقا سید ابو تراب خونساری طاب ثراه» است و از(ص ۳ تا ۱۸) شرح حال صاحب ترجمه شامل نام و نسب و خاندان و تولد و اساتید و مشایخ اجازه و شاگردان و فرزندان و وفات و اسامی تألیفات و آثار منظوم و منثور که بالغ بر ۴۳ اثر می‌باشد. و از(ص ۱۹ تا ۲۲) منظومه‌ئی از آن مرحوم بعنوان« قصیده عام الخوارق» و سپس تا آخر رساله شرحی است پیرامون معجزات و خوارق عادات معصومین(علیهم السلام) و ترجمه گونه‌ئی از قصیده یاد شده که در آن هشت کرامت ظاهره و معجزه باهره از مرقد مطهر شاه ولایت اسد اللّه الغالب(صلوات اللّه و سلامه علیه و علی اولاده الطیبین الطاهرین) در اوائل ۱۲۹۹ ق آشکار شده و بسمع همگان رسیده است. خداوند منان بصدیق گرامی ما مؤلف و ناشر رساله جلیله جزای خیر دهاد. م.

[۴۶] (۱) مبحث روزه و ارث این کتاب مفید در سال ۱۳۳۲ ق طی ۳۵۴ صفحه بزرگ در طهران چاپ شده و صفحه اول و دو صفحه آخر آن پیرامون حالات مؤلف است. ناگفته نماند که نام کتاب در عنوان بالای صفحه اول آن اشتباها« سبیل الرشاد» با یاء نوشته شده است. م.

و چندین نفر از بزرگان از مجلس درس او برخواسته یا از او روایت می‌نمایند.

و آخر پس از مدت هفتاد و چهار سال و نه ماه قمری و بیست و سه روز عمر، در دو ساعت و نیمی روز شنبه دهم ماه جمادی الاولی سنه ۱۳۴۶ هزار و سیصد و چهل و شش- مطابق ۱۳ آبان ماه باستانی- در نجف وفات کرده و در وادی السلام دفن شد.

و او را سه نفر پسر بنام سید محمد علی ۳۵ و سید محمد مهدی ۳۵ و سید محمد حسین ۳۵ بوده که هر سه در حیات پدر وفات کردند.

❊ (۱۲۱۴- تولد مرحوم سید محمد جواد خراسانی، ره)❊

وی فرزند مرحوم سید محمد رضاء خراسانی است (۱۳۰۲).

مرحوم سید محمد جواد از علماء اصفهان بود که در روز آدینه بیست و پنجم ماه رجب الفرد این سال- مطابق ۲۴ حمل ماه برجی- متولد شده، و همواره در مسجد جارچی و مسجد

---

(۱) مبحث روزه و ارث این کتاب مفید در سال ۱۳۳۲ ق طی ۳۵۴ صفحه بزرگ در طهران چاپ شده و صفحه اول و دو صفحه آخر آن پیرامون حالات مؤلف است. ناگفته نماند که نام کتاب در عنوان بالای صفحه اول آن اشتباها «سبیل الرشاد» با یاء نوشته شده است. م.

حاجی رضا بجای پدران خود امامت می‌نمود، و تألیفات چندی هم دارد: اول «رساله‌ئی در احوال جد و پدر خود و برخی از علماء دیگر» آغاز تألیف آن ۴ شنبه ۱۹ ذی الحجه سنه ۱۳۳۹. دویم «رساله‌ئی در تعبیر خواب». سیم کتاب «رؤیای صادقه» در خواب‌های خود و دیگران که دیده‌اند و راست درآمده، و این هرسه رساله بخط خودش پیوست بیکدیگر در نزد جناب آقای سید محمد رضا «سلمه اللّه تعالی»[۴۷] موجود و ما آن را اجمالا مطالعه و از رساله اول شرح‌احوال پدر و جدش را در این کتاب آورده و می‌آوریم، و نیز تاریخ تولد خودش را در «رؤیای صادقه» در ص ۱۵ ذکر کرده و آنجا در روز

---

[۴۷] (۱) این بزرگوار که فرزند صاحب عنوان و سالهای متمادی تا آخرین ایام حیات با عزت و اعتبار در مقام زمامداری حوزه علمی اصفهان و قیام بوظائف امامت و تدریس و تکفل امور طلاب عظام علوم دینیه اشتغال داشت: در حین طبع این اوراق برحمت ایزدی پیوست.

در روز عید مبعث(۲۷ ماه رجب ۱۳۹۷) گرفتار حمله قلبی شد و پس از انتقال ببیمارستان بهنگام طلوع فجر یکشنبه ۲۹(مطابق ۲۶ تیرماه باستانی) جان بجان آفرین تسلیم کرد و در همان روز جنازه‌اش با تجلیل و احترام شایسته تشییع و در تخت پولاد جوار مزار فاضل اصفهانی(هندی) و پهلوی قبور نیاکانش بخاک سپرده شد و در این ایام مجالس ترحیم متعدد در مدارس و مساجد شهر و جاهای دیگر منعقد گردید، رحمة اللّه تعالی علیه. شرح حال آن مرحوم در سال تولدش(۱۳۱۱) مذکور خواهد شد. م.

جمعه ۲۷ رجب این سال نوشته، لکن ما (از این که در جلد قاجاریه «ناسخ» و جلد دویم «مرآت البلدان» و جلد سیم «منتظم ناصری» عید نوروز آن سال را ۴ شنبه ۲ رجب نوشته‌اند و قراین دیگر هم بر صحت آن داشتیم، چنان‌که آنفا در ذکر اول حمل و تولد سید ابو تراب خوانساری نیز همین‌طور آدینه را بیست و هفتم منافی دیده و هفته را درست و ماه را غلط دانسته) تولد او را در بیست و پنجم آوردیم.

و بهرحال، سید محمد جواد در (...) سنه ۱۳۵۲ در اصفهان وفات کرده و در تخت پولاد در حوالی قبر جدش حاجی سید یوسف (۱۲۴۶ ج ۴ ش ۶۶۷ ص ۱۲۶۲) دفن شد، یعنی بطرف بالا سر مایل بقبله بفاصله ده قدم. و چندین نفر برای او مرثیه و ماده تاریخ گفتند، از آن‌جمله حاجی میرزا حسن خان انصاری (۱۲۸۷) فرماید (چنان که بر روی قبر هم نوشته):

---

(۱) این بزرگوار که فرزند صاحب عنوان و سالهای متمادی تا آخرین ایام حیات با عزت و اعتبار در مقام زمامداری حوزه علمی اصفهان و قیام بوظائف امامت و تدریس و تکفل امور طلاب عظام علوم دینیه اشتغال داشت: در حین طبع این اوراق برحمت ایزدی پیوست.

در روز عید مبعث (۲۷ ماه رجب ۱۳۹۷) گرفتار حمله قلبی شد و پس از انتقال ببیمارستان بهنگام طلوع فجر یکشنبه ۲۹ (مطابق ۲۶ تیرماه باستانی) جان بجان آفرین تسلیم کرد و در همان روز جنازه‌اش با تجلیل و احترام شایسته تشییع و در تخت پولاد جوار مزار فاضل اصفهانی (هندی) و پهلوی قبور نیاکانش بخاک سپرده شد و در این ایام مجالس ترحیم متعدد در مدارس و مساجد شهر و جاهای دیگر منعقد گردید، رحمة اللّه تعالی علیه. شرح حال آن مرحوم در سال تولدش (۱۳۱۱) مذکور خواهد شد. م.

ص: ۱۹۸۴

اذأ باثنی عشر جاءوا و قالوا: ثوی حرز الجواد طاب مثواه

۱۳۵۲ ۱۲۰+ ۱۳۴۰

و وی را فرزندان چندی است، از آن جمله: حاجی سید مرتضی که از علماء اصفهان بود. و دیگر سید محمد رضا که در (۱۳۱۱) بیاید.

❊ (۱۲۱۵- تولد احیاء شاعر جهرمی)❊

وی، بطوری که در «دانشمندان و سخن سرایان فارس ۱: ۲۳۷» نوشته، نامش حاج عبد الوهاب ملقب بحکیم باشی فرزند شیخ محمد حکیمباشی جهرمی است، و خود در نهم ماه شوال المکرم اینسال- مطابق (...) سنبله ماه برجی- در جهرم متولد شده و در طی دوران زندگی هم در آنجا بطبابت اشتغال داشته، و همانا بدوا در نزد پدر خود تحصیل کرده، و پس از آن بشیراز رفت و از محضر شریف الحکما و همچنین حکیمباشی (مشهور بحکیمباشی‌کر) مستفید گردید، و خصوصیات اخلاقی

ممتازی داشته چنانکه در معالجه مرضی بهیچوجه دارای نظر مادی نبوده و بیشتر علاوه بر آنکه از فقرا حق العلاج نمی‌گرفته از خود پول دوا و غذای آنها را هم می‌داده، و در اواخر عمر با وجود مضیقه مالی باز مناعت طبعش مانع از آن بوده که حق العلاج مطالبه کند، و در نتیجه مهارت و تجربیات متمادی اغلب ساعت مرگ بیماران صعب العلاج و معالجه نشدنی را پیش‌بینی می‌کرد، و با آنکه ادویه قدیمی چندان بهایی نداشت او نسخه‌ها را متناسب با وضع مالی بیماران می‌نوشته، و علاقه مفرطی باسب سواری و شکار داشته، و عاقبت در نتیجه زمین افتادن از اسب مبتلا ببول الدم گردید، و در شب سه‌شنبه

ص: ۱۹۸۵

دوازدهم ماه رمضان المبارک سنه هزار و سیصد و پنجاه و شش- مطابق ۱۲ آذرماه باستانی سال ۱۳۱۶- پس از مدت ۸۴ سال و ۱۱ ماه و ۳ روز عمر وفات کرد و در قبرستان شاهزاده حسین دفن شد.

❊ (۱۲۱۶- وفات مرحوم شیخ محسن خنفر، ره)❊

وی[۴۸] فرزند مرحوم محمد، و خود از اجله علما و افاضل فقهاء متتبعین بوده، و در احوال رجال تتبعی عظیم داشته.

شرح احوالش در «فوائد الرضویه ۲: ۳۷۴» و «احسن الودیعه ۱: ۱۹» نوشته و از آنها چنین برآید که وی در نجف ساکن و آنجا در خدمت شیخ جعفر و فرزندانش شیخ موسی و شیخ علی درس خوانده و خود نیز در آن زمین برین تدریس می‌نموده، و چندین نفر از علما از مجلس درس او بیرون آمده‌اند: اول میرزا محمد تنکابنی (۱۳۰۲). دویم حاجی شیخ محمد طه نجف (۱۲۴۱ ج ۴ ش ۶۰۸ ص ۱۱۴۹). سیم سید محمد کاظمینی (۱۳۰۳).

چهارم سید محمد هندی (۱۲۴۲ ج ۴ ش ۶۲۵ ص ۱۱۸۳)، و این شاگرد اخیر «تقریرات دروس» آن استاد راد را در کتابی بنام «تحریرات» جمع نموده، چنان‌که در احوال وی اشاره بدان نمودیم.

در «فوائد الرضویه» کراماتی برای شیخ محسن نوشته و فرماید وی بعلت صعوبت مسلکی که داشت در حیات صاحب «جواهر» مرجع عامه واقع نشد و پس از وفات وی اکثر عرب باو رجوع کردند، لکن طولی نکشید که او خود وفات کرد، انتهی.

و از «قصص العلما: ۱۱۵» چنین برآید که وی زمانی هم باصفهان آمده. و بنص «فوائد

---

(۱) رجوع شود به «دار السلام ۲: ۳۸۸». یادداشت مؤلف.

ص: ۱۹۸۶

---

[۴۸] (۱) رجوع شود به« دار السلام ۲: ۳۸۸». یادداشت مؤلف.

الرضویه» در بیست و نهم ماه ذی القعدة الحرام اینسال- مطابق (...) اسد ماه برجی- وفات کرده، و در «الذریعه ۳ ش ۱۴۱۴» در سنه ۱۲۷۰ نوشته، و در «احسن الودیعه ۱: ۲۰» در سنه ۱۲۴۷ نوشته که آن غلط است.

و بهرحال، وی در نزد شیخ خضر شلال دفن شد و دو پسر بنام شیخ احمد و شیخ محمد حسن که هر دو از اهل علم و فضل‌اند بر جا نهاد. و نام هر دو در «دار السلام نوری ۲، ۳۸۸ و ۳۸۹» برده شده.

❊ (۱۲۱۷- تولد میرزا اسمعیل خان دبیر تفرشی)❊

از «مجله یادگار. س ۴ ش ۵ ص ۲۰ تا ۲۳» چنین برآید که وی از اهل علم و ادب و شعر بوده و در ماده تاریخ گفتن تخصصی بسزا داشته، و در ماه ذی الحجة الحرام اینسال- مطابق (اسد- سنبله) ماه برجی- متولد شده، چنان‌که این ماده تاریخ که خود گفته بدان مشعر است:

بد اسمعیل را ذی الحجه مولود. و کتابی بنام «نخبة التواریخ» از آغاز اسلام تا حدود ۱۳۲۲ تألیف کرده در تاریخ تولد و وفات معاریف و بزرگان و برخی از وقایع دیگر و زیاده بر هزار ماده تاریخ متناسب و متین نظم کرده، و در سنه ۱۳۲۲ هزار و سیصد و بیست و دو وفات نموده، و قصیده‌ئی در سفر مظفر الدین شاه بفرنگ گفته که هر مصرعی ماده تاریخ سال سفر است که ۱۳۱۷ باشد.

و چندین نفر از کسانی که أشعار مشتمل بر ماده تاریخ بدین‌طور گفته‌اند در (۱۲۴۰ ج ۴ ش ۵۸۶ ص ۱۱۲۷) گذشت.

ص: ۱۹۸۷

❊ (۱۲۱۸- تولد سید احمد بک شافعی حسینی)❊

وی سید شهاب الدین احمد بن احمد بن یوسف مصری از عظماء علماء فرقه شافعیه است که در اینسال متولد شده چنانکه مفهوم از «لغت‌نامه دهخدا ۳: ۱۴۲۰» است که آنجا پس از عقد عنوان وی چنین نوشته: (۱۲۷۱- ۱۳۳۲)، و مفهوم از این پرانتز و درون آن تولد و وفات او است. و بهرحال، وی چندین کتاب تألیف کرده: اول کتاب «اعلام الباحث بقبح ام الخبائث» در مضار شراب و تحریم آن از کتاب و سنت. دویم کتاب «بهجة المشتاق» در حکم زکوة اوراق، ورقه‌های نوت بانگها. سیم کتاب «البیان» در اصل تکوین انسان. چهارم کتاب «تبیان التعلیم» در حکم آغاز نشده ببسم اللّه الرحمن الرحیم. پنجم کتاب «تحفة الرأی السدید الاحمد» برای ضیاء تقلید و مجتهد در اصول فقه. ششم کتاب «الدرة» در حکم جرة و حکم قی و مره، در فقه شافعی. هفتم کتاب «دفع الخیالات» در رد مفتریاتی که بر «القول الوضاح» او وارد شده. هشتم کتاب «دلیل المسافر» در مختصات سفر کننده از نماز و روزه و غیره. نهم «رساله‌ئی در اصول». دهم کتاب «رشد الانام» برای برء ام الامام در شرح عبادات کتاب «أم» امام شافعی در ۲۴ جلد. یازدهم کتاب «القول الفصل» در قیام فرع بر جای اصل. دوازدهم کتاب «القول الوضاح» در اینکه خوردن قربانی معین بجعل بعضی از آن سنت است و بعضی مباح. سیزدهم کتاب «کشف الستار» از حکم نماز گیرنده بر مستجمر بأحجار، در فقه شافعی.

چهاردهم کتاب «نهایة الاحکام» در آنچه برای نیت است از أحکام، در فقه شافعی.

و او در سنه ۱۳۳۲ هزار و سیصد و سی و دو بطوری که ذکر کردیم پس از مدت شصت و یک سال قمری عمر وفات کرد.

ص: ۱۹۸۸

❊ (۱۲۱۹- تولد ادوار کلازر آلمانی)❊

کلازر از جمله خاورشناسان این عصر بود که در این سال در بوهمی متولد شده و در آثار عرب و برخی از لغات و تاریخ و جغرافیای عربستان تألیفاتی نموده، و پس از مدت پنجاه و چهار سال قمری عمر در سنه ۱۳۲۵ هزار و سیصد و بیست و پنج وفات کرده.

❊ (۱۲۲۰- تولد مذنب شاعر بدایونی)❊

وی چنان که در «الذریعه ۹: ۱۰۲۵ ش ۶۶۷۱» نوشته نامش مولوی حافظ علی احمد است که در این سال متولد شده، و در سال تألیف تذکره «صبح روشن» (۱۲۹۶) بتکمیل علوم باطن اشتغال داشته، انتهی.

و در این صفحه «الذریعه» چهار نفر دیگر شاعر مذنب تخلص ذکر کرده که با این مذنب صاحب عنوان پنج نفر بشوند:

اول یک نفر مذنب که نامش را در دیوانش ننوشته‌اند.

دویم مذنب بمرودی که «مقامات حسینی» محمد اکبر منشی را از شعراء قرن دوازدهم (که ناتمام بوده) باتمام رسانیده.

سیم مذنب تبریزی که نامش فتحعلی بن حسن ایروانی و در قرن ۱۲ بوده. چهارم مذنب خراسانی که وی شیخ غلام رضای واعظ ابن محمد علی صاحب «مخزن الاشعار» است.

ص: ۱۹۸۹

❊ (۱۲۲۱- تولد حاجب شاعر مرودشتی)❊

مرودشت، بطوری که در «فارسنامه. گفتار ۲: ۲۹۳» نوشته بلوکی است در فارس میانه مشرق و شمال شیراز که قصبه آن- چنانکه در (ص ۳۰۰) گفته- قریه فتح‌آباد است، و آن قصبه را سه قسمت نموده‌اند بنام خفرک سفلی و خفرک علیا و مرودشت، و یکی از دیهات قسمت این مرودشت خاص قریه کناره است که یک فرسخ و نیم میانه جنوب و مشرق فتح‌آباد است.

و حاجب مذکور نامش حیدر علی بن جعفر، و خود از رجال فاضل این زمان، و بطوری که در «سخن سرایان نامی معاصر ۳: ۷۶» نوشته؛ در اینسال در قریه کناره مذکوره متولد شده و در شیراز سکونت گزیده و تحصیل دانش نمود و در نقاشی و قلمزنی مهارتی پیدا کرد و هماره از این راه زندگی می‌کرد، و در اواسط عمر بتهران رهسپار و آنجا سکونت نموده و بتکمیل علوم ادیبه و عربیه پرداخت، و هم در آنجا بشغل خود مشغول بود، چنانکه خط شکسته و نستعلیق را هم خوش می‌نوشت، و پس از چندی بتصوف و عرفان گرویده و در سلسله ذهبیه درآمد، و بعضی از رجال دولت همچون میرزا علی اصغر خان صدر اعظم و نایب السلطنه بوی کمک‌ها می‌کردند و اشعارش را صله‌ها می‌دادند، تا آخر در سنه ۱۳۳۴ هزار و سیصد و سی و چهار بدرود زندگانی گفته و در خانقاه خود مدفون شد، انتهی[۴۹].

---

(۱) شرح حال مختصری از حاجب مرودشتی نزدیک بمطالب متن در کتاب «دانشمندان و سخن‌سرایان فارس ۲: ۱۷۷ ببعد» با مقداری از اشعار او مندرج است و آنجا گوید که منتخب اشعار او بنام «دیوان حاجب شیرازی» مکرر- اما ناقص و مغلوط- چاپ شده است. و نیز بنقل از «مدینة الادب» و «أشعه شعاعیه» گوید: «حاجب در سال ۱۳۳۴ در طهران وفات یافت و در صحن امامزاده زید مدفون شد»، انتهی.

ص: ۱۹۹۰

❊ (۱۲۲۲- وفات شیخ عبد الحسین آل محیی الدین)❊

خانواده آل محیی الدین در سال (۱۲۱۹ ج ۳ ش ۲۶۵ ص ۶۶۰) گذشت. و شیخ عبد الحسین- چنانکه در «دیوان سید موسی: ۳۹۰ پاورقی» فرموده- فرزند قاسم بن شیخ حسین، و خود از أعلام و افاضل اهل ادب بوده و أشعار بسیاری در فنون عدیده سروده، و در اینسال در نجف وفات نموده[۵۰].

❊ (۱۲۲۳- وفات مسکین شاعر اکبر آبادی)❊

وی بطوری که در «الذریعه ۹: ۱۰۳۸» فرموده، نامش شیخ عبد الواحد و مصاحب خانصاحب بوده و «دیوانی در أشعار» دارد، و در این سال وفات نموده.

---

[۴۹] (۱) شرح حال مختصری از حاجب مرودشتی نزدیک بمطالب متن در کتاب« دانشمندان و سخن‌سرایان فارس ۲: ۱۷۷ ببعد» با مقداری از اشعار او مندرج است و آنجا گوید که منتخب اشعار او بنام« دیوان حاجب شیرازی» مکرر- اما ناقص و مغلوط- چاپ شده است. و نیز بنقل از« مدینة الادب» و« أشعه شعاعیه» گوید:« حاجب در سال ۱۳۳۴ در طهران وفات یافت و در صحن امامزاده زید مدفون شد»، انتهی.

[۵۰] (۱) شرح‌حال و نمونه اشعار صاحب عنوان در کتاب« ماضی النجف و حاضرها ۳:

۳۱۲ ببعد» مذکور و نام و نسبش در آنجا چنین است:« الشیخ عبد الحسین بن الشیخ قاسم ابن الشیخ محمد بن الشیخ احمد بن الشیخ علی بن الشیخ حسین محیی الدین»، و وفاتش را در شب جمعه‌ئی از ماه صفر ۱۲۷۱ و مدفنش را در مقبره معروف آل محیی الدین در صحن شریف علوی ذکر کرده است.

ایضا شرح حال صاحب عنوان در« الکرام البرره: ۷۱۸- ۷۱۹» مذکور و نام و نسبش را همانند« ماضی النجف و حاضرها» آورده است. م.

و در این صفحه «الذریعه» و صفحه ۱۰۳۹ هشت نفر شاعر مسکین تخلص دیگر ذکر کرده که با صاحب عنوان نه نفر شوند، و بعضی غیر از آن‌ها را نیز ما خود یافته‌ایم که اینک همه را اینجا بترتیب حروف اوائل کلمات مضاف الیه تخلص‌های آنها می‌نویسیم بدین شرح:

---

(۱) شرح‌حال و نمونه اشعار صاحب عنوان در کتاب «ماضی النجف و حاضرها ۳:

۳۱۲ ببعد» مذکور و نام و نسبش در آنجا چنین است: «الشیخ عبد الحسین بن الشیخ قاسم ابن الشیخ محمد بن الشیخ احمد بن الشیخ علی بن الشیخ حسین محیی الدین»، و وفاتش را در شب جمعه‌ئی از ماه صفر ۱۲۷۱ و مدفنش را در مقبره معروف آل محیی الدین در صحن شریف علوی ذکر کرده است.

ایضا شرح حال صاحب عنوان در «الکرام البرره: ۷۱۸- ۷۱۹» مذکور و نام و نسبش را همانند «ماضی النجف و حاضرها» آورده است. م.

ص: ۱۹۹۱

اول مسکین اصفهانی که در (۱۳۰۳) بیاید. دویم مسکین بخاری. سیم مسکین تتوی از قرن ۱۲ که فرزند ملا عبد الحکیم عطائی و «دیوانی» دارد، و این دو در «الذریعه» است.

چهارم مسکین حبیب آبادی که در (۱۳۵۱) بیاید. پنجم مسکین زنوزی از قرن ۱۳.

ششم مسکین فراهی، و این دو نیز در «الذریعه» است، و دویم بعنوان معین فراهی در ص ۱۰۷۸ نوشته. نهم مسکین هندی که در (۱۳۳۴) بیاید[۵۱].

❊ (۱۲۲۴- تولد قدرت شاعر قمی)❊

بطوری که در «الذریعه ۹: ۸۷۶ ش ۵۸۲۸» و برخی از مواضع دیگر نوشته وی مرحوم آقا سید علی فرزند سید عزیز اللّه بن حسن بن میر ابو الفتح رضوی است که آن سید عزیز اللّه فرزندانی داشته، یکی حاج آقا حسن که در (۱۳۵۲) بیاید، و دیگر آقا سید علی صاحب این عنوان که وی از شعرای عصر خود بوده، و در این سال متولد شده، و پس از مدت چهل و پنج سال قمری عمر، در سنه ۱۳۱۶ هزار و سیصد و شانزده وفات کرده و در رواق آینه صحن قم دفن شد.[۵۲]

---

[۵۱] (۱) مآخذ شرح احوال صاحب ترجمه و برخی از مذکورین فوق و مسکین‌های دیگر در« فرهنگ سخنوران» یاد شده است. م.

[۵۲] (۲) در« فرهنگ سخنوران» نام قدرت قمی را سید باقر و مآخذ شرح حالش را مقاله سید مهدی رضوی در« مجله ارمغان. س ۱۳: ۶۷۷ ببعد و ۷۶۶ ببعد» و« حدیقة الشعراء» دیوان بیکی ذکر کرده است. م.

(۱) مآخذ شرح احوال صاحب ترجمه و برخی از مذکورین فوق و مسکین‌های دیگر در «فرهنگ سخنوران» یاد شده است. م.

(۲) در «فرهنگ سخنوران» نام قدرت قمی را سید باقر و مآخذ شرح حالش را مقاله سید مهدی رضوی در «مجله ارمغان. س ۱۳: ۶۷۷ ببعد و ۷۶۶ ببعد» و «حدیقة الشعراء» دیوان بیکی ذکر کرده است. م.

ص: ۱۹۹۲

❊ (۱۲۲۵- تولد شیخ علی مانع نجفی)❊

وی از علمای أعلام و فضلای ایام بوده که شرح احوالش در کتاب «نقباء البشر: ۱۵۰۸ ش ۲۰۲۴» نوشته و از آن با ملاحظه برخی از مواضع دیگر چنین برآید که وی فرزند شیخ مانع بن شیخ درویش بن حسین بن عبد اللّه بن حسن بن احمد بن عبد علی بن محسن بن محمد ابن شمس محاویلی است.

محاویل قریه‌ئی است که امروز از نواحی لواء حله بر سر جاده عمومی افتاده.

و آل محاویلی خانواده‌ئی هستند در نجف اشرف که بواسطه سکونت بعضی از اجدادشان در آن قریه بدین کلمه مشهور شده‌اند. و بعضی از این خانواده که از اجداد صاحب ترجمه بوده‌اند در زمان خود مکانتی بسزا داشته‌اند، چنانکه شیخ محمد و شیخ حسن فرزندان شیخ عبد علی مذکور، در قرن ۱۱ هجری از اهل علم در نجف و ترجمه ایشان در «الروضة النضرة، در مائه حادیه عشره» تألیف مؤلف بزرگوار «نقباء» ذکر شده.

و پس از آن در حدود یک قرن و نیم ذکر این خانواده پنهان مانده تا در اواسط قرن ۱۳ شیخ درویش مذکور ظهور نموده، در «نقبا» فرموده که من ندانم در این مدت آنها از نجف بیرون رفته و باز بدانجا برگشته‌اند یا اهل علمی در آنها نبوده. و بهرحال، شیخ درویش از اصحاب شیخ راضی نجفی بوده و در سنه ۱۲۴۷ (که طاعون جارف در عراق عرب بدنباله سال ۱۲۴۶ واقع شد بشرحی که در سال مذکور «۱۲۴۶» سمت تحریر یافت) فرزندی برای او متولد شد که ولادت او در اواخر طاعون بود، شیخ راضی وی را شیخ مانع نامید (که یعنی وی مانع طاعون شده) و این شیخ مانع پدر خانواده بزرگی در نجف گردیده که اشهر آنها شیخ علی صاحب این عنوان است[۵۳].

(۱) خاندان محاویلی و شرح حال رجالش در «ماضی النجف و حاضرها ۳: ۲۶۸- ۲۷۳» مذکور است. م.

ص: ۱۹۹۳

[۵۳] (۱) خاندان محاویلی و شرح حال رجالش در« ماضی النجف و حاضرها ۳: ۲۶۸- ۲۷۳» مذکور است. م.

مرحوم شیخ علی از علماء أعلام و مشاهیر رجال فضل بوده که در اینسال متولد شده و در نزد چند نفر از اهل فضل و مدرسین درس خوانده و سپس بمجالس دروس فاضل ایروانی و شیخ محمد حسن مامقانی و فاضل شرابیانی و شیخ محمد طه نجف و آقا سید محمد کاظم یزدی و آخوند خراسانی و آقای شریعت رفته، چنانکه قبلا نیز در کربلا نزد حاجی شیخ زین العابدین مازندرانی درس خوانده و این بزرگوار اخیر وی را بسمت وکالت از خود بشثاثه عین التمر برای هدایت مردمانش که بر عقیده شیخیه میرفتند روانه کرد، و در سنه ۱۳۱۷ برای زیارت حضرت رضا (علیه السلام) با فرزند بزرگ خود شیخ محمد جعفر بایران آمد، پس مردمان ایران اقبالی شایسته بوی نمودند و سلطان عصر مظفر الدینشاه او را گرامی داشت، و چون بمشهد رسید و قبه مطهره را دید قصیده عصمائی بنظم آورد که همان اول و آخر منظوم او بوده.

سپس بآهنگ حج حرکت کرد و از راه قفقاز و دریای أسود و دریای احمر و سویس براه افتاد و در باکو و باطوم و غیره از شهرهای قفقاز مقدمش باحترام و بتجیل متلقی گردید، و در آستانه با سلطان عبد الحمید خان ملاقات نمود و بوی فرمود که شهر نجف مانند حرمین شریفین مقدس است و قرعه را از آب آن برداشت، و سلطان فرمانی برای او صادر کرد و راتبه‌ئی باندازه راتبه قاضی القضاة برایش مقرر داشت، و چون بمکه معظمه رسید مهمان شریف عون گردید و ابن رشید امیر حجاز او را تکریم نمود.

و چون بنجف برگشت استقبالی لایق برایش بعمل آمد، و در ثوره عراقیه بر ضد انگلیس شرکت داشت، و چون آن مردم مستولی بر عراق شدند مانند بسیاری دیگر گریخته و بایران آمد و بسلطان عصر احمد شاه پیوست، و چون امیر فیصل اول پادشاه عراق گردید بنجف برگشت و آنجا بعبادت و تألیف تا آخر عمر مشغول شد.

و او تألیفات چندی دارد: اول کتاب «اثبات قبر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام» که آنرا بنام سلطان عبد الحمید خان تألیف کرده و برای او فرستاد و وی امر به احداث نهر سنیه نمود. دویم کتاب «حیاة النجف». سیم کتاب «العقاید و الشرایع».

شیخ علی در ماه ربیع الاخر سنه ۱۳۴۸ هزار و سیصد و چهل و هشت- مطابق (شهریور- مهر) ماه باستانی- وفات کرد و در محله مشراق نجف در مقبره مخصوصی واقع در شارع

ص: ۱۹۹۴

رسول دفن شد، و پس از چندی فرزندش حاج محمد رضا استخوانهایش را با استخوانهای دیگران از آن خانواده که آنجا دفن بودند درآورده و در بیرون شهر در خانه‌ئی از خود نزدیک شارع هاتف دفن کرد. و چندین نفر برای او مرثیه گفتند، از آن جمله شیخ حسن سبتی گفته:

أیا تالیا حزنا سطوری بها اعتبر — بمن فارق الدنیا وشط مزاره

فطوبی لمن قد کان یعمل صالحا — لینجو و فی الاخری یقال عثاره

فیا سعد زر مثوی علی مسلما | و أرخ: ففی الفردوس صار قراره

و صورت حساب این تاریخ چنین است: ففی الفردوس صار قراره.

۱۳۴۸

و سه فرزند از وی بازماند: اول شیخ محمد جعفر که بزرگتر و نوشتیم در سفر ایران همراه او بوده و سلطان عبد الحمید خان لقب مدرس بوی داده که در مدرسه سلیمیه نزدیک خانه پدرش درس می‌گفت و هم در مسجدی که آنجا بود امامت می‌نمود و در سنه ۱۳۶۱ وفات کرد و نزد پدرش دفن شد، و نیز شیخ حسن سبتی در مرثیه او گفته:

فقیه آل مانع | فقدانه هز النجف

جعفر من بعلمه | قد حاز فضلا و شرف

حتی جری جاری القضا | و طائر الموت هتف

خار لقاء ربه | خیر جوار و کنف

و فی جنان خلده | أرخته: نال غرف

۱۳۶۱

دویم شیخ مهدی که از اهل فضل و ادب بوده و در سفر دویم پدرش بتهران همراهی نموده، و در سنه ۱۳۵۷ وفات کرده و نزد پدرش دفن شده.

سیم که کوچکتر بوده حاج محمد رضا که مؤلف «نقبا» فرماید: در سلک معلمین مدارس جدیده درآمده و مرا با وی پیوستگی تام بود و چه شبها در مسجد کوفه با یکدیگر بسر بردیم و همی مهمان حضرت حق (جل جلاله تعالی) بوده و التماس پذیرائی و بخشش

ص: ۱۹۹۵

و خشنودی او را می‌نمودیم، تا وی در عصر روز چهارشنبه ۲۹ محرم سنه ۱۳۸۴ وفات کرد و نزد پدر و برادرانش دفن شد، و مجلسی برای چله وی در مسجد شیخ طوسی برگذار گردید، انتهی.

❊ (وفات قاسم بیک شاعر آذربایگانی)❊

شرح احوال او در (۱۲۰۵ ج ۱ ش ۱۰۷ ص ۲۰۸) گذشت.

❊ (۱۲۲۶- وفات مرحوم سید محمد خطی، ره)❊

وی فرزند مرحوم سید معصوم بن سید مال اللّه موسوی قطیفی حایری است، چنان‌که در «الذریعه ۴ ش ۳۴» فرموده، و در (شماره ۷۸۱) و (ج ۹: ۹۸۸ ش ۶۴۶۷) فرزند مال اللّه ابن معصوم نوشته.

و بهرحال، او از اهل علم و ادب بوده و شعر هم می‌گفته و در خدمت مرحوم سید عبد اللّه شبر که در (۱۲۴۲ ج ۴ ش ۶۱۳ ص ۱۱۶۴) گذشت درس خواند و تألیفاتی دارد، از آن جمله: اول «دیوان اشعار» که دارای قصائدی است مرتب بترتیب حروف، و بعضی از اصحابش مقدمه‌ئی بر آن نوشته، و در آن است تلمیح «رائیه سید رضی (ره)» و تخمیس «قصیده نونیه» ابو الولید احمد بن عبد اللّه بن احمد بن غالب بن زیدون مخزومی اندلسی متوفی در سنه ۴۶۳ و برگردانیدن آن بمصیبت حضرت سید الشهدا (ع) که اول آن چنین است:

ذکر الطفوف شجی الارزاء ینسینا — و عن تغنی الغوانی الغید یغنینا

و رب معلمة بالحال یاسینا — أضحی التنافی بدیلا عن تدانینا

و آن عن طیب لقیانا تجافینا

ص: ۱۹۹۶

و همچنین تشطیر «مقصوره ابن درید»، و همه آنها در مرثیه حضرت سید الشهدا (علیه السلام) است، و نیز در آن قصیده‌ئی طولانی در مرثیه آن حضرت است که متضمن اسماء جمیع سور مبارکه قرآنی است، و نیز در آن مرثیه‌هائی است برای چندین نفر از علما که آخر آنها مرثیه شیخ محسن خنفر است که در همین سال (ش ۱۲۱۶ ص ۱۹۸۵) گذشت، و چون آنجا نوشتیم که وی در ۲۹ ذی القعده این سال وفات کرده پس سید محمد بعد از این تاریخ فوت شده، چنان‌که وفات هر دو را نیز در بعضی مواضع در (۱۲۷۰) نوشته‌اند.

و بهرحال، از تألیفات صاحب عنوان: دویم «رساله‌ئی در ترجمه استادش سید شبر» مرقوم (ره).

و او این سال در کربلا وفات کرده[۵۴].

---

[۵۴] (۱) برای اطلاع بیشتر درباره سید محمد بن معصوم رجوع فرمائید به« انوار البدرین:

❊ (۱۲۲۷- وفات آقا محمد ابراهیم ذوق، شاعر دهلوی)❊

وی از شعراء اردو زبان در مملکت هند بوده و در اینسال چنانکه در «رساله احوال سید عبد الحی حسنی (۱۲۸۶) در ص ع» نوشته وفات نموده.

---

(۱) برای اطلاع بیشتر درباره سید محمد بن معصوم رجوع فرمائید به «انوار البدرین:

۳۴۷»، و نیز به «اعیان الشیعه ۴۶: ۲۱۱» ذیل عنوان محمد بن مال اللّه بن معصوم، و لکن أعیان وفاتش را در ۱۲۶۹ قید کرده و سپس شرحی از کتاب «الطلیعه» تألیف علامه سماوی با مقداری از اشعارش آورده است. م.

ص: ۱۹۹۷

❊ (۱۲۲۸- تولد سید محمد حسین بلبل کوچک خراسانی)❊

وی فرزند سید اسمعیل و خود از اهل علم و ادب بوده و شعر هم می‌گفته، و همانا در اینسال- چنانکه در «الذریعه ۹: ش ۸۸۴» فرموده- در کربلا متولد شده و از آنجا مهاجرت بدکن حیدر آباد و سپس بکلکته نموده و تا ۱۲۹۵ زنده بوده، انتهی.

❊ (۱۲۲۹- وفات شمیم شاعر شیرازی)❊

وی مرحوم حاجی محمد علی معروف بحکاک است که دارای فضائل و فواضل بوده و از علما محسوب می‌شده، و موقعی که بسفر مشهد رفته خدمت مرحوم حاج ملا هادی سبزواری (ره) مشرف و او چون پایه فضیلتش را دیده عمامه بر سرش نهاده، و در این سال وفات کرده.

و فرزندش میرزا علی محمد صاحب طبع بوده و از طرف مرحوم فرصت شیرازی نسیم تخلص یافته، چنان‌که این همه را در «آثار عجم» نوشته[۵۵] و این اشعار را از شمیم صاحب عنوان آورده:

با لب می‌گون او من می‌پرستی می‌کنم — با نگاه مست او بی‌باده مستی می‌کنم

تندرستی را همه عالم بجان جویند و من — پیش درد او وداع تندرستی می‌کنم

گفتمش هستم غلام و شرمسار از گفته‌ام — با وجودش ای عجب اظهار هستی می‌کنم

۳۴۷»، و نیز به« اعیان الشیعه ۴۶: ۲۱۱» ذیل عنوان محمد بن مال اللّه بن معصوم، و لکن أعیان وفاتش را در ۱۲۶۹ قید کرده و سپس شرحی از کتاب« الطلیعه» تألیف علامه سماوی با مقداری از اشعارش آورده است. م.

[۵۵] (۱) مؤلف« دانشمندان و سخن‌سرایان فارس ۳: ۳۱۹ و ۴: ۶۶۲» در عنوان این پدر و پسر اطلاعی زاید بر مطالب فرصت بدست نداده است. م.

(۱) مؤلف «دانشمندان و سخن‌سرایان فارس ۳: ۳۱۹ و ۴: ۶۶۲» در عنوان این پدر و پسر اطلاعی زاید بر مطالب فرصت بدست نداده است. م.

ص: ۱۹۹۸

و نیز این دو شعر را از نسیم نوشته:

دلم از کوچه عشق تو بدر می نرود — عمرها رفته و این راه بسر می نرود

خود گرفتم نظر از روی تو برتابم من — چه کنم روی تو از پیش نظر می نرود

❊ (۱۲۳۰- تولد شیخ محمد علی دزفولی اصفهانی)❊

وی فرزند نصر اللّه بن ابو الحسن بن حاج لطفعلی بن حاجی فتح اللّه بن میر کلبعلی منگره‌ئی، و خود از علماء عصر در اصفهان بود و در علوم غریبه و منطق تبحری تمام داشت و همواره بگوشه‌گیری و ریاضت بسر می‌برد و نام خانوادگی خود را «مدرس فتحی» بنسبت جد مذکور خود قرار داده بود. و او در اینسال در دزفول متولد شده و چندین سال در اصفهان سکونت داشت، و کتب چندی تألیف کرده:

اول کتاب «نور الانوار» در منطق، انجام تألیف آن شب ۳ شنبه ۲۵ ماه رمضان سنه ۱۲۹۵. دویم کتاب «کشاف الغایه» در حاشیه بر «تهذیب منطق» محقق تفتازانی که در آخر «نور الانوار» آنرا ذکر کرده. و در شب جمعه (عرفه) نهم ماه ذی الحجة الحرام سنه ۱۳۵۸ هزار و سیصد و پنجاه و هشت- مطابق ۲۸ بهمنماه باستانی- هم در اصفهان وفات کرد، و آقای میر سید حسن مدرس در مرثیه و ماده تاریخ او گوید:

رفت یکی عالمی ز دست ما مردمان — که بدیگانه بدهر فرید عصر و زمان

عالم و هم با عمل زاهد و گوشه‌نشین — محتجب از مردمان قدرش بر ما نهان

صرف نمودی بسی عمر بفقه و اصول — جامع حکمت ولی حکمت ایمانیان

چندی از عمر خویش صرف ریاضت نمود — ذکر الهیش بود دایم ورد زبان

الحق مانند او چرخ نزاد است و نیست | مثل وی از هر جهت بهیچ شهری عیان

نام گرامیش بود شیخ محمد علی | مدرس فتحیش لقب بدی بی‌گمان

سن شریفش نود دو سال کمتر بدی | مولد دزفول و لیک اصفاهانش مکان

ص: ۱۹۹۹

ورا بدی سه پسر یگانه و بی‌نظیر | صالح و هم متقی فاضل نیکو روان

اول نامش حسن بخلق و خلق و سلوک | دوم محمد که هست مایه رشگ جهان

سوم جواد آنکه هست جوان با فر و هوش | حفظ کند هر سه را خدای کون و مکان

ز بهر تاریخ او کرد مدرس سؤال | ز پیشگاه خرد گفت ز روی بیان

اضافه کن چارده بسال شمسی و گو: | شدی محمد علی بسوی جنت روان

۱۳۱۸ ۱۴+ ۱۳۰۴

و کتاب «نور الانوار» وی در سنه ۱۳۶۸ در طهران چاپ شده و در ورق جلو آن تاریخ تولد و وفاتش بطوری‌که ذکر شد (غیر از تطبیق با هفته و شمسی) و در ورق آخر، اشعار مذکور نوشته که از آنها هم که گوینده‌اش را ندانستم[۵۶] چنانکه دیدی فی الجمله احوال او بدست می‌آید. و مدرک تمام آنچه ما در اول عنوان تاکنون نوشتیم همان کتاب و مقدم و مؤخر آن می‌باشد. و در کتاب «مؤلفین کتب چاپی ۴: ۴۳۲» نیز شرح احوال وی را بعنوان شیخ محمد علی دزفولی تذکره کرده[۵۷].

---

[۵۶] (۱) سراینده اشعار جناب سید العلما آقا میر سید حسن مدرس(فرزند مرحوم آقا میر سید محمد که شرح احوالش در ۱۲۹۰ بیاید فرزند آقا میر سید علی ج ۴ ش ۸۱۷ ص ۱۴۳۲) از دانشمندان و مروجین معاصر در اصفهان و خود چنانکه در حین طبع این اوراق(ماه شعبان المعظم ۹۷) شفاها اظهار داشتند سالها با صاحب ترجمه همسایه و کاملا معاشر بوده و هم کتاب« شرایع الاسلام» و« شرح تجرید الکلام» را در نزد او درس خوانده، و تفصیلی از فضائل علمی و اخلاقی آن مرحوم بیان داشتند. م.

[۵۷] (۲) چند سطری نیز راجع بصاحب ترجمه در« دانشمندان و بزرگان اصفهان: ۳۶۴» مذکور و در ملحقات« تذکرة القبور: ۲۲۳» بتقریبی چنین آمده است:« شیخ محمد علی دزفولی از اجلاء علماء اصفهان و عمرش قریب نود سال بود، در ادبیات عرب از نوادر بشمار میرفت، از مدرسین سطح اصفهان و در مدرسه جده

(۱) سراینده اشعار جناب سید العلما آقا میر سید حسن مدرس (فرزند مرحوم آقا میر سید محمد که شرح احوالش در ۱۲۹۰ بیاید فرزند آقا میر سید علی ج ۴ ش ۸۱۷ ص ۱۴۳۲) از دانشمندان و مروجین معاصر در اصفهان و خود چنانکه در حین طبع این اوراق (ماه شعبان المعظم ۹۷) شفاها اظهار داشتند سالها با صاحب ترجمه همسایه و کاملا معاشر بوده و هم کتاب «شرایع الاسلام» و «شرح تجرید الکلام» را در نزد او درس خوانده، و تفصیلی از فضائل علمی و اخلاقی آن مرحوم بیان داشتند. م.

(۲) چند سطری نیز راجع بصاحب ترجمه در «دانشمندان و بزرگان اصفهان: ۳۶۴» مذکور و در ملحقات «تذکرة القبور: ۲۲۳» بتقریبی چنین آمده است: «شیخ محمد علی دزفولی از اجلاء علماء اصفهان و عمرش قریب نود سال بود، در ادبیات عرب از نوادر بشمار میرفت، از مدرسین سطح اصفهان و در مدرسه جده تدریس میفرمود، در سال ۱۳۵۶ وفات یافته در تکیه سید العراقین مدفون گردید» انتهی. لکن ۱۳۵۶ خطا و صواب آن ۱۳۵۸ است و نیز محل تدریس آن مرحوم سالهای متمادی در مدرسه معروف به جده کوچک بوده. م.

ص: ۲۰۰۰

❊ (۱۲۳۱- وفات غازی شاعر مازندرانی)❊

وی محمد قاسم خان بن میرزا حسن و همشیره زاده محمد مهدی خان شحنه است که در (۱۲۴۷ ج ۴ ش ۷۱۳ ص ۱۳۱۶) گذشت. و خود از شعراء بزرگ بلکه از فقرا و اهل عرفان بوده و در بدایت حال چاکر تخلص می‌نموده و سپس غازی را اختیار فرموده.

و بالاخره در این سال در مازندران وفات کرده. و در «الذریعه ۹: ۲۱۴» چندین نفر شاعر چاکر تخلص را ذکر کرده[۵۸].

❊ (۱۲۳۲- تولد مرحوم فرصت شاعر شیرازی، قدس سره)❊

وی مرحوم میرزا محمد نصیر فرزند میرزا جعفر بهجت شیرازی است که در (۱۲۲۱ ج ۳ ش ۲۹۷ ص ۷۲۱) گذشت.

مرحوم فرصت «قدس اللّه سره» از اجله و اعاظم فضلا و اهل علم و ادب بوده و در این مآت اخیره مانند وی کمتر کسی بهم رسیده، چنان‌که در علوم ادبیه و سرودن اشعار و خط خوش و نقاشی و حکمت و خیلی از علوم و فضائل دیگر بدرجه بلند ارتقا یافته. و این فاضل فرزانه در این سال از دختر رجبعلی خان مذهب متخلص به تسلی در شیراز متولد شده، و در خدمت

تدریس میفرمود، در سال ۱۳۵۶ وفات یافته در تکیه سید العراقین مدفون گردید» انتهی. لکن ۱۳۵۶ خطا و صواب آن ۱۳۵۸ است و نیز محل تدریس آن مرحوم سالهای متمادی در مدرسه معروف به جده کوچک بوده. م.

[۵۸] (۱) مأخذ این شرح حال« مجمع الفصحا» بوده، و در« فرهنگ سخنوران» ده نفر بتخلص چاکر و سه نفر چاکری و هشت تن غازی یاد شده‌اند، و از جمله مآخذ ترجمه صاحب عنوان در آنجا« مدایح معتمدی» بهار اصفهانی و« مدایح معتمدی» فنا و« ریحانة الادب» را ذکر کرده است. م.

(۱) مأخذ این شرح حال «مجمع الفصحا» بوده، و در «فرهنگ سخنوران» ده نفر بتخلص چاکر و سه نفر چاکری و هشت تن غازی یاد شده‌اند، و از جمله مآخذ ترجمه صاحب عنوان در آنجا «مدایح معتمدی» بهار اصفهانی و «مدایح معتمدی» فنا و «ریحانة الادب» را ذکر کرده است. م.

ص: ۲۰۰۱

چندین نفر از بزرگان علما و حکما و اهل ادب و عرفان و فضل و کمال علوم عقلیه و نقلیه و فنون ادب و ریاضیه را درس خواند، و در سنه ۱۲۸۲ که بنای شعر گفتن نهاد از طرف استاد بزرگوارش شیخ مفید داور شیرازی متخلص به فرصت گردید و بدین کلمه مشهور و همچنین به میرزا آقا معروف شد.

و در سنه ۱۳۲۳ بتهران رفت و از طرف مرحوم مظفر الدین شاه لقب فرصة الدوله یافت، و کتب چندی در فنون متفرقه تألیف کرد، از آن جمله کتاب «آثار عجم» در نقشه آثار سلاطین باستان ایران و بسیاری از فنون و فوائد دیگر که از نفائس تألیف می‌باشد. انجام تألیف آن ذی الحجه سنه ۱۳۱۳.

و آخر در حدود اذان صبح شب شنبه دهم ماه صفر المظفر ۱۳۳۹ هزار و سیصد و سی و نه- مطابق ۳۱ میزان ماه برجی- در شیراز وفات کرد و در تکیه حافظیه در پائین پای او بنیم گز فاصله دفن شد و سنگی که خط خوش خود وی بر آن است در روی آن نصب است. و این حکیم فاضل و عارف کامل در مدت عمر زن نگرفت و مجردانه این دنیای دون را ترک گفت[۵۹].

و خواهر مجلله او زوجه شاگردش مرحوم قدسی شیرازی است که در (۱۳۶۱) بیاید.

(۱) شرح حال مبسوطی از مرحوم فرصت با نمونه اشعارش در «دانشمندان و سخن سرایان فارس ۴: ۹۴- ۱۲۵» و کتاب «شیراز در گذشته و حال: ۳۹۳- ۳۹۹» و مآخذ ترجمه‌اش نیز در «فرهنگ سخنوران» مذکور است، و در «روزنامه کیهان شماره‌های ۹۸۶۳ و ۹۸۶۴ یکشنبه و دوشنبه ۱۶ و ۱۷ ج ۱/ ۱۳۹۶» دو گزارش مبسوط پیرامون کتاب «دریای کبیر» بزرگترین اثر فرصت و گوشه‌هائی از احوال و آثار او چاپ شده است. م.

ص: ۲۰۰۲

❊ (۱۲۳۳- تولد نعمت ۳۸ شاعر فسائی، ره)❊

[۵۹] (۱) شرح حال مبسوطی از مرحوم فرصت با نمونه اشعارش در« دانشمندان و سخن سرایان فارس ۴: ۹۴- ۱۲۵» و کتاب« شیراز در گذشته و حال: ۳۹۳- ۳۹۹» و مآخذ ترجمه‌اش نیز در« فرهنگ سخنوران» مذکور است، و در« روزنامه کیهان شماره‌های ۹۸۶۳ و ۹۸۶۴ یکشنبه و دوشنبه ۱۶ و ۱۷ ج ۱/ ۱۳۹۶» دو گزارش مبسوط پیرامون کتاب« دریای کبیر» بزرگترین اثر فرصت و گوشه‌هائی از احوال و آثار او چاپ شده است. م.

وی مرحوم میرزا محمود ۳۸ خان بن میرزا زین العابدین ۳۷ فسائی است که در (۱۲۲۰ ج ۳ ش ۲۸۱ ص ۶۹۳) گذشت.

مرحوم نعمت از شعراء نامی و عرفا و رجال فاضل این عصر بود که در این سال متولد شده و کتب چندی تألیف نموده، از آن جمله کتاب «بدیع التواریخ» در ماده تاریخ‌هائی که برای متقدمین و متأخرین بنظم آورده، و در اشعار تخلص نعمت می‌نمود، و در عصر روز یک‌شنبه چهارم ماه محرم الحرام سنه ۱۳۴۴ هزار و سیصد و چهل و چهار- مطابق ۴ مردادماه باستانی- وفات کرد[۶۰].

❊ (۱۲۳۴- وفات مرحوم آقا محمود بهبهانی، ره)❊

وی فرزند مرحوم آقا محمد علی بهبهانی است که در (۱۲۱۶ ش ۲۲۶) گذشت.

مرحوم آقا محمود[۶۱] از اعاظم علما و فقهاء سلسله بهبهانیه بوده و از قراری که در

---

(۱) مآخذ ترجمه نعمت در «فرهنگ سخنوران» چنین مذکور است: «آثار عجم»، «فارسنامه ناصری»، «شکرستان پارس» شعاع الملک شیرازی و «نامه فرهنگیان» عبرت نائینی. م.

(۲) در «فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه ۱۱: ۲۰۹۳» تولد او را در ۱۲۱۹ نوشته، و در «فهرست کتب کتابخانه مدرسه سپهسالار ۱: ۵۴۴» تألیف ابن یوسف تولدش را در سنه ۱۲۰۰ نوشته و چندین کتاب از تألیفات او ذکر کرده. باید برای تکمیل بدان‌جا مراجعه شود.

«یادداشت مؤلف».

ص: ۲۰۰۳

«مجمع الفصحا» نوشته برخلاف سیره پدر بزرگوار بصحبت اهل حال مایل و خود عارفی کامل بوده و شعر هم می‌گفته و تخلص بنام خود محمود می‌نموده. و در «المآثر» در عنوان خود او همچون «مجمع» وی را از عرفا نوشته و در عنوان حاجی میرزا محمد حسین شهرستانی گوید کتاب «تنبیه الغافلین» را در رد صوفیه تألیف کرده. و در «طرائق» مرقومات «مجمع

---

[۶۰] (۱) مآخذ ترجمه نعمت در« فرهنگ سخنوران» چنین مذکور است:« آثار عجم»،« فارسنامه ناصری»،« شکرستان پارس» شعاع الملک شیرازی و« نامه فرهنگیان» عبرت نائینی. م.

[۶۱] (۲) در« فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه ۱۱: ۲۰۹۳» تولد او را در ۱۲۱۹ نوشته، و در« فهرست کتب کتابخانه مدرسه سپهسالار ۱: ۵۴۴» تألیف ابن یوسف تولدش را در سنه ۱۲۰۰ نوشته و چندین کتاب از تألیفات او ذکر کرده. باید برای تکمیل بدان‌جا مراجعه شود.

« یادداشت مؤلف».

الفصحا» و «المآثر» را درباره او نقل کرده و در «الذریعه» هم گوید وی کتاب «تنبیه الغافلین و ایقاظ الراقدین» را در رد صوفیه تألیف کرده و در شعبان سنه ۱۲۲۸ از آن فارغ شده[۶۲].

و بهرحال، وی در این سال در قریه دز آشوب شمیران وفات کرده چنان که در «المآثر» در عنوان خود او آورده، و در عنوان حاجی میرزا محمد حسین شهرستانی در سنه ۱۲۶۹ نوشته.

و بالاخره وی در کربلا نزد جدش آقا محمد باقر بهبهانی دفن شد. و پس از وی چندین فرزند از او بازماند: اول حاجی آقا محمد که پس از پدر در مسجد حکیم تهران امامت داشته و فرزندش بحر العلوم داماد حاجی ملا علی کنی بوده. دویم حاجی محمد مهدی که در مسجد قنبر علیخان در تهران امامت داشته و مردی عارف و از مریدان حاجی استاد غلامرضا شیشه‌گر بوده و در سنه ۱۳۱۴ وفات نموده و فرزندانی از او بازماند. سیم آقا هادی و فرزند او حاجی آقا احمد است که در (۱۲۹۱) بیاید.

❊ (۱۲۳۵- تولد مهدی خان علیم الدوله تهرانی)❊

وی فرزند محمود خان ملک الشعراء است که در (۱۳۱۱) بیاید.

علیم الدوله از فضلاء عصر خود بود و در این سال متولد شده و کسب فضائل و کمالات نموده تا در نقاشی و خط و سایر صنایع یدی تالی پدر با هنر گردید، و آخر در سه‌شنبه ششم ماه جمادی الاخری سنه ۱۳۳۶ هزار و سیصد و سی و شش- مطابق ۲۸ حوت ماه برجی- وفات کرد.

---

(۱) پس این تاریخ با تولدش در ۱۲۰۰ سازگار است نه با ۱۲۱۹. م.

ص: ۲۰۰۴

❊ (۱۲۳۶- وفات هلاکو شاعر قاجار)❊

وی هلاکو میرزا فرزند حسنعلی میرزا شجاع السلطنه است که در (۱۲۰۴ ش ۹۰) گذشت، و مادرش دختر مرتضی قلیخان بن محمد حسنخان عم فتحعلی شاه بوده، و خود هلاکو میرزا طبع شعری خوش و خطی دلکش داشته بلکه در بسیاری از کمالات دارای مقاماتی بوده و در اشعار بنام خود (هلاکو) تخلص می‌کرده، و در این سال در نجف رو بعالم آخرت آورده[۶۳]، و در رساله «شرح‌حال طبیب شاعر اصفهانی» تألیف کیوان سمیعی (که در آخر «دیوان طبیب» چاپ شده) ص ۶۹ نام وی را

---

[۶۲] (۱) پس این تاریخ با تولدش در ۱۲۰۰ سازگار است نه با ۱۲۱۹. م.

[۶۳] (۱) مأخذ این شرح حال« مجمع الفصحا» است و در« فرهنگ سخنوران» نیز جز این مأخذی ذکر نکرده و از خراب نیز در آنجا خبری نیست. م.

احمد میرزا مشهور بهلاکو و متخلص به خراب نوشته و نقلی از تذکره «مصطبه خراب» او در احوال حاج میرزا رحیم فخر الدوله نموده.

سنه ۱۲۷۲ قمری مطابق سنه ۱۲۳۴ شمسی آدینه غره محرم الحرام (...) سنبله ماه برجی

❊ (۱۲۳۷- وفات مرحوم حاج ملا محمود نظام العلماء تبریزی، ره)❊

وی- بطوری‌که در «الکرام البرره ۱: ۴۸ ش ۱۰۳» در ضمن ترجمه سید ابو القاسم

---

(۱) مأخذ این شرح حال «مجمع الفصحا» است و در «فرهنگ سخنوران» نیز جز این مأخذی ذکر نکرده و از خراب نیز در آنجا خبری نیست. م.

ص: ۲۰۰۵

مازندرانی نوشته- فرزند محمد تبریزی، و خود از علماء بزرگ آذربایگان و معلم ناصر الدین شاه در زمان ولیعهدی وی بوده، و شعر هم می‌سروده، و کتب چندی تألیف فرموده: اول «کتابی در اخلاق» که آنرا در سنه ۱۲۵۵ بأمر محمد شاه در قصبه طیبه حضرت شاه عبد العظیم (علیه السلام) تألیف نموده و سید ابو القاسم مذکور از او خواهش کرده که دلیلی عقلی بر شعور جمیع موجودات بدان ملحق نما، و وی چنین کرده، و در شب آدینه ۱۱ ذی القعده سنه ۱۲۵۵ از تألیف آن فارغ شده. دویم کتاب «الشهاب الثاقب» در رد نواصب، انجام تألیف آن شب ۵ شنبه ۱۲ ج ۱ سنه ۱۲۶۸.

و در موقعی که در تبریز مجلسی تشکیل شد برای مکالمه با میرزا علی محمد باب و چند نفر از علما در آن بودند یکی هم صاحب عنوان بوده.

و او بنص «فهرست کتابخانه رضویه ۵: ۲۸۵ در پاورقی» در یکشنبه هفدهم ماه محرم الحرام این سال- مطابق (...) میزان ماه برجی- وفات نموده، چنان‌که هم در جلد قاجاریه «ناسخ» و جلد دویم «مرآت البلدان» و جلد سیم «منتظم ناصری» بدون ماه و روز نیز در این سال نوشته‌اند، لکن در متن «فهرست» مذکور در سنه ۱۲۷۰ و در «دانشمندان آذربایجان» و جلد اول «الذریعه» در حدود (۱۲۷۰) نوشته‌اند.

و پس از وی در همان سال نصر اللّه خان قاجار دائی ناصر الدین شاه نظام العلما شد.

و پس از وی- چنانکه مفهوم از «المآثر: ۲۶» است میرزا محمد خان، و بعد از او ظاهرا میرزا رفیع تبریزی (۱۳۲۶) نظام العلما شده باشد[۶۴].

---

[۶۴] (۱) این شرح‌حال طبق نظر مرحوم مؤلف تلفیقی است از آنچه خود در این سال و هم در سال ۱۲۷۰ مکررا نوشته بود. انشاء اللّه خطائی در آن نرفته است. م.

(۱) این شرح‌حال طبق نظر مرحوم مؤلف تلفیقی است از آنچه خود در این سال و هم در سال ۱۲۷۰ مکررا نوشته بود. انشاء اللّه خطائی در آن نرفته است. م.

ص: ۲۰۰۶

❊ (وفات میرزا ابو القاسم امام جمعه تهرانی)❊

۱۵ ع ۱. شرح احوال او در (ج ۲ سال ۱۲۱۵ ش ۲۱۴) گذشت.

❊ (۱۲۳۸- وفات حاجی شیخ ابو تراب امام جمعه شیرازی)❊

وی فرزند مرحوم شیخ محمد مفید زاهد شیرازی است که در (۱۲۲۹ ج ۳ ش ۴۰۹ ص ۸۷۶) گذشت، و خود از علما و امام جمعه شیراز بوده و آنجا ریاستی معتد بها داشته و در سه‌شنبه غره ماه ربیع الاخر این سال- چنان که در جلد قاجاریه «ناسخ» نوشته- در شیراز وفات کرده و در قبرستان دار السلام دفن شد، و سه نفر پسر از او بازماند:

اول: حاجی شیخ یحیی که از علما بوده و در سنه ۱۲۴۷ متولد و پس از پدر امام جمعه شیراز شد و شش نفر پسر از او در «فارسنامه» نوشته: ۱- شیخ احمد تولدش سنه ۱۲۶۵.

۲- شیخ محمد. ۳- شیخ عبد اللطیف. ۴- شیخ ابو تراب مشهور بشیخ آقا، تولد این دو نفر سنه ۱۲۷۷. ۵- شیخ بهاء الدین که در (۱۲۸۸) بیاید. ۶- شیخ علی تولدش سنه ۱۲۸۹.

دویم: حاجی شیخ مجد الدین که مردی عالم و عابد بوده.

سیم: حاجی شیخ عبد النبی که در (۱۲۶۶ ج ۵ ش ۱۱۱۳ ص ۱۸۴۴) گذشت.

ص: ۲۰۰۷

❊ (۱۲۳۹- وفات فریدون میرزای فرخ قاجار)❊

وی فرزند مرحوم نایب السلطنه عباس میرزا است که در (۱۲۰۳ ج ۱ ش ۸۲ ص ۱۴۶) گذشت.

مرحوم فریدون میرزا از شاهزادگان بزرگ قاجاریه و شعراء این خانواده است و در شعر تخلص فرخ می‌نموده و لقب فرمانفرما داشته و چندی حاکم مشهد مقدس بوده. و هم در آن شهر در روز چهارشنبه شانزدهم ماه ربیع الاخر این سال- مطابق (...) جدی ماه برجی- وفات نموده و در دار الحفاظ مبارک در ایوان میانی شرقی دفن شد، و وفات وی را در روز و

ماه و سال مرقوم در جلد قاجاریه «ناسخ» و «منتخب التواریخ» نوشته‌اند، و هم‌چنین «منتظم» بدون ماه و روز، و در «مجمع الفصحا» بدون روز و ماه در سنه ۱۲۷۱ ذکر کرده.

❊ (۱۲۴۰- تولد مرحوم سید ابو القاسم ۴۸ دهکردی، ره)❊

وی[۶۵] فرزند مرحوم سید محمد باقر ۴۷ بن سید ابراهیم ۴۶ بن میر محمد هادی ۴۵ بن میر شمس الدین ۴۴ بن سید حسین ۴۳ بن سید محمد ۴۲ بن میرزا علی ۴۱ بن سید دراج ۴۰ بن اسمعیل ۳۹ بن سید شجاع ۳۸ بن سید جعفر ۳۷ بن سید احمد ۳۶ بن شمس الدین ۳۵ بن محمد ۳۴ بن سید شمس الدین ۳۳ بن الغانم ۳۲ بن سید اکبر ۳۱ بن سید ابو الوفا ۳۰ بن سید موسی ۲۹ بن سید جلال ۲۸ بن سید احمد ۲۷ بن سید جلال ۲۶ بن سید مقصود ۲۵ بن سید میرکی ۲۴ بن سید موسی ۲۳ بن سید عباس ۲۲ بن سید احمد ۲۱ بن سید سلیمان ۲۰ بن سید شمس الدین ۱۹ بن سید احمد ۱۸ بن سید فضاله ۱۷ بن سید مقداد ۱۶ ابن سید محمد ۱۵ بن سید عباد ۱۴ بن سید ابو الوفا ۱۳ بن سید شمس الدین ۱۲ بن محمد ۱۱

---

(۱) رجوع شود به «تاریخ چهارمحال: ۱۶۱». یادداشت مؤلف.

۱۱ بن سید حسین ۱۰ بن سید عباس ۹ بن سید علی ۸ بن سید محمد ۷ بن سید محمد ۶ بن تاج العارفین ابو الحسن سید محمد ۵ پرهیزکار ابن عبد اللّه ۴ بن الامام زین العابدین ۳ علیه السلام است.

حضرت امام زین العابدین ۳ (ع) در فصل دویم مقدمه گذشت.

فرزندش حضرت امامزاده عبد اللّه ۴ (ع) از بطن فاطمه دختر حضرت امام حسن (ع) متولد شده یعنی با حضرت باقر (ع) از یک مادر و خود ملقب به باهر بوده برای این که هرجا می‌نشته نور جمالش حاضران را مبهور می‌نموده، و او متولی صدقات حضرت امیر (ع) و در پنجاه و هفت سالگی وفات کرده و عقب او قلیل است، چنان‌که این همه را در «عمدة الطالب» گفته، و هم آن‌جا نوشته که عقب او فقط از ابو عبد اللّه محمد ۵ الارقط (که چون آبله‌رو بود او را ارقط گفتند) بجای ماند، لکن ظاهرا این سید محمد پرهیزکار غیر از ارقط باشد و پرهیزکار فرزند با واسطه عبد اللّه الباهر بوده[۶۶].

و بهرحال، مرحوم سید ابو القاسم صاحب عنوان از اعاظم علما و فقهاء اصفهان بود، و تخمینا نیم ساعت پیش از طلوع آفتاب روز شنبه غره ماه رجب الفرد این سال- مطابق (...)

---

[۶۵] (۱) رجوع شود به« تاریخ چهارمحال: ۱۶۱». یادداشت مؤلف.

[۶۶] (۱) در سال(۱۳۹۲) در احوال حاج سید فخر الدین امامت کاشانی فرزندی دیگر بنام اسمعیل ۶ برای محمد ۵ ارقط ذکر میشود. منه(ره).

حوت ماه برجی- از بطن دختر ملا محمد ابراهیم دهکردی- که مانند سید محمد باقر پدر خودش هر دو از علماء دهکرد بودند- در دهکرد متولد شده، و چندین سال در اصفهان و عراق عرب خدمت چند نفر از اجله علما و فقها درس خواند و از برخی اجازت روایت درست کرد، و پس از آن در اصفهان بتدریس و تألیف و امامت و موعظه و ارشاد مشغول شد و چندین نفر از مجلس درس او برخواستند، و کتب چندی تألیف کرد از آن جمله کتاب «منبر الوسیله» در اصول خمسه اعتقادیه در دو جلد[۶۷].

---

(۱) در سال (۱۳۹۲) در احوال حاج سید فخر الدین امامت کاشانی فرزندی دیگر بنام اسمعیل ۶ برای محمد ۵ ارقط ذکر میشود. منه (ره).

(۲) کتاب «منبر الوسیله» که گاه «وسیله» یا «وسیلة المعاد» نیز گفته میشود دو جلد است:

جلد اول در توحید و عدل که در لیله جمعه ۲۵ محرم ۱۳۲۶ از تألیف آن فارغ شده و چندی بعد طی ۴۱۳ صفحه وزیری در اصفهان چاپ سنگی شده است. جلد دویم در نبوت و امامت*

ص: ۲۰۰۹

و پس از مدت هشتاد و یک سال و سه ماه قمری و پنج روز عمر، یک ساعت پیش از غروب روز شنبه ششم ماه شوال المکرم سنه ۱۳۵۳ هزار و سیصد و پنجاه و سه- مطابق ۲۲ دی ماه باستانی- در اصفهان وفات کرد، و روز ۷ در مقبره زینبیه سه ربع فرسنگی در یکی از حجرات طرف مغرب صحن دفن شد. و چندین نفر فرزند پسر و دختر از او بازماند که هیچ یک چندان شهرتی ندارند، از آن جمله آقا حسین ۴۹ که پس از پدر چندین سال در اصفهان در محله در کوشک در مسجد سفره‌چی بجای پدر بامامت جماعت میپرداخت، تا آخر در روز شنبه ۱۷ ذی الحجه ۱۳۷۷- مطابق ۱۴ تیرماه باستانی- در همان اصفهان وفات کرد.

---

[۶۷] (۲) کتاب« منبر الوسیله» که گاه« وسیله» یا« وسیلة المعاد» نیز گفته میشود دو جلد است:

جلد اول در توحید و عدل که در لیله جمعه ۲۵ محرم ۱۳۲۶ از تألیف آن فارغ شده و چندی بعد طی ۴۱۳ صفحه وزیری در اصفهان چاپ سنگی شده است. جلد دویم در نبوت و امامت** و معاد که چاپ نخورده و از نسخه آن اطلاعی نداریم. بخش چاپ شده شامل فوائد متفرقه مفیدی است. دیگر از آثار مطبوعه صاحب عنوان« حاشیه نخبه» است.« نخبه» رساله عملیه مرحوم حاج محمد ابراهیم مجتهد کرباسی(متوفی ۱۲۶۱) است در مسائل عبادات و چون خیلی سهل و ساده نوشته شده بود بسیار مورد توجه عموم واقع و از مرحوم حاج شیخ مرتضی محقق انصاری(متوفی ۱۲۸۱) گرفته تا بیش از نیم قرن برخی از مجتهدین بر آن حاشیه نوشته و آراء خود را اظهار داشتند. در سال آخر حیات چندتن از مراجع تقلید بزرگ اصفهان امثال حجج اسلام آقا میرزا محمد هاشم موسوی چهارسوقی(۱۳۱۸) و میرزا محمد حسن نجفی(۱۳۱۷) صاحب ترجمه که در آنوقت ۴۵ ساله بوده اقدام بتحشیه« نخبه» نمود و متن رساله را با حواشی مرحومین آیتین حاج شیخ مرتضی انصاری و حاج میرزا محمد حسن شیرازی با حاشیه خود بخط« علی بن مرحوم ملا محمد اسمعیل اصفهانی» از کاتبان خوب زمان که بعدا نیز نسخه« منبر الوسیله» یاد شده را برای چاپ استنساخ کرد نویسانده و بطبع رسانید و بلافاصله پس از رحلت آن دو مجتهد بزرگ اصفهان منتشر نمود، اما از قرار مسموع با وجود نشر این رساله و حاشیه« جامع عباسی. ظ» باز هم آن مرحوم چندان مرجعیت تقلیدی نیافت، و اللّه اعلم. م.

مرحوم آقا سید ابو القاسم صاحب عنوان- بنا بر آنچه در کتاب «تحفة الاحباب: ۳۲» نوشته برادری داشته بنام سید محمود ۴۸ که آخوند ملا محمد کاشی می‌فرموده: اگر

---

* و معاد که چاپ نخورده و از نسخه آن اطلاعی نداریم. بخش چاپ شده شامل فوائد متفرقه مفیدی است. دیگر از آثار مطبوعه صاحب عنوان «حاشیه نخبه» است. «نخبه» رساله عملیه مرحوم حاج محمد ابراهیم مجتهد کرباسی (متوفی ۱۲۶۱) است در مسائل عبادات و چون خیلی سهل و ساده نوشته شده بود بسیار مورد توجه عموم واقع و از مرحوم حاج شیخ مرتضی محقق انصاری (متوفی ۱۲۸۱) گرفته تا بیش از نیم قرن برخی از مجتهدین بر آن حاشیه نوشته و آراء خود را اظهار داشتند. در سال آخر حیات چندتن از مراجع تقلید بزرگ اصفهان امثال حجج اسلام آقا میرزا محمد هاشم موسوی چهارسوقی (۱۳۱۸) و میرزا محمد حسن نجفی (۱۳۱۷) صاحب ترجمه که در آنوقت ۴۵ ساله بوده اقدام بتحشیه «نخبه» نمود و متن رساله را با حواشی مرحومین آیتین حاج شیخ مرتضی انصاری و حاج میرزا محمد حسن شیرازی با حاشیه خود بخط «علی بن مرحوم ملا محمد اسمعیل اصفهانی» از کاتبان خوب زمان که بعدا نیز نسخه «منبر الوسیله» یاد شده را برای چاپ استنساخ کرد نویسانده و بطبع رسانید و بلافاصله پس از رحلت آن دو مجتهد بزرگ اصفهان منتشر نمود، اما از قرار مسموع با وجود نشر این رساله و حاشیه «جامع عباسی. ظ» باز هم آن مرحوم چندان مرجعیت تقلیدی نیافت، و اللّه اعلم. م.

ص: ۲۰۱۰

زاهد در اصفهان هست دو نفراند، یکی همین سید محمود را گفته و دیگری سید حسن لبنانی که در صفحه مذکوره «تحفه» ذکر شده[۶۸].

شرحی است که آقای دهکردی بخط خود در هامش رساله «نخبه» نوشته. و این است منهاج صحیح در گواهی اعتبار رساله‌های عملیه تا مقلد با اطمینان‌خاطر بدان استناد نماید. م.

---

(۱) رساله «تحفة الاحباب» تألیف سید سند جلیل القدر صدیق واعظ متعظ فاضل معاصر آقا سید طاها بهشتی چهارسوقی

---

[۶۸] (۱) رساله« تحفة الاحباب» تألیف سید سند جلیل القدر صدیق واعظ متعظ فاضل معاصر آقا سید طاها بهشتی چهارسوقی(سلمه اللّه تعالی و عافاه) صاحب تألیفات متعدد بنظم و نثر است که برخی از آنها بطبع رسیده، و این رساله که در ماه شوال ۱۳۸۵ از تألیف آن فراغت یافته چندی بعد طی ۸۰ صفحه کوچک در اصفهان چاپ شده و مشتمل است بر خلاصه‌ئی از شرح احوال رجال فاضل و نامدار خاندان بهشتی از سادات حسینی اصفهان و در فن خود مغتنم است، جزاه اللّه تعالی خیرا. شرح حال معظم له در سال تولدش(۱۳۲۲) خواهد آمد.

و ناگفته نماند که چون آقای دهکردی صاحب عنوان از اساتید نیای مادری راقم این سطور بوده‌اند لذا شرح حال مبسوطی از آن مرحوم در کتاب« زندگانی آیت اللّه چهارسوقی:

۱۹۱- ۱۹۸» ذکر کرده‌ایم که مراجعه بآن برای تکمیل مطالب متن مفید است. م.

(سلمه اللّه تعالی و عافاه) صاحب تألیفات متعدد بنظم و نثر است که برخی از آنها بطبع رسیده، و این رساله که در ماه شوال ۱۳۸۵ از تألیف آن فراغت یافته چندی بعد طی ۸۰ صفحه کوچک در اصفهان چاپ شده و مشتمل است بر خلاصه‌ئی از شرح احوال رجال فاضل و نامدار خاندان بهشتی از سادات حسینی اصفهان و در فن خود مغتنم است، جزاه اللّه تعالی خیرا. شرح حال معظم له در سال تولدش (۱۳۲۲) خواهد آمد.

و ناگفته نماند که چون آقای دهکردی صاحب عنوان از اساتید نیای مادری راقم این سطور بوده‌اند لذا شرح حال مبسوطی از آن مرحوم در کتاب «زندگانی آیت اللّه چهارسوقی:

۱۹۱- ۱۹۸» ذکر کرده‌ایم که مراجعه بآن برای تکمیل مطالب متن مفید است. م.

ص: ۲۰۱۱

مرحوم آقا سید ابو القاسم دهکردی

ص: ۲۰۱۲

❊ (وفات میر محمد صادق مدرس خواتون آبادی)❊

شب آدینه ۱۴ رجب. شرح احوال او در (۱۲۰۷ ج ۲ ش ۱۲۹) گذشت.

سنه ۱۲۳۵ شمسی

آدینه چهاردهم رجب المرجب اول حمل ماه برجی

❊ (۱۲۴۱- تولد مرحوم حاج میرزا محمد ۳۴ کاظمینی، ره)❊

وی فرزند مرحوم میرزا محمد صادق ۳۳ چهارسوئی (۱۲۲۸ ج ۳ ش ۳۸۷) و خود از علماء عصر بود که در سیزدهم ماه شعبان المعظم این سال[۶۹] چنان‌که در «شجره‌نامه چهارسوئی‌ها» نوشته- مطابق (...) حمل ماه برجی- در اصفهان متولد شده، و در

---

[۶۹] (۱) رجوع شود به« الذریعه ۱۹: ۳۶۲ ش ۱۶۱۷» که آنجا تولد وی را در ۱۳ شعبان ۱۲۷۳ نوشته و کتابی بنام« المجالس العامره» در فضائل و مصائب از تألیفات او آورده.

یادداشت مؤلف(ره). کتاب دیگری که از آن مرحوم در« الذریعه ۱۲: ۲۸۳» ذکر شده بنام« السیر و السلوک فی نصائح الرعایا و الملوک» است بفارسی که آنرا صاحب عنوان خود بمؤلف ذریعه فرموده است، و توضیح کافی در باره تاریخ ولادت دقیق و صحیح آن مرحوم در حاشیه آتیه داده‌ایم، مراجعه فرمایند. م.

(۱) رجوع شود به «الذریعه ۱۹: ۳۶۲ ش ۱۶۱۷» که آنجا تولد وی را در ۱۳ شعبان ۱۲۷۳ نوشته و کتابی بنام «المجالس العامره» در فضائل و مصائب از تألیفات او آورده.

یادداشت مؤلف (ره). کتاب دیگری که از آن مرحوم در «الذریعه ۱۲: ۲۸۳» ذکر شده بنام «السیر و السلوک فی نصائح الرعایا و الملوک» است بفارسی که آنرا صاحب عنوان خود بمؤلف ذریعه فرموده است، و توضیح کافی در باره تاریخ ولادت دقیق و صحیح آن مرحوم در حاشیه آتیه داده‌ایم، مراجعه فرمایند. م.

ص: ۲۰۱۳

«احسن الودیعه ۲: ۳۵» در سنه ۱۲۷۳ فرموده[۷۰].

و بهرحال، او در عتبات تحصیل کرده و در کاظمین سکونت نموده تا هم آنجا در نزدیکی مغرب شب چهارشنبه بیست و دویم ماه محرم الحرام سنه ۱۳۵۵ هزار و سیصد و پنجاه و پنج- مطابق ۲۶ فروردین ماه باستانی- وفات کرد و هم در آن زمین برین در صحن مطهر در حجره چهارم طرف راست آن که از در قبله بیرون رود دفن شد. و فرزندش سید محمد مهدی ۳۵ در (۱۳۱۹) بیاید.

(۱) سنه ۱۲۷۳ در طبع دوم کتاب نیز بهمین صورت با ارقام هندیه چاپ شده. و اما مأخذ این جانب در «شجره‌نامه» و جاهای دیگر همانا ورق یادداشت (مذکور در ص ۱۹۲۵) است که در آن مطالب و تواریخی بخط والد ماجد صاحب عنوان نوشته و اینک در نزد حقیر موجود و تاریخ ولادت آن مرحوم بخط پدر چنین است: «بسم. تاریخ تولد فرزندی محمد الملقب بالجواد و المکنی بأبی المعالی (وفقه اللّه تعالی) یکساعت بغروب یوم شنبه سیزدهم شهر شعبان المعظم مانده بود که خداوند عالم مرحمت فرمود، شمس در برج حمل هشت ساعت مانده بود که به برج ثور داخل شود» تا آنکه گوید: «مورخه ۱۳ شعبان من شهور سنه ۱۲۷۲ سنه ۱۲۷۲» انتهی، و ذکر سنه را خود تکرار فرموده است. و اطلاع زائد بر این مقدار در احوال و آثار صاحب عنوان موکول بتألیفات مطبوع و غیر مطبوع فرزند علامه آن مرحوم آیة اللّه سید محمد مهدی (متوفی ۱۶

[۷۰] (۱) سنه ۱۲۷۳ در طبع دوم کتاب نیز بهمین صورت با ارقام هندیه چاپ شده. و اما مأخذ این جانب در« شجره‌نامه» و جاهای دیگر همانا ورق یادداشت(مذکور در ص ۱۹۲۵) است که در آن مطالب و تواریخی بخط والد ماجد صاحب عنوان نوشته و اینک در نزد حقیر موجود و تاریخ ولادت آن مرحوم بخط پدر چنین است:« بسم. تاریخ تولد فرزندی محمد الملقب بالجواد و المکنی بأبی المعالی(وفقه اللّه تعالی) یکساعت بغروب یوم شنبه سیزدهم شهر شعبان المعظم مانده بود که خداوند عالم مرحمت فرمود، شمس در برج حمل هشت ساعت مانده بود که به برج ثور داخل شود» تا آنکه گوید:« مورخه ۱۳ شعبان من شهور سنه ۱۲۷۲ سنه ۱۲۷۲» انتهی، و ذکر سنه را خود تکرار فرموده است. و اطلاع زائد بر این مقدار در احوال و آثار صاحب عنوان موکول بتألیفات مطبوع و غیر مطبوع فرزند علامه آن مرحوم آیة اللّه سید محمد مهدی(متوفی ۱۶ محرم ۱۳۹۱) و برخی نوشتجات این ضعیف خواهد بود که در آنها شرح احوال رجال خاندان خود را بتفصیل نگاشته، وفقه اللّه تعالی لاکماله بمحمد و آله علیهم السلام و مخفی نماند که مرحوم حاج میر سید محمد تا سی سالگی خود در اصفهان میزیسته و آن هنگام بعتبات عالیات مهاجرت و در روز اربعین ۱۳۰۴ بکربلای معلی وارد شده، بشرحی که در« احسن الودیعه ۲: ۳۵» مذکور است. م.

محرم ۱۳۹۱) و برخی نوشتجات این ضعیف خواهد بود که در آنها شرح احوال رجال خاندان خود را بتفصیل نگاشته، وفقه اللّه تعالی لاکماله بمحمد و آله علیهم السلام و مخفی نماند که مرحوم حاج میر سید محمد تا سی سالگی خود در اصفهان میزیسته و آن هنگام بعتبات عالیات مهاجرت و در روز اربعین ۱۳۰۴ بکربلای معلی وارد شده، بشرحی که در «احسن الودیعه ۲: ۳۵» مذکور است. م.

ص: ۲۰۱۴

مرحوم آقای حاج میرزا سید محمد کاظمینی و خواهرزاده او مرحوم آیة اللّه حاج میرزا سید حسن چهارسوقی (۱۲۹۴) از یک عکس جمعی در سفر اخیر اصفهان بسال ۱۳۴۷ ق.

این دو بزرگوار بیکدیگر بسیار علاقمند بوده و مکاتبات فراوانی «بین کاظمین و اصفهان» از ایشان در دست میباشد. م.

خط حاج میرزا محمد کاظمینی روی یک نامه بعنوان والد راقم این سطور «۱۳۱۹- ۱۳۵۶». م.

ص: ۲۰۱۵

* (۱۲۴۲- تولد مرحوم آقا سید حسن ۳۷ صدر کاظمینی)** (اعلی اللّه مقامه)*

وی مرحوم سید ابو محمد ۳۷ فرزند مرحوم سید محمد هادی ۳۶ کاظمینی است که در (۱۲۳۵ ج ۳ ش ۴۹۴ ص ۱۰۱۵) گذشت.

مرحوم سید حسن (اعلی اللّه مقامه) از اجله و اعاظم علما و فقها بود و در احوال رجال و علماء فریقین و سیر و تواریخ تتبع و تبحری فراوان داشت، و او در هنگام زوال روز آدینه[۷۱] بیست و نهم ماه رمضان المبارک این سال- مطابق (...) جوزا ماه برجی- در کاظمین (ع) متولد شده و در خدمت چند نفر از بزرگان اهل علم و ادب و عظماء علما و مشایخ اجازات درس خواند تا خود عالمی عامل و فقیهی فاضل و متتبعی کامل گردید، و مخصوصا در فنون رجال و درایت و تتبع احوال علما و تراجم رجال فریقین مقامی منیع و مرتبتی رفیع بهم رسانید،

---

[۷۱] (۱) اینکه تولد مرحوم آقا سید حسن در آدینه ۲۹ رمضان این سال باشد در بسیاری از جاها که شرح احوال و تولد او را نوشته‌اند بنظر رسیده، از آن جمله جلد ۱« الذریعه» لکن یکی از روز هفته یا ماه آن اشتباه است زیرا که در روزنامه‌های آن سنوات و برخی از جاهای دیگر غره ماه رمضان آن سال را ۳ شنبه یا ۴ شنبه نوشته‌اند، چنانکه در عنوان شیخ اسد اللّه زنجانی هم بنا بچهارشنبه آوردیم، و اختلاف افق ایران با عراق عرب این اندازه نخواهد شد. منه(ره). خود صاحب عنوان نیز در« طبقات الاجازات بالروایات: ص ۳ نسخه خطی» گوید:« لتولدی فی تاسع و عشرین شهر رمضان المبارک یوم الجمعة عند الزوال سنة الف و مائتین و اثنین و سبعین» انتهی. و در مقدمة الطبع« تأسیس الشیعة لعلوم الاسلام» و« الشیعة و فنون الاسلام» دو تألیف مهم آن مرحوم نیز در شرح حال مبسوط مؤلف بنقل از« بغیة الراغبین» علامه شرف الدین بهمین کیفیت نوشته‌اند. و برای اطلاع بیشتر از احوال و آثار صاحب عنوان و خاندانش رجوع شود به« زندگانی آیت اللّه چهارسوقی» نگارش راقم این سطور(عفی اللّه عنه). م.

(۱) اینکه تولد مرحوم آقا سید حسن در آدینه ۲۹ رمضان این سال باشد در بسیاری از جاها که شرح احوال و تولد او را نوشته‌اند بنظر رسیده، از آن جمله جلد ۱ «الذریعه» لکن یکی از روز هفته یا ماه آن اشتباه است زیرا که در روزنامه‌های آن سنوات و برخی از جاهای دیگر غره ماه رمضان آن سال را ۳ شنبه یا ۴ شنبه نوشته‌اند، چنانکه در عنوان شیخ اسد اللّه زنجانی هم بنا بچهارشنبه آوردیم، و اختلاف افق ایران با عراق عرب این اندازه نخواهد شد. منه (ره). خود صاحب عنوان نیز در «طبقات الاجازات بالروایات: ص ۳ نسخه خطی» گوید: «لتولدی فی تاسع و عشرین شهر رمضان المبارک یوم الجمعة عند الزوال سنة الف و مائتین و اثنین و سبعین» انتهی. و در مقدمة الطبع «تأسیس الشیعة لعلوم الاسلام» و «الشیعة و فنون الاسلام» دو تألیف مهم آن مرحوم نیز در شرح حال مبسوط مؤلف بنقل از «بغیة الراغبین» علامه شرف الدین بهمین کیفیت نوشته‌اند. و برای اطلاع بیشتر از احوال و آثار صاحب عنوان و خاندانش رجوع شود به «زندگانی آیت اللّه چهارسوقی» نگارش راقم این سطور (عفی اللّه عنه). م.

ص: ۲۰۱۶

مرحوم آقا سید حسن صدر الدین کاظمینی

رساله ارشاد المقلدین

تالیف حضرت اية اللّه فی العالمین حجة الاسلام و المسلمین سرکار اقای اقا سید حسن صدر الدین العاملی الکاظمی ادام اللّه تعالی ظله العالی بمحمد و آله الطاهرین آمین

صفحه اول و روی جلد کتاب «ارشاد المقلدین»

آخرین سطور اجازه آقا سید حسن صدر برای مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی در سرآغاز نسخه «نجعة المرتاد»

ص: ۲۰۱۷

بطوری‌که کمی از علماء شیعه و سنی را مانند او بآن خبرت و احاطت توان پیدا کرد، و در اثر آن مؤلفات نافعه و تصنیفات شریفه چندی از قلم مبارکش سرزد که همه در موضوع خود از جلایل تآلیف و نفایس سفاین بشمار آید، از آن جمله:

اول کتاب «تکملة الامل» در تتمیم کتاب «امل الامل» در احوال علماء جبل عامل و غیره تألیف مرحوم شیخ حر عاملی (اعلی اللّه مقامه) در سه جلد ضخیم بزرگ: اول در احوال علماء جبل عامل، دویم و سیم در احوال سایر علما که در مقام خود از مؤلفات جلیله نافعه است. دویم کتاب «الغالیة» برای اهل انظار عالیه، در حرمت ریش تراشی بعربی، انجام تألیف آن غره ع ۲ سنه ۱۳۱۵. سیم کتاب «اللمعة الحیدریه» در اجازه برای سردار کابلی چنانکه در «اجازه میرزا محمد علی اردوبادی

برای شیخ حسین آل محفوظ» نوشته. چهارم کتاب «ذکری ذوی النهی» در حرمت حلق لحی (یعنی ریش تراشی) ایضا بعربی، تألیف آن ج ۲ سنه ۱۳۴۳[۷۲].

---

(۱) در مقدمة الطبع دو کتاب سابق الذکر تعداد هشتاد و دو تألیف در فنون مختلفه برای صاحب عنوان ذکر کرده و ده کتاب را نوشته‌اند که بطبع رسیده است از آن جمله «الغالیه» و «ذکری ذوی النهی». و دیگر از آثار مطبوعه آنمرحوم که طبع آن در مقدمه ذکر نشده رساله «ذکری المحسنین» است در شرح حال سید محسن مقدس اعرجی کاظمینی که با مجلدی از «وسائل الشیعه» مرحوم سید محسن بسال ۱۳۲۱ در تبریز چاپ شده. و دیگر کتاب «ارشاد المقلدین» که رساله عملیه آن مرحوم است بفارسی در طهارت و صلوة و صوم و زکوة و خمس در ۱۳۳ صفحه رقعی کوچک که نام مطبعه و تاریخ و محل طبع را ننوشته‌اند و بنظر اینجانب در بغداد بطبع رسیده و تاریخ ختم تألیف آن آخر ماه رجب ۱۳۳۸ یعنی پس از فوت پسر عم و شوهر خواهرش مرحوم آیت اللّه حاج سید اسمعیل صدر از مراجع تقلید مشهور زمان بوده و گویا مؤلف نخواسته است در عراقین کسی بر این رساله مطلع شود زیرا نه در مقدمه موصوفه و نه در «الذریعه» و نه در فهارس جناب مشار و نه در جاهای دیگر مطلقا اسمی از آن نیست و نسخه‌ئی هم که بدست اینجانب رسیده از هندوستان وارد شده است. دیگر از آثار آنمرحوم که در اوائل سال جاری چاپ شده کتاب «فصل القضا» است که باهتمام تام جناب ثقة الاسلام حاج شیخ*

ص: ۲۰۱۸

و او از بسیاری از مشایخ و اساتید خود اجازت روایت دارد، از آن جمله حاج میرزا حسین خلیلی، چنان‌که در آن اجازه نوشته. و چندین نفر از علماء عصر فیض اجازت روایت از او دریافته‌اند[۷۳].

---

[۷۲] (۱) در مقدمة الطبع دو کتاب سابق الذکر تعداد هشتاد و دو تألیف در فنون مختلفه برای صاحب عنوان ذکر کرده و ده کتاب را نوشته‌اند که بطبع رسیده است از آن جمله« الغالیه» و« ذکری ذوی النهی». و دیگر از آثار مطبوعه آنمرحوم که طبع آن در مقدمه ذکر نشده رساله« ذکری المحسنین» است در شرح حال سید محسن مقدس اعرجی کاظمینی که با مجلدی از« وسائل الشیعه» مرحوم سید محسن بسال ۱۳۲۱ در تبریز چاپ شده. و دیگر کتاب« ارشاد المقلدین» که رساله عملیه آن مرحوم است بفارسی در طهارت و صلوة و صوم و زکوة و خمس در ۱۳۳ صفحه رقعی کوچک که نام مطبعه و تاریخ و محل طبع را ننوشته‌اند و بنظر اینجانب در بغداد بطبع رسیده و تاریخ ختم تألیف آن آخر ماه رجب ۱۳۳۸ یعنی پس از فوت پسر عم و شوهر خواهرش مرحوم آیت اللّه حاج سید اسمعیل صدر از مراجع تقلید مشهور زمان بوده و گویا مؤلف نخواسته است در عراقین کسی بر این رساله مطلع شود زیرا نه در مقدمه موصوفه و نه در« الذریعه» و نه در فهارس جناب مشار و نه در جاهای دیگر مطلقا اسمی از آن نیست و نسخه‌ئی هم که بدست اینجانب رسیده از هندوستان وارد شده است. دیگر از آثار آنمرحوم که در اوائل سال جاری چاپ شده کتاب« فصل القضا» است که باهتمام تام جناب ثقة الاسلام حاج شیخ** رضا استادی تهرانی از افاضل حوزه علمیه قم(سلمه اللّه تعالی) در مجموعه نفیس« آشنائی با چند نسخه خطی، دفتر اول» که بکوشش سید سند و عالم محقق معتمد صدیقنا الاعز جناب حاج سید حسین مدرسی طباطبائی(دامت افاضاته) منتشر شده بزیور طبع آراسته گردیده، جزا هما اللّه تعالی عن الاسلام و اهله خیرا. م.

[۷۳] (۱) از آن جمله سید مشایخنا الامام آیت اللّه حاج سید صدر الدین صدر نزیل قم(اعلی اللّه مقامه) و علامه مرحوم حاج شیخ محمد باقر الفت هر دو بیک اجازه بسیار مفید و مبسوط بنام« طبقات الاجازات بالروایات» که نسخه اصل آن نزد مرحوم الفت بود و اینجانب درسی سال قبل(جمادی الاخره ۱۳۶۷) نسخه‌ئی از آن بخط خود برای درج در کتاب« ریاض الابرار» در ۴۵ صفحه استنساخ کردم. تاریخ ختم تألیف این اجازه روز شنبه دوازدهم ربیع الثانی ۱۳۲۵ می‌باشد. و

و بالاخره وی در اواخر عمر که مزاجش از اعتدال منحرف شد برای تغییر آب و هوا از کاظمین بقصر جعفر خان بیرون کاظمین رفت و همان‌جا پس از مدت هشتاد و یک سال و پنج ماه قمری و دوازده روز عمر، در شب پنج‌شنبه یازدهم ماه ربیع المولود سنه ۱۳۵۴ هزار و سیصد و پنجاه و چهار- مطابق ۲۲ خرداد ماه باستانی- بدرجات جنان صعود نمود و جسدش را بکاظمین آورده و در صحن مقدس در حجره پدر بزرگوارش دفن کردند.

و از وی سه دختر ۳۸ و دو پسر بازماند. و پسران: یکی حاجی سید محمد ۳۸ صدر الدین است که در (۱۳۰۰) بیاید. دویم: آقا سید علی ۳۸ که کوچک‌تر از او و از علما و ائمه جماعت کاظمین و مادرش خواهر سید حسین قاری هندی است که در (۱۳۳۰) بیاید. چنان‌که مادر خود آقا سید حسن صاحب عنوان- بطوری‌که در «الذریعه ۸: ش ۹۴۲» نوشته خواهر

---

* رضا استادی تهرانی از افاضل حوزه علمیه قم (سلمه اللّه تعالی) در مجموعه نفیس «آشنائی با چند نسخه خطی، دفتر اول» که بکوشش سید سند و عالم محقق معتمد صدیقنا الاعز جناب حاج سید حسین مدرسی طباطبائی (دامت افاضاته) منتشر شده بزیور طبع آراسته گردیده، جزا هما اللّه تعالی عن الاسلام و اهله خیرا. م.

(۱) از آن جمله سید مشایخنا الامام آیت اللّه حاج سید صدر الدین صدر نزیل قم (اعلی اللّه مقامه) و علامه مرحوم حاج شیخ محمد باقر الفت هر دو بیک اجازه بسیار مفید و مبسوط بنام «طبقات الاجازات بالروایات» که نسخه اصل آن نزد مرحوم الفت بود و اینجانب درسی سال قبل (جمادی الاخره ۱۳۶۷) نسخه‌ئی از آن بخط خود برای درج در کتاب «ریاض الابرار» در ۴۵ صفحه استنساخ کردم. تاریخ ختم تألیف این اجازه روز شنبه دوازدهم ربیع الثانی ۱۳۲۵ می‌باشد. و از جمله: علامه مرحوم شیخ محمد رضا ابو المجد نجفی مسجد شاهی که سید صدر اجازه‌ئی در چهار صفحه برای وی در مقدمه نسخه اصل کتابش «نجعة المرتاد فی شرح نجاة العباد» در شب شنبه ۱۴ ذی القعده ۱۳۳۳ نوشته و آن نسخه در کتابخانه راقم این سطور است. م.

ص: ۲۰۱۹

شیخ جابر کاظمینی (۱۲۲۲ ج ۳ ش ۳۱۸ ص ۷۴۳) است. و سید علی مذکور کتابی دارد بنام «ابانه» از کتب خزانه[۷۴]، در فهرست کتب کتابخانه پدر بزرگوارش (اعلی اللّه مقامه)، و نیز کتابی دارد بنام «حقیبه» در فوائد متفرقه مانند «کشکول»، و وی بطوری‌که در مجله مبارکه «المرشد. س ۳ ش ۱ صادره در ۱ ماه رمضان ۱۳۴۶ ص ۲۸» نوشته؛ اعلانی منتشر نموده دائر بر اینکه پس از این وی را بنام شرف الدین که یکی از اجداد او میباشد بخوانند.

از جمله: علامه مرحوم شیخ محمد رضا ابو المجد نجفی مسجد شاهی که سید صدر اجازه‌ئی در چهار صفحه برای وی در مقدمه نسخه اصل کتابش« نجعة المرتاد فی شرح نجاة العباد» در شب شنبه ۱۴ ذی القعده ۱۳۳۳ نوشته و آن نسخه در کتابخانه راقم این سطور است. م.

[۷۴] (۱) صاحب عنوان در« طبقات الاجازات» کتابی باین نام را از تألیفات خود ذکر کرده، شاید اصل تألیف از پدر و جمع و تدوین از فرزند باشد. و مؤلف« الذریعه» در این کتاب آنرا بفرزند نسبت داده و در شرح‌حال خوبی که برای پدر در« نقباء البشر» نوشته در ص ۴۴۸ آنرا جزو تألیفات خود آن مرحوم آورده است. و آقا سید علی مذکور در این سنین اخیره برحمت ایزدی پیوست. م.

❊ (۱۲۴۳- تولد کامران میرزای نایب السلطنه قاجار)❊

وی فرزند مرحوم ناصر الدین شاه است که در (۱۲۴۷ ج ۴ ش ۶۹۳ ص ۱۲۹۴) گذشت.

کامران میرزا از شاهزادگان آل قاجار و از اهل علم بوده، و در سه‌شنبه نوزدهم ماه ذی القعدة الحرام این سال- مطابق (...) سرطان ماه برجی- از بطن منیرة السلطنه[۷۵] دختر محمد تقی خان معمارباشی متولد شده. و سه‌شنبه بودن ۱۹ این ماه از آن است که در «الذریعه» انجام تألیف «اکسیر العبادات» را در آدینه نیمه آن نوشته و نیز در روزنامه‌های آن سال چنین است.

و بهرحال، وی در روز آدینه ۲۷ شعبان سنه ۱۲۷۵ ملقب به نایب السلطنه گردید، و پس از مدت هفتاد و چهار سال و نه ماه قمری و سیزده روز عمر، در شب سه‌شنبه دویم ماه

---

(۱) صاحب عنوان در «طبقات الاجازات» کتابی باین نام را از تألیفات خود ذکر کرده، شاید اصل تألیف از پدر و جمع و تدوین از فرزند باشد. و مؤلف «الذریعه» در این کتاب آنرا بفرزند نسبت داده و در شرح‌حال خوبی که برای پدر در «نقباء البشر» نوشته در ص ۴۴۸ آنرا جزو تألیفات خود آن مرحوم آورده است. و آقا سید علی مذکور در این سنین اخیره برحمت ایزدی پیوست. م.

(۲) در «بدایع و نوادر: ۵ ش ۸۲» نوشته که خیابان منیریه بنام این منیرة السلطنه است. منه (ره).

رمضان المبارک سنه ۱۳۴۷ هزار و سیصد و چهل و هفت- مطابق ۲۳ بهمنماه باستانی- وفات کرد، و در قم در بقعه قبر فتحعلیشاه دفن شد. و دختر او ملکه جهان خانم زنی با علم و فضل و زوجه محمد علیشاه پسر عمش که در (۱۲۸۹) بیاید بوده و کتابی بنام «برهان الایمان» در ادعیه و أوراد تألیف نموده. و مادر این دختر که زوجه نایب السلطنه باشد سرور الدوله (۱۳۲۶) بوده.

و فرزند دیگر نایب السلطنه محمد باقر میرزای کامرانی امیر ارفع بوده که در «روز- نامه اطلاعات. س ۲۹ ش ۸۶۴۹- ۱۸ شعبان ۱۳۷۴ ص ۲» اعلان فوت او در هامبورک نوشته شده و اینکه جسدش بقم حمل و آنجا دفن شد.

و فرزند دیگر نایب السلطنه محمد مهدی میرزای مذکور در «فهرست رضویه ۶: ۳۵۰ ش ۵۵۱» است.

❊ (۱۲۴۴- تولد میرزا عبد الرحیم گلی‌بری انصاری تبریزی)❊

وی فرزند مرحوم ملا نصر اللّه انصاری و خود از علما و فقهاء عصر بود.

---

[۷۵] (۲) در« بدایع و نوادر: ۵ ش ۸۲» نوشته که خیابان منیریه بنام این منیرة السلطنه است. منه(ره).

شرح احوالش در (ص ز) از مقدمه کتاب «شیعه چه می‌گوید» تألیف فرزندش حاج سراج انصاری (س) نوشته، و از آن چنین برآید که نژاد او بحضرت جابر انصاری (علیه الرحمه) میرسد، و پدران وی از دویست سال پیش از این تاکنون که معلوم و اسمائشان در دست بوده همه از علما و معروف به انصاری بوده‌اند، و پدرش ملا نصر اللّه از علما و فقها و شاگرد صاحب «جواهر» بوده. و میرزا عبد الرحیم خود در روز پنج‌شنبه پنجم ماه ذی الحجة الحرام این سال- مطابق (...) اسد ماه برجی- در قریه هجر ندیس نزدیک قصبه گلیبر متولد شده و علوم مقدماتی را از پدرش یاد گرفت، و در اوائل سنه ۱۳۰۰ بعتبات رفت و مدتی در سامره نزد میرزای شیرازی درس خواند و بعد از آن بمدرس ملا محمد کاظم خراسانی شتافت و از

ص: ۲۰۲۱

تلامذه دوره اول وی گردید، و از وی و آقا سید محمد کاظم و آقای شریعت اجازت اجتهاد یافت، و چندین نفر از علما در نزد وی درس خوانده‌اند و چندین کتاب تألیف کرد:

اول کتاب «اجتهاد و تقلید». دویم کتاب «بهجة العناوین» در مواعظ. سیم «رساله‌ئی در شرط متأخر». چهارم کتاب «صراط النجاة» در اصول دین. پنجم کتاب «مشکوة السالک» در ادعیه.

و او در وقت طلوع آفتاب روز جمعه نهم ماه صفر الخیر سنه ۱۳۳۴ هزار و سیصد و سی و چهار- مطابق ۲۴ قوس ماه برجی- وفات کرد و در تبریز در سمت زاویه شرقی قبرستانی که در طرف مشرق صحن امامزاده حمزه (ع) واقع است دفن شد. و فرزندش حاج سراج مذکور در (۱۳۱۳) بیاید.

و چند نفر غیر از صاحب عنوان خود را از اعقاب جابر نوشته‌اند:

۱- حاج میرزا علی انصاری (۱۳۰۵) و خانواده او.

۲- ملا حسینقلی همدانی که در سال (۱۲۳۹ ج ۴ ش ۵۵۵ ص ۱۰۸۷) گذشت.

۳- حاج میرزا موسی خان انصاری (۱۲۷۳ ش ۱۲۸۲) که ظاهرا وی نیز از خانواده حاج میرزا علی میباشد.

۴- ملا محمد باقر صفا شاعر نائینی که در «الذریعه ۹: ۶۱۰ ش ۴۳۵۸» نوشته.

❊ (وفات مرحوم ملا ابو الحسن تهرانی، ره)❊

شرح احوال او در (۱۲۰۰ ج ۱ ش ۵۲ ص ۱۰۳) گذشت.

ص: ۲۰۲۲

❊ (۱۲۴۵- تولد مرحوم شیخ جعفر، هر، کربلائی، ره)❊

وی فرزند مرحوم شیخ صادق بن احمد حائری مشهور به هر و خود از علما و فقها بوده، و در این سال در کربلا متولد شده و در نزد چندین نفر از علما درس خوانده و شعر هم می‌گفته و چند نفر در نزد او درس خوانده‌اند. و آخر در پنج‌شنبه غره ماه جمادی الاخری سنه ۱۳۴۷ هزار و سیصد و چهل و هفت- مطابق ۲۴ آبان ماه باستانی- در کربلا وفات کرد و هم آن‌جا در نزدیکی قبر مرحوم آقا سید علی کربلائی (ره) دفن شد.

و فرزندش شیخ موسی نیز از علماء این عصر می‌باشد، و هر دو (پدر و پسر) در «مقالات مبسوطه» در (۱۳۴۷) نوشته‌اند[۷۶].

❊ (۱۲۴۶- تولد شیخ حبیب آل شبیر خاقانی خرم شهری)❊

وی از علما و فقهاء عصر است که در اینسال- چنان‌که در «الذریعه ۷ ش ۱۱۱۴» نوشته- در سوق الشیوخ متولد شده و در خرم‌شهر که آنرا سابقا محمره می‌گفتند سکونت نموده و چندین کتاب که از آن جمله است کتاب «خلاصة الفقه» تألیف فرموده.

❊ (۱۲۴۷- تولد آقا حسین نجم آبادی تهرانی)❊

وی فرزند مرحوم حاجی آقا محمد نجم آبادی است که در (۱۲۳۶ ج ۳ ش ۵۰۸ ص ۱۰۳۱) گذشت، گرچه در «نقبا: ۱۲۱۴ ش ۱۷۴۰» وی را فرزند شیخ عبد اللّه نجم آبادی

---

(۱) در «مقالات مبسوطه» مأخذ ترجمه را «اعیان الشیعه» و ورقه‌ئی بخط شیخ موسی نوشته است. م.

ص: ۲۰۲۳

نوشته، لکن آن غلط است چنانکه در حاشیه نوشته‌ایم. و بهرحال، وی عالمی جلیل و محققی بی‌بدیل بود که در این سال متولد شده و در تهران ریاستی شایان داشته، و در پنج‌شنبه هفتم ماه رجب الفرد سنه ۱۳۴۷ هزار و سیصد و چهل و هفت- مطابق ۲۹ آذرماه باستانی- وفات کرد. و او چندین سال در نجف در نزد مرحوم حاج میرزا حسین (۱۲۳۰ ج ۳ ش ۴۲۰ ص ۸۹۴) درس خواند و در حدود (۱۳۲۰) بتهران بازگشت و کتبی تألیف کرد: اول «حاشیه بر کتاب ارث از قواعد علامه». دویم کتاب «میزان المقادیر». و روایت می‌کند از استادش حاج میرزا حسین مرقوم از صاحب «جواهر»، و از او: آقا نجفی تبریزی (س).

و فرزندش آقا حسن در (۱۳۰۷) بیاید.

❊ (۱۲۴۸- تولد مرحوم حیدر خان قاجار، ره)❊

---

[۷۶] (۱) در« مقالات مبسوطه» مأخذ ترجمه را« اعیان الشیعه» و ورقه‌ئی بخط شیخ موسی نوشته است. م.

وی فرزند نصر اللّه خان قاجار نهاوندی و خود از اجله حکما و عرفا و فلاسفه و صوفیه عصر بوده و در این سال متولد شده و کسب علوم معقول نموده تا حکیمی کامل و فیلسوفی فاضل گردید، و سالها در مدرسه سپهسالار قدیم در تهران بتدریس مشغول و بریاضت و تهذیب اخلاق عمری را بسر رسانید، تا در دوشنبه چهاردهم ماه جمادی الاولی سنه ۱۳۱۸ هزار و سیصد و هیجده- مطابق (...) سنبله ماه برجی- بدرجات جنان صعود فرمود.

❊ (۱۲۴۹- تولد رحمت شاعر شیرازی)❊

وی مرحوم میرزا عبد اللّه فرزند میرزا محمود حکیم است که در (۱۲۳۴ ج ۳ ش ۴۷۳ ص ۹۸۴) گذشت.

ص: ۲۰۲۴

مرحوم رحمت از اجله اهل علم و ادب و دانشمندان بزرگوار است و در شعر و خط و طب و علوم ریاضیه و غیره سرآمد أقران خود بوده، و او در این سال- چنان‌که نص «فارسنامه» و «طرائق» و مفهوم از «گلشن وصال» است- از بطن دختر مرحوم رحمتعلیشاه متولد گردید.

گرچه در «گلشن وصال» تصریح به ۱۲۷۰ نموده لکن اشتباه است. و علاوه بر کمالات مرقومه که از آن جمله نظم اشعار بتخلص (رحمت) است چندین کتاب در علوم ادبیه و ریاضیه تألیف نموده، و در عرفان از جد بزرگوار مادری خود ارث برده، و در طبابت بأقسام عدیده خدمات نافعه بأبناء نوع خود فرموده.

و آخر در شب پنج‌شنبه سلخ ماه شوال المکرم سنه ۱۳۴۴ هزار و سیصد و چهل و چهار- مطابق ۲۲ اردی بهشت ماه باستانی- در شیراز وفات کرده و در بیرون شهر در بقعه شیخ ابو الوفا دفن شد. و دو فرزند از دختر عمش مرحوم وقار از او بازماند: اول میرزا مصطفی بهجت که در (۱۲۹۵) بیاید. دویم میرزا یوسف وصال که در (۱۳۰۳) بیاید.

❊ (۱۲۵۰- تولد حاجی میرزا عبد الرحیم طالب اوف تبریزی)❊

وی فرزند ابو طالب بن علی مراد نجار، و خود از فضلاء کبار بوده که در این سال در تبریز متولد شده و کتب چندی تألیف نموده از آن جمله: «ترجمه هیئت فلاماریون» و کتاب «نخبه سپهری» در احوال حضرت رسول (ص). و در اواسط ماه ربیع الاخر سنه ۱۳۲۹ هزار و سیصد و بیست و نه- مطابق حمل ماه برجی- در تیمور خان شوره ولاد قفقاز وفات کرد، چنان‌که در شماره ۱۸ «روزنامه شمس و تمدن» نوشته و در شماره (۹- ۱۰، ج ۱- ج ۲/ ۱۳۲۹) «مجله بهار» و همچنین در «دانشمندان آذربایجان» و «رجال آذربایجان» در سنه ۱۳۲۸ نوشته‌اند، و در «معاریف» در سنه ۱۳۳۶ گفته که آن ظاهرا اشتباه است.

ص: ۲۰۲۵

❊ (۱۲۵۱- تولد عزیز جنگ شمس العلما)❊

وی احمد عبد العزیز نائطی متخلص به ولا فرزند محمد نظام الدین است که بطور مفهوم از «مؤلفین کتب چاپی ۴: ۵۸» در اینسال متولد شده و چندین کتاب تألیف کرده: اول کتاب «آصف اللغات» هفده جلد. دویم کتاب «تصویر بلاغت» که شعر است. سیم کتاب «کلیات نظم ولا».

❊ (۱۲۵۲- وفات مرحوم آقا محمد اسمعیل نائینی، ره)❊

وی فرزند مرحوم حاج محمد حسن نائینی (ره) است که در (۱۲۵۰ ج ۴ ش ۷۶۷ ص ۱۳۷۱) گذشت.

مرحوم آقا محمد اسمعیل (ره) از اهل علم و عرفان بوده، و از قراری که در «طرائق الحقائق» فرموده وی در خدمت پدر نامور نشوونما کرده و فیض یاب گردید، و میرزا محمد حسین وزیر اصفهان که از ارادت‌مندان حاجی محمد حسن بوده بوی نوشت که هر کدام فرزندانتان را که بیشتر دوست می‌دارید باصفهان بفرستید که یک دختر دارم او را بوی تزویج نموده و املاکی که هست با لوازم دیگر بوی بخشم. حاجی محمد حسن آقا محمد اسمعیل را فرستاد و آن وزیر بی‌نظیر بگفته خود رفتار کرد و دختر خود را بدو تزویج نمود و هرچه داشت بوی داد و نهایت اخلاص و ارادت را بظهور رسانید. مردمان حاسد را این معنی ناگوار شد و در خدمت مرحوم حاجی سید محمد باقر بیدآبادی شهادات مجعول و مزورانه داده تا حکم کفر آقا محمد اسمعیل صادر و زوجه‌اش بی‌طلاق بمیرزا عبد الحسین برادرزاده

ص: ۲۰۲۶

میرزا محمد حسین شوهر کرد، و گویند که فتنه اصفهان و قتل میرزا عبد الحسین از شآمت آن تزویج بود[۷۷]. و آقا محمد اسمعیل از مردم گریخته بمشهد رفت و در یکی از حجرات متصل برواق مقدس سالها پنهان بود و پدرش بفراق وی مبتلا، تا محمد شاه بتخت نشست و آقا محمد اسمعیل ظاهر شد و بنائین آمد و از خانواده‌ئی دیگر زن گرفت و چندین نفر فرزند پسر و دختر آورد، و در این سال وفات کرد و در نزد پدر دفن شد، انتهی. و بطوری‌که در «تاریخ نائین ۴: ۱۷» نوشته وی سه دختر و هفت پسر داشته و از پسران: اول که اکبر و ارشد همه است حاجی پیرزاده در (۱۳۲۱) بیاید. دویم آقا حسن. سیم عبد المولی. چهارم حاج آقا حسین.

پنجم حاج علیمحمد خان. ششم حاج آقا محمد خان. هفتم آقا عبد الوهاب. و از بعضی از اینها احفاد و اولادی بهم رسیده که در (ص ۱۸) بشرح نوشته شده.

❊ (۱۲۵۳- وفات میرزا محمد باقر کوکب شاعر خراسانی)❊

---

[۷۷] (۱) داستان تکفیر بنحوی که راوی آن ساخته و پرداخته است از حقیقت دور و گواه سوء نیت راوی و قصد اهانت بروحانیت و تحقیر مقام شامخ سید حجة الاسلام(اعلی اللّه مقامه) بوده است، کما لا یخفی. م.

بطوری‌که در «مجمع الفصحا ۲: ۴۲۵» فرموده کوکب از اهل خاوران خراسان و شاعری بلند مکان بوده و از علوم ادبی و ریاضی و طبیعی بهره‌ئی تمام داشته و در این سال لوای سفر آخرت برافراشته. آن‌گاه لختی از اشعارش را از مسوده‌ئی که فرزندش بوی داده ذکر کرده.

و شعرائی که کوکب تخلص داشته‌اند در (۱۲۳۹ ج ۴ ش ۵۵۷ ص ۱۰۹۲) گذشت.[۷۸]

---

(۱) داستان تکفیر بنحوی که راوی آن ساخته و پرداخته است از حقیقت دور و گواه سوء نیت راوی و قصد اهانت بروحانیت و تحقیر مقام شامخ سید حجة الاسلام (اعلی اللّه مقامه) بوده است، کما لا یخفی. م.

(۲) مآخذ شرح حال صاحب عنوان و دیگر کوکب و کوکبی تخلص‌ها در «فرهنگ سخنوران» بتفصیل آمده است. م.

ص: ۲۰۲۷

❊ (۱۲۵۴- تولد حاج شیخ محمد تقی تربتی خراسانی)❊

وی فرزند حاج علینقی خان شجیع الملک است که او فرمانده فوج قرائی خراسان بوده و در سنه ۱۳۲۷ کشته شده.

و حاجی شیخ محمد تقی خود از علما و فقها و اهل فضل و ادب عصر خویش بود که در این سال- چنان‌که در «فهرست کتابخانه مبارکه رضویه (ع) ۵: ۳۸۷» نوشته- در قریه دولت‌آباد چهار فرسنگی شهر تربت حیدریه متولد شده، و چون پدرش مردی نظامی بود وی نیز تا چهارده سالگی بتحصیل علوم فارسی و فنون نظامی مشغول بود، آن‌گاه از این کار سر باز زده و در حدود هزار و دویست و هشتاد و اندی بمشهد مقدس مهاجرت نمود و در مدرسه میرزا جعفر سکونت اختیار کرد و با شوقی وافر و جدی متکاثر بتحصیل علوم دینیه پرداخت، چندان که در اواخر امر سرآمد تلامذه مرحوم میرزا نصر اللّه تربتی (۱۲۳۰) گردید[۷۹].

آن‌گاه برای تکمیل علوم شرعیه در سنه ۱۲۹۸ بنجف رفت و در خدمت میرزای رشتی و غیره درس خواند و با نیل بمقام اجتهاد بایران برگشت و در مشهد مقدس ساکن و همی بتألیف و تدریس اشتغال جست، و چندین کتاب تألیف نمود: اول کتاب «تقریرات» که مجموعه‌ئی است از مسوده‌های مختلف و اکثر آنها در مباحث و مسائل متفرقه و بعنوان حواشی بر «طهارت» و «مکاسب» شیخ انصاری است که بیشتر آنها ناتمام مانده. دویم «حاشیه بر مبحث تعادل و تراجیح فرائد» آن مرحوم.

---

[۷۸] (۲) مآخذ شرح حال صاحب عنوان و دیگر کوکب و کوکبی تخلص‌ها در« فرهنگ سخنوران» بتفصیل آمده است. م.

[۷۹] (۱) شرح حال میرزا نصر اللّه تربتی با جمعی دیگر از معنونین(۱۲۳۰) بهنگام طبع از قلم مرحوم مؤلف سهوا ساقط شده، بناچار در سال وفاتش(۱۲۹۸) ذکر خواهد شد، انشاء اللّه تعالی. م.

و آخر در ماه رمضان المبارک سنه ۱۳۳۰ هزار و سیصد و سی- مطابق (اسد- سنبله) ماه برجی- در مشهد وفات کرد، و هم آنجا در منزل شخصی خود در کوچه حمام سالار دفن شد.

و فرزندش آقای شجیعی اینک از قضاة عالی مقام معاصر است.

---

(۱) شرح حال میرزا نصر اللّه تربتی با جمعی دیگر از معنونین (۱۲۳۰) بهنگام طبع از قلم مرحوم مؤلف سهوا ساقط شده، بناچار در سال وفاتش (۱۲۹۸) ذکر خواهد شد، انشاء اللّه تعالی. م.

ص: ۲۰۲۸

❊ (۱۲۵۵- وفات مرحوم آقا محمد حسین یزدی، ره)❊

وی فرزند محمد اسمعیل بن محمد مهدی بن محمد صادق، و خود از خانواده علم و از علماء اکابر و مجاور حائر طاهر بوده و در نزد صاحب «جواهر» و شیخ انصاری درس خوانده و چندین کتاب تألیف نموده، اول: کتاب «قسطاس مستقیم» در منطق. دویم کتاب «کلمه باقیه» در اخلاق. سیم کتاب «فلک المشحون» در اصول. چهارم کتاب «مقالید» در فقه. و او در این سال در کربلا وفات نموده و هم آن‌جا در صحن کوچک دفن شده با شاهزاده رکن الدوله.

❊ (۱۲۵۶- تولد سید محمد مهدی، کشوان کاظمینی)❊

وی فرزند سید صالح کشوان موسوی قزوینی و خود از علما و فقهاء این عصر می‌باشد که در این سال- چنان‌که در «الذریعه ۷ ش ۸۹۴» فرموده- در کاظمین متولد شده و در «فهرست کتابخانه رضویه ۴: ۲۸۷» در سنه ۱۲۸۲ گفته. و بهرحال وی هم در کاظمین بتحصیل پرداخته و در حدود (۱۳۰۰) بسامره رفت و بدرس میرزای شیرازی و تلامذه مهم او مانند میرزا ابراهیم محلاتی (۱۳۳۶) و شیخ اسمعیل ترشیزی حاضر شد، و در سنه ۱۳۱۴ بمشهد رفت و بعد از آن بکویت رفته در آنجا اقامت نمود و سال‌ها مرجع امور شرعیه آن شهر بود، تا در سنه ۱۳۴۳ ببصره رفت و در بصره سکونت نمود و هماره بأداء وظیفه شرعیه و تألیف بسر می‌برد، و او چندین کتاب تألیف کرد، از آن جمله: اول کتاب «القام الحجر» بفارسی در رد شیخیه که نام اصلی آن «هدی للمتقین» بوده و مرحوم آقای شریعت نام آن را «القام الحجر»

ص: ۲۰۲۹

نهاده. و این کتاب بعربی هم ترجمه شده و نام معرب آن «مخازی الشیخیه» است. دویم کتاب «برهان الدین الوثیق» در نقض کتاب «عمدة التحقیق» که آنرا یکی از اهل سنت تألیف کرده، انجام تألیف آن ۳ رمضان سنه ۱۳۴۰. سیم کتاب «بوار الغالین» در رد شیخیه، انجام تألیف آن ۱۵ ج ۱ سنه ۱۳۳۱. چهارم کتاب «حلیة النجیب» در منع از تقلید میت ابتداء که کتاب «الدر النضید» در مسئله تقلید در رد آن نوشته شده، و هم‌چنین شیخ علی بن حبیب آل شبیر أخباری خاقانی نیز ردی بر آن نوشته، و ادیب محمد هادی دفتر در کتاب «نظرة الیقین» ردی بر خاقانی دارد، چنانکه در «الذریعه ۷ ش ۴۴۶» فرموده. پنجم کتاب

«حی علی الحق» در رد کتاب «المسیح فی الاسلام» که یکی از ترسایان تألیف کرده. ششم کتاب «خصائص- الشیعه» که آورده است آنرا شریعت، انجام تألیف آن رجب سنه ۱۳۴۱. هفتم کتاب «خیبة المتناقض المریب» در رد بر «حلیة النجیب» (یا اینکه «خیبه» در رد این «حلیة النجیب» سید محمد مهدی است از دیگری، زیرا که در «الذریعه ۷ ش ۱۳۷۹» بطوری نوشته که معلوم نمی‌شود «خیبه» از صاحب عنوان یا از دیگری در رد «حلیه» او است).

و او در روز دوشنبه ششم ماه ذی القعدة الحرام سنه ۱۳۵۸ هزار و سیصد و پنجاه و هشت- مطابق ۲۶ آذرماه باستانی- در بصره وفات کرد و نعش او بنجف حمل شده و در ۴ شنبه ۸ آنرا با سید عدنان و سید مهدی بحرانیان در حجره طرف چپ در اینده صحن از در مغربی معروف بباب سلطانی دفن شد.

و در «فهرست کتابخانه رضویه، جلد و صفحه مرقوم» وفات او را در شب ۳ شنبه ۸ ذی القعده اینسال آورده، و این مبنی بر ناقص بودن شوال است بأفق بصره، و ما طبق تقویم ایران آنرا تمام دانسته که غره ذی القعده ۴ شنبه شده. و در آنجا از اساتید او حاج میرزا محمد تقی شیرازی و حاجی نوری و حاج شیخ محمد طه نجف و سید محمد هندی را ذکر کرده.

ص: ۲۰۳۰

❊ (۱۲۵۷- وفات مرحوم شیخ مشکور حولاوی نجفی، ره)❊

وی فرزند محمد خاقانی و خود از علماء مشهور عصر خویش بوده که در «المآثر: ۱۳۹» وی را عنوان و تمجید نموده، و او سفری بطهران آمده و قبلا در نزد شیخ حسن بن شیخ جعفر نجفی درس خوانده و در جمعه بیست و دویم ماه ربیع الاول این سال، چنانکه در «فهرست کتابخانه رضویه ۵: ۵۸۰» نوشته- مطابق (...) عقرب ماه برجی- در حمام هندی در نجف، چنان‌که در «الذریعه ۸: ۲۹۷» فرموده؛ غرق شده و وفات کرده و هم آنجا دفن شد. و دختر او زوجه ملا ابراهیم قمی (۱۳۰۱) است. و کتابخانه‌ئی از صاحب عنوان بازمانده که اینک در دست نواده‌اش شیخ حسین بن مشکور بن شیخ جواد بن مشکور کبیر صاحب عنوان است.

❊ (۱۲۵۸- وفات میرزا نبی، غبار شاعر رازی تهرانی)❊

غبار از شعراء بزرگ و مانند ابو العلاء معری و خیلی دیگر از معاریف علم و ادب از دیده نابینا بوده و در این سال بسی و چهار سالگی وفات نموده. و در سال (۱۲۷۰ ش ۱۱۹۲ ص ۱۹۵۵) دو نفر دیگر شاعر غبار تخلص گذشتند.

❊ (وفات نجفقلی میرزا، والی شاعر قاجار)❊

شرح احوال او در (۱۲۲۲ ج ۳ ش ۳۲۸ ص ۷۶۰) گذشت.

ص: ۲۰۳۱

❊ (۱۲۵۹- وفات همرپورژستال، مستشرق اطریشی)❊

همرپورژستال از معاریف مستشرقین است که در این سال (یا سال ۱۲۷۳) وفات کرده و کتب چندی ترجمه یا تألیف نموده و از جمله تألیفات او کتاب «تاریخ آداب لغت عرب» است در هفت جلد که تمام نشده[۸۰].

سنه ۱۲۷۳ قمری مطابق سنه ۱۲۳۵ شمسی ۳ شنبه غره محرم الحرام (...) سنبله ماه برجی

❊ (۱۲۶۰- تولد مرحوم میر محمد تقی ۴۰ مدرس اصفهانی)❊

وی فرزند مرحوم میر سید حسن ۳۹ مدرس است که در (۱۲۱۰ ج ۲ ش ۱۵۴) گذشت.

مرحوم میر محمد تقی از معاریف علماء اصفهان بود که در ۲ شنبه سیزدهم ماه صفر المظفر این سال- مطابق (...) میزان ماه برجی- متولد شده و در سه چهار ماهه‌گی وی پدر بزرگوارش

---

(۱)H remmaH- llatsgruP, J. noV (۱۷۷۴- ۱۸۵۶ م) شرح‌حال او در کتاب «المستشرقون ۲: ۶۲۷- ۶۲۹» نجیب العقیقی بتفصیل مذکور است و آنجا گوید که «تاریخ الاداب العربیه» هفت جلدی او است که دستور کاربر و کلمان در «تاریخ الاداب العربیه» گردید، ایضا رجوع به «الاعلام زرکلی ۹: ۲۹۶» و «فرهنگ خاورشناسان: ۱۶۰» شود. م.

ص: ۲۰۳۲

بدرود جهان نمود و میر محمد تقی با (وجود) بی‌پدری پس از طی مراتب کودکی همت بتحصیل گماشته و بعتبات عالیات رفت و مدتها در آن اراضی شریفه خدمت چندین نفر از معاریف علما درس خواند، و سپس باصفهان برگشت و بتدریس پرداخت و ریاستی شایسته بهم رسانید، تا آخر پس از مدت شصت سال و یک ماه قمری و بیست و چهار روز عمر، در شب دوشنبه هفتم ماه ربیع الاخر سنه ۱۳۳۳ هزار و سیصد و سی و سه- مطابق ۳ حوت ماه برجی- در اصفهان وفات کرد و در مقبره والد ماجدش دفن شد[۸۱].

---

[۸۰] (۱)۱۸۵۶- ۱۷۷۴) H remmaH- llatsgruP, J. noV م) شرح‌حال او در کتاب« المستشرقون ۲: ۶۲۷- ۶۲۹» نجیب العقیقی بتفصیل مذکور است و آنجا گوید که« تاریخ الاداب العربیه» هفت جلدی او است که دستور کاربر و کلمان در« تاریخ الاداب العربیه» گردید، ایضا رجوع به« الاعلام زرکلی ۹: ۲۹۶» و« فرهنگ خاورشناسان: ۱۶۰» شود. م.

[۸۱] (۱) صاحب عنوان از اساتید خارج اصول فقه آقای حاج میرزا سید حسن روضاتی(ره) نیای مادری راقم این سطور بوده و لذا شرح حال مفصل آن مرحوم را بنقل از« مقالات مبسوطه» علامه معلم در« زندگانی آیت اللّه چهارسوقی: ۲۰۶- ۲۰۹» ذکر کرده‌ایم. م.

و چندین نفر پسر برجا نهاد، از آن جمله: آقا میر سید حسن ۴۱ که بزرگتر از همه و بجای پدر در مسجد رحیم خان امامت جماعت می‌نماید[۸۲].

---

(۱) صاحب عنوان از اساتید خارج اصول فقه آقای حاج میرزا سید حسن روضاتی (ره) نیای مادری راقم این سطور بوده و لذا شرح حال مفصل آن مرحوم را بنقل از «مقالات مبسوطه» علامه معلم در «زندگانی آیت اللّه چهارسوقی: ۲۰۶- ۲۰۹» ذکر کرده‌ایم. م.

(۲) از این عالم جلیل القدر (آقای میر سید حسن) که زوجه‌اش دختر میرزا بهاء الدین ابن سید محمد علی آقا مجتهد ابن سید صدر الدین عاملی (رحمة اللّه علیهم) بوده چهار فرزند پسر و یک دختر بازماند که فعلا تنها پسر باقیمانده جناب عالم فاضل بزرگوار آقای حاج سید علاء الدین (مدرس مطلق) از اصدقاء و اقرباء راقم این سطور، امام جماعت مسجد نیای عالیقدر و از مدرسین فقه و اصول حوزه علمیه اصفهانست، تولد ایشان ۱۵ جمادی الاولی ۱۳۴۴، و بشرحی که در حین طبع این اوراق اظهار داشتند مرحوم آقا میر محمد تقی صاحب عنوان در سن هیجده سالگی دو سالی بدرس آیة اللّه آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی (۱۲۳۵) حاضر شده و سپس بعراق عرب منتقل و چهار سالی تحصیل علم نموده و باصفهان مراجعت و خواهر شیخ محمد علی اشتری اصفهانی را بزنی گرفته و پس از زفاف دوباره بعراق بازگشته و زوجه حامله‌اش در اصفهان بود تا فرزند دختری از بوجود آمد و آندختر در حدود ده سالگی وفات یافت و پدر را ندید. آقا میر محمد تقی مقارن آن احوال باصفهان بازگشته و از آن پس خداوند سه فرزند ذکور بنامهای میر سید حسن (متولد ۱۸ ذی الحجه ۱۳۰۵) و میر محمد حسین (متولد حدود ۱۳۰۷ متوفی شب غره ذی القعده ۱۳۸۸) و میرزا*

---

[۸۲] (۲) از این عالم جلیل القدر(آقای میر سید حسن) که زوجه‌اش دختر میرزا بهاء الدین ابن سید محمد علی آقا مجتهد ابن سید صدر الدین عاملی(رحمة اللّه علیهم) بوده چهار فرزند پسر و یک دختر بازماند که فعلا تنها پسر باقیمانده جناب عالم فاضل بزرگوار آقای حاج سید علاء الدین(مدرس مطلق) از اصدقاء و اقرباء راقم این سطور، امام جماعت مسجد نیای عالیقدر و از مدرسین فقه و اصول حوزه علمیه اصفهانست، تولد ایشان ۱۵ جمادی الاولی ۱۳۴۴، و بشرحی که در حین طبع این اوراق اظهار داشتند مرحوم آقا میر محمد تقی صاحب عنوان در سن هیجده سالگی دو سالی بدرس آیة اللّه آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی(۱۲۳۵) حاضر شده و سپس بعراق عرب منتقل و چهار سالی تحصیل علم نموده و باصفهان مراجعت و خواهر شیخ محمد علی اشتری اصفهانی را بزنی گرفته و پس از زفاف دوباره بعراق بازگشته و زوجه حامله‌اش در اصفهان بود تا فرزند دختری از بوجود آمد و آندختر در حدود ده سالگی وفات یافت و پدر را ندید. آقا میر محمد تقی مقارن آن احوال باصفهان بازگشته و از آن پس خداوند سه فرزند ذکور بنامهای میر سید حسن(متولد ۱۸ ذی الحجه ۱۳۰۵) و میر محمد حسین(متولد حدود ۱۳۰۷ متوفی شب غره ذی القعده ۱۳۸۸) و میرزا** محمد باقر(متولد حدود ۱۳۱۲ متوفی روز جمعه ۲ ماه شعبان ۱۳۸۸) از همان مخدره باو کرامت فرمود که هر سه نفر از اهل علم و فضل و تقوی و در عصر ما از اخیار روزگار بودند.

رحمة اللّه علیهم اجمعین. زوجه موصوفه در حدود ۱۳۱۳ وفات یافته و میر محمد تقی دختری از خاندان ملا باشی بزوجیت اختیار مینماید که آن علویه نیز دختری بدنیا آورده و خود حین وضع حمل وفات میکند و آن دختر بزرگ شده و ازدواج نموده که فرزندانی از او باقیست.

پس از سالها باز میر محمد تقی یکی از دختران مرحوم حاج میرزا ابو القاسم زنجانی را بزوجیت اختیار نموده که از او نیز دو فرزند پسر بنامهای سید محمد رضا(متولد ۱۳۲۸ متوفی ۱۳۹۴) و آقا سید محمد جواد(متولد ۱۳۳۰) بوجود آمده که فقط اخیر در قید حیات و ساکن طهران است. م.

و دیگر آقا سید جواد ۴۱ و آقا سید رضا ۴۱ که مادر این دو نفر گوهر آغا بیگم ۳۳ دختر حاج میرزا ابو القاسم ۳۲ زنجانی (۱۳۳۶) است.

و میر سید حسن در شب جمعه ۵ ج ۲ سنه ۱۳۷۲- مطابق ۱ اسفندماه باستانی سنه ۱۳۳۱ شمسی- در اصفهان وفات کرد و در مسجد رحیم خان در مقبره جد و پدر خود دفن شد، چنان‌که در «روزنامه چهلستون. س ۲ ش ۶۸ (۸ ج ۲)» نوشته.

و دیگر حاج میر سید محمد حسین ۴۱ مدرس که در «ارشاد المسلمین. ص ۴۹» نوشته که وی پس از فوت پدر خود چندی در اصفهان بود و بعد از چند سال حرکت بتهران و در آنجا اقامه جماعت کنند و یکی از علماء آن شهر محسوب میشوند، انتهی[۸۳].

توضیح راجع بکلیشه صفحه بعد

منتخب رساله «هدایة الطالبین» در عبادات بفارسی که اصل از مرحوم آقا میر سید حسن مدرس بزرگ و منتخب از شاگردش مرحوم آخوند ملا محمد صادق بن احمد پیکانی «مذکور در تذکرة القبور: ۹۳ ط ۲» است و بسال ۱۳۲۱ ق با حاشیه فرزند مؤلف مرحوم آمیر محمد تقی صاحب عنوان در اصفهان چاپ شده است. م.

---

* محمد باقر (متولد حدود ۱۳۱۲ متوفی روز جمعه ۲ ماه شعبان ۱۳۸۸) از همان مخدره باو کرامت فرمود که هر سه نفر از اهل علم و فضل و تقوی و در عصر ما از اخیار روزگار بودند.

رحمة اللّه علیهم اجمعین. زوجه موصوفه در حدود ۱۳۱۳ وفات یافته و میر محمد تقی دختری از خاندان ملا باشی بزوجیت اختیار مینماید که آن علویه نیز دختری بدنیا آورده و خود حین وضع حمل وفات میکند و آن دختر بزرگ شده و ازدواج نموده که فرزندانی از او باقیست.

پس از سالها باز میر محمد تقی یکی از دختران مرحوم حاج میرزا ابو القاسم زنجانی را بزوجیت اختیار نموده که از او نیز دو فرزند پسر بنامهای سید محمد رضا (متولد ۱۳۲۸ متوفی ۱۳۹۴) و آقا سید محمد جواد (متولد ۱۳۳۰) بوجود آمده که فقط اخیر در قید حیات و ساکن طهران است. م.

(۱) شرح حال مرحوم حاج سید محمد حسین مذکور در (۱۳۸۸) بیاید.

سرآغاز «حاشیه فرائد الاصول» آقا میر محمد تقی بخط خودش

---

[۸۳] (۱) شرح حال مرحوم حاج سید محمد حسین مذکور در(۱۳۸۸) بیاید.

توضیح در صفحه قبل

ص: ۲۰۳۵

آقا میر سید حسن بن میر محمد تقی

ص: ۲۰۳۶

حاج سید محمد حسین بن میر محمد تقی سید محمد رضا بن میر محمد تقی

سرآغاز شرح منظومه «الدرة النجفیه» بحر العلوم بخط شارح میر سید حسن بن میر محمد تقی

ص: ۲۰۳۷

❊ (۱۲۶۱- تولد میرزا لطف اللّه خان اسد آبادی همدانی)❊

وی بطوری‌که در «الذریعه ۹: ۹۷۵ ش ۶۳۷۹» نوشته فرزند میرزا حسین بن میرزا حبیب اللّه بن میرزا مهدی بن میرزا حسین مستوفی است.

میرزا لطف اللّه خان از فضلای زمان و آزادی خواهان منور الفکر بود که در جمعه بیست و دویم ماه ربیع المولود این سال- مطابق (عقرب- قوس) ماه برجی- متولد شده و در نزد دائی خود سید جمال الدین اسدآبادی که در (۱۲۵۴ ج ۵ ش ۸۳۰) گذشت درس خوانده تا بکمال علم و دانش زینت یافت و در سرودن اشعار طبعی سرشار بهم رسانید و تخلص خود را محزون قرار داد، و کتب چندی تألیف کرد، از آن جمله «رساله‌ئی در احوال دائی مذکور خود». و پس از مدت شصت و هفت سال و نیم قمری عمر، در ماه رمضان المبارک سنه ۱۳۴۰ هزار و سیصد و چهل- مطابق (ثور- جوزا) ماه برجی- وفات کرد.

و فرزندش صفات اللّه خان از فضلاء زمان و در اشعار تخلص صفا می‌نماید. و چندین نفر شاعر دیگر بتخلص محزون هستند که فهرست آنها در سال (۱۲۷۴ ش ۱۲۹۱) بیاید. و نیز چندین نفر بلقب یا تخلص صفا هستند که در (۱۲۲۱ ج ۳ ش ۳۰۶) گذشتند.

❊ (وفات مرحوم آقا میر سید حسن مدرس اصفهانی، ره)❊

۳ ج ۲. شرح احوال وی در (۱۲۱۰ ج ۲ ش ۱۵۴) گذشت.

ص: ۲۰۳۸

نسخه اصل اجازه مرحوم آقا سید حسن مدرس (ش ۱۵۴) بصاحب «روضات الجنات» در ۶۰ سالگی مجیز و ۴۴ سالگی مجاز. اصل آنرا که در حاشیه سؤال مردم اصفهان راجع باجتهاد صاحب روضات مرقوم داشته در کتاب «ریاض الابرار» ضبط کرده‌ایم. و تصویر دیگر، چند سطر از آغاز کتاب متاجر «شرح المختصر النافع» است بخط سید مدرس و تألیف خود آن مرحوم. م.

ص: ۲۰۳۹

سنه ۱۲۳۶ شمسی

شنبه ۲۴ رجب المرجب اول حمل ماه برجی

❊ (۱۲۶۲- تولد سید محمد باقر حجت کربلائی، ره)❊

وی فرزند مرحوم سید ابو القاسم حجت است که در (۱۲۴۲ ج ۴ ش ۶۱۷) گذشت.

مرحوم سید محمد باقر از علماء عصر و اهل شعر و ادب بود، و در شنبه هشتم ماه شعبان المعظم این سال- مطابق ۱۵ حمل ماه برجی- متولد شده، و أراجیز چندی بنظم آورده از آن جمله ارجوزه‌ئی در امامت بنام «الشهاب الثاقب». و در یازدهم ماه رجب الفرد سنه ۱۳۳۱ هزار و سیصد و سی و یک، چنانکه در «الذریعه ۱۲: ۴۰» فرموده- مطابق (...) حوت ماه برجی- وفات کرده و در کربلا دفن شد. و فرزندش سید محمد صادق در (۱۳۳۷) بیاید. و دیگر از تألیفات سید محمد باقر صاحب عنوان «تتمیم دره بحر العلوم» است با تمام نماز و ضم نمودن حج بر آن.

❊ (۱۲۶۳- تولد مرتضی قلیخان صنیع الدوله تهرانی)❊

وی فرزند حاجی علیقلیخان مخبر الدوله است که در (۱۲۴۵ ج ۴ ش ۶۵۱) گذشت.

مرحوم صنیع الدوله از معاریف رجال ایران و فاضلی کافی و کاردان بود، و در شب

ص: ۲۰۴۰

یک‌شنبه نهم ماه شعبان المعظم این سال- مطابق ۱۶ حمل ماه برجی- متولد شده و در ایران و برلن در علوم عدیده و فنون جدیده درس خوانده و خود را بفنون فضائل آراست، و در دولت ناصری و مظفری و دوره مشروطه مصدر کارهای بزرگ و مورد خدمات مهمه بود. و در سنه ۱۳۰۴ پس از تلقب محمد حسنخان صنیع الدوله باعتماد السلطنه- چنانکه در «منتخب التواریخ مظفری» است- لقب صنیع الدوله یافت. و در اخلاق انسانی و کمالات نفسانی و درویش دوستی همواره بطریقه جد و پدر بسر می‌آورد، تا در روز یک‌شنبه پنجم ماه صفر الخیر سنه ۱۳۲۹ هزار و سیصد و بیست و نه بتحریک اولیاء دولت

روسیه بدست دو نفر گرجی از تبعه آن دولت بقتل رسید، و مدت پنجاه و پنج سال و پنج ماه قمری و بیست و شش روز عمر نمود.

❊ (۱۲۶۴- تولد سید محمود شکری الوسی بغدادی)❊

وی سید جمال الدین ابو المعالی فرزند سید عبد اللّه الوسی بغدادی است که در (۱۲۴۸ ج ۴ ش ۷۲۲) گذشت. سید محمود از علماء بزرگ اهل سنت در بغداد بود، و در پنج‌شنبه نوزدهم ماه رمضان المبارک این سال- مطابق (...) ثور ماه برجی- در بغداد متولد شده و در نزد پدر خود و چندین نفر دیگر از علما درس خوانده و کتب بسیاری تألیف کرد، از آن جمله:

اول کتاب «أخبار بغداد» در سه جلد: ۱- در امکنه و محال و توابع آن. ۲- در تراجم رجال آن در قرن ۱۳ که نامش «المسک الاذفر» است و ما بسیاری از آن در این کتاب آوردیم. ۳- در مساجد آن، انجام تألیفاتش سنه ۱۳۲۱. دویم کتاب «الاسرار الالهیه» در شرح «قصیده رفاعیه».

سیم کتاب «بلوغ الارب» در معرفت احوال عرب و جاهلیت. چهارم کتاب «غایة الامانی» در رد بر نبهانی، یعنی رد کتاب «شواهد الحق» در استغاثه بسید خلق تألیف شیخ یوسف بیروتی در دو جلد. و پس از مدت شصت و نه سال قمری و پانزده روز عمر، در پنج‌شنبه چهارم ماه شوال المکرم سنه ۱۳۴۲ هزار و سیصد و چهل و دو- مطابق ۱۸ ثورماه ماه برجی- وفات

ص: ۲۰۴۱

کرد، و در مدت عمر مجردانه بسر آورد و پای بست زن و فرزند نگردید. و او روایت میکند از پدرش. و روایت میکند از او میرزا فضل اللّه شیخ الاسلام زنجانی (۱۳۰۲).

❊ (۱۲۶۵- وفات سید محمد سعید افندی بغدادی)❊

وی فرزند سید محمد امین افندی سنی است که در (۱۲۳۶ ج ۳ ش ۵۰۹) گذشت.

سید محمد سعید از علماء مشاهیر و أجله فقهاء اهل سنت است و در فقه و اصول و عربیت و حدیث و تفسیر از اساتید عصر خود بوده، و در نزد پدر خود داود پاشا و عبد الرحمن افندی روزبهانی درس خوانده، و مدتی در حله فتوی می‌راند. آن‌گاه در بغداد بنیابت منصوب و پس از چندی بسمت مفتی‌گری حنفیه نائل گردید و بعد از آن از این شغل منفصل شده و در خانه خود بتدریس پرداخت و کتب چندی تألیف کرد: اول «اسئلهٔ‌ئی از شرح همزیه ابن حجر» که آنها را از برخی از علمای حیدریه هم عصر خود سؤال کرده و پس از این که او جواب داده سید محمد سعید جواب‌های او را رد و خودش بیان مراد را نموده. دویم دو «شرح بر أبیات در». سیم «شرح بر بسیاری از در مختار». چهارم شرح بر چندین رساله کوچک در موضوعات متفرقه. پنجم «شرح شرح قوشجی». ششم «شرح شواهد کتاب مجیب النداء» شهاب فاکهی در شرح «قطر الندی» ابن هشام از اشعار و امثله و آیات. هفتم «شرح اشعار عبد الباقی افندی عمری» درباره ابو حنیفه که مطلعش این است:

یا من علافی الاجتهاد مناره و بدر مذهبه غلا مقداره

هشتم «شرح عصام» در وضع، و در این شرح و «شرح شرح قوشچی» مشکلات این دو کتاب را رد کرده.

سید محمد سعید با این همه فضائل مبتلا بوسواس بوده و کتابخانه‌ئی مهم داشت که پس از فوتش همه متفرق گردید، و بذل و بخشش بسیار بر فقرا می‌نمود. و در بامداد روز شنبه

ص: ۲۰۴۲

سیزدهم ماه شوال المکرم این سال- مطابق ۲۷ ثورماه برجی- وفات کرد و در مقبره خیزران نزدیک ابو حنیفه دفن شد. و چندین نفر از شعرا برای وی مرثیه و ماده تاریخ گفتند، از آن جمله سید عبد الغفار اخرس که در (۱۲۹۱) بیاید گفته:

فی رحمة اللّه حل شیخ و جنة دارها الخلود

تفیض من صدره علوم و قد طمی بحرها المدید

و لم یزل میتا و حیا من علمه الناس تستفید

فوائد کله و فضل و ذلک العالم المفید

ففیه علم و فیه حلم و فیه باس و فیه جود

سار الی ربه غیر فان بالعز و هو العزیز الحمید

و مذ توفاه قلت أرخ: مضی الی ربه السعید

۱۲۷۳

در «المسک الاذفر» وفات او را در ۳ شنبه ۱۳ شوال این سال نوشته، و از قراری که ما در وفات سید محمود الوسی آنفا نوشتیم ۱۳ شوال آن سال شنبه بوده بدلیل تقویم آن سال و غیره، از این رو ما شنبه ۱۳ نوشتیم، و احتمال دارد که ۳ شنبه ۲۳ بوده باشد.

❊ (۱۲۶۶- تولد شیخ ابراهیم زنجانی)❊

وی (بطوری‌که در «مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی ۱: ۵۹» نوشته) فقیهی متأدب و از دانش هیئت و تاریخ و زبان فرانسه آگاه بوده، و همانا در اینسال در زنجان متولد شده و سال‌ها در نجف درس خوانده و در سنه ۱۳۰۵ بزنجان بازگشت و در

آنجا بوعظ و تدریس پرداخت و در دوره اول و دویم مجلس از زنجان بوکالت منتخب و در تهران اقامت نمود و چندین کتاب تألیف فرمود: اول «توضیح مرام دمکرات». دویم «راه زندگی در ایران».

ص: ۲۰۴۳

سیم «تلخیص ژان و الژان» ویکتورهوگو. چهارم «شهریار هوشمند». و آخر در حدود ۱۳۴۷ وفات کرد، انتهی.

❊ (۱۲۶۷- تولد مرحوم حاج میرزا ابو الفضل تهرانی، ره)❊

از قراری که در جزء ۷ جلد ۸ «اعیان الشیعه» نوشته نام وی احمد و او فرزند حاج میرزا ابو القاسم کلانتری (۱۲۳۶ ج ۳ ش ۴۹۸) است.

مرحوم حاج میرزا ابو الفضل (قدس اللّه روحه) از اجلاء و عظماء علما و فقها در عصر خود در تهران بوده و در علوم معقول و منقول و حکمت و کلام و ریاضیات تبحری تمام داشته و در سیر و تاریخ و احوال رجال و ادبیات بحری مواج بوده و اقسام اشعار عربی و پارسی را نیکو می‌سروده. و شرح احوالش در چند جا نوشته، از آن جمله «نقباء البشر: ۵۳» و «اعیان الشیعه» که در صدر عنوان ذکر شد و غیر آنها.

و او در این سال- چنان که در «الذریعه ۶: ش ۴۵۸» فرموده- در تهران متولد شده و علوم شرعیه را در خدمت پدر بزرگوار و معقول را نزد آقا محمد رضاء قمشه‌ئی و میرزای جلوه درس خواند، و در سنه ۱۳۰۰ بعتبات رفت و چندی در نجف در نزد میرزای رشتی و در سامره در خدمت میرزای شیرازی درس خواند. و فن رجال را از حاجی نوری فراگرفت، و از شیخ محمد حسین کاظمینی اجازت روایت درست کرد. آن‌گاه در سنه ۱۳۰۶ بمکه رفت و در سنه ۱۳۰۷ بتهران برگشت و سالها آنجا در مسجد و مدرسه ناصری- از بناهای مرحوم حاجی میرزا حسین خان سپهسالار- بتدریس و امامت جماعت پرداخت و طلبه[۸۴] مدرس شریفش را فوزی عظیم گرفتند. و او را تألیفاتی چند است: اول «ارجوزه در نحو» که تا باب حال رسیده.

دویم کتاب «تمیمة الحدیث» در درایت. سیم «حاشیه بر رسائل شیخ انصاری». چهارم «حواشی بر رجال نجاشی» که در اطراف آن بعلامت «ا. ب» نوشته. پنجم کتاب «الدر الفتیق» در رجال.

---

(۱) از اثر چکیدن مرکب بمقدار یک کلمه در نسخه اصل محو شده است. م.

ص: ۲۰۴۴

---

[۸۴] (۱) از اثر چکیدن مرکب بمقدار یک کلمه در نسخه اصل محو شده است. م.

ششم «دیوان اشعار». از قصائد و غزلیات بعربی و فارسی[۸۵]. هفتم کتاب «شفاء الصدور» در شرح زیارت عاشور (یا عاشورا) که خزینه‌ئی گرانبها از تحقیقات علمیه و اطلاعات عمیقه از رجال و تاریخ و علوم عربیه و غیره است، آغاز تألیف آن اواخر ماه رمضان سنه ۱۳۰۸، انجام شنبه غره صفر سنه ۱۳۰۹. هشتم کتاب «صدح الحمامه» در احوال والد علامه، یعنی پدر بزرگوارش. نهم «کتابی در تراجم» که شاید همان «الدر الفتیق» باشد. دهم کتاب «میزان الفلک» در هیئت که منظومه عربی است. یازدهم «منظومه‌ئی در صرف». دوازدهم «رساله عشقیه». سیزدهم «حواشی بر أسفار». چهاردهم «حاشیه بر مکاسب».

مرحوم حاج میرزا ابو الفضل دوران زندگی عزیزش چون ایام گل اندک بود و در روزگار جوانی در سه‌شنبه هشتم ماه صفر الخیر سنه ۱۳۱۶ هزار و سیصد و شانزده، چنانکه در حاشیه «هدایة الانام: ۴۲» بدون روز هفته نوشته- مطابق (...) سرطان ماه برجی- بمرض محرقه و حصبه وفات کرد و در نزد پدر خود در شاه عبد العظیم (ع) دفن شد، چنان‌که در «الذریعه جلد مرقوم» فرموده، و هم ما آنجا بزیارت تربت پاک او مشرف شدیم. و در «اعیان، جلد مرقوم» و جلد اول «الکنی و الالقاب» قبرش را در وادی السلام نوشته‌اند، چنانکه وفاتش را در کتاب «حیاة الشیخ الطوسی. ص ض» و شماره ۱۰ از اجزاء کتاب دانشگاه مشهد ص ۲۶۷[۸۶] در سال ۱۳۱۹ نوشته.

---

(۱) اشعار عربی صاحب ترجمه را سید سند عالم فاضل صدیقنا الحاج میر جلال الدین حسینی محدث ارموی (دام فیضه) طی ۴۰۸ صفحه رقعی بسال ۱۳۷۰ در طهران بطبع رسانیده و بعنوان «دیوان الحاج میرزا ابو الفضل الطهرانی المتوفی سنة ۱۳۱۶ ه ق» منتشر کرده‌اند، جزاه اللّه تعالی خیرا. این کتاب شریف دارای مقدمه مبسوطی است در ۱۰۸ صفحه که در آن ناشر محقق شرح حال صاحب عنوان و خاندانش را با فوائد متفرقه بسیار بتفصیل بیان داشته و نیز در حواشی دیوان تعلیقات فراوان در توضیح ابیات و مطالب و مضامین آنها نگاشته، و در مقدمه گوید که ناظم را شعر فارسی زیادی نبوده است. م.

(۲) مقصود مرحوم معلم مقاله ممتع «تحقیق و بررسی مؤلفات چاپی و عربی و غیر چاپی شیخ طوسی ...» است بقلم جناب عالم فاضل آقای حاج سید هاشم رسولی محلاتی (دامت افاضاته) که در مجلد اول «یادنامه شیخ الطائفه ابو جعفر محمد بن حسن طوسی» نشریه بسیار مفید کنگره هزاره شیخ طوسی در مشهد مقدس رضوی (ع) بسال ۱۳۸۹ چاپ شده است. م.

---

[۸۵] (۱) اشعار عربی صاحب ترجمه را سید سند عالم فاضل صدیقنا الحاج میر جلال الدین حسینی محدث ارموی(دام فیضه) طی ۴۰۸ صفحه رقعی بسال ۱۳۷۰ در طهران بطبع رسانیده و بعنوان« دیوان الحاج میرزا ابو الفضل الطهرانی المتوفی سنة ۱۳۱۶ ه ق» منتشر کرده‌اند، جزاه اللّه تعالی خیرا. این کتاب شریف دارای مقدمه مبسوطی است در ۱۰۸ صفحه که در آن ناشر محقق شرح حال صاحب عنوان و خاندانش را با فوائد متفرقه بسیار بتفصیل بیان داشته و نیز در حواشی دیوان تعلیقات فراوان در توضیح ابیات و مطالب و مضامین آنها نگاشته، و در مقدمه گوید که ناظم را شعر فارسی زیادی نبوده است. م.

[۸۶] (۲) مقصود مرحوم معلم مقاله ممتع« تحقیق و بررسی مؤلفات چاپی و عربی و غیر چاپی شیخ طوسی ...» است بقلم جناب عالم فاضل آقای حاج سید هاشم رسولی محلاتی(دامت افاضاته) که در مجلد اول« یادنامه شیخ الطائفه ابو جعفر محمد بن حسن طوسی» نشریه بسیار مفید کنگره هزاره شیخ طوسی در مشهد مقدس رضوی(ع) بسال ۱۳۸۹ چاپ شده است. م.

و او را فرزندی است بنام حاج میرزا محمد که از فضلاء عصر بشمار آید.

و دائی حاج میرزا ابو الفضل صاحب عنوان حاج حسینعلی خان بوده که او شعر می‌گفته و «دیوانی در اشعار» دارد، چنان‌که در «الذریعه ۹: ش ۱۵۲۷» فرموده.

❊ (۱۲۶۸- وفات میرزا حاجی آقا، قراچه داغی، ره)❊

وی- چنانکه از «المآثر: ۸ و ۲۰۷» برمیآید- از أجله علماء معقول بوده و در ریاضیات و فن هیئت و نجوم تسلطی تمام داشته و در شهر اهر (بسکون هاء بر وزن شهر) که میانه اردبیل و تبریز است متولد شده و تقاویم چندی استخراج و کتب بسیاری تألیف کرده، از آن جمله: «شرح و حواشی بر قضایا و مقالات کتاب تحریر مجسطی و کتاب تحریر اقلیدس». و در این سال وفات کرده، و فرزندی بنام میرزا هدایت اللّه برگذار کرد که هم از علماء فن معقول و در ریاضیات ربطی بکمال داشته.

❊ (وفات سید حسین دلداری هندی)❊

شرح احوال او در (۱۲۱۱ ج ۲ ش ۱۵۹) گذشت.

❊ (۱۲۶۹- وفات ملا حسین منجم افشار)❊

بطوری‌که در «المآثر: ۲۰۹» نوشته وی در علم نجوم احاطه شامل و بر عمل استخراج

ص: ۲۰۴۶

مهارت کامل داشته و در نزد میرزا محمد افشار ۱ و ملا آقای منجم افشار ۲ و ملا صادق منجم افشار ۳ و ملا علی منجم افشار ۴ درس خوانده و مردی خوش مشرب و نیکو محضر بوده، انتهی.

و وی در اینسال وفات کرده، و در صفحه مرقومه «المآثر» گوید او دختر مرحوم فضان آقای میر پنج را در حباله نکاح داشت و اولادی که قابل جانشینی پدر در این علم باشد برجا نگذاشت، انتهی.

❊ (۱۲۷۰- تولد حفنی بک ناصف مصری)❊

وی از اهل علم و ادب عصر ما بود که در اینسال- چنان‌که در «معجم المطبوعات: ۷۸۲» نوشته- در برکة الحج از أعمال قلیوبیه بمصر متولد شده و در جامع الازهر درس خوانده، آنگاه کاتب سر هیئت اعزامی علمی مصری که در حدود ۱۳۰۳ بمؤتمر شرقی ویانا (وین. م) روانه شدند گردید، و هم او رئیس مجلس دار العلوم قاهره و مفتش اول نظارت معارف و قاضی محاکم اهلیه و مدرس انشاء در مدرسه حقوق و علم ادب در دانشگاه بود، و کتب چندی تألیف نمود: اول کتاب «تاریخ الادب» یا «حیاة اللغة العربیه» که مجموعه محاضرات او در دانشگاه مصر است. دویم کتاب «دروس البلاغه» برای شاگردان

مدارس درجه دو که آنرا بکمک سلطان محمد و محمد دیاب و مصفی طموم تألیف کرده. سیم کتاب «الدروس النحویه» که با محمد افندی دیاب و شیخ مصطفی طموم و محمد افندی صالح تألیف کرده و آن کتاب را این مؤلفین برای مدارس ابتدائیه بطریقه‌ئی بغایت مفید در سه جلد برای سه کلاس تألیف کردند، و جلد چهارم آنرا در نحو و صرف مدارس ثانیه قرار دادند. چهارم کتاب «ذکری الهجرة النبویه». پنجم کتاب «اوزان الشعر العربی». ششم کتاب «القطار السریع» برای علم بدیع.

هفتم کتاب «ممیزات لغات العرب» که آنرا در اوقاتی که در مؤتمر شرقی ویانا بود تألیف و بدان مؤتمر اهدا نمود، و در این کتاب لغات عامیه‌ئی را که ممکن است بعربی آورد

ص: ۲۰۴۷

تخریج نموده.

و آخر پس از مدت شصت و چهار سال قمری عمر، در سنه ۱۳۳۷ هزار و سیصد و سی و هفت در قاهره وفات کرد.

❊ (۱۲۷۱- وفات مرحوم شیخ خلف آل عصفور، ره)❊

وی فرزند شیخ عبد علی بن شیخ حسین است که در (۱۲۱۶ ج ۲ ش ۲۲۹) گذشت.

شیخ خلف از علما و فقها بوده و چنان‌که در «شهداء الفضیله» نوشته در بوشهر بامامت جمعه و جماعت اشتغال داشته و تألیفاتی دارد: اول «رساله‌ئی در اصول فقه». دویم «رساله‌ئی حاوی جمله‌ئی از مسائل فقهیه». و در این سال در قریه دالکی بوشهر وفات کرده چنان‌که در «فارسنامه» است. و فرزندش شیخ عبد علی در (۱۳۰۳) بیاید.

❊ (۱۲۷۲- وفات ابن الحاج سلمی سنی)❊

وی شیخ طالب ابن حمدون بن الحاج حمدون معروف به ابن الحاج است که از اهل علم و ادب بوده و کتب چندی تألیف نموده: اول «حاشیه بر شرح شیخ بحرق حضرمی بر منظومه لامیة الافعال» ابن مالک. دویم کتاب «العقد الجوهری من فتح الحی القیوم» در حل «شرح ازهری بر مقدمه ابن آجروم» که حاشیه بر «شرح آجرومیه نحویه» خالد ازهری است و در سنه ۱۲۶۹ آنرا تمام نموده. و در اینسال چنان‌که در «معجم المطبوعات: ۷۰» نوشته وفات کرده[۸۷].

---

[۸۷] (۱) مرحوم معلم در سال آتی(۱۲۷۴ ش ۱۲۹۰) عنوان دیگری برای شیخ ابو- عبد اللّه محمد بن حمدون ابن الحاج منعقد ساخته و هر دو شرح حال را منحصرا از دو عنوان مستقل« معجم المطبوعات: ۷۰» گرفته است که آنجا در اولی گوید: ابن الحاج السلمی(۱۲۷۳) الطالب بن حمدون ...، و در دومی گوید: ابن الحاج السلمی محمد(۱۲۷۴ ه) ابو عبد اللّه محمد بن حمدون ...، و تنها مأخذی داد که نشان ه در موضع دوم است، گوید شرح‌حال وی در آغاز کتابش« نظم اوضح المسالک» مذکور است، انتهی.

(۱) مرحوم معلم در سال آتی (۱۲۷۴ ش ۱۲۹۰) عنوان دیگری برای شیخ ابو-

ص: ۲۰۴۸

❊ (۱۲۷۳- وفات عباسقلیخان کلهر، ره)❊

عباسقلیخان مردی فاضل و ریاضی‌دان بوده و «شرحی بر کتاب تشریح الافلاک» شیخ بهائی در هیئت تألیف فرموده. و در این سال در شیراز وفات نموده، چنان‌که در «مجمع الفصحا» در ضمن سلطان کرمانشهانی نوشته.

عبد اللّه محمد بن حمدون ابن الحاج منعقد ساخته و هر دو شرح حال را منحصرا از دو عنوان مستقل «معجم المطبوعات: ۷۰» گرفته است که آنجا در اولی گوید: ابن الحاج السلمی (۱۲۷۳) الطالب بن حمدون ...، و در دومی گوید: ابن الحاج السلمی محمد (۱۲۷۴ ه) ابو عبد اللّه محمد بن حمدون ...، و تنها مأخذی داد که نشان ه در موضع دوم است، گوید شرح‌حال وی در آغاز کتابش «نظم اوضح المسالک» مذکور است، انتهی.

لکن از کتاب «الاعلام ۷: ۴۰» تألیف خیر الدین زرکلی (متوفی پنج‌شنبه سوم ذی- الحجه ۱۳۹۶) و «معجم المؤلفین ۱۰: ۹۵» تألیف عمر رضا کحاله مستفاد میشود که این هر دو عنوان از آن یک نفر است نه دو نفر، و زرکلی وفات را در (۱۲۷۳) و بقولی (۱۲۷۴) و کحاله در (۱۲۷۴) نوشته و هر دو مآخذ متعددی برای شرح حالش ذکر کرده‌اند.

و مولانا عبد الحی بن عبد الکبیر حسنی ادریسی کتانی فاسی از مشایخ اجازه راقم این سطور در کتاب گرانقدرش «فهرس الفهارس و الاثبات و معجم المعاجم و المشیخات و المسلسلات ۱: ۳۵۰ طبع فاس مراکش» شرح حال مفصلتری برای همین شخص نوشته بخلاصه اینکه:

لکن از کتاب« الاعلام ۷: ۴۰» تألیف خیر الدین زرکلی(متوفی پنج‌شنبه سوم ذی- الحجه ۱۳۹۶) و« معجم المؤلفین ۱۰: ۹۵» تألیف عمر رضا کحاله مستفاد میشود که این هر دو عنوان از آن یک نفر است نه دو نفر، و زرکلی وفات را در(۱۲۷۳) و بقولی(۱۲۷۴) و کحاله در(۱۲۷۴) نوشته و هر دو مآخذ متعددی برای شرح حالش ذکر کرده‌اند.

و مولانا عبد الحی بن عبد الکبیر حسنی ادریسی کتانی فاسی از مشایخ اجازه راقم این سطور در کتاب گرانقدرش« فهرس الفهارس و الاثبات و معجم المعاجم و المشیخات و المسلسلات ۱: ۳۵۰ طبع فاس مراکش» شرح حال مفصلتری برای همین شخص نوشته بخلاصه اینکه:

« الطالب ابن الحاج. آخرین قاضیان عدل فاس، ابو عبد اللّه محمد الطالب بن جد جدی من قبل امه الامام ابی الفیض حمدون ابن الحاج السلمی الفاسی. علامه فقیه مورخ نسابه، متوفی در فاس بسال ۱۲۷۴ در حالی‌که قاضی آنجا بود. پس از فوتش چیزی که بتجهیز او کفایت کند نداشت با اینکه پیش از فاس سیزده سال قاضی مراکش بود! فراستی صادق و تحری و تثبتی تمام و اعتقادی صحیح و اطلاعی واسع و مشارکتی نیکو داشت. از تألیفات اوست:« شرح احیاء المیت فی فضائل آل البیت» سیوطی و« الازهار الطیبة النشر فی مبادی العلوم العشر» که چاپ شده و جز اینها تألیفات دیگر در فقه و تصریف و تاریخ و انساب دارد ... الخ.

م.

«الطالب ابن الحاج. آخرین قاضیان عدل فاس، ابو عبد اللّه محمد الطالب بن جد جدی من قبل امه الامام ابی الفیض حمدون ابن الحاج السلمی الفاسی. علامه فقیه مورخ نسابه، متوفی در فاس بسال ۱۲۷۴ در حالی‌که قاضی آنجا بود. پس از فوتش چیزی که بتجهیز او کفایت کند نداشت با اینکه پیش از فاس سیزده سال قاضی مراکش بود! فراستی صادق و تحری و تثبتی تمام و اعتقادی صحیح و اطلاعی واسع و مشارکتی نیکو داشت. از تألیفات اوست: «شرح احیاء المیت فی فضائل آل البیت» سیوطی و «الازهار الطیبة النشر فی مبادی العلوم العشر» که چاپ شده و جز اینها تألیفات دیگر در فقه و تصریف و تاریخ و انساب دارد ... الخ. م.

ص: ۲۰۴۹

❊ (۱۲۷۴- وفات میرزا علی أخباری نیشابوری)❊

وی کوچکترین فرزندان مرحوم حاج میرزا محمد أخباری است که در (۱۲۳۲ ج ۳ ش ۴۳۲) گذشت. و خود از علما و فضلا بوده و چندین کتاب تألیف نموده، از آن جمله: اول کتاب «سبیکة العسجد» در تاریخ بأبجد، که در آن تواریخ پادشاهان عرب و عجم را از صدر اسلام تا زمان خود بحساب حروف ابجد در پانصد صفحه نوشته و کتاب بزرگی شده.

و بالاخره وی در اینسال وفات کرده، چنانکه در «الذریعه ۱۲: ۱۳۶ ش ۹۳۲» فرموده، و در «نقباء البشر: ۶۲۰ ش ۱۰۴۵» در سال ۱۲۷۵ نوشته.

و فرزندش میرزا عبد اللّه در سنه ۱۳۲۹ وفات کرده.

و نواده او سید رؤف بن میرزا محمد بن میرزا عبد اللّه مذکور چندی در نجف تحصیل و سپس در قصبه از أعمال آبادان (عبادان) سکونت نموده، و مؤلف «الذریعه» کتاب «سبیکه» مذکور را در نجف در نزد او دیده، چنان‌که در جلد دوازدهم (ص ۱۳۶ ش ۹۲۲) فرموده.

و فرزند دیگر میرزا علی صاحب عنوان میرزا حسین است که در (۱۳۱۸) بیاید.

❊ (وفات سید علی هندی نجفی)❊

شرح احوال او در (۱۲۳۹ ج ۴ ش ۵۵۸) گذشت.

ص: ۲۰۵۰

❊ (۱۲۷۵- تولد میر عین الدین دزفولی)❊

وی فرزند سید حسین بن محمد رضاء ذهبی موسوی و خود از اهل علم و ادب و عرفان بوده و شعر هم می‌گفته، و بطوری‌که در «الذریعه ۱۹: ۲۳۴ ش ۱۰۴۷» فرموده در اینسال متولد شده و در نزد پدرش (که شاگرد آقا سید صدر الدین کاشف

دزفولی که در ۱۲۵۸ ج ۵ ش ۹۱۸ گذشت بوده) شاگردی نموده، و چندین رساله و کتاب نظما و نثرا تألیف فرموده: اول «آداب الطریقه». دویم «تاریخ مختصر دزفول». سیم مثنوی «تحفة الحجاز». چهارم مثنوی «جواهر الاسرار». پنجم «دیوان». ششم مثنوی «رشحات نوریه». هفتم مثنوی «رفیق الاولیا» یا «هدایت نامه». هشتم مثنوی «صحیفة الاصفیا» که در حدود ۵۴۰ بیت در بحر تقارب است و ده روز آنرا بنظم آورده. نهم «فوائد». دهم «فوائد الحسینیه». یازدهم مثنوی «مشرق الانوار». دوازدهم مثنوی «نغمة الاولیا». سیزدهم مثنوی «نفحة الانوار».

❊ (۱۲۷۶- تولد شاطر غلامحسین صفائی)❊

«مؤلفین کتب چاپی»

«ج ۴ ستون ۶۸۰»[۸۸]

شاطر غلامحسین صفائی قمی (۱۲۷۳ ق- معاصر). در قم متولد شده و از سن ده سالگی

---

(۱) مرحوم معلم تنها عنوان و نام مأخذ را بنحو مرقوم در نسخه اصل نوشته بودند، بناچار عین عبارت مأخذ نقل شد، و در کتاب «فرهنگ سخنوران» نام این صفائی قمی بنظر نرسید. م.

ص: ۲۰۵۱

تا بحال (۱۳۱۵ ش) در طهران مقیم است. قریب بیست هزار بیت اشعار سروده است:

«کانون شعرا، سال اول، شماره ۲». «دیوان شعر»، طهران ۱۳۰۷ ش، سربی، رقعی، خاور، باهتمام محمد مهدی‌زاده، ۵۶ صفحه. انتهی.

❊ (وفات کاترمر، مستشرق فرانسوی)❊

شرح احوال او در (۱۱۹۶ ج ۱ ش ۲۳) گذشت.

❊ (۱۲۷۷- تولد بانو عظمی افتخار الدوله قاجار)❊

وی کسرائیل خانم دختر ناصر الدینشاه (۱۲۴۷ ج ۴ ش ۶۹۳) و خود از زنان معروف عصر بود که در اینسال- چنانکه در «المآثر: ۱۱» نوشته- از بطن عفة السلطنه مادر ظل السلطان متولد شده، و پس از بزرگی بحباله زوجیت ابو الفتح خان صارم

---

[۸۸] (۱) مرحوم معلم تنها عنوان و نام مأخذ را بنحو مرقوم در نسخه اصل نوشته بودند، بناچار عین عبارت مأخذ نقل شد، و در کتاب« فرهنگ سخنوران» نام این صفائی قمی بنظر نرسید. م.

الدوله که در «المآثر: ۲۲۸» نامی از او برده درآمده، و فرزندانی که از او آورده در (ص ۱۳) آن کتاب ذکر شده‌اند، و یکی که از همه بزرگتر است امیرزاده قهرمان میرزا بوده که لقب سردار اعظم داشته و پس از پدر لقب صارم الدوله یافته و چنان‌که در «تاریخ نائین ۴: ۱۶۶» نوشته وی شوکة السلطنه دختر دائی خود ظل السلطان را که مادرش همدم السلطنه دختر میرزا تقیخان امیر بوده تزویج نموده و فرزند وی از او ابو الفتح خان قهرمان است که در دوره شانزدهم مجلس شوری نماینده اصفهان بود. و پس از فوت قهرمان میرزا، اکبر میرزا مسعود فرزند ظل السلطان لقب صارم الدوله یافت.

و بهرحال، بانو عظمی در موقع خالصه فروشی بعضی از دیهات اصفهان را خرید

ص: ۲۰۵۲

و ظلمی فراوان از او برعایای آن سامان وارد آمد، چنان‌که در «تاریخ اصفهان» در (۱۳۱۸ و ۱۳۱۹) اشاره بدانها نموده. و در «احسن الودیعه ۲: ۳۵ و ۳۶» ذکری از او فرموده و نوشته که مخارج سفر مکه پدر مؤلف را او داده و تمجیدی از او بجا آورده.

و در کتاب «الذریعه ۱۲: ش ۵۰۸» شرحی نوشته بخلاصه اینکه نسخه‌ئی از کتاب «زهرة الحیاة الدنیا» که آن جلد هفتم از کتاب «مجالس الاخبار» تألیف ملا محمد مؤمن شیرازی و در گذران عمر او است در کتابخانه ناصر الدین شاه بوده و پس از وی بدین بانو رسیده و او آنرا در نجف در معرض فروش درآورده و آن کتابی بزرگ و مشتمل بر علوم و فوائدی از نظم و نثر بود و از آن جمله قصیده‌ئی از مؤلف در مدح حضرت امیر (ع) که در هر بیتی از آن تلمیح بمبحثی از مباحث منطق بترتیب انواع قیاسات از اقترانی و استثنائی و تمام اشکال اربعه داشت که منتج خلافت آن بزرگوار میشد، انتهی.

و بهمین مناسبت ذکر او در این چند کتاب، ما وی را در این کتاب عنوان کردیم. و او در ماه شوال المکرم سنه ۱۳۵۴ هزار و سیصد و پنجاه و چهار- مطابق (دی- بهمن) ماه باستانی- وفات کرد.

❊ (۱۲۷۸- تولد شیخ محمد حرز نجفی)❊

وی فرزند شیخ علی حرز الدین است که در (۱۲۷۷) بیاید، و خود مشهور بشیخ محمد حرز و از شعرا و اهل علم و ادب در عراق عرب بود که در این سال چنان‌که در «الذریعه ۹: ۹۸۶ ش ۶۴۵۳» فرموده متولد شده، و «شرحی بر کتاب طب» پدر خود نوشته و نیز اشعار خود را در دیوانی بنام «وشی البرود» جمع کرده، و این کلمه از وشی جامه‌ها گرفته شده که آنها را برنگ‌های مختلف نقش کنند، و برود جمع برده میباشد. و او آن را بر بیست و هشت فصل بعدد حروف قوافی مرتب نموده که در محل مرقوم «الذریعه» فرماید آنها همه مسوده و محتاج بتهذیب است. و آخر پس از مدت نود و دو سال قمری عمر در سنه ۱۳۶۵ هزار و سیصد و شصت و پنج وفات کرده.

ص: ۲۰۵۳

❊ (وفات شیخ محمد امین افندی بغدادی)❊

شرح احوال او در (۱۲۲۳ ج ۳ ش ۳۳۸) گذشت.

❊ (۱۲۷۹- تولد مرحوم حاج شیخ محمد حسین کربلائی، ره)❊

وی فرزند مرحوم حاجی شیخ زین العابدین مازندرانی است که در (۱۲۲۷ ج ۳ ش ۳۸۴) گذشت.

مرحوم حاج شیخ محمد حسین از علماء عصر خود در عراق عرب بود و در این سال متولد شده و پس از پدر ریاستی شایسته بهم رسانید و با کمال تحقیق بتدریس اشتغال ورزید، و در بامداد روز چهارشنبه بیست و دویم ماه شوال المکرم سنه ۱۳۳۹ هزار و سیصد و سی و نه- مطابق ۸ سرطان ماه برجی- در کاظمین (ع) وفات کرد و در کربلا در حجره پدر بزرگوار دفن شد، چنانکه در «احسن الودیعه ۱: ۱۲۰» بدون تطبیق با شمسی فرموده. و فرزندش شیخ محمد باقر در سال (۱۳۰۰) بیاید.

❊ (۱۲۸۰- تولد شیخ محمد علی یزدی اصفهانی)❊

وی فرزند زین العابدین و خود از علماء اعلام و فضلای والامقام در عصر ما بود،

ص: ۲۰۵۴

و بطوری‌که در «نقباء: ۱۴۴۴ ش ۱۹۵۴» نوشته در اینسال در یزد در محله پای قلعه[۸۹] متولد شده و چون بحد بلوغ رسید در نزد سید علی مدرس یزدی و سید مرتضی یزدی که ملقب بشیخ مرتضی بود درس خوانده، و در سنه ۱۳۱۱ بهمراه استاد مذکور خود سید علی بمشهد مقدس رفت و چون سید علی مذکور در سنه ۱۳۱۲ در آن شهر شریف وفات کرد وی باصفهان مهاجرت نمود و آنجا در نزد حاجی آقا منیر الدین و آقا میرزا محمد حسن نجفی و غیر آنها درس خواند تا بهره‌ئی وافر از علم و معرفت بهم رسانید. و چون مرحوم آقا میرزا محمد حسن مذکور در سنه ۱۳۱۷ وفات کرد وی بتدریس برنشست و جماعتی از مجلس درس او برخاستند، و در سنه ۱۳۲۳ شروع بمناظره با یکی از ارامنه جلفا نمود که مدت دو سال طول کشید و آخر بر آن مبلغ غلبه نمود و کیفیت آن «مناظرات» را خود در رساله‌ئی مخصوص نوشته، و وی سالها در محله جهانباره اصفهان ساکن و همی در مسجد آن امامت می‌نمود، و اخیرا در محله احمد آباد ساکن شد و در محله حمام کوچک بامامت پرداخت و در نزد عوام و خواص موقعیتی بهم رسانید، تا آخر در سنه ۱۳۵۰ هزار و سیصد و پنجاه وفات کرد و در تخت پولاد در تکیه ملک دفن شد و بر قبر او سنگی افتاده که تاریخ وفاتش بر آن منقور است.

---

[۸۹] (۱) چنین است در« نقباء البشر» و حفید جلیل آتی الذکر صاحب عنوان اظهار داشتند که پای قلعه در اینجا اشتباهست و صحیح آن محله قلعه کهنه میباشد. م.

و فرزندش شیخ محمد از شاگردان آقا سید محمد نجف آبادی و آقا سید محمد مهدی درچه‌ئی بوده[۹۰].

و فرزند او شیخ محمد حسین بوده که احوال جد خود صاحب عنوان را بدین‌طور برای مؤلف تحریر نموده[۹۱].

---

(۱) چنین است در «نقباء البشر» و حفید جلیل آتی الذکر صاحب عنوان اظهار داشتند که پای قلعه در اینجا اشتباهست و صحیح آن محله قلعه کهنه میباشد. م.

(۲) فوت مرحوم آقای حاج شیخ محمد یزدی اصفهانی پس از کسالت قلب و سینه ممتد طولانی لیله پنج‌شنبه ۲۱ ماه صفر ۱۳۷۹ مطابق ۴ شهریور ماه باستانی در منزل شخصی واقع در محله سید احمدیان، روز پنج‌شنبه تشییع و مقارن ظهر در تکیه ملک جنب قبر والدش بخاک سپرده شد، رحمة اللّه علیه «نقل از یادداشتهای راقم این سطور». م.

(۳) جناب حاج آقا حسین یزدی اصفهانی از افاضل اصدقاء اینجانب که سالهاست-

ص: ۲۰۵۵

و صاحب عنوان «حاشیه بر مکاسب» و «تقریرات دروس استاد نجفی» مذکور خود را در فقه و اصول تألیف نموده، انتهی ما فی «نقبا».

و این شیخ محمد علی یزدی غیر از شیخ علی یزدی است که در (۱۳۵۳) بیاید.

❊ (۱۲۸۱- تولد قائم‌مقام التولیه ۴۰ رضوی، ره)❊

وی حاجی میرزا محمد علی ۴۰ بن حاج میر سید محمد ۳۹ بن حاج میرزا محسن ۳۸ رضوی است که جدش حاجی میرزا محسن ۳۸ در (۱۲۵۰ ج ۴ ش ۷۵۳) گذشت. و پدرش حاج میر سید محمد ۳۹ چنان‌که در «منتخب التواریخ خراسانی:

---

[۹۰] (۲) فوت مرحوم آقای حاج شیخ محمد یزدی اصفهانی پس از کسالت قلب و سینه ممتد طولانی لیله پنج‌شنبه ۲۱ ماه صفر ۱۳۷۹ مطابق ۴ شهریور ماه باستانی در منزل شخصی واقع در محله سید احمدیان، روز پنج‌شنبه تشییع و مقارن ظهر در تکیه ملک جنب قبر والدش بخاک سپرده شد، رحمة اللّه علیه« نقل از یادداشتهای راقم این سطور». م.

[۹۱] (۳) جناب حاج آقا حسین یزدی اصفهانی از افاضل اصدقاء اینجانب که سالهاست-- مقیم بلده طیبه قم و بدرس و بحث و تحقیق مشغول و همواره براه و روش پدر و جد گرامی در ترویج شریعت مطهره کوشا و در حین طبع این اوراق« ماه مبارک رمضان ۹۷» موقتا در اصفهان ساکن و لیلا و نهارا بوظائف دینیه و مشاغل علمیه و تعظیم شعائر در محراب و منبر اشتغال دارد و از مجازین شیخنا الامام الحاج شیخ آقا بزرگ طهرانی صاحب« الذریعه» میباشد. ایده اللّه تعالی. م.

۴۹۴» نوشته صدر آستانه مقدسه رضویه (ع) بوده که در سنه ۱۲۵۳ متولد شده و در رجب سنه ۱۳۱۵ وفات کرده و در مشهد مقدس در زاویه رواق پشت سر دفن شده[۹۲].

– مقیم بلده طیبه قم و بدرس و بحث و تحقیق مشغول و همواره براه و روش پدر و جد گرامی در ترویج شریعت مطهره کوشا و در حین طبع این اوراق «ماه مبارک رمضان ۹۷» موقتا در اصفهان ساکن و لیلا و نهارا بوظائف دینیه و مشاغل علمیه و تعظیم شعائر در محراب و منبر اشتغال دارد و از مجازین شیخنا الامام الحاج شیخ آقا بزرگ طهرانی صاحب «الذریعه» میباشد. ایده اللّه تعالی. م.

(۱) شرح حال حاج میرزا سید محمد مذکور در کتاب «شجره طیبه: ۱۹۰– ۱۹۸» مسطور و آنجا گوید: «ولادت با سعادتش یوم سه‌شنبه بیست و چهارم شهر صفر المظفر هزار و دویست و پنجاه و سه در مشهد مقدس اتفاق افتاد و در شهر رجب المرجب هزار و سیصد و پانزده از این دار فانی بسرای جاودانی ارتحال جست، در زاویه پس و پشت در سایه رحمت یزدانی غریق بحر نامتناهی گردید، تاریخ وفاتش (غفر له) است» انتهی.

ص: ۲۰۵۶

و مرحوم قائم‌مقام خود از اجله رجال خراسان و معاریف استان قدس بنیان رضوی (ع) بوده، و همانا او در اینسال– چنان‌که در «فهرست کتابخانه رضویه ۴: یج» نوشته– متولد حاج سید محمد علی قائم‌مقام التولیه

شده[۹۳]، و در سنه ۱۳۲۵ چنانکه در «منتخب التواریخ: ۴۳۹» فرموده تعمیری قابل و مهم در دار الضیافه مبارکه آستانه قدس کرده و ملکی بر آن وقف نموده و چندین نفر حفاظ را معین کرد که همه روزه صبح و شام در آنجا قرائت قرآن نمایند. و در شوال سنه ۱۳۴۱– چنان که در فهرست مذکور (جلد و صفحه مرقوم) نوشته متولی باشی آن روضه مطهره گردید، و در «منتخب: ۴۳۰» بدون تعیین ماه در سنه ۱۳۴۲ گفته.

و بهرحال، وی چنان‌که در «فهرست» مذکور نوشته از اموال شخصی خود رقباتی بر آستانه قدس و مسجد گوهرشاد وقف کرد، و بقعه متبرکه جد بزرگوار خود حضرت موسی–

---

[۹۲] (۱) شرح حال حاج میرزا سید محمد مذکور در کتاب« شجره طیبه: ۱۹۰– ۱۹۸» مسطور و آنجا گوید:« ولادت با سعادتش یوم سه‌شنبه بیست و چهارم شهر صفر المظفر هزار و دویست و پنجاه و سه در مشهد مقدس اتفاق افتاد و در شهر رجب المرجب هزار و سیصد و پانزده از این دار فانی بسرای جاودانی ارتحال جست، در زاویه پس و پشت در سایه رحمت یزدانی غریق بحر نامتناهی گردید، تاریخ وفاتش(غفر له) است» انتهی.

[۹۳] (۱) مرحوم میرزا محمد باقر مدرس رضوی در کتاب جلیل« شجره طیبه: ۱۹۸» راجع بصاحب عنوان گوید:« ولادت باسعادتش در ذی القعده هزار و دویست و هفتاد و سه در ارض اقدس اتفاق افتاده»، انتهی، و سپس چند صفحه بمحامد اوصاف و نقل احکام آن مرحوم اختصاص داده، و آقای سید محمد تقی مدرس رضوی(سلمه اللّه) فرزند بزرگوار مؤلف شجره طیبه و ناشر محترم آن نیز چند سطری در ص ۴۶۰ کتاب پیرامون احوال وی نوشته‌اند طالب تفصیل خود بدان کتاب شریف رجوع فرماید. م.

(۱) مرحوم میرزا محمد باقر مدرس رضوی در کتاب جلیل «شجره طیبه: ۱۹۸» راجع بصاحب عنوان گوید: «ولادت باسعادتش در ذی القعده هزار و دویست و هفتاد و سه در ارض اقدس اتفاق افتاده»، انتهی، و سپس چند صفحه بمحامد اوصاف و نقل احکام آن مرحوم اختصاص داده، و آقای سید محمد تقی مدرس رضوی (سلمه اللّه) فرزند بزرگوار مؤلف شجره طیبه و ناشر محترم آن نیز چند سطری در ص ۴۶۰ کتاب پیرامون احوال وی نوشته‌اند طالب تفصیل خود بدان کتاب شریف رجوع فرماید. م.

ص: ۲۰۵۷

المبرقع (ع) را در قم تعمیر و صحنی برای آن بنا نمود. و در (ذی القعده یا ذی الحجه) سنه ۱۳۵۶ کتب خود را وقف بر کتابخانه مبارکه رضویه کرد. و خود در یک‌شنبه بیست و ششم ماه جمادی الاولی سنه ۱۳۵۷ هزار و سیصد و پنجاه و هفت- مطابق ۲ مردادماه باستانی- وفات کرد و در دار الضیافه دفن شد[۹۴].

و همانا تاریخ وفات او را در «فهرست کتابخانه ۴: یج» بدین‌طور (دوم مردادماه ۱۳۰۷) نوشته، و گرچه احتمال سقوط «صفر» و رقم «۱» هر دو در میانه رقمین (۷ و ۳) جاری است، لکن از قراری که در دو سه سطر بعد از آن تاریخ وقف کردن او کتب خود را در بهمن ماه ۱۳۱۶ نوشته- که ما با تبدیل بقمری آنفا ذکر کردیم و در «الذریعه ۶: ۴۰۱» نیز تصریح بوفات او در سنه ۱۳۵۷ نموده- ما آن رقم ساقط را «۱» دانسته و تبدیل بقمری نموده و آنچه نوشتیم درآمد.

(۱) آقای حاج محمد احتشام در کتاب جلیل «شمس الشموس: ۳۲۷» طی ده سطری که راجع بصاحب عنوان نوشته گوید: «متوفی دوم مرداد ۱۳۱۷ شمسی مدفون در رواق دار الضیافه، بزرگ خاندان شریف سادات رضوی، از اجله اشراف عصر و

[۹۴] (۱) آقای حاج محمد احتشام در کتاب جلیل« شمس الشموس: ۳۲۷» طی ده سطری که راجع بصاحب عنوان نوشته گوید:« متوفی دوم مرداد ۱۳۱۷ شمسی مدفون در رواق دار الضیافه، بزرگ خاندان شریف سادات رضوی، از اجله اشراف عصر و در هر کار خیر پیشوا و پیشقدم و در قضاء حوائج مردم کوشا بود»، الخ. ایضا در ص ۴۳۸ کتاب مزبور ضمن چاپ شبیه صورت آن مرحوم چند سطر دیگری راجع باو نوشته است. و آقای مدرس رضوی در تعلیقات خود بر« شجره طیبه: ۴۶۰» گوید:« و در سال ۱۳۱۷ شمسی در اثر بیماری ممتدی در طهران چشم از این جهان بربست، نعشش بأرض اقدس نقل شد و در دار الضیافه مبارکه مدفون گردید»، انتهی.

و در این روزها که مشغول به این شرح‌حال بودیم« مجله وحید. ش ۲۱۴ ماه رمضان ۱۳۹۷» واصل گردید، در صفحه ۲۶ تا ۲۸ آن مقاله‌ئی است بعنوان« حاج قائم‌مقام التولیه رضوی واپسین مالکی بود که ملک فردوسی را بدو باز سپرد». نویسنده مقاله آقای محسن فرزانه پس از شرحی که راجع بمقبره فردوسی و صاحب عنوان نوشته است در آخر گوید:

« حاج قائم‌مقام التولیه ... با آنکه ملاک بزرگی بود و شاید در ایران کم‌نظیر ... مردی-- متواضع و صاحب کمال بود و میل وافری بآبادی و احداث باغ داشت، چنانکه پیوسته چاقوی پیوندزنی در جیب داشت. او شوهر خاله مادرم بود و با همه مهربان. او چهار پسر و سه دختر داشت که مرحوم دانش بزرگ‌نیا داماد دیگر او بود. حاج قائم‌مقام رضوی بسال ۱۳۱۸ بدرود زندگی گفت»، پایان مقاله.

اما چنانکه گذشت همه مآخذ وفات سید را در ۱۳۱۷ شمسی نه ۱۳۱۸ قید کرده‌اند، و اللّه العالم. م.

در هر کار خیر پیشوا و پیشقدم و در قضاء حوائج مردم کوشا بود»، الخ. ایضا در ص ۴۳۸ کتاب مزبور ضمن چاپ شبیه صورت آن مرحوم چند سطر دیگری راجع باو نوشته است. و آقای مدرس رضوی در تعلیقات خود بر «شجره طیبه: ۴۶۰» گوید: «و در سال ۱۳۱۷ شمسی در اثر بیماری ممتدی در طهران چشم از این جهان بربست، نعشش بأرض اقدس نقل شد و در دار الضیافه مبارکه مدفون گردید»، انتهی.

و در این روزها که مشغول به این شرح‌حال بودیم «مجله وحید. ش ۲۱۴ ماه رمضان ۱۳۹۷» واصل گردید، در صفحه ۲۶ تا ۲۸ آن مقاله‌ئی است بعنوان «حاج قائم‌مقام التولیه رضوی واپسین مالکی بود که ملک فردوسی را بدو باز سپرد». نویسنده مقاله آقای محسن فرزانه پس از شرحی که راجع بمقبره فردوسی و صاحب عنوان نوشته است در آخر گوید:

«حاج قائم‌مقام التولیه ... با آنکه ملاک بزرگی بود و شاید در ایران کم‌نظیر ... مردی-

ص: ۲۰۵۸

❊ (وفات آقا محمد کاظم کاشانی، ره)❊

شرح احوال او در (۱۲۰۵ ج ۱ ش ۱۱۴) گذشت.

❊ (وفات میرزا محمد نصیر نراقی کاشانی)❊

شرح احوال او در (۱۲۱۹ ج ۳ ش ۲۷۰) گذشت.

❊ (۱۲۸۲- تولد حاجی میرزا موسی خان انصاری اصفهانی)❊

حاجی میرزا موسی خان از اهل فضل و کمال و شعرای اصفهان از خانواده حاجی میرزا علی انصاری بود[۹۵]. وی در این سال متولد شده و کتابی بنام «خلاصة اللغه» تألیف نموده

---

[۹۵] (۱) مرحوم حاج میرزا حسن شیخ جابری(متوفی ۱۳۷۶) در صفحه دهم کتاب« گذارش زندگانی پیر علیل شیخ جابری» که چهل صفحه آن در اواخر ایام حیاتش چاپ-- شد و در چاپخانه ناقص ماند و منتشر نگردید، بهنگام ذکر افراد خاندانش سومین پسر حاج میرزا سلیمان(ف ۱۳۰۳) ابن میرزا اسمعیل(ف ۱۲۵۰) ابن میرزا محمد مستوفی(ف ۱۲۱۸) ابن حاج میرزا علیقلی اول ابن میرزا ربیع کلانتر اصفهان را حاج میرزا موسی« بدون معرفی بیشتر» نوشته و شش فرزند پسر با اعقابشان برای او ذکر کرده است.

نویسنده فاضل و متتبع گرامی جناب حاج سید مصلح الدین مهدوی(حفظه اللّه) نیز چند سطری راجع بصاحب عنوان در« تذکره شعرای معاصر اصفهان: ۶۸» و سپس چند سطری در« دانشمندان و بزرگان اصفهان: ۱۰۹» نوشته و در هر دو موضع اشعاری از او نقل کرده‌اند، جز اینکه ایشان هم نام پدر وی را ننوشته و فقط گویند معروف به شیخ الانصار بود، و این بیت را:

\i\s̊ وادی ایمن رسید و جابری تاریخ گفت:\z شد مهاجر موسی انصار و طور حق بدید\E\E\z در تاریخ وفاتش از حاج میرزا حسن خان مذکور نقل کرده‌اند. م.

- متواضع و صاحب کمال بود و میل وافری بآبادی و احداث باغ داشت، چنانکه پیوسته چاقوی پیوندزنی در جیب داشت. او شوهر خاله مادرم بود و با همه مهربان. او چهار پسر و سه دختر داشت که مرحوم دانش بزرگ‌نیا داماد دیگر او بود. حاج قائم‌مقام رضوی بسال ۱۳۱۸ بدرود زندگی گفت»، پایان مقاله.

اما چنانکه گذشت همه مآخذ وفات سید را در ۱۳۱۷ شمسی نه ۱۳۱۸ قید کرده‌اند، و اللّه العالم. م.

(۱) مرحوم حاج میرزا حسن شیخ جابری (متوفی ۱۳۷۶) در صفحه دهم کتاب «گذارش زندگانی پیر علیل شیخ جابری» که چهل صفحه آن در اواخر ایام حیاتش چاپ-

ص: ۲۰۵۹

و در اشعار تخلص انصاری می‌کرد، و در روز چهارشنبه بیست و دویم ماه محرم الحرام سنه ۱۳۶۰ هزار و سیصد و شصت- مطابق ۳۰ بهمن ماه باستانی- در اصفهان وفات کرد و در تکیه آقا میرزا ابو المعالی در تخت پولاد دفن شد.

❊ (وفات همایون میرزای حشمت قاجار)❊

شرح احوال او در (۱۲۱۶ ج ۱ ش ۲۲۵) گذشت.

- شد و در چاپخانه ناقص ماند و منتشر نگردید، بهنگام ذکر افراد خاندانش سومین پسر حاج میرزا سلیمان (ف ۱۳۰۳) ابن میرزا اسمعیل (ف ۱۲۵۰) ابن میرزا محمد مستوفی (ف ۱۲۱۸) ابن حاج میرزا علیقلی اول ابن میرزا ربیع کلانتر اصفهان را حاج میرزا موسی «بدون معرفی بیشتر» نوشته و شش فرزند پسر با اعقابشان برای او ذکر کرده است.

نویسنده فاضل و متتبع گرامی جناب حاج سید مصلح الدین مهدوی (حفظه اللّه) نیز چند سطری راجع بصاحب عنوان در «تذکره شعرای معاصر اصفهان: ۶۸» و سپس چند سطری در «دانشمندان و بزرگان اصفهان: ۱۰۹» نوشته و در هر دو موضع اشعاری از او نقل کرده‌اند، جز اینکه ایشان هم نام پدر وی را ننوشته و فقط گویند معروف به شیخ الانصار بود، و این بیت را:

وادی ایمن رسید و جابری تاریخ گفت: شد مهاجر موسی انصار و طور حق بدید

در تاریخ وفاتش از حاج میرزا حسن خان مذکور نقل کرده‌اند. م.

ص: ۲۰۶۰

سنه ۱۲۷۴ قمری مطابق سنه ۱۲۳۶ شمسی شنبه غره محرم الحرام (...) اسد ماه برجی

❊ (وفات فروغی شاعر بسطامی)❊

۲۵ محرم. شرح احوال او در (۱۲۱۳ ج ۲ ش ۱۹۵) گذشت.

❊ (وفات حکیم شاعر شیرازی)❊

محرم. شرح احوال او در (۱۲۳۴ ج ۳ ش ۴۷۳) گذشت.

❊ (۱۲۸۳- تولد شاهزاده یوسف ۸۶ عز الدین افندی)❊

وی فرزند سلطان عبد العزیز ۸۵ خان عثمانی است که در (۱۲۴۵ ج ۴ ش ۶۵۹) گذشت.

شاهزاده یوسف از خانواده سلاطین آل عثمان است که در پنج‌شنبه نوزدهم ماه صفر الخیر این سال- مطابق (...) میزان ماه برجی- متولد شده، و ۵ شنبه بودن ۱۹ صفر استخراج از جلد «قاجاریه ناسخ» در وقایع ۱۲۷۳ شده است. و بهرحال، او بولایت عهد

ص: ۲۰۶۱

پسر عمش سلطان محمد خامس که در (۱۲۶۲ ج ۵ ش ۱۰۰۳) گذشت نائل گردید، و پس از مدت شصت سال و یک ماه قمری و هفت روز عمر، در ساعت هفت و نیم صبح سه‌شنبه بیست و ششم ماه ربیع المولود سنه ۱۳۳۴ هزار و سیصد و سی و چهار- مطابق ۱۱ دلوماه برجی- رگ خود را گشوده و در اثر آن خود را انتحار نموده وفات کرد. و پس از وی برادرش وحید الدین ۸۶ که در (۱۳۴۴) بیاید ولیعهد شد.

❊ (۱۲۸۴- تولد شیخ محمد قاسم اردوبادی، ره)❊

شیخ محمد قاسم فرزند حاج محمد تقی بن محمد قاسم بن عبد علی بن حسن بن عبد الحسین بن عبد الحسن بن قاسم بن علی بن محسن بن قاسم است، و خود از علما و فقهاء بزرگوار عصر بود و در اخبار و رجال و آثار اطلاعی تمام داشت و شعر هم می‌گفت، و شرح احوال وی در جزء ۷ (جلد ۸) «اعیان الشیعه» و غیره نوشته، و آن‌چه از آنها برمی‌آید آن که وی در ماه جمادی الاولی این سال- مطابق (قوس- جدی) ماه برجی- متولد شده و در حدود پنجاه جلد کتاب تألیف کرده از آن جمله: کتاب «قبسات النار» در رد فجار، در اصول دین. و در آدینه پنجم ماه شعبان المعظم سنه ۱۳۳۳ هزار و سیصد و سی و سه- مطابق ۲۸ جوزا ماه برجی- در همدان وفات کرد و نعش او را از آن‌جا بعد از مدتی امانت بنجف آوردند، چنان‌که در «الکنی و الالقاب» نوشته. و فرزندش میرزا محمد علی در (۱۳۱۲) بیاید.

و نام صاحب عنوان در بعضی جاها از آن جمله «الذریعه ۸ ش ۲۴۲» محمد قاسم و در بعضی دیگر از آن جمله همین جلد «الذریعه ش ۳۸۴» ابو القاسم نوشته، و ظاهرا نام اصلی او قاسم بوده و برای احترام گاهی محمد قاسم و گاهی ابو القاسم می‌گفته‌اند. و او روایت می‌کند از حاج شیخ محمد طه نجف، و از او فرزندش میرزا محمد علی مذکور.

ص: ۲۰۶۲

سنه ۱۲۳۷ شمسی

یکشنبه پنجم شعبان المعظم اول حمل ماه برجی

❊ (وفات آقا سید محمد شفیع شوشتری، ره)❊

۲۱ ذی الحجه، شرح احوال او در (۱۲۱۱ ج ۲ ش ۱۷۳) گذشت.

❊ (۱۲۸۵- تولد میرزا ابراهیم سلماسی کاظمینی)❊

وی فرزند میرزا اسمعیل سلماسی است که در (۱۳۱۸) بیاید.

میرزا ابراهیم از علماء معقول و منقول و مردی فاضل و عابد و زاهد بوده، و در دوشنبه بیست و هشتم ماه ذی الحجة الحرام این سال- مطابق (...) اسد ماه برجی- متولد شده و در نزد چندین نفر از علما درس خوانده، و پس از مدت شصت و هفت سال و یک ماه قمری و شش روز عمر در بعدازظهر روز یک‌شنبه چهارم ماه صفر المظفر سنه ۱۳۴۲ هزار و سیصد و چهل و دو- مطابق ۲۴ سنبله ماه برجی- وفات کرد و در کاظمین (ع) نزد جد و پدر خود دفن شد.

و دختری از وی بازماند که آن را شیخ موسی فرزند استادش شیخ عباس جصانی تزویج کرد.

ص: ۲۰۶۳

❊ (۱۲۸۶- تولد میرزا آقا خان محاسب الدوله، ره)❊

وی فرزند حسینقلیخان بن میرزا محمد خان بن بیکلر خان اصفهانی و خود از فضلاء علوم هندسه و حساب و هم از تصوف و عرفان کامیاب بود. شرح احوالش در «مجله عنقا. س ۱ ش ۷ و ۸ صادره در ع ۲/ ۱۳۴۵ ص ۱۳۸» نوشته، و از آن با آنچه خود از وی شنیده و در «عراضة الاخوان» نوشته‌ام چنین برآید که: وی در این سال متولد شده و در تهران در مدرسه دار الفنون علوم ریاضیات را تحصیل کرد و از خدمت مرحوم صفی علیشاه که در (۱۲۵۱ ج ۴ ش ۷۸۰) گذشت بدرجه عرفان و درویشی نائل گردید، و کتب چندی در علوم ریاضیه و غیره برشته تألیف کشید، از آن جمله: اول «کتابی در جبر و مقابله». دویم «کتابی در جغرافیا».

سیم «تاریخ مصر». چهارم «تاریخچه مدرسه دار الفنون» که در کتاب «فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی اصفهان: ۴۶» ذکر شده. پنجم «تاریخ عمومی سلاطین اروپا».

و در سنه ۱۳۱۲- چنانکه در «سالنامه دبیرستان سعدی: ۱۵۲» نوشته- باصفهان آمد، و در بعضی مواضع آمدن او را باصفهان در سنه ۱۳۰۵ نوشته‌اند.

و بهرحال، وی هم در اصفهان در هفت ساعتی شب شنبه غره ماه جمادی الاولی سنه ۱۳۵۶ هزار و سیصد و پنجاه و شش- مطابق ۱۹ تیرماه باستانی- بروضه رضوان خرامید و در ایوان مقبره مرحوم آقا میر سید حسن مدرس که در (۱۲۱۰ ج ۲ ش ۱۵۴) گذشت دفن شد، و چندین نفر دختر و پسر از وی بازماند که یکی از دختران مادر فصیح شاعر (۱۳۳۳) است[۹۶].

---

(۱) برای تکمیل شرح حال میرزا آقاخان محاسب الدوله (مصفی) رجوع به «دانشمندان و بزرگان اصفهان: ۱۳» تألیف منیف جناب حاج سید مصلح الدین مهدوی شود. م.

ص: ۲۰۶۴

❊ (۱۲۸۷- تولد ملا ابراهیم کازرونی)❊

وی فرزند درویش محمد است که اصلا از کازرون و نزیل شیراز بوده، و در این سال- چنان‌که در «الذریعه ۲: ۱۸۶ ش ۱۲۳۵» فرموده- متولد شده، و کتابی در «سفرنامه حج» خود تألیف نموده که آن دو نسخه است، هر نسخه‌ئی برای یک سفر. و در سه‌شنبه چهارم ماه ربیع الاخر ۱۳۳۴ هزار و سیصد و سی و چهار- مطابق ۱۸ دلوماه برجی- وفات کرده. و این ملا ابراهیم شوهرعمه شیخ ضیاء الدین ابن یوسف بن ملا ابو الحسن بن یوسف حدائقی مؤلف «فهرست کتب خطی کتابخانه مجلس» بوده.

❊ (۱۲۸۸- وفات ملا احمد ارسنجانی، ره)❊

مرحوم ملا احمد فرزند میرزا کرمعلی و خود از عرفای بزرگوار و دارای فضائل حسنه و ملکات پسندیده بوده. وی- چنان‌که در «آثار عجم» نوشته- اصلا اهل مازندران و ساکن ارسنجان بوده و پس از تحصیل علوم عقلیه و نقلیه ترک علایق دنیوی نموده در خلوت نشست و اصحاب کمال و ارباب و جد و حال از حضرتش فیض‌ها می‌بردند. مدت‌ها در شیراز توطن گزید و کتب چندی تألیف کرد: اول «جواب سؤالات متفرقه». دویم کتاب «شوریده» که منظومه مثنوی است. و او در این سال وفات کرده و در قبرستان دار السلام شیراز دفن شد. و فرزندانی از وی بازماند: اول میرزا عبد الکریم که در (۱۳۱۰) بیاید. دویم میرزا کرمعلی که در محامد ذات مسلم و ساکن شیراز بوده.

---

[۹۶] (۱) برای تکمیل شرح حال میرزا آقاخان محاسب الدوله(مصفی) رجوع به« دانشمندان و بزرگان اصفهان: ۱۳» تألیف منیف جناب حاج سید مصلح الدین مهدوی شود. م.

ص: ۲۰۶۵

❊ (۱۲۸۹- تولد میرزا صادق آقای تبریزی، ره)❊

وی فرزند میرزا محمد آقا بالا مجتهد است که در (۱۲۶۷ ج ۵ ش ۱۱۳۰) ذکری از او شد. و خود از اعاظم علماء این عصر بود که در این سال متولد شده و کتب چندی تألیف نموده از آن جمله کتاب «المقالات الغرویه» در مباحث الفاظ. و در آدینه ششم ماه ذی القعدة الحرام سنه ۱۳۵۱ هزار و سیصد و پنجاه و یک- مطابق ۱۲ اسفندماه باستانی- در قم وفات کرد و در نجف دفن شد.

❊ (۱۲۹۰- تولد شیخ عبد الحسین تجلی دزفولی)❊

وی فرزند شیخ محمد طاهر بن شیخ محسن (۱۲۳۴ ج ۳ ش ۴۶۵) است که آن شیخ محسن فرزندانی داشته: یکی شیخ محمد جواد (۱۳۵۲) و دیگر شیخ محمد طاهر مذکور.

و شیخ محمد طاهر- بطوری‌که در «المآثر: ۱۵۱» فرموده- متفقهی اصولی بوده و در ایالت خوزستان ریاستی عامه و شهرتی تامه داشته وصیت فقاهت و فضیلت و زهد و تقوی و ورع و قدس وی تا بهمه جا رسیده بوده، انتهی. و بموجب مرقومات «فوائد الرضویه: ۵۴۸» در سال (۱۳۱۰ و اندی) وفات نموده.

و شیخ عبد الحسین خود از علمای بزرگ و ادبای نامی خوزستان بوده و در این سال- چنان‌که در «الذریعه ۹ ش ۱۰۵۲» فرموده- در دزفول متولد شده و از خدمت پدر نامور و غیره در تحصیل علوم بهره‌مند گردید تا در علوم فقه و اصول سرآمد اقران خود گردید و مدتی بریاضت و تهذیب نفس اشتغال ورزید، و در وعظ و خطابه تسلطی تمام بهم رسانید، و در شعر

ص: ۲۰۶۶

گفتن طبعی روان پیدا کرد و از نخست در اشعار بهار آنگاه تجلی تخلص نمود، و کتب چندی تألیف فرمود، از آن جمله: کتاب «ازاحة الشکوک و الاوهام» از مشروطیت دولت اسلام، انجام تألیف آن سنه ۱۳۲۸. و او در سنه ۱۳۰۸ باصفهان آمده آنجا سکونت نمود، و در شب آدینه بیست و هشتم ماه رمضان المبارک سنه ۱۳۳۹ هزار و سیصد و سی و نه، چنان‌که در شماره (۸- ۹) سال دهم «مجله ارمغان» نوشته- مطابق ۱۵ جوزاماه برجی- در دزفول وفات کرد، لکن آن درست نمی‌آید، زیرا که طبق تقویم آن سال از میرزا ابو القاسم خان نجم الملک: ۲۸ ماه رمضان یک‌شنبه و اگر نه دوشنبه بوده.

و بهرحال، شیخ عبد الحسین پس از خود فرزندانی بنام میرزا محمد علی و میرزا جلال که هردو از اهل علم و فضل باشند برجا گذاشت.

❊ (۱۲۹۱- وفات محزون شاعر)❊

بطوری‌که در «الذریعه ۹: ۹۷۵ ش ۶۳۸۳» فرموده، وی مولوی عبد الرحمان واعظ هندی است که در این سال وفات کرده و «دیوانی در اشعار» دارد، و در این صفحه «الذریعه» و صفحه ماقبل آن هفت نفر شاعر محزون تخلص دیگر ذکر کرده که با صاحب این عنوان بجمله هشت نفر شوند و چند نفر دیگر هم ما نشان داریم که اینک همه را بترتیب حروف اوائل کلمات بعد از تخلص‌هایشان اینجا می‌آوریم:

اول. محزون اسدآبادی که در (۱۲۷۳ ش ۱۲۶۱ ص ۲۰۳۷) گذشت.

دوم. محزون اصفهانی که در (۱۳۰۱) بیاید.

سوم. محزون بختیاری که در «جنگ بهترین اشعار» نوشته.

چهارم. محزون بلگرامی که در «الذریعه» جلد و صفحه مرقوم در ضمن صاحب عنوان نوشته.

ص: ۲۰۶۷

پنجم محزون حبیب‌آبادی که در (۱۳۰۱) در ضمن محزون اصفهانی مذکور بیاید.

ششم. محزون دیگر که نامش آقا محمد هاشم و در «الذریعه» ج و ص مرقوم نوشته.

هفتم. محزون رشتی که در «الذریعه» ج مذکور ص ۹۷۴ نوشته.

هشتم. محزون سدهی که در (۱۳۶۷) بیاید.

نهم. محزون تبریزی که او محمد حسین بن عنایت اللّه شیخ الاسلام است و در سنه ۹۲۷ وفات کرده و شاید در «تذکره نصرآبادی» یا «دانشمندان آذربایجان» باشد.

دهم. محزون همدانی که نیز در «الذریعه» جلد مرقوم بشماره ۶۳۸۴ نوشته.

و اینها را عقب‌تر یافتیم که بی‌ترتیب نوشته و می‌نویسیم.

یازدهم. محزون، و خشور اصفهانی که آقای روضاتی در ۱۴ رجب ۱۳۸۷ می‌گفتند که هنوز زنده و ساکن محله طوقچی مقابل ایستگاه ماشین است، انتهی. و احوالش باید از حاج ملا عباس تاجمیر ریاحی پرسیده شود[۹۷].

---

[۹۷] (۱) شرح حال مرحوم میرزا عباس و خشوری معروف به ادیب و خشوری را در سال تولدش(۱۳۱۶ در ۲۷ ماه رجب) ذکر می‌کنیم. وفاتش در ۲۶ ماه رمضان ۱۳۸۷ واقعشد و در تکیه گلزار تخت فولاد بخاک رفت.

شاعر فرزانه حاج ملا عباس تاجمیر ریاحی نیز در هفتم ماه صفر ۱۳۹۵ وفات یافت و در تکیه آیة اللّه صاحب روضات دفن شد.

❊ (۱۲۹۲- تولد عبد العلی میرزا احتشام الدوله، ره)❊

وی فرزند مرحوم حاج معتمد الدوله (ره) است که در (۱۲۳۳ ج ۳ ش ۴۴۸) گذشت.

مرحوم عبد العلی میرزا از شاهزادگان بزرگ و اهل علم و فضل بوده و در علوم ادبیت

---

(۱) شرح حال مرحوم میرزا عباس و خشوری معروف به ادیب و خشوری را در سال تولدش (۱۳۱۶ در ۲۷ ماه رجب) ذکر می‌کنیم. وفاتش در ۲۶ ماه رمضان ۱۳۸۷ واقعشد و در تکیه گلزار تخت فولاد بخاک رفت.

شاعر فرزانه حاج ملا عباس تاجمیر ریاحی نیز در هفتم ماه صفر ۱۳۹۵ وفات یافت و در تکیه آیة اللّه صاحب روضات دفن شد.

در «فرهنگ سخنوران» ده تن محزون و یک محزونی تخلص را ذکر کرده است که با مذکورین متن مکمل یکدیگرند. م.

ص: ۲۰۶۸

و عربیت و ریاضیه و حکمت متعالیه تسلطی تمام داشته و خط را خوش می‌نگاشته، و در عرفان و تصوف از خدمت مرحوم منور علی شاه وصفی علیشاه فیضیاب شده و شعر هم می‌گفته و تخلص عبدی می‌نموده. و او در این سال متولد شده و پس از تحصیلات و کسب عرفان از طرف منور علیشاه لقب ظهور علی یافته و پس از وفات پدر در سنه ۱۳۰۶ که برادرش سلطان اویس میرزا لقب معتمد الدوله یافت وی ملقب به احتشام الدوله و پس از وی معتمد الدوله گردید، و کتب چندی تألیف کرده، از آن جمله «کتابی در رجال». و در ماه رمضان المبارک سنه ۱۳۲۱ هزار و سیصد و بیست و یک- مطابق قوس ماه برجی- در تهران وفات کرد. و فرزندش شبل الدوله در سالنامه «نامه دانشوران» ذکر شده، و شاید اشعاری که در کتاب «نابغه علم و عرفان: ۷۷» از عبدی شاعر در مدح حاجی ملا سلطانعلی گنابدی نقل کرده از او باشد[۹۸].

❊ (۱۲۹۳- تولد شیخ عبد اللّه قطیفی، ره)❊

وی فرزند معتوق بن عبد الحسین بن مرهون، و خود از علماء عصر ما بود، و بطوری که در «الذریعه ۱۲: ۱۹۷ ش ۱۳۱۹» فرموده در اینسال متولد شده و کتابی بنام «سفینة المساکین» برای نجات شاکین، در احکام شکوک نماز تألیف نموده (که تمام آنرا شیخ فرج آل عمران در کتاب «الازهار الارجیة» درج کرده). و پس از مدت هشتاد و هشت سال عمر در سنه ۱۳۶۲ هزار و سیصد و شصت و دو وفات کرده.

در« فرهنگ سخنوران» ده تن محزون و یک محزونی تخلص را ذکر کرده است که با مذکورین متن مکمل یکدیگرند. م.

[۹۸] (۱) مأخذ اصلی مرحوم معلم در این شرح حال« طرائق الحقایق ۳: ۲۰۶» بوده و سایر مصادر در« فرهنگ سخنوران» مذکور است. م.

(۱) مأخذ اصلی مرحوم معلم در این شرح حال «طرائق الحقایق ۳: ۲۰۶» بوده و سایر مصادر در «فرهنگ سخنوران» مذکور است. م.

ص: ۲۰۶۹

❊ (۱۲۹۴- تولد شیخ علی بلادی بحرینی)❊

وی فرزند شیخ حسن بن شیخ علی بن شیخ سلیمان بن احمد آل حاجی بلادی است، و خود از علما و فقها بوده و چنانکه در «شهداء الفضیله: ۳۰۷» نوشته در این سال متولد شده، و کتب چندی تألیف کرده از آن جمله کتاب «أنوار البدرین و مطلع النیرین» در تراجم علماء قطیف و أحساء و بحرین، انجام تألیف آن ۳ شنبه ۱۰ ج ۱ سنه ۱۳۲۷[۹۹].

و در سه‌شنبه یازدهم ماه جمادی الاولی سنه ۱۳۴۰ هزار و سیصد و چهل- مطابق ۱۹ جدی ماه برجی- وفات کرد. و فرزندی بنام شیخ حسین برجا نهاد که در (۱۳۰۱) بیاید.

❊ (۱۲۹۵- تولد میرزا علی اصغر خان صدر اعظم تهرانی)❊

در جلد ۱ مقدمه (ص ۴۹) شرحی درباره صدر و اینکه آن منقسم بخاصه و عامه و صدر الممالک میشود نوشتیم، اینک اینجا گوئیم: یکی از متفرعات کلمه صدر همانا صدر اعظم است و از قراری که در «کتاب الاوائل: ۴۵۳» نوشته اول کسی که ملقب بدان شد مرحوم میر غیاث الدین منصور شیرازی از علماء معروف زمان شاه اسمعیل صفوی است و قبل از آن این لقب در اسلام نبوده، انتهی[۱۰۰].

(۱) این کتاب شریف بنام «أنوار البدرین فی تراجم علماء القطیف و الاحساء و البحرین» بدون ذکر مرادف «مطلع النیرین» بسال ۱۳۸۰ باهتمام فرزند علامه مؤلف شیخ حسین قدیحی قطیفی در نجف اشرف چاپ شده است، و ۱۴ صفحه مقدمه در شرح حال مؤلف و تقاریظ کتاب، ۴۲۰ صفحه متن و ۱۳ صفحه فهارس آن میباشد. م.

(۲) کتاب الاوائل، گرد آورده سید عالم جلیل مرحوم حاج آقا مقدس اصفهانی است که بترتیب و تهذیب و کوشش راقم این سطور سالها پیش در اصفهان بطبع رسید. م.

[۹۹] (۱) این کتاب شریف بنام« أنوار البدرین فی تراجم علماء القطیف و الاحساء و البحرین» بدون ذکر مرادف« مطلع النیرین» بسال ۱۳۸۰ باهتمام فرزند علامه مؤلف شیخ حسین قدیحی قطیفی در نجف اشرف چاپ شده است، و ۱۴ صفحه مقدمه در شرح حال مؤلف و تقاریظ کتاب، ۴۲۰ صفحه متن و ۱۳ صفحه فهارس آن میباشد. م.

[۱۰۰] (۲) کتاب الاوائل، گرد آورده سید عالم جلیل مرحوم حاج آقا مقدس اصفهانی است که بترتیب و تهذیب و کوشش راقم این سطور سالها پیش در اصفهان بطبع رسید. م.

و میرزا علی اصغر خان صاحب این عنوان فرزند آقا محمد ابراهیم امین السلطان است که در (۱۳۰۰) بیاید.

مرحوم میرزا علی اصغر خان از معاریف رجال ایران و اهل فضل و کمال بود و شعر هم می‌گفت. و او در این سال متولد شده و پس از وفات پدر در سنه ۱۳۰۰ لقب امین السلطان یافت و در ۷ رجب سنه ۱۳۱۰ ملقب بصدر اعظم و در ۲ شنبه ۳ شعبان سنه ۱۳۱۸ ملقب به اتابیک اعظم گردید. و در ۳ شنبه ۲۲ ج ۲ سنه ۱۳۲۱ از صدارت عظمی معزول شد. و او «دیوانی در أشعار» دارد و تخلص قدسی می‌نمود. و در یک‌شنبه بیست و دویم ماه رجب الفرد سنه ۱۳۲۵ هزار و سیصد و بیست و پنج- مطابق ۹ سنبله ماه برجی- در تهران در جلو خان مجلس شورای ملی بضرب شش لول عباس آقای ترک مقتول و در قم در یکی از حجرات صحن پدرش دفن شد. و فرزندانی از او بازماند، از آن جمله یکی حاجی میرزا احمد خان اتابیکی مشیر اعظم است که پسر دویم او و در ۲۰ ع ۲ سنه ۱۳۳۴ وزیر فوائد عامه شد.

و قدسی تخلص چند نفر دیگر غیر از صاحب عنوان است که اینک اسماء آنها بترتیب حروف مضاف الیه‌های تخلصاتشان اینجا ذکر میشود[۱۰۱]:

---

(۱) در «فرهنگ سخنوران» جمعا بیست و سه شاعر قدسی تخلص ذکر شده و نخستین آنان «قدسی اتابک» همین صاحب عنوان است و مآخذ او را فقط دو کتاب مدایح نگار «تذکره مجدیه» و «انجمن ناصری» و نیز جلد نهم «الذریعه: ۵۳» نوشته و گویا به پیروی مأخذ اخیر او را «پسر آقا باقر خان آبدار» و وفاتش را در ۱۳۲۷ قید کرده و در (ص ۶۵) نیز قریب بهمین مضمون گفته است. لکن این هر دو مطلب اشتباه و آنچه در متن نوشته صحیح میباشد.

بامداد نیز در ج ۲ «تاریخ رجال ایران» وی را «پسر دوم آقا ابراهیم امین السلطان» و کشته شدنش را در شب یکشنبه ۲۲ ماه رجب ۱۳۲۵ ذکر کرده، و آقا باقر خان آبدار که در «ذریعه» گفته ظاهرا مقصود آقا باقر خان سعد السلطنه خالوی صاحب ترجمه باشد که در سال ۱۲۹۰ طباخ آقا ابراهیم امین السلطان بوده و پس از آن بترقیات مهم نائل آمده و اتفاقا او نیز

---

[۱۰۱] (۱) در« فرهنگ سخنوران» جمعا بیست و سه شاعر قدسی تخلص ذکر شده و نخستین آنان« قدسی اتابک» همین صاحب عنوان است و مآخذ او را فقط دو کتاب مدایح نگار« تذکره مجدیه» و« انجمن ناصری» و نیز جلد نهم« الذریعه: ۵۳» نوشته و گویا به پیروی مأخذ اخیر او را« پسر آقا باقر خان آبدار» و وفاتش را در ۱۳۲۷ قید کرده و در(ص ۶۵) نیز قریب بهمین مضمون گفته است. لکن این هر دو مطلب اشتباه و آنچه در متن نوشته صحیح میباشد.

بامداد نیز در ج ۲« تاریخ رجال ایران» وی را« پسر دوم آقا ابراهیم امین السلطان» و کشته شدنش را در شب یکشنبه ۲۲ ماه رجب ۱۳۲۵ ذکر کرده، و آقا باقر خان آبدار که در« ذریعه» گفته ظاهرا مقصود آقا باقر خان سعد السلطنه خالوی صاحب ترجمه باشد که در سال ۱۲۹۰ طباخ آقا ابراهیم امین السلطان بوده و پس از آن بترقیات مهم نائل آمده و اتفاقا او نیز در ۱۳۲۵ که حاکم زنجان بوده مضروب و در اثر آن وفات یافته و در مقبره‌ئی مخصوص از صحن جدید قم بخاک رفت. و در« الذریعه» بجای علی اصغر ابن آقا باقر خان باید علی اصغر ابن ابراهیم خان-- نوشته باشد که او مدتی آبدارباشی خاصه ناصر الدینشاه بود. و در« مجله وحید. ش ۲۱۵ ص ۵۱ مورخه ماه رمضان ۹۷» که حین طبع این اوراق منتشر گردیده، در مقاله‌ئی زیر عنوان خاندان اتابک شرح حال میرزا علی اصغر خان را مفصلا نگاشته و اشتباها کشته شدن او را در ۵ شنبه ضبط کرده است. ایضا رجوع به« یادبودهای سفارت استانبول: ۴۳- ۴۴ ط ۲» نگاشته خان ملک ساسانی فرمائید. م.

در ۱۳۲۵ که حاکم زنجان بوده مضروب و در اثر آن وفات یافته و در مقبره‌ئی مخصوص از صحن جدید قم بخاک رفت. و در «الذریعه» بجای علی اصغر ابن آقا باقر خان باید علی اصغر ابن ابراهیم خان-

ص: ۲۰۷۱

«اول» قدسی اخوی که در (۱۳۳۵) بیاید. «دویم» قدسی اصفهانی که در (۱۲۸۷) بیاید. «سیم» قدسی رشتی که نامش میرزا زمان است. «چهارم» قدسی سبزواری که نامش میر قدسی و از شعراء مائه دهم بوده و در «تحفه سامی» نوشته. «پنجم» قدسی شیرازی که وی میرزا سلطان محمد حسنی است و در سال ۱۳۶۱ بیاید. «ششم» قدسی مشهدی که نامش حاجی محمد جان بن عبد اللّه است، وفاتش ۱۰۵۵ (یا ۵۶). «هفتم» قدسی یزدی که نامش سید محمد و در حدود (۱۳۵۵- ۱۳۵۶) وفات کرده، چنان‌که در «تاریخ یزد» فرموده؛ و بجمله با این قدسی صاحب عنوان هشت نفر از رجال بتخلص قدسی میباشند، و شاید یکی از آنها همان باشد که در «جنگ بهترین اشعار» بعنوان قدسی (مطلق) بدون وصف و قید نوشته است و شاید او غیر از این هشت نفر هم باشد.

دیگر قدسی بیرجندی که در (۱۳۵۴) بیاید.

❊ (۱۲۹۶- تولد حاج علیقلیخان سردار اسعد بختیاری)❊

وی فرزند سیم حسنیقلیخان سباره بختیاری است که در (۱۲۹۹) بیاید.

مرحوم حاج علیقلیخان از رجال فاضل و تحصیل کرده و روشن فکر بختیاری بود، و او در این سال متولد شده و چندین سال در تهران و اروپا بسر برد و یکی از عوامل مهم مشروطه گردید و کتب چندی در رمان از زبانهای اروپائی بپارسی ترجمه کرد. و آخر در عصر روز پنج‌شنبه هفتم ماه محرم الحرام سنه ۱۳۳۶ هزار و سیصد و سی و شش- مطابق ۲ عقرب ماه

- نوشته باشد که او مدتی آبدارباشی خاصه ناصر الدینشاه بود. و در «مجله وحید. ش ۲۱۵ ص ۵۱ مورخه ماه رمضان ۹۷» که حین طبع این اوراق منتشر گردیده، در مقاله‌ئی زیر عنوان خاندان اتابک شرح حال میرزا علی اصغر خان را مفصلا نگاشته و اشتباها کشته شدن او را در ۵ شنبه ضبط کرده است. ایضا رجوع به «یادبودهای سفارت استانبول: ۴۳- ۴۴ ط ۲» نگاشته خان ملک ساسانی فرمائید. م.

ص: ۲۰۷۲

برجی- در تهران وفات کرد و در تخت پولاد اصفهان در تکیه میر نزد پدرش دفن شد. و فرزند ارشدش جعفر قلی خان سردار اسعد در (۱۳۵۲) بیاید. و فرزند دیگرش محمد حسن در آدینه ۴ محرم سنه ۱۳۱۸ وفات کرده و در تکیه میر در اطاق اول بزرگ تکیه دفن شد.

❊ (۱۲۹۷- تولد طغرل شاعر چهار محلی)❊

وی میرزا علیمحمد بن میرزا محمود بن ملا محمد بن ملا ملک احمد چهارمحلی است.

میرزا محمود و پدرانش از علما و افاضل و برخی بمنصب قضاوت عسکر نائل بوده‌اند، چنانکه برادرش میرزا شهاب لاوی هم از شعرا و در (۱۲۹۱) بیاید.

و طغرل از اهل قریه لاو سمیرم علیا و از جمله شعراء اصفهان بود که در این سال- چنانکه در «نامه سخنوران: ۱۱۶» فرموده- در اصفهان متولد شده و در شاعری ابتدا شهاب و بعد از آن طغرل تخلص می‌نمود، و در روز دوشنبه سیزدهم ماه رجب الفرد سنه ۱۳۳۲ هزار و سیصد و سی و دو- مطابق ۱۸ جوزا ماه برجی- در سفر خراسان در سمنان وفات کرد و جنازه‌اش بوسیله میرزا مرتضی قلیخان نایب السلطنه بمشهد حمل و در پای پنجره فولاد دفن گردید، چنانکه در «ماه‌نامه وحید. س ۵ ش ۹ ش مسلسل ۵۷ ص ۷۶۵» نوشته.

❊ (وفات ابن الحاج سلمی سنی)❊

وی شیخ ابو عبد اللّه محمد بن حمدون ابن الحاج است که از اهل علم و ادب بوده و کتاب «اوضح المسالک» به «الفیه ابن مالک» تألیف ابن هشام را بنظم آورده و حواشی بر آن و شرحی بر نظم مذکور نوشته، و در اینسال چنان‌که در «معجم المطبوعات: ۷۰» فرموده وفات نموده[۱۰۲].

---

(۱) این ابن الحاج همانست که بشماره ۱۲۷۲ در صفحه ۲۰۴۷ گذشت. م.

❊ (۱۲۹۸- تولد مفتون شاعر محلاتی)❊

وی بطوری‌که در «الذریعه ۹: ۱۰۸۴ ش ۷۰۱۹» فرموده نامش شیخ محمد و فرزند حاج ملا علی اکبر واعظ خراسانی است که پدرش از خراسان بمحلات آمده و کتابی بنام «هادی المضلین» در اصول دین بفارسی تألیف کرده که قریب بپنج هزار بیت است. و هم آنجا بسنی در حدود ۹۰ وفات کرده.

و مفتون خود در این سال در محلات متولد شده و در هزار و سیصد و اندی بعراق عرب رفته و خدمت ملا حسینقلی همدانی رسیده و در نزد حاج میرزا حسین خلیلی در فقه درس خوانده و مردی پارسا بوده و در نجف سکونت نموده و «دیوانی در مناقب و مراثی» دارد، و در ایام محصور بودن نجف در سه‌شنبه پانزدهم ماه رمضان المبارک سنه ۱۳۳۶ هزار و سیصد و سی

---

[۱۰۲] (۱) این ابن الحاج همانست که بشماره ۱۲۷۲ در صفحه ۲۰۴۷ گذشت. م.

و شش- مطابق ۴ سرطان ماه برجی- وفات کرد. و فرزندش شیخ علی اکبر در (۱۳۱۹) متولد شده و بنام جد خود موسوم گردیده و دختر سید حسین فخر الذاکرین واعظ خراسانی محلاتی را تزویج نموده و فرزندی از این مخدره آورده که وی آقای صدر الاشراف است که در (۱۳۸۲) بیاید.

و مفتون تخلص چندین نفر دیگر از شعرا است که در (۱۲۴۰ ج ۴ ش ۵۷۲) یادآور شدیم.

❊ (۱۲۹۹- تولد شبلی نعمانی هندی اعظم گرهئی)❊

وی از اهل علم و ادب عصر خود بوده و از قراری که در «مجله یادگار. س ۵ ش ۳ ص ۵۱» نوشته نامش محمد و در این سال در اعظم گره متولد شده و علوم اسلامی را از فقه و حدیث

ص: ۲۰۷۴

و غیره و زبان عربی و فارسی را تحصیل کرده و در سنه ۱۳۰۰ در مدرسه علیگره بسمت معلمی این دو زبان برقرار شد. و در سنه ۱۳۱۰ سفری بخاورمیانه نمود و مدتی در بلاد سوریه و مصر و استانبول و بیروت و بیت المقدس سیاحت کرد. آن‌گاه در سنه ۱۳۱۴ از جانب نظام حیدر- آباد مدیر اداره علوم و فنون آن شهر شد و همواره بواسطه اطلاعاتی که از علوم اسلامی و ادبیات ألسنه ثلاثه اردو و عربی و فارسی داشت از شغلی بشغلی و از منصبی بمنصبی از مشاغل و مناصب علمی منتقل می‌گردید، و شاگردان بسیاری در اطراف وی جمع شدند، و کتب چندی تألیف کرده، از آن جمله:

اول کتاب «شعر العجم» در تراجم شعراء ایران بزبان اردو در چهار جلد که آقای سید محمد تقی فخر داعی گیلانی آنرا بفارسی ترجمه کرده بنام «ادبیات منظوم»: جلد اول در احوال شعراء متقدمین. جلد دویم در احوال متوسطین. جلد سیم در احوال متأخرین. جلد چهارم در ادبیات ایران بطور کلی، و آقای فخر داعی مذکور مقدمه‌ئی بر این جلد چهارم نوشته و شرح احوال مؤلف اصل (صاحب عنوان) را در آن مفصلا ذکر کرده[۱۰۳].

دویم کتاب «کلیات» که مجموعه‌ئی است از اشعار فارسی. سیم کتاب «فاروق».

و آخر در سه‌شنبه بیست و هشتم ماه ذی الحجة الحرام سنه ۱۳۳۲ هزار و سیصد و سی و دو- مطابق ۲۵ عقرب ماه برجی- وفات کرد.

---

(۱) چاپ اول کتاب فخر داعی بسال (۱۳۱۶ ش) در مطبعه محمد حسن علمی و شرکاء در طهران و چاپ دوم آن بنام «شعر

---

[۱۰۳] (۱) چاپ اول کتاب فخر داعی بسال(۱۳۱۶ ش) در مطبعه محمد حسن علمی و شرکاء در طهران و چاپ دوم آن بنام« شعر العجم» در پنج جلد با تغییراتی از(۱۳۳۵ تا ۱۳۳۷ ش) بوسیله کتابفروشی ابن سینا در تهران منتشر گردیده و شرح حال شبلی در این چاپ در مقدمه جلد اول است و مطالب جلد پنجم پیرامون قصیده و غزل و انواع شعر و شاعری است. م.

العجم» در پنج جلد با تغییراتی از (۱۳۳۵ تا ۱۳۳۷ ش) بوسیله کتابفروشی ابن سینا در تهران منتشر گردیده و شرح حال شبلی در این چاپ در مقدمه جلد اول است و مطالب جلد پنجم پیرامون قصیده و غزل و انواع شعر و شاعری است. م.

ص: ۲۰۷۵

❊ (۱۳۰۰- تولد حاجی شیخ محمد باقر، واثق شاعر همدانی)❊

وی فرزند آقا ملا حسنعلی بن محمد بن میرزای همدانی، و خود از اهل علم و فضل و شعر و ادب در اصفهان بود، و چنان‌که از کتاب «نصح الحبیب» خود وی و «معادن الافادات» فرزندش نیر (ج ۲ ص ۲۶) برمی‌آید، در این سال در همدان متولد شده و در سنه ۱۲۹۵ برای تکمیل تحصیل باصفهان آمد و آنجا در نزد ملا محمد باقر فشارکی (۱۳۱۴) درس خواند تا خود از علما و فضلا گردید، و در شعر تخلص واثق را برای خود برگزید، و صغرا دختر میرزا محمد علی خوشنویس (۱۲۸۷) را تزویج کرد، و در مدرسه صدر بتدریس نحو و صرف و معانی و بیان و فقه و اصول و منطق مشغول شد، و در سنه ۱۳۱۹ بمکه مشرفه رفت، و کتابی بنام «نصح الحبیب» بر وزن «مثنوی مولوی» در سنه ۱۳۱۵ در حدود هزار و سیصد شعر در نصایح و مواعظ بنظم آورده که آن را فرزندش میرزا حبیب اللّه نیر (۱۳۰۸) با سایر اشعار او که در حدود سیصد شعر می‌باشد در مجموعه‌ئی جمع و تدوین نموده.

و بالاخره در بامداد روز شنبه دوازدهم ماه ربیع الاخر سنه ۱۳۳۶ هزار و سیصد و سی و شش- مطابق ۶ دلوماه برجی- در اصفهان در خانه خود در محله درب امام وفات کرد و در تخت پولاد در صحن تکیه میرزا عبد الغفار تویسرکانی (۱۳۱۹) دفن شد و اینک قبر او در پشت بقعه در میان صحن طرف قبله بقعه معروف است، و این غزل از وی بخط فرزندش جناب نیر مرقوم (سلمه اللّه) که در نوشتن مرقومات بالا حاضر بود و آنها را تقریر می‌نمود نوشته شد:

از جمله غزلیات:

خم زلفت چنان شد پای بندم — که گوئی صید لاغر در کمندم

ندیدم چون گل رویت ببستان — هر آنچه دیده بر گلها فکندم

چنان مدهوشم از پیمانه عشق — که تا محشر نبینی هوشمندم

بمن در دوستی جوری پسندی — حرام است ار بدشمن من پسندم

ص: ۲۰۷۶

کند بیرون ز بستان باغبان سر | اگر بیند قد سرو بلندم
طبیبا داروی نسیان مرا ده | که من از یاد خوبان دردمندم
کنم من بعد ساز عشقبازی | برغم ناصحی کو دادم پندم
نشاید ناله از خوبان وگرنه | پر است از ناله چون نی بند بندم
اگر اندر غم من شادی تو است | غم عالم به واثق می‌پسندم

فرزند دیگر مرحوم واثق میرزا عبد اللّه بوده که بطوری‌که حاج شیخ محمد علی عالم خبر داد در ۶ شعبان ۱۳۹۱ وفات کرده و در مدرسه چهار باغ برای او فاتحه گرفته‌اند و در نزد پدر و برادر خود دفن شد[۱۰۴].

❊ (۱۳۰۱- وفات میرزا محمد تقی منصور علی خوئی، ره)❊

وی خواهرزاده حاج محمد ابراهیم مطلوبعلی خوئی است و مقدمة در شرح حال وی گوئیم که مرحوم حاجی محمد ابراهیم از عرفا بوده و در اصفهان و کربلا تحصیل علوم حکمت و شریعت نموده و شیخ الاسلام خوی گردید و در خدمت مرحوم حسینعلیشاه که در (۱۲۳۴ ج ۳ ش ۴۵۷) گذشت بشرف عرفان رسید و لقب مطلوبعلی یافت، و در سنه ۱۲۲۲ از جانب فتحعلیشاه بعنوان تهنیت جلوس سلطان مصطفی خان عثمانی بروم رفت و بازآمد و سفر حجاز و شام و یثرب کرد و در آذربایجان بتربیت مریدان پرداخت و حقی تمام بر ذمت این طایفه بهم رسانید، تا آخر در شهر تبریز مسموم و هم آنجا در حدود سال هزار و دویست

---

(۱) این مطلب صحیح میباشد، و حاج شیخ محمد علی (ملا محمد علی) عالم مذکور از مدرسین و اهل منبر اصفهان و حبیب‌آباد بشمار و از دوران جوانی تاکنون همواره با رؤساء علماء شهر رفت‌وآمد داشته است. م.

و سی‌واند وفات یافت و فرزندی بنام آقا فتح اللّه باز نهاد که از خدمت مجذوبعلیشاه و مستعلیشاه بهره‌ور گردید و از مرحوم صدر الممالک اجازه دستگیری یافت.

---

[۱۰۴] (۱) این مطلب صحیح میباشد، و حاج شیخ محمد علی(ملا محمد علی) عالم مذکور از مدرسین و اهل منبر اصفهان و حبیب‌آباد بشمار و از دوران جوانی تاکنون همواره با رؤساء علماء شهر رفت‌وآمد داشته است. م.

و آقا محمد تقی صاحب عنوان هم از عرفاء این فرقه و از دائی مذکور خود در هیجده سالگی برخی از اوراد و اذکار گرفت و بعد از آن از خدمت مرحوم حاج شروانی مستعلیشاه که در (۱۱۹۴ ج ۱ ش ۹) گذشت توبه و تلقین یافت و هفت سال ریاضت کشید، و نیز از فیض صحبت مجذوبعلیشاه بدرجات عالیه رسید تا در این سال در خوی وفات کرد[۱۰۵].

❊ (۱۳۰۲- تولد شوریده شاعر شیرازی)❊

وی مرحوم حاجی میرزا محمد تقی مجد الشعرا ابن عباس شاعر شیرازی است که در (۱۲۸۵) بیاید.

مرحوم شوریده از اجله شعرا و بزرگان سخنوران بوده و در روانی سخن و جذابیت کلام در چندین صد سال از این پیش تاکنون خیلی کم‌نظیر می‌نمود. و او در این سال (یا سال ۱۲۸۰) متولد شده و در هفت سالگی چشمانش از آبله نابینا شد و یا للعجب با این حال بتحصیل اشتغال ورزید و در اقسام اشعار بمراتب بلند رسید چندان که از نخست مجد الشعرا لقب یافت، و در سنه ۱۳۱۱ حسب الامر ناصر الدین شاه بتهران رفت و پس از ملاقات با وی در سنه ۱۳۱۳ او لقب فصیح الملک بوی داد، و در اشعار شوریده تخلص می‌نمود. و او تألیفاتی دارد از آن جمله کتاب «نامه روشن دلان» در شرح احوال شعرای نابینا که تمام نشده. و در شب پنج‌شنبه ششم ماه ربیع الاخر سنه ۱۳۴۵ هزار و سیصد و چهل و پنج، چنان‌که در شماره (۲- ۳) سال ۹ «مجله ارمغان» نوشته- مطابق ۲۱ مهرماه باستانی- وفات کرد و در تکیه سعدیه

---

(۱) مأخذ مطالب این شرح حال را که مرحوم معلم فراموش کرده بنویسد منحصرا کتاب «طرائق الحقائق ۳: ۱۰۴ و ۱۳۱» است و غالب عبارات عینا نقل شده. م.

شیراز در عمارتی که در حیات خود ساخته بود دفن شد. و پنج نفر پسر باقی نهاد که دو نفر بزرگ‌تر آنها بترتیب: میرزا حسین خان شیفته فصیح‌زاده و میرزا حسن خان احسان فصیحی، که این دو نفر از شعرا و همه در شماره‌های مذکور مجله مرقومه نوشته‌اند[۱۰۶].

❊ (۱۳۰۳- تولد چهره شاعر مجلسی اصفهانی)❊

---

[۱۰۵] (۱) مأخذ مطالب این شرح حال را که مرحوم معلم فراموش کرده بنویسد منحصرا کتاب« طرائق الحقائق ۳: ۱۰۴ و ۱۳۱» است و غالب عبارات عینا نقل شده. م.

[۱۰۶] (۱) مآخذ متعدد راجع به شوریده در« فرهنگ سخنوران» مذکور و شرح حال خوبی از او در« دانشمندان و سخن‌سرایان فارس ۳: ۳۲۳ ببعد» با مقدار زیادی از اشعارش(تا ص ۳۶۳) آمده است، و از ص ۳۲۴ مستفاد میشود که دو فرزند مذکور صاحب عنوان در تاریخ طبع آن جلد(۱۳۴۰ ش) اولی در تهران و دومی در شیراز سکونت داشته‌اند. م.

وی میرزا نور الدین محمد حسین بن میرزا حسنعلی بن میرزا محمد صادق بن میرزا حسنعلی بن میرزا ابو طالب بن میرزا محمد تقی ألماسی (رحمه اللّه) است.

میرزا محمد تقی الماسی در (۱۲۱۴ ج ۲ ش ۲۰۴) گذشت.

«آخر «رساله در باب فضائل و أعمال روز غدیر» تألیف میرزا محمد تقی ألماسی که نسخه» «اصل آن بخط مؤلف در ۶۴ ورق بحجم ربع در کتابخانه راقم این سطور موجود و این همان» «نسخه‌ایست که در الذریعه ۲۷: ۱۶» بنام الغدیریه معرفی شده لکن در آنجا اشتباها بجای محمد تقی» «الاصفهانی (الاصطهباناتی) چاپ شده و نیز کلمه لمؤلفها قبل از (الفقیر) افتاده است. م.

---

(۱) مآخذ متعدد راجع به شوریده در «فرهنگ سخنوران» مذکور و شرح حال خوبی از او در «دانشمندان و سخن‌سرایان فارس ۳: ۳۲۳ ببعد» با مقدار زیادی از اشعارش (تا ص ۳۶۳) آمده است، و از ص ۳۲۴ مستفاد میشود که دو فرزند مذکور صاحب عنوان در تاریخ طبع آن جلد (۱۳۴۰ ش) اولی در تهران و دومی در شیراز سکونت داشته‌اند. م.

فرزندش میرزا ابو طالب دختر میر حسیب احمد آبادی را داشته و مادر این دختر که زن میر حسیب باشد دختر آقا رضی بن ملا محمد نصیر الدین بن ملا عبد اللّه بن ملا محمد تقی مجلسی بوده، و میرزا ابو طالب از این دختر فرزند خود میرزا حسنعلی معروف بآقا میرزا را بهم رسانیده.

و این میرزا حسنعلی را در ملحقات «تذکرة القبور» چاپی (ص ۲۱۰) میرزا حسینعلی و وفاتش را در سنه ۱۲۲۷ و قبرش را در صحن تکیه خوانساری‌ها نوشته. و نیز میرزا ابو طالب دختری از این دختر میر حسیب داشته که وی زوجه میرزا حیدر علی مجلسی (۱۲۱۴ ج ۲ ش ۲۰۴) بوده.

و یکی دیگر از زنان میرزا ابو طالب مرقوم زنی بوده که مادر او دختر میرزا جعفر بن ملا محمد باقر مجلسی بوده و از او پسری بنام میرزا محمد حسین و دختری بهم رسانیده. و میرزا محمد صادق فرزند این میرزا حسنعلی دختر عمش این میرزا محمد حسین بن میرزا ابو طالب را داشته، چونکه میرزا محمد حسین مرقوم از زوجه خود که دختر عمش میرزا ابو القاسم بوده سه پسر و چهار دختر داشته که یکی از دختران همین زوجه میرزا محمد صادق و دیگری زوجه میرزا محمد حسین نواده مرحوم آقا حسین خوانساری بوده و از او هم اولادی بهم رسیده.

نمونه خط و مهرهای پدر صاحب ترجمه. سجع آنها چنین است:

«لا اله الا اللّه الملک الحق المبین عبده حسنعلی» و «حسنعلی بن محمد صادق المجلسی». م.

و بهرحال، میرزا نور الدین صاحب این عنوان از شعرا و اهل وعظ و منبر در اصفهان بود، و بطوری‌که از کتاب «تاریخ جرائد و مجلات ایران ۱: ۲۹۵» برمی‌آید او در این

ص: ۲۰۸۰

سال در اصفهان متولد شده[۱۰۷] و سال‌ها در محله شمس‌آباد سکونت داشت، و در أشعار تخلص چهره می‌نمود، و مردی خوش محاوره و خوش محضر بود، و در مدرسه شمس‌آباد که از بناهای جدش میرزا محمد تقی الماسی بود امامت جماعت داشت، و چندین کتاب تألیف کرد:

اول «روزنامه انجمن بلدیه». دویم «رساله‌ئی در توحید». سیم «تاریخ فهرست ملل».

چهارم «رساله‌ئی در هیئت و نجوم». پنجم «کتابی در اخلاق». ششم «نثر هزل». هفتم اشعار بسیار که تاکنون جمع نشده، و علاوه بر فضائل فوق انواع خطوط را از نسخ و رقاع و شکسته و نستعلیق خوب مینوشت و در تذهیب و نقاشی و کاریکاتور و آوردن نقشه‌های بدیع بواسطه ناخن بروی کاغذ کمال مهارت را داشت.

و بالاخره، در یک ساعت گذشته از شب دوشنبه نیمه ماه رمضان المبارک سنه ۱۳۴۷ هزار و سیصد و چهل و هفت- مطابق ۶ اسفند ماه باستانی- وفات کرد و در تخت پولاد در تکیه خوانساریها

---

(۱) میرزا حسنعلی پدر صاحب عنوان پیرامون هفتاد منقبت از مناقب حضرت امیر المؤمنین علی بن ابیطالب (علیهما السلام) که در کتاب «خصال» شیخ صدوق (ره) روایت شده با شمه‌ئی از مصائب معصومین (علیهم السلام) کتاب مبسوطی بنام «منتخب المناقب فی فضایل علی بن ابیطالب» بفارسی تألیف نموده که نسخه اصل آن بخط کاتب «سید هاشم موسوی» و تصحیح و تکمیل شخص مؤلف در ۲۹۵ ورق رحلی اینک در کتابخانه راقم سطور است و در پایان کتاب تاریخ ختم تألیف را که مقارن با ولادت صاحب عنوان بوده مؤلف چنین نوشته است: «و قد اتفق الفراغ من تألیف هذا الکتاب المستطاب فی العشر الاول من شهر ذی القعدة الحرام من شهور سنة اربع و سبعین و مائتین و ألف، و قد طابق اختتام هذا الکتاب مع ولادة

---

[۱۰۷] (۱) میرزا حسنعلی پدر صاحب عنوان پیرامون هفتاد منقبت از مناقب حضرت امیر المؤمنین علی بن ابیطالب(علیهما السلام) که در کتاب« خصال» شیخ صدوق(ره) روایت شده با شمه‌ئی از مصائب معصومین(علیهم السلام) کتاب مبسوطی بنام« منتخب المناقب فی فضایل علی بن ابیطالب» بفارسی تألیف نموده که نسخه اصل آن بخط کاتب« سید هاشم موسوی» و تصحیح و تکمیل شخص مؤلف در ۲۹۵ ورق رحلی اینک در کتابخانه راقم سطور است و در پایان کتاب تاریخ ختم تألیف را که مقارن با ولادت صاحب عنوان بوده مؤلف چنین نوشته است:« و قد اتفق الفراغ من تألیف هذا الکتاب المستطاب فی العشر الاول من شهر ذی القعدة الحرام من شهور سنة اربع و سبعین و مائتین و ألف، و قد طابق اختتام هذا الکتاب مع ولادة ولدی العزیز نور الدین محمد حسین(طول اللّه عمره) و کان ولادته فی وقت زوال یوم الجمعة السابع و العشرین من شهر ذی القعدة الحرام المزبور، و من حسن الاتفاق مادة التاریخین: تولد نور الدین محمد حسین مبارک» الخ. که معلوم میشود ولادت صاحب ترجمه بهنگام ظهر روز جمعه ۲۷ ذی القعده بوده است. این نسخه« منتخب المناقب» و نسخه« رساله غدیریه» میرزا محمد تقی الماسی از کتبی است که مرحوم میرزا مجد الدین نصیری امینی در حدود پنجاه سال قبل از خاندان الماسی خریداری کرده و پس از فوت آن مرحوم بدست اینجانب رسید. م.

ولدی العزیز نور الدین محمد حسین (طول اللّه عمره) و کان ولادته فی وقت زوال یوم الجمعة السابع و العشرین من شهر ذی القعدة الحرام المزبور، و من حسن الاتفاق مادة التاریخین: تولد نور الدین محمد حسین مبارک» الخ. که معلوم میشود ولادت صاحب ترجمه بهنگام ظهر روز جمعه ۲۷ ذی القعده بوده است. این نسخه «منتخب المناقب» و نسخه «رساله غدیریه» میرزا محمد تقی الماسی از کتبی است که مرحوم میرزا مجد الدین نصیری امینی در حدود پنجاه سال قبل از خاندان الماسی خریداری کرده و پس از فوت آن مرحوم بدست اینجانب رسید. م.

ص: ۲۰۸۱

اصل این سرمشق در نسخه «منتخب المناقب» بود و احتمالا خط میرزا نور الدین مجلسی «چهره» است. م.

ص: ۲۰۸۲

دفن شد، و مرحوم سینای کرونی این اشعار را در مرثیه و ماده تاریخ وی فرموده:

دریغ از آفتاب علم نور الدین — که بنمود از غروبش دوستان غمگین

کسی کز برک گل جسمش بیازردی — نمودی خاک بستر خشت را بالین

معانی و بیانش بس بدیع آمد — که نظم دلکش او بود چون پروین

چو بشنید ارجعی لبیک‌گو شادان — پی رفتن بزد بر مرکب جان زین

رقم زد کلک سینا بهر تاریخش — بجاویدان حیاتی یافت نور الدین

۱۳۴۸

این ماده تاریخ علاوه بر اینکه یک عدد زیاد است از طبع غراء استاد شعراء اصفهان در عصر خود مرحوم سینا این بحر نامطبوع غریب است!

و بهرحال، میرزا نور الدین فرزندانی بنام میرزا جلال الدین و جمال الدین و کمال الدین و ضیاء الدین و یک دختر داشته، جلال الدین وفات کرده و کمال الدین و جمال الدین هر دو اهل فضل و شاعری را از پدر بارث برده‌اند و در وزارت فرهنگ کار می‌کنند، و ضیاء الدین عضو دفتری بنگاه راه‌آهن است[۱۰۸].

---

[۱۰۸] (۱) از فرزندان یادشده صاحب عنوان در تاریخ طبع این اوراق کسی باقی نیست. م.

(۱) از فرزندان یادشده صاحب عنوان در تاریخ طبع این اوراق کسی باقی نیست. م.

ص: ۲۰۸۳

سنه ۱۲۷۵ قمری مطابق سنه ۱۲۳۷ شمسی ۴ شنبه غره محرم الحرام (...) اسد ماه برجی

❊ (۱۳۰۴- تولد مارگلیوس خاورشناس انگلیسی)❊

مارگلیوس که او را در عبارات عربی داود (دافید) صمویل (مرجلیوس) می‌نویسند، فرزند حزقیل مارگلیوس، و از مستشرقین معروف اروپا است و بخصوص در آداب لغت عربی تبحر و تخصصی تمام دارد. وی در یک‌شنبه نهم ماه ربیع المولود این سال- مطابق (...)

میزان ماه برجی- در لندن متولد شده، و کتب چندی تألیف و ترجمه نموده، از آن‌جمله:

اول «کتابی در مشاهد اورشلیم (بیت المقدس) و دمشق». دویم کتاب «محمد و نهضت اسلام».

سیم کتاب «دیانت محمدیه». و چندین کتاب از آن‌جمله کتاب «معجم الادباء» یاقوت را که نامش «ارشاد الاریب الی معرفة الادیب» است تصحیح و طبع نموده[۱۰۹].

(۱)leumaS divaD ,htuoilograM . زرکلی در «الاعلام ۳: ۴» گوید که وی چیزهائی از اسلام و مسلمین بزبان خود نوشته لکن با وجود اطلاع و معرفت پهناوری که از مسلمین و فرهنگ آنان داشته از خود خلوص عقیده علمی نشان نداده، غرض‌رانی کرده است.

شرح‌حال و تفصیل اسامی تألیفات و آثار مارگلیوس در «المستشرقون ۲: ۵۱۸ ببعد» و «معجم المؤلفین ۴: ۱۳۸» و «فرهنگ خاورشناسان: ۲۲۴ ببعد» آمده و در مستشرقون تولد و وفاتش را بمیلادی (۱۸۵۸- ۱۹۴۰) نوشته و در معجم المؤلفین آنرا مطابق (۱۲۷۴- ۱۳۵۹) هجری قمری دانسته است. م.

ص: ۲۰۸۴

[۱۰۹] (۱)leumaS divaD ,htuoilograM . زرکلی در« الاعلام ۳: ۴» گوید که وی چیزهائی از اسلام و مسلمین بزبان خود نوشته لکن با وجود اطلاع و معرفت پهناوری که از مسلمین و فرهنگ آنان داشته از خود خلوص عقیده علمی نشان نداده، غرض‌رانی کرده است.

شرح‌حال و تفصیل اسامی تألیفات و آثار مارگلیوس در« المستشرقون ۲: ۵۱۸ ببعد» و« معجم المؤلفین ۴: ۱۳۸» و« فرهنگ خاورشناسان: ۲۲۴ ببعد» آمده و در مستشرقون تولد و وفاتش را بمیلادی(۱۸۵۸- ۱۹۴۰) نوشته و در معجم المؤلفین آنرا مطابق(۱۲۷۴- ۱۳۵۹) هجری قمری دانسته است. م.

❊ (۱۳۰۵- تولد شیخ احمد آل حر عاملی، ره)❊

آل حر در (۱۲۰۷ ج ۲ ش ۱۲۳) گذشت. و شیخ احمد فرزند شیخ علی بن شیخ احمد جباعی، و خود از اهل علم و اخلاق حسنه بوده و در روز آدینه از ماه جمادی الاولی این سال- مطابق (قوس- جدی) ماه برجی- متولد شده، و در جبع در نزد شیخ محمد حسین محمد عاملی درس خوانده، و در سه‌شنبه سیم ماه رمضان المبارک سنه ۱۳۳۴ هزار و سیصد و سی و چهار- مطابق ۱۳ سرطان ماه برجی- وفات کرد[۱۱۰].

❊ (۱۳۰۶- وفات مرحوم حاجی میرزا زین العابدین ۳۲ خوانساری)❊❊ (اعلی اللّه مقامه)❊

وی فرزند مرحوم آقا سید جعفر ۳۱ ثانی خوانساری است که در (۱۲۴۰ ج ۴ ش ۵۶۶) گذشت. و شرح احوالش در چندین کتاب نوشته که از آن‌جمله «رساله» فرزندش میرزا محمد باقر در احوال آباء و اجدادش باشد، و آنچه از همه اینها برمی‌آید این که: او از عظماء علما و فقهاء اصفهان بوده و مانند پدران و فرزندان خویش در أدبیت و عربیت تبحری غریب داشته، و در هشتم ماه ذی القعدة الحرام سنه ۱۱۹۰ هزار و صد و نود، بنص «رساله» مذکوره

---

(۱) این شرح حال منحصرا مأخوذ از «اعیان الشیعه ۱۰: ۱۳۹ ط ۱» است، و ترجمه سه سطری صاحب عنوان در «نقباء البشر: ۱۱۰» نیز ظاهرا از همان کتابست، لکن شاگردی او را نزد شیخ عبد اللّه نعمه که در نقبا آورده از اعیان استفاده نمیتوان کرد و تنها گفته است که در مدرسه شیخ عبد اللّه نعمه در جبع درس میخواند. م.

ص: ۲۰۸۵

(ص ۶)- مطابق (...) قوس ماه برجی سنه ۱۱۵۷ شمسی- در خوانسار متولد شده، و چندی «خط صاحب ترجمه در نوجوانی بسال ۱۲۰۴ و خط پدرش در حاشیه»

در آنجا مانده و در نزد پدر خود و دو پسرعمش سید ابو القاسم (۱۲۱۲ ج ۲ ش ۱۷۸) و سید محمد مهدی (۱۲۴۶ ج ۴ ش ۶۹۰) درس خواند، آنگاه بعتبات رفت و اندکی توقف و تحصیل نموده و بخوانسار بازآمد و از آنجا باصفهان رفت و تحصیلات خود را تمام کرده و کتب چندی تألیف فرمود، از آن‌جمله کتاب «شرح زبده شیخ بهائی (ره)» در اصول فقه که آنرا

---

[۱۱۰] (۱) این شرح حال منحصرا مأخوذ از« اعیان الشیعه ۱۰: ۱۳۹ ط ۱» است، و ترجمه سه سطری صاحب عنوان در« نقباء البشر: ۱۱۰» نیز ظاهرا از همان کتابست، لکن شاگردی او را نزد شیخ عبد اللّه نعمه که در نقبا آورده از اعیان استفاده نمیتوان کرد و تنها گفته است که در مدرسه شیخ عبد اللّه نعمه در جبع درس میخواند. م.

در اوائل عمر خود نوشته[111]. و در «رساله» مرقومه در (ص ۹ تا ۱۴) چندین نفر را از مشایخ روایت و اساتید درس او نوشته بدین شرح:

---

(۱) از صاحب ترجمه «قدس اللّه روحه» تألیفات متعددی بجای مانده است که چند رساله از آنها در نزد راقم این سطور موجود و با تعدادی از کتب مستنسخه آن مرحوم همه را با شرح احوال خود و خاندانش در چندین کتاب، از جمله «زندگانی آیت اللّه چهارسوقی» و مجلدات «فهرست کتب خطی کتابخانه‌های اصفهان» و «شرح روضات الجنات» و «جامع الانساب» و جاهای دیگر معرفی کرده‌ایم. م.

ص: ۲۰۸۶

۱- پدرش آقا سید جعفر ۲- حاج میر محمد حسین[112] امام جمعه ۳- حاج سید محمد باقر بیدآبادی ۴- میر محمد معصوم رضوی مشهدی ۵- آقا سید صدر الدین عاملی ۶- حاجی کرباسی ۷- ملا علی اکبر اجیه‌ئی ۸- ملا علی نوری ۹- شیخ حسین بحرینی برادر- زاده شیخ یوسف که وی را در (ص ۱۴) ذکر کرده و فرماید پدرش این شیخ حسین را در سفر حج در یکی از بنادر درک کرد ۱۰- پسرعمش سید ابو القاسم مذکور که در (۱۲۱۲) گذشت ۱۱- پسرعم دیگرش سید محمد مهدی مذکور که در (۱۲۴۶) گذشت.

«نمونه‌ئی دیگر از خط صاحب عنوان»

و پس از مدت هشتاد و دو سال و هفت ماه قمری و یک روز عمر[113]، در هنگام طلوع فجر

---

(۱) تاریخ اجازه حاج میر محمد حسین دهه اخیر ۱۲۲۲ بوده و آنجا مجاز را چنین وصف کرده است: «... السید الاید النجیب الحسیب النسیب الادیب الفطن الالمعی المتوقد الذکی البارع الزکی العالم العامل الصالح حاوی فنون الکمالات حایز

---

[111] (۱) از صاحب ترجمه« قدس اللّه روحه» تألیفات متعددی بجای مانده است که چند رساله از آنها در نزد راقم این سطور موجود و با تعدادی از کتب مستنسخه آن مرحوم همه را با شرح احوال خود و خاندانش در چندین کتاب، از جمله« زندگانی آیت اللّه چهارسوقی» و مجلدات« فهرست کتب خطی کتابخانه‌های اصفهان» و« شرح روضات الجنات» و« جامع الانساب» و جاهای دیگر معرفی کرده‌ایم. م.

[112] (۱) تاریخ اجازه حاج میر محمد حسین دهه اخیر ۱۲۲۲ بوده و آنجا مجاز را چنین وصف کرده است:« ... السید الاید النجیب الحسیب النسیب الادیب الفطن الالمعی المتوقد الذکی البارع الزکی العالم العامل الصالح حاوی فنون الکمالات حایز قصب السبق فی مضامیر السعادات سالک مسالک البر و التقی مجتنب مهاوی الغی و الردی المشتغل بطاعة رب العباد ...» تا آخر مدایح و محامدی که برای آنمرحوم نوشته است. م.

[113] (۲) این حساب مبنی بر تولد صاحب عنوان است در سنه ۱۲۹۲ که مرحوم معلم ابتدا به پیروی از چاپ اول« روضات» در اینجا نوشته بود و بعد که طبق مآخذ دیگر سال ولادت-- را ۱۲۹۰ اختیار نموده و بنابراین تاریخ اخیر سنین عمر آنمرحوم ۸۴ سال میشود، خود از تغییر این حساب غفلت نموده و لذا عبارت بحال اول باقی مانده است. م.

قصب السبق فی مضامیر السعادات سالک مسالک البر و التقی مجتنب مهاوی الغی و الردی المشتغل بطاعة رب العباد ...» تا آخر مدایح و محامدی که برای آنمرحوم نوشته است. م.

(۲) این حساب مبنی بر تولد صاحب عنوان است در سنه ۱۲۹۲ که مرحوم معلم ابتدا به پیروی از چاپ اول «روضات» در اینجا نوشته بود و بعد که طبق مآخذ دیگر سال ولادت-

ص: ۲۰۸۷

روز شنبه دهم ماه جمادی الاخری این سال، چنانکه در مقدمه «میزان الانساب: ۱۵» نوشته- مطابق (...) جدی‌ماه برجی- وفات کرده و در تخت پولاد اصفهان در تکیه شیخ محمد تقی طرف بالاسر مادر شاهزاده در توی بقعه میان تکیه دفن شد، و بر روی سنگ قبر او تاریخ فوتش ۹ ج ۲ ثبت شده.

و فرزند دویم او حاجی میرزا محمد ۳۳ از علما بوده و در نزد میرزای قمی درس خوانده، تولدش ۱۱ محرم سنه ۱۲۲۲، مدت عمرش ۷۱ سال و ۸ ماه و ۱۷ روز، وفاتش «خاتمه تعلیقات شرح لمعه بخط مرحوم حاج میر سید محمد بن زین العابدین» «در یک مجموعه رسائل از کتب کتابخانه سید محمد علی روضاتی عفی اللّه عنه»

- را ۱۲۹۰ اختیار نموده و بنابراین تاریخ اخیر سنین عمر آنمرحوم ۸۴ سال میشود، خود از تغییر این حساب غفلت نموده و لذا عبارت بحال اول باقی مانده است. م.

ص: ۲۰۸۸

۲۸ رمضان سنه ۱۲۹۳، چنان‌که در «شجره‌نامه چهارسوئی‌ها» است و در «نسبنامه الفت» در سنه ۱۲۹۳ (در ص ۲۱۸) و در (ص ۱۱۴) ۱۲۹۷ نوشته که مانند «احسن الودیعه» باشد.

و قبرش بالای سر پدرش در بیرون بقعه است[۱۱۴]. و اگرچه تولدش در این سال با درس خواندنش نزد میرزا قدری منافات دارد لکن در «احسن الودیعه» این‌طور نوشته، و فرزندانی از او بازماند، از آن‌جمله مرحوم آقا میر سید علی ۳۴ که در (۱۲۴۷ ج ۴ ش ۶۹۶) گذشت.

---

[۱۱۴] (۱) حاج میر سید محمد مذکور از علماء اعلام و محققین عظام بوده تألیفاتی دارد و بالخصوص در احیاء نسخ نادره و آثار نفیسه اهتمامی تمام داشته صدها کتاب و رساله بخط جلی خود استنساخ یا تکمیل فرموده و مجموعه‌ها و جنگ‌های بسیار مرتب نموده و همه را خود مقابله و تصحیح و سپس بصحافی و تجلید رسانیده است، شکر اللّه سعیه. از اینگونه آثار آنمرحوم مقدار زیادی در نزد راقم این سطور و هم در دست بعضی منسوبین و بلکه در-- کتابخانه‌های خصوصی و عمومی اصفهان و بلاد و اماکن دیگر موجود است و برخی از آنها را در جلد چاپ شده و مجلدات چاپ نشده« فهرست کتب خطی» معرفی کرده‌ایم. م.

و سه نفر دیگر فرزندان صاحب عنوان میرزا محمد باقر ۳۳ و میرزا محمد صادق ۳۳ و میرزا محمد هاشم ۳۳ در (۱۲۲۶ و ۱۲۲۸ و ۱۲۳۵ ج ۳ ش ۳۷۰ و ۳۸۷ و ۴۷۷) بترتیب گذشتند.

«سرآغاز تعلیقات شرح لمعه تألیف محقق علامه حاج سید حسین موسوی» «خوانساری جد صاحب عنوان که ۱۵ صفحه اول نسخه بخط مرحوم میرزا محمد» «جواد و ۴۴ صفحه بقیه بخط برادرش حاج میر سید محمد سابق الذکر است. م»

---

(۱) حاج میر سید محمد مذکور از علماء اعلام و محققین عظام بوده تألیفاتی دارد و بالخصوص در احیاء نسخ نادره و آثار نفیسه اهتمامی تمام داشته صدها کتاب و رساله بخط جلی خود استنساخ یا تکمیل فرموده و مجموعه‌ها و جنگ‌های بسیار مرتب نموده و همه را خود مقابله و تصحیح و سپس بصحافی و تجلید رسانیده است، شکر اللّه سعیه. از اینگونه آثار آنمرحوم مقدار زیادی در نزد راقم این سطور و هم در دست بعضی منسوبین و بلکه در-

و فرزند بزرگش میرزا محمد جواد ۳۳ در ۱۷ صفر سنه ۱۲۱۹ متولد شده و از خوانسار بهمراه پدر باصفهان نیامده و همانجا مانده و وفات کرده و دفن شده و اعقابی ذکورا و اناثا از او باقی و بازمانده[۱۱۵].

«نمونه دیگر از خط مرحوم میرزا محمد جواد خوانساری در پایان یک» «مجموعه از رسائل نفیسه که تماما بخط آنمرحوم و در کتابخانه راقم این» «سطور است. تصویر دو صفحه کامل نیز از خط وی در یک مجموعه دیگر» «در (ج ۵ ش ۱۰۵۱) چاپ شد. م.»

- کتابخانه‌های خصوصی و عمومی اصفهان و بلاد و اماکن دیگر موجود است و برخی از آنها را در جلد چاپ شده و مجلدات چاپ نشده «فهرست کتب خطی» معرفی کرده‌ایم. م.

(۱) فرزند ذکور آن مرحوم سید ابو القاسم خوانساری است که نیمه اخیر یک نسخه «شرح دعاء صباح» آخوند ملا اسمعیل خاجوئی (ره) را بخط خود نوشته و در «ظهر یوم الاحد غرة شهر محرم الحرام و هو یوم تحویل الشمس الی المیزان» بسال یکهزار و دویست و هفتاد و یک از آن فراغت یافته. بنابراین، عنوان اول سال ۱۲۷۱ در (ص ۱۹۷۲) این جلد حاضر که مرحوم معلم غره محرم را مطابق سنبله نوشته درست نیست و همان روز مطابق با اول میزان بوده است. نسخه موصوفه بسال

---

[۱۱۵] (۱) فرزند ذکور آن مرحوم سید ابو القاسم خوانساری است که نیمه اخیر یک نسخه« شرح دعاء صباح» آخوند ملا اسمعیل خاجوئی(ره) را بخط خود نوشته و در« ظهر یوم الاحد غرة شهر محرم الحرام و هو یوم تحویل الشمس الی المیزان» بسال یکهزار و دویست و هفتاد و یک از آن فراغت یافته. بنابراین، عنوان اول سال ۱۲۷۱ در(ص ۱۹۷۲) این جلد حاضر که مرحوم معلم غره محرم را مطابق سنبله نوشته درست نیست و همان روز مطابق با اول میزان بوده است. نسخه موصوفه بسال ۱۲۷۵ بقانون ارث بمرحوم آیة اللّه آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی(عم سید ابو القاسم) منتقل گردیده که مطلب را روی برگ اول آن قید کرده‌اند. نیمه اول نسخه بخط یکی دیگر از دانشمندان این خاندان است. م.

۱۲۷۵ بقانون ارث بمرحوم آیة اللّه آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی (عم سید ابو القاسم) منتقل گردیده که مطلب را روی برگ اول آن قید کرده‌اند.

نیمه اول نسخه بخط یکی دیگر از دانشمندان این خاندان است. م.

ص: ۲۰۹۰

و فرزند هشتم او میرزا محمد حسن ۳۳ مشهور بمجتهد که در اصفهان دفن است.

و ششم میرزا محمد کاظم ۳۳ متولد در ۴ ج ۲ سنه ۱۲۳۰، هر دو بلاعقب بوده‌اند.

و یک دختر هم داشته بنام رقیه بیگم ۳۳ که وی زن حاج سید عبد اللّه چهارسوئی بوده و از وی یک پسر بنام سید محمود بلاعقب داشته.

و فرزند سیمش میر سید علی ۳۳ در ۴ ذی الحجه سنه ۱۲۲۵ متولد شده و بکودکی وفات کرده.

و بالاخره معلوم شد که وی هشت پسر که اول میرزا محمد جواد و هشتم میرزا محمد حسن باشد و یک دختر داشته که بجمله نه نفر بشوند[۱۱۶].

سنه ۱۲۳۸ شمسی

دوشنبه شانزدهم شعبان المعظم اول حمل ماه برجی

❊ (۱۳۰۷- تولد حاجی میرزا محمد حسین ۳۴ روضاتی اصفهانی)❊

وی فرزند مرحوم آقا میرزا محمد باقر ۳۳ چهارسوئی است که در (۱۲۲۶ ج ۳ ش ۳۷۰) گذشت.

---

(۱) مخفی نماند که از این نه نفر فرزندان نیای گرامی ما (روح اللّه ارواحهم) تنها مرحوم حاج میر سید محمد فرزند دومش بسفر حج موفق گردیده و برخلاف آنچه در برخی کتب تراجم نوشته‌اند هیچ یک از فرزندان دیگر آن مرحوم حج نگذارده‌اند. م.

ص: ۲۰۹۱

---

[۱۱۶] (۱) مخفی نماند که از این نه نفر فرزندان نیای گرامی ما(روح اللّه ارواحهم) تنها مرحوم حاج میر سید محمد فرزند دومش بسفر حج موفق گردیده و برخلاف آنچه در برخی کتب تراجم نوشته‌اند هیچ یک از فرزندان دیگر آن مرحوم حج نگذارده‌اند. م.

مرحوم حاجی میرزا محمد حسین از علماء اصفهان و بنسبت کتاب جلیل پدر والاشان مانند بسیاری دیگر از این سلسله به روضاتی معروف بود. و او در شب آدینه بیست و پنجم ماه رمضان المبارک این سال- مطابق (...) ثور ماه برجی- متولد شده، و پس از مدت هفتاد تصویر مرحوم حاج میر محمد حسین صاحب عنوان و دو تن برادرزادگانش مرحومین حجتین آقا میرزا جلال- الدین و حاج میرزا سید حسن با ۴ تن متفرقه اشتباها در صفحه ۱۹۷۸ بچاپ رسید[۱۱۷]. م.

و شش سال و هفت ماه قمری و سیزده روز عمر، در بامداد روز چهارشنبه هشتم ماه جمادی الاولی (که هم روز وفات پدرش بود) سنه ۱۳۵۲ هزار و سیصد و پنجاه و دو وفات کرد و در تخت پولاد در تکیه پدرش دفن شد. و در «شجره‌نامه» اولادی از وی نیاورده، لکن خود مؤلف آن شفاها فرمودند که یک دختر ۳۵ او زوجه سید مجید میر احمدی (۱۳۶۷) میباشد، و دختر ۳۵ دیگرش زوجه میرزا حبیب اللّه معینیان کوپائی، و سومین دخترش ۳۵ زوجه حاج سید فخر الدین روضاتی (۱۳۱۱) میباشند که از این دو هیچ اولادی بهم نرسیده و از میر احمدی سه دختر آمده است.

---

(۱) تصویر منفردی نیز از صاحب عنوان بنظر رسید که این ابیات در گرد آن نوشته بود:

سمی حسین و سلیل پیمبر	بر اسلام زینت بر آفاق زیور
پدر بو المفاخر که بودی	بر اسلام حجت بر آفاق سرور
پسر ذو المآثر حسین آنکه آمد	کرم را پسر عم شرف را برادر
منا و حرم، کعبه و حجر و زمزم	حطیم و حجر، مروه و خیف و مشعر
اگر شکل هستی ندیدی مجسم	مجسم در این صفحه عکس بنگر
یکی خود در آیینه سازد تجلی	تعا کس پذیر است خورشید خاور
حماه اللّه این طرفه تمثال میمون	عطار است مظهر سخار است مظهر
رقم زد بتاریخ او کلک دانا	از اینصفحه شکل عطا شد مصور

---

[۱۱۷] (۱) تصویر منفردی نیز از صاحب عنوان بنظر رسید که این ابیات در گرد آن نوشته بود:

\i\s̊ سمی حسین و سلیل پیمبر\z بر اسلام زینت بر آفاق زیور\z پدر بو المفاخر که بودی\z بر اسلام حجت بر آفاق سرور\z پسر ذو المآثر حسین آنکه آمد\z کرم را پسر عم شرف را برادر\z منا و حرم، کعبه و حجر و زمزم\z حطیم و حجر، مروه و خیف و مشعر\z اگر شکل هستی ندیدی مجسم\z مجسم در این صفحه عکس بنگر\z یکی خود در آیینه سازد تجلی\z تعا کس پذیر است خورشید خاور\z حماه اللّه این طرفه تمثال میمون\z عطار است مظهر سخار است مظهر\z رقم زد بتاریخ او کلک دانا\z از اینصفحه شکل عطا شد مصور\E\E\z

ص: ۲۰۹۲

❊ (۱۳۰۸- تولد مرحوم میرزا آقای جندقی، ره)❊

از جزء ۱۴ جلد ۱۵ «اعیان الشیعه» چنین برآید که وی فرزند مرحوم میرزا حبیب اللّه موسوی و خود از علما و خانواده شرافت و بزرگواری بوده و در این سال متولد شده و در نزد پدر خود که هم از اجله علما بوده درس خوانده و شعر هم می‌گفته و تخلص اقبال می‌نموده، و پس از مدت چهل سال قمری عمر در سنه ۱۳۱۵ هزار و سیصد و پانزده در تهران وفات کرده و در صحن شاه عبد العظیم (ع) دفن شد.

❊ (۱۳۰۹- تولد میرزا ابراهیم واعظ اصفهانی)❊

در جلد پنجم جزء ششم «اعیان الشیعه» فقط درباره وی همین اندازه دارد که او فرزند حاج محمد علی تاجر و ملقب به امین الواعظین است و در این سال متولد شده و وفاتش معلوم نیست، انتهی. و در «خلد برین ۱: ۱۰۲» فرماید: وی از بزرگان وعاظ است و در سنه ۱۳۴۹ هزار و سیصد و چهل و نه وفات کرده و تألیفاتی دارد از این قرار: اول کتاب «امان الخائفین» در امامت. دویم کتاب «تحفة المعاد». سیم کتاب «روح العالمین» در توحید. چهارم کتاب «طریقة الحق» در نبوت، انتهی. و آقای مهدوی در نامه‌ئی که در ۱۹ آذر ۱۳۲۸ شمسی (۱۹ صفر ۱۳۶۹) باین بنده نوشته‌اند یک نفر را بدین نام و نشان نوشته که در ۲۱ ع ۲ سنه ۱۳۵۹ در فروشان سده وفات کرده، و ظاهرا این درست باشد.

ص: ۲۰۹۳

❊ (۱۳۱۰- وفات مرحوم سید ابو الحسن ۳۵ عاملی، ره)❊

وی فرزند مرحوم سید صالح ۳۴ عاملی است که در (۱۱۹۳ ج ۱ ش ۵) گذشت.

مرحوم سید ابو الحسن چنان‌که از جزء ۶ جلد ۷ «اعیان الشیعه» برمی‌آید از اهل علم و فضل بوده و شعر را نیکو می‌سروده و خطی خوش و صورتی دلکش و ثروتی فراوان داشته، و در نزد شیخ موسی و شیخ علی فرزندان شیخ جعفر نجفی درس خوانده و شیخ موسی خواهر زاده خود دختر شیخ اسد اللّه کاظمینی را که در (۱۲۳۴ ج ۳ ش ۴۶۵) گذشت بوی ترویج نمود و خود با برادرانش خیلی احترام از او می‌داشت و همچنین برادران زوجه‌اش اولاد شیخ اسد اللّه.

و او «کتابی در اصول فقه» از اول تا بآخر تألیف کرده، و در این سال در تهران رو بجنان جاویدان آورده و در کربلا دفن شد. و دو نفر فرزند از دختر شیخ اسد اللّه بنام میرزا جعفر ۳۶ و میرزا محمد علی ۳۶ آورد که هر دو در (۱۲۴۶ و ۱۲۴۷ ج ۴ ش ۶۷۲ و ۷۰۱) گذشتند.

❊ (۱۳۱۱- تولد شیخ ابو القاسم کاشانی نجفی)❊

وی فرزند عبد الحکیم کاشانی و خود از جمله علما بوده و شعر هم می‌گفته و در این سال در نجف متولد شده و در بمبئی سکونت نموده و تألیفاتی دارد: اول اشعاری که آنها را فرزندش شیخ محمد حسن جمع کرده و بنام «منظومات الشیخ» نامیده. دویم کتابی در جواب کتابی که از حیدرآباد از سید علی شوشتری سلطان العلما بوی رسیده، و آن «کتابی مبسوط ادبی» است چنان‌که فرزندش شیخ محمد حسن نزیل نجف فرموده. و شیخ ابو القاسم خود در سنه ۱۳۵۱ هزار و سیصد و پنجاه و یک در نجف وفات کرده، چنان‌که در جلد پنجم «الذریعه: ش

ص: ۲۰۹۴

۸۲۵ و ج ۹: ش ۲۶۶» نوشته. و بنابراین مدت عمرش هفتاد و شش سال قمری است.

❊ (۱۳۱۲- تولد میرزا جهانگیر خان ناظم الملک مرندی)❊

میرزا جهانگیر خان فرزند محبعلی خان بن میرزا محمد تقی خوشنویس و از فضلا و ارباب کمال بوده و شعر هم می‌گفته و تخلص ضیائی می‌نموده و در این سال متولد شده و تألیفاتی دارد، از آن جمله: «شرح ترجمه سه وصیت» از وصایای حضرت امیر بامام حسن علیهما السلام بپارسی که در سنه ۱۳۱۹ آنها را ترجمه کرده یعنی بنظم آورده. و در غره ماه رجب الفرد سنه ۱۳۵۲ هزار و سیصد و پنجاه و دو در قم وفات کرد، چنان‌که در «الذریعه ۵:

۱۴۶۸» فرموده، و در «سخنوران نامی معاصر ۱: ۱۵۶» عنوانی برای او آورده و او را وصف به حسینی نموده و از تألیفاتش غیر از «وصیت‌نامه» منظومه‌های «سیاست‌نامه» و «حقیقت‌نامه» را ذکر کرده و هم این اشعار را از او نوشته:

تا مست شراب عشق	زان ساغر لبریزم
گه مرغ شباهنگم	گه شاهد شبخیزم
پر غلغله شد گردون	از آه شبانگاهم (ظ م(
پر ولوله شد هامون	از بانگ شباویزم
فرهاد نیم کز یار	مشغول شوم با کوه
من سلسله جنبان	صد خسرو پرویزم
نی خسرو پرویزم	کاندر طلب شیرین

تازم ز پی گلگون | با توسن شبدیزم
چنگیز چه یازد دست | در عرصه میدانم
در سلسله صد چنگیز | افکنده بدهلیزم
من عشق بتی دارم | کز چنبره زلفش
بر چنبر این گردون | صد چنبره آویزم
در دوره این دوران | چون برق سبک سیرم
در پهنه این پهنا | چون ابر گهر ریزم
گر پای بیفشارم | در حلقه مهر و ماه
رخش فلکم لرزد | از کاوش مهمیزم

تا در مقطع فرماید:

هر دم که ضیائی سان | ای دوست همی گویم
زین عالم امکانی | صد شور بر انگیزم

ص: ۲۰۹۵

❊ (۱۳۱۳- وفات شیخ حسن قفطانی نجفی، ره)❊

وی فرزند شیخ علی بن نجم سعدی رماحی، و خود از شعرا و اهل علم و ادب بود، و «قصیدهٔی لامیه» در مدح حضرت امیر و مرثیه حضرت سید الشهدا (ع) گفته که زیاده بر صد شعر است و آن را شیخ حسن سبتی که در (۱۲۹۹) بیاید تخمیس نموده، چنان‌که این همه را در جلد چهارم «الذریعه» فرموده. و بالاخره او در این سال وفات کرده، و در جلد ۱ «اعیان الشیعه:

۴۰۵» وی را بعنوان «حسن بن علی سعدی رماحی نجفی مشهور بأبو قفطان» ذکر کرده و گوید از شعرا بوده و در سنه ۱۲۷۸ وفات نموده، انتهی. و در «الذریعه ۸: ش ۴۷۱» پنج نفر فرزند از او بنام های: شیخ حسین، شیخ ابراهیم، شیخ احمد،

شیخ مهدی، شیخ علی نوشته و گوید: همه از علما و صاحبان آثار خالده بوده‌اند و اولی قبل از ۱۲۶۳ وفات کرده. و نیز در «الذریعه ۹: ۸۸۶ ش ۵۸۸۳» او را عنوان فرموده.

❊ (۱۳۱۴- وفات خادم، شاعر لکهنوی)❊

وی خادم حسین خان فرزند مولوی عبد القادر خان جایسی است، و همانا جایس از أعمال لکهنو است، و مادرش دختر سید دلدار علی (۱۲۳۵ ج ۳ ش ۴۷۵) و خود از اهل علم و ادب و در کانپور صدر الصدور بوده و شعر هم می‌گفته و در اینسال در جونپور وفات کرده، چنانکه در «الذریعه ۹: ش ۱۶۷۳» فرموده. و در چندین شماره قبل از آن چند نفر شاعر خادم تخلص را ذکر کرده. رجوع شود بفهرست کتب خودم «ص ۵۶ س ۱ ش ۴۴»[۱۱۸].

---

(۱) مع الاسف نسخه فهرست مذکور فعلا موجود نیست که مطالب آنرا نقل کنیم. در «فرهنگ سخنوران» مآخذ صاحب ترجمه را تحت عنوان خادم بنارسی یاد کرده و ۱۲ شاعر خادم تخلص و دو تن خادمی نیز در آنجا مذکورند. م.

ص: ۲۰۹۶

❊ (وفات شعری، شاعر اصفهانی)❊

شرح احوال او در (۱۲۲۴ ج ۳ ش ۳۴۷) گذشت.

❊ (۱۳۱۵- وفات عارف حکمت بک)❊

وی از فضلا بوده و «ذیلی بر کشف الظنون» نوشته که فقط تا حرف جیم بانجام رسیده و در این سال وفات کرده، چنان‌که در «مجله یادگار: ش ۱۰ ص ۷۵» گفته[۱۱۹].

---

[۱۱۸] (۱) مع الاسف نسخه فهرست مذکور فعلا موجود نیست که مطالب آنرا نقل کنیم. در« فرهنگ سخنوران» مآخذ صاحب ترجمه را تحت عنوان خادم بنارسی یاد کرده و ۱۲ شاعر خادم تخلص و دو تن خادمی نیز در آنجا مذکورند. م.

[۱۱۹] (۱) شرح حال صاحب عنوان در« الاعلام ۱: ۱۳۸» و« معجم المؤلفین ۱: ۲۵۷» بنقل از مآخذ عدیده مذکور و از آنها چنین برآید که وی نامش احمد عارف حکمت شیخ الاسلام شهاب الدین فرزند ابراهیم عصمت(چنانکه در معجم المؤلفین یا ابراهیم بن عصمت چنانکه در الاعلام است) فرزند اسمعیل رائف پاشا رومی حنفی، فقیه مورخ و قاضی قدس و مصر و مدینه منوره و هم شیخ الاسلام قسطنطنیه از ۱۲۶۲ تا ۱۲۷۰ بوده و از هنگام برکناری از سمت اخیر تا آخر عمر بعبادت و مطالعه و تألیف کتب پرداخته تا در ۱۶ ماه شعبان ۱۲۷۵ در همان آستانه وفات یافت و در اسکدار دفن شد. در« الاعلام» او را از خاندان نبوت و از نسل حضرت سیدالشهدا حسین بن علی(علیهما السلام) دانسته و در« معجم المؤلفین» بنقل از« حلیة البشر» بیطار ولادتش را در ۲۵ محرم ۱۲۰۱ نوشته لکن در عنوان هردو کتاب آنرا در(۱۲۰۰) ضبط کرده‌اند. صاحب ترجمه بعربی و فارسی و ترکی شعر می‌گفته و از تألیفاتش« الاحکام المرعیة فی الاراضی الامیریة» و« مجموعه‌ئی در تراجم علماء قرن ۱۳» میباشد، و شهاب الدین محمود الوسی کتابی در شرح‌حال وی بنام« شهی النغم فی ترجمة عارف الحکم» تألیف کرده، و عمده شهرت صاحب عنوان بسبب کتابخانه بزرگ او است که بر مدینه منوره-- وقف کرده و اینک مهمترین کتابخانه عمومی آن شهر مقدس و در جوار روضه مطهره

(۱) شرح حال صاحب عنوان در «الاعلام ۱: ۱۳۸» و «معجم المؤلفین ۱: ۲۵۷» بنقل از مآخذ عدیده مذکور و از آنها چنین برآید که وی نامش احمد عارف حکمت شیخ الاسلام شهاب الدین فرزند ابراهیم عصمت (چنانکه در معجم المؤلفین یا ابراهیم بن عصمت چنانکه در الاعلام است) فرزند اسمعیل رائف پاشا رومی حنفی، فقیه مورخ و قاضی قدس و مصر و مدینه منوره و هم شیخ الاسلام قسطنطنیه از ۱۲۶۲ تا ۱۲۷۰ بوده و از هنگام برکناری از سمت اخیر تا آخر عمر بعبادت و مطالعه و تألیف کتب پرداخته تا در ۱۶ ماه شعبان ۱۲۷۵ در همان آستانه وفات یافت و در اسکدار دفن شد. در «الاعلام» او را از خاندان نبوت و از نسل حضرت سیدالشهدا حسین بن علی (علیهما السلام) دانسته و در «معجم المؤلفین» بنقل از «حلیة البشر» بیطار ولادتش را در ۲۵ محرم ۱۲۰۱ نوشته لکن در عنوان هردو کتاب آنرا در (۱۲۰۰) ضبط کرده‌اند. صاحب ترجمه بعربی و فارسی و ترکی شعر می‌گفته و از تألیفاتش «الاحکام المرعیة فی الاراضی الامیریة» و «مجموعه‌ئی در تراجم علماء قرن ۱۳» میباشد، و شهاب الدین محمود الوسی کتابی در شرح‌حال وی بنام «شهی النغم فی ترجمة عارف الحکم» تألیف کرده، و عمده شهرت صاحب عنوان بسبب کتابخانه بزرگ او است که بر مدینه منوره-

ص: ۲۰۹۷

❊ (۱۳۱۶- تولد لویس شیخویسوعی)❊

وی از اهل علم و ادب و بطور مفهوم از «فهرست کتابخانه رضویه ۶: ۵۰۱ ش ۱۱۳» در اینسال متولد شده و مجموعه‌ئی مشتمل بر چهار رساله تألیف کرده و بر هر یک مقدمه‌ئی مختصر نوشته بدین تفصیل: اول «رساله مفسر جمله‌ئی از آثار ارسطو»، دویم رساله «تدبیر المنزل» از روفس طبیب یونانی، سیم «الاحادیث المطربة» تألیف ابو الفرج (غریغوریوس) معروف به ابن العبری ملطی فاضل مسیحی صاحب «تاریخ الدول» و غیره، چهارم «رساله در حقیقت نفی هم و غم و اثبات زهد منسوب بأفلاطون». دویم از تألیفات صاحب عنوان «مجله المشرق».

و بالاخره پس از مدت هفتاد و یک سال قمری عمر در سنه ۱۳۴۶ هزار و سیصد و چهل و شش وفات کرده[۱۲۰].

- وقف کرده و اینک مهمترین کتابخانه عمومی آن شهر مقدس و در جوار روضه مطهره نبویه (ع) است. راقم این سطور در

نبویه(ع) است. راقم این سطور در سه سفر تشرف خود از آنجا دیدن کرده و از برخی نسخ نفیسه آن استفاده نموده است. ناگفته نماند که در دو مأخذ مذکور یادی از« ذیل کشف الظنون» صاحب عنوان نشده است. م.

[۱۲۰] (۱) صاحب ترجمهohkiehC siuoL از پدران ترسا(آباء یسوعیین) نامش قبل از رهبانیت رزق اللّه بن یوسف بن عبد المسیح بن یعقوب شیخو بوده در ۵ شباط ۱۸۵۹ میلادی در جزیره فراتیه ماردین متولد و در ۷ کانون اول ۱۹۲۷ در بیروت از دنیا رفت. وی از مسیحیان پرکار و سخت‌کوشای عرب و دارای تألیفات و آثار فراوانست که اشهر آنها« مجانی الادب» میباشد. شرح حالش در« الاعلام ۶: ۱۱۳» و« معجم المؤلفین ۸: ۱۶۱» و« المنجد فی الاعلام: ۳۹۷ ط ۷» و مواضع بسیار دیگر موجود است. م.

سه سفر تشرف خود از آنجا دیدن کرده و از برخی نسخ نفیسه آن استفاده نموده است. ناگفته نماند که در دو مأخذ مذکور یادی از «ذیل کشف الظنون» صاحب عنوان نشده است. م.

(۱) صاحب ترجمهohkiehC siuoL از پدران ترسا (آباء یسوعیین) نامش قبل از رهبانیت رزق اللّه بن یوسف بن عبد المسیح بن یعقوب شیخو بوده در ۵ شباط ۱۸۵۹ میلادی در جزیره فراتیه ماردین متولد و در ۷ کانون اول ۱۹۲۷ در بیروت از دنیا رفت. وی از مسیحیان پرکار و سخت‌کوشای عرب و دارای تألیفات و آثار فراوانست که اشهر آنها «مجانی الادب» میباشد. شرح حالش در «الاعلام ۶: ۱۱۳» و «معجم المؤلفین ۸: ۱۶۱» و «المنجد فی الاعلام: ۳۹۷ ط ۷» و مواضع بسیار دیگر موجود است. م.

ص: ۲۰۹۸

❊ (۱۳۱۷- تولد سید محمد فیروزآبادی)❊

وی از علماء اعلام و فقهای عظام در عصر حاضر است، و بطوری‌که در «الذریعه ۲۰: ۱۶ ش ۱۹۰۵» فرموده با ملاحظه بعضی از مواضع دیگر، فرزند سید باقر حسینی از قریه فیروز- آباد یزد است که در اینسال در یزد متولد شده و در نزد مرحوم آخوند خراسانی (که در ۱۲۵۵ ج ۵ ش ۸۷۵ ص ۱۵۱۲ گذشت) و آقا سید محمد کاظم یزدی (که در سال ۱۲۴۷ ج ۴ ش ۷۲۰ ص ۱۳۲۱) گذشت درس خوانده و بعد از وفات آن دو بزرگوار مرجع تقلید بسیاری از بلاد قرار گرفت و «رساله عملیه» او مطبوع گردید، چنانکه هم رساله‌ئی بنام «جامع الکلم» در حکم لباس مشکوک تألیف کرده و «مجموعه‌ئی در اخلاق و مواعظ» دارد، و هم مجلس درسی دارد که چندین نفر از فضلا در آن حاضر می‌شوند همچون میرزا عبد الحسین امینی (که در ۱۳۲۰ بیاید) و حاج میرزا فضل اللّه زنجانی که در (۱۳۰۲) بیاید.

افسوس که مرحوم آقا سید محمد در شب جمعه سلخ ماه ربیع المولود سنه هزار و سیصد و چهل و پنج- مطابق ۱۵ مهرماه باستانی- در سامره وفات کرد و روز جمعه نعش او را بنجف اشرف آورده و آنجا دفن نمودند.

❊ (۱۳۱۸- تولد مرحوم سید محمد تقی خراسانی نجفی)❊

وی فرزند سید محمد رضاء خراسانی است که در (۱۳۰۲) بیاید، و خود از جمله علما بود که در این سال در کاظمین متولد شده و در «الذریعه ۳: ش ۱۵۶۲» او را وصف بعالم ورع نموده، و در یک‌شنبه هفدهم ماه ربیع المولود سنه ۱۳۵۰ هزار و سیصد و پنجاه- مطابق ۱۰

ص: ۲۰۹۹

مرداد ماه باستانی- در سامره وفات کرد و همان روز نعش او را حمل بنجف نمودند. و او دختر سید صالح نجفی (۱۲۰۸ ج ۲ ش ۱۳۲) را بزوجیت داشته.

❊ (۱۳۱۹- تولد حاج ملا محمد حسن مرتاض نائینی، ره)❊

وی فرزند حاج محمد حسین بن حاج محمد صادق است و شرح احوالش در «تاریخچه نائین» تألیف برادرش سالک (ص ۷) و «تاریخ امامی. ص ۷۶» و «تاریخ نائین ۱: ۱۸۵ و ۴:

۱۲۶» نوشته، و از آنها همه چنین برآید که حاج محمد صادق از اهل محله سرای نو نائین و مانند تمام مردم آن محله مردی تاجر و با اینحال از عرفا هم بوده و اظهار ارادت بمرحوم حاجی عبد الوهاب می‌نموده. و فرزندش حاج محمد حسین هم تاجر بوده و فرزندانی ذکورا و اناثا داشته که ما دو نفر آنها را در این‌جا می‌نویسیم و چنین گوئیم که پسر میانی از سه پسر حاجی محمد حسین مرقوم مرحوم حاج ملا محمد رضاء سالک التجار بوده که از بازرگانان و در عرفان قدمی راسخ داشته و شعر هم می‌گفته و تخلص چنان‌که در «تاریخ نائین ۱: ۱۹۰» نوشته سالک می‌نموده و کتابی کوچک در «تاریخچه نائین» در ج ۲ سنه ۱۳۵۵ تألیف کرده که عنقریب از آن نامی بردیم، و در (صفحه ۱۳) آن این اشعار را از خود در مدح یکی از فقراء باللّه آورده:

مخمس:

چین سر زلف تو مأوای من — قامت تو سرو دل آرای من

کوی تو شد طور تمنای من — عشق تو بگرفته سرا پای من

زان نبود جز تو در اعضای من — ای مه برج شرف و اقتدار

بین چو هلالم تن رنجور و زار — یک نظری سوی فقیران بدار

نیست مرا طاقت و صبر و قرار — صبر ندارد دل شیدای من

ص: ۲۱۰۰

غنچه بشکفته چو وا میکنی — شور قیامت چو بپا میکنی

با دیگران مهر و وفا میکنی — با من غمگین چو جفا میکنی

وای بحال دل رسوای من — یک قدمی نه سوی کاشانه‌ام

جز غم تو نیست بویرانه‌ام | بر رخ شمع تو چو پروانه‌ام
خال و خطت دام من و دانه‌ام | عشق تو سرمایه و کالای من
از غم هجران تو در روز و شب | بیکس و رنجور و هم‌آغوش تب
سینه پر از آذر و خاموش لب | تا بکی ای دوست قرین تعب
رحم بدین ناله و غوغای من | گر غم عشق تو روایت کنم
از مژگان دشت سقایت کنم | گر نکنی رحم شکایت کنم
نزد شه خویش حکایت کنم | آن‌که بود مقصد و مولای من
جان جهان عالم سرو نهان | آن حسنی خلق حسینی نشان
قدوه اخیار بزرگ زمان | نادره دهر وحید جهان
جان جهان ملجأ یکتای من | شخص ضیا عنصر مهر و وفا
اصل سخا دوحه جود و عطا | ریشه مجد و فلک اعتلا
محفل او مجمع اهل صفا | راهبر دنیی و عقبای من
فخر کنم بر فلک ار دانیم | سالک و هم مادح خود خوانیم
از تو پر، از خویش همه فانیم | وای بحالم چه ز خود رانیم
خاک بفرق دل رسوای من

و آن جناب در حدود ۱۳۵۶ بهفتاد سالگی وفات کرده و در نائین در اواسط صحن امامزاده سلطان سید علی (۱۲۸۸) دفن شد.

و در «تاریخ نائین ۴: ۱۲۶ و ۱۲۷» هفت پسر و دو دختر برای او آورده که بعضی از

ص: ۲۱۰۱

پسران هم در عرفان راهی داشته و از یکی پسران بیشتر عقبی باز نمانده.

و بالجمله، پسر بزرگ حاجی محمد حسین: مرحوم حاجی ملا محمد حسن مرتاض صاحب این عنوان (علیه الرحمة و الرضوان) بوده، و آن جناب از علما و فقهاء عصر خویش در نائین و بعلوم غریبه از جفر و رمل و غیره شوقی غریب و اعتقادی تمام داشته و در نتیجه معلوماتی در آنها بهم رسانیده و شعر هم می‌گفته و تخلص مرتاض می‌نموده[۱۲۱] و خط نستعلیق را خوش می‌نوشته. و او در اینسال متولد شده، و مادر وی و دو برادر دیگر مخدره دختر حاج محمد کریم بن حاج محمد بوده. مرحوم حاج محمد از عرفاء عهد خود در نائین و پیری روشن ضمیر و مجذوب مرحوم حاج محمد حسن نائینی بوده و مرحوم میرزا محمد جعفر ۳۹ (۱۳۳۳) خدمت او ارادت ورزیده و در سنه ۱۲۸۱ وفات کرده، و در بقعه مصلی دفن شده و بر قبرش سنگی منصوب و اشعاری بر آن منقور است. و ارشد اولاد او مرحوم حاج محمد کریم بطوری‌که در «تاریخچه نائین: ۶» در دنباله احوال پدرش نگاشته در ریاضیات و ادبیات ید طولائی داشته و در هندسه با مهارتی تمام و در خط نستعلیق بدرجه استادی رسیده و در سنه ۱۲۹۱ وفات کرده.

و بهرحال مرحوم حاج ملا محمد حسن برای تکمیل تحصیلات خود از نائین باصفهان آمده و آنجا در نزد مرحوم آقا میرزا محمد هاشم چهارسوئی درس خواند، چنانکه در «تاریخ نائین ۱: ۱۸۶» نوشته. و نیز بطوری‌که خود در «گوهر شبچراغ ۲: ۷۸» فرموده یکی از اساتید او مرحوم حاجی میرزا یحیی بیدآبادی (۱۲۵۰ ج ۴ ش ۷۷۶) بوده، و پس از فراغت از تحصیل بنائین برگشت و بتدریس و تألیف و امامت جماعت در مسجد بابا عبد اللّه پرداخت و همواره بگوشه‌گیری و انزوا بسر می‌برد، و زیاده برسی جلد کتاب در علوم متفرقه تألیف کرده که بیشتر آنها منظوم و ارجوزه است و در «تاریخ نائین ۱: ۱۸۶ تا ۱۸۸» آنها را ذکر کرده، از آن جمله کتاب «طرائف السوانح» معروف به «گوهر شبچراغ» در علوم متفرقه

---

(۱) در «فرهنگ سخنوران» تنها مرتاضی که ذکر کرده از قرن نهم است، و سالک سابق الذکر نیز در میان سالکان متعدد آن کتاب مذکور نیست. م.

دو جلد که بسیاری از مطالب آن‌که همه را بعبارت «گویند» آورده مورد تردید است!

و او در اواخر عمر خود برای معالجه باصفهان آمد و در مراجعت در کوه‌پایه- چنانکه آقای امامی شفاها ذکر نمود- در اوائل دهه آخر ماه ربیع المولود سنه ۱۳۵۴ هزار و سیصد و پنجاه و چهار- مطابق تیرماه باستانی- وفات کرد و در اطاق کفشکن امامزاده سلطان سید علی مذکور، که در وقت ورود بحرم در طرف چپ وارد می‌افتد دفن شد. و تنها دو نفر دختر از وی بازماند. و تاریخ قمری وفات او بطور مسطور نص «الذریعه ۳: ش ۷۷۰» و شمسی آن نیز نص «تاریخ امامی ص ۷۶» و «تاریخ نائین ۴: ۱۲۶» است، و آنها طبق تقویم آنسال مطابق یکدیگر خواهد شد، لکن در «تاریخ نائین ۱: ۱۸۶» در اوائل (ج ۱) اینسال نوشته و آن مطابق تیرماه نخواهد شد بلکه مطابق مرداد می‌باشد.

---

[۱۲۱] (۱) در« فرهنگ سخنوران» تنها مرتاضی که ذکر کرده از قرن نهم است، و سالک سابق الذکر نیز در میان سالکان متعدد آن کتاب مذکور نیست. م.

❊ (۱۳۲۰- وفات آقا محمد علی، مذهب اصفهانی)❊

وی فرزند آقا ابو طالب و مردی شاعر و مذهب بوده و در غزل‌سرائی و صنعت تذهیب مقام استادی داشته و در اشعار نخست تخلص بهار و پس از آن فرهنگ می‌فرموده و در ابتکار مضامین عالیه قدرتی غریب اظهار می‌نموده و شاهد بر آن تألیف کتاب «یخچالیه» است که آن را در برابر «آتشکده» آذر بطور هزل در دو جلد در احوال چند نفر از شعرای موهوم تألیف کرده.

در «الذریعه ۹: ش ۹۰۶» فرماید که وی «دیوانی در اشعار» دارد، و همانا در سنه ۱۲۵۹ کتابی بنام «مدایح معتمدیه» در احوال شعرائی که منوچهر خان معتمد الدوله گرجی را مدح کرده بودند تألیف کرد، پس یکی از معاصرین او تذکره‌ئی مانند آن تألیف کرد و نسبت سرقت اشعار بوی داد. پس او غضب نموده و «یخچالیه» را در هجو چندین نفر از شعراء زمان خود تألیف کرد، انتهی. و شاید این کتاب همان باشد که در «مجمع الفصحا ۲: ۳۹۸» که

ص: ۲۱۰۳

شرح احوال او را نوشته تعبیر از آن به «طرب الاحباب» نموده.

و بالاخره، او در این سال در اصفهان روی بسفر آخرت آورده، چنان‌که در «تاریخ اصفهان چاپ دویم» نوشته. و مرحوم میرزا محمد حسین ذکاء الملک در موقعی که «یخچالیه» را چاپ می‌کرده‌اند مختصر شرح حالی در پشت آن از وی نوشته و آنجا فرماید: من صحبت او را درک نموده و از او فیض‌ها بردم، بسیار نیک نفس و پاک طبع بود و در نظم درجه‌ئی بلند داشت و در بهار جوانی این کتاب را بجهت ادخال سرور در قلب مؤمن نوشته بود، و در آخر عمر متانتش از آن تأبی و بجهت آن‌که حمل بر غیبت و خبث عقیدت نشود از انتشار آن تحاشی می‌نمود، انتهی[۱۲۲].

و در «تاریخ نائین ۱: ۳۰۰» ذکری از نواده و همنام وی آقا محمد علی ابن آقا محمد حسین بن آقا محمد علی مذکور نموده که با ملاحظه (ج ۳ ص ۱۲۷) چنین برمیآید که وی نیز در صنعت تذهیب آمیخته بنقاشی استاد و در اصفهان بدان مشغول بوده و هم بمشرب تصوف بر طریقه خاکسار گرویده و از مریدان مرحوم حاج سید احمد دهکردی بشمار میرفت. و او فرزندی داشته بنام میرزا اسد اللّه که در دبیرستان صارمیه اصفهان تحصیل می‌کرد و بسی باهوش و فراست بوده و در اثر رقابت نو و کهنگی لباس با شاگردان دیگر غیرت کرده و در شب یک‌شنبه ۱۱ رجب ۱۳۴۲ (مطابق ۲۸ دلو ۱۳۰۲) در موقعی که پشت کرسی در نزد پدر و مادر خود خوابیده بود بوسیله تریاک خود را مسموم نموده و وفات کرد، و آقا محمد علی بعد از آن از شدت اندوه بشبه جنون و مالیخولیائی مبتلا شده بخیال تسخیر ارواح طیبه و خبیثه افتاد و همواره بریاضات شافه مشغول بود، چنانکه مؤلف تاریخ مرقوم گوید وی را در شبی از شب‌های چله زمستان سال (۱۳۴۸) (۱۳۰۸ شمسی) ملاقات کردم که با آن شدت سرمای معهود آن سال در اصفهان که نظیرش کم دیده و شنیده شده با یک عبا بسر برد و سحر از منزل بیرون آمده بقبرستان طوقچی رفته و در نهر آنجا غسل کرد! انتهی.

---

[۱۲۲] (۱) مآخذ ترجمه صاحب عنوان در« فرهنگ سخنوران» بتفصیل ذکر شده است. م.

(۱) مآخذ ترجمه صاحب عنوان در «فرهنگ سخنوران» بتفصیل ذکر شده است. م.

ص: ۲۱۰۴

سنه ۱۲۷۶ قمری مطابق سنه ۱۲۳۸ شمسی ۲ شنبه غره محرم الحرام (...) اسد ماه برجی

❊ (۱۳۲۱- تولد مرحوم حاجی شیخ محمد باقر بیرجندی)❊❊ (اعلی اللّه مقامه)❊

وی مرحوم شیخ ابو الحسن بن ملا محمد حسن بن ملا اسد اللّه بن ملا عبد اللّه بن حاجی علی بن محمد شریف قهستانی است.

حاجی شیخ محمد باقر از اجله علماء محققین و فقها و اصولین عصر بود، و در رجال و درایت و حدیث و مقدمات آنها تبرزی تمام داشت. و او در ماه ربیع المولود این سال- مطابق (سنبله- میزان) ماه برجی- در قریه جازار قاین که معروف به ام القری است متولد شده و چندین کتاب در فقه و اصول و اخبار و غیره تألیف کرده، از آن جمله: اول کتاب «اکفاء المکائد و اصلاح المفاسد» در رد صوفیه، انجام تألیف آن رجب سنه ۱۳۱۶. دویم کتاب «نور المعرفه» در اصول دین، انجام تألیف آن ۲۶ ماه رمضان سنه ۱۳۱۴. سیم کتاب «الکبریت الاحمر» در شرایط منبر.

و از قراری که فرزندش حاجی شیخ محمد حسین در «بهارستان: ۳۱۹» نوشته علاوه بر علوم ظاهریه در مقامات عرفان مقالاتی و در سیر و سلوک حالاتی داشته و شعر هم می‌گفته و تخلص «صافی» می‌نموده، انتهی. و چنان که در «الذریعه ۹: ش ۷۳۴» فرموده «دیوانی در اشعار» دارد.

و بالاخره، روایت می‌کند از او میرزا محمد علی اردوبادی (۱۳۱۲). و خود در سحر شب

ص: ۲۱۰۵

آدینه چهاردهم ماه ذی الحجة الحرام سنه ۱۳۵۲ هزار و سیصد و پنجاه و دو- مطابق ۱۰ فروردین ماه باستانی- وفات کرد، و پنج نفر فرزند ذکور از وی بهم رسید:

اول مرحوم شیخ محمد حسن که «شرحی بر تهذیب علامه» می‌نوشته و در مشهد در حیات پدر وفات کرده. دویم شیخ محمد تقی که در (۱۳۴۷) بیاید. سیم حاجی شیخ محمد حسین که در (۱۳۱۰) بیاید. و دیگر شیخ مرتضی و شیخ لطف اللّه که هر سه زنده‌اند.

رجوع شود بضمیمه «تاریخ علماء خراسان: ۲۶۰»[۱۲۳].

❊ (۱۳۲۲- وفات میرزا ابو الحسن یغمای شاعر جندقی)❊

جندق- بر وزن جعفر- نام قریه‌ئی است در ناحیه بیابانک که مرکز و قاعده آن ناحیه است و نیز خود آن ناحیه را علاوه بر بیابانک جندق نیز می‌گویند، و این ناحیه بطول چهل فرسنگ و بعرض سی فرسنگ که هزار و دویست فرسنگ مربع باشد در کویر مرکزی ایران واقع و در میان شهرهای شاهرود و خراسان و اصفهان و یزد افتاده، یعنی از طرف شمال و مشرق و مغرب بحدود خاک این چهار شهر محدود و اما فاصله هر یک از آنها تا مرکز این ناحیه کمتر

---

(۱) آقای حاج شیخ محمد باقر ساعدی خراسانی (دامت افاضاته) کتاب نفیس «تاریخ علماء خراسان» مرحوم میرزا عبد الرحمن مدرس اول آستان قدس رضوی (متوفی ۱۳۳۸) را بسال ۱۳۸۲ در مشهد مقدس طی ۱۴۱ صفحه بطبع رسانیده و از ص ۱۴۲ تا ۳۱۹ ذیلی بر کتاب مذکور بعنوان «ضمیمه تاریخ علمای خراسان» نگاشته‌اند که همانند اصل حاوی مطالب گرانقدری است. در ص ۲۶۰ و ۲۶۱ شرح حال حاج شیخ محمد باقر بیرجندی را نوشته‌اند که با مرقومات متن مکمل یکدیگرند و در ص ۲۶۲ و ۲۶۳ مختصری از احوال پنج نفر فرزندان آنمرحوم را ذکر نموده و شیخ محمد حسن را گوید که در ۲۱ ماه رجب ۱۳۳۴ وفات یافته و در دار السیاده دفن شده، و درباره شیخ لطف اللّه توضیحی نداده، و شیخ مرتضی را نوشته است که از فضلاست و از آثار او کتابی در احوال حکیم نزاری بیرجندی بنام «نسیم بهاری» در ۱۳۴۴ چاپشده و در خاتمه آن مجملی از احوال و آثار پدر و برادرش را ذکر نموده. م.

ص: ۲۱۰۶

از شصت فرسنگ نمی‌باشد. در «بستان السیاحه» در گلشن پنجم که حرف جیم است (در ص ۲۳۵) شرحی نوشته بخلاصه اینکه: جندق بفتح جیم و سکون نون و فتح دال و قاف ناحیه‌ئی است از سمنان، هوایش گرم و نخلستان فراوان دارد و چند قریه معموره در آن است، آبش از قنات و مردمش همگی شیعی مذهب و قومی عرب‌اند که از قدیم آمده آنجا ساکن شده‌اند، و اشخاص خوب از آنجا ظهور نموده. آنگاه صاحب عنوان را ذکر کرده و فرماید:

شخصی دانشمند و شاعری پایه بلند بود، با فرقه عرفا سازگار و از أبنای روزگار در آزار است، چندگاه در خدمت مولانا احمد نراقی بود و از وی اذیت بسیار مشاهده نمود[۱۲۴] تا بالاخره مولانا را هجو نموده و در آن مضامین خوب پیدا کرده، و در

---

[۱۲۳] (۱) آقای حاج شیخ محمد باقر ساعدی خراسانی(دامت افاضاته) کتاب نفیس« تاریخ علماء خراسان» مرحوم میرزا عبد الرحمن مدرس اول آستان قدس رضوی(متوفی ۱۳۳۸) را بسال ۱۳۸۲ در مشهد مقدس طی ۱۴۱ صفحه بطبع رسانیده و از ص ۱۴۲ تا ۳۱۹ ذیلی بر کتاب مذکور بعنوان« ضمیمه تاریخ علمای خراسان» نگاشته‌اند که همانند اصل حاوی مطالب گرانقدری است. در ص ۲۶۰ و ۲۶۱ شرح حال حاج شیخ محمد باقر بیرجندی را نوشته‌اند که با مرقومات متن مکمل یکدیگرند و در ص ۲۶۲ و ۲۶۳ مختصری از احوال پنج نفر فرزندان آنمرحوم را ذکر نموده و شیخ محمد حسن را گوید که در ۲۱ ماه رجب ۱۳۳۴ وفات یافته و در دار السیاده دفن شده، و درباره شیخ لطف اللّه توضیحی نداده، و شیخ مرتضی را نوشته است که از فضلاست و از آثار او کتابی در احوال حکیم نزاری بیرجندی بنام« نسیم بهاری» در ۱۳۴۴ چاپشده و در خاتمه آن مجملی از احوال و آثار پدر و برادرش را ذکر نموده. م.

وقتی که من در کاشان بودم همواره بمنزل من آمده مؤانست مینمود و سخنان خوب بیان می‌فرمود و خط را خوب مینوشت و اشعار خوب می‌گفت و این بیت از اوست:

بیا ساقی بیاور آن شراب ارغوانی را که یک ته جرعه‌اش آدم کند مازندرانی را

انتهی. و در «مجمع الفصحا ۲: ۵۸۰» نیز وی را عنوان کرده و قریب بمضامین مذکوره درباره او نوشته.

و بهرحال، میرزا ابو الحسن صاحب عنوان از شعراء درجه اول مائه سیزدهم و از سخن طرازان نامی و سخنوران مهم آن دوران بشمار آید. شرح احوالش در بسیاری از کتب نوشته که بهتر از همه و جامع آنها کتابی است که آنرا حبیب یغمائی (که در ۱۳۲۰ بیاید) مخصوص احوال او تألیف کرده و از آن چنین برآید که وی میرزا رحیم بن حاجی ابراهیم قلی جندقی است و در حدود ۱۱۹۶ در قریه خور جندق متولد شده و در هفت سالگی که بشتر چرانی مشغول بوده امیر اسمعیل خان عرب عامری فرمان روای بیابانک وی را دیده و از وطنش سؤال می‌کند یغما می‌گوید:

ما مردمک خوریم از عقل و ادب دوریم

---

(۱) چنانکه پس ازین مذکور خواهد شد یغما بسمت وزارت حکومت بکاشان رفته و در این صورت چه اذیتی از مرحوم نراقی مشاهده کرده! جز اینکه بگوئیم غرض نویسنده امر بمعروف و نهی از منکرهای آن نایب الامام و حجة الاسلام بوده است، و اللّه العالم. م.

ص: ۲۱۰۷

امیر اسمعیل خان که خود اهل فضل و کمال و ذوق بوده چون این کلام را از یک بچه هفت ساله شنید پی بقابلیتش برد و باجازه حاجی ابراهیم قلی وی را همراه خود برده و در تعلیم و تربیتش همت گماشت و یغما تا هفت سال درس خواند و سپس در ردیف منشیان امیر اسمعیل خان قرار گرفت و آداب تیراندازی و سواری را یاد گرفته و بشعر گفتن مشغول و تخلص خود را مجنون نهاد، و بالاخره ترقی کرده تا منشی‌باشی و پیشکار امیر اسمعیل خان شد. تا در سنه ۱۲۱۶ که امیر اسمعیل خان بدولت وقت یاغی شده و پس از آن شکست خورده و بطرف خراسان فرار کرد و سردار ذوالفقار خان حکمران سمنان و دامغان گردید.

---

[۱۲۴] (۱) چنانکه پس ازین مذکور خواهد شد یغما بسمت وزارت حکومت بکاشان رفته و در این صورت چه اذیتی از مرحوم نراقی مشاهده کرده! جز اینکه بگوئیم غرض نویسنده امر بمعروف و نهی از منکرهای آن نایب الامام و حجة الاسلام بوده است، و اللّه العالم. م.

در این وقت جعفر سلطان نامی از طرف سردار بجندق که در آن وقت ظاهرا از توابع سمنان بوده برای سربازگیری آمد و از روی غرض شخصی یغما را جزو سربازان نموده و بسمنان آورد و وی آنجا شرح‌حال خود را بسردار گفت و او یغما را از سربازی معاف و او بسمت منشی‌گری و معاونت در خدمت سردار اقامت نمود و مدت شش سال در نزد وی بود و کتاب «سرداریه» را از قول او که جز (زن قحبه) فحشی دیگر نمیداده بنظم آورده و بعد از آن به افساد حساد، سردار با وی بغضب شده و در اثر آن او را مضروب و محبوس نمود و چندین سوار برای ضبط اموال او و کسانش بجندق فرستاد و آنها نهایت صدمه و غارت اموال بکسان او وارد آوردند. و یغما پس از مدتی ماندن در سیاه‌چال از حبس رها شده و در این وقت نام و تخلص خود را از (رحیم و مجنون) به (ابو الحسن و یغما) تبدیل و بدان هردو موسوم و متخلص و معروف گردید چنان‌که در مقطع غزلی فرماید:

مرا از مال دنیا یک تخلص مانده مجنون است　　بکار آید گر ای لیلی وش آنرا نیز یغما کن

بعد از آن بلباس درویشی درآمده و چندین سال سیاحت بلاد و امصار نموده و ضمنا بزیارت عتبات و بغداد هم رفته و خود را بمشرب تصوف وانمود کرد لکن مذهب شیخیه را اختیار و در أعمال دینی آن را بکار می‌برد، و بعد از برگشتن از عراق عرب که سردار هم وفات کرده بود بجندق رفت و پس از شش ماه از راه یزد بتهران آمد و بمناسبت تصوف و درویشی با

ص: ۲۱۰۸

حاجی میرزا آقاسی وزیر پادشاه وقت آشنا شده و بحدی در قلب وی نفوذ کرد که حاجی میرزا اقاسی وی را مرشد خود گرفت و در اثر آن در دربار محمد شاه هم مقامی ارجمند پیدا کرد.

آنگاه بکاشان رفت و بسمت وزارت حکومت چندی آنجا ماند و کتاب «خلاصة الافتضاح» را در آن ایام بنظم آورد.

و بالاخره، در سه ساعت برآمده از روز شنبه شانزدهم ماه ربیع الاخر این سال- مطابق (...) عقرب‌ماه برجی- در قریه خور وفات کرد و در همان‌جا در مقبره سید داود (که تا حضرت امام موسی الکاظم (ع) هفده نفر فاصله دارد و اعقاب او هم الان آنجا موجود و تقریبا بهمین شماره تا وی فاصله دارند دفن شد.

مرحوم یغما عشق مفرطی بزبان پارسی داشته و تا اندازه‌ئی نوشتجات خود را از الفاظ عربی خالی نموده و بخط خود که نهایت خوب بوده کتاب «برهان قاطع» را نوشته و در هر فصل و باب لغاتی را که از مؤلف فوت شده استدراک و یادداشت نموده، و تخصصش در أشعار در قسمت هجو ملیح، بمضامین عالیه باکره مستحسن الذکر بوده که در این فن نهایت قدرت از خود ابراز داشته و نظیری برای او نتوان یافت، و «دیوانی» دارد مشتمل بر اقسام اشعار که برای اولین بار در تهران در سنه ۱۲۸۳ قمری بچاپ رسیده و «سرداریه» و «خلاصة الافتضاح» مرقومان هم جزو آن است، اگرچه اشعار الحاقی در آن فراوان آمده خصوصا هجویاتش، و خود مرحوم یغما در موقعی که حاجی اسمعیل بیک تهرانی بأمر مرحوم اعتضاد السلطنه

علیقلی میرزا آنها را برای چاپ جمع و تدوین می‌نموده زنده بوده و کرارا اظهار بیزاری از نسبت بسیاری از آنها بخود می‌نموده لکن حاجی اسمعیل بیک این را نشنیده و هرچه را می‌خواسته در آن بنام یغما جمع کرده!.

مرحوم یغما- چنانکه در «تاریخ قومس: ۴۹۹» فرموده- چند نفر پسر داشته: اول مرحوم میرزا اسمعیل که شاعر بوده و تخلص هنر می‌نموده و برای فوت پدر مرثیه و ماده تاریخی سروده. دویم مرحوم میرزا احمد صفائی که در (۱۳۱۴) بیاید. سیم میرزا محمد علی خطر. چهارم میرزا ابراهیم دستان که نیز از کمالات پدر حظی داشته.

و پسرزاده‌اش کیوان اول که ما نامش را نمی‌دانیم هم شاعر بوده چنان که در «رساله احوال یغما» که ذکر کردیم نوشته، و ما نمیدانیم فرزند کدام یک از پسران او است.

ص: ۲۱۰۹

و یکی از نوادهای او میرزا هادی خان فرمان است که مرحوم میرزا رجاء زفره‌ئی (ره) در مراسله مورخه (۲۱ شوال ۱۳۳۳) که باین حقیر نوشته فرموده است: برای هم شعر گفته‌ایم. و ما او را هم نمیدانیم از کدام یک از پسران یا دختران او است.

و صاحب رساله مشار الیها حبیب یغمائی فرزند حاجی میرزا اسد اللّه منتخب السادات است که او داماد میرزا احمد صفائی و فرزندش که نواده میرزا احمد بشود از فضلا و ادباء بزرگوار معاصرین و اشعار دلنشین خوبی دارد و تخلص حبیب می‌نماید.

❊ (وفات آروینک امریکائی)❊

اوائل ج ۱. شرح احوال او در (۱۱۹۷ ج ۱ ش ۲۵) گذشت.

❊ (۱۳۲۳- تولد حاج زین العابدین خان قاجار کرمانی)❊

وی فرزند حاج محمد کریم خان (۱۲۲۵ ج ۳ ش ۳۵۹) و خود از علما و بعد از برادر خود حاج محمد خان جانشین او و مرجع سلسله شیخیه در زمان ما گردید، و همانا او در هفتم ماه رجب الفرد اینسال، چنان‌که در «فهرست کتابخانه رضویه ۴: ۲۸۳» نوشته- مطابق- (...)

دلوماه برجی- از بطن دختر شاهزاده محمد قلی میرزا ملک آرا متولد شده، و مادر مادر او که زن محمد قلی میرزا باشد- چنانکه در «فهرست کتب مشایخ: ۳۲» نوشته- دختر شاهرخ میرزا ابن رضا قلی میرزا ابن نادرشاه بوده، و مادر او که زن شاهرخ باشد دختر شاه سلطان حسین صفوی بوده.

و بهرحال. حاج زین العابدین خان چندین کتاب تألیف کرده، اول کتاب «ایضاح الاشتباه»

ص: ۲۱۱۰

در توضیح و تصحیح عقائد و آراء شیخیه. دویم کتاب «صاعقه». سیم کتاب «صواعق البرهان» و این هر دو در رد بابیه است و در «مقالات الحنفا» ذکر شده. چهارم شرح این عبارت از «فقه الرضا (ع)»: و انو عند افتتاح ذکر اللّه و ذکر رسول اللّه (ص) الخ. انجام تألیف آن ۳ شنبه ۶ شعبان سنه ۱۳۲۴. پنجم کتاب «اجوبة المسائل» و این هردو را در «فهرست کتابخانه رضویه ۵: ۵۸۸» ذکر کرده.

و او پس از مدت هشتاد و سه سال و نه ماه قمری و بیست و هشت روز عمر، در یک‌شنبه پنجم ماه جمادی الاولی سنه ۱۳۶۰ هزار و سیصد و شصت- مطابق ۱۱ خرداد ماه باستانی- وفات کرده و در کربلا در رواق روضه مطهره حسینی (ع) دفن شد. و فرزندش میرزا ابو القاسم خان هم از علما و فقهاء این فرقه است که پس از پدر جانشین او گردید و «رساله‌ئی در فلسفه» و «کتابی در مسئله نماز و روزه عرض تسعین» که شش ماه شب و شش ماه روز است تألیف کرده که در شب شنبه ۱۱ صفر سنه ۱۳۶۶ از تألیف آن فارغ شده و او نام خانوادگی خود را ابراهیمی نهاده و در ذی الحجه سنه ۱۳۷۱ بمکه رفته، چنان‌که در «نابغه علم و عرفان: ۴۰۸» در پاورقی فرموده. رجوع شود بسال (۱۳۱۴)[۱۲۵].

---

(۱) در آنجا شرح‌حال ابو القاسم خان تحت عنوانی خاص مذکور است. م.

ص: ۲۱۱۱

سنه ۱۲۳۹ شمسی

سه‌شنبه بیست و هفتم شعبان المعظم اول حمل‌ماه برجی

در «شرح زیارت جامعه» مرحوم شیخ احمد احسائی در شرح دعاء وداع آن زیارت در پشت صفحه آخر، عید نوروز این سال ۱۲۷۶ را در ۲۶ شعبان نوشته که انجام چاپ آن کتاب بوده و شاید تحویل در بعدازظهر ۲۶ و روز عید ۲۷ بوده.

❊ (۱۳۲۴- وفات میرزا علیمحمد خان نظام الدوله اصفهانی)❊

وی فرزند عبد اللّه خان امین الدولة بن حاجی محمد حسین خان صدر اعظم اصفهانی است.

مرحوم حاجی محمد حسینخان صدر در (۱۲۳۹ ج ۴ ش ۵۴۹) گذشت.

---

[۱۲۵] (۱) در آنجا شرح‌حال ابو القاسم خان تحت عنوانی خاص مذکور است. م.

عبد اللّه خان امین الدوله[۱۲۶] که از رجال معروف دربار فتحعلیشاه و در خیرمندی و سخاوت نمونه پدر کارآگاه بوده وفاتش شعبان سنه ۱۲۶۳ در نجف و او را فرزندانی بوده: یکی نصر اللّه خان که نواده او آقای امیر قلی امینی ابن ابراهیم خان بن مصطفی قلی خان ابن نصر اللّه خان مذکور از رجال علم و ادب در عصر حاضر و مدیر روزنامه بنام «اصفهان» است.

و دیگر میرزا علی محمد خان (که مادرش- چنان‌که در «الذریعه ۲: ۲۰۸» با ملاحظه

---

(۱) برای عبد اللّه خان رجوع بعنوان خود صدر نیز شود. یادداشت مؤلف.

ص: ۲۱۱۲

غلطنامه و «ج ۴ ش ۱۶۷۹» نوشته- سیده‌ئی حسینی و بهمین جهت بشریف موصوف شده و خود بنص کتاب «جغرافیای اصفهان: ۷۱» اکبر و ارشد و اکمل اولاد امین الدوله بوده)، از اعیان زمان و هم از جمله علما و اهل ادب بوده و شعر را نیکو می‌سروده و بهر دو زبان عربی و فارسی بر آن تسلط داشته، و او پس از اشتغال مدتی بکارهای دولتی از آنها استعفا داد، و در نجف مجاورت کرد و خدمت مرحوم حاجی شیخ محمد حسین نجفی که در (۱۲۶۶ ج ۵ ش ۱۰۹۳) گذشت بتحصیل روآورد و «تقریرات بحث دروس» آن استاد راد را تحریر نمود که پس از وفاتش فرزندش صدر الشریعه برخی از مباحث طهارت آن‌ها را با «تقریرات» خود جمع و طبع کرد.

و نظام الدوله در ۵ شنبه هشتم ماه ذی الحجة الحرام این سال- مطابق (...) سرطان ماه برجی- وفات کرد و در جوار حضرت امیر (ع) دفن شد. و مادرش را که بنقل از «الذریعه» نوشتیم سیده‌ئی حسینیه بوده در کتاب «جغرافیای اصفهان: ۷۴» گوید دختر حاجی رجبعلی لنبانی بوده. و وی نواب خورشید کلاه ملقبه بشمس الدوله دختر فتحعلیشاه را بزوجیت داشته، چنان‌که در «طرائق ۳: ۱۴۷» فرموده، و از او فرزندانی بازماند، یکی مرتضی قلیخان که در (۱۳۰۶) بیاید. و دیگر مرحوم شیخ بهاء الدین صدر الشریعه (رحمه اللّه) که نیز مانند پدر از علما و فقها بوده و کتب چندی تألیف نموده، از آن جمله: «تقریرات دروس اساتید» خود. و روایت می‌کند از چند نفر از آن جمله مرحوم سید محمد صادق طباطبائی که در (۱۳۰۰) بیاید. و دیگر حاجی علی آقا که در نجف در زی اهل علم بوده و «رساله‌ئی در اصول نحو» تألیف نموده، و در حدود سال ۱۳۱۹ وفات کرده، چنان‌که در «الذریعه ۱۱:

ش ۵۶۰» فرموده، و کلیة اولاد مرحوم نظام الدوله اینک دو طایفه در نجف بنام آل حاجی اسد خان و آل حاجی علی آقا تشکیل داده‌اند[۱۲۷].

---

[۱۲۶] (۱) برای عبد اللّه خان رجوع بعنوان خود صدر نیز شود. یادداشت مؤلف.

[۱۲۷] (۱) رحمت یزدانی بر روان فاضل صمدانی مؤلف این کتاب باد که پس از نگارش شرح حال مختصر اصلی نظام الدوله، ظرف مدت سی و چهل سال بشهادت خطوط مختلف مسوده کتاب، پانزده بار مطالب آنرا بدفعات و از گوشه و کنار تکمیل نموده تا بصورت کنونی درآمده است. و این روش آن مرحوم بود در تمام مدت عمر و بالخصوص در سراسر کتاب مکارم. م.

(۱) رحمت یزدانی بر روان فاضل صمدانی مؤلف این کتاب باد که پس از نگارش شرح حال مختصر اصلی نظام الدوله، ظرف مدت سی و چهل سال بشهادت خطوط مختلف مسوده کتاب، پانزده بار مطالب آنرا بدفعات و از گوشه و کنار تکمیل نموده تا بصورت کنونی درآمده است. و این روش آن مرحوم بود در تمام مدت عمر و بالخصوص در سراسر کتاب مکارم. م.

ص: ۲۱۱۳

❊ (۱۳۲۵- تولد سید اسد اللّه رودباری نجفی)❊

وی فرزند سید عباس بن سید عبد اللّه بن سید حسین بن میر محمد جعفر بن سید شمس الدین گیلانی انگری معروف به اشکوری، از نژاد مرحوم میر بزرگ ۱۷ مازندرانی است که در (۱۲۰۴ ج ۱ ش ۹۳ ص ۱۶۰) گذشت.

سید شمس الدین مرقوم از اعیان عصر خود بوده و سلاطین صفویه فرمانی برای وی نوشته‌اند که هنوز در این خانواده موجود است.

و مرحوم سید اسد اللّه از علما و فقها بوده و در این سال متولد شده و کتب چندی تألیف نموده از آن جمله «کتابی در أوانی طلا و نقره» و «کتابی در تقریرات» دروس استادش مرحوم حاجی میرزا حبیب اللّه رشتی (ره) که در یازده جلد بزرگ (پنج جلد در اصول و شش جلد در فقه) است و «رساله‌ئی در جواز نقل موتی». و در اواخر ماه ذی القعدة الحرام سنه ۱۳۳۳ هزار و سیصد و سی و سه- مطابق میزان ماه برجی- در نجف وفات کرده، و فرزندی بنام سید محمد از او بازمانده.

❊ (۱۳۲۶- تولد میرزا جواد جهان بخش منجم نهاوندی)❊

وی از علماء ریاضی و معروف به منجم‌باشی بود و در این سال متولد شده و چند سال «تقویم» های او بچاپ می‌رسید، تا در سنه ۱۳۳۳ هزار و سیصد و سی و سه- چنان‌که در «تاریخ سرتیپ» است- پس از مدت پنجاه و هفت سال قمری عمر وفات کرد، و در «سالنامه ۱۳۱۰» در سنه ۱۳۳۴ نوشته[۱۲۸].

(۱) صاحب ترجمه ظاهرا همانست که احوالشرا دانشمند جلیل آقای حاج شیخ غلامرضاء مولانای بروجردی در «تاریخ بروجرد ۲: ۴۸۱» بشرح ذیل آورده‌اند: «میرزا جهان‌بخش بروجردی. از علماء جامعین در قرن چهاردهم هجری است، در جمیع فنون و علوم اسلامی ماهر و باضافه در ریاضیات و هیئت شهرتی داشته و جمعی در محضرش بهره‌ور شدند، از جمله

[۱۲۸] (۱) صاحب ترجمه ظاهرا همانست که احوالشرا دانشمند جلیل آقای حاج شیخ غلامرضاء مولانای بروجردی در« تاریخ بروجرد ۲: ۴۸۱» بشرح ذیل آورده‌اند:« میرزا جهان‌بخش بروجردی. از علماء جامعین در قرن چهاردهم هجری است، در جمیع فنون و علوم اسلامی ماهر و باضافه در ریاضیات و هیئت شهرتی داشته و جمعی در محضرش بهره‌ور شدند، از جمله مرحوم شیخ عبد الحسین فرزند شیخ عیسی رشتی گیلانی که مدتی از ریاضیات و هیئت در حوزه درس وی استفاده کامل کرد» انتهی. م.

مرحوم شیخ عبد الحسین فرزند شیخ عیسی رشتی گیلانی که مدتی از ریاضیات و هیئت در حوزه درس وی استفاده کامل کرد» انتهی. م.

ص: ۲۱۱۵

❊ (۱۳۲۷- تولد حاج شیخ حسن قیم شاعر حلی)❊

وی فرزند شیخ محمد قیم حلی است که در (۱۲۹۳) بیاید، و خود از شعرای عراق بوده و شعر را نیکوتر از پدر خود می‌سروده و همانا در این سال- چنانکه در «الذریعه ۹: ۸۹۴ ش ۵۹۳۲» فرموده- متولد شده و مراتب شاعری را از شیخ حمادی عراقی (که در ۱۳۲۹ بیاید) گرفته و «دیوانی در اشعار» دارد که آنرا فرزندش عبد الکریم جمع کرده و در سنه ۱۳۳۵ در واقعه ترک که در حله رخ داده سوخته، و پس از آن در این اواخر برخی از متفرقات آنرا شیخ علی خاقانی جمع نموده و قصاید آن نیز در نزد سید محمد حسن آل طالقانی (که در ۱۳۵۰) بیاید موجود است، و بعضی از مراثی آنرا با مراثی قاسم بن محمد حلی؛ شیخ حسن بن علی حلی در ۱۳۳۰ در «مجموعه» ئی جمع کرده.

❊ (وفات میرزا حسنعلی وفای شاعر شیرازی)❊

شرح احوال او در (۱۲۲۴ ج ۳ ش ۳۴۹) گذشت.

ص: ۲۱۱۶

❊ (۱۳۲۸- تولد سید حسین ۲۸ براقی شاعر نجفی)❊

وی فرزند سید احمد ۲۷ بن حسین ۲۶ بن اسمعیل ۲۵ بن زین الدین ۲۴ بن محمد ۲۳ بن علی ۲۲ بن یحیی ۲۱ بن ابو الغنائم ۲۰ بن محمد ۱۹ بن فضائل ۱۸ بن احمد ۱۷ بن مرجا ۱۶ بن احمد ۱۵ بن محمد ۱۴ بن علی ۱۳ العالم بن حسن ۱۲ بن محمد ۱۱ بن علی ۱۰ بن ابو عبد اللّه حسین ۹ الشاعر البرسی بن عبد الرحمن ۸ بن قاسم ۷ بن محمد ۶ البطحانی بن ابو محمد قاسم ۵ بن ابو محمد حسن ۴ الامیر بن ابو الحسن زید ۳ بن الامام حسن ۲ المجتبی علیه السلام است.

حضرت امام حسن ۲ مجتبی (ع) در فصل دویم مقدمه گذشت.

فرزندش زید ۳ از اعیان عصر خود بوده، وفاتش سنه ۱۲۰ در حاجز میان مکه و مدینه یا بقیع، علی الاختلاف.

فرزندش حسن ۴ الامیر از معاریف رجال سیاسی دولت عباسی بوده، وفاتش سنه ۱۶۸ قبرش در حاجز.

فرزندش قاسم ۵ مردی عابد و زاهد بوده الا این‌که مانند پدر در دربار آل عباس و برای بنی اعمام خود سعایت می‌نموده.

فرزندش محمد ۶ البطحانی از فقها و منسوب است ببطحان- بر وزن سبحان- نام وادیی در مدینه، یا بطحا بفتح با- مانند نسبت بصنعاء یمن که صنعانی- بنون می‌گویند.

و سید حسین ۲۸ صاحب عنوان از اهل علم و فضل بوده و در فنون تاریخ و رجال و جغرافیای بلاد عراق عرب تتبعی تمام داشته و شرح احوال او در مجله مبارکه «المرشد.

جزء ۷ س ۳» نوشته که فعلا در نزد ما حاضر نیست، و اجمالا او در این سال متولد و به سید حسون ۲۸ مشهور شده و کتب بسیاری در تاریخ و احوال شهرهای عراق تألیف کرده، از آن جمله: اول کتاب «بهجة المؤمنین» در احوال اولین و آخرین که تاریخ عام تا عصر حاضر است

ص: ۲۱۱۷

در چهار جلد. دویم کتاب «جلاء العین» در اوقات مخصوصه بزیارت حسین. سیم کتاب «الحسرة الکامنة للزفرات» در زنان هاشمیه‌ئی که مصیبت‌زده شدند در غاضریات. چهارم کتاب «الدرة البهیه» در احوال روضه حسینیه که تاریخ کربلا است، انجام تألیف آن ۴ شنبه ۱۲ ع ۲ سنه ۱۳۱۶. پنجم کتاب «قلائد الدرر المرجان و العقیان» در تاریخ عمومی و وقایع هر زمان از سنین عدیده که در جلد بزرگی است. ششم کتاب «قرة العین» در عمارت کننده قبر ابو الحسنین، که آنرا ذیل «التحفة النجفیه» که اینک نوشته میشود قرار داده. هفتم کتاب «التحفة النجفیه و الیتیمة الغرویه».

و آخر در ماه شعبان المعظم سنه ۱۳۳۲ هزار و سیصد و سی و دو- مطابق (سرطان- اسد) ماه برجی- در قریه لهیبات حیره، چنان‌که در مقاله‌ئی که شیخ محمد رضاء شبیبی در شرح احوال او نوشته و در پشت «تاریخ کوفه» از تألیفات صاحب عنوان چاپ شده (در ص ۵) ذکر کرده؛ وفات کرد، و نیز در مواضع عدیده از جلد سیم «الذریعه» در همین سنه ۱۳۳۲ نوشته، لکن در «مجله المرشد. س ۳ جزء ۷» در سنه ۱۳۳۳ نوشته بی‌تعیین ماه، مانند «الذریعه»[۱۲۹].

❊ (۱۳۲۹- تولد همت شاعر شیرازی)❊

وی مرحوم میرزا علاء الدین حسین فرزند مرحوم وقار شیرازی است (۱۲۳۲ ج ۵ ش ۴۳۵).

مرحوم همت شاعری بلند پایه و فاضلی گران‌مایه بوده و در این سال متولد شده و در آغاز زندگانی یک چشمش از آبله نابینا گردید و با این حال در تحصیل فضل و کمال کوشید

---

(۱) برای اطلاع بیشتر از احوال و آثار صاحب عنوان رجوع شود به کتب تاریخ و تراجم متعددی که در این اواخر در نجف

---

[۱۲۹] (۱) برای اطلاع بیشتر از احوال و آثار صاحب عنوان رجوع شود به کتب تاریخ و تراجم متعددی که در این اواخر در نجف اشرف بچاپ رسیده. و مخفی نماند که ولادت سید حسون براقی را در« الذریعه ۱۷: ۱۶۲» اشتباها(۱۲۱۶) چاپ کرده و در غلطنامه هم متعرض نشده‌اند. م.

اشرف بچاپ رسیده. و مخفی نماند که ولادت سید حسون براقی را در «الذریعه ۱۷: ۱۶۲» اشتباها (۱۲۱۶) چاپ کرده و در غلطنامه هم متعرض نشده‌اند. م.

ص: ۲۱۱۸

تا بکمالات خانواده وصالی رسید و در خط نسخ بشیوه علاء الدین تبریزی نوشت، و در اشعار تخلص همت نمود و «تاریخ چهارده معصوم مجدول» پدر بزرگوار را که ناتمام مانده بود قسمت مهمی از آن را تألیف کرد، تا در اواخر عمر یک چشم دیگرش نیز نابینا شد، و آخر در عشر اول ماه ربیع المولود سنه ۱۳۳۲ هزار و سیصد و سی و دو، چنان‌که در «تاریخ سرتیپ» نوشته- مطابق اواسط دلوماه شمسی- وفات کرد و در نزد اعمام خود فرهنگ و یزدانی دفن شد. و در «گلشن وصال» در سنه ۱۳۳۶ گفته. و او دخترعمش میرزا ابو القاسم فرهنگ را تزویج نموده و از او یک دختر و سه پسر آورده بنام میرزا احمد ناصر (یا ناصری) (۱۲۹۹) و میرزا اسمعیل متولد در ۵ شنبه ۱۴ ج ۲ سنه ۱۳۰۴ و میرزا موسی متولد در سنه ۱۳۰۷ که هر یک از اهل علم و ادب و در ادارات دولتی شغلی دارند، و میرزا اسمعیل از دختر عم خود عشرت دو پسر بنام عیسی و محمود دارد.

❊ (۱۳۳۰- تولد مرحوم حاجی شیخ عبد الکریم یزدی)❊❊ (اعلی اللّه مقامه)❊

وی فرزند مرحوم محمد جعفر و خود از بزرگان علما و فقهاء شیعه بود، و در اواخر عمرش ریاست عامه این فرقه بوی مرجوع شد و در شهر قم با شهرت و اهمیتی بسزا بتدریس و سر- پرستی طلاب علوم شرعیه می‌پرداخت. و او در این سال- چنانکه در «آینه دانشوران: ۵» نوشته- در قریه مهرجرد که ده فرسنگی یزد و از توابع قصبه میبد است متولد شده، و بطوری که در «فهرست کتابخانه رضویه ۵: ۵۹۴» گفته علوم مقدماتی را در یزد تحصیل نموده، و پس از آن بعتبات رفت و آنجا در نزد حاج میرزا محمد تقی شیرازی و میرزا ابراهیم محلاتی و حاج شیخ فضل اللّه شهید و آخوند خراسانی و سید محمد فشارکی و سید محمد کاظم یزدی درس خواند و از حاجی نوری اجازت روایت گرفت، و پس از تحصیلات در سامره و نجف

ص: ۲۱۱۹

در سنه ۱۳۲۴ در حائر طاهر سکونت نمود، و در سنه ۱۳۳۲ بشهر سلطان‌آباد عراق عجم آمد و از این‌رو بکلمات (یزدی، حائری، عراقی) شهرت گرفت، و آخر در سنه ۱۳۴۰ بقم آمد و تا آخر عمر در آن‌جا ساکن و با محبوبیت و مطبوعیتی هرچه تمام‌تر در انظار ملت و دولت خصوصا پادشاه وقت چندین سال در آن‌جا بسر برد. و او را تألیفات چندی است از آن جمله:

اول کتاب «دررالفوائد» در اصول فقه از مباحث الفاظ تا تعادل و تراجیح: دویم «کتابی در نماز» بطور استدلال.

ص: ۲۱۲۰

خط و مهر صاحب ترجمه (ره) در خصوص گواهی اجتهاد مرحوم آیة اللّه حاج میرزا سید حسن چهارسوقی (۱۲۹۴)

و آخر در نیمه شب شنبه هفدهم ماه ذی القعدة الحرام سنه ۱۳۵۵ هزار و سیصد و پنجاه و پنج- مطابق ۱۰ بهمن‌ماه باستانی- هم در آن شهر شریف وفات کرده و در مسجد بالاسر حرم مطهر دفن شد، و در قاطبه شهرهای شیعه عزاداری کامل برایش بپاداشتند[۱۳۰].

---

(۱) در نسخه‌ئی که بعد، از این کتاب نوشته میشود رجوع شود بکتاب «نقبا: ش ۱۶۹۲» و مفصلا نوشته شود. یادداشت مؤلف.

مع الاسف مرحوم معلم موفق بافزودن مطالب «نقباء البشر» باین شرح‌حال نشد و فعلا همین توضیح کافی بنظر می‌رسد. راقم این سطور نیز شمه‌ئی از احوال آیة اللّه حائری (اعلی اللّه مقامه) را در کتاب «زندگانی آیة اللّه چهارسوقی: ۶۰» نگاشته است. و دو نفر فرزندان ذکور آن مرحوم اول آیة اللّه حاج شیخ مرتضی حائری از مجتهدان و محققان و مراجع مسلم حوزه علمیه قم و از اساتید قدیم این‌جانب در «کفایه» و «مکاسب» و دوم علامه مفضال الحاج آقا مهدی حائری که از بزرگان علما و مدرسین بشمارند. ادام اللّه تعالی بقائهما. م.

ص: ۲۱۲۱

و نخستین زوجه او دختر حاجی شیخ عبد الحسین یزدی است. (۱۳۴۵)، و از او دختری داشت که زوجه شیخ محمد تویسرکانی گردید. و نیز دو پسر بنام آقا مرتضی که از علما و محصلین قم بشمار آید و آقا مهدی از صاحب عنوان بازماند. و نواده دختریش آقا احمد غروی فرزند شیخ محمد مرقوم نیز از محصلین آن مکان مقدس است.

❊ (۱۳۳۱- تولد شیخ عبد المجید همدانی، ره)❊

وی فرزند عبد الوهاب و عالمی ورع و فقیهی کامل بوده، و همانا در این سال (چنان‌که در «نقباء البشر: ۱۲۲۴ ش ۱۷۵۵» فرموده) متولد شده، و علوم مقدماتی را در نزد چندین نفر از اهل فضل تحصیل نموده، در حدود ۱۲۹۸ بعراق عرب رفت، و سالی چند در کربلا ماند و آنجا بمحاضر دروس فاضل اردکانی و حاج شیخ زین العابدین مازندرانی رفت، و بعد از وفات آنها بنجف مشرف شد و در نزد حاج میرزا میرزا حسین خلیلی و دیگران درس خواند، و در سنه هزار و سیصد و شانزده بأمر این استاد راد بهمدان برگشت و بوظائف شرعیه پرداخت، و در سنه ۱۳۲۶ که آن‌جناب وفات کرد باز بزیارت مشرف شده و بهمدان برگشت و بخدمات دینیه پرداخت، و هم در سنه ۱۳۳۸ بزیارت آمده و بازگشت. و این بزرگوار از عباد اوتاد و بر

---

[۱۳۰] (۱) در نسخه‌ئی که بعد، از این کتاب نوشته میشود رجوع شود بکتاب« نقبا: ش ۱۶۹۲» و مفصلا نوشته شود. یادداشت مؤلف.

مع الاسف مرحوم معلم موفق بافزودن مطالب« نقباء البشر» باین شرح‌حال نشد و فعلا همین توضیح کافی بنظر می‌رسد. راقم این سطور نیز شمه‌ئی از احوال آیة اللّه حائری(اعلی اللّه مقامه) را در کتاب« زندگانی آیة اللّه چهارسوقی: ۶۰» نگاشته است. و دو نفر فرزندان ذکور آن مرحوم اول آیة اللّه حاج شیخ مرتضی حائری از مجتهدان و محققان و مراجع مسلم حوزه علمیه قم و از اساتید قدیم این‌جانب در« کفایه» و« مکاسب» و دوم علامه مفضال الحاج آقا مهدی حائری که از بزرگان علما و مدرسین بشمارند. ادام اللّه تعالی بقائهما. م.

جانبی عظیم از تقوی و عبادت و صلاح بوده، و از استاد خلیلی خویش علاوه بر مراتب علمی در بعضی از مقامات عملی فیض‌یاب گردیده چندان که بعضی از کرامات و قضایا و ملاقات حضرت حجت (علیه السلام) را بوی نسبت داده‌اند، چنان که مؤلف «نقبا» می‌فرماید: چون مرا با وی علاقه دوستی و برادری بود وقتی از وی خواهش کردم که چیزی از آنها را برای من بگوید، وی فرمود در سنه ۱۲۹۹ من از کاظمین پیاده بزیارت عسکریین روانه شدم و چون نیم فرسنگ از خان مشاهده که کنون نیز موجود و ایستگاه قطار است گذشتم، سخت از پیادگی و تشنگی بزحمت افتادم و از قافله عقب مانده و راه را گم کردم و ترسی تمام در خود یافته و بأئمه (علیهم السلام) برای نجات از آن متوسل شدم که ناگهان دو نفر پیدا شده و از آبی

ص: ۲۱۲۲

که همراه داشتند بمن دادند و اندکی با من آمدند که بقریه‌ئی رسیدم و پرسیدم اینجا کجاست؟

گفتند دجیل است، و ملتفت شدم که آنها با من نیستند و اثری از آنها نیافتم و از قافله پرسیدم، گفتند هنوز نیامده و من باندیشه و انتظار فرو رفتم تا پس از پنج ساعت قافله رسید!

و هم در «نقبا» فرموده که او برای من نقل کرد که در سنه ۱۳۲۶ من چهل روز «دعاء سیفی» را باجازت از استاد خلیلی خود که وی را از برکت آن حکایات و حوادثی است میخواندم و روز چهلم بمسجد سهله رفتم و بعد از غروب چنین دیدم که گویا آقای سید محمد کاظم یزدی بنماز جماعت ایستاده و من بوی اقتدا کردم و بعداز نماز پیاده با وی بمسجد کوفه رفتم و در راه با او در برخی از امور گفتگو می‌کردم تا از هم جدا شدیم و من شب را در کوفه ماندم و صبح بنجف آمدم و پرسیدم که سید یزدی دیشب در کوفه مانده یا بنجف برگشته، گفتند وی چند روزی است که بیمار و بستری است و از منزل بیرون نیامده! پس من دانستم که سیدی را که من دیده‌ام سید یزدی نبوده و شاید حضرت حجت (علیه السلام) بوده.

و بالاخره، در «نقبا» نوشته که وی سالها در مشهد رضوی (ع) مجاور بود تا وفات کرد و هماره بعتبات عالیات می‌آمد و مدتها می‌ماند. و چندین کتاب تألیف کرده، از آن جمله:

اول کتاب «مختصر الاحکام» در تکالیف انام. دویم کتاب «مجالس المواعظ» که چهل مجلس است، و غیر آنها. و وی را اطلاعی تام بر احوال علما و بعضی از وقایع تاریخیه بود و تراجم بسیاری از علما را که دیده بود برای من نقل فرمود، از آن جمله شیخ میرزا علی اکبر دبیر همدانی که از رفقاء وی بود، و من آنچه از تواریخ دبیر مذکور و تصانیف کثیره او در مجلدات «الذریعه» هر یک را بجای خود نوشته‌ام همه از نقل او است و خود دبیر را ندیده‌ام[۱۳۱].

و هم آنجا دارد که وی در سنه ۱۳۴۶ هزار و سیصد و چهل و شش وفات کرد، و از زوجه اولیه‌اش فرزندی بنام شیخ علی صراف داشت که بقتل رسید و از دویمی حسین را داشت و کوچک‌تر فرزندان او حسن عشاق بود. انتهی ما فی «النقبا» و بنابر آن مدت عمر او هفتاد سال بوده.

---

[۱۳۱] (۱) شرح حال دبیر بشماره ۱۱۹۹ در ص ۱۹۶۱ گذشت. م.

(۱) شرح حال دبیر بشماره ۱۱۹۹ در ص ۱۹۶۱ گذشت. م.

ص: ۲۱۲۳

❊ (۱۳۳۲- تولد مرحوم حاج شیخ علی کربلائی، ره)❊

وی فرزند مرحوم حاجی شیخ زین العابدین مازندرانی است که در (۱۲۲۷ ج ۳ ش ۳۸۴) گذشت.

مرحوم حاج شیخ علی از علما و فقها و معرف به شیخ العراقین بود و در این سال متولد شده و کتب چندی تألیف نموده از آن جمله: کتاب «انصافیه» در اصول دین. و در پنج‌شنبه بیست و پنجم ماه شوال المکرم سنه ۱۳۴۵ هزار و سیصد و چهل و پنج، چنان‌که در «تاریخ سرتیپ» است- مطابق ۷ اردی‌بهشتماه باستانی- در کربلا وفات کرد، و در «احسن الودیعه» نیز وفات او را بدون تعیین ماه و روز در این سال نوشته، لکن در «الذریعه» در سنه ۱۳۴۶ فرموده.

و او را فرزندانی بوده: یکی میرزا رضاء تجدد که در (۱۳۰۶) بیاید.

و دیگر که کوچک‌تر است میرزا زین العابدین رهنما که از رجال ادبی و سیاسی عصر حاضر است و چنان‌که در «رجال مازندران: ۴۳» نوشته در ۲۲ سالگی تحصیلات خود را در فلسفه و عرفان و ادبیات و شرعیات بپایان رسانید، و در ۲۷ سالگی دختر عم خود حاجی شیخ عبد اللّه (۱۲۸۴) را تزویج کرد، و در (۱۳۳۶- ۱۳۳۷) «مجله رهنما» را تأسیس و پس از یکسال آنرا بشکل روزنامه درآورد، و همان سال عضو دار التألیف و ترجمه وزارت فرهنگ شد.

و در (۱۳۳۸- ۱۳۳۹) مدیر «روزنامه ایران» شد، و در (۱۳۴۲- ۱۳۴۳) باروپا رفت. و در دوره ششم و ما بعدها سه دوره وکیل مجلس شد، و در (۱۳۴۵- ۱۳۴۶) وزیر راه و بعد وزیر کشور شد، و در (۱۳۶۲- ۱۳۶۳) معاون پارلمانی نخست‌وزیر شد، و در (۱۳۶۳- ۱۳۶۴) وزیر مختار ایران در فرانسه شد، و در (۱۳۶۵- ۱۳۶۶) وزیر مختار ایران در سوریه و لبنان شد.

و وی چندین کتاب تألیف کرده: اول «شرح احوال مولوی». دویم کتاب «پیامبر». سیم کتاب «ژاله». و از دختر عمش پنج فرزند دارد: اول حمید رهنما که مدیر فعلی «روزنامه

ص: ۲۱۲۴

ایران» در طهران است. دویم آذر که در علوم تربیتی لیسانس خود را گرفته. سیم دکتر مجید رهنما که در بیروت است. چهارم فریدون که در پاریس تحصیل میکند. پنجم فریده که در بیروت نزد پدر خود میباشد، انتهی.

❊ (۱۳۳۳- تولد سید علی امین عاملی)❊

وی بطوری‌که در «نقباء البشر ۴: ۱۵۳۹ ش ۲۰۵۳» نوشته، فرزند سید محمود بن سید علی بن سید محمد الملقب بالامین بن سید ابو الحسن موسی حسینی شقرائی عاملی، و خود عالمی کبیر و فقیهی زعیم و ادیبی بارع بوده، و همانا در اینسال در قریه شقرای جبل عامل از دختر شیخ علی شمس الدین متولد شده و علوم اولیه را در همانجا و حنویه فرا گرفته، آنگاه در حدود ۱۲۹۰ بعراق هجرت کرد و سطوح فقه و اصول را در نزد شیخ احمد بن شیخ عبد الحسین جواهری و شیخ محمود ذهب و غیر آنها خواند، سپس بمجالس دروس شیخ محمد حسین کاظمینی و میرزای رشتی و شیخ محمد طه نجف و آخوند خراسانی و حاجی آقا رضاء همدانی و حاجی میرزا حسین حاجی میرزا خلیل حاضر شد، و سالها در جوار جد خود بسر برد و رجال فقه و اصول همی از فیوضاتش استفاضه می‌کردند، تا اینکه اجتهادش مورد تصدیق بعضی از مشایخش قرار گرفت، و از میرزای شیرازی بدریافت اجازه نائل گردید، و در نجف چندین نفر از افاضل جبل عامل و غیره در نزد او درس خواندند، و در حدود ۱۳۱۰ ببلاد خود برگشته و بوظائف شرعیه پرداخت و ریاستی مهم و مکانی عالی بهمرسانید، و در شقرا مدرسه اجداد خود را تجدید بنا نمود و آنرا مدرسه علویه نامید، و از اطراف بلاد طلاب بدان هجوم آوردند. و بالاخره عمر خود را بتدریس و قضا و ارشاد بسر آورد، تا آخر در شب شنبه یازدهم ماه شوال المکرم سنه هزار و سیصد و بیست و هشت- مطابق (...) عقرب‌ماه برجی- وفات کرد و در مقبره جدش سید ابو الحسن در شقرا دفن شد و روز وفاتش روزی مشهود بود و بسیاری از شعرا برای وی مرثیه‌ها گفتند، چنانکه خود نیز اشعار بسیاری دارد از آن جمله قصیده‌ئی در

«رد قصیده بغدادیه» که ناظم آن در آنجا وجود حضرت حجة (عجل اللّه تعالی فرجه) را انکار نموده. و مرحوم سید عبد الحسین شرف الدین وی را بمناسبت اینکه سید هاشم شرف الدین شاگرد او بوده ذکر نموده.

❊ (۱۳۳۴- تولد میرزا غلامرضا خان مصدق السلطان تفضلی)❊

وی از اهل علم و ادب و عرفان و اصلا از مردم یکی از دیهات شاهرود بود، و در اینسال چنان‌که در «نابغه علم و عرفان: ۳۶۱» فرموده متولد شده، و در سنه ۱۲۹۹ در گنابد بخدمت حاج ملا سلطانعلی رسیده و بعد از آن در مشهد مقدس متوطن و باداره گمرک درآمد و هماره بخدمت‌گذاری فقرا بسر می‌آورد، و سفرها بگنابد رفت‌وآمد نمود.

و آخر در روز دوشنبه بیست و نهم ماه ذی الحجة الحرام سنه ۱۳۵۹ هزار و سیصد و پنجاه و نه- مطابق ۷ بهمنماه باستانی- وفات کرده و در جوار حضرت رضا (ع) دفن شد. و در «شمس التواریخ: ۱۰۷» وی را با عنوانی مخصوص ذکر کرده. و در «نابغه» وفات او را در ۲ شنبه ۲۹ ذی الحجه مذکوره- مطابق ۷ دی‌ماه- نوشته، و آن بشهادت تقویم موجود آن سال غلط است، و نشاید گفت شمسی آن درست و قمری غلط است زیرا که در روزنامه‌های آن ایام اعلان مجلس فاتحه او را در محرم سنه ۱۳۶۰ نوشته‌اند، و بهمین نظر در «تاریخ نائین ۴:

۱۳۹» وفات او را بدون ماه و روز در سنه ۱۳۶۰ نوشته، و آن غلط و مبنی بر تقریب است، و در «تذکرة العارفین: ۱۲۴» مخصوصا در ۲۹ بهمن بدون ماه و روز قمری فرموده.

و بهرحال، بطوری‌که در «تاریخ نائین» بعداز ذکر وفات او نوشته وی نه نفر پسر و دختر داشته بدین شرح:

اول صادق خان. دویم جهانگیر خان معاون بانگ صنعتی. سیم تقی خان

ص: ۲۱۲۶

معاون سابق کتابخانه مجلس. چهارم محمود خان عضو وزارت فرهنگ. پنجم ابو القاسم خان قاضی دادگستری. ششم همسر احمد فریدونی معاون سابق وزارت کشور. هفتم همسر سید صدر الدین بلاغی برادر مؤلف (۱۲۸۸). هشتم همسر غلامعلی خان محمودی رئیس دارائی مشهد. نهم همسر حسین درمان تاجر داروجات، انتهی.

و در «نابغه» فرزند اول (صادق) را بلقب موفق السلطان نوشته. و فرزند دویم (جهانگیر خان) بطوری‌که در «نامه سخنوران: ۶۵» نوشته شاعری است دارای احساساتی لطیف و بیاناتی شیرین و این چند فرد شعر را از او آورده:

بشنیده‌ام که بوده شهی آنچنان مریض — کاورا دوای هیچ طبیبی ثمر نداشت

از بخت خویش بود ملک در ملال و غم — آه ملک بچرخ ستمگر اثر نداشت

ناچار کرد قصد سفر با دلی حزین — بر درد خویش چاره بغیر از سفر نداشت

در راه، چشم شاه بدرویشی اوفتاد — بگرفته راه خویش و بسلطان نظر نداشت

فرمود شاه تا که شود حاضر حضور — آنکو نظر بشاه و کلاه و کمر نداشت

پرسید راه چاره ز درویش پادشاه — در سر بغیر چاره خیالی دیگر نداشت

گفتا بپوش پیرهنی را که صاحبش — از درد و رنج فارغ و شوری بسر نداشت

کردند جستجو همه شهر و نبود هیچ — مردی که از جفای فلک چشم تر نداشت

بی‌غصه کس نبود چو گشتند در جهان — وین مادر زمانه چنان یک پسر نداشت

دیدند لاجرم به بیابان کسی که بود — فارغ ز غصه و زغم اصلا خبر نداشت

می‌خواستند پیرهنش نزد شه برند — بود از قضا برهنه و چیزی ببر نداشت!

و میرزا احمد خان فریدونی شوهر ششم از معاریف عرفاء زمان و رجال دولتی ایران است. در «نابغه: ۳۴۵» شرحی درباره وی نوشته بخلاصه اینکه: وی برادر مادری

ص: ۲۱۲۷

مرحوم میرزا حسینعلی موثق السلطان و اصلا شیرازی است ولی در طهران سکونت دارد.

در ج ۲ سنه ۱۳۰۱ متولد شده و با آنکه سالها در رأس وزارت کشور قرار گرفته و دفعاتی هم کفالت آنرا داشته از تواضع و فروتنی با فقرا فروگذار نکرده و سه پسر دارد بنام‌های فریدون خان و اسفندیار خان و بهروز خان، انتهی.

❊ (۱۳۳۵- وفات شیخ قاسم، هر حائری)❊

وی فرزند محمد علی حائری و خود از شعرا بوده و در اینسال وفات نموده چنان‌که در «مجالی اللطف» نوشته[۱۳۲].

❊ (وفات سید محمد سنوسی صوفی)❊

شرح احوال او در (۱۲۰۴ ج ۱ ش ۹۶) گذشت.

❊ (۱۳۳۶- وفات حاج میرزا محمد تقی ۳۳ قاضی تبریزی)❊

وی فرزند میرزا باقر ۳۲ بن میرزا محمد تقی ۳۱ قاضی طباطبائی است. میرزا محمد تقی ۳۱ در (۱۲۲۰ ج ۳ ش ۲۸۹) گذشت.

---

(۱) ظاهرا شیخ جعفر که در (ش ۱۲۴۵ ص ۲۰۲۲) گذشت از منسوبین صاحب عنوان بوده. م.

ص: ۲۱۲۸

فرزندش میرزا باقر ۳۲ بطوری‌که در «شجره‌نامه سادات وهابی‌ها: ۲۳» نوشته در سنه ۱۲۱۵ متولد شده و در سنه ۱۲۶۲ پس از ۴۷ سال عمر وفات کرده و در (ص ۲۰) دو نفر فرزند از او آورده، یکی حاج میرزا یوسف آقا ۳۳ (۱۲۸۹) و دیگر حاج میرزا محمد تقی ۳۳ صاحب این عنوان که از علما و فقها بوده و در نزد شیخ انصاری درس خوانده و «حاشیه‌ئی بر قوانین» نوشته که مبحث مفهوم و منطوق آن در سنه ۱۲۷۰ و اجماع آن در سنه ۱۲۷۱ بیرون آمده و برخی از آن در سنه ۱۳۱۹ در حاشیه «قوانین» چاپ خورده و نسخه خطی آن نزد میرزا باقر قاضی از علماء معاصر در تبریز است.

و بالاخره میرزا محمد تقی در اینسال در موقعی که از حج برمی‌گشته در راه جبل وفات کرد و نعش او را بنجف آوردند، چنان‌که در «الذریعه ۶: ش ۹۵۱» فرموده. و در «شجره‌نامه سادات وهابی‌ها: ۳۴» نوشته که او در سنه ۱۲۷۰ بسفر حج

---

[۱۳۲] (۱) ظاهرا شیخ جعفر که در(ش ۱۲۴۵ ص ۲۰۲۲) گذشت از منسوبین صاحب عنوان بوده. م.

رفته و در مراجعت وفات کرده که ظاهرش چنان مینماید که وفات او در سنه ۱۲۷۱ باشد، لیکن ما قول «الذریعه» را اصح دانستیم، و در (ص ۲۰) که شجره آنان را ذکر کرده فرزندی برای او نیاورده.

❊ (۱۳۳۷- تولد سید محمد جعفر ۲۶ موسوی جزایری)❊

وی فرزند حاجی سید عبد الصمد ۲۵ شوشتری است که در (۱۳۳۷) بیاید، و خود عالمی ادیب ورع تقی بوده، و همانا در اینسال (چنان‌که در «نقباء البشر: ۲۹۱ ش ۶۰۸» فرموده) متولد شده، چنان‌که مرحوم وفائی شاعر شوشتری تاریخ آن را ضبط کرده. وی علوم اولیه را در نزد پدر خود خوانده و هم در نزد دیگران از علما و فضلا تحصیل نموده تا در علم و ادب براعتی بهم رسانید و از سید محمد کاظم یزدی و میرزا محمد تقی شیرازی و شیخ محمد طاهر دزفولی و غیر آنها باجازت روایت سرافراز گردید، و در حسن انشا و بیانات منبری و وعظ و خطابه مهارتی تمام داشت و هماره در ترویج دین و هدایت مؤمنین و نشر احکام و دعوت بمراسم اسلام روز می‌گذاشت، و کتابی بنام «نجات العقبات» از بیانات و مواعظ خود که در دهه محرم

ص: ۲۱۲۹

و ماه رمضان و غیره بر منبر می‌گفته تألیف نمود. و آخر در شب چهارشنبه بیستم ماه شعبان المعظم سنه ۱۳۵۰ هزار و سیصد و پنجاه- مطابق ۸ دی‌ماه باستانی- وفات کرد. و در «نقبا» فرماید که شیخ محمد سماوی که وفات وی را در سنه ۱۳۵۲ نوشته و بر طبق آن تاریخی سروده اشتباه است، انتهی.

و فرزندانش سید احمد و سید نعمت اللّه در (۱۳۰۷ و ۱۳۲۶) بیایند.

❊ (۱۳۳۸- وفات میرزا محمد مهدی ۳۸ تحویلدار مشهدی)❊

وی فرزند میرزا هادی ۳۷ تحویلدار ابن میرزا مهدی ۳۶ صاحب جمع ابن میرزا محمد ۳۵ ناظر مشهدی است. میرزا محمد ناظر در (۱۲۵۰ ج ۴ ش ۷۵۳) گذشت. فرزندش میرزا محمد مهدی ۳۶ در زمان شاهرخ افشار صاحب جمع آستان قدس بوده. فرزندش میرزا هادی ۳۷ هم در زمان این شاهزاده تحویلدار آن عتبه علیه بوده.

فرزندش میرزا محمد مهدی ۳۸ صاحب عنوان از معاریف و أعیان مشهد در عصر خود بوده و در این سال وفات نموده و در گنبد حاتم خان دفن شد. و سه پسر از او بازماند: اول میرزا عبد الجواد ۳۹ مشرف روشنائی که در سنه ۱۳۱۲ وفات کرده، و فرزندش میرزا هدایت ۴۰ مشرف در سنه ۱۳۳۳ وفات کرده و برخی از اولاد و احفاد ایشان هنوز زنده‌اند.

دویم میرزا طاهر ۳۹ که صاحب صنایع غریبه بوده. سیم میرزا هادی ۳۹ که در (۱۳۳۳) بیاید.

ص: ۲۱۳۰

❊ (۱۳۳۹- وفات میرزا نصر اللّه منجم مراغه‌ئی)❊

وی فرزند آقا محمد رضاء بن آقا ابو الحسن بن شیخ میرزا بابا بن حاج بابا خان بن قاضی جهان بن آقا بیک بن قاضی عبد اللّه بن قاضی علاء الدولة بن قاضی شرف الدین بن خواجه شمس الدین بن شیخ محیی الدین ابو بکر محمد بن علی بن محمد بن محمد بن محمد از نژاد حاتم ۳۵ طائی جواد سخی معروف است.

و نژاد حاتم ۳۵ طائی را چنین نوشته‌اند که وی: ابو سفانة ۳۵ بن عبد اللّه ۳۴ بن سعد ۳۳ بن حشر ج ۳۲ بن امرىء القیس ۳۱ بن عدی ۳۰ بن اخزم ۲۹ بن ابو أخزم هرومة ۲۸ بن ربیعة ۲۷ بن جرول بن ثعلبة ۲۵ بن عمرو ۲۴ بن غوث ۲۳ بن طی جلهمة ۲۲ بن ادد ۲۱ است که در (۱۲۰۵ ج ۱ ش ۱۱۱) گذشت و آنجا شماره‌اش ۲۴ بود. وفاتش سنه ۸ قبرش در کوه عوارض قبیله طی، چنانکه در «مجله الهلال: س ۸. ج ۱. ص ۷» نوشته.

و شیخ محیی الدین ابو بکر محمد معروف به ابن عربی (بصیغه مفرد، نه أعرابی و بدون الف و لام، نه الاعرابی یا العربی)، از اجله علماء اسلام و در حکمت و تصوف و عرفان و تفسیر در بین مسلمین مقامی معروف دارد و کتب نفیسه چندی تألیف کرده از آن جمله کتاب «الفتوحات المکیه» در معرفت أسرار مالکیه و ملکیه، انجام تألیف باب ۵۵۹ آن صفر سنه ۶۲۹، انجام تألیف جلد آخر بامداد روز ۴ شنبه ۲۴ ع ۱ سنه ۶۳۶، و مشهور این‌که وی از نژاد حاتم طائی معروف مذکور است، و او از اهل شهر اشبیلیه مملکت اسپانیای اروپا است و از این جهت وی را محیی الدین مغربی گویند. تولدش شب ۲ شنبه ۱۷ ماه رمضان سنه ۵۶۰ مدت عمرش ۷۷ سال و ۶ ماه و ۶ روز، وفاتش شب آدینه ۲۲ ع ۱ سنه ۶۳۸ قبرش در دامنه کوه قاسیون در صالحیه دمشق.

فرزندش خواجه شمس الدین را مرحوم خواجه نصیر الدین محقق طوسی برای بستن رصد بمراغه آورد و او آنجا مانده و تاکنون اعقابش در آذربایجان باقی هستند.

ص: ۲۱۳۱

و میرزا نصر اللّه صاحب عنوان از مردم مراغه و چنان‌که در «المآثر» فرموده: در علم تنجیم بمقامی عظیم رسیده و در فنون ریاضیه بالکلیه درجه بلند داشت و در اواخر سلطنت فتحعلیشاه منجم‌باشی خاص شد و بتدریج از اعیان عهد خود گردیده و تیول لایق و مرسوم قابل بهم رسانید، و در این سال وفات کرده و اولادی محصل علوم برجای گذاشت، انتهی،

لکن نژاد او را که تا محیی الدین بدین طریق آورده چندین نفر از میزان مرسوم کمتر و ظاهرا قدری افتاده دارد.

سنه ۱۲۷۷ قمری مطابق سنه ۱۲۳۹ شمسی آدینه غره محرم الحرام (...) اسدماه برجی

❊ (۱۳۴۰- تولد میرزا محمد صادق خان ۴۱ ادیب الممالک فراهانی)❊

وی فرزند حاجی میرزا حسین ۴۰ بن میرزا محمد صادق ۳۹ شاعر فراهانی است.

میرزا محمد صادق در (۱۲۸۹) بیاید. فرزندش حاجی میرزا حسین ۴۰ از دختر عم پدرش میرزا ابو القاسم قائم‌مقام بوجود آمده، وفاتش غره شوال سنه ۱۲۹۱ و او دختر عمه‌اش را که دختر ۴۰ پسر ۳۹ میرزا حسن ۳۸ بن میرزا عیسی ۳۷ (۱۲۳۷ ج ۴ ش ۵۱۴) باشد بزنی گرفته و از او چهار پسر ۴۱ و دو دختر ۴۱ آورده، که یکی از دخترانش فاطمه خانم ۴۱ شاعره شاهین تخلص (۱۲۸۱) و سیمین پسرانش میرزا محمد صادق خان ۴۱ صاحب این عنوان است که کنیه‌اش ابو عیسی و تخلصش در شعر امیری و لقبش ادیب- الممالک بود.

ص: ۲۱۳۲

میرزا محمد صادق خان از أجله و عظماء شعرا و ادبا و رجال نامبردار این عصر بود، بلکه باعتقاد کثیری از اهل ادب و سخن نخستین شاعر عهد اخیر و بر کافه معاصرین خود در نظم و نثر برتری داشت. و او در دوازده دقیقه پیش از طلوع آفتاب روز پنج‌شنبه چهاردهم ماه محرم الحرام این سال- مطابق (...) اسدماه برجی- در قریه کازران بلوک شراء شهر سلطان‌آباد عراق که اختصاصی مادرش بوده متولد شده و از نخست لقب امیر الشعرا یافته و از این جهت تخلص خود را که پروانه بود در سنه ۱۳۰۸ امیری نهاد، و از آن پس در سنه ۱۳۱۴ از طرف مظفر الدین شاه لقب ادیب الممالک یافت، و چندین کتاب بنظم و نثر تألیف کرده که از همه مشهورتر «دیوان اشعار» او است. و پس از مدت پنجاه و هشت سال و سه ماه قمری و چهارده روز عمر در روز چهارشنبه بیست و هشتم ماه ربیع الاخر سنه ۱۳۳۵ هزار و سیصد و سی و پنج- مطابق ۳ حوت‌ماه برجی- وفات کرد و در شاه عبد العظیم (ع) در صحن مرحوم آقا سید صادق طباطبائی در حجره میرزا ابو الحسن خان قائم‌مقامی دفن شد. و وی را فرزندی بنام میرزا عیسی ۴۲ بوده که در سنه ۱۳۰۸ بده سالگی وفات کرده و غیر از او فرزندان دیگری نیز داشته که همه پیش از خودش وفات کردند و خود در حین وفات بلاعقب درگذشت[۱۳۳].

❊ (۱۳۴۱- وفات سید جعفر طالقانی نجفی)❊

وی فرزند سید علی بن سید حسین بن سید حسن میر حکیم حسینی و خود از مشاهیر عصر خویش در علم و ادب بوده که در سنه ۱۲۰۳- چنانکه در «الکرام البرره: ۲۶۵ ش ۵۲۳» فرموده- در نجف متولد شده و هم در آنجا نزد پدر خود و آقا سید محمد کربلائی و شریف العلما و غیره درس خوانده و حافظ «قرآن مجید» بوده و هماره نماز جماعت را در صحن شریف بپا می‌داشته، تا آخر هم در آن شهر شریف در عصر سه‌شنبه پنجم ماه ربیع الاول اینسال هزار

---

(۱) برای مآخذ فراوان امیری رجوع به «فرهنگ سخنوران: ۶۱» شود. م.

ص: ۲۱۳۳

---

[۱۳۳] (۱) برای مآخذ فراوان امیری رجوع به« فرهنگ سخنوران: ۶۱» شود. م.

و دویست و هفتاد و هفت- مطابق (اسد- سنبله) ماه‌برجی- هم در نجف وفات کرده و در صحن شریف در مقبره خانوادگی خودشان دفن شد و سه فرزند بنام سید موسی و سید محمد و سید علی برجا نهاد.

❊ (۱۳۴۲- تولد سید محمد حسن ۳۶ سه دهی اصفهانی، ره)❊

وی فرزند سید محمد علی ۳۵ بن سید حسنعلی ۳۴ بن سید محمد ۳۳ بن سید محمد رضا ۳۲ بن سید محمد علی ۳۱ بن سید مهدی ۳۰ بن سید تراب ۲۹ بن سید کاظم ۲۸ بن سید هدایة اللّه ۲۷ بن سید مهدی ۲۶ بن سید ابراهیم ۲۵ بن سید زین العابدین ۲۴ موسوی است.

سید زین العابدین ۲۴ در (۱۲۱۰ ج ۲ ص ۳۷۳) بشماره ۲۳ اشتباها گذشت، و چیزی که باید آنجا نوشته شود و برای ضیق مکان نوشته نشد اینکه درباره سید عیسی ۱۲ در ورقه‌ئی که اینک ذکر میشود و آنرا سید محمد علی پدر صاحب عنوان ترتیب داده نوشته که وی در موضع تمام از توابع الکاء بورجان از توابع لرستان بختیاری دفن است، و غیر از سید ابراهیم فرزندان دیگری از پسر و دختر هم داشته که از پسران یکی سید علی ۱۳ الاحول است که در زرازرجان معروف بزارجان نزدیک سه ده دفن است. و این سید زین العابدین را ما پس از نوشتن شماره (۲۴) درست دانستیم.

و سید حسنعلی ۳۴ ورقه‌ئی ترتیب داده و در آن نسب خود را تا بامام نوشته و جمعی از علماء آن عصر شهادت بر صحت آن نوشته‌اند و او دو پسر داشته: یکی سید محمد باقر ۳۵ (۱۳۲۴) و دیگر سید محمد علی ۳۵ پدر صاحب عنوان که او هم ورقه دیگری ترتیب داده و نسب خود را در آن تا بامام نوشته و جمعی از علما شهادت بر صحت آن داده‌اند، و این دو ورقه در نزد سید محمد مهدی ۳۷ (۱۳۱۴) فرزند صاحب عنوان بنظر رسید.

ص: ۲۱۳۴

و سید محمد حسن صاحب عنوان از علما و فقها بوده و چنان‌که فرزندش سید محمد مهدی ۳۷ مذکور در ورقه‌ئی که نزد خود او دیده شد غیر از دو ورقه شجره نوشته، در بیست و ششم ماه جمادی الاولی این سال- مطابق (...) قوس ماه برجی- متولد شده و در نزد مرحوم حاج میرزا بدیع درب امامی و آقا میرزا حسن میرزا ابراهیم و جهانگیر خان و آقا سید محمد باقر درچه‌ئی درس خوانده و چندین کتاب تألیف کرده بدین شرح: اول «رساله اجتماع امر و نهی». دویم «رساله استصحاب». سیم «رساله اشتراط استصحاب ببقاء موضوع». چهارم «رساله تمییز مشترکات و حال ابو بصیر». پنجم «رساله حجیت بینه و فروع آن». ششم «رساله رهن».

هفتم «رساله صلح». هشتم «رساله صلح حق الرجوع». نهم «رساله ظن». دهم «رساله فرق بین حیثیت تعلیلیه و تقییدیه». یازدهم «رساله در قضا». دوازدهم «مجموعه‌ئی در وعظ و حدیث».

و در ماه صفر المظفر سنه ۱۳۲۹ هزار و سیصد و بیست و نه- مطابق (دلو- حوت) ماه برجی- وفات نموده و عظامش را بنجف اشرف نقل کردند.

❊ (۱۳۴۳- وفات قلندر شاه، عارف ونکی)❊

قلندر شاه از قراری که در «المآثر» نوشته از مشاهیر صوفیه بوده و در قریه ونک شمیران تهران سکونت داشته و در نیمه ماه جمادی این سال- مطابق (قوس- جدی) ماه برجی- وفات کرد و در همان قریه دفن شد و مرحوم میرزا یوسف آشتیانی صدر اعظم بر قبر وی عمارت و بنائی ساخت و خود هم پس از فوت در کنار آن آسود، و این اشعار را در «طرائق» از روی قبر او نقل کرده که مدرک ما در تاریخ فوت او است:

چون شنید این ندا ز عالم قدس — مژده حور و منظر دلخواه

هفت و هفتاد از هزار و دویست — رفته در نیمه جمادی ماه

مرغ روحش فرو شکست قفس — کرد پرواز در بهشت اله

ص: ۲۱۳۵

❊ (۱۳۴۴- تولد ثقة الاسلام تبریزی، ره)❊

وی میرزا علی آقا ابن حاجی میرزا موسی ثقة الاسلام است که در سال (۱۲۵۸ ج ۵ ش ۹۴۳) گذشت، و خود از علما و فقهاء معروف آذربایجان بوده و شعر هم می‌گفته، و شرح احوالش در «ریحانة الادب ۱: ۲۳۶» و «نقبا: ۱۵۴۶» و بعضی از مواضع دیگر نوشته، و از آنها چنین برآید که: او در شب آدینه ششم (یا هفتم) ماه رجب الفرد این سال- مطابق (جدی- دلو) ماه برجی- در تبریز متولد شده و بجای پدر و جد رئیس شیخیه تبریز گردیده، و کتب چندی تألیف کرده، از آن جمله: اول

کتاب «ایضاح الانباء» در تعیین مولد خاتم الانبیاء، انجام تألیف آن ماه رمضان سنه ۱۳۲۹[۱۳۴]. دویم کتاب «لالان» که در آن از سیاست و اجتماعیات بحث نموده و خاتمه کار خود و آذربایجان را خبر داده[۱۳۵]. سیم

---

(۱) از رساله «ایضاح الانباء فی تعیین مولد خاتم الانبیاء و مقتل سید الشهدا» که ظاهرا آخرین تألیف صاحب عنوان و گواه صادقی بر کمال تبحر علمی اوست ۱۶ صفحه بقطع رقعی بسال ۱۳۳۰ در مطبعه امید تبریز (و بنا بشرح مندرج در ص ۸۰ آن) در آخرین روزهای حیات خود مؤلف (دهه عاشورا) بطبع رسیده و پس از گذشتن ۲۲ سال میرزا محمد آقای ثقة الاسلام همت در اتمام طبع آن نموده و بقیه را (تا ۷۹ صفحه) در مطبعه حقیقت تبریز بچاپ رسانیده و مقدمه‌ئی طی ۲۴ صفحه پیرامون شرح حال مؤلف و خاندانش نیز بدان ملحق و تصویر آن مرحوم را هم در آخر مقدمه چاپ کرده است. آقای مشار در کتاب «مؤلفین کتب چاپی ۴: ۴۹۱ و ۴۲۰» که شرح‌حال ثقة الاسلام را بنقل از تربیت و قزوینی آورده و هم در «فهرست کتابهای چاپی ۱: ۶۲۸» حسب المعمول دچار اشتباه شده و سه نوع چاپ برای کتاب ایضاح نوشته‌اند. م.

(۲) این کتاب در حرف لام «الذریعه ۱۸: ۲۶۸» و «فهرست مشار ۲: ۲۵۹۷» بعنوان «رساله لالان» معرفی شده و گفته‌اند که در استانبول بسال ۱۳۲۶ ق و بقول مشارطی ۷۲-

«ترجمه کتاب بث الشکوی» عبد الجبار عتبی است که آن قسمت سیم از «تاریخ یمینی» است که تا آن زمان ترجمه نشده بوده و این ترجمه دلیلی واضح بر تبحر او در ادبیات فارسی و عربی است[۱۳۶]. چهارم کتاب «مرآت الکتب» در اسماء کتب

---

[۱۳۴] (۱) از رساله« ایضاح الانباء فی تعیین مولد خاتم الانبیاء و مقتل سید الشهدا» که ظاهرا آخرین تألیف صاحب عنوان و گواه صادقی بر کمال تبحر علمی اوست ۱۶ صفحه بقطع رقعی بسال ۱۳۳۰ در مطبعه امید تبریز(و بنا بشرح مندرج در ص ۸۰ آن) در آخرین روزهای حیات خود مؤلف(دهه عاشورا) بطبع رسیده و پس از گذشتن ۲۲ سال میرزا محمد آقای ثقة الاسلام همت در اتمام طبع آن نموده و بقیه را(تا ۷۹ صفحه) در مطبعه حقیقت تبریز بچاپ رسانیده و مقدمه‌ئی طی ۲۴ صفحه پیرامون شرح حال مؤلف و خاندانش نیز بدان ملحق و تصویر آن مرحوم را هم در آخر مقدمه چاپ کرده است. آقای مشار در کتاب« مؤلفین کتب چاپی ۴: ۴۹۱ و ۴۲۰» که شرح‌حال ثقة الاسلام را بنقل از تربیت و قزوینی آورده و هم در« فهرست کتابهای چاپی ۱: ۶۲۸» حسب المعمول دچار اشتباه شده و سه نوع چاپ برای کتاب ایضاح نوشته‌اند. م.

[۱۳۵] (۲) این کتاب در حرف لام« الذریعه ۱۸: ۲۶۸» و« فهرست مشار ۲: ۲۵۹۷» بعنوان« رساله لالان» معرفی شده و گفته‌اند که در استانبول بسال ۱۳۲۶ ق و بقول مشارطی ۷۲-- صفحه جیبی بچاپ سربی رسیده است. جناب مشار در« مؤلفین» با همین خصوصیات گوید که در تبریز نیز چاپ شده که البته اشتباه کرده‌اند. م.

[۱۳۶] (۱) رساله« بث الشکوی» بطوری‌که از مقدمه ایضاح(ص ۱۸) و فهارس آقای مشار مستفاد میشود ترجمه بخش سوم تاریخ ابو النصر محمد بن عبد الجبار عتبی و برحسب سفارش حسنعلی خان امیر نظام گروسی از عربی بفارسی ترجمه و بسال ۱۳۱۸ طی ۶۰ صفحه جیبی در تبریز چاپ سربی شده است. م.

شیعه و مؤلفین آنها، و آقای الفت که در (۱۳۰۱) بیاید می‌فرمود که من اجزاء کثیره از مسودات «کشف الحجب» خود را در نجف پس از صرف‌نظر کردن از تألیف چنین کتابی چون دیدم او مشغول بدان است بوی دادم[۱۳۷].

و بالاخره، او در روز دوشنبه دهم ماه محرم الحرام سنه ۱۳۳۰ هزار و سیصد و سی- مطابق ۱۰ جدی‌ماه برجی- پس از مدت پنجاه و دو سال و شش ماه قمری و سه روز عمر از ظلم دولت روس منحوس در تبریز بر سردار جفا رفته و چشم از جهان پوشید. و پس از وی حاج میرزا محمد آقا رئیس شیخیه تبریز شد.

و او را برادری بود بنام میرزا ابو الحسن ثقة الاسلامی که در چند دوره نماینده مجلس بود و در شب ۲ صفر سنه ۱۳۶۸ در تهران بحمله قلبی وفات کرد، چنانکه در «روزنامه اطلاعات.

ش ۶۸۰۸ صادره در ۹ صفر ۱۳۶۸» نوشته.

در «روزنامه اطلاعات. س ۴۵ ش ۳۲۶۲ صادره در ۵ شنبه ۱۵ مرداد ۱۳۴۹ (۳ ج ۱ سنه ۱۳۹۰) در ص ۱۳» پس از شصت سال، شرحی درباره مرحوم ثقة الاسلام صاحب

- صفحه جیبی بچاپ سربی رسیده است. جناب مشار در «مؤلفین» با همین خصوصیات گوید که در تبریز نیز چاپ شده که البته اشتباه کرده‌اند. م.

(۱) رساله «بث الشکوی» بطوری‌که از مقدمه ایضاح (ص ۱۸) و فهارس آقای مشار مستفاد میشود ترجمه بخش سوم تاریخ ابو النصر محمد بن عبد الجبار عتبی و برحسب سفارش حسنعلی خان امیر نظام گروسی از عربی بفارسی ترجمه و بسال ۱۳۱۸ طی ۶۰ صفحه جیبی در تبریز چاپ سربی شده است. م.

(۲) نسخه «مرآت الکتب» هنوز در کتابخانه مؤلف آن در تبریز موجود است، و بطوری که در فهارس مشار آمده کتاب دیگری از آن مرحوم بنام «تاریخ مکه شریفه و رجال برجسته» بسال ۱۳۳۳ ش طی ۴۳ صفحه خشتی در تبریز چاپ سربی شده است. م.

ص: ۲۱۳۷

عنوان نوشته بخلاصه اینکه وی قبل از اعدام وضو ساخت و دو رکعت نماز خواند سپس بطرف چوبه دار رفت ولی قبل از اینکه روی صندوق قرار گیرد عمامه از سرش افتاد و یک سرباز روس آنرا برداشت، ثقة الاسلام با خشم عمامه را از دست سرباز روس گرفت و روی صندوق رفت و رو بجمعیت کثیری که جمع شده بودند نمود و گفت: ای ملت! شما بدانید من برای

---

[۱۳۷] (۲) نسخه« مرآت الکتب» هنوز در کتابخانه مؤلف آن در تبریز موجود است، و بطوری که در فهارس مشار آمده کتاب دیگری از آن مرحوم بنام« تاریخ مکه شریفه و رجال برجسته» بسال ۱۳۳۳ ش طی ۴۳ صفحه خشتی در تبریز چاپ سربی شده است. م.

چه اعدام میشوم: آنها نوشته‌ئی از من می‌خواستند و من ندادم و افتخار می‌کنم که در این روز عزیز عاشورا شهید شوم و چنین نوشته‌ئی (: روس‌ها با جنگ آذربایجان را گرفته‌اند!) بدست اجانب ندهم. سپس بروی صندوق رفت و طناب دار را با دست خود بگردنش انداخت و چند قزاق صندوق را از زیر پایش کشیدند! انتهی.

❊ (۱۳۴۵- تولد حاج شیخ محمد هادی بیرجندی، ره)❊

وی معروف به هادوی و در شعر تخلص هادی داشت و فرزند حاج ملا حسین بن محمد محسن بن عبد اللّه بن محسن بن حسین زاهد است که خانواده آنها اصلا چنانکه در «فهرست کتابخانه رضویه ۵: ۲۵۰» نوشته از اصفهان بوده و پیش از فتنه افاغنه ببیرجند رفته‌اند.

و خود حاج شیخ محمد هادی از علما و فقها و اهل شعر و ادب در این عصر بود، چنان‌که پدرش حاج ملا حسین نیز یکی از علما و زهاد عصر خویش و شاگرد شیخ انصاری بوده.

حاج شیخ محمد هادی در پنج‌شنبه دوازدهم ماه رجب الفرد این سال- مطابق (...)

دلوماه برجی- در شهر بیرجند متولد شده و تا ۱۶ سالگی در نزد پدر خود درس خواند، آن‌گاه در سنه ۱۲۹۳ بمشهد رفته و شش سال در آنجا در نزد حاجی میرزا حبیب اللّه مجتهد و شیخ محمد حسن کرمانی و سید محمد باقر گلپایگانی و ملا محمد رضاء روغنی سبزواری شاگرد حاجی سبزواری در فنون مختلفه درس خواند. و بعد از آن بعتبات رفت و در آن اراضی مقدسه

ص: ۲۱۳۸

خدمت میرزای رشتی و میرزای شیرازی و آخوند خراسانی و سید یزدی و میرزا محمد تقی شیرازی چندی تحصیل کرد تا برتبه اجتهاد نائل گردید و اجازت روایت از حاجی نوری دریافت. و در سنه ۱۳۱۹ برحسب دعوتی که از امیر محمد اسمعیل خان شوکة الملک بعمل آمد مرحوم آقای صدر (ره) وی را بعنوان زعامت دینیه ببیرجند اعزام داشت و وی با تهی‌دستی و فقر آنجا بترویج و تألیف مشغول گردید. و در أوان مشروطیت مرحوم آخوند خراسانی وی را بعنوان عالم طراز اول بمجلس شورای ملی معرفی نمود و رئیس مجلس وقت مرحوم ممتاز الدوله تلگرافی حضور او را در مجلس استدعا کرد و او از آن استعفا خواسته فقط در همان بیرجند تا آخر عمر اقامت نمود و با خویش و بیگانه بطور عاقلانه و دوستانه معاشرت می‌فرمود و با علماء اهل سنت بنحوی مراودت می‌کرد که جا داشت رویه او سرمشق دیگران از این صنف قرار گیرد، و علاوه بر آنها مراتب نورانیت فکر و علم بمقتضای سیاست وقت او را کمتر کسی از علما با درجه زهد و تقوای او بهم رسانید.

و وی را تألیفات چندی است: اول کتاب «آئین سخنوری». دویم کتاب «بستان الناظر» بسبک «کشکول شیخ» که از نفایس ذخائر ادبی است. سیم «ترجمه کتاب الادب الکبیر ابن مقفع». چهارم «ترجمه عهدنامه مالک اشتر» تألیف آن سنه ۱۳۳۳ در

۲۳ رجب. پنجم «تقریرات دروس» اساتید خود. ششم «دیوان اشعار». هفتم کتاب «مائده محمدیه» در اینکه علوم و معارف منتهی بأنبیاء (ع) است، و غیر اینها. و اینک این چند شعر از او نوشته شد:

مسعود سعد سلمان محبوس بود و من — ما هردو یادگاریم از محنت ز من

او بیست سال جورکش خصم خویش بود — من شصت سال دستخوش نفس خویشتن

او با تنی مقید در حبس‌گاه نای — من با دلی مشوش در تنگنای تن

بر او فضای محبس مانند گور بود — بر من قبای اطلس مانند کفن

او را نه غیر حلقه زنجیر مستشار — ما را نه غیر رشته تقدیر مؤتمن

او را ز تار شبها دیبای شوشتر — ما را ز خون دلها بیجاده یمن

او شامگاه بر زبر دست غصه سر — من صبحگاه بر سر زانوی غم ذقن

ص: ۲۱۳۹

او پیش تیغ حادثه گر سر سپر نمود — من پیش تیغ دهر ز جان می‌کشم محن

و هم در نکوهش می‌خوارگی فرماید:

آن آتش افروخته اندر دل آب — گفتم بخرد که چیست گفتا خواموش

کاین شعبده ترسا بچه‌گان ساخته‌اند — کز خانه ما و تو برآرند خروش

بس خانه که داده است این آب بر آب — بس دل که گرفته است از این آتش جوش

بس مرد که این آب فرو برده بخاک — بس مغز که این باده تهی کرده ز هوش

ویران کرده است کاخ آزادان لیک — آباد نموده دکه باده‌فروش

و او پس از مدت هفتاد و هشت سال و یازده ماه قمری عمر در روز شنبه یازدهم جمادی الاولی سنه ۱۳۶۶ هزار و سیصد و شصت و شش- مطابق ۱۲ اردی‌بهشت‌ماه باستانی- در بیرجند وفات کرد و در قاینات و بیرجند برای او مجالس تعزیه و تعطیل عمومی بعمل آمد، چنان‌که در «روزنامه اطلاعات. ش ۶۳۳۷» و شرح احوالش هم در (ش ۶۳۴۱) نوشته و این مرقومات با اندک تصرفی از آنجا اخذ شد.

❊ (۱۳۴۶- عید رسمی قرار دادن دولت ایران)❊❊ (۱۳ رجب را)❊

در «الذریعه ۹: ۷ ش ۴۰» شرحی نوشته بخلاصه این‌که در این سال ناصر الدین شاه بجمیع مملکت خود ابلاغ کرد که همه ساله روز ۱۳ ماه رجب را که روز تولد حضرت امیر المؤمنین (صلوات اللّه و سلامه علیه) می‌باشد عید قرار بدهند، و در آن وقت مؤید الدوله والی شیراز بوده و حاج کاظم شاعر شیرازی که در شعر تخلص آشفته می‌نموده قصیده‌ئی در این مورد و تهنیت این روز مبارک سروده که در آخر آن مدح ناصر الدین شاه و امین السلطان وزیر وقت و مؤید الدوله را ذکر کرده، انتهی[۱۳۸].

---

(۱) شرح حال آشفته در سال آتی (۱۲۷۸) خواهد آمد، و در خصوص عید ولادت-

ص: ۲۱۴۰

❊ (۱۳۴۷- تولد سید جعفر ۳۲ شاعر حلی)❊

---

[۱۳۸] (۱) شرح حال آشفته در سال آتی(۱۲۷۸) خواهد آمد، و در خصوص عید ولادت-- حضرت سید الوصیین امیر المؤمنین(سلام اللّه علیه) شرحی در کتاب« وقایع السنین: ۵۶۱ ببعد ذیل وقایع سنه ۱۱۲۲» آمده است که عینا نقل می‌کنیم:« فائده مهمه» و ایضا از وقایع: تجدید عید مولود حضرت سید الاوصیا بود. پادشاه(مرحوم شاه سلطان حسین صفوی) از علما تفتیش نمود روز تولد حضرت امیر المؤمنین(علیه السلام) را، و چون خلافی مذکور شد از علامی شیخ الاسلام امیر محمد صالح خواتون آبادی و او را اعتقاد روز هفتم شهر شعبان المعظم بود بمقتضای حدیثی و قائلی معلوم نبود بجهت آن قول، و حضرت علامة العلمائی آقا جمال و حضرت اعلم العلما امیر محمد باقر مدرس هر دو را اعتقاد این بود که سیزدهم رجب روز ولادت با سعادت آنحضرت است؛ پادشاه فرمود که ایشک آقاسی‌باشی همه علماء أعلام و مدرسین و متوسطین را اجتماع فرمودند در خانه میرزا باقر صدر خاصه و بعد از منازعات، آقا جمال و میر محمد باقر(سلمهما اللّه) و قریب هشتاد نفر ترجیح دادند که روز ولادت آن حضرت سیزدهم رجب است، و شیخ الاسلام و پسرش میر محمد حسین و دامادش ملا عبد الکریم هفتم شعبان را روز ولادت آنحضرت گمان کردند! و هرکس اعتقاد خود را نوشته، محصل امر مزبور بنظر اشرف رسانید. و این مجمع در شنبه یازدهم شهر رجب منعقد شد، و پادشاه والا جاه ترجیح مجمع علیه داده سیزدهم را عید قرار داد و شب تا صبح بطریق سایر اعیاد نوبه را فرو کوفتند و آن روز را مجلس ساختند و قول هفتم را که از قدما و متأخرین قائلی نداشت و مستند آن بغیر حدیثی نبود اعتبار ننمودند، چنانچه قول باینکه ولادت با سعادت در هفتم ذی حجه است یا در چهاردهم رمضان است نیز بغیر حدیثی دیگر سند نداشت و کسی اعتبار نکرده بود. پس هر سه قول در یکمرتبه است لهذا ترجیح قول اول دادند. و این عید-- از مخترعات شاه سلطان حسین بن شاه سلیمان بن ... است. نفعه اللّه به فی الدارین.

حضار مجلس اجلاس از علما: آقا جمال. امیر محمد باقر شیخ الاسلام. ملا بهاء الدین(ظ فاضل هندی). ملا محمد حسین لنبانی. ملا محمد حسین و ملا محمد کاظم پسران ملا شاه محمد تبریزی. ملا محمد هادی و ملا محمد جعفر اولاد ملا محمد باقر خراسانی و نظایر این جماعت ...» الخ. م.

وی سید ابو یحیی ۳۲ فرزند شریف ابو الحسین حمد ۳۱ بن محمد حسن ۳۰ بن ابو محمد عیسی ۲۹ بن کامل ۲۸ بن منصور ۲۷ بن کمال الدین ۲۶ بن منصور ۲۵ بن زویع

– حضرت سید الوصیین امیر المؤمنین (سلام اللّه علیه) شرحی در کتاب «وقایع السنین: ۵۶۱ ببعد ذیل وقایع سنه ۱۱۲۲» آمده است که عینا نقل می‌کنیم: «فائده مهمه» و ایضا از وقایع: تجدید عید مولود حضرت سید الاوصیا بود. پادشاه (مرحوم شاه سلطان حسین صفوی) از علما تفتیش نمود روز تولد حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) را، و چون خلافی مذکور شد از علامی شیخ الاسلام امیر محمد صالح خواتون آبادی و او را اعتقاد روز هفتم شهر شعبان المعظم بود بمقتضای حدیثی و قائلی معلوم نبود بجهت آن قول، و حضرت علامة العلمائی آقا جمال و حضرت اعلم العلما امیر محمد باقر مدرس هر دو را اعتقاد این بود که سیزدهم رجب روز ولادت با سعادت آنحضرت است؛ پادشاه فرمود که ایشک آقاسی‌باشی همه علماء أعلام و مدرسین و متوسطین را اجتماع فرمودند در خانه میرزا باقر صدر خاصه و بعد از منازعات، آقا جمال و میر محمد باقر (سلمهما اللّه) و قریب هشتاد نفر ترجیح دادند که روز ولادت آن حضرت سیزدهم رجب است، و شیخ الاسلام و پسرش میر محمد حسین و دامادش ملا عبد الکریم هفتم شعبان را روز ولادت آنحضرت گمان کردند! و هرکس اعتقاد خود را نوشته، محصل امر مزبور بنظر اشرف رسانید. و این مجمع در شنبه یازدهم شهر رجب منعقد شد، و پادشاه والا جاه ترجیح مجمع علیه داده سیزدهم را عید قرار داد و شب تا صبح بطریق سایر اعیاد نوبه را فرو کوفتند و آن روز را مجلس ساختند و قول هفتم را که از قدما و متأخرین قائلی نداشت و مستند آن بغیر حدیثی نبود اعتبار ننمودند، چنانچه قول باینکه ولادت با سعادت در هفتم ذی حجه است یا در چهاردهم رمضان است نیز بغیر حدیثی دیگر سند نداشت و کسی اعتبار نکرده بود. پس هر سه قول در یکمرتبه است لهذا ترجیح قول اول دادند. و این عید–

ص: ۲۱۴۱

۲۴ بن منصور ۲۳ بن کمال ۲۲ بن محمد ۲۱ بن منصور ۲۰ بن احمد ۱۹ بن نجم ۱۸ بن منصور ۱۷ بن شکر ۱۶ الحسینی (ره) است.

شکر ۱۶ الحسینی در (۱۲۱۱ ج ۲ ش ۱۶۹) گذشت. نواده‌اش سید کمال الدین ۲۶ سر سلسله طایفه‌ئی در عراق عرب است که آنها را بنسبت وی آل سید کمال الدین خوانند.

و نواده او سید حمد ۳۱ در سنه ۱۲۸۷ وفات کرده و فرزندان چندی داشته که اصغر همه سید عیسی ۳۲ متولد در سال وفات پدر و أشعر آنها صاحب عنوان و دیگر سید هاشم ۳۲ (۱۳۴۱) است.

و سید جعفر ۳۲ صاحب این عنوان از شعراء بزرگ عراق عرب و اهل علم و ادب بوده و در علوم دینیه و محاضرات دستی قوی داشته و در سه‌شنبه نیمه ماه شعبان المعظم این سال در یکی ازدیهات عذار که بقریه سادات معروف است[۱۳۹] متولد شده

---

[۱۳۹] (۱) قریة السادة احدی قری الحلة:« نقباء البشر». م.

و در نزد حاجی شیخ محمد طه نجف و حاجی میرزا حسین خلیلی درس خوانده، و دیوانی در اشعار دارد بنام «سحر بابل و سجع البلابل» که پس از فوتش برادرش سید هاشم مذکور که در (۱۳۴۱) بیاید آنرا جمع کرده و بسیاری از اشعار وی را در آن نیاورده، و اینک این اشعار از او اینجا نوشته شد، و او اینها را نخست در مدح امام حمید الدین یحیی گفته و بیمن فرستاده و پس از آن تغییر بمدح میرزای شیرازی داده با زیادتی چندی، چنانکه در مدح بسیاری همین‌طور می‌کرده:

مر و انه و احکم فأنت الیوم ممتثل — و الامر أمرک لا ما تأمر الدول

عنک الملوک انثنوا عجزا و ما علموا — ء أنت زدت علوا أم هم سفلوا

نجاة ذی التاج أن یعطیک مقوده — لامه ان عصاک الثکل و الهبل

– از مخترعات شاه سلطان حسین بن شاه سلیمان بن ... است. نفعه اللّه به فی الدارین.

حضار مجلس اجلاس از علما: آقا جمال. امیر محمد باقر شیخ الاسلام. ملا بهاء الدین (ظ فاضل هندی). ملا محمد حسین لنبانی. ملا محمد حسین و ملا محمد کاظم پسران ملا شاه محمد تبریزی. ملا محمد هادی و ملا محمد جعفر اولاد ملا محمد باقر خراسانی و نظایر این جماعت ...» الخ. م.

(۱) قریة السادة احدی قری الحلة: «نقباء البشر». م.

ص: ۲۱۴۲

من کان فی حکمه باللّه منتصرا — فلا تقابله الانصار و الخول

فعش فریدا بلا مثل تقاس به — لکن بطشک فیه یضرب المثل

ان کان للناس اقوال بلا عمل — فأنت أسبق من أقوالک العمل

یمناک قد خصها اللّه [۱۴۰]بأربعة — لها الدعا و الندی و البطش و القبل

---

[۱۴۰] (۱) چنین است بخط مرحوم معلم و صواب چنانکه در مآخذ است« قد خصها الباری» میباشد. م.

هی السحاب فنهنه بعض صیبها | نخشی اذا اتصلت أن تقطع السبل

ما الروس و الفرس یوما کابن فاطمة | و لا کملته الادیان و الملل

فکم له من یدفی العین [۱۴۱] یشکرها | بها تحدثت الرکبان و الابل

الدولة الیوم فی أبناء فاطمة | بشری فقد رجعت أیامنا الاول

قد جانب البخل حتی ما توهمه | کأن عقیدته لم یخلق البخل

لم تمحل الناس ما دامت مواهبه | و کیف یجتمع الوسمی و المحل

یهزنا ان سمعنا مدحه طرب | کأنما مدحه فی سمعنا غزل [۱۴۲]

سید جعفر پس از مدت سی و هشت سال قمری و هشت روز عمر، در دوشنبه بیست و سیم ماه شعبان المعظم سنه ۱۳۱۵ هزار و سیصد و پانزده- مطابق (...) جدی‌ماه برجی- در نجف بفجئه وفات کرد و همانجا دفن شد. و شیخ محمد سماوی در مرثیه او فرموده:

---

(۱) چنین است بخط مرحوم معلم و صواب چنانکه در مآخذ است «قد خصها الباری» میباشد. م.

(۲) همچنین است در «اعیان الشیعه» لکن در اصل دیوان «الدین» است. م.

(۳) مرحوم معلم در هامش نسخه اصل پاره‌ئی از لغات غریبه این ابیات را چنین توضیح داده است: ۱- الهبل. قال فی «مجمع البحرین»: الهبل بالتحریک مصدر قولک:

هبلته أمه. أی ثکلته. ۲- القبل، کعنب: الطاقة. ۳- فنهنه: بازدار. ۴- المحل خشک سالی و قحطی.

---

[۱۴۱] (۲) همچنین است در« اعیان الشیعه» لکن در اصل دیوان« الدین» است. م.

[۱۴۲] (۳) مرحوم معلم در هامش نسخه اصل پاره‌ئی از لغات غریبه این ابیات را چنین توضیح داده است: ۱- الهبل. قال فی« مجمع البحرین»: الهبل بالتحریک مصدر قولک:

هبلته أمه. أی ثکلته. ۲- القبل، کعنب: الطاقة. ۳- فنهنه: بازدار. ۴- المحل خشک سالی و قحطی.

أی فؤاد علیک ما احترقا | و أی دمع علیک ما اندفقا
یا راحلا و الکمال یتبعه | ما أنت الا الهلال قد محقا
بکی علیک القریض منفجعا | و انفجع الفضل فیک محترقا[۱۴۳]

---

(۱) مخفی نماند که تمام این شرح حال منحصرا مأخوذ از «اعیان الشیعه» میباشد باختصار، و دیگر از مآخذ ترجمه سید جعفر حلی «نقباء البشر: ۲۸۸» است که یک صفحه تمام نوشته و در آنجا گوید که وی را در نجف دو برادر بود سید علی و سید یحیی که با هم دروس مقدماتی و سطوح را خواندند و برادر دیگرشان سید صالح از فقها و شاگرد آخوند خراسانی بود و در ۱۳۴۵ وفات یافت. و نیز گوید که سید جعفر در وادی السلام نزدیک مقام حضرت مهدی (عجل اللّه فرجه) پهلوی قبر پدرش بخاک رفت، انتهی. و جای تعجب است که صاحب نقبا چگونه در اینجا یادی از برادر فاضل دیگرشان سید هاشم ننموده با اینکه خود در «الذریعه ۱۲: ۱۵۱» فرماید: «سحر بابل و سجع البلابل، یا تراجم الاعیان و الافاضل.

دیوان اشعار سید جعفر حلی ... است که برادر فاضلش سید هاشم آنرا مرتب نموده و مرحوم شیخ محمد حسین کاشف الغطا (متوفی ۱۳۷۴) مباشر طبع آن گردید و شرح احوال ممدوحان سید را بدان افزود و بالاخره کتاب در ۲۳ باب طی ۴۶۶ صفحه بسال ۱۳۳۱ در مطبعه عرفان صیدا بطبع رسید» انتهی. و نیز ناگفته نماند که این کتاب نفیس و پرفایده بار دیگر در حدود سال ۱۳۹۳ بصورت افست چاپ و منتشر گردید. م.

ص: ۲۱۴۴

سنه ۱۲۴۰ شمسی

پنجشنبه نهم ماه رمضان المبارک اول حمل‌ماه برجی

---

[۱۴۳] (۱) مخفی نماند که تمام این شرح حال منحصرا مأخوذ از« اعیان الشیعه» میباشد باختصار، و دیگر از مآخذ ترجمه سید جعفر حلی« نقباء البشر: ۲۸۸» است که یک صفحه تمام نوشته و در آنجا گوید که وی را در نجف دو برادر بود سید علی و سید یحیی که با هم دروس مقدماتی و سطوح را خواندند و برادر دیگرشان سید صالح از فقها و شاگرد آخوند خراسانی بود و در ۱۳۴۵ وفات یافت. و نیز گوید که سید جعفر در وادی السلام نزدیک مقام حضرت مهدی(عجل اللّه فرجه) پهلوی قبر پدرش بخاک رفت، انتهی. و جای تعجب است که صاحب نقبا چگونه در اینجا یادی از برادر فاضل دیگرشان سید هاشم ننموده با اینکه خود در« الذریعه ۱۲: ۱۵۱» فرماید:« سحر بابل و سجع البلابل، یا تراجم الاعیان و الافاضل.

دیوان اشعار سید جعفر حلی ... است که برادر فاضلش سید هاشم آنرا مرتب نموده و مرحوم شیخ محمد حسین کاشف الغطا(متوفی ۱۳۷۴) مباشر طبع آن گردید و شرح احوال ممدوحان سید را بدان افزود و بالاخره کتاب در ۲۳ باب طی ۴۶۶ صفحه بسال ۱۳۳۱ در مطبعه عرفان صیدا بطبع رسید» انتهی. و نیز ناگفته نماند که این کتاب نفیس و پرفایده بار دیگر در حدود سال ۱۳۹۳ بصورت افست چاپ و منتشر گردید. م.

❊ (۱۳۴۸- وفات مرحوم شیخ عبد الرحیم بروجردی، ره)❊

در «المآثر: ۱۵۹» فرماید: از أجله مجتهدین دار الخلافه طهران بوده، و میرزا تقی خان امیر نظام اتابیک اعظم در اوائل امر صدارتش نسبت بوی اظهار عقیدت می‌کرده است، آنگاه گویند بموجبی از وی سخت برمید و اعتقادش منفسخ گردید، رحلت این عالم جلیل عصر روز پنج‌شنبه شانزدهم شهر رمضان المبارک سنه ۱۲۷۷ یکهزار و دویست و هفتاد و هفت واقع شد. انتهی، و آن مطابق ۸ حمل‌ماه برجی بوده.

و در کتاب «امیر کبیر. چاپ ۲ ص ۱۵۹» در وجه این فسخ عقیدت گوید که: شخصی در خصوص ملکی ادعائی بر امیر داشت، امیر مدعی را با مأموری از طرف خود بمحضر شیخ عبد الرحیم روانه ساخت و بشیخ پیغام داد که مطابق قوانین و موازین شرعی بدین ادعا رسیدگی کرده از روی حق و عدالت حکم صادر کند. شیخ جواب فرستاده بود: ...[۱۴۴].

---

(۱) جواب شیخ را که مؤلف در نسخه اصل، از کتاب «امیر کبیر و ایران: پاورقی ص ۱۳۲ (نه ۱۵۹) تألیف دکتر فریدون آدمیت. ط ۲ تهران ۱۳۳۴ ش» نقل کرده و مشتمل بر هتک احترام و قدح شیخ است مأخذ آنرا نویسنده «کنفرانس دولت‌آبادی در پاریس بسال ۱۹۳۰ م» ذکر نموده، لکن خود ایشان بعدا متوجه غرض‌رانی و عناد این شخص شده و لذا در (چاپ ۴ پاورقی ص ۳۰۸، تهران ۱۳۵۴) مطلب را کوتاهتر و بدون قدح و ذم آورده و چنین اظهارنظر نموده که: «این داستان را دولت‌آبادی در کنفرانس خود راجع بمیرزا تقی خان گفت و شیخ المشایخ معزی هم در «نوادر الامیر» با شاخ و برگ فراوان نوشته است، شاید مبنای تاریخی داشته داشته باشد، ما سند معتبری نداریم»، انتهی. و بنابر آنچه گذشت چون آقای آدمیت خود شخصا داستان مغرضانه آن شخص را در چاپهای اخیر حذف کرده‌اند لذا از نقل آن در اینجا صرفنظر شد. و آقای سید حسین-

---

[۱۴۴] (۱) جواب شیخ را که مؤلف در نسخه اصل، از کتاب« امیر کبیر و ایران: پاورقی ص ۱۳۲(نه ۱۵۹) تألیف دکتر فریدون آدمیت. ط ۲ تهران ۱۳۳۴ ش» نقل کرده و مشتمل بر هتک احترام و قدح شیخ است مأخذ آنرا نویسنده« کنفرانس دولت‌آبادی در پاریس بسال ۱۹۳۰ م» ذکر نموده، لکن خود ایشان بعدا متوجه غرض‌رانی و عناد این شخص شده و لذا در(چاپ ۴ پاورقی ص ۳۰۸، تهران ۱۳۵۴) مطلب را کوتاهتر و بدون قدح و ذم آورده و چنین اظهارنظر نموده که:« این داستان را دولت‌آبادی در کنفرانس خود راجع بمیرزا تقی خان گفت و شیخ المشایخ معزی هم در« نوادر الامیر» با شاخ و برگ فراوان نوشته است، شاید مبنای تاریخی داشته داشته باشد، ما سند معتبری نداریم»، انتهی. و بنابر آنچه گذشت چون آقای آدمیت خود شخصا داستان مغرضانه آن شخص را در چاپهای اخیر حذف کرده‌اند لذا از نقل آن در اینجا صرفنظر شد. و آقای سید حسین-- مکی نیز در کتاب« زندگانی میرزا تقیخان امیر کبیر: ۵۶ ط ۲ و ۱۲۴ ط ۶» داستان را چنین آورده که« شخصی در مورد ملکی بر یکی از گماشتگان امیر کبیر دعوی کرده» الخ، و از حاکم شرع مذکور فقط بعنوان« شیخ عبد الرحیم نامی» یاد نموده و بقیه مطلب را شبیه متن آورده، لکن در این کتاب مطلقا نام مأخذ ذکر نشده، و میرزا عباس خان اقبال آشتیانی قضیه را در کتاب خود« میرزا تقی خان امیر کبیر: ۱۶۶» مستقیما از کتاب معتبر« نوادر الامیر» تألیف مرحوم شیخ المشایخ معزی و او هم« کرة بعد أولی از بعضی از علمای ماضی و آنان که در قید حیاتند ...» بنحوی نقل کرده که بکلی با آنچه در« ط ۲» کتاب آدمیت و کتاب مکی آمده متفاوت بوده، و با ملاحظه آنچه در این کتاب اخیر ذکر شده هیچ نوع اتهامی بمقام صاحب عنوان نمیتوان روا داشت، و اللّه العاصم. و برای اطلاع بیشتر از احوال آن مرحوم رجوع به« تاریخ بروجرد ۲: ۳۷۲- ۳۸۲» شود. م.

و مقصود از عزل او که نوشته، عزل از محضر شرعی بود که امیر وی را بدان منصوب نموده و پر و بالی بوی داد که از همه محاضر قضائی شرعی متنفذتر گردیده بود.

و این شیخ عبد الرحیم بروجردی غیر از حاج شیخ محمد رحیم بروجردی است که در سال (۱۳۰۹) بیاید. و دختر این شیخ عبد الرحیم (صاحب عنوان) زوجه مرحوم حاجی نوری (۱۲۵۴) «نور اللّه تعالی روحه الشریف» بوده، چنانکه در «الکرام البرره: ۷۲۴» فرموده.

❊ (۱۳۴۹- تولد مرحوم حاجی شیخ مهدی خالصی، ره)❊

وی فرزند شیخ حسین بن شیخ عزیز بن حسین بن علی از اهل ناحیه خالص بغداد است.

شیخ عزیز در سنه ۱۲۸۶ و فرزندش شیخ حسین در سنه ۱۳۱۲ وفات کرده و هر دو در کاظمین دفن‌اند.

- مکی نیز در کتاب «زندگانی میرزا تقیخان امیر کبیر: ۵۶ ط ۲ و ۱۲۴ ط ۶» داستان را چنین آورده که «شخصی در مورد ملکی بر یکی از گماشتگان امیر کبیر دعوی کرده» الخ، و از حاکم شرع مذکور فقط بعنوان «شیخ عبد الرحیم نامی» یاد نموده و بقیه مطلب را شبیه متن آورده، لکن در این کتاب مطلقا نام مأخذ ذکر نشده، و میرزا عباس خان اقبال آشتیانی قضیه را در کتاب خود «میرزا تقی خان امیر کبیر: ۱۶۶» مستقیما از کتاب معتبر «نوادر الامیر» تألیف مرحوم شیخ المشایخ معزی و او هم «کرة بعد أولی از بعضی از علمای ماضی و آنان که در قید حیاتند ...» بنحوی نقل کرده که بکلی با آنچه در «ط ۲» کتاب آدمیت و کتاب مکی آمده متفاوت بوده، و با ملاحظه آنچه در این کتاب اخیر ذکر شده هیچ نوع اتهامی بمقام صاحب عنوان نمیتوان روا داشت، و اللّه العاصم. و برای اطلاع بیشتر از احوال آن مرحوم رجوع به «تاریخ بروجرد ۲: ۳۷۲- ۳۸۲» شود. م.

ص: ۲۱۴۶

و حاجی شیخ مهدی صاحب این عنوان از علماء اعیان و فقهاء عصر بود و در زهد و تقوی و اقامه شعائر اللّه و اخلاق فاضله خیلی کم‌نظیر می‌نمود، و همانا در دوشنبه پانزدهم ماه ذی الحجة الحرام این سال- مطابق (...) سرطان‌ماه برجی- در کاظمین متولد شده، و کتب تصویر حاج شیخ مهدی خالصی مأخوذ از «احسن الودیعه»

چندی تألیف کرده از آن جمله کتاب «الشریعة السمحاء» در احکام سید الانبیاء که در مسائل سهل العمل از طهارت تا حج بعربی و رساله‌ئی فتوائیه برای مقلدین است. دویم کتاب «بیان تصحیف المنحة الالهیه» از نفثه شیطانیه در رد معرب کتاب «التحفة الاثنی عشریه[۱۴۵]» در رد امامیه

---

[۱۴۵] (۱) چنانکه در شرح حال عبد العزیز(ج ۴ ش ۵۵۶ ص ۱۰۸۹) گذشت نام صحیح کتاب مذکور« تحفة اثنا عشریه» است. م.

(۱) چنانکه در شرح حال عبد العزیز (ج ۴ ش ۵۵۶ ص ۱۰۸۹) گذشت نام صحیح کتاب مذکور «تحفة اثنا عشریه» است. م.

ص: ۲۱۴۷

که اصل «التحفه» تألیف شاه عبد العزیز دهلوی در رد شیعه امامیه است بفارسی و سید شهاب الدین آلوسی که در (۱۲۱۷ ج ۳ ش ۲۴۳) گذشت آنرا بعربی درآورده و صاحب ترجمه «بیان» ۲ را در رد آن نوشته که در سه جلد بزرگ در سنه ۱۳۱۷ شروع در تألیف آن نموده و در سنه ۱۳۱۸ از آن فارغ شده.

و در خلال جنگ بین المللی وی بحمایت دولت عثمانی درآمده داخل مجاهدین گردید لاجرم پس از احتلال عراق عرب دولت وقت وی را تبعید و او در ساعت شش و نیم شب سه‌شنبه ۱۰ ذی القعده سنه ۱۳۴۱ بسمت حجاز در حرکت و بعد از اداء حج از طریق فارس بطرف ایران رهسپار و در هر شهری از آن جمله اصفهان نهایت احترام برای وی بعمل آمده تا بقم رسید و آنجا با میرزای نائینی و سید مدیسه‌ئی که هم از نجف بآن شهر مشرف تبعید شده بودند[۱۴۶] ملاقات نمود، و سپس بمشهد مقدس رفته در آنجا ساکن و بترویج و تدریس مشغول شد و چندی طول نکشید که هم در آن‌جا پس از مدت شصت و پنج سال و هشت ماه قمری و بیست و هفت روز عمر، بعداز غروب روز دوشنبه دوازدهم ماه رمضان المبارک سنه ۱۳۴۳ هزار و سیصد و چهل و سه- مطابق ۱۷ فروردین‌ماه باستانی- بجنان جاویدان انتقال فرمود و نعش وی را با تجلیلات شایسته برداشته و در اطاق صفه برابر در دار الحفاظ در دار السیاده مبارکه دفن کردند و تا چند ماه در بسیاری از شهرهای ایران و عراق عرب مجالس تعزیه او برپا بود.

و فرزندش شیخ محمد خالصی‌زاده در (۱۳۰۸) بیاید.

❊ (وفات سلطان عبد المجید خان عثمانی)❊

۱۷ ذی الحجه. شرح احوال وی در (۱۲۳۷ ج ۴ ش ۵۳۱) گذشت.

(۱) چنانکه عن قریب در شرح حال آیة اللّه نائینی (ش ۱۳۶۶) بیاید آنمرحوم و آیة اللّه اصفهانی هردو بعنوان اعتراض از عراق خارج و بقم آمدند نه آنکه تبعید شده باشند. م.

ص: ۲۱۴۸

❊ (۱۳۵۰- تولد حاجی شیخ عباسعلی قزوینی منصور علی، ره)❊

[۱۴۶] (۱) چنانکه عن قریب در شرح حال آیة اللّه نائینی(ش ۱۳۶۶) بیاید آنمرحوم و آیة اللّه اصفهانی هردو بعنوان اعتراض از عراق خارج و بقم آمدند نه آنکه تبعید شده باشند. م.

وی فرزند شیخ اسمعیل بن علی بن معصوم قزوینی است. شیخ اسمعیل از علماء قزوین بوده و در سنه ۱۳۲۷ وفات نموده و در کربلا پهلوی مسجد حاجی سید کاظم رشتی دفن است.

فرزندش حاجی شیخ عباسعلی عالمی بلندپایه و واعظی پرمایه و در منبر فصیح البیان و طلیق اللسان و بالاخره از معاریف رجال این زمان بود.

حاجی شیخ عباسعلی در عصر چهارشنبه بیست و چهارم ماه ذی الحجة الحرام این سال- مطابق (...) سرطان‌ماه برجی- در محله شیخ‌آباد که جزو محله قوی میدان قزوین است از بطن خدیجه دختر حاج اشور شیدستانی- که دیهی است در سه فرسنگی شمال غربی قزوین- متولد شده، و پس از تحصیل انواع علوم معقول و منقول خدمت مرحوم حاج ملا سلطانعلی گنابدی رسیده سر سپرد و داخل سلسله صوفیه شد، و بعد از وفات او بطوری‌که در «نابغه علم و عرفان: ۳۰۲» نوشته خدمت فرزندش حاج ملا علی نور علیشاه تجدید عهد نمود، و در ۲۶ ع ۲ سنه ۱۳۲۸ از طرف وی لقب منصور علی یافته و بهدایت و ارشاد مأمور گردید، و بعد از وفات او خدمت فرزندش حاج ملا محمد حسن تجدید عهد نمود و بر مأذونیت خود در ارشاد و هدایت باقی ماند، تا پس از چند سال در سنه ۱۳۴۴- چنانکه در «فهرست کتابخانه رضویه ۴: ۲۷۸» فرموده- از آن طریقه برگشت و معتقد آذر کیوان پارسی شده و لقب خود را کیوان نهاد، از این جهت در ۶ ج ۱ سنه ۱۳۴۵- چنانکه در صفحه مذکوره «نابغه» فرموده- از خدمت مذکوره معاف گردید!

و در این اواخر شهرتش کلمه کیوان افتاد و کتب چندی در علوم عدیده و فنون متفرقه تألیف کرده، از آن جمله: کتاب «حج‌نامه» در فلسفه حج مسلمین و کتاب «شهیدیه» در وقایع شهادت حاج ملا سلطانعلی چنان‌که در «نابغه علم و عرفان: ۶۷» نوشته.

و بعد از آن‌که چندین سال در شهرهای مختلف ایران ساکن و صاحب ازواج و اولاد

ص: ۲۱۵۰

عدیده گردید، آخر ترک همه را گفته و در تهران متوطن و مقیم گردید، و بالاخره در ماه شعبان سنه ۱۳۵۸ هزار و سیصد و پنجاه هشت چنان‌که در صفحه مذکوره «نابغه» فرموده- مطابق (عقرب- قوس) ماه برجی- در گیلان و تنکابن وفات کرد.

و یکی از فرزندان او محمد منصورزاده بوده که در «روزنامه اطلاعات. س ۲۹ ش ۸۵۳۱- ۲۶ ر ۸ ر ۳۳» اعلان مجلس فاتحه او نوشته شده.

در «ماهنامه وحید. س ۷» در چند شماره شرح احوال او نوشته شده و از آن جمله در شماره ۱۲ (که شماره مسلسل ۸۴ باشد) و بالاخره وفات او را در روز نوزدهم شعبان سال ۱۳۵۷ در بیمارستان امریکائی رشت و قبرش را در گورستان سلیمان داراب نزدیک رشت نوشته[۱۴۷].

❊ (۱۳۵۱- تولد میرزا ابو طالب، عارف سمنانی)❊

وی فرزند مرحوم حاج آقا (آقا سید حسن) بانی مسجد سلطانی سمنان، و خود از عرفاء عظیم الشان بوده، و بطوری‌که در «تاریخ قومس: ۴۰۸» نوشته در اینسال در سمنان

---

(۱) نویسنده مقالات یادشده فاضل گرامی آقای غلامرضا کیوان سمیعی کرمانشاهی است. نیز رجوع شود به «مؤلفین کتب چاپی ۳: ۶۹۴». و برای اطلاع کامل از احوال و عقائد و آراء صاحب عنوان بهترین مأخذ همان آثار فراوان چاپ شده او است که در جابجای آنها مطالبی از این دست ذکر نموده و علاوه در مقدمه «کنوز الفرائد» بعربی و در مقدمه «تفسیر کیوان» بفارسی متعرض شده است، و از تفسیر مذکور چهار جلد بطبع رسیده از آغاز قرآن کریم تا آخر سوره مائده و تاریخ اتمام طبع جلد چهارم تفسیر سال (۱۳۵۶) قمری است و گویا پس از این تاریخ دیگر چیزی از آثار کیوان چاپ نشده. حدود بیست جلد تألیفات صاحب عنوان عموما بهمت و هزینه خود او طبع و برایگان توزیع شده و در این اواخر با هر نسخه تصویر خود را هم ضمیمه نموده است. م.

متولد شده و پس از تحصیلات مقدماتی بمحضر حاج ملا علی سمنانی راه یافته و کسب فیوضات نموده تا بسر حد کمال رسید، و در ذی القعده سنه ۱۳۲۲ از مرحوم حاج ملا سلطانعلی گنابدی اجازه دستگیری فقرای آن سلسله را یافته و ملقب به محبوبعلی گردید، و با این مراتب عرفانی متولی مسجد سلطانی سمنان و از علماء متنفذ آن شهر بشمار می‌آمد، و در استبداد صغیر طرفدار ملت و مشروطه بود و بهمین جهت در شعبان سنه ۱۳۲۹- چنان‌که در (ص ۱۷۳) تاریخ مرقوم نوشته- عده‌ئی از ترکمانان که در تحت نظر ارشد الدوله طرف دار محمد علی شاه بودند بمنزل وی ریخته و آنجا را غارت کردند و خودش را دستگیر نمودند ولی بعلت مقام روحانی و نجابت و أصالت خانوادگی از کشتنش صرف‌نظر نموده و او را آزاد ساختند، تا بالاخره در ماه شعبان المعظم سنه ۱۳۴۱ هزار و سیصد و چهل و یک- مطابق حمل‌ماه برجی- در سمنان وفات

---

[۱۴۷] (۱) نویسنده مقالات یادشده فاضل گرامی آقای غلامرضا کیوان سمیعی کرمانشاهی است. نیز رجوع شود به« مؤلفین کتب چاپی ۳: ۶۹۴». و برای اطلاع کامل از احوال و عقائد و آراء صاحب عنوان بهترین مأخذ همان آثار فراوان چاپ شده او است که در جابجای آنها مطالبی از این دست ذکر نموده و علاوه در مقدمه« کنوز الفرائد» بعربی و در مقدمه« تفسیر کیوان» بفارسی متعرض شده است، و از تفسیر مذکور چهار جلد بطبع رسیده از آغاز قرآن کریم تا آخر سوره مائده و تاریخ اتمام طبع جلد چهارم تفسیر سال(۱۳۵۶) قمری است و گویا پس از این تاریخ دیگر چیزی از آثار کیوان چاپ نشده. حدود بیست جلد تألیفات صاحب عنوان عموما بهمت و هزینه خود او طبع و برایگان توزیع شده و در این اواخر با هر نسخه تصویر خود را هم ضمیمه نموده است. م.

کرد و در قبرستان پیر نجم الدین در مقبره اختصاصی دفن شد، و چنان‌که در صفحه مرقومه این کتاب نوشته مرحوم شیخ محمد فانی (ظفر علی) شیخ دیگر همین سلسله نیز در کنار قبر وی مدفون است.

❊ (۱۳۵۲- وفات سید احمد حسن قنوجی هندی)❊

قنوج بطوری‌که در «معجم الامکنه: ۴۱»[۱۴۸] نوشته از شهرهای خیلی قدیمی هند و در ازمنه سالفه پای تخت آن ولایت بوده و سوری عظیم داشته و سلطان محمود غزنوی آنرا فتح نموده و تابع دهلی قرار داد و اینک شهر کوچکی است از ناحیه فرخ‌آباد و تابع ولایات متحده، انتهی.

و سید احمد حسن صاحب عنوان فرزند سید اولاد حسن و خود از اهل علم و ادب، و شعر را رصین و رقیق میسروده، و در اینسال وفات نموده. چنانکه در «رساله احوال سید عبد الحی

---

(۱) مقصود معجم الامکنه کتاب «نزهة الخواطر» عبد الحی لکهنوی است. م.

ص: ۲۱۵۲

حسنی (۱۲۸۶): ص س» فرموده[۱۴۹].

❊ (۱۳۵۳- وفات ملا اسمعیل واحد العین اصفهانی، ره)❊

وی فرزند ملا محمد سمیع[۱۵۰] و خود از أجله حکماء عظیم الشان عصر خویش در اصفهان

---

[۱۴۸] (۱) مقصود معجم الامکنه کتاب« نزهة الخواطر» عبد الحی لکهنوی است. م.

[۱۴۹] (۱) رحمان علی صاحب(محمد عبد الشکور حنفی متولد روز جمعه ۲ ذیحجه ۱۲۴۴ متوفی ۱۳۲۵) در« تذکره علمای هند: ۱۴» گوید:« مولوی احمد حسن قنوجی، فرزند کلان مولوی سید آل حسن قنوجی جامع علوم عقلیه و نقلیه بتاریخ نوزدهم رمضان یوم شنبه وقت اشراق سال دوازده صد و چهل و شش هجری متولد شده علوم مروجه ببلاد متفرقه بخدمت اساتذه چند آموخت. شاعری قوی الحافظه جید الذهن بود، در آخر بحلقه تلمذ مولوی عبد- الجلیل کولی درآمد و اجازت حدیث از شاه عبد الغنی مجددی دهلوی یافته در سال دوازده صد و هفتاد و شش هجری باراده حج بیت اللّه از وطن روانه شده بمقام بروده ملک گجرات رسید نزد مولوی غلام حسین قنوجی مقیم شد و در آنجا بمرض تب بیمار گشته نهم جمادی الاولی بروز جمعه سال دوازده صد و هفتاد و هفت هجری رحلت فرموده، بعد نماز جمعه در تکیه ماتریدیه مدفون گشت، طاب اللّه ثراه». پایان کلام« تذکره»، و بنابراین مدت عمر وی سی سال و هفت ماه قمری و ۲۰ روز بوده است. ضمنا در« نزهة الخواطر» عنوانی برای صاحب ترجمه و پدرش بنظر نرسید. م.

[۱۵۰] (۲) در(ج ۴ ص ۱۲۶۶) تصویر قطعه« بتا(بکسر باء) هلاک شود دوست در محبت دوست» بخط درویش چاپ شد که کاتب در ذیل آن چنین نوشته است:« بنابخواهش دوست گرامی علامی آخوند ملا محمد سمیع(حفظه اللّه تعالی) درصدد تحریر و تسطیر این چند کلمه برآمد. بتاریخ ۱۱۸۱». راقم این سطور احتمال میدهد که آن شخص همین ملا محمد سمیع پدر واحد العین باشد، و اللّه العالم. م.

(۱) رحمان علی صاحب (محمد عبد الشکور حنفی متولد روز جمعه ۲ ذیحجه ۱۲۴۴ متوفی ۱۳۲۵) در «تذکره علمای هند: ۱۴» گوید: «مولوی احمد حسن قنوجی، فرزند کلان مولوی سید آل حسن قنوجی جامع علوم عقلیه و نقلیه بتاریخ نوزدهم رمضان یوم شنبه وقت اشراق سال دوازده صد و چهل و شش هجری متولد شده علوم مروجه ببلاد متفرقه بخدمت اساتذه چند آموخت. شاعری قوی الحافظه جید الذهن بود، در آخر بحلقه تلمذ مولوی عبد- الجلیل کولی درآمد و اجازت حدیث از شاه عبد الغنی مجددی دهلوی یافته در سال دوازده صد و هفتاد و شش هجری باراده حج بیت اللّه از وطن روانه شده بمقام بروده ملک گجرات رسید نزد مولوی غلام حسین قنوجی مقیم شد و در آنجا بمرض تب بیمار گشته نهم جمادی الاولی بروز جمعه سال دوازده صد و هفتاد و هفت هجری رحلت فرموده، بعد نماز جمعه در تکیه ماتریدیه مدفون گشت، طاب اللّه ثراه». پایان کلام «تذکره»، و بنابراین مدت عمر وی سی سال و هفت ماه قمری و ۲۰ روز بوده است. ضمنا در «نزهة الخواطر» عنوانی برای صاحب ترجمه و پدرش بنظر نرسید. م.

(۲) در (ج ۴ ص ۱۲۶۶) تصویر قطعه «بتا (بکسر باء) هلاک شود دوست در محبت دوست» بخط درویش چاپ شد که کاتب در ذیل آن چنین نوشته است: «بنابخواهش دوست گرامی علامی آخوند ملا محمد سمیع (حفظه اللّه تعالی) درصدد تحریر و تسطیر این چند کلمه برآمد. بتاریخ ۱۱۸۱». راقم این سطور احتمال میدهد که آن شخص همین ملا محمد سمیع پدر واحد العین باشد، و اللّه العالم. م.

ص: ۲۱۵۳

و معروف بواحد العین و أرشد تلامذه ملا علی نوری (۱۲۴۶ ج ۴ ش ۶۶۸) بوده و تألیفاتی دارد:

اول «حاشیه بر کتاب الاسفار الاربعه (یا حکمت متعالیه) مرحوم ملا صدری (ره)».

دویم «حاشیه بر کتاب شوارق الالهام در شرح تجرید الکلام محقق طوسی» که شرح امور عامه و جواهر و أعراض و الهی آن است تألیف ملا عبد الرزاق لاهیجانی. سیم «شرح کتاب العرشیه ملا صدری» در حکمت که نسخه خطی آن در کتابخانه مدرسه صدر موجود است.

و در این سال وفات کرده چنان‌که در «الذریعه ۶: ش ۶۵» فرموده. لیکن نسخه‌ئی خطی بخط مرحوم حاج میرزا بدیع درب امامی در نزد آقای سید محمد علی روضاتی است که در آنجا طوری وی را وصف کرده که در سنه ۱۲۷۱ و اگر نه در ۱۲۷۲ مسلما وفات کرده بوده، و ما مأخذ قول «الذریعه» را ندانستیم کجاست[۱۵۱].

[۱۵۱] (۱) این مطلب را مرحوم مؤلف(قدس اللّه تعالی روحه) شخصا از این جانب شنیده و نام کتاب خطی را هم فراموش نموده و لذا جای آنرا در نسخه اصل باقی گزارده تا بعد بنویسد، و آن نسخه‌ئی از« حاشیه شوارق الالهام» است. و مخفی نماند که آنچه در متن این کتاب و جاهای دیگر راجع بمرحوم آخوند ملا محمد اسمعیل اصفهانی نوشته شده همه ناقص و مبتنی بر حدسیات می‌باشد مخصوصا در باب تاریخ فوت او، و تحقیق نسبة کامل در احوال و آثار و وفات این حکیم عظیم موکول بمجلدات چاپ نشده« فهرست کتب خطی» نگارش راقم این سطور است، و اللّه الموفق. م.

و وی غیر از میرزا اسمعیل اعرج است که در «قصص العلما: ۵۹ چاپ طهران ۱۳۱۳» او را ذکر کرده و گوید: هفتاد شاگرد در محکمه طب او می‌نشستند و میرزا سلیمان پدر مؤلف نزد او در طب و او نزد میرزا سلیمان در «شرح تجرید» تدارس نموده‌اند، انتهی.

و نیز غیر از ملا اسمعیل عقدائی یزدی است بشرحی که در (۱۲۳۰ ج ۳ ش ۴۱۸) گذشت.

---

(۱) این مطلب را مرحوم مؤلف (قدس اللّه تعالی روحه) شخصا از این جانب شنیده و نام کتاب خطی را هم فراموش نموده و لذا جای آنرا در نسخه اصل باقی گزارده تا بعد بنویسد، و آن نسخه‌ئی از «حاشیه شوارق الالهام» است. و مخفی نماند که آنچه در متن این کتاب و جاهای دیگر راجع بمرحوم آخوند ملا محمد اسمعیل اصفهانی نوشته شده همه ناقص و مبتنی بر حدسیات می‌باشد مخصوصا در باب تاریخ فوت او، و تحقیق نسبة کامل در احوال و آثار و وفات این حکیم عظیم موکول بمجلدات چاپ نشده «فهرست کتب خطی» نگارش راقم این سطور است، و اللّه الموفق. م.

ص: ۲۱۵۴

❊ (وفات باجوری شافعی مصری)❊

شرح احوال او در (۱۱۹۸ ج ۱ ش ۳۷) گذشت.

❊ (۱۳۵۴- وفات فایز شاعر شوشتری)❊

وی بطوری‌که در «الذریعه ۹: ۸۰۵ ش ۵۴۲۸» فرموده، نامش حاج حاجی بوده و «دیوانی در مدایح ائمه معصومین علیهم السلام و مرائی حضرت سید الشهدا علیه آلاف التحیة و الثنا» دارد در پنج هزار و اندی شعر که در شوشتر موجود است، و در این سال وفات کرده، و شباب شاعر شوشتری[۱۵۲] قصیده‌ئی در مرثیه وی گفته که ماده تاریخ آن این است:

«و للفایز فوز عظیم» ۱۲۷۷.

و وی فرزندی داشته بنام محمد طاهر که وی نیز شاعر بوده و تخلص عارف می‌نموده.

و در «ص مذکوره الذریعه» پنج نفر شاعر دیگر بتخلص فایز ذکر کرده که با این فایز صاحب عنوان شش نفر شاعر فایز تخلص خواهند شد. و فهرست شعراء عارف تخلص در (۱۲۳۹ ج ۴ ش ۵۶۰) گذشت[۱۵۳].

---

[۱۵۲] (۱) ملا عباس شباب چنانکه در« فرهنگ سخنوران: ۲۹۲» گوید« کلیات اشعار» او با مقدمه‌ئی در شرح‌حال وی بسال ۱۳۱۲ در بمبی چاپ شده است. اما فایز و فرزندش عارف در میان فایزان و عارفان بسیار فرهنگ نیامده‌اند. م.

(۱) ملا عباس شباب چنانکه در «فرهنگ سخنوران: ۲۹۲» گوید «کلیات اشعار» او با مقدمه‌ئی در شرح‌حال وی بسال ۱۳۱۲ در بمبی چاپ شده است. اما فایز و فرزندش عارف در میان فایزان و عارفان بسیار فرهنگ نیامده‌اند. م.

(۲) مرحوم معلم در موضع مذکور از نسخه اصل، اسامی شاعران عارف تخلص را نوشته است لکن خود بهنگام چاپ جلد چهارم برای اجتناب از تطویل از آوردن اسامی آنان که بالغ بر سی نفر بوده‌اند صرفنظر کرد. م.

ص: ۲۱۵۵

❊ (وفات مرحوم آقا سید حسین بروجردی، ره)❊

شرح احوال او در (۱۲۳۸ ج ۴ ش ۵۳۳) گذشت.

❊ (وفات شیخ درویش علی حایری بغدادی)❊

شرح احوال او در (۱۲۲۰ ج ۳ ش ۲۸۵) گذشت.

❊ (۱۳۵۵- وفات ژونبول خاورشناس هلندی)❊

ژونبول مستشرقی معروف و از علماء روحانی بوده و در زبان عربی تخصصی تمام داشته و چندین کتاب عربی را طبع و نشر نموده و قصاید متنبی و معاصرین او را در مدح سیف الدوله بلاتینی ترجمه و منتشر کرده، و در این سال یا سال ۱۲۷۸ رو بعالم آخرت آورد، و از خود پسری بجا گذارد که وی خدمات پدر را دنبال و کتاب «تنبیه» شیخ ابو اسحق شیرازی را در فقه با ترجمه لاتینی آن منتشر نمود[۱۵۴].

---

[۱۵۳] (۲) مرحوم معلم در موضع مذکور از نسخه اصل، اسامی شاعران عارف تخلص را نوشته است لکن خود بهنگام چاپ جلد چهارم برای اجتناب از تطویل از آوردن اسامی آنان که بالغ بر سی نفر بوده‌اند صرفنظر کرد. م.

[۱۵۴] (۱) مأخذ این شرح حال منحصرا« گاهنامه ۱۳۱۰: ۱۴۶» است که مؤلف بموقع خود آنرا قید نفرموده و بعد هم فراموش کرده. در چاپ هفتم« المنجد فی الاعلام: ۷۵۷» صاحب عنوان را یونبول و شیخو در« الاداب العربیه ۱: ۱۲۳ ط ۲» ثاودور جوینبول، وزرکلی در الاعلام ۲: ۷۹» او را« تیودر- فیلم جان جوینبولT crodoehW -mlehliW-- naeJ llobnyuJ » خوانده‌اند. تولدش در همه مآخذ ۱۸۰۲ و وفاتش را که ما در« زندگانی آیة اللّه چهارسوقی: ۱۲۲» بسال ۱۸۶۰ نوشته‌ایم منحصرا مأخوذ از« معجم المطبوعات: ۷۲۵» است. لکن زرکلی که مانند سایرین وفات را در(۱۸۶۱) نوشته هجری آنرا(۱۲۷۷) و ولادتش را نیز در(۱۲۱۶ ه) دانسته که بموجب« رساله تطبیقیه» حاج نجم الدوله آغاز سال ۱۸۰۲ م مطابق ۲۶ ماه شعبان ۱۲۱۶ و انجام آن ۷ ماه رمضان ۱۲۱۷ بوده. و وفات صاحب عنوان را شیخو در(۱۶ ایلول ۱۸۶۱) قید کرده که مطابق(...) ماه صفر ۱۲۷۸ میشود. برای اطلاع بیشتر از احوال این مستشرق به« المستشرقون ۲: ۶۵۷» و« فرهنگ خاورشناسان: ۱۹۲» نیز رجوع شود و در مأخذ اخیر ولادت و وفات را ننوشته.

و فرزند او را در« المستشرقون ۲: ۶۶۱» بنام ابراهام ولیم جوینبول و تولدش را در ۱۸۳۳ و وفاتش را در ۱۸۸۷ قید کرده و آثارش را برشمرده است. م.

(۱) مأخذ این شرح حال منحصرا «گاهنامه ۱۳۱۰: ۱۴۶» است که مؤلف بموقع خود آنرا قید نفرموده و بعد هم فراموش کرده. در چاپ هفتم «المنجد فی الاعلام: ۷۵۷» صاحب عنوان را یونبول و شیخو در «الاداب العربیه ۱: ۱۲۳ ط ۲» ثاودور جوینبول، وزرکلی در الاعلام ۲: ۷۹» او را «تیودر- فیلم جان جوینبول llobnyuJ naeJ -

ص: ۲۱۵۶

❊ (۱۳۵۶- وفات عبد الحسین خان صدر اصفهانی)❊

در سال (۱۲۳۹ ج ۴ ش ۵۴۹ ص ۱۰۷۵) در عنوان جدش حاجی محمد حسین خان هرچه نوشته‌ام اینجا نوشته شود[۱۵۵].

-mlehliW -crodoehT» خوانده‌اند. تولدش در همه مآخذ ۱۸۰۲ و وفاتش را که ما در «زندگانی آیة اللّه چهارسوقی: ۱۲۲» بسال ۱۸۶۰ نوشته‌ایم منحصرا مأخوذ از «معجم المطبوعات: ۷۲۵» است. لکن زرکلی که مانند سایرین وفات را در (۱۸۶۱) نوشته هجری آنرا (۱۲۷۷) و ولادتش را نیز در (۱۲۱۶ ه) دانسته که بموجب «رساله تطبیقیه» حاج نجم الدوله آغاز سال ۱۸۰۲ م مطابق ۲۶ ماه شعبان ۱۲۱۶ و انجام آن ۷ ماه رمضان ۱۲۱۷ بوده. و وفات صاحب عنوان را شیخو در (۱۶ ایلول ۱۸۶۱) قید کرده که مطابق (...) ماه صفر ۱۲۷۸ میشود. برای اطلاع بیشتر از احوال این مستشرق به «المستشرقون ۲: ۶۵۷» و «فرهنگ خاورشناسان: ۱۹۲» نیز رجوع شود و در مأخذ اخیر ولادت و وفات را ننوشته.

و فرزند او را در «المستشرقون ۲: ۶۶۱» بنام ابراهام ولیم جوینبول و تولدش را در ۱۸۳۳ و وفاتش را در ۱۸۸۷ قید کرده و آثارش را برشمرده است. م.

(۱) این یادداشت مرحوم معلم است در حاشیه عنوان عبد الحسین خان، لکن در موضع مذکور چیزی راجع باو ننوشته و برای اطلاع از احوال وی رجوع بمآخذ مربوطه شود. م.

ص: ۲۱۵۷

❊ (۱۳۵۷- تولد مرحوم آقا سید علی کازرونی، ره)❊

وی فرزند مرحوم حاجی سید عباس (۱۲۳۸ ج ۴ ش ۵۴۱) و خود از علما و فقها و مانند پدر خود به مجتهد معروف بود. و او در اینسال- چنانکه در «الذریعه ۷: ش ۹۳۴- ۹۳۵» نوشته- در شیراز متولد شده و در نزد میرزای رشتی و آخوند خراسانی درس خوانده و «تقریرات دروس» آن دو استاد راد را از نماز و بیع و غیره در کتابی شامل چندین جلد جمع نموده،

[۱۵۵] (۱) این یادداشت مرحوم معلم است در حاشیه عنوان عبد الحسین خان، لکن در موضع مذکور چیزی راجع باو ننوشته و برای اطلاع از احوال وی رجوع بمآخذ مربوطه شود. م.

و نیز «خطابه‌هائی بعربی و فارسی در استحکام مشروطیت» انشا فرموده. و آخر در پنج‌شنبه هیجدهم ماه رجب الفرد سنه ۱۳۴۳ هزار و سیصد و چهل و سه- مطابق ۲۳ دلوماه برجی- در شیراز وفات کرد و در تکیه حافظیه دفن شد، چنانکه نص جلد مذکور «الذریعه» در شماره‌های مرقوم است، و در «جلد چهارم: ش ۱۶۷۱» وفات او را در نجف اشرف نوشته، و در این صورت نشاید که قبر او در حافظیه شیراز باشد؛ و ظاهرا مرقومات جلد هفتم درست است و در جلد چهارم اشتباه شده.

و در «روزنامه اطلاعات: س ۱۴ ش ۴۱۳۵ صادره در ۲۹ اسفند ۱۳۱۸ ص ۸» وفات آقا سید علی کازرونی از علماء شیراز را در سن صد سالگی در صبح ۴ شنبه همین ۲۹ اسفند نوشته که مطابق ۱۰ صفر ۱۳۵۹ بشود، و ظاهرا وی غیر از صاحب عنوان باشد. رجوع شود به «نقبا: ۱۴۶۰ ش ۱۹۷۲».

و بهرحال، وی را فرزندی است بنام سید محمد که از علما و مشتغلین نجف بشمار آید. رجوع شود به «الذریعه ۹: ۷۴۳ سطر ۱۶»[۱۵۶].

---

(۱) علاوه بر دو مأخذی که مؤلف (ره) اسم برده رجوع به «دانشمندان و سخنسرایان فارس» نیز مکمل شرح حالها خواهد بود. م.

ص: ۲۱۵۸

❊ (۱۳۵۸- وفات شیخ علی حرز الدین نجفی)❊

وی فرزند شیخ عبد اللّه بن حمد اللّه بن شیخ محمود حرز الدین مسلمی و خود عالمی طبیب بوده و بطوری‌که در «الذریعه ۱۷: ۲۷۷ ش ۲۷۰» نوشته «کتابی در طب و تشریح» تألیف کرده که فرزندش شیخ محمد حرز (که در سال ۱۲۷۳ ش ۱۲۷۸ ص ۲۰۵۲ گذشت) شرحی بر آن نوشته، و در اینسال وفات کرده.

❊ (۱۳۵۹- تولد شیخ علی بحرینی)❊

احوال وی در پشت کتاب «معراج المتقین» خودش و «نقبا: ۱۴۹۳ ش ۲۰۱۲» نوشته، و از آن‌ها و دیباچه «چراغ ایمان» چنین برآید که وی فرزند علینقی سیرجانی کرمانی حائری است که پدرش از علما بوده و در سنه ۱۳۰۴ وفات نموده، و خود هم از علما بوده و در این سال در سیرجان متولد شده و در پنج سالگی بمکتب رفت و در مدت سه ماه قرآن را آموخت و بعد از آن «نصاب» و «ألفیه» و «صمدیه» را حفظ کرد و سطوح را نزد پدر خود درس خواند و قبل از بلوغ آنها را در مدرسه معصومیه کرمان درس می‌داد، و بعد از آن بمشهد رفت و سه سال در مدرسه فاضل خان نزد ملا عبد اللّه تونی درس خواند، آنگاه بیزد رفت و دو سال در مدرسه خان نزد سید ابراهیم مهرجردی درس خواند، و هنوز بیست ساله نشده بود که

---

[۱۵۶] (۱) علاوه بر دو مأخذی که مؤلف(ره) اسم برده رجوع به« دانشمندان و سخنسرایان فارس» نیز مکمل شرح حالها خواهد بود. م.

بنجف رفت و چندی در نزد میرزای رشتی درس خواند، پس بکربلا رفت و ده سال نزد مرحوم حاج شیخ زین العابدین مازندرانی درس خواند و از او مجاز گردید و همچنین از مرحوم حاج میرزا محمد حسین شهرستانی.

ص: ۲۱۵۹

و کتب چندی تألیف کرده. اول کتاب «چراغ ایمان» مرقوم در اصول دین با حواشی آن در سؤال و جوابی مربوط بحضرت زهرا (ع). دویم کتاب «معراج المتقین» در ترجمه و توضیح چهل حدیث در تهذیب اخلاق. سیم کتاب «نور الدین» در مسائل عملیه بطریق احتیاط.

❊ (۱۳۶۰- تولد سید علی آلوسی بغدادی)❊

وی سید علاء الدین فرزند سید نعمان (۱۲۵۲ ج ۴ ش ۷۹۲) و خود از علماء اهل سنت در بغداد بوده که در اینسال چنان‌که در «معجم المطبوعات: ۶» نوشته متولد شده و در نزد پدر خود و سید محمود شکری پسر عم خود (۱۴۷۳ ش ۱۲۶۴ ص ۲۰۴۰) و غیر آنها از فضلاء بغداد درس خوانده و جامع مابین علم و عمل و سیاست گردید، و پس از وفات پدر خود بجای وی در مدرسه مرجان رصافه و مدرسه شیخ صندل کرخ بتدریس پرداخت و جمعی از مجلس درس او بیرون آمدند، و چندین کتاب تألیف کرد: اول کتاب «الدر المنتثر» در رجال قرن ثانی عشر و ثالث عشر که تمام نشده. دویم «نظم کتاب آجرومیه» در علم نحو. و آخر پس از مدت شصت و سه سال قمری عمر در سنه ۱۳۴۰ هزار و سیصد و چهل وفات کرد.

❊ (۱۳۶۱- تولد حاج شیخ عیسی لواسانی، ره)❊

وی فرزند مرحوم حاج ملا شکر اللّه (۱۳۱۹) و خود از علما و فقهاء عصر در تهران بوده، و بطوری‌که در «الذریعه ۴: ۱۶۱ ش ۷۹۰» و «نقبا: ۱۶۴۳ ش ۲۱۹۶» فرموده در اینسال متولد شده و در دامن تربیت پدر بزرگوارش پرورش یافته و از برکات وی استفاده نموده و هم بمجلس

ص: ۲۱۶۰

درس میرزای آشتیانی حاضر شده و پس از آن بنجف رفت و بمجالس دروس آخوند خراسانی و حاجی میرزا حسین خلیلی و آقای شریعت تشرف یافت تا در عداد اهل علم افاضل و مشتغلین نابهین قرار گرفت، و در هزار و سیصد و بیست و اندی بتهران برگشت و بتدریس و ارشاد و امامت و موعظه و تألیف پرداخت، و کتب چندی تألیف کرد: اول کتاب «انیس العارفین» که در «الذریعه» در محل خود ذکر نشده. دویم کتاب «تحفة الاحباب» که هم در «الذریعه» در محل خود ذکر نشده با اینکه

آنجا چندین کتاب بدین نام را آورده. سیم کتاب «جلاء الابصار» که نیز آنجا ذکر نشده. چهارم کتاب «الشیخ و الشیخة» در أحکام آنها که آنجا در (ج ۱۴) ذکر شده. پنجم کتاب «میزان الاخوة». ششم «کتابی در ترجمه امام غزالی»[۱۵۷].

و آن جناب در چهارشنبه دویم ماه صفر الخیر سنه ۱۳۶۴ هزار و سیصد و شصت و چهار- مطابق ۲۷ دی‌ماه باستانی- چنان‌که در «روزنامه اطلاعات» صادره در فردای آن روز (۳ صفر) فرموده وفات کرد و در قم در پهلوی مقبره حاج شیخ عبد الکریم دفن شد. و فرزندش شیخ محمد علی در سال (۱۲۹۸) بیاید.

❊ (۱۳۶۲- وفات فریتاگ خاورشناس آلمانی)❊

فریتاگ از مستشرقین این سرزمین است که در زبان عربی رنجها کشیده و چندین کتاب مربوط باین زبان تألیف کرده، از آن جمله «قاموسی بعربی و لاتینی» که از «صحاح» جوهری و «قاموس» فیروزآبادی انتخاب نموده، و در این سال یا سال ۱۲۷۸ از دنیا بیرون رفته[۱۵۸].

---

(۱) ظاهرا مقصود چند صفحه‌ئی است که آن مرحوم بفارسی در شرح‌حال ابو حامد غزالی نگاشته و بسال ۱۳۰۵ ضمیمه کتاب «سر العالمین و کشف ما فی الدارین» که خود بانی طبع آن بوده در طهران چاپ شده است، لا غیر. م.

(۲) مأخذ مؤلف در این ترجمه نیز فقط «گاهنامه ۱۳۱۰: ۱۴۱» بوده و برای-

ص: ۲۱۶۱

❊ (۱۳۶۳- تولد مرحوم آقا سید محمد ۳۹ تنکابنی، ره)❊

وی فرزند سید محمد تقی ۳۸ بن سید عبد المطلب ۳۷ بن میر محمد تقی ۳۶ بن میر عبد المطلب ۳۵ بن میر ابو طالب ۳۴ بن میر سید علی ۳۳ معروف به پلا سید بن سید حسین ۳۴ بن میر سید وکیل ۳۱ بن میر سید حاتم ۳۰ بن سید خلیل اللّه ۲۹ بن شاه نصیر ۲۸ بن سید خضر ۲۷ بن سید ناصر ۲۶ بن سید یحیی ۲۵ بن سید سلیم ۲۴ بن سید سمیع ۲۳ بن سید قاسم ۲۲ بن میر کریم ۲۱ بن سید داود ۲۰ بن سید حبیب اللّه ۱۹ بن سید شمس الدین ۱۸ ابن سید غیاث الدین ۱۷ بن سید افضل ۱۶ بن

---

[۱۵۷] (۱) ظاهرا مقصود چند صفحه‌ئی است که آن مرحوم بفارسی در شرح‌حال ابو حامد غزالی نگاشته و بسال ۱۳۰۵ ضمیمه کتاب« سر العالمین و کشف ما فی الدارین» که خود بانی طبع آن بوده در طهران چاپ شده است، لا غیر. م.

[۱۵۸] (۲) مأخذ مؤلف در این ترجمه نیز فقط« گاهنامه ۱۳۱۰: ۱۴۱» بوده و برای-- اطلاع بیشتر از شرح‌حال این شخصgatyerF mlehliW groeG رجوع شود بکتابهای« فرهنگ خاورشناسان: ۱۳۵» تألیف مرحوم میرزا ابو القاسم سحاب(رحمة اللّه علیه) و« الاعلام ۲: ۱۴۷» و« المستشرقون ۲: ۶۹۷» و« الاداب العربیة فی القرن التاسع عشر ۱:

۱۱۸ ط ۲»، و همه این مآخذ ولادتش را در(۱۷۸۸ م) که مطابق(۲۳ ع ۱- ۱۲۰۲ تا ۳ ع ۲- ۱۲۰۳) بوده، و وفاتش را در(۱۸۶۱) نوشته‌اند و شیخو در مأخذ اخیر وفاترا در تشرین دوم سال مذکور قید کرده که مطابق(ع ۲- ج ۱ سنه ۱۲۷۸) بوده و زرکلی نیز ولادت و وفات را در(۱۲۰۲- ۱۲۷۸ ه) دانسته است. م.

سید افتخار ۱۵ بن سید ضیاء الدین ۱۴ بن سید طاهر ۱۳ بن سید طیب ۱۲ بن نور الدین ابو الحسن ۱۱ بن فخر الدین علی ۱۰ بن ابو القاسم علی ۹ ببلخ ابن ابو محمد حسن ۸ (که مدفون در بلخ است) بن حسین ۷ بن جعفر ۶ الحجة (علیه السلام) است.

حضرت جعفر ۶ الحجه (ع) در (ج ۱ سال ۱۲۰۵ ش ۱۰۶ ص ۲۰۶) گذشت. فرزندش حسین ۷ در «عمدة الطالب: ۳۲۳ چاپ نجف در ۱۳۵۸» ذکر شده و آنجا درباره وی فرماید که او ببلخ رفت و در آنجا اعقابی آورد که در آنها پادشاهان و بزرگان و نقبا بودند.

سپس چند نفر از اعقاب او را ذکر کرده، از آن جمله: سید فاضل ابو الحسن بلخی

– اطلاع بیشتر از شرح‌حال این شخصgatyerF mlehliW groeG رجوع شود بکتابهای «فرهنگ خاورشناسان: ۱۳۵» تألیف مرحوم میرزا ابو القاسم سحاب (رحمة اللّه علیه) و «الاعلام ۲: ۱۴۷» و «المستشرقون ۲: ۶۹۷» و «الاداب العربیة فی القرن التاسع عشر ۱:

۱۱۸ ط ۲»، و همه این مآخذ ولادتش را در (۱۷۸۸ م) که مطابق (۲۳ ع ۱– ۱۲۰۲ تا ۳ ع ۲– ۱۲۰۳) بوده، و وفاتش را در (۱۸۶۱) نوشته‌اند و شیخو در مأخذ اخیر وفاترا در تشرین دوم سال مذکور قید کرده که مطابق (ع ۲– ج ۱ سنه ۱۲۷۸) بوده و زرکلی نیز ولادت و وفات را در (۱۲۰۲– ۱۲۷۸ ه) دانسته است. م.

ص: ۲۱۶۲

علی ۱۵ بن ابو طالب حسن ۱۴ النقیب ببلخ ابن ابو علی عبید اللّه ۱۳ بن ابو الحسن محمد ۱۲ الزاهد ابن عبید اللّه ۱۱ بن علی ۱۰ بهرات ابن ابو القاسم علی ۹ مذکور، که شاید علی ۱۰ که اینجا نوشته در هرات بوده همان باشد که ما فخر الدین علی ۱۰ نوشتیم، و نواده‌اش ابو الحسن محمد ۱۲ الزاهد ابن عبید اللّه ۱۱ بن علی ۱۰ همان باشد که ما نور الدین ابو الحسن ۱۱ بن علی ۱۰ نوشتیم و عبید اللّه ۱۱ ساقط شده باشد.

و ما این نسب را از «کتاب آقای خاتون‌آبادی (۱۳۱۶)» نقل کرده و در تلقب بعضی از قدماء آنها بدانچه نوشتیم و در اسماء بعضی از متأخرین آنها اشکالی که همیشه داشته‌ایم داریم.

و بهرحال، میر سید علی ۳۳ پلا سید فرزندانی داشته: یکی میر محمد مهدی ۳۴ که در (۱۳۲۲) بیاید، و دیگر میر ابو طالب ۳۴ که در عمود این نژاد افتاده. و سید محمد تقی ۳۸ پدر صاحب عنوان از اهل علم و عبادت و شاگرد آقا سید علی قزوینی (۱۲۹۸) بوده چنان‌که عمش سید مرتضی ۳۸ نیز از اهل ورع بوده.

و خود سید محمد صاحب عنوان از اجله علماء فقه و اصول در طهران بود، و شرح احوالش در رساله‌ئی که خود تألیف کرده و اینک ذکر میشود نوشته، و از آن چنین برآید که وی در اینسال در قریه آخوند محله از توابع سخت سر تنکابن که آنرا

رام‌سر می‌گویند از بطن دختر آقا سید محمد هاشم تنکابنی (۱۲۶۲ ج ۵ ش ۱۰۲۶) متولد شده، و چندین نفر از بنی اعمام آقا سید هاشم مرقوم را در آن رساله نوشته که از علما بوده‌اند: اول آقا سید ابو الحسن تنکابنی که بعدا قزوینی شده، و شاید وی همان دائی میرزا محمد باشد که در (۱۳۰۲) اشاره بدو می‌شود. دویم میر عبد الباقی که مسجد و مدرسه‌ئی در قریه آخوند محله مرقومه ساخته.

سیم آقا سید مرتضی که باسمو مقامی که داشته شعر هم می‌گفته و مرائی چندی بنظم آورده.

چهارم آقا سید صادق. پنجم آقا سید علی.

و بهرحال، مرحوم سید محمد بطوری‌که خود در آن رساله نوشته در هفت سالگی در نزد شیخ رجبعلی نامی بخواندن قرآن پرداخت و پس از یک سال از آن فارغ شد و در آن اوان مادرش وفات کرد، و وی بعد از تعلم کتب فارسی در حدود هیجده سالگی بتحصیل علوم عربی مشغول شد و چندی در نزد ۲ سید حبیب اللّه و ۳ سید احمد فرزندان سید علی و ۴ سید ابراهیم

ص: ۲۱۶۳

سید یوسفی و ۵ سید هادی بن سید مرتضی از وجوه طایفه درس خواند، پس «شرح لمعه» و «قوانین» را در نزد ۶ ملا حبیب اللّه نارنج بنی خواند و ضمنا بدرس ۷ میرزا باقر لات محلی هم می‌رفت.

پس در حدود بیست و یک سالگی بأمر پدر خود بقزوین رفت و آنجا «ریاض المسائل» را در نزد ۸ حاج ملا آقای خوینی (۱۲۳۷ ج ۴ ش ۶۹۴) و «فرائد» را در نزد ۹ حاجی شیخ حسین الموتی قزوینی خواند، و نیز بدرس ۱۰ ملا علی اکبر جلو خانی هم حاضر میشد.

و پس از دو سال بأمر پدر خود بطهران رفت و در مدرسه شیخ عبد الحسین منزل نمود و در آن اوقات بغایت پریشان و از أموال دنیوی تهی‌دست بود و در طهران زیاده بر پانزده سال بدرس ۱۱ میرزای آشتیانی حاضر می‌شد و اجل و اعظم اساتید او همانا آن بزرگوار است، و ضمنا مدت هشت سال در نزد ۱۲ میرزای جلوه کتب حکمت الهی و طبیعی و غیره را درس خواند و هم علوم حساب و نجوم و هیئت و هندسه را نزد ۱۳ میرزا جواد جهانبخش[۱۵۹] و ۱۴ میرزا حسین سبزواری خواند، و مدتی نیز بدرس ۱۵ میرزا عبد الرحیم نهاوندی رفت، و در این ضمن در بیست و هفت سالگی متأهل بیکی از بنات عم خود گردید، آنگاه خود بتدریس پرداخته و مدت سی سال در نهایت ابهت و جلال در طهران مباحثه و تدریس می‌فرمود و جماعتی از وجوه اهل علم از مجلس درس او برخواسته‌اند. و در این اوقات وقتی با حال فقر و فاقه‌ئی که داشت مبتلا باسهال گردید و بعد از دو سال بموجب بشارتی که از میانه نجف و کوفه بوی رسیده بود از آن درد شفا یافته و امور زندگانی او مرفه و از هر حال فارغ البال گردید، و در طهران در مسجد جامع قدیم بامامت اشتغال ورزید، و در چهل و دو سالگی آرزوی حفظ قرآن را نموده و آنرا تماما حفظ فرمود، و در طول مدت عمر چندین کتاب تألیف کرد:

---

[۱۵۹] (۱) جهانبخش بشماره ۱۳۲۶ در ص ۲۱۱۳ گذشت. م.

اول «رسالهئی در اصول دین» بفارسی با ادله اجمالیه. دویم کتاب «ایضاح الفرائد» در حاشیه بر «فرائد شیخ» که سی هزار بیت در دو جلد و اعظم و اشهر تألیفات او است. انجام تألیف آن ۱۲ ذی الحجه سنه ۱۳۵۱. سیم «کتابی در مقتل». چهارم «رسالهئی در عقل» که

---

(۱) جهانبخش بشماره ۱۳۲۶ در ص ۲۱۱۳ گذشت. م.

آنرا بنا بخواهش میرزا ابو القاسم سلطان الحکماء نائینی تألیف کرده. پنجم «حواشی بر جلد اول ریاض المسائل». ششم «حواشی بر مکاسب» و این دو حاشیه تدوین نشده. هفتم «رسالهئی احوال خودش» که اشاره بدان نمودیم و آنرا در آخر عمر خود در پنجشنبه ۲۰ ج ۱ سنه ۱۳۵۹ تألیف نموده و پس از انجام آن بیست روز دیگر در قریه دماوند طهران زنده بود، و در روز سه شنبه دهم ماه جمادی الاخری سنه ۱۳۵۹ هزار و سیصد و پنجاه و نه (چنانکه در حاشیه آن رساله که در پشت جلد دویم «ایضاح الفرائد» چاپ شده نوشته)- مطابق ۲۵ تیر ماه باستانی- هم در دماوند مذکور وفات کرد و جنازه او را بطهران آورده و در مقبره ابن بابویه در جوار شیخ صدوق دفن کردند. و فرزندی بنام سید مهدی از او بازماند که با داماد او حاج سید مرتضی در اواخر عمر او متصدی طبع و تصحیح «ایضاح» بودند.

❊ (۱۳۶۴- تولد شیخ محمد عوامی قطیفی)❊

وی بطوریکه در «الذریعه ۱۲: ۲۲۲ ش ۱۴۶۶» فرموده فرزند ناصر بن نمر و خود از علماء ابرار است که شعر هم می‌گفته و در این سال متولد شده و «ارجوزهئی در رضاع» بنظم آورده که نزدیک بصد بیت است، و آن را شاگردش شیخ فرج آل عمران در «الازهار الارحیة» درج کرده، و در آن بعد از خطبه چنین فرموده:

و بعد فالاهم فی الاحکام	مسائل الحلال و الحرام
لا سیما الرضاع حیث تنتشر	عنه امور لا تکاد تنحصر
و نیل ما نظمت من نظام	بسلم الوصول للسلام

الخ. و پس از مدت هفتاد و یک سال عمر در سنه ۱۳۴۸ هزار و سیصد و چهل و هشت وفات کرده[۱۶۰].

---

[۱۶۰] (۱) شیخ محمد بن نمر مذکور از شاگردان شیخ علی بلادی(۱۲۷۴ ش ۱۹۴-- ص ۲۰۶۹) در قطیف و نجف بوده چنانکه استاد مذکور خود در کتابش« انوار البدرین:

(۱) شیخ محمد بن نمر مذکور از شاگردان شیخ علی بلادی (۱۲۷۴ ش ۱۹۴-

ص: ۲۱۶۵

* (۱۳۶۵- تولد حاجی شیخ محمد باقر بهاری همدانی)*

بهار- بفتح باء موحده و هاء و الف و راء- قریه‌ئی است از همدان. و حاجی شیخ محمد باقر (که او را حاجی شیخ باقر هم می‌گویند) فرزند محمد جعفر بن محمد کافی بن محمد یوسف، و خود از علما و فقهاء عصر و در رجال و حدیث تبحری تمام داشته و با اخلاقی فاضله امر بمعروف و نهی از منکر می‌نموده.

شرح احوال وی در جزء ۱۳ جلد ۱۴ «اعیان الشیعه» نوشته و از آن و برخی از جاهای دیگر چنین برآید که وی در این سال در قریه بهار متولد شده و هم آنجا در مکتب رفته چندی درس خوانده تا صاحب مکتب او را از آنجا بیرون نموده که وی قابل تحصیل نمی‌باشد، و او از جد و جهد بسیار از اجله و فحول علما گردید، بلکه گویند حضرت سید الشهدا (ع) در عالم خواب وی را بشارت بمقامات عالیه داده و فهم و حفظی قوی بهم رسانید، و از اینجا چنین برآید که جد و جهد مدخلیتی عظیم در ارتقاء بدرجات بلند دارد، چنان‌که از قفال مروزی و ملا محمد صالح مازندرانی حکایاتی در این باب نقل می‌کنند.

و بهرحال، او پس از آن در نزد پدر خود بتحصیل پرداخت و بعد از آن بهمدان رفت و علوم مقدماتی را در مدرسه ملا حسین همدانی در نزد ملا محمد اسمعیل همدانی خواند، و پس از آن ببروجرد رفت و چندی نزد حاجی میرزا محمود بروجردی درس خواند تا از خواندن

- ص ۲۰۶۹) در قطیف و نجف بوده چنانکه استاد مذکور خود در کتابش «انوار البدرین:

۳۷۸» در شرح حالی که برای او منعقد نموده فرموده، و نیز گوید وی از نجف بقطیف باز- گشت و در آنجا نیز بتحصیلات خود ادامه داد و برادر صالح او شیخ حسن نیز مدتی در نجف اشرف درس خواند و بوطن بازگشت، انتهی. و در حاشیه کتاب مذکور آمده است که صاحب عنوان مجتهدی متصرف و پرهیزکار و نیز حکیمی ماهر و طبیبی حاذق بود و حکمت را نزد خلیل بن میرزا صادق فرا گرفت و در روز دوشنبه نهم شوال ۱۳۴۸ وفات یافت، انتهی. م.

ص: ۲۱۶۶

۳۷۸» در شرح حالی که برای او منعقد نموده فرموده، و نیز گوید وی از نجف بقطیف باز- گشت و در آنجا نیز بتحصیلات خود ادامه داد و برادر صالح او شیخ حسن نیز مدتی در نجف اشرف درس خواند و بوطن بازگشت، انتهی. و در حاشیه کتاب مذکور آمده است که صاحب عنوان مجتهدی متصرف و پرهیزکار و نیز حکیمی ماهر و طبیبی حاذق بود و حکمت را نزد خلیل بن میرزا صادق فرا گرفت و در روز دوشنبه نهم شوال ۱۳۴۸ وفات یافت، انتهی. م.

سطوح فراغت بهمرسانید، و در دروس خارج نیز بمرتبه عالیه نائل گردید. آنگاه هجرت بنجف فرمود و مدت بیست سال در نزد مرحوم میرزای رشتی و حاجی میرزا حسین خلیلی و ملا لطف اللّه مازندرانی و فاضل شرابیانی و فاضل ایروانی و حاجی شیخ محمد حسن مامقانی و میرزای شیرازی و شیخ محمد حسین کاظمینی و حاجی شیخ محمد طه نجف و ملا محمد کاظم خراسانی درس خواند، و در سنه ۱۳۰۸ از همه آنها باجازت روایت سرافراز گردید، چنان‌که هم در آدینه ۲۷ ع ۲ سنه ۱۳۰۲ از مرحوم حاجی نوری روایت نموده، و در خلال این احوال در خدمت مرحوم ملا حسینقلی همدانی بتهذیب اخلاق و تکمیل نفس پرداخته تا از خواص اصحاب وی گردید، و پس از فوت او بهمدان بازگشت و بلوازم دینی و وظایف علمی پرداخت، و کتب بسیاری در حدیث و رجال و غیره تألیف کرد از این قرار:

اول کتاب «ابهی الدرر» در تکمله کتاب «عقد الدرر» در أخبار منتظر تألیف ابو بدر یوسف ابن یحیی شافعی سلمی. دویم کتاب «اعلان الدعوه» در تکمله کتاب «الدعوة الحسینیه» خودش که اینک ذکر می‌شود. سیم کتاب «ایضاح الخطا» در قبایح استبداد. چهارم کتاب «ایضاح المرام» در امر امام (ع) یعنی در غیبت. پنجم کتاب «بدر الامه» در جفر ائمه (ع). ششم کتاب «بسط النور» در ترجمه «کتاب النور» خودش که اینک ذکر می‌شود، بپارسی. ششم کتاب «البیان» در حقیقت ایمان. هفتم «ترجمه کتاب تسدید المکارم» خودش که اینک ذکر می‌شود، بپارسی. هشتم کتاب «تسدید المکارم و تفضیح الظالم» در بیان مواردی که در کتاب «مکارم الاخلاق» شیخ طبرسی در چاپ مصر تحریف شده که آنها را بصفحه و سطر تعیین کرده و کتاب بزرگی شده و چندین نفر از علماء چون میرزای رشتی و حاجی میرزا حسین حاجی میرزا خلیل و میرزای شیرازی و حاجی شیخ محمد طه و ملا محمد کاظم خراسانی و سید محمد کاظم یزدی بر آن تقریظاتی نوشته‌اند، انجام تألیف آن ع ۱ سنه ۱۳۱۱. و پس از آن که چندین مرتبه «مکارم» مرقوم در ایران بطور صحیح چاپ شده و در حواشی اشاره بتحریفات چاپ مصر نموده‌اند همه مأخوذ از آن کتاب است، و شنیدی که خود آن را بپارسی ترجمه کرده و نیز کتابی در تلخیص آن نوشته چنان‌که بیاید[۱۶۱].

---

(۱) رجوع بصفحات اول و آخر «مکارم الاخلاق چاپ سنگی تهران در ۱۳۱۴ ق» فرمائید. م.

نهم «تعلیقه بر مکاسب شیخ انصاری (ره)». دهم کتاب «تفصیل» در معنی تفضیل در رد عامه در آنچه در معنی تفضیل بین صحابه گفته‌اند. یازدهم «تلخیص رساله سید حجة الاسلام بیدآبادی در احوال ابراهیم بن هاشم. دوازدهم «تلخیص رساله او در احوال ابو بصیر و اسحق ابن عمار». سیزدهم «تلخیص هفده رساله دیگر از او در رجال» بدین تفصیل:

۱- «رساله اتحاد معویة بن شرح با معویة بن میسرة بن شریح». ۲- «رساله اصحاب اجماع». ۳- «رساله ترجمه ابان بن عثمان الاحمر». ۴- «ترجمه احمد بن محمد بن خالد برقی». ۵- «ترجمه احمد بن محمد بن عیسی». ۶- «ترجمه حماد بن عیسی جهنی».

---

[۱۶۱] (۱) رجوع بصفحات اول و آخر« مکارم الاخلاق چاپ سنگی تهران در ۱۳۱۴ ق» فرمائید. م.

۷- «ترجمه سهل بن زیاد آدمی». ۸- «ترجمه شهاب بن عبدربه». ۹- «ترجمه عبد الحمید ابن سالم عطار و فرزندش محمد». ۱۰- «ترجمه عمر بن یزید». ۱۱- «ترجمه محمد بن احمد راوی از عمرکی». ۱۲- ترجمه محمد بن اسمعیل راوی از فضل در أسناد کلینی».

۱۳- «ترجمه محمد بن خالد برقی». ۱۴- «ترجمه محمد بن سنان». ۱۵- «ترجمه محمد ابن عیسی بن عبید یقطینی». ۱۶- «ترجمه محمد بن فضیل راوی از ابو الصباح کنانه‌ئی»، و ۱۷ را در «أعیان» ذکر نکرده لکن در «الذریعه» یکی از رسائل رجالیه سید را «ترجمه حسین ابن خالد» نوشته.

چهاردهم کتاب «تنبیه بر تحریفاتی که در کتب مکارم الاخلاق و کشکول شیخ در چاپ مصر نموده‌اند». پانزدهم کتاب «تنزیه المشاهد» از دخول أباعد، در عدم جواز دخول جنب در مشاهد مشرفه. شانزدهم «جزئی در قضاء». هفدهم «جمله‌ئی از مسائل فقهیه در نماز جماعت و لباس مصلی و أفعال نماز و نماز مسافر و سهو مأموم و أحکام خلل و زکوة و صید و اجاره».

هیجدهم «حاشیه بر شرح ألفیه» که تمام نیست. نوزدهم «حواشی بر رسائل شیخ انصاری».

بیستم «حواشی بر قوانین میرزای قمی». بیست و یکم کتاب «الدرة الغرویة و التحفة الحسینیه» در احوال حضرت سید الشهدا (ع) در سه جلد که آغاز تألیف آن را در نجف نهاده و از این جهت بدین کلمه نامیده شده. بیست و دویم کتاب «الدعوة الحسینیه» بسوی مواهب اللّه سنیه در استحباب گریه بر حضرت سید الشهدا (ع) از طرق اهل سنت، و گذشت که نیز تکلمه‌ئی بنام

ص: ۲۱۶۸

«اعلان الدعوه» بر آن دارد. بیست و سیم کتاب «دعوة الرشاد» در مدارک أعمال عباد. بیست و چهارم کتاب «ذیل النور» در تکمله «کتاب النور» خودش که اینک ذکر می‌شود. بیست و پنجم «رساله در احوال اخطب خوارزم» ضیاء الدین ابو المؤید موفق بن احمد بن ابو سعید اسحق مکی حنفی که در حدود (۴۸۴) متولد شده و در صفر سنه ۵۶۸ در خوارزم وفات کرده. بیست و ششم «رساله در أمر با علم بانتفاء شرط». بیست و هفتم «رساله در ترجمه عثمان بن عیسی رؤاسی عامری کلابی». بیست و هشتم «رساله در تفسیر آیه کن فیکون و این که آن برای اخبار نیست. بیست و نهم «رساله در جمع بین دو فاطمیه». سی‌ام «رساله در خصوص دو شهر جابرقا و جابرصا». سی و یکم «رساله در عدالت». سی و دویم «رساله در فضل عمار». سی و سیم «رساله در مختصر و تلخیص تسدید المکارم» خودش که گذشت. سی و چهارم کتاب «روح الجوامع» در رجال. سی و پنجم کتاب «سلاح الحازم» برای دفع ظالم در رد کتاب «تطهیر الجنان و اللسان» از خطور و تفوه بثلب[۱۶۲] معویة بن ابو سفیان تألیف ابن حجر متأخر هیثمی.

سی و ششم «شرح کتاب قطر الندی و بل الصدی» تألیف ابن هشام انصاری که تمام نشده.

---

[۱۶۲] (۱) قال فی« تاج العروس»:(ثلبه یثلبه) ثلبا، من باب ضرب(لامه و عابه). بخط مؤلف« ره».

سی و هفتم کتاب «الطلع النضید» در ابطال منع از لعن یزید باذیلی بر آن، هم در رد ابن حجر مرقوم. سی و هشتم کتاب «العلائم» برای رهنمائی هوائم یعنی سرگردانان در علامات ظهور مهدی (ع). سی و نهم «فوائد اصولیه متفرقه» در تسامح در ادله سنن و اجزاء و مطلق و مقید و مجمل و مبین و مشتق. چهلم «کتابی در أخبار وفات حضرت رسول (ص)». چهل و یکم «کتابی در استحاله توقیت ظهور حضرت حجت (عج)». چهل و دویم «مسائلی در اصول». چهل و سیم کتاب «مستدرک الدره». چهل و چهارم کتاب «مطلع الشمسین» در فضل حمزه و جعفر ذو الجناحین (ع). چهل و پنجم کتاب «نثار اللباب» در بوسیدن أعتاب، در اثبات استحباب بوسیدن (تقبیل) آستانه در مشاهد مشرفه. چهل و ششم کتاب «النور» در أخبار امام مستور (ع)، و گذشت که خود آن را بپارسی ترجمه کرده و ذیلی هم بر آن نوشته. چهل و هفتم کتاب «وجیزه» در غیبت.

---

(۱) قال فی «تاج العروس»: (ثلبه یثلبه) ثلبا، من باب ضرب (لامه و عابه). بخط مؤلف «ره».

ص: ۲۱۶۹

و روایت می‌کند از او مرحوم آقا شیخ محمد رضاء نجفی (ره) که در (۱۲۸۷) بیاید.

و آن جناب در اواخر ماه شعبان المعظم سنه ۱۳۳۳ هزار و سیصد و سی و سه- مطابق سرطان ماه برجی- در همدان وفات کرده و هم آنجا دفن شد و اینک قبرش آنجا معروف است.

در «أعیان» گوید: در سنه ۱۳۵۳ من در سفر مشهد در قریه بهار فرزند وی شیخ محمد حسین را دیدم و از من اجازت خواست و من او را اجازت دادم و آنجا مهمان شیخ رضاء بهاری برادر صاحب عنوان بودم[۱۶۳].

❊ (۱۳۶۶- تولد حاج میرزا محمد حسین نائینی غروی، ره)❊

وی فرزند حاج میرزا عبد الرحیم شیخ الاسلام بن حاج میرزا محمد سعید بن حاج میرزا عبد الرحیم نظر علیشاه منوچهری نائینی است.

مرحوم نظر علیشاه در (۱۲۴۰ ج ۴ س ۵۸۰) گذشت. فرزندش حاج میرزا محمد سعید بعد از پدر شیخ الاسلام نائین گردید و هم پس از فوت در نزد او دفن شد، چنانکه در «تاریخ نائین ۱: ۱۱۸» نوشته، و همانا وی چهار پسر و هشت دختر داشته که اسماء هر یک

---

[۱۶۳] (۱) دیگر از مآخذ شرح حال مرحوم بهاری صاحب عنوان: ۱-« نقباء البشر: ۲۰۱ ببعد» که در آنجا فهرست اسامی تألیفات او را بنقل از خط خودش که بمؤلف نوشته ذکر کرده. ۲-« بزرگان و سخن‌سرایان همدان ۲: ۵۱- ۵۲» که در آنجا وفاتش(بسال ۱۳۳۲ ه ق) بنقل از مشار نوشته شده و اشتباهست. ۳-« مؤلفین کتب چاپی ۲: ۴۵- ۴۶» که آقای حاج مشار پنج تألیف چاپشده از او یاد کرده: ۱-« ایضاح الخطا» ۲-« تسدید المکارم» ۳-« درة النجفیه» ۴-« احوال اخطب خوارزم» ۵-« الطلع النضید». لکن در نسبت« الدرة النجفیه» اشتباه کرده است زیرا این کتاب تألیف میرزا محمد باقر همدانی شیخی صاحب کتاب« اجتناب» است نه صاحب عنوان. خداوند بجناب مشار جزای خیر دهاد. م.

(۱) دیگر از مآخذ شرح حال مرحوم بهاری صاحب عنوان: ۱- «نقباء البشر: ۲۰۱ ببعد» که در آنجا فهرست اسامی تألیفات او را بنقل از خط خودش که بمؤلف نوشته ذکر کرده. ۲- «بزرگان و سخن‌سرایان همدان ۲: ۵۱- ۵۲» که در آنجا وفاتش (بسال ۱۳۳۲ ه ق) بنقل از مشار نوشته شده و اشتباهست. ۳- «مؤلفین کتب چاپی ۲: ۴۵- ۴۶» که آقای حاج مشار پنج تألیف چاپشده از او یاد کرده: ۱- «ایضاح الخطا» ۲- «تسدید المکارم» ۳- «درة النجفیه» ۴- «احوال اخطب خوارزم» ۵- «الطلع النضید». لکن در نسبت «الدرة النجفیه» اشتباه کرده است زیرا این کتاب تألیف میرزا محمد باقر همدانی شیخی صاحب کتاب «اجتناب» است نه صاحب عنوان. خداوند بجناب مشار جزای خیر دهاد. م.

ص: ۲۱۷۰

خط یکی از قدماء فضلاء خاندان منوچهری نائینی در ظهر نسخه‌ئی از «قواعد» علامه حلی

ص: ۲۱۷۱

را با اولاد و أحفاد چندی در (ج ۴ ص ۵۱ تا ۵۳) بشرح نگاشته، و از آن جمله فرزند دویم او میرزا علیمحمد صدر العلما است که در (ص ۵۲) اعقاب او را نوشته، و یکی از آنها مرحوم میرزا جعفر خان شیخ الاسلامی فرزند میرزا محمود نظام الشریعه ابن میرزا محمد سعید صدر العلما- که زوجه‌اش حسنیه خانم دختر حاج میرزا محمد مترجم «احقاق الحق» (۱۳۰۵) بوده- ابن میرزا علی محمد مرقوم بود که وی جوانی هیجده ساله و در غایت هوش و ذکاوت بود و در تحصیل علوم جدی تمام داشت و در ۴ ع ۲ سنه ۱۳۷۰ در مدرسه کاسه‌گران ملاقاتش دست داد که در دبیرستان سعدی کلاس چهارم درس می‌خواند، ولی افسوس که در چندی قبل از این در اصفهان بیمار و برای معالجه بطهران رفت و آنجا در شب ۵ شنبه ۹ محرم اینسال ۱۳۷۱ وفات کرد، رحمة اللّه علیه.

و پسر سیم وی میرزا صادق صدر الشریعه است که مردی با فضیلت بوده و سه پسر داشته که همه در (ص ۵۳) نوشته شده‌اند. و چهارم شیخ محمد حسن معین الاسلام است که در طریق وارستگی و عرفان قدم نهاد و در (ص ۵۳) گوید: در میانه فرزندان شیخ بزرگ تنها او بود که در سلوک مسلک تصوف وارد رویه پدر شد، و پس از آن اعقابی از او آورده.

و بالاخره، فرزند اول حاج میرزا محمد سعید: مرحوم حاج میرزا عبد الرحیم شیخ الاسلام است که از علما و معاریف نائین بوده و نه فرزند آورده: هفت پسر و دو دختر که در (ص ۵۱ و ۵۲) اسامی آنها و بعضی از اولاد و احفاد آنها را نوشته، و از آن جمله: پسر اول او مرحوم صاحب عنوان است که به میرزای نائینی مشهور و از اجله علما و فقهاء محققین و افاضل فضلا و مدرسین اصول فقه در نجف اشرف بود، و سالها در آن زمین مبارک در این علم تدریس می‌نمود و جماعتی کثیره بدرس وی حاضر و امروز بسیاری از آنها از وجوه علماء فرقه شیعه بشماراند. و با اینهمه خطی ملیح و انشائی فصیح داشته.

شرح احوال وی در کتاب «احسن الودیعه ۲: ۹۶ و ۹۷» و «تاریخ نائین ۱: ۱۸۸ و ج ۳:

۱۰۱ تا ۱۰۴ و ج ۴: ۵۱» و «فهرست کتابخانه رضویه ۵: ۵۵۸» و بعضی از مجلدات متفرقه

ص: ۲۱۷۲

«الذریعه» نوشته[۱۶۴]، و از آنها چنین برآید که: وی در اینسال- بنص «الذریعه ۶: ش ۸۰۹»- مرحوم آیة اللّه حاج میرزا محمد حسین نائینی

---

(۱) دیگر از مآخذ شرح حال مرحوم میرزای نائینی: ۱- «ماضی النجف و حاضرها ۳: ۳۶۴» ۲- «نقباء البشر: ۵۹۳- ۵۹۶» ۳- «ریحانة الادب ۴: ۱۶۲» ۴- «زندگانی آیة اللّه چهارسوقی: ۶۰ و صفحات دیگر» ۵- «مؤلفین کتب چاپی ۲: ۷۷۳» ۶- «معارف الرجال ۱: ۲۸۴- ۲۸۸» و ۷- «معجم رجال الفکر و الادب فی النجف الاشرف: ۴۳۵»-

ص: ۲۱۷۳

متولد شده، و مادر وی و چهار برادری که هریک از وی بترتیب کوچکتراند (چنان‌که در «تاریخ نائین ۴: ۵۲» فرموده) دختر حاج میرزا علی اکبر بوده. و مرحوم میرزا نخست در اصفهان در نزد مرحوم حاج شیخ محمد باقر نجفی (۱۲۳۵ ج ۳ ش ۴۸۹) و میرزا ابو المعالی کرباسی (۱۲۴۷ ج ۴ ش ۶۹۹) درس خوانده و آنگاه بعتبات رفت[۱۶۵] و آنجا نخست در سامره در نزد میرزای شیرازی و سید محمد فشارکی و بعدا در کربلا نزد آقای صدر و سپس در نجف نزد آخوند خراسانی سالها تحصیل نمود تا خود از اعاظم علما و محققین فقها گردید، و در موقعی که مشروطه‌خواهی در ایران پیدا شد وی مانند آخوند مرقوم از طرفداران این نهضت بود چندان که رساله‌ئی چنان‌که ذکر می‌کنیم در این‌باره تألیف فرمود و البته بدین سبب مخالفین مشروطه نظر خوبی بوی نداشتند.

و وی بعد از وفات حاج میرزا محمد تقی شیرازی و آقای شریعت مرجعیت تامه بلکه ریاست عامه فرقه شیعه را بهم رسانید، چنان‌که در آن زمان ریاست تقلید و ایصال سهام امام و سایر مهمات و أحکام فقط بوی و آقا سید ابو الحسن اصفهانی و آقا ضیاء الدین عراقی و حاج شیخ عبد الکریم یزدی انحصار یافت.

و چون دولت عراق که بمجاهدت و اهتمام علماء شیعه استقلال بهم رسانیده بود خواست انتخابات مؤسسان فراهم کند و مرحوم حاج شیخ مهدی خالصی آنرا منافی با استقلال آن مملکت می‌دانست فتوی بر حرمت آن داد و بالنتیجه دولت عراق

---

[۱۶۴] (۱) دیگر از مآخذ شرح حال مرحوم میرزای نائینی: ۱-« ماضی النجف و حاضرها ۳: ۳۶۴» ۲-« نقباء البشر: ۵۹۳- ۵۹۶» ۳-« ریحانة الادب ۴: ۱۶۲» ۴-« زندگانی آیة اللّه چهارسوقی: ۶۰ و صفحات دیگر» ۵-« مؤلفین کتب چاپی ۲: ۷۷۳» ۶-« معارف الرجال ۱: ۲۸۴- ۲۸۸» و ۷-« معجم رجال الفکر و الادب فی النجف الاشرف: ۴۳۵»-- تألیف عالم فاضل محقق صدیقنا الحاج شیخ محمد هادی امینی نجفی(سلمه اللّه تعالی) و ایشان تاریخ تولد میرزا را بدون ذکر مأخذ بسال(۱۲۷۳) نوشته‌اند. م.

[۱۶۵] (۱) در« نقبا» گوید: وی بسال(۱۳۰۳) باتفاق مرحوم آقا سید محمد باقر درچه‌ئی(۱۲۶۴ ج ۴ ش ۱۰۷۲) بعراق مهاجرت کرد. م.

وی را در شب ۳ شنبه ۱۰ ذی القعده الحرام ۱۳۴۱ بحجاز و ایران تبعید کرد[۱۶۶]، مرحوم میرزا و آقا سید ابو الحسن اصفهانی بر این عمل دولت اعتراض کردند و هردو در اواخر ذی القعده بطرف ایران معترضانه حرکت نمودند و چندین ماه در ایران ماندند. و چون عمل دولت عراق در ممالک اسلامی اثری بد پیدا کرد ناچار دولت در این اقدام تجدیدنظر نموده و علما را بعراق

– تألیف عالم فاضل محقق صدیقنا الحاج شیخ محمد هادی امینی نجفی (سلمه اللّه تعالی) و ایشان تاریخ تولد میرزا را بدون ذکر مأخذ بسال (۱۲۷۳) نوشته‌اند. م.

(۱) در «نقبا» گوید: وی بسال (۱۳۰۳) باتفاق مرحوم آقا سید محمد باقر درچه‌ئی (۱۲۶۴ ج ۴ ش ۱۰۷۲) بعراق مهاجرت کرد. م.

(۲) چنانکه در شرح حال مرحوم خالصی (ش ۱۳۴۹ ص ۲۱۴۷) گذشت. م.

ص: ۲۱۷۴

دو تقریظ چاپشده در سرآغاز «تنبیه الامه»

ص: ۲۱۷۵

صفحه اول کتاب «تنبیه الامه» آیة اللّه نائینی

ص: ۲۱۷۶

صفحه آخر کتاب «تنبیه الامة و تنزیه المله»

ص: ۲۱۷۷

دعوت نمود و خالصی در مشهد ماند ولی میرزا و آقا سید ابو الحسن در ۴ شنبه ۱۸ ماه رمضان سنه ۱۳۴۲ بعراق عرب برگشتند و بیش از پیش بر اهمیت مقام این دو نفر افزود[۱۶۷].

---

[۱۶۶] (۲) چنانکه در شرح حال مرحوم خالصی(ش ۱۳۴۹ ص ۲۱۴۷) گذشت. م.

[۱۶۷] (۱) عظمت مقام صاحب عنوان در اینست که مؤلف« نقبا» گوید: او مردی بود با ورع و تقوی و صلاح، بی‌اعتناء بحطام دنیوی و حصول ریاست، هرگاه بنماز می‌ایستاد بدنش می‌لرزید و اشک چشمانش بصورتش جاری می‌شد! انتهی. رحم اللّه معشر الماضین. م.

و مرحوم میرزا کتب چندی تألیف کرده: اول «حاشیه بر کتاب العروة الوثقی» آقا سید محمد کاظم یزدی (ره). دویم کتاب «وسیلة النجاة» که رساله عملیه مختصری است در ابواب عبادات و معاملات از اول باب تجارت تا آخر باب میراث بر اساس و ترتیب «تبصره علامه» که آنرا تحریر و تطبیق با فتاوی خود نموده، انجام تألیف آن ۶ ماه رمضان سنه ۱۳۴۰.

سیم «رسالهئی در لباس مشکوک» که در سنه ۱۳۱۵ تألیف کرده[۱۶۸]. چهارم کتاب «تنبیه الامة و تنزیه المله» در لزوم مشروطیت ایران که گذشت[۱۶۹].

و او روایت می‌کند از چند نفر: اول مرحوم حاجی نوری (ره). دویم حاج شیخ محمد طه نجف. سیم حاج میرزا حسین خلیلی، و این دو نفر اخیر را میرزا محمد علی اردو- بادی در «اجازه شیخ حسین آل محفوظ» ذکر کرده.

---

(۱) عظمت مقام صاحب عنوان در اینست که مؤلف «نقبا» گوید: او مردی بود با ورع و تقوی و صلاح، بی‌اعتناء بحطام دنیوی و حصول ریاست، هرگاه بنماز می‌ایستاد بدنش می‌لرزید و اشک چشمانش بصورتش جاری می‌شد! انتهی. رحم اللّه معشر الماضین. م.

(۲) آخرین تحریر «لباس مشکوک» مرحوم میرزا در سال ۱۳۵۸ بضمیمه جلد دوم «منیة الطالب» مرحوم آقا شیخ موسی خونساری «از ص ۲۲۸ تا ۳۰۵» چاپ سنگی شده و در این اواخر نیز تجدید طبع گردیده، لکن چون نام آن را روی جلد کتاب ننوشته‌اند مسئله چاپ رساله «لباس مشکوک» بر فهرست‌نویسان زمان معلوم نگردیده است. م.

(۳) این کتاب در گرما گرم فتنه و اوج زمامداری مراجع روحانی نوشته شده، تاریخ ختم تألیف ربیع الاول ۱۳۲۷ چهار ماهی قبل از شهادت مرحوم حاج شیخ فضل اللّه نوری (ج ۵ ش ۹۵۳) بوده و پس از این واقعه جانگداز است که حقایق معلوم گردید و تأثیر این تنبه را از زبان یکی از علماء نجف اشرف باید شنید، مرحوم شیخ محمد حرز الدین در «معارف الرجال» ضمن شرح مبسوطی که در انگیزه نوشتن این رساله و بطور کلی مداخله علماء أعلام در این‌گونه امور نوشته گوید: زمانی که مرحوم میرزای نائینی مرجعیت تقلید یافت امر کرد تا نسخ این کتاب را که قریب دو هزار بیت کتابت دارد جمع‌آوری کردند و

---

[۱۶۸] (۲) آخرین تحریر« لباس مشکوک» مرحوم میرزا در سال ۱۳۵۸ بضمیمه جلد دوم« منیة الطالب» مرحوم آقا شیخ موسی خونساری« از ص ۲۲۸ تا ۳۰۵» چاپ سنگی شده و در این اواخر نیز تجدید طبع گردیده، لکن چون نام آن را روی جلد کتاب ننوشته‌اند مسئله چاپ رساله« لباس مشکوک» بر فهرست‌نویسان زمان معلوم نگردیده است. م.

[۱۶۹] (۳) این کتاب در گرما گرم فتنه و اوج زمامداری مراجع روحانی نوشته شده، تاریخ ختم تألیف ربیع الاول ۱۳۲۷ چهار ماهی قبل از شهادت مرحوم حاج شیخ فضل اللّه نوری(ج ۵ ش ۹۵۳) بوده و پس از این واقعه جانگداز است که حقایق معلوم گردید و تأثیر این تنبه را از زبان یکی از علماء نجف اشرف باید شنید، مرحوم شیخ محمد حرز الدین در« معارف الرجال» ضمن شرح مبسوطی که در انگیزه نوشتن این رساله و بطور کلی مداخله علماء أعلام در این‌گونه امور نوشته گوید: زمانی که مرحوم میرزای نائینی مرجعیت تقلید یافت امر کرد تا نسخ این کتاب را که قریب دو هزار بیت کتابت دارد جمع‌آوری کردند و آخر الامر هر نسخه از آنرا بیک لیره طلا خریداری می‌کرد و بعضی گفتند که تا پنج لیره عثمانی هم بهای آنرا می‌داد چه او را ثروتی کلان بود، انتهی. فاعتبروا یا اولی الابصار. م.

آخر الامر هر نسخه از آنرا بیک لیره طلا خریداری می‌کرد و بعضی گفتند که تا پنج لیره عثمانی هم بهای آنرا می‌داد چه او را ثروتی کلان بود، انتهی. فاعتبروا یا اولی الابصار. م.

ص: ۲۱۷۸

و چنان‌که گذشت چندین نفر از علماء أعلام از برآمدگان مدرس مبارک اویند: اول، سید ابو القاسم خوئی (۱۳۱۷). دویم شیخ حسین بن علی حلی صاحب «رساله اوضاع لفظیه» که آنرا در سنه ۱۳۳۸ تألیف کرده[۱۷۰]. سیم شیخ محمد علی کاظمینی (۱۳۰۹). چهارم شیخ محمد ابراهیم کلباسی (۱۳۲۲). پنجم میرزا محمد باقر زنجانی (۱۳۱۲).

و نیز چند نفر از او روایت میکنند: اول آقا سید محسن حکیم طباطبائی. دویم شیخ عبد النبی عراقی نجفی. سیم آقا میرزا محمد علی اردوبادی (۱۳۱۲).

و بسیاری از این بزرگواران تقریرات دروس آن استاد راد را تحریر نموده و از آنها کتبی بوجود آورده‌اند.

و او در اواخر عمر بسبب فکر زیاد یا اثر زکام ثقل سامعه بهم رسانید بطوری که تکلم با او خالی از صعوبتی نبود، تا بالاخره در جمعه بیست و ششم ماه جمادی الاولی سنه ۱۳۵۵ هزار و سیصد و پنجاه و پنج چنانکه در «الذریعه ۶: ش ۸۰۹» غیر از تعیین هفته[۱۷۱] فرموده-

---

[۱۷۰] (۱) آیة اللّه شیخ حسین حلی از بزرگان علما و مجتهدان نجف اشرف بود. ولادتش را در« نقبا: ۶۰۳» حدود(۱۳۰۹ ق) و در« معجم رجال الفکر: ۱۳۸» در عین این سال نوشته، و وفاتش گویا در اوائل شوال ۱۳۹۴ در نجف اشرف واقع شده، چنانکه از« روزنامه اطلاعات، مورخه ۴ شنبه ۷ شوال مطابق ۱/ ۸/ ۵۳ ش» مستفاد میشود و مجلس ترحیمش فردای آنروز در مسجد سید عزیز اللّه تهران منعقد بوده است. م.

[۱۷۱] (۲) یعنی در آنجا روز هفته را ننوشته و فقط گوید(متوفی بنجف در ۲۶ ج ۱/ ۱۳۵۵)، و در« نقبا: ۵۹۵» بیست و ششم را روز شنبه قید نموده، و در« معارف الرجال ۱: ۲۸۸» پنج ساعت از روز برآمده شنبه ۲۶ و در« ماضی النجف ۳: ۳۶۵» بیست و پنجم جمادی الثانیه نوشته که این دیگر هم در روز و هم در ماه خطای محض است. والد راقم این سطور مرحوم سید محمد هاشم علامه روضاتی در نامه‌ئی که برای عم خود مرحوم آیة اللّه حاج میرزا سید حسن چهارسوقی(۱۲۹۴) از نجف اشرف باصفهان فرستاده و تاریخ آن نامه« پنجشنبه ۲۵ شهر جمادی الاولی ۵۵» میباشد درباره استادش صاحب عنوان چنین نوشته است:« حضرت آیة اللّه نائینی--(دام ظله) هم خیلی این اوقات کسالتشان شدت نموده و تا یکدرجه تقریبا مایه یأس شده ...».

و آیة اللّه چهارسوقی در پاسخ چنین نوشته‌اند:« از فوت مرحوم آیت اللّه نائینی در تاریخ شنبه ۲۶ ج ۱ که در« روزنامه ایران» نوشته بود یکدنیا ملول شدم، واقعا ثلمه بزرگی رسید، با اوضاع حاضره و این پیش‌آمد ناگوار نیست مگر از ضعف طالع مسلمین». و مرحوم والد در پاسخ این نامه که در(۲۶ ج ۲) تحریر نموده گوید:« فوت مرحوم آیة اللّه نائینی در اواسط یوم شنبه بیست و هفتم شهر ماضی که حقیقة موجب تأسف و تلهف بسیار گردید و ثلمه بزرگی در عالم دیانت و تحصیل حادث شد».

بالاخره، از مجموع آنچه گذشت مستفاد میشود که فوت آن مرحوم در روز شنبه مسلم است و فقط در اثر اختلاف در رؤیت هلال ماه جمادی الاولی شنبه را بعضی ۲۶ و برخی ۲۷ دانسته‌اند و حتی در تقاویم آن سال نیز این اختلاف مشهود است، مرحوم حاج میرزا احمد منجم‌باشی در« تقویم» خود شنبه را بیست و هفتم و آقای سید جلال الدین طهرانی در« تقویم» خود شنبه را بیست و ششم نوشته‌اند،« تقویم پارس» نیز ۲۶ دانسته، و مرحوم معلم بدون توجه باین اختلاف ۲۶ را نظر بقول دوم جمعه دانسته و لذا آنرا مطابق ۲۳ مرداد ذکر کرده است که البته این هم اشتباه بوده، و بهرحال قول صحیح در فوت آیة اللّه نائینی پیش از ظهر روز شنبه ۲۴ مرداد ۱۳۱۵ شمسی هجری می‌باشد که مطابق ۲۶(یا ۲۷) جمادی الاولی ۱۳۵۵ بوده است. قدس اللّه تعالی روحه. م.

(۱) آیة اللّه شیخ حسین حلی از بزرگان علما و مجتهدان نجف اشرف بود. ولادتش را در «نقبا: ۶۰۳» حدود (۱۳۰۹ ق) و در «معجم رجال الفکر: ۱۳۸» در عین این سال نوشته، و وفاتش گویا در اوائل شوال ۱۳۹۴ در نجف اشرف واقع شده، چنانکه از «روزنامه اطلاعات، مورخه ۴ شنبه ۷ شوال مطابق ۱/ ۸/ ۵۳ ش» مستفاد میشود و مجلس ترحیمش فردای آنروز در مسجد سید عزیز اللّه تهران منعقد بوده است. م.

(۲) یعنی در آنجا روز هفته را ننوشته و فقط گوید (متوفی بنجف در ۲۶ ج ۱/ ۱۳۵۵)، و در «نقبا: ۵۹۵» بیست و ششم را روز شنبه قید نموده، و در «معارف الرجال ۱: ۲۸۸» پنج ساعت از روز برآمده شنبه ۲۶ و در «ماضی النجف ۳: ۳۶۵» بیست و پنجم جمادی الثانیه نوشته که این دیگر هم در روز و هم در ماه خطای محض است. والد راقم این سطور مرحوم سید محمد هاشم علامه روضاتی در نامه‌ئی که برای عم خود مرحوم آیة اللّه حاج میرزا سید حسن چهارسوقی (۱۲۹۴) از نجف اشرف باصفهان فرستاده و تاریخ آن نامه «پنجشنبه ۲۵ شهر جمادی الاولی ۵۵» میباشد درباره استادش صاحب عنوان چنین نوشته است: «حضرت آیة اللّه نائینی-

ص: ۲۱۷۹

اجازه صاحب عنوان بمرحوم آیة اللّه حاج میرزا سید حسن چهارسوقی (۱۲۹۴)

ص: ۲۱۸۰

مطابق ۲۳ مردادماه باستانی- در نجف وفات کرد و در یکی از حجرات صحن مطهر دفن شد، و ... هیچ در ایران مجلس ترحیم و تعزیت برای او گرفته نشد[۱۷۲].

[۱۷۲] (۱) مرحوم آیة اللّه چهارسوقی در نامه یادشده خود پس از ذکر فوت صاحب عنوان چنین نوشته‌اند:« در طهران از قراریکه در روزنامه یومیه بود فقط روز سه‌شنبه سلخ(۲۷ مرداد) در مسجد شاه مجلس ترحیمی منعقد شده، شنیدم در قم هم مختصر مجلسی آقای حاجی شیخ تشکیل داده‌اند، در اصفهان مطلقا رخصت ندادند! از قرار مذکور آقای آقا میر سید علی نجف‌آبادی بزحمت زیاد دو ساعت در مدرسه صدر خیلی باختصار فاتحه گرفته‌اند! ...» انتهی.

و مقصود از آقای حاجی شیخ مرحوم آیة اللّه حاج شیخ عبد الکریم حائری(ش ۱۳۳۰ ص ۲۱۱۸) است که آن بزرگوار نیز خود شش ماهی بعد وفات یافت، و بمصداق حقیقی« اذا مات العالم ثلم فی الاسلام ثلمة لا یسد هاشیء الی یوم القیمة: بحار ۲: ۴۳» با از دست رفتن این-- دو مرجع متنفذ عالیقدر اسلام لطمه‌های شدیدی بجهان تشیع وارد آمد که هیچگاه جبران پذیر نخواهد بود.

اما تأثیر فوت مرحوم نائینی در نجف اشرف بنحو دیگری بوده، والد اینجانب در نامه دوم خود چنین نوشته است:« تشییع جنازه مرحوم آیة اللّه نائینی و مجالس فاتحه ایشان خیلی اینجا با اهمیت شد و انصافا نجفی‌ها خیلی همت نمودند، برای کمتر کسی اینطور اقدامات شده است. مدفن ایشان در صحن مطهر حجره مرحوم آقای آقا سید محمد فشارکی(اعلی اللّه مقامه) گردید» انتهی. در کتب تراجم یاد شده نیز بهمین کیفیت‌ها نوشته‌اند. در« نقبا» گوید وی در این اواخر علیل و رنجور شده بود و برای معالجه ببغداد رفت و حکومت عراق توجه بسیار کرد و قصری در اختیارش گذارد و جمعی از پزشکان رسمی را بدرمانش گمارد اما فایده‌ئی نکرد و من در آخرین ایام حیاتش از او در آنجا عیادت کردم و روز شنبه(۲۶ ج ۱) برحمت ایزدی پیوست و جنازه‌اش بنجف حمل شد و آن روز بزرگی بود، و عالم پرهیزکار شیخ علی قمی او را غسل داد و آیة اللّه سید ابو الحسن اصفهانی بر او نماز گذارد،« تا آنکه گوید»: مجالس ترحیم بی‌شمار برای آنمرحوم

– (دام ظله) هم خیلی این اوقات کسالتشان شدت نموده و تا یکدرجه تقریبا مایه یأس شده ...».

و آیة اللّه چهارسوقی در پاسخ چنین نوشته‌اند: «از فوت مرحوم آیت اللّه نائینی در تاریخ شنبه ۲۶ ج ۱ که در «روزنامه ایران» نوشته بود یکدنیا ملول شدم، واقعا ثلمه بزرگی رسید، با اوضاع حاضره و این پیش‌آمد ناگوار نیست مگر از ضعف طالع مسلمین». و مرحوم والد در پاسخ این نامه که در (۲۶ ج ۲) تحریر نموده گوید: «فوت مرحوم آیة اللّه نائینی در اواسط یوم شنبه بیست و هفتم شهر ماضی که حقیقة موجب تأسف و تلهف بسیار گردید و ثلمه بزرگی در عالم دیانت و تحصیل حادث شد».

بالاخره، از مجموع آنچه گذشت مستفاد میشود که فوت آن مرحوم در روز شنبه مسلم است و فقط در اثر اختلاف در رؤیت هلال ماه جمادی الاولی شنبه را بعضی ۲۶ و برخی ۲۷ دانسته‌اند و حتی در تقاویم آن سال نیز این اختلاف مشهود است، مرحوم حاج میرزا احمد منجم‌باشی در «تقویم» خود شنبه را بیست و هفتم و آقای سید جلال الدین طهرانی در «تقویم» خود شنبه را بیست و ششم نوشته‌اند، «تقویم پارس» نیز ۲۶ دانسته، و مرحوم معلم بدون توجه باین اختلاف ۲۶ را نظر بقول دوم جمعه دانسته و لذا آنرا مطابق ۲۳ مرداد ذکر کرده است که البته این هم اشتباه بوده، و بهرحال قول صحیح در فوت آیة اللّه نائینی پیش از ظهر روز شنبه ۲۴ مرداد ۱۳۱۵ شمسی هجری می‌باشد که مطابق ۲۶ (یا ۲۷) جمادی الاولی ۱۳۵۵ بوده است. قدس اللّه تعالی روحه. م.

(۱) مرحوم آیة اللّه چهارسوقی در نامه یادشده خود پس از ذکر فوت صاحب عنوان چنین نوشته‌اند: «در طهران از قراریکه در روزنامه یومیه بود فقط روز سه‌شنبه سلخ (۲۷ مرداد) در مسجد شاه مجلس ترحیمی منعقد شده، شنیدم در قم هم مختصر مجلسی آقای حاجی شیخ تشکیل داده‌اند، در اصفهان مطلقا رخصت ندادند! از قرار مذکور آقای آقا میر سید علی نجف‌آبادی بزحمت زیاد دو ساعت در مدرسه صدر خیلی باختصار فاتحه گرفته‌اند! ...» انتهی.

و مقصود از آقای حاجی شیخ مرحوم آیة اللّه حاج شیخ عبد الکریم حائری (ش ۱۳۳۰ ص ۲۱۱۸) است که آن بزرگوار نیز خود شش ماهی بعد وفات یافت، و بمصداق حقیقی «اذا مات العالم ثلم فی الاسلام ثلمة لا یسد هاشیء الی یوم القیمة: بحار ۲: ۴۳» با از دست رفتن این–

منعقد شد و« جریده الکرخ» یک شماره خود را بعنوان یادنامه وی اختصاص داد و مرحوم شیخ محمد حسین کاشف الغطا و جمعی از شاگردان او و فضلا و شعرا نظما و نثرا در آن نشریه مقاله نوشتند، و مراسم چهلمین روز درگذشت وی هم بسیار عظیم بود، و سید علی نقی نقوی هندی نیز که از شاگردان آنمرحوم بود شرح حال مبسوطی برای وی در« مجلة الرضوان» هند در سه شماره متوالی نگاشت و حق آن استاد را بخوبی ادا کرد. پایان کلام« نقبا». ولکن مؤلف« معارف الرجال» گوید که صاحب عنوان در پنجمین ساعت روز شنبه(۲۶ ج ۱) در نجف وفات یافت و عمرش از هشتاد افزون بود و جنازه‌اش را بر نهر ملک غازی اول در بحر نجف غسل داده سپس آنرا بسوی نجف اشرف حمل کردند و از دروازه شرقی شهر وارد و در حالی‌که بازارها تعطیل و همه طبقات مردم نجف در تشییع حاضر بودند آقایان طلاب علوم دینی جنازه را تا صحن مقدس غروی حمل و در حجره دوم از زاویه جنوب شرقی دفن نمودند، الخ. و ملاحظه می‌شود که صاحب« نقبا»–– وفات را در بغداد و« معارف» و« ماضی النجف» همانند متن در نجف نوشته‌اند. اما اینکه« معارف» سن آنمرحوم را بیش از هشتاد سال دانسته از روی حدس و تخمین بوده و اشتباهست، و اللّه العاصم. م.

ص: ۲۱۸۱

و چنانکه در «تاریخ نائین ۴: ۵۱» نوشته چهار فرزند از وی بازماند: اول میرزا علی

– دو مرجع متنفذ عالیقدر اسلام لطمه‌های شدیدی بجهان تشیع وارد آمد که هیچگاه جبران پذیر نخواهد بود.

اما تأثیر فوت مرحوم نائینی در نجف اشرف بنحو دیگری بوده، والد اینجانب در نامه دوم خود چنین نوشته است: «تشییع جنازه مرحوم آیة اللّه نائینی و مجالس فاتحه ایشان خیلی اینجا با اهمیت شد و انصافا نجفی‌ها خیلی همت نمودند، برای کمتر کسی اینطور اقدامات شده است. مدفن ایشان در صحن مطهر حجره مرحوم آقای آقا سید محمد فشارکی (اعلی اللّه مقامه) گردید» انتهی. در کتب تراجم یاد شده نیز بهمین کیفیت‌ها نوشته‌اند. در «نقبا» گوید وی در این اواخر علیل و رنجور شده بود و برای معالجه ببغداد رفت و حکومت عراق توجه بسیار کرد و قصری در اختیارش گذارد و جمعی از پزشکان رسمی را بدرمانش گمارد اما فایده‌ئی نکرد و من در آخرین ایام حیاتش از او در آنجا عیادت کردم و روز شنبه (۲۶ ج ۱) برحمت ایزدی پیوست و جنازه‌اش بنجف حمل شد و آن روز بزرگی بود، و عالم پرهیزکار شیخ علی قمی او را غسل داد و آیة اللّه سید ابو الحسن اصفهانی بر او نماز گذارد، «تا آنکه گوید»: مجالس ترحیم بی‌شمار برای آنمرحوم منعقد شد و «جریده الکرخ» یک شماره خود را بعنوان یادنامه وی اختصاص داد و مرحوم شیخ محمد حسین کاشف الغطا و جمعی از شاگردان او و فضلا و شعرا نظما و نثرا در آن نشریه مقاله نوشتند، و مراسم چهلمین روز درگذشت وی هم بسیار عظیم بود، و سید علی نقی نقوی هندی نیز که از شاگردان آنمرحوم بود شرح حال مبسوطی برای وی در «مجلة الرضوان» هند در سه شماره متوالی نگاشت و حق آن استاد را بخوبی ادا کرد. پایان کلام «نقبا». ولکن مؤلف «معارف الرجال» گوید که صاحب عنوان در پنجمین ساعت روز شنبه (۲۶ ج ۱) در نجف وفات یافت و عمرش از هشتاد افزون بود و جنازه‌اش را بر نهر ملک غازی اول در بحر نجف غسل داده سپس آنرا بسوی نجف اشرف حمل کردند و از دروازه شرقی شهر وارد و در حالی‌که بازارها تعطیل و همه طبقات مردم نجف در تشییع حاضر بودند آقایان طلاب علوم دینی جنازه را تا صحن مقدس غروی حمل و در حجره دوم از زاویه جنوب شرقی دفن نمودند، الخ. و ملاحظه می‌شود که صاحب «نقبا»–

ص: ۲۱۸۲

آقا که نامش در «الذریعه ۱۴: ۱۸۴ س ۱» برده شده[۱۷۳]. دویم میرزا محمد. سیم میرزا مهدی، و هر سه بعلت کسالت مزاج از تحصیل بازماندند. چهارم دختری که زوجه یکی از علماء همدان شد، انتهی.

---

[۱۷۳] (۱) در« ماضی النجف و حاضرها ۳: ۳۶۵» گوید: مرحوم آیة اللّه نائینی سه فرزند از خود بجای گذاشت که بزرگترینشان میرزا علی است که از اهل علم و فضل و گوشه‌گیر از مردم و کم معاشرت و در تحصیل کوشا و از خوش‌نامی برخوردار است، انتهی. در« نقباء البشر» و« معارف الرجال» نیز میرزا علی آقا را بعلم و فضل ستوده‌اند، و در« معجم رجال الفکر و الادب» او را عالمی جلیل و مجتهدی فاضل دانسته و از تألیفاتش« تقریرات اصول» درس پدر بزرگوار و« مباحث لفظیه» و« شرح کفایه» و نوشتجاتی در فقه و اصول را برشمرده و ولادتش را در(۱۳۲۹ ق) ضبط کرده است، و نیز از دو نفر فرزند ایشان آقایان میرزا عباس(متولد ۱۳۵۸) و میرزا جعفر(متولد ۱۳۶۲) بنیکی یاد کرده و فضل و کمالشان را ستوده و تألیفاتی از آنان ذکر کرده است. بموجب اعلانات ترحیم مندرج در«

و دیگر از شاگردان صاحب عنوان با ملاحظه عدد آنچه گذشت: ششم شیخ حسن دجیلی (۱۳۰۹)[۱۷۴].

– وفات را در بغداد و «معارف» و «ماضی النجف» همانند متن در نجف نوشته‌اند. اما اینکه «معارف» سن آنمرحوم را بیش از هشتاد سال دانسته از روی حدس و تخمین بوده و اشتباهست، و اللّه العاصم. م.

(۱) در «ماضی النجف و حاضرها ۳: ۳۶۵» گوید: مرحوم آیة اللّه نائینی سه فرزند از خود بجای گذاشت که بزرگترینشان میرزا علی است که از اهل علم و فضل و گوشه‌گیر از مردم و کم معاشرت و در تحصیل کوشا و از خوش‌نامی برخوردار است، انتهی. در «نقباء البشر» و «معارف الرجال» نیز میرزا علی آقا را بعلم و فضل ستوده‌اند، و در «معجم رجال الفکر و الادب» او را عالمی جلیل و مجتهدی فاضل دانسته و از تألیفاتش «تقریرات اصول» درس پدر بزرگوار و «مباحث لفظیه» و «شرح کفایه» و نوشتجاتی در فقه و اصول را برشمرده و ولادتش را در (۱۳۲۹ ق) ضبط کرده است، و نیز از دو نفر فرزند ایشان آقایان میرزا عباس (متولد ۱۳۵۸) و میرزا جعفر (متولد ۱۳۶۲) بنیکی یاد کرده و فضل و کمالشان را ستوده و تألیفاتی از آنان ذکر کرده است. بموجب اعلانات ترحیم مندرج در «روزنامه اطلاعات مورخه پنج شنبه ۲۲ و شنبه ۲۴ شوال ۱۳۹۷» آیة اللّه حاج میرزا علی آقا نائینی بدنبال کسالتی ممتد در تهران (ظاهرا در چهارشنبه ۲۱ شوال ۹۷) وفات یافته و مجالس ترحیم متعددی باین مناسبت در مسجد سید عزیز اللّه و مسجد ارک برگزار شده است. م.

(۲) مخفی نماند که شاگردان صاحب عنوان از حد احصاء خارجند و این شش نفر از بزرگانی که مؤلف ذکر نموده بالخصوص اسماء آنان را در مواضع متفرقه «الذریعه» و غیره یافته است، چند تن نیز در «نقبا» و «معارف» و مواضع دیگر یاد شده‌اند که از جمله مشاهیرشان مرحوم شیخ موسی بن محمد خوانساری نجفی (متوفی ۱۳۶۳) است که تقریرات درس–

ص: ۲۱۸۳

«تقریرات کتاب البیع» مرحوم شیخ موسی خوانساری بخط مرحوم حجة الاسلام سید محمد هاشم علامه روضاتی در نجف

روزنامه اطلاعات مورخه پنج شنبه ۲۲ و شنبه ۲۴ شوال ۱۳۹۷» آیة اللّه حاج میرزا علی آقا نائینی بدنبال کسالتی ممتد در تهران(ظاهرا در چهارشنبه ۲۱ شوال ۹۷) وفات یافته و مجالس ترحیم متعددی باین مناسبت در مسجد سید عزیز اللّه و مسجد ارک برگزار شده است. م.

[۱۷۴] (۲) مخفی نماند که شاگردان صاحب عنوان از حد احصاء خارجند و این شش نفر از بزرگانی که مؤلف ذکر نموده بالخصوص اسماء آنان را در مواضع متفرقه« الذریعه» و غیره یافته است، چند تن نیز در« نقبا» و« معارف» و مواضع دیگر یاد شده‌اند که از جمله مشاهیرشان مرحوم شیخ موسی بن محمد خوانساری نجفی(متوفی ۱۳۶۳) است که تقریرات درس–– فقه و اصول استاد خود را نوشته و تقریرات متاجرش بنام« منیة الطالب فی حاشیة المکاسب» بضمیمه« رسالة فی قاعدة لا ضرر» از خود او و« رسالة فی حکم اللباس المشکوک» از صاحب ترجمه بسال ۱۳۵۸ در نجف اشرف در دو مجلد طبع و منتشر گردید.

و از جمله آنان والد این جانب مرحوم سید محمد هاشم علامه روضاتی(۱۳۱۹– ۱۳۵۶) است که در دو سال آخر حیات آنمرحوم از مجلس درسش استفاده نموده مقداری از تقریرات آن دروس را نیز برشته تحریر کشید که اینک موجود است.

همچنین کسانیکه از آن عالم بزرگ اجازه روایت داشته‌اند بسیارند، و سند روایت راقم این سطور محمد علی بن محمد هاشم روضاتی نیز بواسطه چند تن از علماء اعلام و مراجع عظام بآن مرحوم می‌پیوندد. م.

ص: ۲۱۸۴

❊ (وفات میرزا محمد رضا میرزا، افسر قاجار)❊

شرح احوال او در (۱۲۱۱ ج ۲ ص ۴۰۰ ش ۱۶۵) گذشت.

❊ (۱۳۶۷- تولد صدر شاعر شوشتری)❊

وی شیخ محمد رضا بن ملا حسین و خود معروف به صدر الذاکرین بوده و در اشعار تخلص صدر می‌نموده، و همانا در این سال- چنان‌که در «الذریعه ۹: ۶۰۴ ش ۴۳۲۳» فرموده- متولد شده، و «دیوانی در اشعار» دارد که آن را شیخ محسن بن شیخ محمد بن ملا جعفر بن شیخ محمد باقر شرف الدین شوشتری جمع کرده و این شیخ محسن نواده دائی صاحب عنوان بوده، چه مادر او دختر شیخ محمد باقر مذکور بوده پس ملا جعفر دائی او و شیخ محمد پسردائی و شیخ محسن نواده دائی او می‌شده. و برادر صاحب عنوان ملا حسن ملهم بوده که در (۱۳۰۰) بیاید.

- فقه و اصول استاد خود را نوشته و تقریرات متاجرش بنام «منیة الطالب فی حاشیة المکاسب» بضمیمه «رسالة فی قاعدة لا ضرر» از خود او و «رسالة فی حکم اللباس المشکوک» از صاحب ترجمه بسال ۱۳۵۸ در نجف اشرف در دو مجلد طبع و منتشر گردید.

و از جمله آنان والد این جانب مرحوم سید محمد هاشم علامه روضاتی (۱۳۱۹- ۱۳۵۶) است که در دو سال آخر حیات آنمرحوم از مجلس درسش استفاده نموده مقداری از تقریرات آن دروس را نیز برشته تحریر کشید که اینک موجود است.

همچنین کسانیکه از آن عالم بزرگ اجازه روایت داشته‌اند بسیارند، و سند روایت راقم این سطور محمد علی بن محمد هاشم روضاتی نیز بواسطه چند تن از علماء اعلام و مراجع عظام بآن مرحوم می‌پیوندد. م.

ص: ۲۱۸۵

❊ (۱۳۶۸- تولد شیخ محمد شریف اردوبادی، ره)❊

وی فرزند آقا احمد اردوبادی و خود از علماء متقین و ساکن نجف بود و در این سال متولد شده و کتابی بنام «ارشاد المتقین» در علم اعداد بطور رمز تألیف کرده نزدیک بچهار هزار بیت که در «الذریعه» فرماید: تاکنون بجلد در نیامده، و پس

از مدت هفتاد و پنج سال قمری عمر در سنه ۱۳۵۲ هزار و سیصد و پنجاه و دو، با تجرد از اهل و عیال در نجف وفات کرد[۱۷۵].

❊ (۱۳۶۹- تولد حاج سید محمد علی گلستانه اصفهانی)❊

وی بطوری‌که در کتاب «ضمیمه تاریخ علماء خراسان: ۲۹۹ ش ۱۱۵» نوشته از علماء بزرگوار عصر حاضر در مشهد مقدس رضوی (ع) بوده، و همانا در اینسال در کربلا متولد شده و پس از پایان تحصیلات بأرض اقدس رضوی آمده و آنجا اقامت نموده و بترویج احکام و اقامت جماعت پرداخته و در مسجد کله واقع در کوچه چهنو مردم از فیوضات جماعت او استفاده می‌کردند و تألیفاتی هم دارد: اول کتاب «تحفة الامامیه». دویم کتاب «الوسائل»[۱۷۶].

---

[۱۷۵] (۱) جای تعجب است که شیخنا العلامه صاحب« الذریعه» در کتاب« نقباء البشر» یادی از صاحب عنوان نکرده‌اند و محقق امینی هم که در« معجم رجال الفکر و الادب فی النجف الاشرف:

۴۷» ذیل عنوان(الاوردبادی) سطری درباره او نوشته‌اند تنها بنقل از« ذریعه» است. م.

[۱۷۶] (۲) کتاب فارسی« تحفة الامامیه فی اثبات الحق و ازهاق الباطل» جلد اول آن طی ۴۲۴ صفحه وزیری بسال ۱۳۴۱ ق در مطبعه نادری بمبی چاپ سنگی شده است و در سرآغاز آن صورت اجازه روایتی مرحوم حاج میرزا محمد حسین بن حاج میرزا خلیل رازی نجفی--(۱۲۳۰- ۱۳۲۶) بمؤلف که تاریخش ۲۶ ربیع الاول ۱۳۱۵ میباشد بطبع رسیده و در آنجا از وی با القاب و عناوین علمی و شرعی تجلیل بسزا شده مانند« جناب العالم الربانی السید محمد علی الاصفهانی المسمی باسم ابیه المرحوم ...» که معلوم میشود در آن تاریخ که مجاز ۳۸ ساله بوده پدر وی حیات نداشته و پدر هم محمد علی نام داشته چنانکه خود نیز در چند موضع از کتاب گوید:« سمی الاب محمد علی الموسوی الملقب بگلستانه»، و شاید در أوان تولد یا حتی پیش از تولد وی پدرش وفات یافته بوده و چنانکه مرسوم است نام او را بر فرزند نهاده‌اند. همچنین از مطالب بالا معلوم شد که وی از سلسله سادات موسوی اصفهان و مشهور بگلستانه و متولد کربلای معلی بوده و پس از مدتی تحصیل در عتبات عالیات بمشهد مقدس هجرت نموده و در آنجا مقیم شده و تألیفاتش را نیز در همین مکان شریف نگاشته. پس اینکه در« نقباء البشر: ۱۳۱۲» فرموده‌اند:« وی از سادات معاصر ما است در اصفهان» مسامحه‌ئی رفته و وجهی ندارد، و بهمین قیاس باشد آنچه در کتاب« دانشمندان و بزرگان اصفهان: ۱۸۵» آمده که وی در اصفهان نیز تحصیل کرده است، فلا تغفل!

و شایان توجه اینکه سادات گلستانه مشهور چنانکه در احوال مورخ الاسلام(۱۳۰۰) بیاید از نژاد حضرت امام حسن مجتبی(علیه السلام) بوده‌اند و صاحب ترجمه خود را از اعقاب حضرت امام موسی بن جعفر(علیهما السلام) دانسته. بهرحال، تقریظ بلیغی نیز از مرحوم حاج شیخ علی اکبر نهاوندی(۱۲۷۸- ۱۳۶۹) در صفحه آخر کتاب تحفه چاپ شده، و آقای حاج مشار، هم در« فهرست» و هم در« مؤلفین ۴: ۳۵۷» نوشته‌اند که این کتاب تحفه بار دیگر نیز در بمبی بسال ۱۳۶۴ ایضا طی ۴۲۴ صفحه چاپ سنگی شده است، و اللّه العالم. باری، نسخه چاپی ما جلد اول کتاب است مشتمل بر مقدمه‌ئی در تعریف عقل و شرحی درباره اسماء-- حسنای الهی و بعد اصل اول در توحید و دوم در نبوت و سوم در امامت، که هر اصلی از این اصول سه‌گانه در چهار رکن نگارش شده، و در خاتمه گوید:« در این جلد اول بملاحظه ضخامت حجم کتاب در رکن سیم از اصل سیم ختم و تحریر شد، انشاء اللّه رکن چهارم از امامت در جلد دویم تحریر خواهد شد، بتاریخ شهر ربیع الثانی سنه ۱۳۴۱» انتهی. و ما از جلد دوم اطلاعی بدست نیاوردیم.

اما نسخه اینجانب از کتاب« الوسائل فی اثبات الحق و ازهاق الباطل» طی ۲۱۶ صفحه رقعی در مطبعه مظفری بمبی بخط شیخ جواد بن عبد الغنی جهرمی چاپ سنگی شده و تاریخ طبع در آن نیست و تاریخ ختم تألیف و تبییض آن(در ص ۲۱۴) دهم ماه رمضان ۱۳۳۹ قید شده، و این کتاب همانند بسیاری از کتب چاپ بمبی خیلی مغلوط است اگرچه-- اصل تألیف نیز از لحاظ انشائی ضعیف بنظر میرسد، و مؤلف در آن از کتاب سابق الذکرش همه‌جا بنام« تحفه اثنی عشریه» یاد می‌کند، معلوم میشود بعدا تغییر داده« تحفة الامامیه» اش نامیده است. و این کتاب مشتمل است بر هفت مقدمه در مسائل گوناگون امامت و خلافت و فصلی(از ص ۱۱۷ تا ۱۷۶) در اثبات وجود امام غائب« عجل اللّه تعالی فرجه» و خاتمه در علائم ظهور آنحضرت(از ص ۱۷۶ تا ۲۱۴)، و در دو صفحه آخر تقریظ

(۱) جای تعجب است که شیخنا العلامه صاحب «الذریعه» در کتاب «نقباء البشر» یادی از صاحب عنوان نکرده‌اند و محقق امینی هم که در «معجم رجال الفکر و الادب فی النجف الاشرف:

۴۷» ذیل عنوان (الاوردبادی) سطری درباره او نوشته‌اند تنها بنقل از «ذریعه» است. م.

(۲) کتاب فارسی «تحفة الامامیه فی اثبات الحق و ازهاق الباطل» جلد اول آن طی ۴۲۴ صفحه وزیری بسال ۱۳۴۱ ق در مطبعه نادری بمبی چاپ سنگی شده است و در سرآغاز آن صورت اجازه روایتی مرحوم حاج میرزا محمد حسین بن حاج میرزا خلیل رازی نجفی-

ص: ۲۱۸۶

و زیاده از ده مرتبه بمکه معظمه مشرف شده، و با پدر مؤلف کتاب ضمیمه نهایت دوستی داشته و وی را وصی خود نموده و هر روز در منزل خود روضه‌خوانی میکرده، تا آخر در دوشنبه شانزدهم ماه رمضان المبارک سنه ۱۳۶۱ هزار و سیصد و شصت و یک- مطابق ۶ مهرماه باستانی وفات نموده و در صحن نو مقدس در ایوان طلای مبارک دفن شد. انتهی بتغییر یسیر.

- (۱۲۳۰- ۱۳۲۶) بمؤلف که تاریخش ۲۶ ربیع الاول ۱۳۱۵ میباشد بطبع رسیده و در آنجا از وی با القاب و عناوین علمی و شرعی تجلیل بسزا شده مانند «جناب العالم الربانی السید محمد علی الاصفهانی المسمی باسم ابیه المرحوم ...» که معلوم میشود در آن تاریخ که مجاز ۳۸ ساله بوده پدر وی حیات نداشته و پدر هم محمد علی نام داشته چنانکه خود نیز در چند موضع از کتاب گوید: «سمی الاب محمد علی الموسوی الملقب بگلستانه»، و شاید در أوان تولد یا حتی پیش از تولد وی پدرش وفات یافته بوده و چنانکه مرسوم است نام او را بر فرزند نهاده‌اند. همچنین از مطالب بالا معلوم شد که وی از سلسله سادات موسوی اصفهان و مشهور بگلستانه و متولد کربلای معلی بوده و پس از مدتی تحصیل در عتبات عالیات بمشهد مقدس هجرت نموده و در آنجا مقیم شده و تألیفاتش را نیز در همین مکان شریف نگاشته. پس اینکه در «نقباء البشر:

حاجی سید علی بن حسین نجفی است بعربی که نویسنده آنرا نشناختیم و شاید از علماء مقیم هند بوده. شایان توجه اینکه در این تقریظ صریحا مؤلف کتاب« حاجی سید محمد علی مشهور بگلستانه» را از« أسباط و احفاد میر علاء الدین محمد گلستانه مشهور» دانسته و صورت نسب میر علاء الدین را هم تا حضرت امام حسن مجتبی(علیه السلام) نقل کرده است. ضمنا آقای مشار در فهرست خود چاپ دیگری نیز برای کتاب الوسائل نوشته و گویند که بسال ۱۳۳۱ هم در بمبی چاپ سنگی شده، و اللّه العالم.

تکمله: فاضل ارجمند آقای حاج شیخ محمد باقر ساعدی خراسانی در نامه مورخه(۸ ع ۲ جاری ۹۸) باینجانب نوشته‌اند:« راجع بمرحوم آقا سید علی ره(یعنی نویسنده تقریظ مذکور) از ابوی جویا شدم ایشان اظهار داشتند: چون مدتی فاصله شده قدرت هیچ گونه اظهاری ندارم»، انتهی. تصویر مرحوم گلستانه صاحب عنوان را نیز حضرت آقای ساعدی مصحوب همین نامه مرحمت فرموده‌اند که موجب کمال سپاسگزاری است. همچنین آقای ساعدی اظهار داشتند که از مرحوم گلستانه یک فرزند پسر و یک دختر باقی مانده در قد حیاتند. م.

۱۳۱۲» فرموده‌اند: «وی از سادات معاصر ما است در اصفهان» مسامحه‌ئی رفته و وجهی ندارد، و بهمین قیاس باشد آنچه در کتاب «دانشمندان و بزرگان اصفهان: ۱۸۵» آمده که وی در اصفهان نیز تحصیل کرده است، فلا تغفل!

و شایان توجه اینکه سادات گلستانه مشهور چنانکه در احوال مورخ الاسلام (۱۳۰۰) بیاید از نژاد حضرت امام حسن مجتبی (علیه السلام) بوده‌اند و صاحب ترجمه خود را از اعقاب حضرت امام موسی بن جعفر (علیهما السلام) دانسته. بهرحال، تقریظ بلیغی نیز از مرحوم حاج شیخ علی اکبر نهاوندی (۱۲۷۸- ۱۳۶۹) در صفحه آخر کتاب تحفه چاپ شده، و آقای حاج مشار، هم در «فهرست» و هم در «مؤلفین ۴: ۳۵۷» نوشته‌اند که این کتاب تحفه بار دیگر نیز در بمبی بسال ۱۳۶۴ ایضا طی ۴۲۴ صفحه چاپ سنگی شده است، و اللّه العالم. باری، نسخه چاپی ما جلد اول کتاب است مشتمل بر مقدمه‌ئی در تعریف عقل و شرحی درباره اسماء-

---

- حسنای الهی و بعد اصل اول در توحید و دوم در نبوت و سوم در امامت، که هر اصلی از این اصول سه‌گانه در چهار رکن نگارش شده، و در خاتمه گوید: «در این جلد اول بملاحظه ضخامت حجم کتاب در رکن سیم از اصل سیم ختم و تحریر شد، انشاء اللّه رکن چهارم از امامت در جلد دویم تحریر خواهد شد، بتاریخ شهر ربیع الثانی سنه ۱۳۴۱» انتهی. و ما از جلد دوم اطلاعی بدست نیاوردیم.

اما نسخه اینجانب از کتاب «الوسائل فی اثبات الحق و ازهاق الباطل» طی ۲۱۶ صفحه رقعی در مطبعه مظفری بمبی بخط شیخ جواد بن عبد الغنی جهرمی چاپ سنگی شده و تاریخ طبع در آن نیست و تاریخ ختم تألیف و تبییض آن (در ص ۲۱۴) دهم ماه رمضان ۱۳۳۹ قید شده، و این کتاب همانند بسیاری از کتب چاپ بمبی خیلی مغلوط است اگرچه-

❊ (۱۳۷۰- تولد شیخ مرتضی عاملی کاظمینی، ره)❊

وی مرحوم شیخ نظام الدین بن شیخ الاسلام حسن بن شیخ مرتضی بن جواد بن هادی عاملی (ره) است.

شیخ مرتضی از علما و فقهاء این عصر بود و در این سال متولد شده و در نزد برخی از علما از آن جمله فاضل شرابیانی (۱۲۴۵ ج ۴ ش ۶۶۳) درس خوانده و کتبی تألیف کرده، از آن جمله «کتابی در تجری» از تقریرات درس استاد مرقومش،

انجام تألیف آن شنبه ۱۶ رجب سنه ۱۳۱۰، و سید ابو القاسم اشکوری تقریظی بر آن با اجازه برای مؤلفش نوشته. و شیخ مرتضی پس از مدت پنجاه و نه سال قمری عمر در سنه ۱۳۳۶ هزار و سیصد و سی و شش وفات کرد[۱۷۷].

– اصل تألیف نیز از لحاظ انشائی ضعیف بنظر میرسد، و مؤلف در آن از کتاب سابق الذکرش همه‌جا بنام «تحفه اثنی عشریه» یاد می‌کند، معلوم میشود بعدا تغییر داده «تحفة الامامیه» اش نامیده است. و این کتاب مشتمل است بر هفت مقدمه در مسائل گوناگون امامت و خلافت و فصلی (از ص ۱۱۷ تا ۱۷۶) در اثبات وجود امام غائب «عجل اللّه تعالی فرجه» و خاتمه در علائم ظهور آنحضرت (از ص ۱۷۶ تا ۲۱۴)، و در دو صفحه آخر تقریظ حاجی سید علی بن حسین نجفی است بعربی که نویسنده آنرا نشناختیم و شاید از علماء مقیم هند بوده. شایان توجه اینکه در این تقریظ صریحا مؤلف کتاب «حاجی سید محمد علی مشهور بگلستانه» را از «أسباط و احفاد میر علاء الدین محمد گلستانه مشهور» دانسته و صورت نسب میر علاء الدین را هم تا حضرت امام حسن مجتبی (علیه السلام) نقل کرده است. ضمنا آقای مشار در فهرست خود چاپ دیگری نیز برای کتاب الوسائل نوشته و گویند که بسال ۱۳۳۱ هم در بمبی چاپ سنگی شده، و اللّه العالم.

تکمله: فاضل ارجمند آقای حاج شیخ محمد باقر ساعدی خراسانی در نامه مورخه (۸ ع ۲ جاری ۹۸) باینجانب نوشته‌اند: «راجع بمرحوم آقا سید علی ره (یعنی نویسنده تقریظ مذکور) از ابوی جویا شدم ایشان اظهار داشتند: چون مدتی فاصله شده قدرت هیچ گونه اظهاری ندارم»، انتهی. تصویر مرحوم گلستانه صاحب عنوان را نیز حضرت آقای ساعدی مصحوب همین نامه مرحمت فرموده‌اند که موجب کمال سپاسگزاری است. همچنین آقای ساعدی اظهار داشتند که از مرحوم گلستانه یک فرزند پسر و یک دختر باقی مانده در قد حیاتند. م.

(۱) این شرح‌حال بتمامه مأخوذ از کتاب «الذریعه ۳: ۲۴۸» است، و در «اعیان الشیعه ۴۸: ۴۷» گوید: شیخ مرتضی نظام الدین رشتی فرزند شیخ محمد حسن شیخ الاسلام–

❊ (۱۳۷۱– وفات مریم ۳۹ شاعره قائم‌مقامی)❊

---

[۱۷۷] (۱) این شرح‌حال بتمامه مأخوذ از کتاب« الذریعه ۳: ۲۴۸» است، و در« اعیان الشیعه ۴۸: ۴۷» گوید: شیخ مرتضی نظام الدین رشتی فرزند شیخ محمد حسن شیخ الاسلام–– نزیل مشهد مقدس رضوی فرزند شیخ مرتضی نظام الدین عاملی نزیل کاظمین فرزند شیخ جواد فرزند شیخ الاسلام حاج ملا هادی عاملی. ولادتش در ۱۲۲۷ بوده و در شهر رشت بسال ۱۳۳۶ وفات یافت و در صحن مزار علی بن جعفر در خارج شهر قم در راه جمکران دفن شد. وی از نوابغ فقه و اصول و کلام و حکمت و ریاضیات بود در گیلان، و در نزد فاضل ایروانی و شرابیانی و مامقانی و حاج میرزا حبیب اللّه رشتی و شیخ محمد هادی طهرانی(از علماء نجف اشرف) و دیگران درس خوانده و از آنان اجازت روایت داشت، و تألیفاتی دارد از آن جمله« تشریح الحساب» در شرح« خلاصة الحساب» شیخ بهائی بفارسی که بسال ۱۳۱۲ در نجف از آن فارغ شده، و دیگر« حیاة الایمان» در رد بر شیخیه. جماعتی از او اجازه روایت دارند از جمله سید محمود شمس الدین حسینی مرعشی متوفی ۱۳۳۸. از صاحب ترجمه دو فرزند پسر بجای ماند یکی شیخ قوام الدین و دیگر شیخ شمس الدین. پایان کلام« اعیان الشیعه»، و پر واضح است که تاریخ ولادت او در اینجا که گوید(۱۲۲۷) بوده اشتباه چاپی است. م.

وی بطوری‌که در «الذریعه ۹: ۱۰۳۲ ش ۶۷۲۴: فرموده دختر میرزا ابو القاسم ۳۸ قائم‌مقام است (که در ۱۲۵۱ ج ۴ ش ۷۷۸ گذشت)، و مادرش دختر میرزا حسن مستوفی الممالک آشتیانی است که در (۱۱۹۵ ج ۱ ش ۱۴) گذشت. و خودزنی فاضله و شاعره بوده و شرح احوالش در «خیرات حسان ۳: ۱۹۷» و کتاب «از رابعه تا پروین: ۲۱۱» نوشته، و چون محمد شاه پدرش را بقتل رسانید وی قصیده‌ئی گفت که بوسیله آن خانواده خود را از اذیت آن پادشاه نجات داد، و بالاخره در این سال وفات کرد[۱۷۸].

– نزیل مشهد مقدس رضوی فرزند شیخ مرتضی نظام الدین عاملی نزیل کاظمین فرزند شیخ جواد فرزند شیخ الاسلام حاج ملا هادی عاملی. ولادتش در ۱۲۲۷ بوده و در شهر رشت بسال ۱۳۳۶ وفات یافت و در صحن مزار علی بن جعفر در خارج شهر قم در راه جمکران دفن شد. وی از نوابغ فقه و اصول و کلام و حکمت و ریاضیات بود در گیلان، و در نزد فاضل ایروانی و شرابیانی و مامقانی و حاج میرزا حبیب اللّه رشتی و شیخ محمد هادی طهرانی (از علماء نجف اشرف) و دیگران درس خوانده و از آنان اجازت روایت داشت، و تألیفاتی دارد از آن جمله «تشریح الحساب» در شرح «خلاصة الحساب» شیخ بهائی بفارسی که بسال ۱۳۱۲ در نجف از آن فارغ شده، و دیگر «حیاة الایمان» در رد بر شیخیه. جماعتی از او اجازه روایت دارند از جمله سید محمود شمس الدین حسینی مرعشی متوفی ۱۳۳۸. از صاحب ترجمه دو فرزند پسر بجای ماند یکی شیخ قوام الدین و دیگر شیخ شمس الدین. پایان کلام «اعیان الشیعه»، و پر واضح است که تاریخ ولادت او در اینجا که گوید (۱۲۲۷) بوده اشتباه چاپی است. م.

(۱) برای مریم در «فرهنگ سخنوران» تنها دو مأخذ «زنان سخنور ۲: ۱۶۹» میرزا علی اکبر خان مشیر سلیمی و «ریاحین الشریعه ۵: ۷۱» آیة اللّه حاج شیخ ذبیح اللّه محلاتی ذکر–

ص: ۲۱۹۰

❊ (۱۳۷۲– تولد سید مهدی أبو طاپو بغدادی)❊

وی فرزند سید محمد بن حسن بن ابراهیم بن ناصر بن قاسم موسوی است که اصلا از بغداد و از معاریف اهل علم و ادب در عراق عرب بوده و در اینسال– چنان‌که در «الذریعه ۹:

---

[۱۷۸] (۱) برای مریم در« فرهنگ سخنوران» تنها دو مأخذ« زنان سخنور ۲: ۱۶۹» میرزا علی اکبر خان مشیر سلیمی و« ریاحین الشریعه ۵: ۷۱» آیة اللّه حاج شیخ ذبیح اللّه محلاتی ذکر–– شده است. و مخفی نماند که در این مأخذ اخیر بجای عبارت متن(و چون محمد شاه پدرش را بقتل رسانید) فرماید:(در زمانیکه سادات قائم‌مقام مغضوب دولت بودند)، انتهی. در سال(۱۲۸۹) کتاب حاضر بیاید که میرزا محمد صادق ۳۹ پروانه قائم مقامی این مریم خانم را که دخترعمش بوده بزوجیت داشته و فرزندشان حاجی میرزا حسین ۴۰ است که در عنوان فرزندش میرزا محمد صادق خان ۴۱ ادیب الممالک فراهانی(ش ۱۳۴۰ ص ۲۱۳۱) در همین جلد و همین سال گذشت، که در واقع ادیب الممالک در سال فوت مادر پدرش مریم صاحب عنوان متولد شده است. م.

ش ۲۳۹» فرموده- در نجف متولد و به کرادی معروف شده، و لب بشعر گفتن گشوده، و بطوری‌که در آن جلد و نیز جلد اول در شماره‌های مختلف نوشته منظوماتی دارد از این قرار:

اول «ارجوزه‌ئی در سلسله نسب خود». دویم «ارجوزه‌ئی در شطرنج». سیم «ارجوزه‌ئی در منطق». چهارم «دیوانی در اشعار» که آنرا شیخ عبد المولی طریحی (۱۳۴۴) جمع کرده. پنجم کتاب «اللؤلؤ و المرجان» که آن ارجوزه‌ئی است در معانی و بیان.

و آخر پس از مدت پنجاه و دو سال قمری عمر در اینسال وفات کرده، و فرزندی بنام سید صالح که از اهل علم و فضل است بازنهاد.

- شده است. و مخفی نماند که در این مأخذ اخیر بجای عبارت متن (و چون محمد شاه پدرش را بقتل رسانید) فرماید: (در زمانیکه سادات قائم‌مقام مغضوب دولت بودند)، انتهی. در سال (۱۲۸۹) کتاب حاضر بیاید که میرزا محمد صادق ۳۹ پروانه قائم مقامی این مریم خانم را که دخترعمش بوده بزوجیت داشته و فرزندشان حاجی میرزا حسین ۴۰ است که در عنوان فرزندش میرزا محمد صادق خان ۴۱ ادیب الممالک فراهانی (ش ۱۳۴۰ ص ۲۱۳۱) در همین جلد و همین سال گذشت، که در واقع ادیب الممالک در سال فوت مادر پدرش مریم صاحب عنوان متولد شده است. م.

ص: ۲۱۹۱

❊ (۱۳۷۳- تولد مرحوم نور، شاعر قاجار)❊

وی مرحوم نور اللّه میرزای جناب ابن محمد اسمعیل میرزای ابن محمد رضا میرزای افسر (ره) است.

مرحوم محمد رضا میرزا در (۱۲۱۱ ج ۲ ش ۱۶۵) گذشت.

نواده‌اش مرحوم نور اللّه میرزا معروف به جناب و متخلص به نور و شاهزاده‌ئی بشعر و علم و فضل مذکور بود، و او در این سال در تهران متولد شده و چندی بخدمات دولتی و از آن پس در سبزوار بتحصیل علوم پرداخته و لباس روحانیت پوشید و بزهد و تقوی و تکمیل نفس و تهذیب مذهب کوشید، تا پس از مدت پنجاه و نه سال قمری عمر در سنه ۱۳۳۶ هزار و سیصد و سی و شش وفات کرده و در بیرون مشهد در حرم خواجه ربیع در پشت سر جدش فتحعلیخان- که در (ج ۱ در مقدمه، ص ۱۵) گذشت- دفن شد.

و چند نفر دیگر غیر از صاحب عنوان تخلص نور می‌نموده‌اند: ۱- نور هندی که در همین سال (ش ص) گذشت[۱۷۹]. ۲- حاج آقا نور اللّه اصفهانی که در (۱۳۴۶) بیاید.

و او دخترعمش محمد هاشم میرزا (۱۲۶۰ ج ۵ ش ۹۷۷) را بزنی داشته، و فرزندش از این مخدره نواب محمد هاشم میرزای افسر است که در (۱۲۹۷) بیاید[۱۸۰].

---

(۱) نور هندی در سال آتی (۱۲۷۸ ش ۱۳۷۷ ص ۱۲۰۲) بیاید و در اینجا مرحوم مؤلف سهو نموده. م.

(۲) صاحب عنوان در جلد نهم «ذریعه» و حرف نون «فرهنگ سخنوران» ذکر نشده است. م.

ص: ۲۱۹۲

سنه ۱۲۷۸ قمری مطابق سنه ۱۲۴۰ شمسی چهارشنبه غره ماه محرم الحرام (...) سرطان ماه برجی

* (وفات مرحوم رحمتعلی شاه شیرازی)*

شب ۱۷ صفر. شرح احوال او در (۱۲۰۸ ج ۲ ش ۱۳۱) گذشت.

* (۱۳۷۴- تلد میرزا فضلعلی آقا، صفاء ایروانی تبریزی)*

وی فرزند مرحوم حاجی میرزا عبد الکریم ملا باشی است که در (۱۲۲۰ ج ۳ ش ۲۷۵) گذشت.

میرزا فضلعلی آقا از علما و فضلاء آذربایجان بود و شعر عربی و فارسی هم می‌گفت و تخلص صفا می‌نمود. و او در روز یکشنبه ۱۳ ماه جمادی الاولی این سال، پنج ساعت و شانزده دقیقه بأذان شام مانده- مطابق (...) عقرب ماه برجی- متولد شده، و در «رجال آذربایجان در عصر مشروطیت: ۱۲۵ سطر ۱» که در (۱۲۷۲) نوشته ظاهرا اشتباه است[۱۸۱].

---

[۱۷۹] (۱) نور هندی در سال آتی(۱۲۷۸ ش ۱۳۷۷ ص ۱۲۰۲) بیاید و در اینجا مرحوم مؤلف سهو نموده. م.

[۱۸۰] (۲) صاحب عنوان در جلد نهم« ذریعه» و حرف نون« فرهنگ سخنوران» ذکر نشده است. م.

[۱۸۱] (۱) مرحوم محمد علی صفوت تبریزی در کتاب« داستان دوستان یا تذکره ادبا و شعرای آذربایجان: ۸۴» تاریخ ولادت صاحب عنوان را در سیزدهم جمادی الاولی ۱۲۸۸ ق»-- نوشته که آن نیز اشتباهست و ظاهرا غلط مطبعی باشد. و در« ریحانة الادب ۲: ۴۸۰» گوید« ولادتش در ۱۳ ج ۱/ ۱۲۷۸(غرعح) در تبریز واقع شده» که با این تصریح و تعیین ابجدی دیگر جای شبهه‌ئی باقی نیست. و مرحوم حاج ملا علی واعظ خیابانی تبریزی(متوفی ۱۴ صفر ۱۳۶۸) در کتاب« علماء معاصرین: ۱۲۰» شرح حال صاحب عنوان را از« مطارح الانظار: ۱۵۴» تألیف فیلسوف الدوله زنوزی چنین نقل کرده است:« ... بعد از تکمیل مقدمات در تبریز، عمده فقه و اصول را در محضر والد ماجد این بنده مؤلف میرزا محمد حسن مجتهد زنوزی ... تحصیل نموده بعد بعتبات عالیات مشرف شده و در آن بلاد

(۱) مرحوم محمد علی صفوت تبریزی در کتاب «داستان دوستان یا تذکره ادبا و شعرای آذربایجان: ۸۴» تاریخ ولادت صاحب عنوان را در سیزدهم جمادی الاولی ۱۲۸۸ ق»-

ص: ۲۱۹۳

و کتب چندی تألیف نموده از آن جمله: کتاب «حدائق العارفین» در جمع آیات و أخبار کتب اربعه اوایل: «کافی، من لا یحضره الفقیه، تهذیب، استبصار» و ثلثه اواخر: «وافی، وسائل، بحار» با تفسیر و شرح آنها در چند جلد، و در خاتمه مقدمات کتب مذکوره را با شرحی در ذکر کتب اسلامیه خصوصا شیعه آورده است. انجام تألیف آن غره ج ۱ سنه ۱۳۲۱[۱۸۲].

- نوشته که آن نیز اشتباهست و ظاهرا غلط مطبعی باشد. و در «ریحانة الادب ۲: ۴۸۰» گوید «ولادتش در ۱۳ ج ۱/ ۱۲۷۸ (غرعح) در تبریز واقع شده» که با این تصریح و تعیین ابجدی دیگر جای شبهه‌ئی باقی نیست. و مرحوم حاج ملا علی واعظ خیابانی تبریزی (متوفی ۱۴ صفر ۱۳۶۸) در کتاب «علماء معاصرین: ۱۲۰» شرح حال صاحب عنوان را از «مطارح الانظار: ۱۵۴» تألیف فیلسوف الدوله زنوزی چنین نقل کرده است: «... بعد از تکمیل مقدمات در تبریز، عمده فقه و اصول را در محضر والد ماجد این بنده مؤلف میرزا محمد حسن مجتهد زنوزی ... تحصیل نموده بعد بعتبات عالیات مشرف شده و در

رنجها برده و بمرتبه اجتهاد رسیده و از شیخ زین العابدین مازندرانی و شیخ محمد حسین کاظمینی و ملا محمد مشهور بفاضل شرابیانی و شیخ علی یزدی حایری مجاز گردیده، عالمی است بی‌بدل و مجتهدی بی‌تکلف و خالی از خلل، محفلش مرجع انام است و مجلس افادتش فیض بخش فضلای اعلام» انتهی. م.

[۱۸۲] (۱) رجوع شود به« الذریعه ۹: ۸۳۶ ش ۵۶۰۹» یادداشت مؤلف.

در آنجا گوید:« دیوان میرزا فضلعلی تبریزی» فرزند میرزا عبد الکریم بن میرزا ابو القاسم بن میرزا محمد ایروانی متولد در تبریز بسال ۱۲۷۸ متوفی ۱۳۳۷، مؤلف« حدائق العارفین» مذکور در(ج ۶ ص ۲۸۶ ذریعه) و« ریاض الازهار» که شبیه« کشکول» است و« سفرنامه اروپا» و« شرح العینیة الخمریه». و دیوان مذکور بعربی و فارسی است چنانکه در« دانشمندان آذربایجان: ۲۹۸» است. پایان کلام« ذریعه».

و مخفی نماند که در« داستان» کتاب« شرح العینیة الخمریه» را« شرح قصیده عینیه حمیریه» یعنی سید اسمعیل حمیری نوشته که همین صحیح است و در این موضع« ذریعه» اشتباه چاپ-- شده و در(ج ۱۴ ص ۱۱) صریحا آنرا« شرح قصیدة الحمیری العینیة» عنوان کرده‌اند و نسخه اصل آن هم در نزد مؤلف« علماء معاصرین» موجود بوده، و خود صاحب ترجمه رساله‌ئی نیز در احوال وی بنام« النفح العنبری فی احوال السید الحمیری» نوشته، چنانکه در همان داستان و ریحانه با چند تألیف دیگر از او آورده‌اند که اینک ذکر می‌کنیم:« مصباح الهدی» در حقیقت تقیه و بدا،« رساله در استصحاب»،« کلید دانش» در علم صرف،« رساله در أمر آمر با علم بانتفاء شرط»،« رساله در اینکه امر اقتضاء اجزا مینماید»،« ریاض الازهار» که کشکولی است در دو یا سه جلد،« رساله در أحکام اراضی خراجیه»،« فوائد علویه» در علم صرف،« رساله در احکام و با و تجربیاتی در آن»،« رساله در منجزات مریض»،« سفرنامه اروپا» که در داستان گوید با جلد اول« حدائق العارفین» در تبریز چاپ شده، لکن نسخه حدائق ما فاقد آنست.

و جلد اول« حدائق العارفین» شامل تمام کتاب عقل و جهل در قریب ۷۷۰۰ بیت کتابت بسال ۱۳۲۴ ق بخط نسخ احمد الموسوی باندازه ربع(خشتی) در چاپخانه سنگی آقا علی- اصغر تبریزی طی ۲۷۳ صفحه بانضمام ۱۶ صفحه دیباچه و فهرست بطبع رسیده و چون آنطور که شایسته یک چنین کتاب مهمی بوده بطبع آن قیام و اقدام نشده است لذا این مجلد چاپ- شده هم متروک و مهجور و قدر آن بکلی مجهول مانده و اهتمامی در طبع بقیه آن نیز نگردیده و اکنون شایسته است که علماء اعلام و فضلاء عظام حوزه مقدسه علمیه قم(کان اللّه لهم و کبت أعدائهم) باحیاء تمامی این کتاب جلیل و پرفایده همت فرمایند و اللّه الموفق. م.

آن بلاد رنجها برده و بمرتبه اجتهاد رسیده و از شیخ زین العابدین مازندرانی و شیخ محمد حسین کاظمینی و ملا محمد مشهور بفاضل شرابیانی و شیخ علی یزدی حایری مجاز گردیده، عالمی است بی‌بدل و مجتهدی بی‌تکلف و خالی از خلل، محفلش مرجع انام است و مجلس افادتش فیض بخش فضلای اعلام» انتهی. م.

(۱) رجوع شود به «الذریعه ۹: ۸۳۶ ش ۵۶۰۹» یادداشت مؤلف.

در آنجا گوید: «دیوان میرزا فضلعلی تبریزی» فرزند میرزا عبد الکریم بن میرزا ابو القاسم بن میرزا محمد ایروانی متولد در تبریز بسال ۱۲۷۸ متوفی ۱۳۳۷، مؤلف «حدائق العارفین» مذکور در (ج ۶ ص ۲۸۶ ذریعه) و «ریاض الازهار» که شبیه «کشکول» است و «سفرنامه اروپا» و «شرح العینیة الخمریه». و دیوان مذکور بعربی و فارسی است چنانکه در «دانشمندان آذربایجان: ۲۹۸» است. پایان کلام «ذریعه».

و مخفی نماند که در «داستان» کتاب «شرح العینیة الخمریه» را «شرح قصیده عینیه حمیریه» یعنی سید اسمعیل حمیری نوشته که همین صحیح است و در این موضع «ذریعه» اشتباه چاپ-

ص: ۲۱۹۴

صفحه اول نسخه «حدایق العارفین» کتابخانه روضاتی مزین بدستخط مرحوم مؤلف

ص: ۲۱۹۵

و پس از مدت شصت و یک سال قمری و هفده روز عمر، در شب چهارشنبه سلخ ماه جمادی الاولی سنه ۱۳۳۹ هزار و سیصد و سی و نه- مطابق دلوماه برجی- در برلین وفات کرده و در قبرستان مسلمانان آنجا دفن شد[۱۸۳].

---

[۱۸۳] (۱) مؤلف« داستان دوستان» در احوال صاحب عنوان بتقریبی گوید که وی در(۱۳۲۴) از سوی طبقه علما بنمایندگی مجلس شورا انتخاب و بتهران رفت و در مدت نمایندگی خدمات شایانی از او بظهور پیوست. انتهی، و مؤلف« ریحانه» افزوده است که در(۱۳۲۶) که مجلس بتوپ بسته شد خانه وی نیز بغارت رفت و اخیرا بعضویت دیوان تمیز معین گردید تا در سال هزار و سیصد و سی و ششم هجرت برای معالجه باروپا رفت، انتهی،-- لکن مرحوم صفوت گوید که وی در(۱۳۳۴) برای معالجه باروپا سفر کرد و بحکم ضرورت پنجسالی در اروپا اقامت و پطرگراد، استکهلم، هلند و لندن را سیاحت نمود و سفرنامه‌ئی حاوی فوائد علمی و ادبی و تاریخی نوشت، و اقامتگاه اصلی و منزل خود را در برلن قرار داد و در انجمن ادبی ایرانیان در آنسامان شرکت مینمود، میرزا محمد خان قزوینی در« بیست مقاله» خود گوید:« از فضلاء مبرز این انجمن یکی مرحوم میرزا فضلعلی مجتهد تبریزی وکیل سابق آذربایجان بود که فی الحقیقه در ادبیات عربی او را صاحب ید طولی بل ید بیضا یافتم».

بالجمله از یادگارهای سفر اروپای آن بزرگوار« قصیده لامیة السفر» اوست که چند بیتی از آن با ابیاتی دیگر از منظومات فارسی و عربی آن مرحوم در ریحانه و داستان دوستان مذکور است، از جمله این دو بیت:

\s\i خواهی که اگر ببینی آیینه ذات\z بنگر ز علی ظهور اسماء صفات\z اندیشه عقل کی بکنهش برسد\z هیهات از این خام خیالی هیهات\z\E\E و صورت لوح قبر صاحب عنوان هم در داستان نقل شده و از اولاد و اعقاب آن مرحوم مطلبی ننوشته است. م.

- شده و در (ج ۱۴ ص ۱۱) صریحا آنرا «شرح قصیدة الحمیری العینیة» عنوان کرده‌اند و نسخه اصل آن هم در نزد مؤلف «علماء معاصرین» موجود بوده، و خود صاحب ترجمه رساله‌ئی نیز در احوال وی بنام «النفح العنبری فی احوال السید الحمیری» نوشته، چنانکه در همان داستان و ریحانه با چند تألیف دیگر از او آورده‌اند که اینک ذکر می‌کنیم: «مصباح الهدی» در حقیقت تقیه و بدا، «رساله در استصحاب»، «کلید دانش» در علم صرف، «رساله در أمر آمر با علم بانتفاء شرط»، «رساله در اینکه امر اقتضاء اجزا مینماید»، «ریاض الازهار» که کشکولی است در دو یا سه جلد، «رساله در أحکام اراضی خراجیه»، «فوائد علویه» در علم صرف، «رساله در احکام و با و تجربیاتی در آن»، «رساله در منجزات مریض»، «سفرنامه اروپا» که در داستان گوید با جلد اول «حدائق العارفین» در تبریز چاپ شده، لکن نسخه حدائق ما فاقد آنست.

و جلد اول «حدائق العارفین» شامل تمام کتاب عقل و جهل در قریب ۷۷۰۰ بیت کتابت بسال ۱۳۲۴ ق بخط نسخ احمد الموسوی باندازه ربع (خشتی) در چاپخانه سنگی آقا علی- اصغر تبریزی طی ۲۷۳ صفحه بانضمام ۱۶ صفحه دیباچه و فهرست بطبع رسیده و چون آنطور که شایسته یک چنین کتاب مهمی بوده بطبع آن قیام و اقدام نشده است لذا این مجلد چاپ- شده هم متروک و مهجور و قدر آن بکلی مجهول مانده و اهتمامی در طبع بقیه آن نیز نگردیده و اکنون شایسته است که علماء اعلام و فضلاء عظام حوزه مقدسه علمیه قم (کان اللّه لهم و کبت أعدائهم) باحیاء تمامی این کتاب جلیل و پرفایده همت فرمایند و اللّه الموفق. م.

(۱) مؤلف «داستان دوستان» در احوال صاحب عنوان بتقریبی گوید که وی در (۱۳۲۴) از سوی طبقه علما بنمایندگی مجلس شورا انتخاب و بتهران رفت و در مدت نمایندگی خدمات شایانی از او بظهور پیوست. انتهی، و مؤلف «ریحانه» افزوده است که در (۱۳۲۶) که مجلس بتوپ بسته شد خانه وی نیز بغارت رفت و اخیرا بعضویت دیوان تمیز معین گردید تا در سال هزار و سیصد و سی و ششم هجرت برای معالجه باروپا رفت، انتهی،-

و فرزندش مرحوم منتخب الدوله مولوی در سال (۱۳۲۵) شمسی وفات کرده، چنانکه در «مؤلفین کتب چاپی ۴: ۸۴۸» نوشته.

و نواده‌اش میرزا محمد علی مولوی از فضلا و ادبا در عصر حاضر است.

- لکن مرحوم صفوت گوید که وی در (۱۳۳۴) برای معالجه باروپا سفر کرد و بحکم ضرورت پنجسالی در اروپا اقامت و پطرگراد، استکهلم، هلند و لندن را سیاحت نمود و سفرنامه‌ئی حاوی فوائد علمی و ادبی و تاریخی نوشت، و اقامتگاه اصلی و منزل خود را در برلن قرار داد و در انجمن ادبی ایرانیان در آنسامان شرکت مینمود، میرزا محمد خان قزوینی در «بیست مقاله» خود گوید: «از فضلاء مبرز این انجمن یکی مرحوم میرزا فضلعلی مجتهد تبریزی وکیل سابق آذربایجان بود که فی الحقیقه در ادبیات عربی او را صاحب ید طولی بل ید بیضا یافتم».

بالجمله از یادگارهای سفر اروپای آن بزرگوار «قصیده لامیة السفر» اوست که چند بیتی از آن با ابیاتی دیگر از منظومات فارسی و عربی آن مرحوم در ریحانه و داستان دوستان مذکور است، از جمله این دو بیت:

خواهی که اگر ببینی آیینه ذات — بنگر ز علی ظهور اسماء صفات

اندیشه عقل کی بکنهش برسد — هیهات از این خام خیالی هیهات

و صورت لوح قبر صاحب عنوان هم در داستان نقل شده و از اولاد و اعقاب آن مرحوم مطلبی ننوشته است. م.

ص: ۲۱۹۷

❊ (وفات عبد الباقی افندی عمری)❊

شب سلخ ج ۱. شرح احوال او در (۱۲۰۴ ج ۲ ش ۹۵) گذشت.

❊ (وفات شیخ محمد بیرم رابع تونسی)❊

ج ۱. شرح احوال او در (۱۲۲۰ ج ۳ ش ۲۷۱) گذشت.

❊ (۱۳۷۵- وفات مرحوم آقا محمد مهدی کرباسی، اعلی اللّه مقامه)❊

وی فرزند مرحوم حاجی محمد ابراهیم کرباسی است که در (۱۲۶۱ ج ۵ ش ۹۸۱) گذشت.

مرحوم آقا محمد مهدی از عظماء علما و فقهاء محققین اصفهان بوده و پس از وفات پدر ریاستی معتد بها بهم رسانید، و در ساده لوحی و برخی از صفات دیگر مانند پدر مشهور شده، و کتب چندی تألیف کرده از آن جمله: کتاب «معراج الشریعه» در شرح کتاب «منهاج الهدایه» پدرش در فقه، در چند جلد که جلد دویم آن که انجام تألیفش عشر ثانی شوال سنه ۱۲۶۲ بوده و بخط خودش در نزد آقای سید محمد علی روضاتی بنظر رسید[۱۸۴].

---

[۱۸۴] (۱) از کتاب« معراج الشریعه فی شرح منهاج الهدایه» مجلد اول در طهارت و دوم در شرح مقصد ۱ و ۲ صلوة هر دو نسخه اصل خط شارح، و مجلد سوم بقیه صلوة و چهارم در زکوة تا اعتکاف بخط عالم جلیل حاج میرزا بدیع بن سید مصطفی موسوی اصفهانی درب-- امامی در نزد راقم این سطور موجود است و تاریخ فراغ شارح از جلد سوم ۲۴ ذی الحجه ۱۲۶۴ و خاتمه استنساخ جلد چهارم ۸ ج ۲/ ۱۲۷۳ بوده. از صاحب عنوان تألیفات دیگری نیز در دست داریم از جمله کتاب« نور العیون للمتقین» بعربی در فقه است بدون استدلال و نسخه اصل آن از طهارت تا آغاز مسائل عمره مفرده می‌باشد. دیگر« رسالة فی احکام القرعه» که نسبة مبسوط و در مدت دو هفته تمام از ماه محرم الحرام ۱۲۳۱ تألیف کرده و نسخه آن نیز بخط مؤلف است. و دیگر رساله‌ئی است بعنوان« اقتضاء الامر بالشیء و النهی عن الضد» که هنگامیکه این مسئله را نزد والد ماجدش میخوانده بدستور همو تألیف کرده و در خاتمه گوید که مطلب را در اینجا باختصار برگذار نمودیم و هر که طالب تفصیل باشد بکتاب« مصابیح الاصول» ما رجوع نماید و سپس تاریخ تألیف را در دهه سوم صفر ۱۲۳۴ ذکر کرده.- و دیگر نسخه

(۱) از کتاب «معراج الشریعه فی شرح منهاج الهدایه» مجلد اول در طهارت و دوم در شرح مقصد ۱ و ۲ صلوة هر دو نسخه اصل خط شارح، و مجلد سوم بقیه صلوة و چهارم در زکوة تا اعتکاف بخط عالم جلیل حاج میرزا بدیع بن سید مصطفی موسوی اصفهانی درب-

ص: ۲۱۹۸

صفحه اول نسخه اصل «نور العیون للمتقین» بخط مؤلف

- امامی در نزد راقم این سطور موجود است و تاریخ فراغ شارح از جلد سوم ۲۴ ذی الحجه ۱۲۶۴ و خاتمه استنساخ جلد چهارم ۸ ج ۲/ ۱۲۷۳ بوده. از صاحب عنوان تألیفات دیگری نیز در دست داریم از جمله کتاب «نور العیون للمتقین» بعربی در فقه است بدون استدلال و نسخه اصل آن از طهارت تا آغاز مسائل عمره مفرده می‌باشد. دیگر «رسالة فی احکام القرعه» که نسبة مبسوط و در مدت دو هفته تمام از ماه محرم الحرام ۱۲۳۱ تألیف کرده و نسخه آن نیز بخط مؤلف است. و دیگر رساله‌ئی است بعنوان «اقتضاء الامر بالشیء و النهی عن الضد» که هنگامیکه این مسئله را نزد والد ماجدش میخوانده بدستور همو تألیف کرده و در خاتمه گوید که مطلب را در اینجا باختصار برگذار نمودیم و هر که طالب تفصیل باشد بکتاب «مصابیح الاصول» ما رجوع نماید و سپس تاریخ تألیف را در دهه سوم صفر ۱۲۳۴ ذکر کرده.

ص: ۲۱۹۹

و روایت می‌کند از آقا محمد مهدی مرقوم مرحوم سید محمد رضاء کلهری کاشانی.

و او دختر مرحوم حاجی سید محمد باقر حجة الاسلام را بزوجیت اختیار و از وی فرزندانی داشته که تاریخ تولد سه نفر از آنها بخط خودش در پشت ورق اول جلد دویم «معراج الشریعه» بنظر رسید بدین نحو:

اول حاجی میرزا عبد الجواد: یک ساعت مانده بصبح در شب شنبه دوازدهم ماه شوال المکرم سنه ۱۲۵۴، چنان‌که در آن سال (ج ۵ ش ۸۴۰) گذشت. دویم مرحوم میرزا احمد:

نیم ساعت متجاوز گذشته از روز پنج‌شنبه دویم ماه ذی القعده الحرام سنه ۱۲۵۸. سیم میرزا محمد حسین: اول طلوع آفتاب روز سه‌شنبه پنجم ماه جمادی الاخری سنه ۱۲۶۷. و دیگر:

اصل همین کتاب« مصابیح الوصول الی علم الاصول» مباحث مختص به تخصیص که تاریخ تألیف در آن ذکر نشده. و بالجمله شرح مختصات آثار صاحب عنوان در مجلدات چاپ نشده« فهرست کتب خطی کتابخانهای اصفهان» نگارنده مذکور است. ضمنا حکیم قاآنی را در مدح صاحب ترجمه قصیده غرائی است متضمن ۴۸ بیت که در دیوان او(چاپ حروفی تهران. ص ۷۶۲- ۷۶۴) موجود و در« تکمله نجوم السماء ۱: ۳۲۴- ۳۲۶» نیز با تحریفات فراوان نقل شده است. م.

حاجی میرزا ابو القاسم که در «المآثر» نوشته و در (۱۳۰۸) بیاید.

- و دیگر نسخه اصل همین کتاب «مصابیح الوصول الی علم الاصول» مباحث مختص به تخصیص که تاریخ تألیف در آن ذکر نشده. و بالجمله شرح مختصات آثار صاحب عنوان در مجلدات چاپ نشده «فهرست کتب خطی کتابخانهای اصفهان» نگارنده مذکور است. ضمنا حکیم قاآنی را در مدح صاحب ترجمه قصیده غرائی است متضمن ۴۸ بیت که در دیوان او (چاپ حروفی تهران. ص ۷۶۲- ۷۶۴) موجود و در «تکمله نجوم السماء ۱: ۳۲۴- ۳۲۶» نیز با تحریفات فراوان نقل شده است. م.

ص: ۲۲۰۰

❊ (۱۳۷۶- تولد ژرژ زیدان بیروتی)❊

ژرژ «جرجی» زیدان فرزند زیدان یوسف مطر، و خود از اجله مورخین و اعاظم فضلا و محققین این عصر بود، و او در یازدهم ماه جمادی الاخرای این سال- مطابق (...) قوس ماه برجی- در بیروت متولد شده، و پس از تحصیل علوم تبحر و تخصصی عجیب در تحقیقات تاریخی و ابتکار درآوردن تاریخ بصورت افسانه بهم رسانید، و کتب بسیاری در این مقوله تألیف کرد که اشهر و اعظم همه کتاب «تاریخ تمدن اسلامی» در چهار جلد است که بچندین زبان ترجمه شده و حاوی تحقیقات عمیقه و اطلاعات عجیبه است[۱۸۵]. و دیگر «مجله الهلال» برای بیست و دو سال در بیست و دو جلد که بعد از وفاتش فرزندانش بدان مشغول شدند، و چندین کتاب در تاریخ بطور افسانه که نهایت مشهور و متداول و بزبانهای دیگر ترجمه شده.

و آخر در شب چهارشنبه بیست و هشتم ماه شعبان المعظم سنه ۱۳۳۲ هزار و سیصد و سی و دو، چنانکه در «جریده چهره‌نما» نوشته- مطابق ۳۱ سرطان ماه برجی- پس از مدت پنجاه و چهار سال و دو ماه قمری و هفده روز عمر، وفات کرد. و دو فرزندش امیل بیک زیدان و شکری زیدان پس از وی در قاهره بسرپرستی «مجله الهلال» اشتغال ورزیدند.

---

(۱) عالیترین چاپ «تاریخ التمدن الاسلامی» را «دار الهلال» در بیست سال قبل با مقدمه و تعلیقات مفید دکتر حسین مونس استاد تاریخ اسلامی کلیه آداب جامعه قاهره در چهار جلد منتشر کرده است، و شرح حال کامل جرجی زیدان در همان کتاب و کتب تراجم فراوان مصری و غیرها مندرج میباشد. م.

ص: ۲۲۰۱

❊ (۱۳۷۷- تولد کلیم شاعر هندی)❊

---

[۱۸۵] (۱) عالیترین چاپ« تاریخ التمدن الاسلامی» را« دار الهلال» در بیست سال قبل با مقدمه و تعلیقات مفید دکتر حسین مونس استاد تاریخ اسلامی کلیه آداب جامعه قاهره در چهار جلد منتشر کرده است، و شرح حال کامل جرجی زیدان در همان کتاب و کتب تراجم فراوان مصری و غیرها مندرج میباشد. م.

وی نامش نظیر حسن و برادر بزرگ سید نور الحسن بهادر، و خود مردی شاعر است که در بیست و یکم ماه رجب الفرد این سال، چنان‌که در «الذریعه ۹: ۹۱۶ ش ۶۰۵۶» نوشته- مطابق (جدی- دلو) ماه برجی- متولد شده، و در شعر بر ظهوری و نظیر شاگردی کرده و از نخست نور و سپس کلیم تخلص فرموده.

و وی غیر از کلیم کاشانی است که نامش ابو طالب همدانی و در ۱۵ ذی الحجه سنه ۱۰۶۱ وفات نموده. چنانکه چند نفر دیگر هم نور تخلص می‌نموده‌اند و در همین سال ذکر شد[۱۸۶].

---

(۱) در سال قبل (۱۲۷۷ ش ۱۳۷۳ ص ۱۲۹۱) ذکر شد نه در این سال. و مخفی نماند که بموجب غلطنامه جلد نهم الذریعه که در این اوقات ضمیمه مقدمه آن جلد طبع و منتشر گردیده در این موضع ذریعه اشتباهی واقع شده و حق مطلب اینست که کلیم صاحب عنوان نامش سید نور الحسن بن محمد صدیق حسن خان و نام تاریخی او «نظیر» و خود مؤلف تذکره «نگارستان سخن» می‌باشد و در همان «ذریعه: ۱۲۳۱ ش ۶۹۸۹» نیز دوباره ذکر شده و مآخذ شرح حالش را «شمع انجمن» صدیق حسن خان پدرش و «صبح گلشن» محمد علی حسن خان برادرش و «روز روشن» محمد مظفر حسین گوپاموی و بالاخره «نگارستان سخن» خود وی نشان داده‌اند، اما اولا اینکه در غلطنامه ذریعه نام تاریخی او را «نظیر» قید کرده اشتباه و صحیح آن «نظیر حسن» است چنانکه دکتر سید علیرضا نقوی در کتاب «تذکره‌نویسی فارسی در هند و پاکستان: ۶۰۲» نوشته، و ثانیا اینکه خاندان صاحب عنوان تماما از اهل سنت متعصب هند بوده‌اند و جای ذکرشان در ذریعه نیست، و برای اطلاع از احوال و آثار افراد علمی آنان بهمین کتاب اخیر الذکر و جلد هشتم «نزهة الخواطر و بهجة المسامع و النواظر» عبد الحی لکهنوی مراجعه شود، و مخصوصا صاحب عنوان را با این عبد الحی محبت و دوستی زائد بوده و شرح حالش را در (ص ۵۰۴ تا ۵۰۷) آورده و از او تجلیل فراوان کرده و تألیفاتش را-

---

[۱۸۶] (۱) در سال قبل(۱۲۷۷ ش ۱۳۷۳ ص ۱۲۹۱) ذکر شد نه در این سال. و مخفی نماند که بموجب غلطنامه جلد نهم الذریعه که در این اوقات ضمیمه مقدمه آن جلد طبع و منتشر گردیده در این موضع ذریعه اشتباهی واقع شده و حق مطلب اینست که کلیم صاحب عنوان نامش سید نور الحسن بن محمد صدیق حسن خان و نام تاریخی او« نظیر» و خود مؤلف تذکره« نگارستان سخن» می‌باشد و در همان« ذریعه: ۱۲۳۱ ش ۶۹۸۹» نیز دوباره ذکر شده و مآخذ شرح حالش را« شمع انجمن» صدیق حسن خان پدرش و« صبح گلشن» محمد علی حسن خان برادرش و« روز روشن» محمد مظفر حسین گوپاموی و بالاخره« نگارستان سخن» خود وی نشان داده‌اند، اما اولا اینکه در غلطنامه ذریعه نام تاریخی او را« نظیر» قید کرده اشتباه و صحیح آن« نظیر حسن» است چنانکه دکتر سید علیرضا نقوی در کتاب« تذکره‌نویسی فارسی در هند و پاکستان: ۶۰۲» نوشته، و ثانیا اینکه خاندان صاحب عنوان تماما از اهل سنت متعصب هند بوده‌اند و جای ذکرشان در ذریعه نیست، و برای اطلاع از احوال و آثار افراد علمی آنان بهمین کتاب اخیر الذکر و جلد هشتم« نزهة الخواطر و بهجة المسامع و النواظر» عبد الحی لکهنوی مراجعه شود، و مخصوصا صاحب عنوان را با این عبد الحی محبت و دوستی زائد بوده و شرح حالش را در(ص ۵۰۴ تا ۵۰۷) آورده و از او تجلیل فراوان کرده و تألیفاتش را-- برشمرده است، لکن گوید که« نگارستان سخن» و چندین کتاب دیگر که نامشان را آورده از تألیفات وی نیستند و آنها را علماء دیگر بدستور صدیق حسن پدرش تألیف کرده و باو نسبت داده‌اند، و بالاخره وفات صاحب ترجمه را در شهر لکهنو در هشتم محرم سنه ۱۳۳۶ هزار و سیصد و سی و شش قید کرده است. این نکته را نیز ناگفته نگذاریم که سید نقوی در کتاب سابق الذکر خود راجع بسید نور الحسن خان گوید:« وی بفارسی و اردو هر دو شعر می‌سرود و در فارسی طیب و نور، و در اردو کلیم تخلص داشت» انتهی. م.

❊ (۱۳۷۸– تولد ادوارد براون خاورشناس انگلیسی)❊

وی فرزند بنجامین از اهل نیوکاسل انگلستان و خود از اجله و اعاظم مستشرقین زمان مخصوصا در ادبیات و زبان پارسی است.

ادوارد براون در هفتم ماه شعبان المعظم این سال– مطابق (...) دلو ماه برجی– در شهر نیوکاسل متولد شده و پس از تحصیل علوم و تبحر غریب در خاورشناسی نه تخصص تنها در ادبیات فارسی بهم رسانید، بلکه عشق و علاقه غریبی باین زبان و اهالی ایران و علاوه بدین اسلام و «قرآن مجید» پیدا کرد و همواره از حقوق ایران و ایرانی دفاع می‌نمود، و با علماء شیعه در نجف مکاتبات داشت، اگرچه روی اصل سیاسی و تمایل مصلحتی هم بود که دولت انگلیس در آن سنوات که مقارن با ایجاد مشروطه بود بایران ابراز می‌نمود[۱۸۷].

– برشمرده است، لکن گوید که «نگارستان سخن» و چندین کتاب دیگر که نامشان را آورده از تألیفات وی نیستند و آنها را علماء دیگر بدستور صدیق حسن پدرش تألیف کرده و باو نسبت داده‌اند، و بالاخره وفات صاحب ترجمه را در شهر لکهنو در هشتم محرم سنه ۱۳۳۶ هزار و سیصد و سی و شش قید کرده است. این نکته را نیز ناگفته نگذاریم که سید نقوی در کتاب سابق الذکر خود راجع بسید نور الحسن خان گوید: «وی بفارسی و اردو هر دو شعر می‌سرود و در فارسی طیب و نور، و در اردو کلیم تخلص داشت» انتهی. م.

(۱) نظر باینکه ادوارد براون یکی از سرشناسترین خاورشناسان و تفصیل شرح حال او در کتابهای فراوانی که در دسترس همگان می‌باشد مخصوصا در آثار میرزا محمد خان قزوینی و مقدمه کتابهایش موجود است لذا از بحث در این باره صرف‌نظر نموده و تنها بمطلبی که شیخ طنطاوی جوهری مصری (۱۲۸۷– ۱۳۵۸) در کتاب تفسیر معروف خود «الجواهر ۵: ۲۰۲»

---

[۱۸۷] (۱) نظر باینکه ادوارد براون یکی از سرشناسترین خاورشناسان و تفصیل شرح حال او در کتابهای فراوانی که در دسترس همگان می‌باشد مخصوصا در آثار میرزا محمد خان قزوینی و مقدمه کتابهایش موجود است لذا از بحث در این باره صرف‌نظر نموده و تنها بمطلبی که شیخ طنطاوی جوهری مصری(۱۲۸۷– ۱۳۵۸) در کتاب تفسیر معروف خود« الجواهر ۵: ۲۰۲» راجع باین شخص نوشته است اکتفا می‌کنیم و این مطلب تاکنون در کتب و مقالات فارسی نیامده و یا بنظر اینجانب نرسیده است. طنطاوی ضمن بحث مفصل و شایان توجهی-- که طی چندین صفحه پیرامون علوم اسلامی و ترقیات مسلمین و سپس توجه مردم اروپا و مستشرقین بذخائر اسلامی و غارت آنها از دست مسلمانان نموده، شرح ملاقات و مذاکره خود را با ادوارد برون در مصر« بین سالهای ۱۹۰۰– ۱۹۱۰ م» بیان کرده و گوید: وی بخوبی زبانهای عربی و ترکی و فارسی و لغات دیگر را میدانست و در آندیدار پیرامون امور اسلام با من صحبت داشت و گفت: دولت انگلستان مرا مأمور کرد تا در این موضوع تحقیق کنم که آیا ائتلاف شیعه و سنی امکان‌پذیر است یا نه؟ و من برای انجام این مأموریت بترکیه رفتم و مدتی در میان مردم آنسرزمین بسر بردم و سپس بایران رفتم و با ایرانیان معاشرت کردم، و در این بین چیزهای دهشت انگیزی دیدم ...

سپس براون تا توانسته افتراءات و اکاذیب جعل و از ایرانیان مسلمان با الفاظ زننده و زشت بدگوئی و مذمت نموده و آنها را در انظار علماء اهل سنت خوار و خفیف کرده و ضمنا باقتضای مأموریت خود این سهم مهلک(عدم امکان اتحاد) را بر ضد بزرگانی از فریقین که در آن زمان در ایجاد هماهنگی و همگامی همه مسلمانان جهان زحمت می‌کشیدند؛ در مغزهای زعمای اهل سنت تزریق می‌نموده است تا اولیاء دولت امپراطوری بمقاصد استعماری خود آسان‌تر دست یابند!

این بود نمونه‌ئی از فعالیت سری این مستشرق بزرگ و نامدار جهان. تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل، هر کس طالب تفصیل باشد باصل تفسیر طنطاوی مراجعه فرماید و اللّه من وراء القصد. م.

راجع باین شخص نوشته است اکتفا می‌کنیم و این مطلب تاکنون در کتب و مقالات فارسی نیامده و یا بنظر اینجانب نرسیده است. طنطاوی ضمن بحث مفصل و شایان توجهی-

ص: ۲۲۰۳

و بهرحال، براون تألیفات چندی دارد که اشهر همه «تاریخ ادبیات ایران» است در چهار جلد بانگلیسی که برخی از آنها بپارسی ترجمه شده. و پس از مدت شصت و پنج سال و ده ماه قمری و سیزده روز عمر، در سه‌شنبه بیستم ماه جمادی الاخری سنه ۱۳۴۴ هزار و سیصد و چهل و چهار- مطابق ۱۵ دی‌ماه باستانی- وفات کرد و در قبرستان السویک نیوکاسل دفن شد، و اینک قبر او آنجا در مقبره‌ئی مخصوص معروف است. و پس از خود دو پسر که یکی در آن وقت هیجده ساله و دیگری صغیر بودند و مادری ۸۷ ساله بجا نهاد.

- که طی چندین صفحه پیرامون علوم اسلامی و ترقیات مسلمین و سپس توجه مردم اروپا و مستشرقین بذخائر اسلامی و غارت آنها از دست مسلمانان نموده، شرح ملاقات و مذاکره خود را با ادوارد برون در مصر «بین سالهای ۱۹۰۰- ۱۹۱۰ م» بیان کرده و گوید: وی بخوبی زبانهای عربی و ترکی و فارسی و لغات دیگر را میدانست و در آندیدار پیرامون امور اسلام با من صحبت داشت و گفت: دولت انگلستان مرا مأمور کرد تا در این موضوع تحقیق کنم که آیا ائتلاف شیعه و سنی امکان‌پذیر است یا نه؟ و من برای انجام این مأموریت بترکیه رفتم و مدتی در میان مردم آنسرزمین بسر بردم و سپس بایران رفتم و با ایرانیان معاشرت کردم، و در این بین چیزهای دهشت انگیزی دیدم ...

سپس براون تا توانسته افتراءات و اکاذیب جعل و از ایرانیان مسلمان با الفاظ زننده و زشت بدگوئی و مذمت نموده و آنها را در انظار علماء اهل سنت خوار و خفیف کرده و ضمنا باقتضای مأموریت خود این سهم مهلک (عدم امکان اتحاد) را بر ضد بزرگانی از فریقین که در آن زمان در ایجاد هماهنگی و همگامی همه مسلمانان جهان زحمت می‌کشیدند؛ در مغزهای زعمای اهل سنت تزریق می‌نموده است تا اولیاء دولت امپراطوری بمقاصد استعماری خود آسان‌تر دست یابند!

این بود نمونه‌ئی از فعالیت سری این مستشرق بزرگ و نامدار جهان. تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل، هر کس طالب تفصیل باشد باصل تفسیر طنطاوی مراجعه فرماید و اللّه من وراء القصد. م.

ص: ۲۲۰۴

❊ (۱۳۷۹- وفات مرحوم حاجی میرزا حسن مشهدی، ره)❊

وی فرزند حاجی میرزا معصوم رضوی است (۱۲۵۵ ج ۵ ش ۸۴۸).

مرحوم حاجی میرزا حسن از علماء بزرگ مشهد بوده، نخست چندی در نزد برادر خود حاجی سید محمد قصیر (۱۲۵۵ ج ۵ ش ۸۴۸) درس خواند، آن‌گاه باصفهان رفت و مدتی از محضر درس شیخ محمد تقی ایوان‌کیی (۱۲۴۸ ج ۴ ش ۷۲۴)

استفاده کرده و سپس بکربلا رفت و دو سال در نزد آقا سید محمد کربلائی (۱۲۴۲ ج ۴ ش ۶۱۱) درس خواند، پس بمشهد برگشت و بعد از وفات برادر مرجع امور عامه و ریاست تامه گردید، و چندین نفر از فیض تدریس او بهره‌ور شدند از آن جمله: حاجی میرزا نصر اللّه مشهدی (۱۲۹۸) و فاضل بسطامی (۱۳۰۹). و آخر در ماه شعبان المعظم این سال- مطابق (دلو- حوت) ماه برجی- وفات کرد و در مشهد در مسجد پشت سر حرم مطهر دفن شد.

سنه ۱۲۴۱ شمسی

آدینه بیستم ماه رمضان المبارک اول حمل ماه برجی

❊ (۱۳۸۰- تولد مرحوم ذو الفنون عراقی تهرانی)❊

وی مرحوم میرزا حبیب اللّه بن محمد جعفر و اصلا از اولاد دیالمه و از مردم شهر سلطان-

ص: ۲۲۰۵

آباد ناحیه عراق عجم (که در ۱۲۴۷ ج ۴ ش ۷۱۴ گذشت) بود. و همانا محمد جعفر پدر وی در سنه ۱۲۹۲ وفات کرده، و خود او از اجله فضلاء عصر و اعاظم اهل علم و ادب در این زمان بود. شرح احوالش در کتاب «کرج‌نامه: ۲۸۶» و «روزنامه اطلاعات. ش ۶۵۲۷ صادره در ۱۴ صفر ۱۳۶۷» نوشته، و حاصل آن با برخی از تصرفات دیگر این میشود که:

وی در چهارشنبه بیست و یکم ماه ذی القعدة الحرام این سال- مطابق (...) ثورماه برجی- در سلطان آباد متولد شده، و در «کرج‌نامه» در ۱۲۸۱ نوشته. و بهرحال، وی پس از رسیدن بسن بلوغ عشقی مفرط بعلوم فلکی بهم رسانید و در نزد استادی که نام آنرا بتوان برد درس نخوانده، بلکه در اثر توجه و پشت‌کار و هوش خداداد در این فن بجائی رسید که بدون وسائل جدیده علمی و دست‌رسی برصدخانه‌های مجهز دنیا اکتشافاتی در حرکات قمر نمود، و در سیر و تحقیق این عوالم هم دست‌رسی بعلوم ریاضیه عالیه دیگر پیدا کرد و بخصوص هندسیات عالی و بسیاری از علوم عقلی دیگر. و با این وصف در أخبار و تفسیر آیات آیتی غریب بود، و در تاریخ و سیر و رجال قدرتی تمام داشت. و این فقیر در ماه محرم ۱۳۵۲ در تهران کرارا خدمت او رسیدم و آن وقت مدرس علوم عقلیه در مدرسه سپهسالار بود، و چندین کتاب تألیف کرده:

اول «تقاویم سنوات عدیده» که هر ساله در «سالنامه پارس» نوشته میشود تا سنه ۱۳۸۴.

دویم «کتابی در زیج» از روی أرصاد جدیده[۱۸۸].

---

[۱۸۸] (۱) از مرحوم ذو الفنون گاه مقالاتی نیز در زمینه علوم فلکی و ریاضی در« سالنامه پارس» که از حدود ۱۳۰۷ ش ببعد مرتبا منتشر میشد بطبع میرسید، از جمله اقتراح مصور سیزده صفحه‌ئی که با عنوان« تناسب مکعبات بهندسه مقدماتی، یکی از مکاشفات آقای ذو الفنون در علوم ریاضی» در سالنامه(۱۳۱۷ ش ۱۳۵۷ ق) چاپ شده و تصویر آتی نیز از ص ۱۴ همانسالنامه می‌باشد. و مخفی نماند که شرح حال جامعی از مرحوم ذو الفنون بنقل شفاهی از خودش در« نقباء البشر: ۳۵۵» مذکور است، طالبان خود مراجعه فرمایند. م.

و آخر در عصر روز پنج‌شنبه دوازدهم ماه جاری صفر الخیر سنه ۱۳۶۷ هزار و سیصد

---

(۱) از مرحوم ذو الفنون گاه مقالاتی نیز در زمینه علوم فلکی و ریاضی در «سالنامه پارس» که از حدود ۱۳۰۷ ش ببعد مرتبا منتشر میشد بطبع میرسید، از جمله اقتراح مصور سیزده صفحه‌ئی که با عنوان «تناسب مکعبات بهندسه مقدماتی، یکی از مکاشفات آقای ذو الفنون در علوم ریاضی» در سالنامه (۱۳۱۷ ش ۱۳۵۷ ق) چاپ شده و تصویر آتی نیز از ص ۱۴ همانسالنامه می‌باشد. و مخفی نماند که شرح حال جامعی از مرحوم ذو الفنون بنقل شفاهی از خودش در «نقباء البشر: ۳۵۵» مذکور است، طالبان خود مراجعه فرمایند. م.

ص: ۲۲۰۶

و شصت و هفت- مطابق ۳ دی‌ماه باستانی- در تهران وفات کرد، پس از مدت هشتاد و هشت سال و دو ماه قمری و بیست و یک روز عمر، و دو ساعت پیش از ظهر جمعه نعشش را از آنجا برای دفن حمل بقم نمودند.

❊ (۱۳۸۱- وفات ملا محمد اسمعیل کجوری مازندرانی)❊

ملا محمد اسمعیل فرزند عبد العظیم بن محمد باقر و خود ملقب بفخر الدین و از عظماء علما بوده، و بطوری‌که فرزندش حاج ملا محمد باقر در «جنة النعیم: ۵۲۰» نوشته اصلا از اهل کجور مازندران بوده و پس از بلوغ بسن رشد و تمیز از آنجا بطهران آمده و در محله ارگ سلطانی منزل نمود و در مدرسه آن محله مشهور بمدرسه مهد علیا در نزد مرحوم حاجی ملا محمد-

ص: ۲۲۰۷

تقی دامغانی مقدمات نحو و صرف و غیره را درس خواند، و هم در نزد علماء دیگر علوم فقه و اصول و رجال را یاد گرفت، و پس از چندی بعتبات رفته و در نزد شیخ محمد حسن نجفی و شیخ انصاری تحصیل فقه و اصول نمود و بعد از آن بطهران بازگشت و مرجع احکام شرعیه آن شهر گردید.

تا آخر در نزدیکی ظهر روز یک‌شنبه ۳۰ سلخ ماه ذی القعدة الحرام این سال، چنان‌که در (ص ۵۲۱) نوشته- مطابق (...) جوزا ماه برجی- وفات کرده و در تهران در ایوان شمالی سر قبر آقا دفن شد. و فرزندانش حاج ملا محمد باقر در (۱۲۵۵ ج ۵ ش ۸۴۹) و شیخ محمد جعفر در (۱۲۹۵) و حاج شیخ محمد سلطان در (۱۳۵۳) گذشته و بیایند. و روز وفات او یک- شنبه سلخ ذی القعده منافات دارد با این که ما آنفا نوشتیم آدینه بیستم ماه رمضان بوده، چه رمضان و شوال هر دو را تمام یا ناقص و چه یکی را تمام و یکی را ناقص بگیریم، و غره ذی الحجه آن سال نیز جمعه بوده، و آن با بیستم ماه رمضان آدینه بودن منقول از تقویم آن سال است گرچه خود آنرا ندیده‌ایم، لکن درست میشود که ماه رمضان و شوال تمام و ذی- القعده

غره‌اش ۵ شنبه و ناقص و غره ذی الحجه جمعه باشد. و سلخ ذی القعده یک‌شنبه بودن را خود در «جنة النعیم» چنان‌که نوشتیم دیده‌ایم و فعلا نیز حاضر و در نظر است.

و بهرحال این تطبیق روز هفته و ماه اشتباه است.

❊ (۱۳۸۲- تولد جناب حاجی شیخ علی اکبر نهاوندی)❊❊ (سلمه اللّه تعالی)❊

وی فرزند ملا محمد حسین و خود از اجله علماء عصر و در علم احادیث و أخبار و سیر و تاریخ و فقه و اصول و سایر علوم شرعیه و برخی از عقلیه از افاضل و أکامل بشمار می‌آید، و نخستین کسی است برحسب تاریخ تولد که احوالش در این کتاب نوشته شده و تا حین

ص: ۲۲۰۸

تحریر زنده است.

شرح احوالش در «نقباء البشر: ۱۵۹۹ ش ۲۱۳۴» نوشته، بخلاصه اینکه او در این سال متولد شده- و اینکه در «الذریعه ۱۵: ۸۴ ش ۵۵۱» در ۱۲۹۹ فرموده اشتباه است-، و پس از حل وتر حال بشهرهای عدیده ایران و عراق عرب و فراغت از تحصیل علوم و ادب و حضور در مجالس دروس جماعتی از آن جمله حاج شیخ محمد طاها نجف از چندین سال پیش از این در مشهد مبارک خراسان ساکن و تاکنون هم در آن زمین برین توطن دارد و آنجا مرجعیتی شایسته و ریاستی پسندیده بهم رسانیده و نزدیک بسی جلد کتاب در فنون أخبار و اخلاق و مواعظ و متفرقات دیگر تألیف کرده که بسیاری از آنها مطبوع و منتشر گشته، و از آن جمله است: اول کتاب «بنیان رفیع در احوال خواجه ربیع» انجام تألیف آن روز ۴ شنبه ۲۰ شوال ۱۳۴۱.

دویم کتاب «جنتان مدهامتان» در عقاید و اخلاق و عرفان و برخی از فنون متفرقه دیگر در دو جلد.

انجام تألیف جلد اول آن ۵ شنبه عید غدیر سنه ۱۳۴۶. انجام تألیف جلد دویم دوشنبه عید

ص: ۲۲۰۹

اضحی سنه ۱۳۴۷. سیم «رساله‌ئی در نماز مسافر» از تقریرات دروس استاد مذکورش.

مرحوم حاجی شیخ علی اکبر از چندین نفر از علما روایت می‌کند، و هم روایت می‌کنند از او چند نفر از آن جمله میرزا محمد علی اردوبادی.

صاحب عنوان در شنبه نوزدهم ماه ع ۲ سنه ۱۳۶۹- مطابق ۱۸ بهمن‌ماه باستانی- چنان‌که در «الذریعه ۱۲: ش ۸۸۷» فرموده بدون تعیین هفته و شمسی، در مشهد وفات کرد، و اعلان مجلس فاتحه او در طهران در «روزنامه اطلاعات، س ۲۴

ش ۷۱۴۹ صادره در ۲۰ ع ۲» منتشر شده. و زوجه او دختر مرحوم سید مرتضی واعظ یزدی (۱۲۱۲ ج ۲ ش ۱۹۰) و دختر او زوجه شیخ حسین بن محمد صادق خراسانی است که آن محمد صادق در ۹ شوال سنه ۱۳۴۹ در مشهد وفات کرده، و شیخ حسین از اهل علم و ادب این عصر است و شعر هم می‌گوید و «دیوانی در اشعار» دارد، چنانکه در «الذریعه ۹: ش ۱۵۲۰» فرموده.

❊ (۱۳۸۳- تولد حاج ابو تراب شهیدی قزوینی)❊

وی فرزند میرزا ابو القاسم شهیدی است که در (۱۲۶۳ ج ۵ ش ۱۰۳۶ ص ۱۷۱۵) گذشت، و خود از علما و فضلا بوده و بطوری‌که در «مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی ۱: س ۱۲۶» فرموده در این سال متولد شده و چندین سال در نجف درس خوانده و در حدود ۱۳۳۰ بوطن خود قزوین برگشت و از افاضل آن دیار بشمار آمد، و چندین کتاب تألیف کرده: اول «رساله‌ئی در توحید». دویم «تفسیر آیه نور». و آخر در ذی القعده یا ذی الحجه سنه ۱۳۷۵ هزار و سیصد و هفتاد و پنج- مطابق تیرماه باستانی- وفات کرد.

ص: ۲۲۱۰

❊ (۱۳۸۴- وفات شیخ باقر کاظمینی، ره)❊

وی فرزند شیخ هادی و خود بطوری‌که در «الکرام البرره: ۱۹۶ ش ۳۹۸» فرموده عالمی ادیب از افاضل ادباء نجف و أعلام آن در عصر خویش[۱۸۹] بوده، سید جعفر خرسان در «مجموعه» خود مرثیه‌ئی که او برای سید حسن بن علی خرسان (متوفی ۱۲۶۵) سروده آورده و او را عالم ادیب کامل تقی ورع خوانده، و آن مرثیه لامیه خوبی است در حدود ۴۰ بیت. و از منظومات صاحب عنوان ایضا تهنیتی است برای مرحوم صاحب «جواهر الکلام» و هم رثائی برای او و رثاء شیخ محمد بن علی بن شیخ جعفر کاشف الغطا و غیر اینها.

و شیخ محمد سماوی در «الطلیعه» نیز او را ذکر کرده و گوید وی ادیبی فاضل و شاعری بزرگ بود و از شعر اکتساب نمی‌کرد و در (۱۲۷۸) وفات یافت.

❊ (۱۳۸۵- وفات حاج شیخ محمد جواد نراقی، ره)❊

وی فرزند مرحوم حاجی ملا احمد نراقی (اعلی اللّه مقامه) است که در سال (۱۲۴۵ ج ۴ ش ۶۵۳) گذشت.

و خود از علما و فقهاء عصر خویش در کاشان بوده، و همانا در سال ۱۲۲۲ هزار و دویست و بیست و دو- چنانکه در «لباب الالقاب: ۱۰۳» و «الکرام البرره: ۲۷۵» فرموده‌اند- متولد شده، و در نزد پدر بزرگوار و بعضی دیگر از أعلام أبرار درس خوانده تا بدرجه

---

[۱۸۹] (۱) مرحوم علامه معلم بیش از این چند کلمه ننوشته بود بناچار بقیه را از کرام عینا ترجمه نمودیم. م.

(۱) مرحوم علامه معلم بیش از این چند کلمه ننوشته بود بناچار بقیه را از کرام عینا ترجمه نمودیم. م.

ص: ۲۲۱۱

سامیه در علم و عمل نائل گردید و مورد وثوق خاصه و عامه قرار گرفت و بامامت جماعت و امر بمعروف و نهی از منکر اشتغال ورزید و در تقوی و نقاوت و فقاهت و فطانت درجه عالی را احراز کرد، تا پس از مدت پنجاه و شش سال عمر در اینسال رو بعالم آخرت آورد[۱۹۰].

❊ (۱۳۸۶- وفات سید جواد قزوینی، ره)❊

وی فرزند آقا سید حسین قزوینی است که در (ج ۲ سال ۱۲۰۸ ص ۳۳۹ ش ۱۳۳) گذشت، هرچند که آنجا ننوشتیم که او فرزندی بدین نام داشته.

و خود- بطوری‌که در «الکرام: ۲۸۱ ش ۵۵۶» نوشته- از اجلاء و اعاظم علماء قزوین در عصر خود بوده و در اینسال وفات نموده و فرزندان چندی از سه زن بازنهاده که از ده نفر آنها عقب گذاشته: اول دختر نایب الصدر. دویم دختر آقا سید محمد مجاهد.

❊ (۱۳۸۷- تولد میرزا حسن، ساکت اصفهانی)❊

مرحوم میرزا حسن از شعراء اصفهان بود[۱۹۱] و در تصوف و عرفان خود را از سلسله صفی علیشاه می‌نمود، و او در این سال متولد شده و چندین سال بتریاک‌فروشی اشتغال داشت، تا در ماه رجب الفرد سنه ۱۳۵۶ هزار و سیصد و پنجاه و شش- مطابق (شهریور- مهر) ماه باستانی- پس از ابتلاء بمرگ فرزند جوانی بنام میرزا عباس- که زیاده بر یک ماه پیش از وفات وی بدرود جهان نموده بود- وفات کرد.

(۱) این شرح‌حال در نسخه اصل در سال تولد صاحب آن (۱۲۲۲) بوده لکن چون بهنگام تبییض سهوا از قلم مرحوم مؤلف ساقط شده بود لذا در اینجا آورده شد. م.

(۲) رجوع به «تذکرة شعرای معاصر اصفهان: ۲۳۱» تألیف آقای مهدوی شود. م.

[۱۹۰] (۱) این شرح‌حال در نسخه اصل در سال تولد صاحب آن(۱۲۲۲) بوده لکن چون بهنگام تبییض سهوا از قلم مرحوم مؤلف ساقط شده بود لذا در اینجا آورده شد. م.

[۱۹۱] (۲) رجوع به« تذکرة شعرای معاصر اصفهان: ۲۳۱» تألیف آقای مهدوی شود. م.

❊ (۱۳۸۸- تولد شیخ حسن (فدا حسین) لکهنوی)❊

شیخ فدا حسین که نامش سراج الدین حسن بن عیسی قرشی یمانی هندی است[۱۹۲] از جمله علماء عصر بود که در این سال متولد شده و کتب چندی تألیف کرده از آن جمله:

اول کتاب «اکمال المنه» در نقض کتاب «منهاج السنه» که آن از احمد ابن تیمیه حرانی در رد

---

(۱) در کتاب «اعیان الشیعه ۲۳: ۳» چند سطری راجع بصاحب عنوان ذکر شده و گوید وی از علماء هند و شاگرد مفتی میر عباس بوده و اجازه روایتی بتاریخ ۱۳ ماه شعبان ۱۳۱۵ از مرحوم حاج میرزا حسین نوری دارد، سپس نام ۱۲ کتاب از تألیفات او را آورده است. در «الذریعه ۱: ۱۸۱» گوید که وی بتوسط علامه سید ناصر حسین و مرحوم شیخ محمد رضا ابو

---

[۱۹۲] (۱) در کتاب« اعیان الشیعه ۲۳: ۳» چند سطری راجع بصاحب عنوان ذکر شده و گوید وی از علماء هند و شاگرد مفتی میر عباس بوده و اجازه روایتی بتاریخ ۱۳ ماه شعبان ۱۳۱۵ از مرحوم حاج میرزا حسین نوری دارد، سپس نام ۱۲ کتاب از تألیفات او را آورده است. در« الذریعه ۱: ۱۸۱» گوید که وی بتوسط علامه سید ناصر حسین و مرحوم شیخ محمد رضا ابو المجد اصفهانی از حاجی نوری استجازه کرد و نسخه آنرا در کتاب خود« الیم العجاج فی اسانید السراج» درج نموده است. در جلد دوم ذریعه نیز اسامی چندین تألیف دیگر وی را آورده از جمله« الاعتذار عما یعمل من رسوم العزاء فی تلک البلاد و الامصار» و« الاستشعار فیما سنح لی من الفلسفة الالهیة من نوادر الافکار»، و بقیه آثار او در سایر مجلدات ذریعه مذکورست، و در حرف حاء« نقباء البشر» شرح‌حال او را حواله بعنوان« فدا حسین» داده‌اند که مع الاسف هنوز بطبع نرسیده. و مخفی نماند که نام پدر صاحب ترجمه عیش است بعین و یا و شین معجمه نه عیسی، چنانکه از جلد ۱۵« ذریعه: ۲۱۲» معلوم میشود، گوید:

« عبرات العین علی مصاب الحسین، أو مقتل ابن عیش. للشیخ محمد سراج الدین حسن بن عیش التمیمی القریشی الیمانی الکهنوئی المعروف بالشیخ فدا حسین و اسمه التاریخی نظیر حسن لانه ولد ۱۲۷۸» انتهی. لکن در اینجا تحریفات چاپی دیگری واقع شده که التمیمی باید التیمی و القریشی باید القرشی و الکهنوی باید اللکهنوی باشد، و اللّه العاصم. و در مواضع دیگر ذریعه نیز همانند« اعیان الشیعه» نام پدر را بخطا عیسی نوشته‌اند. بالجمله فعلا تنها-- مأخذی که برای شرح‌حال نسبة مبسوط صاحب عنوان در دست داریم« تکمله نجوم السماء ۲: ۲۵۸ تا ۲۶۵» است تألیف میرزا محمد مهدی کشمیری فرزند مؤلف نجوم السماء، که وی را در زمره علماء موجودین در زمان تألیف تکمله آورده و گوید:« محمد سراج الدین حسن بن عبش القرشی التیمی العدوی الاموی الیمانی الدرشن خوانی، معروف است بشیخ فدا حسین و مسمی است باسم تاریخی نظیر حسن، که از سن(سنه. ظ) ولادتش خبر میدهد. بامداد یوم الخمیس دهم ماه مبارک رمضان سنه ۱۲۷۸ ثمان و سبعین و مائتین و الف از هجرت بجهان آمد.

نسبش از جانب پدر بخلیفه اول و از جانب مادر بخلیفه ثالث و از جانب مادر پدرش بخلیفه ثانی می‌پیوندد و از این‌رو است که خود را در مصنفات خودش« تیمی و عدوی و اموی» برمینگارد و از خاندان عظیم شیخ‌زادگان و پیرزادگان لکهنو است .... و والد بزرگوارش خاتم الشعراء المتقدمین حضرت عیش(اعلی اللّه مقامه) مقاطیع شعریه مبشر بر میلاد مسعودش انشاد فرموده ...» الی آخره.

مع الاسف در این شرح‌حال تکمله اغلاط کتابتی بسیاری واقع شده است. و مخفی نماند که از أشهر تألیفات فدا حسین کتاب« سبیکة اللجین لثبت مناقب مولانا السید ناصر حسین ابن المیر حامد حسین» است که هم در ذریعه و هم در تکمله موصوف ذکر شده، و از جمله مآخذ شرح‌حال وی کتاب« تجلیات» است که میرزا هادی عزیز متوفی ۱۳۵۴ فرزند دیگر میرزا محمد علی صاحب« نجوم السماء» در خصوص احوال سید میر محمد عباس مفتی(متوفی ۱۳۰۶) بزبان اردو تألیف و در ۱۳۴۴ در لکهنو چاپ کرده است، و اینهمه طول و تفصیل بخاطر احیاء نام و نشان یک نفر عالم مجاهد جلیل القدر بود، و من اللّه التوفیق. م.

المجد اصفهانی از حاجی نوری استجازه کرد و نسخه آنرا در کتاب خود «الیم العجاج فی اسانید السراج» درج نموده است. در جلد دوم ذریعه نیز اسامی چندین تألیف دیگر وی را آورده از جمله «الاعتذار عما یعمل من رسوم العزاء فی تلک البلاد و الامصار» و «الاستشعار فیما سنح لی من الفلسفة الالهیة من نوادر الافکار»، و بقیه آثار او در سایر مجلدات ذریعه مذکورست، و در حرف حاء «نقباء البشر» شرح‌حال او را حواله بعنوان «فدا حسین» داده‌اند که مع الاسف هنوز بطبع نرسیده. و مخفی نماند که نام پدر صاحب ترجمه عیش است بعین و یا و شین معجمه نه عیسی، چنانکه از جلد ۱۵ «ذریعه: ۲۱۲» معلوم میشود، گوید:

«عبرات العین علی مصاب الحسین، أو مقتل ابن عیش. للشیخ محمد سراج الدین حسن بن عیش التمیمی القریشی الیمانی الکهنوئی المعروف بالشیخ فدا حسین و اسمه التاریخی نظیر حسن لانه ولد ۱۲۷۸» انتهی. لکن در اینجا تحریفات چاپی دیگری واقع شده که التمیمی باید التیمی و القریشی باید القرشی و الکهنوی باید اللکهنوی باشد، و اللّه العاصم. و در مواضع دیگر ذریعه نیز همانند «اعیان الشیعه» نام پدر را بخطا عیسی نوشته‌اند. بالجمله فعلا تنها-

ص: ۲۲۱۳

کتاب «منهاج الکرامة» علامه حلی در امامت است. دویم کتاب «دفع الاستغراب و الانکار» از دو معجزه صلاة و افطار از پدر ائمه اطهار (ع).

و پس از مدت هفتاد و پنج سال قمری عمر، در سنه ۱۳۵۳ هزار و سیصد و پنجاه و سه وفات کرده، چنان‌که در «الذریعه ۸: ش ۹۳۳» نوشته.

- مأخذی که برای شرح‌حال نسبة مبسوط صاحب عنوان در دست داریم «تکمله نجوم السماء ۲: ۲۵۸ تا ۲۶۵» است تألیف میرزا محمد مهدی کشمیری فرزند مؤلف نجوم السماء، که وی را در زمره علماء موجودین در زمان تألیف تکمله آورده و گوید: «محمد سراج الدین حسن بن عبش القرشی التیمی العدوی الاموی الیمانی الدرشن خوانی، معروف است بشیخ فدا حسین و مسمی است باسم تاریخی نظیر حسن، که از سن (سنه. ظ) ولادتش خبر میدهد. بامداد یوم الخمیس دهم ماه مبارک رمضان سنه ۱۲۷۸ ثمان و سبعین و مائتین و الف از هجرت بجهان آمد.

نسبش از جانب پدر بخلیفه اول و از جانب مادر بخلیفه ثالث و از جانب مادر پدرش بخلیفه ثانی می‌پیوندد و از این‌رو است که خود را در مصنفات خودش «تیمی و عدوی و اموی» برمینگارد و از خاندان عظیم شیخ‌زادگان و پیرزادگان لکهنو است .... و والد بزرگوارش خاتم الشعراء المتقدمین حضرت عیش (اعلی اللّه مقامه) مقاطیع شعریه مبشر بر میلاد مسعودش انشاد فرموده ...» الی آخره.

مع الاسف در این شرح‌حال تکمله اغلاط کتابتی بسیاری واقع شده است. و مخفی نماند که از أشهر تألیفات فدا حسین کتاب «سبیکة اللجین لثبت مناقب مولانا السید ناصر حسین ابن المیر حامد حسین» است که هم در ذریعه و هم در تکمله موصوف

ذکر شده، و از جمله مآخذ شرح‌حال وی کتاب «تجلیات» است که میرزا هادی عزیز متوفی ۱۳۵۴ فرزند دیگر میرزا محمد علی صاحب «نجوم السماء» در خصوص احوال سید میر محمد عباس مفتی (متوفی ۱۳۰۶) بزبان اردو تألیف و در ۱۳۴۴ در لکهنو چاپ کرده است، و اینهمه طول و تفصیل بخاطر احیاء نام و نشان یک نفر عالم مجاهد جلیل القدر بود، و من اللّه التوفیق. م.

ص: ۲۲۱۴

❊ (۱۳۸۹- تولد آقا ضیاء الدین عراقی، ره)❊

وی فرزند ملا محمد کزازی است که پدرش ملا محمد از علماء ناحیه عراق ایران و به ملا محمد کبیر معروف بوده و در «المآثر و الاثار: ۱۶۵ س ۲» وی را در عنوانی مخصوص ترجمه نموده و فرماید: «ساکن سلطان آباد و از نبهاء فقهاء است و بکثرت حفظ و حسن تقریر وحدت نظر و جودت قریحه میان أقران امتیاز دارد» انتهی. و بطوری‌که در «نقباء البشر» در اول عنوان صاحب ترجمه نوشته وی از مجازین حاج سید شفیع جاپلقی بوده و بعد از سال ۱۳۰۰ وفات نموده، انتهی.

و آقا ضیاء الدین خود از اعاظم علماء محققین و افاضل فقها و اصولیین در نجف اشرف بود، و شرح احوالش در «احسن الودیعه ۱: ۱۰۹» و بهتر و مفصل‌تر از آن در «نقباء البشر: ۹۵۶ ش ۱۴۴۹» نوشته، و از این اخیر چنان برآید که وی در این سال متولد شده. و در پاورقی نوشته که نام او علی بوده لیکن مطلقا بدان معروف نشده، انتهی.

و بهرحال، از این دو مأخذ و بعضی از مواضع دیگر- از آن جمله کتاب «کرج‌نامه:

۲۸۳» که آنجا تولدش را در ۱۲۸۷ نوشته[۱۹۳]- چنین برآید که وی در نزد پدر خود درس

---

(۱) تاریخ ولادت مرحوم آقا ضیا را در «نقبا» در دو موضع بأرقام هندی (۱۲۷۸) نوشته، و چنین است در «معجم رجال الفکر و الادب فی النجف: ۳۰۹»، راقم این سطور نیز سابقا در «زندگانی آیة اللّه چهارسوقی: ۱۰۶» بهمین قسم (۱۲۷۸) نوشته و مأخذ آنرا بخاطر ندارم، لکن علاوه بر «کرج‌نامه» مذکور در متن، علامه فقید حاج سید محمد هاشمی (۱۳۳۲-

---

[۱۹۳] (۱) تاریخ ولادت مرحوم آقا ضیا را در« نقبا» در دو موضع بأرقام هندی(۱۲۷۸) نوشته، و چنین است در« معجم رجال الفکر و الادب فی النجف: ۳۰۹»، راقم این سطور نیز سابقا در« زندگانی آیة اللّه چهارسوقی: ۱۰۶» بهمین قسم(۱۲۷۸) نوشته و مأخذ آنرا بخاطر ندارم، لکن علاوه بر« کرج‌نامه» مذکور در متن، علامه فقید حاج سید محمد هاشمی(۱۳۳۲- ۱۳۹۷) در مقدمه« روائع الامالی» گوید:« ولد طاب ثراه فی مدینة اراک سنة ۱۲۸۷»، و سپس مدت عمر آن مرحوم را صریحا ۷۴ سال(اربع و سبعین سنة) نوشته که-- البته این مدت عمر با ۱۲۸۷ منطبق است نه ۱۲۷۸ و لابد علامه هاشمی از خاندان خود آن مرحوم تحقیق کرده، و اهل البیت ادری. مؤلف« فهرست رضویه ۵: ۵۸۲» نیز آنجا که نسخه چاپی« روائع الامالی» تألیف آقا ضیا را معرفی کرده تاریخ ولادت وی را باستناد اطلاعات خارجی باینصورت:« حدود ۱۲۸۷ در سلطان آباد اراک» نوشته، و ظاهرا مأخذ آقای مشار هم در« مؤلفین کتب چاپی ۴: ۳۷۲» که ولادت را ۱۲۸۷ نوشته همان مقدمه سابق الذکر باشد. و مخفی نماند که مؤلفین اعیان الشیعه و احسن الودیعه و ماضی النجف و معارف الرجال و ریحانة الادب و علماء معاصرین مطلقا از ذکر تاریخ ولادت و مدت عمر آن مرحوم سکوت کرده‌اند. م.

۱۳۹۷) در مقدمه «روائع الامالی» گوید: «ولد طاب ثراه فی مدینة اراک سنة ۱۲۸۷»، و سپس مدت عمر آن مرحوم را صریحا ۷۴ سال (اربع و سبعین سنة) نوشته که-

ص: ۲۲۱۵

خوانده و هم در بعضی از شهرهای علمی ایران فیض مدرس بعضی از علماء آنها را دریافته و بنجف اشرف شتافته[۱۹۴] و آنجا در نزد سید محمد فشارکی و حاج میرزا حسین خلیلی و سید یزدی و آقای شریعت و بالاخره آخرین آنها که مرحوم آخوند خراسانی (ره) بوده درس خوانده و شطری وافر از علوم فقه و اصول و حدیث و رجال و حکمت و کلام و غیر آنها را تحصیل کرد و در همان اوائل بذکاء مفرط و نبوغ مبکر و عبقریت علمی و وسعت معرفت و اطلاع معروف و از مواقعی که درس می‌خواند باحترام از طرف اساتید خود و غیره بهره‌مند گردید و باین که وی از اجلاء شاگردان آخوند خراسانی است شهرت گرفت، و چیزی نشد که خود بتدریس نشست و از حسن القاء و عذوبت منطق و براعت در تحقیق شهرتی پیدا کرد، و پس از وفات آخوند مجلس درسش اهمیتی بهم رسانیده و در حدود سی سال همی در نجف بر منبر تدریس می‌کرد و صدها نفر از مجتهدین افاضل که خود اهل رأی و فتوی بودند بدرس

- البته این مدت عمر با ۱۲۸۷ منطبق است نه ۱۲۷۸ و لابد علامه هاشمی از خاندان خود آن مرحوم تحقیق کرده، و اهل البیت ادری. مؤلف «فهرست رضویه ۵: ۵۸۲» نیز آنجا که نسخه چاپی «روائع الامالی» تألیف آقا ضیا را معرفی کرده تاریخ ولادت وی را باستناد اطلاعات خارجی باینصورت: «حدود ۱۲۸۷ در سلطان آباد اراک» نوشته، و ظاهرا مأخذ آقای مشار هم در «مؤلفین کتب چاپی ۴: ۳۷۲» که ولادت را ۱۲۸۷ نوشته همان مقدمه سابق الذکر باشد. و مخفی نماند که مؤلفین اعیان الشیعه و احسن الودیعه و ماضی النجف و معارف الرجال و ریحانة الادب و علماء معاصرین مطلقا از ذکر تاریخ ولادت و مدت عمر آن مرحوم سکوت کرده‌اند. م.

(۱) در «فهرست رضویه ۵: ۵۸۲» گوید که وی سطوح فقهی و اصولی و کلامی را در اصفهان خوانده و هم در خدمت أعلامی چون میرزا محمد هاشم چهارسوقی و میرزا ابو المعالی و آخوند کاشی، و در نجف نزد سید محمد اصفهانی و سید محمد کاظم طباطبائی تلمذ کرده، عمده تلمذ و تکمیلش نزد صاحب «کفایة الاصول» بوده و از خواص و اعاظم شاگردان او است. انتهی. م.

ص: ۲۲۱۶

---

[۱۹۴] (۱) در« فهرست رضویه ۵: ۵۸۲» گوید که وی سطوح فقهی و اصولی و کلامی را در اصفهان خوانده و هم در خدمت أعلامی چون میرزا محمد هاشم چهارسوقی و میرزا ابو المعالی و آخوند کاشی، و در نجف نزد سید محمد اصفهانی و سید محمد کاظم طباطبائی تلمذ کرده، عمده تلمذ و تکمیلش نزد صاحب« کفایة الاصول» بوده و از خواص و اعاظم شاگردان او است. انتهی. م.

او حاضر می‌شدند، و هرگاه اشکالی از شاگردان وارد میشد آنرا پذیرفته و در اطرافش تحقیقات بعمل می‌آورد تا در سعت صدر ضرب المثل و در حقیقت نمونه اساطین علمی سلف و بقیه آنها گردید، و علماء عصر همه بعلو مقام او اعتراف داشتند، چنان‌که مرحوم حاجی سید علی نجف آبادی که تصدیق بمقام علمی هیچ یک از علماء عصر خویش نداشت او را اول شخص از علما و خود را ثانی او می‌پنداشت[۱۹۵]، و در «نقبا» نوشته که قول او در مشاکل علمیه حجت و حقا که وی مجدد علم اصول بود، انتهی.

و وی اجازت روایت از مرحوم حاجی نوری گرفته، و کتب و رسائل چندی تألیف نموده همه مملو از تحقیقات علمیه و مطالب علیه[۱۹۶] از آن جمله: اول کتاب «تکمله» در شرح

---

[۱۹۵] (۱) اینجانب علامه معلم در تنگنای عبارت واقع شده، و حق سخن اینست که مرحوم حاج سید علی مجتهد نجف‌آبادی اصفهانی(متوفی ۱۳ صفر ۱۳۶۲ یعنی ۲ ماه و نیم پس از فوت آقا ضیاء الدین) تا چندی معتقد بود که اعلم زمان همانا صاحب عنوان است نه دیگران، لکن پس از تشرف بعتبات و درک محضر مرحوم آیة اللّه اصفهانی آقا سید ابو الحسن(قده) عقیده خود را کاملا تعدیل نمود. اینک با در نظر گرفتن داوری چنین مجتهدی و هم آثار فقهی متعدد و رسائل علمیه و تعلیقات عروة الوثقی و غیرها که از صاحب عنوان باقی مانده و در صفحات آینده شرح داده خواهد شد؛ چقدر جای تعجب است که مرحوم شیخ محمد حرز الدین در« معارف الرجال ۱: ۳۸۶» خود راجع بآن مرحوم شرحی نامناسب و البته از طغیان قلم نوشته و درباره مقام فقاهت آن جناب تأملی نابجا فرموده است، و اللّه العاصم. م.

[۱۹۶] (۲) چون در متن کتاب حاضر و سایر کتب تراجم دقتی شایسته در آثار صاحب عنوان نشده، لذا اندک بسطی در این خصوص لازم بنظر رسید، اینک گزارش آنچه از تألیفات آن مرحوم نزد این حقیر موجود است: ۱-« شرح تبصرة المتعلمین فی أحکام الدین للعلامة الحلی» و منشأ اینکه مرحوم معلم آنرا« تکمله» نامیده معلوم نشد و ظاهرا اشتباهست، و آنچه از این کتاب شرح تبصره بطبع رسیده: اول قسمی از معاملات است که از« الفصل الثالث فی عقد البیع» تا مبحث اقاله و سپس شفعه و بعد اجاره، ودیعه و در آخر؛ بحث دعاوی است با تاریخ ختم تألیف(۳ ماه رجب ۱۳۴۵) که در همانسال بتصحیح و اهتمام و بهزینه« حضرت-- ملاذ المسلمین حجة الاسلام آقای آقا میرزا محمد رفیع مجتهد رشتی المعروف بثقة الاسلام بخط محمد علی تبریزی در نجف اشرف کتابت و طبع شده است(در ۲۱۸ صفحه وزیری) و در صفحه اول نسخه شرحی بقلم یکی از شاگردان جبل عاملی مصنف در مدح کتاب و مؤلف دیده میشود. نسخه ما دارای اصلاحات و اضافات فراوان قلمی است.

دوم کتاب القضاء شرح تبصره که باهتمام مرحوم آقا سید مهدی امامی اصفهانی داماد مؤلف در حدود ۱۳۷۰ در نجف اشرف باندازه وزیری طی ۱۵۳ صفحه چاپ حروفی شده و تاریخ ختم تألیف کتاب قضا(ماه رجب ۱۳۳۳) بوده، و در پایان این کتاب: ۲- رسالة فی تعاقب الایدی» که تاریخ تألیف آن(۱۳۵۷) و از ص ۱۵۳ تا ۱۶۰ پیرو کتاب القضا بطبع رسیده است.

۳-« روایع الامالی فی فروع العلم الاجمالی». بسال ۱۳۶۶ مرحوم آقا سید مهدی امامی اصفهانی سابق الذکر مجموعه‌ئی از آثار آن مرحوم را طی ۱۶۰ صفحه رقعی در نجف اشرف چاپ کرده که دو صفحه آغازش شرح‌حال مؤلف است بقلم علامه مرحوم حاج سید محمد هاشمی، و از ص ۳ تا ۹۶« روائع الامالی» است و تاریخ تألیفش غره ع ۲- ۱۳۳۷ میباشد و سپس تا ۱۰۲ قواعدی است در عین موضوع رساله مذکوره بنقل از شرح تبصره مؤلف. سپس:

۴-« رسالة فی اللباس المشکوک» را(از ص ۱۰۳ تا ۱۵۳) چاپ کرده‌اند که مشتمل است بر تنقیح برخی از مسائل مهمه و فوائد جلیله و تاریخ ختم تألیف روز پنجشنبه ۲۰ ماه رجب ۱۳۴۲ میباشد. و در خاتمه مقاله‌ئی است نفیس در بحث استصحاب عدم ازلی که تاریخ آن ۱۳۴۸ بوده و طبع مجموعه در ۵ ماه رمضان ۱۳۶۶ بهمین جا خاتمه می‌یابد.

۵-« مقالات الاصول» در دو جلد: اول از بحث مهم موضوع و تمایز علوم تا آخر مجمل و مبین که بسال ۱۳۵۸ طی ۱۷۵ صفحه وزیری بخط محمد علی تبریزی در نجف اشرف-- چاپ شده با تقریظی از« محمد التقی الصادق العاملی» شاگرد مصنف(که شاید تقریظ کتاب البیع شرح تبصره نیز از همین شخص باشد). دوم از بحث قطع تا تقلید که بسال ۱۳۶۹ بخط حسین بن حاج علی چاوشی طی ۲۱۰ صفحه وزیری در طهران بطبع رسیده است.

(۱) اینجانب علامه معلم در تنگنای عبارت واقع شده، و حق سخن اینست که مرحوم حاج سید علی مجتهد نجف‌آبادی اصفهانی (متوفی ۱۳ صفر ۱۳۶۲ یعنی ۲ ماه و نیم پس از فوت آقا ضیاء الدین) تا چندی معتقد بود که اعلم زمان همانا صاحب عنوان است نه دیگران، لکن پس از تشرف بعتبات و درک محضر مرحوم آیة اللّه اصفهانی آقا سید ابو الحسن (قده) عقیده خود را کاملا تعدیل نمود. اینک با در نظر گرفتن داوری چنین مجتهدی و هم آثار فقهی متعدد و رسائل علمیه و تعلیقات عروة الوثقی و غیرها که از صاحب عنوان باقی مانده و در صفحات آینده شرح داده خواهد شد؛ چقدر جای تعجب است که مرحوم شیخ محمد حرز الدین در «معارف الرجال ۱: ۳۸۶» خود راجع بآن مرحوم شرحی نامناسب و البته از طغیان قلم نوشته و درباره مقام فقاهت آن جناب تأملی نابجا فرموده است، و اللّه العاصم. م.

(۲) چون در متن کتاب حاضر و سایر کتب تراجم دقتی شایسته در آثار صاحب عنوان نشده، لذا اندک بسطی در این خصوص لازم بنظر رسید، اینک گزارش آنچه از تألیفات آن مرحوم نزد این حقیر موجود است: ۱- «شرح تبصرة المتعلمین فی أحکام الدین للعلامة الحلی» و منشأ اینکه مرحوم معلم آنرا «تکمله» نامیده معلوم نشد و ظاهرا اشتباهست، و آنچه از این کتاب شرح تبصره بطبع رسیده: اول قسمی از معاملات است که از «الفصل الثالث فی عقد البیع» تا مبحث اقاله و سپس شفعه و بعد اجاره، ودیعه و در آخر؛ بحث دعاوی است با تاریخ ختم تألیف (۳ ماه رجب ۱۳۴۵) که در همانسال بتصحیح و اهتمام و بهزینه «حضرت-

«تبصره علامه». دویم کتاب «قضاء» که تا مبحث تعاقب ایدی رسیده و از تألیف آن در سنه ۱۳۵۷ فارغ شده. سیم کتاب «بیع». چهارم «مقالات اصولیه». پنجم «فروع علم اجمالی».

ششم «حاشیه بر العروة الوثقی». هفتم «شرح تبصره» که در نقباء فرموده ظاهرا آن همان بیع

- ملاذ المسلمین حجة الاسلام آقای آقا میرزا محمد رفیع مجتهد رشتی المعروف بثقة الاسلام بخط محمد علی تبریزی در

و اما آثار دیگر صاحب عنوان که در دسترس اینجانب نیست فراوان و اسامی آنها بالخصوص در مقدمه« روائع الامالی» مذکور است. و اما« بدایع الافکار» که در« معجم المؤلفین العراقیین»- ظاهرا به پیروی از« مؤلفین کتب چاپی»- جزو تألیفات وی ذکر کرده در حقیقت تقریرات درس اصول آن مرحوم است که بقلم آقای آقا میرزا هاشم آملی است و در چهار مجلد در نجف اشرف چاپ شده، چنانکه تقریرات آقا شیخ محمد تقی بروجردی نیز که از درس اصول همان استاد است بنام« نهایة الافکار» بطبع رسیده.

تذکر مهم: از جمله تألیفات مرحوم آقا ضیاء الدین عراقی(قدس اللّه روحه) که در مقدمه« روائع الامالی» از آن یاد شده« تعلیقة علی کفایة الاخوند الخراسانی» است، از آنجا که این نابغه دوران با آن همه عظمت مقام علمی و عملی در زمان حیاتش بخت مساعدی نداشته و این بی‌اقبالی را هم دیگران میدانستند و هم خود بدان واقف بود، چنانکه در نامه‌ئی از آن مرحوم که پس از این طبع میشود بخط خود بدین مطلب تصریح نموده؛ مع الاسف بعد از فوت نیز بی‌اقبالیش تمام نشده و از آن جمله: در اثر عدم تحقیق و اشتباه و قصور چند نفر- نه بعمد و غرض و تقصیر-« تعلیقه کفایة الاصول» او بالتمام بنام عالم جلیل القدر دیگری از دوستان قدیم وی در حوزه مرحوم آخوند خراسانی که نسخه‌ئی بخط خود استنساخ نموده بود، چند سال قبل در ایران طبع و منتشر گردید. و اللّه العالم. م.

نجف اشرف کتابت و طبع شده است (در ۲۱۸ صفحه وزیری) و در صفحه اول نسخه شرحی بقلم یکی از شاگردان جبل عاملی مصنف در مدح کتاب و مؤلف دیده میشود. نسخه ما دارای اصلاحات و اضافات فراوان قلمی است.

دوم کتاب القضاء شرح تبصره که باهتمام مرحوم آقا سید مهدی امامی اصفهانی داماد مؤلف در حدود ۱۳۷۰ در نجف اشرف باندازه وزیری طی ۱۵۳ صفحه چاپ حروفی شده و تاریخ ختم تألیف کتاب قضا (ماه رجب ۱۳۳۳) بوده، و در پایان این کتاب: ۲- رسالة فی تعاقب الایدی» که تاریخ تألیف آن (۱۳۵۷) و از ص ۱۵۳ تا ۱۶۰ پیرو کتاب القضا بطبع رسیده است.

۳- «روایع الامالی فی فروع العلم الاجمالی». بسال ۱۳۶۶ مرحوم آقا سید مهدی امامی اصفهانی سابق الذکر مجموعه‌ئی از آثار آن مرحوم را طی ۱۶۰ صفحه رقعی در نجف اشرف چاپ کرده که دو صفحه آغازش شرح‌حال مؤلف است بقلم علامه مرحوم حاج سید محمد هاشمی، و از ص ۳ تا ۹۶ «روائع الامالی» است و تاریخ تألیفش غره ع ۲- ۱۳۳۷ میباشد و سپس تا ۱۰۲ قواعدی است در عین موضوع رساله مذکوره بنقل از شرح تبصره مؤلف. سپس:

۴- «رسالة فی اللباس المشکوک» را (از ص ۱۰۳ تا ۱۵۳) چاپ کرده‌اند که مشتمل است بر تنقیح برخی از مسائل مهمه و فوائد جلیله و تاریخ ختم تألیف روز پنجشنبه ۲۰ ماه رجب ۱۳۴۲ میباشد. و در خاتمه مقاله‌ئی است نفیس در بحث استصحاب عدم ازلی که تاریخ آن ۱۳۴۸ بوده و طبع مجموعه در ۵ ماه رمضان ۱۳۶۶ بهمین جا خاتمه می‌یابد.

۵- «مقالات الاصول» در دو جلد: اول از بحث مهم موضوع و تمایز علوم تا آخر مجمل و مبین که بسال ۱۳۵۸ طی ۱۷۵ صفحه وزیری بخط محمد علی تبریزی در نجف اشرف-

مذکور است. هشتم «تقریرات اصولیه» که آنها را دو نفر شاگردانش میرزا هاشم آملی و شیخ محمد تقی بروجردی که هر دو از علماء قم هستند چاپ کرده‌اند. نهم «حاشیه بر رساله حاج شیخ عبد اللّه مازندرانی» برای مقلدین.

و چند سالی قبل از وفاتش ریاست علماء شیعه منحصر در وی و معدودی دیگر گردید، و در نجف بساط تدریس پهن کرد و در اواخر برای ضعف مزاج سواره بمسجد طوسی برای تدریس می‌رفت. و چندین نفر از فیض آن مدرس مقدس بدرجات عالیه رسیده‌اند، از آن جمله:

- چاپ شده با تقریظی از «محمد التقی الصادق العاملی» شاگرد مصنف (که شاید تقریظ کتاب البیع شرح تبصره نیز از همین شخص باشد). دوم از بحث قطع تا تقلید که بسال ۱۳۶۹ بخط حسین بن حاج علی چاوشی طی ۲۱۰ صفحه وزیری در طهران بطبع رسیده است.

و اما آثار دیگر صاحب عنوان که در دسترس اینجانب نیست فراوان و اسامی آنها بالخصوص در مقدمه «روائع الامالی» مذکور است. و اما «بدایع الافکار» که در «معجم المؤلفین العراقیین»- ظاهرا به پیروی از «مؤلفین کتب چاپی»- جزو

تألیفات وی ذکر کرده در حقیقت تقریرات درس اصول آن مرحوم است که بقلم آقای آقا میرزا هاشم آملی است و در چهار مجلد در نجف اشرف چاپ شده، چنانکه تقریرات آقا شیخ محمد تقی بروجردی نیز که از درس اصول همان استاد است بنام «نهایة الافکار» بطبع رسیده.

تذکر مهم: از جمله تألیفات مرحوم آقا ضیاء الدین عراقی (قدس اللّه روحه) که در مقدمه «روائع الامالی» از آن یاد شده «تعلیقة علی کفایة الاخوند الخراسانی» است، از آنجا که این نابغه دوران با آن همه عظمت مقام علمی و عملی در زمان حیاتش بخت مساعدی نداشته و این بی‌اقبالی را هم دیگران میدانستند و هم خود بدان واقف بود، چنانکه در نامه‌ئی از آن مرحوم که پس از این طبع میشود بخط خود بدین مطلب تصریح نموده؛ مع الاسف بعد از فوت نیز بی‌اقبالیش تمام نشده و از آن جمله: در اثر عدم تحقیق و اشتباه و قصور چند نفر- نه بعمد و غرض و تقصیر- «تعلیقه کفایة الاصول» او بالتمام بنام عالم جلیل القدر دیگری از دوستان قدیم وی در حوزه مرحوم آخوند خراسانی که نسخه‌ئی بخط خود استنساخ نموده بود، چند سال قبل در ایران طبع و منتشر گردید. و اللّه العالم. م.

ص: ۲۲۱۹

اول حاج شیخ محمد باقر الفت که در (۱۳۰۱) بیاید. دویم شیخ عباس بن حاج آقا محمد آقای تاجر طهرانی که در (۱۳۰۹) بیاید. سیم شیخ محمد حسین آیتی که در (۱۳۱۰) بیاید. چهارم آقا نجفی تبریزی که در (۱۳۱۵) بیاید. پنجم سید عبد الهادی شیرازی که در (۱۳۰۵) بیاید. ششم سید ابو القاسم خوئی. هفتم سید علی کاشانی یثربی.

هشتم آقا سید محسن حکیم که در (۱۳۰۶) بیاید. نهم شیخ عبد النبی عراقی وفسی که در (۱۳۰۷) بیاید. دهم شیخ محمد تقی آملی. یازدهم میرزا حسن یزدی. دوازدهم شیخ محمد تقی بروجردی. سیزدهم شیخ علی محمد بروجردی. چهاردهم میرزا هاشم آملی.

پانزدهم سید حسن بجنوردی. شانزدهم سید یحیی یزدی. هفدهم شیخ علی کاشانی.

هیجدهم شیخ آقا بزرگ تهرانی مؤلف «نقبا» که در (۱۲۹۳) بیاید، و فرماید: من در مجلس درس آخوند خراسانی با او مصادقت بهم رسانیده و پس از وفات وی بدرس خود او میرفتم. و غیر آنها[۱۹۷].

و چند نفر از وی روایت می‌کنند، از آن جمله سید محمد تقی خوانساری، و دیگر شاگردش آقا نجفی مرقوم[۱۹۸].

---

[۱۹۷] (۱) از جمله شاگردان صاحب عنوان، والد ماجد راقم این سطور است که نزدیک سه سال بمجلس درس وی حاضر شده و بسیار طرف توجه و علاقه استاد بوده است، چنانکه از نامه مندرج در ص ۲۲۲۳ مستفاد میشود، و شرح‌حال آنمرحوم در(۱۳۱۹) خواهد آمد. م. عفی عنه.

[۱۹۸] (۲) یکی دیگر از آنان مرحوم میرزا محمد علی مدرس تبریزی« اعلی اللّه مقامه» است که صاحب عنوان از مشایخ اجازه روایت و اجتهاد او بوده، چنانکه خود در« ریحانة الادب ۱: ۲۵» نوشته است.

و بالاخره، وی در ساعت یکم شب دوشنبه بیست و هشتم ماه ذی القعدة الحرام[۱۹۹]

---

(۱) از جمله شاگردان صاحب عنوان، والد ماجد راقم این سطور است که نزدیک سه سال بمجلس درس وی حاضر شده و بسیار طرف توجه و علاقه استاد بوده است، چنانکه از نامه مندرج در ص ۲۲۲۳ مستفاد میشود، و شرح‌حال آنمرحوم در (۱۳۱۹) خواهد آمد. م. عفی عنه.

(۲) یکی دیگر از آنان مرحوم میرزا محمد علی مدرس تبریزی «اعلی اللّه مقامه» است که صاحب عنوان از مشایخ اجازه روایت و اجتهاد او بوده، چنانکه خود در «ریحانة الادب ۱: ۲۵» نوشته است.

تکملة: در صفحات قبل شرحی راجع بتألیفات صاحب عنوان که سابقا چاپ شده بود نوشتیم، اینک اضافه می‌کنیم که از سال ۱۳۹۷ ببعد نیز چاپ أجزاء کتاب مهم «شرح تبصرة المتعلمین» آن مرحوم بطور کامل و از آغاز کتاب الطهاره در مجلدات عدیده بشکلی مطبوع در قم استمرار داشته و در دسترس اهل علم قرار گرفته است. م. عفی عنه.

(۳) این تاریخ نص صریح «نقباء» است، و مرحوم آیة اللّه حاج میرزا سید حسن چهارسوقی- جدّ امی و عم پدر راقم این سطور- نیز در جائی چنین یادداشت-

ص: ۲۲۲۰

سنه ۱۳۶۱ هزار و سیصد و شصت و یک- مطابق ۱۶ آذرماه باستانی- در نجف وفات کرد، و در حجره دویم طرف چپ آن‌که از در مغرب معروف بباب سلطانی بیرون رود و پهلوی دالان است دفن شد، و بوفات او فاجعه بزرگی بمذهب شیعه رخ داد[۲۰۰]، و در نجف چندین روز و همچنین در سایر شهرها مجالس تعزیه متعدده برای او برپا نمودند، چنانکه مرحوم حاجی سید علی نجف آبادی نیز در اصفهان در ۱ شنبه ۱۱ ذی الحجه مجلسی برای ترحیم وی فراهم نمود. و مراثی عدیده برای او گفته شد، از آن جمله شیخ جواد قسام خطیب نجفی فرموده:

تکملة: در صفحات قبل شرحی راجع بتألیفات صاحب عنوان که سابقا چاپ شده بود نوشتیم، اینک اضافه می‌کنیم که از سال ۱۳۹۷ ببعد نیز چاپ أجزاء کتاب مهم« شرح تبصرة المتعلمین» آن مرحوم بطور کامل و از آغاز کتاب الطهاره در مجلدات عدیده بشکلی مطبوع در قم استمرار داشته و در دسترس اهل علم قرار گرفته است. م. عفی عنه.

[۱۹۹] (۳) این تاریخ نص صریح« نقباء» است، و مرحوم آیة اللّه حاج میرزا سید حسن چهارسوقی- جدّ امی و عم پدر راقم این سطور- نیز در جائی چنین یادداشت--کرده‌اند:« رحلت مرحوم آقای آقا ضیاء الدین عراقی مجتهد طراز اول نجف: شب ۲۸ ذی قعده ۱۳۶۱» انتهی، و در« معارف الرجال» روز دوشنبه ۲۸ قعده نوشته که البته ناظر بدفن در آنروز است. لکن در« اعیان الشیعه» و« ریحانة الادب» و« مؤلفین کتب چاپی» و« فهرست کتابخانه استان قدس» همه باشتباه، وفات را در ذی الحجه نوشته‌اند. م. عفی عنه.

[۲۰۰] (۱) خصوصا که یک هفته‌ئی پس از درگذشت آنمرحوم، شخصیت بی‌نظیر دیگری در جهان دانش شیعه یعنی آیة اللّه حاج شیخ محمد حسین اصفهانی(متولد ۱۲۹۶) در همان نجف اشرف برحمت ایزدی پیوست و با این دو فقدان دردناک، حوزه مقدسه علمیه بهترین و کاملترین مجتهدان محقق و مربّی و مدرس بی‌نظیر خود را از دست داد. م.

ما مات من آثاره بعده | بين الورى باقية الاسم

لما سروا بنعشه و الهدى | ظلت أسى عيونه تدمى

بلوعة أرخته: قد دجا | بعد ضياء أفق العلم

۱۳۶۱

در «نقبا» فرماید: ظاهرا ناظم دجا را با الف مقصوره نوشته و در حساب یاء گرفته و ده اعتبار کرده. و در (ص ۹۵۸) فرماید: فرزند وی در حیات خودش بدیوانگی مبتلا شده و وفات کرد[۲۰۱].

– کرده‌اند: «رحلت مرحوم آقای آقا ضیاء الدین عراقی مجتهد طراز اول نجف: شب ۲۸ ذی قعده ۱۳۶۱» انتهی، و در «معارف الرجال» روز دوشنبه ۲۸ قعده نوشته که البته ناظر بدفن در آنروز است. لکن در «اعیان الشیعه» و «ریحانة الادب» و «مؤلفین کتب چاپی» و «فهرست کتابخانه استان قدس» همه باشتباه، وفات را در ذی الحجه نوشته‌اند. م. عفی عنه.

(۱) خصوصا که یک هفته‌ئی پس از درگذشت آنمرحوم، شخصیت بی‌نظیر دیگری در جهان دانش شیعه یعنی آیة اللّه حاج شیخ محمد حسین اصفهانی (متولد ۱۲۹۶) در همان نجف اشرف برحمت ایزدی پیوست و با این دو فقدان دردناک، حوزه مقدسه علمیه بهترین و کاملترین مجتهدان محقق و مربّی و مدرس بی‌نظیر خود را از دست داد. م.

(۲) در ص ۲۲۱۷ گذشت که مرحوم آقا سید مهدی امامی داماد صاحب عنوان بوده، اینجا اضافه می‌کنیم که او را از این مواصلت فرزندان پسر و دختر متعددی فراهم آمد، و خود خلف مرحوم سید محمد خاتونابادی است که مدتی در نجف بوده و سپس بکربلا منتقل و در همانجا درگذشته و دفن شده و او را بغیر از سید مهدی اولاد ذکور و اناث دیگری–

---

[۲۰۱] (۲) در ص ۲۲۱۷ گذشت که مرحوم آقا سید مهدی امامی داماد صاحب عنوان بوده، اینجا اضافه می‌کنیم که او را از این مواصلت فرزندان پسر و دختر متعددی فراهم آمد، و خود خلف مرحوم سید محمد خاتونابادی است که مدتی در نجف بوده و سپس بکربلا منتقل و در همانجا درگذشته و دفن شده و او را بغیر از سید مهدی اولاد ذکور و اناث دیگری–– نیز بوده، یکی از دخترانش در نجف بزوجیت مرحوم آقا شیخ محمد رضا ابو المجد نجفی اصفهانی(۱۲۸۷) درآمده و مادر سه تن از فرزندانش میباشد. و دیگر سید زین العابدین بن سید محمد متوفی ۱۳۵۶ در نجف که دختری از او زوجه علامه مرحوم حاج سید محمد جمال هاشمی سابق الذکر است، و این سید جلیل از نوابغ علم و ادب حوزه نجف اشرف و از اصدقاء دیرین راقم این سطور بود و گویا بعارضه سکته در شب جمعه ۱۴– ع ۱– ۱۳۹۷ در نجف وفات یافت و در جوار والد ماجدش آیة اللّه آقا سید جمال الدین گلپایگانی« رحمة اللّه علیهما» در مزار مطهّر وادی السلام بخاک سپرده شد، چهارم و آخرین فرزند مرحوم سید محمد خاتونابادی: آقا سید علی مقیم نجف اشرف می‌باشد. و السلام. م. عفی عنه.

– نیز بوده، یکی از دخترانش در نجف بزوجیت مرحوم آقا شیخ محمد رضا ابو المجد نجفی اصفهانی (۱۲۸۷) درآمده و مادر سه تن از فرزندانش میباشد. و دیگر سید زین العابدین بن سید محمد متوفی ۱۳۵۶ در نجف که دختری از او زوجه علامه مرحوم حاج سید محمد جمال هاشمی سابق الذکر است، و این سید جلیل از نوابغ علم و ادب حوزه نجف اشرف و از اصدقاء دیرین راقم این سطور بود و گویا بعارضه سکته در شب جمعه ۱۴– ع ۱– ۱۳۹۷ در نجف وفات یافت و در جوار والد ماجدش آیة اللّه آقا سید جمال الدین گلپایگانی «رحمة اللّه علیهما» در مزار مطهّر وادی السلام بخاک سپرده شد، چهارم و آخرین فرزند مرحوم سید محمد خاتونابادی: آقا سید علی مقیم نجف اشرف می‌باشد. و السلام. م. عفی عنه.

ص: ۲۲۲۲

آیة اللّه آقا ضیاء عراقی تصویر دیگری از آن مرحوم در «ریحانة الادب» و بنقل از آنجا در «مؤلفین» مشار چاپ شده است

ص: ۲۲۲۳

نامه آیة اللّه آقا ضیاء الدین عراقی به آیة اللّه آقا میرزا سید حسن چهارسوقی در تسلیت فوت آیة اللّه میرزا سید محمد هاشم روضاتی، رحمة اللّه علیهم اجمعین.

ص: ۲۲۲۴

❊ (۱۳۹۰– وفات عباسقلیخان جوانشیر معتمد الدوله)❊

وی فرزند ابو الفتح خان بن ابراهیم خلیل خان بن پناه خان بن ابراهیم خلیل خان سیم ابن پناه آقای دویم ابن ابراهیم خلیل آقای دویم ابن پناه آقای بن ابراهیم خلیل آقای قراباغی، و خود از بزرگان دولت قاجاریه بوده که سالها مناصب ارجمند یافته، و در اینسال (چنانکه در «منتظم ناصری» دارد) وفات کرده[۲۰۲].

❊ (۱۳۹۱– تولد میرزا عبد الباقی ۵۱ ملاباشی شیرازی)❊

وی فرزند حاجی میرزا محمد باقر ۵۰ ملاباشی ابن حاجی میرزا سید محمد ۴۹ ابن حاجی میرزا محمد باقر ۴۸ ملاباشی شیرازی است.

حاجی میرزا محمد باقر ۴۸ در (۱۲۴۰ ش ۵۷۱ ج ۴: ۱۱۰۸) گذشت.

[۲۰۲] (۱) شرح‌حال متوسطی از صاحب عنوان در کتاب بامداد« تاریخ رجال ایران ۲: ۲۲۷– ۲۲۹» مذکور و در آنجا گوید:« عباسقلی خان معتمد الدوله مردی بوده عاقل عادل، با سیاست، موقر و رؤوف و برخلاف سایر حکّام چندان نظر تعدی و تجاوز نسبت بمردم نداشته است. م. عفی عنه.–

فرزندش حاجی میرزا سید محمد ۴۹ ملاباشی از اعیان عصر خود بوده، وفاتش سنه ۱۲۹۷ و بنابر آنچه در «آثار عجم: ۵۲۶» نوشته وی پسرخاله میرزای شیرازی است.

فرزندش حاجی میرزا محمد باقر ۵۰ ملاباشی از معاریف عصر بوده، تولدش سنه ۱۲۵۳.

فرزندش میرزا عبد الباقی ۵۱ صاحب عنوان از اهل علم و فضل بود، و او در این سال متولد شده، و پس از مدت هفتاد و هشت سال قمری عمر در سنه ۱۳۵۴ هزار و سیصد و پنجاه و چهار- چنانکه در جلد سیم «الذریعه: ش ۶۷» نوشته- وفات کرد، و فرزندانی- چنانکه در «آثار الحجه ۱: ۸۴ ش ۱۹» نوشته- بازنهاد، یکی آقا سید محمد باقر ۵۲ عالم آیة اللهی که از علماء شیراز است[۲۰۳]، و دیگر حاجی سید محمد کاظم ۵۲ آیة اللهی که در قم ساکن و از علماء آن بشمار آید.

---

(۱) شرح‌حال متوسطی از صاحب عنوان در کتاب بامداد «تاریخ رجال ایران ۲: ۲۲۷- ۲۲۹» مذکور و در آنجا گوید: «عباسقلی خان معتمد الدوله مردی بوده عاقل عادل، با سیاست، موقر و رؤوف و برخلاف سایر حکّام چندان نظر تعدی و تجاوز نسبت بمردم نداشته است. م. عفی عنه.-

(۲) حاج سید محمد باقر عالم در اواخر ماه رمضان ۱۳۹۹ مطابق اواخر مرداد ۱۳۵۸ وفات یافته مجلس ختمش در شب ۲۹ ماه رمضان در مسجد حضرت علی- اصغر شیراز برگزار گردید و برخی از روزنامه‌های آن ایام از ایشان تجلیل کردند.

م. عفی عنه.

ص: ۲۲۲۵

❊ (۱۳۹۲- وفات حاج میرزا علی اصغر ۳۲ شیخ الاسلام تبریزی، ره)❊

وی فرزند میرزا محمد تقی ۳۱ قاضی (۱۲۲۰ ش ۲۸۹ ج ۳ ص ۷۰۱)، و خود از علما و معاریف عصر خویش در آذربایجان و از جمله رؤسا و مصادر امور آن سامان بوده.

شرح احوالش در «شجره‌نامه سادات وهابی‌ها. ص ۳۷» و «هدیة لآل العبا:

۴۰ و ما بعدها» نوشته، و از آنها با ملاحظه بعضی از مواضع دیگر چنین برآید که:

---

[۲۰۳] (۲) حاج سید محمد باقر عالم در اواخر ماه رمضان ۱۳۹۹ مطابق اواخر مرداد ۱۳۵۸ وفات یافته مجلس ختمش در شب ۲۹ ماه رمضان در مسجد حضرت علی- اصغر شیراز برگزار گردید و برخی از روزنامه‌های آن ایام از ایشان تجلیل کردند.

م. عفی عنه.

وی در سنه ۱۱۶۴ هزار و صد و شصت و چهار- مطابق (۱۱۲۹- ۱۱۳۰) شمسی- متولد شده، و ابتداء نقابت أشراف را داشته. و او و آقا میر فتاح (۱۲۰۹ ش ۱۴۶ ج ۲ ص ۳۵۷) هر دو دختران میرزا عطاء اللّه شیخ الاسلام (۱۲۱۳ ش ۱۹۶ ج ۲ ص ۴۷۸) را بزوجیت داشته‌اند. و در سنه ۱۲۴۳ که قشون دولت روسیه تبریز را گرفت و آقا میر فتاح اظهار تمایل با آنها نمود وی مخالفت کرد و از این جهت بعد از ورود قشون بشهر چند روزی محبوس گردید، و در اثر آن مورد اعتقاد دولت ایران و عموم مردم قرار گرفت، و نایب السلطنه عباس میرزا وی را شیخ الاسلام آذربایجان نمود، و او سالها با تصدّر و نفاذ امر و بسط ید و تموّلی وسیع بدان امر اشتغال داشت، و در زمان ولی‌عهدی ناصر الدینشاه در مجلس مباحثه علما با میرزا علی محمد باب حاضر بود، و در اول سلطنت او میرزا تقی خان امیر وی را با فرزندش میرزا ابوالقاسم بطهران جلب کرده و سه سال توقیفشان نمود، و بعد از عزل و قتل وی میرزا آقا خان نوری آنها را رها کرده و با کمال احترام بتبریز ارجاع داشت.

و او همی آنجا بود تا در اینسال بسن صد و چهارده سالگی قمری وفات نمود، و جنازه‌اش را بکربلا برده آنجا دفن کردند، و با اینکه عمرش از صد و ده سال متجاوز بوده با قوّت مزاج و مشاعرش همه درست می‌بود، و بعد از صد سالگی فرزند بهم رسانیده. انتهی بتغییر یسیر.

ص: ۲۲۲۶

آنگاه در «شجره‌نامه ص ۲۲ تا ۲۴» ده نفر فرزند برای او آورده که ما در این کتاب فقط چهار نفر ایشان را عنوان می‌کنیم، یکی حاج میرزا ابو القاسم ۳۳ که از همه بزرگتر بوده و در (۱۲۷۹) بیاید. و دیگر حاج میرزا محمود ۳۳ که در (۱۲۴۰ ش ۵۸۴ ج ۴ ص ۱۱۲۳) گذشت. و دیگر میرزا شفیع ۳۳ نقیب الاشراف (۱۲۸۱)، و مادر این سه نفر دختر میرزا عطاء اللّه شیخ الاسلام بوده. و دیگر شیخ آقا که در (۱۲۹۴) بیاید. و کوچکترین فرزندان او مرحوم میرزا محمد آقا ۳۳ شیخ الاسلام بوده که در سنه ۱۲۹۶ بجوانی در حدود بیست و پنج سالگی وفات کرده، چنانکه در «شجره‌نامه:

ص ۴۱» نوشته و در «هدیة لآل العبا: ۴۶» نوشته که فرزند وی حاج میرزا علی اصغر ۳۴ طباطبا- که در سنه ۱۲۹۰ متولد شده- فعلا شیخ الاسلام آذربایجان و رئیس خانواده و در احترام مقدم بر کل میباشد، انتهی.

❊ (۱۳۹۳- تولد صابر، شاعر شماخیه‌ئی)❊

وی میرزا علی اکبر طاهرزاده و از شعراء این عصر بوده، و در دهم ماه ذی الحجة الحرام این سال- چنانکه در «ریحانة الادب ۳: ۱۰» نوشته- مطابق (...) جوزاماه برجی، در شماخی متولد شده، و در هشت سالگی بمکتب رفته و بسی در نوشتن دروس خود حریص بوده و در عوض تشویق از طرف معلم خود مورد شکنجه واقع شده، و چون فی الجمله خواندن و نوشتن را یاد گرفت پدرش او را از درس خواندن بازداشته و با خود بتجارتخانه‌اش برد، و او در اثر شوق فطری و ذوق شعری بنوشتن حریص‌تر شده و اشعاری میسرود تا پدرش ملامتش کرده و کتاب اشعارش را پاره نمود و او ناچار فرار اختیار و با قافله ابرار بخراسان رهسپار شد و پدرش از اثنای راه او را برگردانید، بعد از آن در اثر نوحه‌هائی که در مرثیه حضرت سید الشهداء (علیه السلام) سروده محبوب والدین و دیگران گردید.

و بالاخره، وی در سنه ۱۳۰۱ بمشهد مقدس رفته و مدتی در شهرهای مختلفه خراسان و ترکستان سیاحت نمود و بعد از آن بشماخی آمده و بکربلا رفت و کتابی بنام «هوپ‌هوپ‌نامه» در هجو ملیح تألیف کرده، و نیز «دیوانی» دارد در اشعار ترکی.

ص: ۲۲۲۷

و پس از مدت پنجاه سال و هفت ماه قمری و هیجده روز عمر، در ۳ شنبه بیست و هشتم ماه رجب الفرد سنه ۱۳۲۹ هزار و سیصد و بیست و نه مطابق ۲ اسد ماه برجی وفات کرد[۲۰۴].

❊ (۱۳۹۴- تولد نظام الشعراء فراهانی عراقی)❊

وی سید فتح اللّه بن حاج میرزا حسین بن حاج میرزا اسد اللّه بن حاج میرزا فضل اللّه حسینی از أقوام[۲۰۵] نزدیک مرحوم قائم‌مقام، و خود از فضلا و شعراء عصر ما بود، و تخلص نظام می‌نمود. و همانا او در اینسال در مشهد الکربه متولد شده، چنان‌که در «کرجنامه: ۲۸۸» نوشته و فرماید: اکثر اشعاری که گفته قصائدی است در مدح ائمه أطهار علیهم السلام و تاکنون اقدامی بجمع آن نشده. و پس از مدت هفتاد و یک سال قمری عمر در سنه ۱۳۴۹ هزار و سیصد و چهل و نه وفات کرد.

---

(۱) در این ترجمه آنچه شاعر صابر تخلص هستند که در «الذریعه ۹: ۵۷۲ و ما بعدها» ذکر شده‌اند نوشته شود و بخصوص آنرا که بنام آقا مهدی آورده و ما در احوال سکوت (ش ۵۵۲ ج ۴ ص ۱۰۸۳ س آخر) نوشتیم. یادداشت مؤلف

توضیحا در «فرهنگ سخنوران» ۲۴ شاعر صابر تخلص و یک تن صابری را با مآخذ تراجمشان نوشته که یکی از آنها صاحب این عنوان صابر قفقازی است و مآخذ شرح‌حالش را غیر از «ریحانه» دو کتاب «دانشمندان آذربایجان» و «لغتنامه دهخدا» برشمرده است، م. عفی عنه.

(۲) در این گونه موارد آوردن کلمه ارحام بهتر از اقوام است، و مقصود از قائم‌مقام مرحوم میرزا عیسی است که در (ج ۴ ص ۱۰۴۰ ش ۵۱۴) گذشت. م. عفی عنه.

ص: ۲۲۲۸

---

[۲۰۴] (۱) در این ترجمه آنچه شاعر صابر تخلص هستند که در« الذریعه ۹: ۵۷۲ و ما بعدها» ذکر شده‌اند نوشته شود و بخصوص آنرا که بنام آقا مهدی آورده و ما در احوال سکوت(ش ۵۵۲ ج ۴ ص ۱۰۸۳ س آخر) نوشتیم. یادداشت مؤلف

توضیحا در« فرهنگ سخنوران» ۲۴ شاعر صابر تخلص و یک تن صابری را با مآخذ تراجمشان نوشته که یکی از آنها صاحب این عنوان صابر قفقازی است و مآخذ شرح‌حالش را غیر از« ریحانه» دو کتاب« دانشمندان آذربایجان» و« لغتنامه دهخدا» برشمرده است، م. عفی عنه.

[۲۰۵] (۲) در این گونه موارد آوردن کلمه ارحام بهتر از اقوام است، و مقصود از قائم‌مقام مرحوم میرزا عیسی است که در(ج ۴ ص ۱۰۴۰ ش ۵۱۴) گذشت. م. عفی عنه.

❊ (۱۳۹۵- وفات مولوی فضل حق چشتی)❊

«مؤلفین کتب چاپی ۴: ۸۴۶»[۲۰۶].

رحمانعلیصاحب در «تذکره علمای هند، ملقب به تحفة الفضلاء فی تراجم الکملاء:

۱۶۴ ط لکهنو ۱۳۳۲ ق» گوید: «مولوی فضل حق خیر آبادی عمری حنفی ماتریدی چشتی، در سال ۱۲۱۲ ه ولادت یافته شاگرد پدر خود مولوی فضل امام است، حدیث از مولانا عبد القادر دهلوی مانند کرده، و «قرآن مجید» در چهار ماه یاد گرفته و فراغ علمی بعمر سیزده سالگی حاصل نمود ... نظمش زائد بر چهار هزار أشعار خواهد بود ... بسال ۱۲۶۴ ه مؤلف هیچمدان بمقام لکنهو بخدمتش رسیده ... تألیفات رائقه دارد و انگریزان او را بزمانه فساد هند قید کرده بجزیره رنگون فرستادند، همدر آنجا بتاریخ دوازدهم صفر سال ۱۲۷۸ ه وفات یافته» انتهی، و مخفی نماند که مرحوم مشار در مأخذ مزبور گوید که دو تألیف از صاحب عنوان در گانپور بطبع رسیده ۱- «امتناع النظر» در ۳۳۶ صفحه ۲- «الهدیة السعدیة فی الحکمة الطبیعیة» و در هامش آن «التحفة العلیه» در ۳۳۹ و ۲۷ صفحه که هر دو کتاب باندازه وزیری و چاپ سنگی میباشد.

ایضا ناگفته نماند که شرح‌حال صاحب عنوان در «نزهة الخواطر و بهجة المسامع و النواظر ۷: ۳۷۴- ۳۷۷» نیز با ذکر چند قطعه شعر عربی از او آمده و مؤلف آن کتاب با اعتراف بمقام شامخ علمی او نکوهش فراوانی هم از او بعلت ارتکاب منکراتش نموده، و نیز از کتاب «نزهه» مستفاد میشود که آنچه مرحوم مشار آنرا «امتناع النظر» نامیده صواب «امتناع النظیر- نظیر النبی صلی اللّه علیه و آله» است، و هم در آنجا از جمله تألیفات این شخص «حاشیة علی «الافق المبین» للسید باقر داماد» را ذکر کرده و ضمنا توضیح داده است که این شخص اصلا در زیّ امراء بوده نه علماء و اللّه العاصم. م. عفی عنه.

---

(۱) مرحوم معلم در نسخه اصل همین دو کلمه را با ذکر مأخذ نوشته بودند که چون مأخذ مزبور به «تاریخ علمای هند» ارجاع داده لذا شرح‌حال متن را باختصار از آنجا آوردیم، و با اینکه روز و ماه تاریخ فوت صاحب عنوان در مأخذ اصلی قید شده-

ص: ۲۲۲۹

❊ (وفات حاج کاظم آشفته شیرازی)❊

وی[۲۰۷] بطوری‌که در «الذریعه ۹: ۷ ش ۴۰» نوشته «دیوانی در أشعار» دارد که در یکی از قصاید آن ذکر زلزله واقعه در شیراز را فرموده و دعاء برای مردمان آن کرده، و در اینسال وفات نموده و در نجف دفن شده، انتهی.

---

[۲۰۶] (۱) مرحوم معلم در نسخه اصل همین دو کلمه را با ذکر مأخذ نوشته بودند که چون مأخذ مزبور به« تاریخ علمای هند» ارجاع داده لذا شرح‌حال متن را باختصار از آنجا آوردیم، و با اینکه روز و ماه تاریخ فوت صاحب عنوان در مأخذ اصلی قید شده-- است، اما چون در متن نبود از ذکر این شرح‌حال در جای خود که اول سال ۱۲۷۸ باشد غفلت شد، گذشته از اینکه چون ولادتش نیز بسال ۱۲۱۲ بوده اصولا باید در آن سال آورده شده باشد. م.

و ظاهرا مقصود از زلزله مذکور، زلزله واقعه در سنه ۱۲۶۹ است که در آن سال در یک ساعت پیش از طلوع صبح شب ۱ شنبه ۲۵ رجب زلزله بسیار سختی در آن شهر رخ داد، چنانکه در «فارسنامه: گفتار اول: ۳۰۸» فرموده. و کسانی که آشفته تخلص دارند در (۱۳۱۹) بیایند.

– است، اما چون در متن نبود از ذکر این شرح‌حال در جای خود که اول سال ۱۲۷۸ باشد غفلت شد، گذشته از اینکه چون ولادتش نیز بسال ۱۲۱۲ بوده اصولا باید در آن سال آورده شده باشد. م.

(۱) در سال (۱۲۸۸) نیز بیاید، باید پس از تحقیق هر دو عنوان یکی شود.

یادداشت مؤلف.

محرر این سطور گوید: چون مأخذ «الذریعه» معلوم گردید که «ایضاح المکنون ۱: ۴۸۳» بوده بدانجا رجوع کردیم دیدیم تصریح بفوت آشفته در عین این سال نموده است بدین عبارت: «دیوان آشفته فارسی، هو الحاج کاظم الشیرازی المتوفی سنة ۱۲۷۸ ثمان و سبعین و مائتین و ألف» انتهی، که تاریخ فوت را هم رقومی و هم بحروف ضبط کرده است، لذا ما عنوان او را از اینسال– اگر چه مأخذ ایضاح معلوم نشد– حذف نکردیم و آنچه را که مرحوم مؤلف در (۱۲۸۸) نوشته است آنرا نیز بموقع خود خواهیم آورد و چون مؤلف «بزرگان و سخنسرایان فارس ۱: ۳۰» همان را معتبر دانسته شماره ردیف را در آنجا خواهیم گزارد. مرحوم خیامپور در «فرهنگ سخنوران» اقوال مختلف را ضبط نموده است. م. عفی عنه.

ص: ۲۲۳۰

❊ (۱۳۹۶– وفات ملّا میرزا محمد مصاحبی نائینی)❊

وی فرزند حاج میرزا احمد بن میرزا محمد شرف بن میرزا حسین بن حاج میرزا محمد جعفر بن امیر نظام الدین محمد بن ملا مصاحب امیر حسینای شهدادی است، چنانکه در «تاریخ نائین ۴: ۱۲۷ و ۱۲۹» و نیز در «ج ۱: ۱۹۷»– از حاج میرزا محمد جعفر تا ملا مصاحب– نوشته، و در «ج ۱: ش ۱۹۳» حاج میرزا جعفر بن ملا مصاحب ذکر کرده.

---

[۲۰۷] (۱) در سال(۱۲۸۸) نیز بیاید، باید پس از تحقیق هر دو عنوان یکی شود.

یادداشت مؤلف.

محرر این سطور گوید: چون مأخذ« الذریعه» معلوم گردید که« ایضاح المکنون ۱: ۴۸۳» بوده بدانجا رجوع کردیم دیدیم تصریح بفوت آشفته در عین این سال نموده است بدین عبارت:« دیوان آشفته فارسی، هو الحاج کاظم الشیرازی المتوفی سنة ۱۲۷۸ ثمان و سبعین و مائتین و ألف» انتهی، که تاریخ فوت را هم رقومی و هم بحروف ضبط کرده است، لذا ما عنوان او را از اینسال– اگر چه مأخذ ایضاح معلوم نشد– حذف نکردیم و آنچه را که مرحوم مؤلف در(۱۲۸۸) نوشته است آنرا نیز بموقع خود خواهیم آورد و چون مؤلف« بزرگان و سخنسرایان فارس ۱: ۳۰» همان را معتبر دانسته شماره ردیف را در آنجا خواهیم گزارد. مرحوم خیامپور در« فرهنگ سخنوران» اقوال مختلف را ضبط نموده است. م. عفی عنه.

و بهرحال، شهداد- چنان‌که در (۱۲۴۵ ج ۴ ص ۱۲۴۴ ش ۶۵۴) گذشت- قریه‌ئی است در حومه نائین. و این خانواده- بطوری‌که هم در آن صفحه از جلد چهارم نوشته- از أعقاب دختری خانان مغول‌اند، و ملا مصاحب جدّ اعلای آنها از شعراء معروف در مائه یازدهم هجرت بوده که در «آتشکده» و غیره او را عنوان نموده‌اند، و در «تاریخ نائین ۴: ۱۲۹» نوشته که وی با اینکه سید نبوده معلوم نیست چرا کلمه میر باسم او افزوده شده و شاید مخفف امیر است، انتهی. و در (ص ۲۸) نوشته که قبرش در بقعه گنبد خانه جلو محراب صفه قبلی مسجد بابا عبد اللّه نائین است، انتهی.

فرزندش امیر نظام الدین محمد، بطوری‌که در (ص ۱۲۹) نوشته تا سال (۱۱۰۷) زنده بوده.

فرزندش حاج میرزا محمد جعفر دو پسر داشته: یکی حاج میرزا حسن (۱۲۸۵) و دیگر میرزا حسین واقع در عمود این نسب.

و نواده او حاج میرزا احمد مردی تاجر و خوشنویس بوده که در خط نسخ مهارتی بسزا داشته و چند جلد قرآن بخط خود نگاشته، و یک دختر و چهار پسر بازگذاشته که دخترش زوجه میرزا حبیب اللّه مصاحبی (۱۲۸۵) بوده. و از پسران سیم و چهارم بنام میرزا ابو الفضل و میرزا هاشم بوده‌اند، و دویم میرزا محمد حسین بوده، و او- چنانکه در «تاریخ نائین ۴: ۱۳۰» نوشته- مانند پدر از خطّاطان عصر بوده و بیشتر در اصفهان بسر می‌برده و هم در آنجا وفات کرده، و دختری از فرزندان میرزا صفی بن حاج میرزا رفیع طباطبائی را بزوجیت داشته، و سه دختر و دو پسر بنام میرزا

ص: ۲۲۳۱

محمد سعید سعید العلما و میرزا احمد طبیب برجا گذاشته، که میرزا محمد سعید از علما و فضلا بوده و در عتبات تحصیل کرده و مدتی در مشهد مقدس ساکن و آنجا تدریس و امامت داشته و در اواخر عمر بنائین برگشت، و سه پسر باقی نهاد:

اول- میرزا محمد عرب‌زاده که یکی از فرزندانش میرزا محمد سعید از اهل منبر و در قریه دولت‌آباد برخوار اصفهان ساکن و متأهل شده.

دویم- میرزا علی محمد شمس العلماء.

سیم- میرزا محمد علی. و از هر یک از این سه نفر نیز اولادی بهم رسیده.

و میرزا احمد طبیب طب را نزد اطباء درجه اول اصفهان درس خوانده و بعد از آن بطهران رفت و آنجا اندوخته‌های خود را تکمیل نمود و در صحّیه قشون خاصه ناصر الدینشاه فوج ناصری درآمده و بریاست بهداری قشون ساخلوی طهران برقرار گردیده، تا در أوان (۱۳۰۵) وفات کرد، و از یگانه پسرش حاج میرزا محمد احفادی چند برجا گذاشت که اغلب در ادارات دولتی می‌باشند، چنانکه این همه نیز در صفحه مرقومه نوشته.

و بالاخره، پسر اول حاج میرزا احمد: مرحوم ملا میرزا محمد صاحب این عنوان است که در (ج ۱: ۱۹۷) وی را فرزند ابو الحسن نوشته، و نیز در (ج ۴:

۱۳۰) گوید: وی را شیخ محمد بن ابو الحسن نیز نوشته‌اند، انتهی. و ممکن است که کنیه پدرش ابو الحسن بوده باشد. و در (ص ۱۳۲) او را فرزند حاج میرزا حسن بن میر اشرف نوشته.

و بهرحال، ملا میرزا محمد از بزرگان علما و فقها و اهل فضل و ادب و جامع معقول و منقول بوده، و بطوری‌که در «تاریخ نائین ۳: ۱۰۶» نوشته در سنه ۱۲۵۸ با خواهرزادگان خود میرزا عبد الخالق و خواهرش از قریه محمدیه نائین باصفهان آمده و بواسطه کمالات خود با مرحوم حاج ملا محمد جعفر آباده‌ئی و آقا میر سید محمد شهشهانی آمیزش بهم رسانید تا آنجا که خواهرزاده خود یعنی خواهر میرزا عبد الخالق را بمیر سید محمد تزویج نمود، انتهی.

و در (ج ۴ ص ۱۲۹) تألیفاتی برای ملا میرزا محمد نوشته از این قرار: اول کتاب «اصلاح ذات البین» در شقاق و خلع. دویم کتاب «الدرّة الحمراء» در زیارت عاشورا. سیم کتاب «الرسالة الکریة» که آن رساله کوچکی است در شرح دو لغزیکی عربی و دیگری فارسی در تعیین مقدار کرّ بوزن و مساحت. چهارم کتاب «الرسالة الهلالیة» در اختلاف رؤیت هلال. پنجم کتاب «العرایس البکریة» در عواید صهریه. ششم کتاب

ص: ۲۲۳۲

«قناطر الوصول» بسوی مداین اصول. هفتم کتاب «کشف النهایة» در علم قرائة.

هشتم کتاب «اللؤلؤ المکنون» در وقت نافله ظهر. نهم کتاب «مجلاة المشاعر» در علم حکمت. دهم کتاب «مسالک النهج» در مناسک حج. یازدهم کتاب «نظم الدرر» در حل و عقد مختصر، انتهی. و ظاهرا مقصود کتاب «مختصر» محقق تفتارانی باشد در اختصار کتاب «مطول» خود او که آن شرحی است بر «تلخیص» خطیب دمشقی و آن مختصری است از قسم سیم کتاب «مفتاح العلوم» امام سکّاکی در معانی و بیان.

و او در اینسال وفات کرده و در تخت پولاد در تکیه شیخ محمد تقی دفن شده، چنان که در «تاریخ نائین ۳: ۱۰۶» و پاورقی آن نوشته.

و در (ج ۴ ص ۱۲۹) فرزندانی از او آورده که با ملاحظه (ج اول: ۱۹۷) و (ج ۳: ۲۰۷ و ۲۰۸) و (ج ۴: ۱۳۲) و پاورقی‌های آنها بدین خلاصه می‌شود که: وی یک دختر داشته که پس از فوتش بحباله زوجیت میرزا عبد الخالق خواهرزاده‌اش درآمده، و نیز چهار پسر داشته که سه نفر کوچک آنها بنام: حاج میرزا ابو الحسن متوفی در ۲۹ رمضان سنه ۱۳۳۵، و میرزا ابو الفضل، و میرزا محمد بوده‌اند.

و فرزند بزرگ او مرحوم حاج میرزا غلامعلی «رضی اللّه عنه» بوده که از اهل علم و فضل و ادب بشمار می‌رفته، و همه انواع خط خصوصا نسخ را در نهایت خوبی می‌نوشته، و شعر هم می‌گفته، و چندین کتاب نظما و نثرا تألیف کرده: اول

«الفیه‌ئی در اصول». دویم «الفیه‌ئی در صرف و نحو». سیم کتاب «دموع العین» در مراثی حسین (علیه السلام) که منظومه عربی است. چهارم «رساله‌ئی در اصول». پنجم «رساله‌ئی در صبر». ششم کتاب «المنتخب» در نخبه الفاظ عرب. هفتم «منظومه‌ئی در مظّنه» که در غرّه ج ۱ سنه ۱۲۸۸ از آن فارغ شده.

و او گاهی در اصفهان و گاهی در نائین بوده و در اواخر عمر بطهران هجرت کرده و هم در آنجا وفات نموده، و فرزندی بجا نهاد بنام دکتر علی محمد خان مصاحب که از اطباء و در بهداری لشگر بوده و در حدود (۱۳۶۴) وفات نموده و یک دختر بنام شمس الملوک مصاحب که دکتر ادبیات است و دو پسر باز نهاده که دویم آنها میرزا محمود خان مصاحب رئیس اداره نان طهران، و اول دکتر غلامحسین خان مصاحب که از أجلّه و اساتید علماء ریاضی در این زمان است و مقاله‌ئی در تاریخ ریاضیات و وضع أرقام و علامات و استعمال حروف و مکعّبات و مثلثات و تربیع دایره و غیره نوشته که آنرا با رساله «براهین الجبر» حکیم خیام بچاپ رسانیده[۲۰۸].

---

(۱) عنوان کتاب چنین است: «غلامحسین مصاحب «جبر و مقابله خیام» بانضمام تاریخ علوم ریاضی از سه هزار سال قبل از میلاد تا زمان خیام. طهران ۱۳۱۷ ش.

چاپخانه و کتابفروشی مرکزی».

این کتاب بعدا بصورت صحیح‌تر و کاملتر توسط انجمن آثار ملی تجدید چاپ شد، و برای اطلاع بیشتر از احوال یادشدگان در متن رجوع شود به: «مؤلفین کتب چاپی ۴: ۶۷۶» «چهره مطبوعات معاصر: ۳۹ و ۱۶۵» «تاریخ جراید و مجلات ایران ۲: ۳۳۸» «روزنامه اطلاعات صادره در ۸/ ۶/ ۵۵ ش و ۱۹/ ۵/ ۵۷ ص ۲۰ و ۲۵/ ۵/ ۵۷ ص ۶» «تذکره سخنوران نائین، تألیف آقای جلال بقائی نائینی. کتابفروشی تاریخ ۱۳۶۱ ش تهران: ۴۲ و ۱۳۲ و مواضع دیگر» و بالاخره مخصوصا «مجله آینده. پائیز ۵۸ ش: ۶۸۸ ببعد و بهار ۶۳: ۲۱۲ ببعد».

---

[۲۰۸] (۱) عنوان کتاب چنین است:« غلامحسین مصاحب« جبر و مقابله خیام» بانضمام تاریخ علوم ریاضی از سه هزار سال قبل از میلاد تا زمان خیام. طهران ۱۳۱۷ ش.

چاپخانه و کتابفروشی مرکزی».

این کتاب بعدا بصورت صحیح‌تر و کاملتر توسط انجمن آثار ملی تجدید چاپ شد، و برای اطلاع بیشتر از احوال یادشدگان در متن رجوع شود به:« مؤلفین کتب چاپی ۴: ۶۷۶»« چهره مطبوعات معاصر: ۳۹ و ۱۶۵»« تاریخ جراید و مجلات ایران ۲: ۳۳۸»« روزنامه اطلاعات صادره در ۸/ ۶/ ۵۵ ش و ۱۹/ ۵/ ۵۷ ص ۲۰ و ۲۵/ ۵/ ۵۷ ص ۶»« تذکره سخنوران نائین، تألیف آقای جلال بقائی نائینی. کتابفروشی تاریخ ۱۳۶۱ ش تهران: ۴۲ و ۱۳۲ و مواضع دیگر» و بالاخره مخصوصا« مجله آینده. پائیز ۵۸ ش: ۶۸۸ ببعد و بهار ۶۳: ۲۱۲ ببعد».

دکتر غلامحسین در شنبه ۲۱ ذی القعده ۱۳۹۹ مطابق ۲۱ مهرماه ۵۸ وفات یافت و خبر فوت او در« روزنامه اطلاعات. ش دوشنبه بیست و سوم» اعلان شد.

اضافه می‌کنیم که تولد او را در عموم مآخذ بسال ۱۲۸۹ شمسی نوشته‌اند.

م. عفی عنه.

دکتر غلامحسین در شنبه ۲۱ ذی القعده ۱۳۹۹ مطابق ۲۱ مهرماه ۵۸ وفات یافت و خبر فوت او در «روزنامه اطلاعات. ش دوشنبه بیست و سوم» اعلان شد.

اضافه می‌کنیم که تولد او را در عموم مآخذ بسال ۱۲۸۹ شمسی نوشته‌اند.

م. عفی عنه.

ص: ۲۲۳۳

❊ (۱۳۹۷- تولد شیخ محمد باقر، وفاء تمامی شیرازی)❊

وی فرزند حاجی شیخ محمد حسین صفاء شیرازی است که در سال (۱۲۵۱ ج ۴ ص ۱۴۰۱ ش ۷۹۰) گذشت، و خود از علما و فقهاء شیراز بوده که در اینسال- چنانکه در «فارسنامه ناصری ۲: ۲۸» و «فهرست کتابخانه رضویه ۶: ۳۵۸ ش ۶۲۵» نوشته- از بطن دختر نیک اختر حاج میرزا علی اکبر قوام الملک- که در (ج ۱ سال ۱۲۰۳ ص ۱۵۱ ش ۸۶) گذشت- متولد شده و تحصیل مراتب علمیه و علوم دینیه را نموده و زبان بشاعری گشوده و تخلص تمامی- بنام خانواده خود- فرموده، و خط شکسته و نستعلیق را خوش می‌نوشته، و سالهای متمادی امور شرعیه در محضرش تحریر و تنظیم و قطع و فصل می‌شده، و کتابی بنام «منتخب الدعوات» در بعضی از سور مبارکات و ادعیه و تعقیبات صلوات که در آخر آن «قصیده‌ئی در مدح

ص: ۲۲۳۴

حضرت حجت (ع)» دارد تألیف نموده.

و آخر در ماه ذی الحجة الحرام سنه ۱۳۷۵ هزار و سیصد و هفتاد و پنج- مطابق (تیر- مرداد) ماه باستانی ۱۳۳۵- وفات کرده و در شیراز در یکی از حجرات صحن شمالی شاهچراغ (ع) دفن شده[۲۰۹].

---

[۲۰۹] (۱) مؤلف شرح‌حال این شخص را سهوا در دو زمان و دو جای نسخه اصل نگاشته‌اند، محض مزید فایده و تقدیر از زحمات آنمرحوم مطالب موضع دیگر را نیز در دنباله اینجا عینا آوردیم و یادآور میشویم که بمنظور اطلاع بیشتر باز مرحوم مؤلف در موضع دوم یادداشت کرده‌اند که:« رجوع شود به الکرام البرره: ص ۲۰۷ ش ۴۵۲»، انتهی. و ما اضافه می‌کنیم که بگزارش« فرهنگ سخنوران» شرح‌حال وفا را داور شیرازی نیز در کتاب« مرآة الفصاحه» و مرحوم مدرّس تبریزی در« ریحانه ۲: ۴۷۹» نوشته‌اند و مرحوم آدمیت در« دانشمندان و سخنسرایان فارس ۴: ۸۲۰» چند سطری باستناد برخی مآخذ قدیم آورده و شگفتا که خود شخصا هیچ آگاهی از احوالش نداشته و چنین گوید:« سال فوتش معلوم نشد، در ۱۳۱۳ زنده بوده است»! با این وصف دیگر از مرحوم مشار در« مؤلفین کتب چاپی ۲: ۵۰» توقعی و انتظاری نیست! م. عفی عنه.-

شیخ محمد باقر از اهل علم و فضل بوده و در شعر گفتن وفا تخلص می‌نموده، و در حیات پدر گاهی بنیابت از وی قضاوت می‌فرموده، و کتابی بنام «الدرّ الثمین» در فضائل امیر المؤمنین و ائمه معصومین در چند جلد- چنانکه در «الذریعه ۸ ش ۲۱۴» گفته- تألیف کرده، و این چند شعر را در حاشیه منه «آثار عجم» از او نقل کرده:

تا چشم من بروی تو ای ماه رو فتاد — در صو لجان زلف تو دل همچو گو فتاد

تا دست من ز موی میان تو دور شد — دل از غمت در آتش هجران چو مو فتاد

تا شهره شد بعشق تو اندر جهان وفا — بد نام خاص و عام شد از آبرو فتاد

بتیر غمزه‌ام آن چشم جادو — زند ناوک بدل هر دم ز هر سو

بعمر خود ندیدم جمع با هم — شب و روزی جز آن رخسار و گیسو

و هم او کتابی دارد بنام «مجموعه تمامی» چنانکه در «الذریعه ۳: ش ۶۶» نوشته[۲۱۰].

---

(۱) مؤلف شرح‌حال این شخص را سهوا در دو زمان و دو جای نسخه اصل نگاشته‌اند، محض مزید فایده و تقدیر از زحمات آنمرحوم مطالب موضع دیگر را نیز در دنباله اینجا عینا آوردیم و یادآور میشویم که بمنظور اطلاع بیشتر باز مرحوم مؤلف در موضع دوم یادداشت کرده‌اند که: «رجوع شود به الکرام البرره: ص ۲۰۷ ش ۴۵۲»، انتهی. و ما اضافه می‌کنیم که بگزارش «فرهنگ سخنوران» شرح‌حال وفا را داور شیرازی نیز در کتاب «مرآة الفصاحه» و مرحوم مدرّس تبریزی در «ریحانه ۲: ۴۷۹» نوشته‌اند و مرحوم آدمیت در «دانشمندان و سخنسرایان فارس ۴: ۸۲۰» چند سطری باستناد برخی مآخذ قدیم آورده و شگفتا که خود شخصا هیچ آگاهی از احوالش نداشته و چنین گوید: «سال فوتش معلوم نشد، در ۱۳۱۳ زنده بوده است»! با این وصف دیگر از مرحوم مشار در «مؤلفین کتب چاپی ۲: ۵۰» توقعی و انتظاری نیست! م. عفی عنه.-

(۲) ایضا رجوع به «الذریعه ۲۰: ۷۶ و ۲۲: ۴۰۲» عنوانهای «مجموعة التمامی» و «منتخب الدعوات ...» شود. مرحوم معلم مأخذ تاریخ فوت وفا را سهوا ذکر نکرده است. م. عفی عنه.

ص: ۲۲۳۵

❊ (وفات محمد تقی میرزای حسام السلطنه قاجار)❊

شرح احوال او در (۱۲۰۶ ج ۲ ص ۳۰۲ ش ۱۱۷) گذشت.

---

[۲۱۰] (۲) ایضا رجوع به« الذریعه ۲۰: ۷۶ و ۲۲: ۴۰۲» عنوانهای« مجموعة التمامی» و« منتخب الدعوات ...» شود. مرحوم معلم مأخذ تاریخ فوت وفا را سهوا ذکر نکرده است. م. عفی عنه.

❊ (۱۳۹۸- وفات ملا محمد طاهر بریلوی هندی)❊

وی چنانکه در «رساله احوال سید عبدالحی حسنی (۱۲۸۶): ص ع» نوشته از شعراء زبان بومی هند بوده و در اینسال وفات نموده[۲۱۱].

---

(۱) مخفی نماند که مقصود از رساله مأخذ همان مقدمة الطبع جزء اول کتاب «نزهة الخواطر و بهجة المسامع و النواظر، طبع حیدر آباد، ۱۳۶۶ ق» است بقلم عبد العلی حسنی فرزند سید عبد الحی مؤلف، و در آنجا صریحا واضحا نام صاحب عنوان «محمد طاهر» بطاء بی‌نقطه است، اما در متن کتاب «نزهة الخواطر ۷: ۴۴۵» که مؤلف شرح‌حال او را نوشته هم در عنوان و هم در مطلب «محمد ظاهر» بظاء نقطه‌دار است، و او در آنجا بیش از بیست سطر شرح‌حال دارد و حسب و نسبش را چنین نوشته:

الشیخ العالم الکبیر محمد ظاهر بن غلام جیلانی بن محمد واضح بن محمد صابرین آیة اللّه بن علم اللّه الحسنی الحسینی البریلوی، احد العلماء الربّانیین. سپس تولدش را در شهر «رای بریلی» بسال ۱۱۹۸ و وفاتش را هم در همان شهر بدون ذکر روز و ماه بمرض فالج نوشته و برخی از تألیفاتش را نیز یاد کرده و ضمنا متذکر شده است که این شخص جدّ پدر مؤلف «نزهه» بوده است از طرف امّ، لذا پدرش قدری اشعار این جد را که بزبان هندی خالص «بهاکا» بوده در کتابش «مهر جهانتاب» گرد آورده است، الخ.

رحمانعلی صاحب نیز که خود این شخص را دیده است در کتاب «تذکره علمای هند: ۱۹۶» یک صفحه‌ئی در احوال او بسان «نزهه» نوشته و نامش در این کتاب هم بظاء نقطه‌دار می‌باشد، و اللّه العالم. م. عفی عنه.

ص: ۲۲۳۶

❊ (۱۳۹۹- تولد میر سید محمد مهدی ۳۱ بید آبادی اصفهانی)❊

---

[۲۱۱] (۱) مخفی نماند که مقصود از رساله مأخذ همان مقدمة الطبع جزء اول کتاب« نزهة الخواطر و بهجة المسامع و النواظر، طبع حیدر آباد، ۱۳۶۶ ق» است بقلم عبد العلی حسنی فرزند سید عبد الحی مؤلف، و در آنجا صریحا واضحا نام صاحب عنوان« محمد طاهر» بطاء بی‌نقطه است، اما در متن کتاب« نزهة الخواطر ۷: ۴۴۵» که مؤلف شرح‌حال او را نوشته هم در عنوان و هم در مطلب« محمد ظاهر» بظاء نقطه‌دار است، و او در آنجا بیش از بیست سطر شرح‌حال دارد و حسب و نسبش را چنین نوشته:

الشیخ العالم الکبیر محمد ظاهر بن غلام جیلانی بن محمد واضح بن محمد صابرین آیة اللّه بن علم اللّه الحسنی الحسینی البریلوی، احد العلماء الربّانیین. سپس تولدش را در شهر« رای بریلی» بسال ۱۱۹۸ و وفاتش را هم در همان شهر بدون ذکر روز و ماه بمرض فالج نوشته و برخی از تألیفاتش را نیز یاد کرده و ضمنا متذکر شده است که این شخص جدّ پدر مؤلف« نزهه» بوده است از طرف امّ، لذا پدرش قدری اشعار این جد را که بزبان هندی خالص« بهاکا» بوده در کتابش« مهر جهانتاب» گرد آورده است، الخ.

رحمانعلی صاحب نیز که خود این شخص را دیده است در کتاب« تذکره علمای هند: ۱۹۶» یک صفحه‌ئی در احوال او بسان« نزهه» نوشته و نامش در این کتاب هم بظاء نقطه‌دار می‌باشد، و اللّه العالم. م. عفی عنه.

وی فرزند حاج سید محمد علی ۳۰ (۱۲۸۲) و خود از اهل علم و ادب بوده، و در این سال متولد شده، و کتاب کوچکی بنام «غرقاب» در سنه ۱۳۰۳- که همان کلمه غرقاب ماده تاریخ تألیف است- در احوال بعضی علماء از حدود (۱۰۰۰ هجری) تا زمان خود تألیف نموده، چنانکه در «مجله یادگار س ۵ ش ۱۰ ص ۴۳» فرموده[۲۱۲].

---

(۱) رساله «غرقاب» در تملک مرحوم عباس اقبال آشتیانی بوده و پس از فوتش بکتابخانه دانشکده ادبیات تهران منتقل گردید، وصف نسخه در «فهرست» آن کتابخانه (ص ۳۶۲) مذکور است. بهنگام چاپ این شرح‌حال بجلد دوم کتاب «جامع الانساب» که هنوز بطبع نرسیده است رجوع کردیم، در آنجا این فرزندان را برای صاحب «غرقاب» نوشته بودیم بدون توضیح: ۱- آقا فضل اللّه ۲- آقا محمد ۳- آقا محمود (فقیه) ۴- آقا حسین. باز در اینجا اضافه می‌کنیم که در این اواخر ۷۰ برگی ناقص و نامرتب از یک نسخه خطی «شرح الهدایة الاثیریه» تألیف صدر المتألهین بدست آمد که کاتب در قریب بیست موضع از آن حاشیه‌های مختصر یا مطوّل نوشته و در آخر آنها چنین رقم زده است: «لمولانا الفاضل و استادنا الکامل آقای میرزا محمد مهدی شفتی دام ظله العالی» و امثال این عبارات. گویا این شخص صاحب این عنوان نبوده بلکه عمّ اعظم وی باشد که در (ج ۵ ص ۱۶۱۹) از او یاد شده است. و اللّه العالم بحقایق الاحوال. م. عفی عنه.

ص: ۲۲۳۷

سنه ۱۲۷۹ قمری مطابق سنه ۱۲۴۱ شمسی یکشنبه غره ماه محرم الحرام ۷ سرطان ماه برجی

❊ (۱۴۰۰- تولد شیخ عبد الحسین خیامی آل صادق عاملی)❊

وی فرزند شیخ ابراهیم آل صادق است که در (۱۲۲۱ ج ۳ ص ۷۱۸ ش ۲۹۴) گذشت.

شیخ عبد الحسین از علما و اهل ادب بوده و شعر هم می‌گفته، و در ماه صفر الخیر این سال- چنانکه در «الذریعه ۴: ش ۱۹۸۸» نوشته- مطابق (اسد- سنبله) ماه برجی- در نجف متولد شده، و تألیفاتی نظما و نثرا دارد، از آن جمله کتاب «تنبیه الغافلین» بر عقاید وهّابیین. و پس از مدت هشتاد و یک سال و ده ماه قمری عمر، در ماه ذی الحجة الحرام سنة ۱۳۶۱ هزار و سیصد و شصت و یک- مطابق (آذر- دی) ماه باستانی- وفات کرد. و دو فرزندش شیخ حسن و شیخ محمد تقی هم از علماء و ادباء و شعراء این عصراند، چنان‌که در «شهداء الفضیله» فرموده. و شیخ بشیر شوکینی (۱۳۲۴)- چنانکه در «الذریعه ۹: ش ۸۶۲» نوشته- مرثیه‌ئی برای او گفته.

---

[۲۱۲] (۱) رساله« غرقاب» در تملک مرحوم عباس اقبال آشتیانی بوده و پس از فوتش بکتابخانه دانشکده ادبیات تهران منتقل گردید، وصف نسخه در« فهرست» آن کتابخانه(ص ۳۶۲) مذکور است. بهنگام چاپ این شرح‌حال بجلد دوم کتاب« جامع الانساب» که هنوز بطبع نرسیده است رجوع کردیم، در آنجا این فرزندان را برای صاحب« غرقاب» نوشته بودیم بدون توضیح: ۱- آقا فضل اللّه ۲- آقا محمد ۳- آقا محمود(فقیه) ۴- آقا حسین. باز در اینجا اضافه می‌کنیم که در این اواخر ۷۰ برگی ناقص و نامرتب از یک نسخه خطی« شرح الهدایة الاثیریه» تألیف صدر المتألهین بدست آمد که کاتب در قریب بیست موضع از آن حاشیه‌های مختصر یا مطوّل نوشته و در آخر آنها چنین رقم زده است:« لمولانا الفاضل و استادنا الکامل آقای میرزا محمد مهدی شفتی دام ظله العالی» و امثال این عبارات. گویا این شخص صاحب این عنوان نبوده بلکه عمّ اعظم وی باشد که در(ج ۵ ص ۱۶۱۹) از او یاد شده است. و اللّه العالم بحقایق الاحوال. م. عفی عنه.

ص: ۲۲۳۸

❊ (۱۴۰۱- تولد میرزا محمود ۳۶ مرعشی تبریزی)❊

وی سید شمس الدین فرزند سید علی ۳۵ سید الاطباء (۱۲۰۲ ج ۱ ص ۱۳۳ ش ۷۶) و خود از علما و فقهاء عصر ما بود و در علم نسب و رجال و تاریخ و فقه و اصول از اجله فحول بشمار می‌آمد. و همانا او در ماه صفر المظفر اینسال، چنان‌که در نامه‌ئی که شیخ حسین آل محفوظ[۲۱۳] بآقای سید محمد علی روضاتی در (۱۰ ع ۱/ ۱۳۷۴) نوشته ذکر شده- مطابق (سرطان- اسد) ماه برجی- در نجف متولد شده، و در نزد چندین نفر از علما درس خوانده، و از چند نفر از آن جمله پدر خود اجازت روایت گرفته، و هم چندین نفر را از فیض تدریس و اجازت روایت بهره‌مند نموده، از آن جمله فرزندش آقای نجفی (۱۳۱۵)، و چندین کتاب تألیف کرده: اول کتاب «تراجم علماء سادات» دویم کتاب «مشجرات» در انساب که آنرا در «الذریعه ۲: ش ۱۵۰۹» بعنوان «الانساب» ذکر کرده.

و آخر در سنه ۱۳۳۸ هزار و سیصد و سی و هشت در نجف وفات کرده، چنان‌که در شماره مرقومه جلد مذکور «الذریعه» فرموده، و نیز در دو نامه که فرزند مرقومش در (۴ ج ۲/ ۱۳۵۷) و (۱۱ ج ۲/ ۱۳۶۶) باین فقیر نوشته ذکر شده. پس این‌که در مجله مبارکه «المرشد. س ۱ ش ۳» در سنه ۱۳۳۷ نوشته اشتباه است. و معلوم شد که فرزند او آقای نجفی در (۱۳۱۵) می‌آید.

---

(۱) دانشمند گرامی دکتر حسین علی محفوظ کاظمینی. م.

ص: ۲۲۳۹

❊ (۱۴۰۲- وفات میرزا سید جعفر خان، مشیر الدوله، ره)❊

وی فرزند مرحوم میرزا محمد تقی وزیر حسینی تبریزی است که پدرش میرزا محمد تقی در تبریز در زیر دست مرحوم میرزا بزرگ قائم‌مقام (۱۲۳۷ ج ۴ ص ۱۰۴۰ ش ۵۱۴) کار می‌کرده، و خود میرزا جعفر خان از رجال باهوش و کاردان ایران و در وطن‌پرستی و پیش‌بینی و سیاست تبرّزی تمام داشته و علاوه بر آنها در ریاضیات قدیمه و جدیده سرآمد اقران خود بوده.

شرح‌احوال وی در شماره ۷ س ۲ «مجله یادگار: ۴۳- ۵۰» نوشته و خلاصه آن این میشود که: او در تبریز علوم مقدماتی ادبی و عربی را درس خوانده و هم برخی از علوم جدیده را در آن شهر یاد گرفت، آن‌گاه در ۱۰ ج ۲ سنه ۱۲۳۰ با چهار نفر دیگر بأمر نایب السلطنه برای تحصیل بانگلستان رفت، و نخستین بار که از ایران برای تحصیل علم کسی باروپا رفت آنها بودند، و در ۲۹ شوال بخاک انگلستان رسیدند، و در غره شوال ۱۲۳۴ از آنجا حرکت کرده و در (صفر- ع ۱) سنه ۱۲۳۵ بتبریز رسیدند.

---

[۲۱۳] (۱) دانشمند گرامی دکتر حسین علی محفوظ کاظمینی. م.

و میرزا جعفر خان از طرف نایب السلطنه بعنوان مهندسی بتعلیم فنون ریاضی منصوب و پس از چندی ملقب به مهندس‌باشی و یکی از دیهات آذربایجان بعنوان تیول ابدی درباره وی برقرار گردید، و بعد از چندی بلقب خانی و مشیر الدوله سرافراز شد و تا سنه ۱۲۵۲ در دستگاه نایب السلطنه و محمد شاه بود و در این سال به سفارت دربار عثمانی منصوب گشته و تا سنه ۱۲۵۹ بدین سمت در اسلامبول اقامت داشت، و در این سال حاج میرزا آقاسی وی را برای عضویت در مجلس صلحی که بنا بود در ارزنة الروم «در اثر قتل و غارتی که در سنه ۱۲۵۷ نجیب پاشا در کربلا بعمل آورده بود» مرکّب از نمایندگان چهار دولت (ایران، عثمانی، روس، انگلیس) تشکیل شود طلب کرد و او بایران بازگشت و از تهران بدین عنوان بارزنة الروم رهسپار شد، و چون بتبریز رسید در ۲۳ ذی الحجه این سال بیماری سختی بوی دست داد و ناچار میرزا تقیخان امیر بجای او بارزنة الروم رفت و میرزا جعفر خان پس از بهبودی در تبریز ماند، و همواره بخدمت‌گذاری ناصر الدین شاه که در آن وقت ولیعهد بود بسر

ص: ۲۲۴۰

می‌برد، تا این‌که در سنه ۱۲۶۵ برای رفع اختلاف سرحدّی بین ایران و عثمانی ببغداد رفت و این اختلاف تا سنه ۱۲۷۱ بطول انجامید و از آن پس وی بایران آمد.

و چون در محرم سنه ۱۲۷۵ ناصر الدین شاه میرزا آقا خان نوری صدر اعظم را از صدارت انداخت و امور دولتی را در تحت تدبیر شش وزارتخانه و هیئت شورای وزراء نهاد میرزا جعفر خان را در غرّه صفر رئیس آن هیئت نمود، و او تا سنه ۱۲۷۷ بدان سمت برقرار بود، و در این سال با حفظ این عنوان بعنوان سفارت فوق العاده بلندن رفت، و پس از یک سال در اوائل سنه ۱۲۷۸ بتهران برگشت، و در ذی الحجه این سال باز با حفظ ریاست شوری متولّیباشی مشهد مقدس شده و بدان زمین برین حرکت کرد، و چیزی نگذشت که در ماه جمادی الاخره این سال- مطابق (قوس- جدی) ماه برجی- هم در آن شهر شریف وفات کرد، و در دار الحفّاظ در ممرّ خزانه دفن شد[۲۱۴].

و او در عبارات فارسی‌نوشتن تخصصی بسزا داشته و تألیفاتی دارد:

اول کتاب «تحقیقات سرحدیه» در وقایع تعیین سرحد بین ایران و عثمانی. دویم کتاب «خلاصة الحساب» بطرز حساب جدید که آنرا در سنه ۱۲۶۲ بنام محمد شاه تألیف کرده، و آن نخستین کتابی است که بپارسی بطرز حساب جدید تألیف شده.

و ظاهرا وی نخستین کس باشد که در دولت قاجاریه لقب مشیر الدوله یافته، و پس از آن دویم: حاجی میرزا حسینخان سپه سالار که در (۱۲۴۱ ج ۴ ص ۱۱۴۲ ش ۶۰۲) گذشت، و سیم: برادرش یحیی خان معتمد الملک که در (۱۲۴۳ ج ۴ ص ۱۲۰۱ ش ۶۳۰) گذشت، چهارم: حاجی میرزا محسن خان (۱۳۱۷)، پنجم:

---

[۲۱۴] (۱) شرح‌حال صاحب عنوان در« تاریخ رجال ایران ۱: ۲۴۱- ۲۴۴» و نیز در« صدر التواریخ» مذکور است. م.

میرزا نصر اللّه خان نائینی (۱۳۲۵)، ششم: میرزا حسنخان فرزندش (۱۲۹۰)، که اینها هر یک پس از دیگری این لقب را یافته و بشرح‌حال هر یک در این کتاب اشاره شده و میشود. و فهرست اسماء متولیان مشهد در (۱۲۲۰ ج ۳ ص ۷۰۶ تا ۷۱۵ ش ۲۹۱) گذشت.

---

(۱) شرح‌حال صاحب عنوان در «تاریخ رجال ایران ۱: ۲۴۱- ۲۴۴» و نیز در «صدر التواریخ» مذکور است. م.

ص: ۲۲۴۱

❊ (وفات سعید پاشای مصری)❊

۲۶ رجب، شرح احوال او در (۱۲۳۷ ج ۴ ص ۱۰۴۶ ش ۵۱۹) گذشت.

❊ (۱۴۰۳- تولد مرحوم میرزا محمد مهدی ۳۳ خان بدایع نگار تفریشی، ره)❊

وی فرزند مرحوم میرزا مصطفی ۳۲ وکیل لشگر ابن میرزا حسن ۳۱ بن محمد مخدوم مرتضی ۳۰ بن میر مصطفی ۲۹ بن محمد مخدوم مرتضی ۲۸ بن میر داود ۲۷ بن میر اسمعیل ۲۶ بن میر محمد حسین ۲۵ بن میر فضل اللّه ۲۴ بن نظام الدین حبیب اللّه ۲۳ ابن جعفر ۲۲ بن تاج الدین حسن ۲۱ بن فخر الدین علی ۲۰ بن رضی الدین مرتضی ۱۹ بن زین الدین علی ۱۸ بن شمس الدین محمد ۱۷ بن صدر الدین ۱۶ بن امین الدین ۱۵ بن ابراهیم ۱۴ بن شرف الدین یحیی ۱۳ بن شمس الدین محمد ۱۲ بن ابراهیم ۱۱ بن زین الدین عبد اللّه ۱۰ بن علی ۹ البرطلة حسینی (ره) است.

حضرت علی ۹ البرطلة در (۱۲۴۲ ج ۴ ص ۱۱۶۴ ش ۶۱۳) گذشت.

و میر داود ۲۷ از حکما و عرفا و صاحب تألیفات و کرامات بوده و قبرش در تفرش مشهور است.

فرزندش محمد مخدوم مرتضی ۲۸ در سنه ۱۱۲۵ کتابی بنام «عقد الدرر» تألیف کرده و مادرش دختر مرحوم میر مصطفی صاحب «نقد الرجال» بوده.

و مرحوم میرزا مصطفی ۳۲ وکیل لشگر از اعیان زمان ناصر الدین شاه بوده و در شب یک‌شنبه ۱۹ ع ۲ سنه ۱۲۹۸ وفات نموده، و فرزندانی داشته: یکی حاج میرزا محمد علی خان ۳۳ امیر الدوله که در سنه ۱۲۷۱ متولد شده و از عرفاء با محبت گردیده و در شب ۴ شنبه ۱۷ ماه رمضان سنه ۱۳۳۹ وفات یافته و جنازه او را حمل بکربلا نموده و نزد پدرش دفن کردند، چنان‌که در «نابغه علم و عرفان: ۳۴۹» فرموده.

و دیگر: مرحوم میرزا محمد مهدی خان ۳۳ صاحب این عنوان که او از علماء

ص: ۲۲۴۲

«دستخط مبارک شیخ شهید نوری طاب ثراه در تقریظ بدایع الانوار» ترجمه و تصویر شخص لاهوتی در تاریخ رجال ایران ۶: ۲۷۳ نیز هست. م.

ص: ۲۲۴۳

و اهل فضل و کمال این زمان و ملقب به بدایع‌نگار بود و شعر هم می‌گفت و تخلص لاهوتی و مخلص می‌نمود، چنان‌که در «شمس التواریخ: ۱۰۰» و «نابغه علم و عرفان: ۳۴۹» و «الذریعه ۹: ص ۹۴۰ ش ۶۱۸۴ و ص ۱۰۲۰ س ۱۸» بعنوان «مخلص» نوشته‌اند.

و او در هشت ساعتی شب یک‌شنبه بیست و هفتم ۲۷ ماه رجب الفرد این سال- مطابق ۲۸ جدی ماه برجی- متولد شده، و در سنه ۱۳۰۱ از طرف ناصر الدین شاه لقب بدایع‌نگار یافت، و چندین کتاب در علوم متفرقه تألیف کرده که در جزء ۱۳ ج ۱۴ «اعیان الشیعه» برخی از آنها را نوشته، از آن جمله:

اول کتاب «بدایع الانوار» در احوال هفتمین ائمه اطهار (ع) یعنی حضرت کاظم صلوات اللّه علیه، انجام تألیفش ۲ شنبه ۴ ع ۱ سنه ۱۳۰۲ و در آنجا تخلص شعری خود را مخلص نوشته. دویم کتاب «ریاض المنجّمین» در هیئت قدیم و جدید و معرفت تقویم رقمی، تألیف آن شوال سنه ۱۳۰۰. سیم کتاب «صراط العارفین» در اصول دین. چهارم کتاب «اللاهوتیه» در شرح «تهذیب منطق» تفتازانی بپارسی. پنجم کتاب «العلائم البدیعه» در علماء شیعه. ششم کتاب «افتضاح الکافرین» در اختلاف عبارات «توریة» و «انجیل» با یکدیگر. هفتم کتاب «حمدان و- نهران» در حکایات مضحکه. هشتم «دیوان اشعار» نزدیک به ده هزار شعر. نهم کتاب «بدایع الاسرار» در اصول دین، انجام تألیف آن شعبان سنه ۱۳۲۹.

و بالاخره در پنجشنبه بیست و پنجم ۲۵ ماه ربیع الاخر سنه ۱۳۶۰ هزار و سیصد و شصت- مطابق اول خردادماه باستانی- وفات کرد و در امامزاده قاسم شمیران دفن شد.

❊ (۱۴۰۴- تولد مرحوم حاجی شیخ المشایخ تهرانی، ره)❊

وی مرحوم حاجی شیخ اسمعیل فرزند مرحوم شیخ محمد تقی دزفولی است که در (۱۲۲۳ ج ۳ ص ۷۷۱ ش ۳۳۹) گذشت. مرحوم حاجی شیخ المشایخ از اهل علم و ادب و عرفان و در علوم عقلی و نقلی با اطلاع و در نقاشی و صحّافی استاد بود، و تخمینا یک ساعت و نیم پیش از ظهر روز پنج‌شنبه بیست و سیم ۲۳ ماه شعبان المعظم

ص: ۲۲۴۴

این سال- مطابق ۲۳ دلوماه برجی- در دزفول متولد شده، و پس از تحصیل علوم و فضائل در تهران سکونت ورزید، و در موقعی که برای توطن بطهران آمد بخدمت عضد الملک نایب السلطنه رسید و مورد لطف او واقع شد، و چنانکه در «نابغه علم و عرفان: ۳۴۴» فرموده در سنه ۱۳۲۲ بوسیله حاج شیخ عبد اللّه مازندرانی مشرف! بفقر و در طریقه تصوف پیرو سلسله گنابدی‌ها شده و ملقب بشیخ المشایخ گردید، چنان‌که هم بمناسبت امیر معز الدین- یکی از اجدادش- به امیر معزّی شهرت

بهم رسانید، و شعر هم می‌گفت، و خط نسخ و نستعلیق را بغایت خوب می‌نوشت، و تألیفات چندی دارد، از آن جمله «رساله‌ئی در احوال خودش و پدرش».

و او در زمان احمد شاه رئیس کتابخانه سلطنتی شد و پس از خلع آن پادشاه آنچه خواستند وی را بدان کار وادارند نپذیرفت.

و این فقیر در تهران مکرر او را دیدار کردم و پس از مراجعت این فقیر چند سالی حیات داشت، تا اینکه در عید غدیر سنه ۱۳۵۹ مبتلا بذات الریه گردیده و در اثر آن پس از مدت هشتاد سال و چهار ماه قمری و هفت روز عمر، در شب چهارشنبه غره ماه محرم الحرام سنه ۱۳۶۰ هزار و سیصد و شصت- مطابق ۹ بهمنماه باستانی- در تهران وفات کرد و نعش او را با تجلیلی تمام برداشته و حسب الوصیة در قریه ونک نزد مرحوم مستوفی الممالک دفن کردند. و در کتاب «نابغه» گوید: وی یک روز قبل از فوت این مصرع را برای ماده تاریخ خود گفت: حسن المشایخ فی جنان اللّه. انتهی.

و فرزندی از او بازماند که در وقت وفات پدر در رشت رفته بود.

و از جمله تألیفات او کتابی است بنام «نوادر الامیر» در حکایات مربوط بامیر کبیر چنانکه در کتاب «امیر کبیر» تألیف میرزا حسین مکّی در (چاپ ۲ ص ۱۸۴) نوشته، و آنجا گوید: فرزندش آقای مهندس ضیاء الدین امیر معزی است، انتهی.

ص: ۲۲۴۵

❊ (۱۴۰۵- تولد حاج سید محمد، حضر موتی علوی)❊

وی فرزند سید عقیل بن عبد اللّه بن عمر بن یحیی حسینی و خود از جمله علماء این عصر در یمن بوده که در ماه شعبان المعظم[۲۱۵] این سال، چنانکه در «فهرست کتابخانه رضویه (ع) ۵: ۳۳۹» نوشته- مطابق (دلو- حوت) ماه برجی- در شهرستان مسلیه[۲۱۶] آل شیخ متولد شده، و مسافرت‌های زیادی برای تحصیل علم و تجارت بممالک مشرق و مغرب نموده، و کتب چندی تألیف فرموده، از آن جمله:

اول کتاب «احادیث المختار» در معالی کرّار، که در «الذریعه» ذکر کرده.

---

[۲۱۵] (۱) در دو روز مانده از آن ماه، چنانکه در شرح‌حال بسیار خوب و مفصل صاحب عنوان در« اعیان الشیعه ۴۵: ۳۰۹ ببعد» گفته و صورت نسبش را نیز چنین آورده است:

محمد بن عقیل بن عبد اللّه بن عمر بن ابی بکر بن عمر بن طه بن محمد بن شیخ بن احمد بن یحیی بن حسن بن علی بن علوی بن محمد مولی الدویله(مذکور در ج ۵ ص ۱۶۷۴).

مآخذ دیگر:« الاعلام زرکلی ۷: ۱۵۱» و« مؤلفین کتب چاپی ۵: ۵۹۸» و مصادر آنها و رجوع بشماره(۱۴۳۵) کتاب حاضر نیز فرمایند. م. عفی عنه.

[۲۱۶] (۲) چنین است در« فهرست رضویه» که منحصرا از مقدمه« النصائح الکافیه» نقل کرده و گویا اشتباه چاپی است زیرا در مقدمه یادشده و مقدمه« تقویة الایمان» و« اعیان الشیعه» مکررا مسیله- بتقدیم یاء بر لام- است. م. عفی عنه.

دویم کتاب «نصائح الکافیه»[۲۱۷] برای دوستدار معاویه، در مثالب آن ملعون و ردّ بر قائل بحرمت لعن او، انجام تألیف آن ۱۱ صفر سنه ۱۳۲۶.

و آخر در سنه ۱۳۵۰ هزار و سیصد و پنجاه در مکلاء یمن وفات کرد[۲۱۸].

---

(۱) در دو روز مانده از آن ماه، چنانکه در شرح‌حال بسیار خوب و مفصل صاحب عنوان در «اعیان الشیعه ۴۵: ۳۰۹ ببعد» گفته و صورت نسبش را نیز چنین آورده است:

محمد بن عقیل بن عبد اللّه بن عمر بن ابی بکر بن عمر بن طه بن محمد بن شیخ بن احمد بن یحیی بن حسن بن علی بن علوی بن محمد مولی الدویله (مذکور در ج ۵ ص ۱۶۷۴).

مآخذ دیگر: «الاعلام زرکلی ۷: ۱۵۱» و «مؤلفین کتب چاپی ۵: ۵۹۸» و مصادر آنها و رجوع بشماره (۱۴۳۵) کتاب حاضر نیز فرمایند. م. عفی عنه.

(۲) چنین است در «فهرست رضویه» که منحصرا از مقدمه «النصائح الکافیه» نقل کرده و گویا اشتباه چاپی است زیرا در مقدمه یادشده و مقدمه «تقویة الایمان» و «اعیان الشیعه» مکررا مسیله- بتقدیم یاء بر لام- است. م. عفی عنه.

---

[۲۱۷] (۳) نصایح، کتابی است بسیار نفیس و ممتّع و آموزنده که فراغت از تألیفش شب شنبه ۱۱ صفر ۱۳۲۶ در شهر سنگاپور بوده و نخست در چاپخانه سنگی« مطبع مظفری بمبئی» بخط« نخبة الکتّاب محمد علی بن آقا محمد کاظم لاری» در ماه آخر همان سال نوشته و بطبع رسیده است؛ اسم و عنوان کتاب و مؤلف در صفحه اول آن چاپ چنین است:-

[۲۱۸] (۴) در« اعیان الشیعه» وفات را صبح سه‌شنبه ۱۳ ربیع یکم از سال مرقوم در الحدیده یمن نوشته و گوید محاکم سه روز در سراسر یمن بعزای او تعطیل بود. و هم در آنجا فرزندی برای صاحب عنوان بنام سید علی نوشته است. م. عفی عنه.-« کتاب النصائح الکافیة لمن یتولّی معاویة. جمع جامع الفواضل و الفضائل و سلالة السادة العلویة الأماثل، الناطق بلسان الصدق فی الاخرین و الصادع بالحق لایخاف فی ذلک لومة اللائمین، السید الجلیل محمد بن عقیل بن عبد اللّه عمر[کذا] بن یحیی العلوی الحسینی» الخ.

چاپ مزبور با ملحقات و فهرس در ۲۲۴ صفحه وزیری و چاپ دوم بسال ۱۳۶۷ در مطبعة النجاح بغداد شامل ۲۳۶ صفحه با یک مقدمه ۱۲ صفحه‌ئی در معرفی کتاب و مؤلف است و اخیرا نیز در ۱۳۸۶ در نجف اشرف تجدید چاپ شد.

زمانی که چاپ اول آن کتاب شریف منتشر گردید مخالفان حق ردّی بر آن نوشته و چاپ زدند، لذا علامه جلیل، دوست و استاد و وکیل مؤلف، یعنی سید ابو بکر بن عبد الرحمن بن شهاب الدین علوی حسینی حضرمی- استاد مدرسه دار العلوم حیدرآباد دکن- بآن معترضان معاند پاسخهای دندان‌شکن داده و دو کتاب نفیس مهم در آن زمینه تألیف و منتشر نمود بنامهای« وجوب الحمیة عن مضار الرقیه» در ۱۱۲ صفحه؛ چاپ مطبعه امام، سنگاپور ۱۳۲۸، و« الشهاب الثاقب علی السّباب الکاذب» که در شرح‌حال وی(ج ۵ ص ۱۶۷۴) یاد شد؛ و در اینجا اضافه می‌کنیم که سید ابو بکر مرحوم از مرثیه‌سرایان حضرت سید الشهداء علیه السلام نیز بوده و نمونه اشعارش بنقل از« دیوان شعر» مطبوع او در کتاب« ادب الطف ۹: ۴۸- ۵۶» موجود است. ایضا رجوع شود به« الاعلام ۲: ۶۵» چاپ رحلی.

تألیفات مهم دیگر صاحب عنوان: ۱-« العتب الجمیل علی اهل الجرح-- و التعدیل» که بسال ۱۳۴۲ در سنگاپور تألیف و چاپ شده و کتابی فوق العاده مهم بوده و نسخ آن اکنون نایابست. ۲-« تقویة الایمان» ۳-« النزاع و التخاصم» که این دو نیز بسال ۱۳۴۲ در صیدا و سپس بسال ۱۳۸۶ در نجف اشرف با مقدمه‌ئی تجدید چاپ گردید. تمامی آثار این دانشمند بزرگ از غنائم روزگار است و عموم متکلمان زمان ما از آنها بهره کامل گرفته‌اند. جزاهم اللّه خیرا.

(۳) نصایح، کتابی است بسیار نفیس و ممتّع و آموزنده که فراغت از تألیفش شب شنبه ۱۱ صفر ۱۳۲۶ در شهر سنگاپور بوده و نخست در چاپخانه سنگی «مطبع مظفری بمبئی» بخط «نخبة الکتّاب محمد علی بن آقا محمد کاظم لاری» در ماه آخر همان سال نوشته و بطبع رسیده است؛ اسم و عنوان کتاب و مؤلف در صفحه اول آن چاپ چنین است:-

(۴) در «اعیان الشیعه» وفات را صبح سه‌شنبه ۱۳ ربیع یکم از سال مرقوم در الحدیده یمن نوشته و گوید محاکم سه روز در سراسر یمن بعزای او تعطیل بود. و هم در آنجا فرزندی برای صاحب عنوان بنام سید علی نوشته است. م. عفی عنه.

ص: ۲۲۴۶

شنبه غره ماه شوال سنه ۱۲۴۲ شمسی

المکرّم «عید فطر» اول حمل ماه برجی

❊ (۱۴۰۶- تولد ابراهیم حقی پاشای استانبولی)❊

وی فرزند محمد رمزی گرجی است که پدرش محمد از نخست اسلام آورده

- «کتاب النصائح الکافیة لمن یتولّی معاویة. جمع جامع الفواضل و الفضائل و سلالة السادة العلویة الأماثل، الناطق بلسان الصدق فی الاخرین و الصادع بالحق لایخاف فی ذلک لومة اللائمین، السید الجلیل محمد بن عقیل بن عبد اللّه عمر [کذا] بن یحیی العلوی الحسینی» الخ.

چاپ مزبور با ملحقات و فهرس در ۲۲۴ صفحه وزیری و چاپ دوم بسال ۱۳۶۷ در مطبعة النجاح بغداد شامل ۲۳۶ صفحه با یک مقدمه ۱۲ صفحه‌ئی در معرفی کتاب و مؤلف است و اخیرا نیز در ۱۳۸۶ در نجف اشرف تجدید چاپ شد.

زمانی که چاپ اول آن کتاب شریف منتشر گردید مخالفان حق ردّی بر آن نوشته و چاپ زدند، لذا علامه جلیل، دوست و استاد و وکیل مؤلف، یعنی سید ابو بکر بن عبد الرحمن بن شهاب الدین علوی حسینی حضرمی- استاد مدرسه دار العلوم حیدرآباد دکن- بآن معترضان معاند پاسخهای دندان‌شکن داده و دو کتاب نفیس مهم در آن زمینه تألیف و منتشر نمود بنامهای «وجوب الحمیة عن مضار الرقیه» در ۱۱۲ صفحه؛ چاپ مطبعه امام، سنگاپور ۱۳۲۸، و «الشهاب الثاقب علی السّباب الکاذب» که در شرح‌حال وی (ج ۵ ص ۱۶۷۴) یاد شد؛ و در اینجا اضافه می‌کنیم که سید ابو بکر مرحوم از مرثیه‌سرایان حضرت سید الشهداء علیه السلام نیز بوده و نمونه اشعارش بنقل از «دیوان شعر» مطبوع او در کتاب «ادب الطف ۹: ۴۸- ۵۶» موجود است. ایضا رجوع شود به «الاعلام ۲: ۶۵» چاپ رحلی.

تألیفات مهم دیگر صاحب عنوان: ۱- «العتب الجمیل علی اهل الجرح-

و سپس رئیس انجمن شهرداری اسلامبول گردید. و ابراهیم حقی پاشا از فضلاء و اهل علم و یکی از رجال سیاسیون دولت عثمانی بوده.

شرح‌احوالش در جلد اول کتاب «فرهنگنامه پارسی: ۴۰۳ و ۴۰۴» نوشته و از آن چنین برآید که: وی در شنبه بیست و دویم ماه شوال المکرم این سال- مطابق ۲۲ حمل ماه برجی- در محله بشیک طاش استانبول متولد شده و پس از رشد بتحصیل پرداخته و شطری مهم از علوم ادب و حقوق و تاریخ و ألسنه خارجه فراهم ساخت و سپس در کارهای دولتی و سیاسی وارد شده، تا در سلخ ذی الحجه سنه ۱۳۲۷ وزیر اعظم دولت عثمانی گردید، و کتب چندی تألیف کرد:

اول کتاب «تاریخ حقوق بین الدول» مختصرا. دویم کتاب «تاریخ عثمانی» که با شرکت محمد عزمی برای مدارس متوسطه نوشته. سیم کتاب «تاریخ عمومی» در سه جلد از قدیم الزمان تا قرن ۱۶ میلادی. چهارم کتاب «حقوق اداره» که گرانبهاترین تألیفات او است. پنجم کتاب «مختصر اسلام تاریخی» که نیز با محمد عزمی برای مدارس متوسطه نوشته‌اند. ششم کتاب «مختصر تاریخ عثمانی». هفتم کتاب «مدخل حقوق دول»[۲۱۹].

- و التعدیل» که بسال ۱۳۴۲ در سنگاپور تألیف و چاپ شده و کتابی فوق العاده مهم بوده و نسخ آن اکنون نایابست. ۲- «تقویة الایمان» ۳- «النزاع و التخاصم» که این دو نیز بسال ۱۳۴۲ در صیدا و سپس بسال ۱۳۸۶ در نجف اشرف با مقدمه‌ئی تجدید چاپ گردید. تمامی آثار این دانشمند بزرگ از غنائم روزگار است و عموم متکلمان زمان ما از آنها بهره کامل گرفته‌اند. جزاهم اللّه خیرا.

(۱) این شرح‌حال، مختصری است از نوشته مرحوم سعید نفیسی در «فرهنگنامه پارسی» و در آنجا نیز تاریخ فوت صاحب ترجمه ذکر نشده است. برای اطلاع بیشتر رجوع به همان مأخذ و «دائرة المعارف اسلامی. ترجمه مرحوم محمد علی خلیلی ۱: ۸۵» و «دانشنامه ایران و اسلام ۱: ۳۵۸» شود. در این مأخذ متأخر گوید: «ابراهیم حقی پاشا در ۲۹ ژویه ۱۹۱۸ در برلن درگذشت و در ۷ اوت در گورستان یحیی افندی در بشکطاش بخاک سپرده شد» انتهی. در «تقویم حاج نجم الدوله» است که ۲۹ ژویه ۱۹۱۸ م دوشنبه بیستم شوال المکرم ۱۳۳۶ مطابق ۶ اسد ۱۲۹۷ بوده، و هفتم اوت آنسال چهارشنبه ۲۹ همان ماه شوال و ۱۵ برج مذکور است. م. عفی عنه.

---

[۲۱۹] (۱) این شرح‌حال، مختصری است از نوشته مرحوم سعید نفیسی در« فرهنگنامه پارسی» و در آنجا نیز تاریخ فوت صاحب ترجمه ذکر نشده است. برای اطلاع بیشتر رجوع به همان مأخذ و« دائرة المعارف اسلامی. ترجمه مرحوم محمد علی خلیلی ۱: ۸۵» و« دانشنامه ایران و اسلام ۱: ۳۵۸» شود. در این مأخذ متأخر گوید:« ابراهیم حقی پاشا در ۲۹ ژویه ۱۹۱۸ در برلن درگذشت و در ۷ اوت در گورستان یحیی افندی در بشکطاش بخاک سپرده شد» انتهی. در« تقویم حاج نجم الدوله» است که ۲۹ ژویه ۱۹۱۸ م دوشنبه بیستم شوال المکرم ۱۳۳۶ مطابق ۶ اسد ۱۲۹۷ بوده، و هفتم اوت آنسال چهارشنبه ۲۹ همان ماه شوال و ۱۵ برج مذکور است. م. عفی عنه.

ص: ۲۲۴۸

❊ (وفات میرزا آقا خان نوری، صدر اعظم- ره)❊

۲۲۰

❊ (وفات عبد الغنی ابن جمیل بغدادی)❊

۹ ذی الحجه. شرح احوال او در (۱۱۹۴ ج ۱ ص ۲۴ ش ۱۰) گذشت.

❊ (۱۴۰۷- وفات امیر دوستمحمد خان افغان)❊

در «ماهنامه وحید ۵: ۶: ۵۴: ۵۴۷» شرحی درباره امیر دوستمحمد افغان نوشته بمفاد اینکه: وی در سه‌شنبه بیست و یکم ماه ذی الحجة الحرام اینسال در هرات وفات نموده و در جوار مرقد خواجه عبد اللّه انصاری دفن شده، و پسران متعددی از او بجای ماند که یکی از آنها امیر شیر علیخان بود که هرچند وی بزرگتر از دیگران نبود لیکن سمت ولایت عهدی پدر را او داشت، و انگلیسها کمک بوی نموده تا تخت و تاج را تصاحب نموده، تا در ۲۹ صفر ۱۲۹۶- چنان‌که بیاید- وفات کرد.

---

(۱) تاریخ فوت میرزا آقا خان را مرحوم مؤلف ابتداء در «فرهنگنامه پارسی» سعید نفیسی دیده که آنجا در ۲ ذی الحجه ۱۲۷۹ نوشته و لذا شرح‌حال او را در این موضع مفصلا آورده بود، پس از گذشت سالها در «ماهنامه وحید» دیده‌اند که میرزا آقا خان در ۱۲ شوال ۱۲۸۱ وفات یافته، علیهذا ترجمه دیگری اما مختصر در آن سال برایش ترتیب داده‌اند که چون (۱۲۸۱) معتبرتر می‌باشد لذا شرح‌حال سابق این موضع نیز بدانجا منتقل گردید. م. عفی عنه.

ص: ۲۲۴۹

❊ (وفات میرزا ابو الحسنخان مجتهد فسائی)❊

ذی الحجه. شرح احوال او در (۱۲۲۱ ج ۳ ص ۷۲۰ ش ۲۹۵) گذشت.

❊ (وفات شیخ ابراهیم قفطان نجفی)❊

شرح احوال او در (۱۱۹۹ ج ۱ ص ۹۶ ش ۴۷) گذشت.

---

[۲۲۰] (۱) تاریخ فوت میرزا آقا خان را مرحوم مؤلف ابتداء در« فرهنگنامه پارسی» سعید نفیسی دیده که آنجا در ۲ ذی الحجه ۱۲۷۹ نوشته و لذا شرح‌حال او را در این موضع مفصلا آورده بود، پس از گذشت سالها در« ماهنامه وحید» دیده‌اند که میرزا آقا خان در ۱۲ شوال ۱۲۸۱ وفات یافته، علیهذا ترجمه دیگری اما مختصر در آن سال برایش ترتیب داده‌اند که چون(۱۲۸۱) معتبرتر می‌باشد لذا شرح‌حال سابق این موضع نیز بدانجا منتقل گردید. م. عفی عنه.

❊ (۱۴۰۸- وفات حاج میرزا ابو القاسم ۳۳ شیخ الاسلام تبریزی)❊

وی فرزند حاج میرزا علی اصغر ۳۲ (۱۲۷۸ ص ۲۲۲۵ ش ۱۳۹۲)، و خود از علماء آذربایجان و بعد از پدر شیخ الاسلام آن سامان بوده، در «شجره‌نامه سادات وهابی‌ها: ۴۳» نوشته که او شخص متشخص صاحب شرف و همت و بزرگ فطرت و رئیس خانواده شیخ الاسلام و در سفر طهران همراه پدر خود بوده و بعد از انقضاء توقیف بتبریز برگشته و در اینسال وفات نموده، و قنات میرزا ابو القاسم در تبریز از آثار او است، انتهی بتغییر یسیر.

آنگاه در (ص ۲۴) سه نفر فرزند برای او آورده که یکی از آنها: میرزا عطاء اللّه ۳۴ (۱۲۵۸ ج ۵ ص ۱۵۷۱ ش ۹۳۱) است.

و دیگری حاج میرزا رضا آقا ۳۴ مجتهد است که در (ص ۴۴) شرحی درباره او نوشته بخلاصه اینکه: وی از معاریف این سلسله جلیله و از اهل حال بوده، و در بدایت امر بعنوان تحصیل بنجف رفته و در سنه ۱۳۰۰ بعد از فراغت از آن با عزتی فوق العاده بتبریز برگشت، و در عهد خویش بغایت با همت و متنفذ بوده. و در سنه ۱۳۳۰ که دولت روسیه بعنوان طرفداری از محمد علیشاه بر آذربایجان مستولی گردید

ص: ۲۲۵۰

و بنای قتل عام نهاد وی با جمعی از آقایان و علما بقریه باسنج که بطرف شرقی شهر در راه طهران است رفت و با رئیس قشون روس مخابره و قتل عام را برطرف نمود.

آن‌گاه فرماید: همانا این سلسله از پانصد سال قبل باین طرف با دول هم‌جوار آذربایجان یعنی ترکیه و روسیه همیشه در زدوخورد بوده‌اند و این دفاع و زدوخورد با آنها در این طایفه مانند ارث بوده، و باستدعا و تمنای رجال سلف این خانواده سلاطین ماضیه تبریز را دار السلطنه و ولیعهدنشین نموده‌اند.

و بالاخره وفات او را در سنه ۱۳۳۲ ذکر کرده.

آن‌گاه در ص ۲۴ چندین نفر فرزند برای او آورده که یکی از آنها سید ابو القاسم ۳۵ علامه است که در (۱۲۸۸) بیاید.

و یکی دیگر از فرزندان صاحب عنوان فرخنده ۳۴ بوده که بزوجیت پسر عم خود میرزا سید محمد علی ۳۴ نقیب (۱۳۰۱) درآمده و میر عماد ۳۵ نقیب‌زاده مشایخ از او بهم رسیده.

❊ (۱۴۰۹- وفات سید احمد موسوی کاشانی)❊

وی فرزند سید مهدی و خود بطوری که در «لباب الالقاب: ۶۸» فرموده، عالمی فقیه و جلیل القدر بوده و مرافعات مردم را طی می‌نموده و در نزد حاج ملا محمد مهدی نراقی ثانی درس خوانده و از وی اجازه گرفته، و تألیفات چندی دارد: اول «اجوبه سؤالاتی در بیع تادیات». دویم «رساله‌ئی در اصول دین». و در اینسال در سفر مکه وفات کرده، انتهی.

❊ (۱۴۱۰- تولد ادریس بک راغب سنی مصری)❊

وی فرزند اسمعیل پاشا راغب است که پدرش ناظر داخلی و رئیس سابق مجلس نظّار و خود از وجهاء و فضلاء گروه مصریّین بوده و در این سال- چنان‌که در «معجم المطبوعات: ۴۱۳ با ملاحظه غلطنامه: ۵» نوشته- در قاهره متولد شده و در

ص: ۲۲۵۱

کودکی آثار زیرکی از او ظاهر بود و از این رو پدرش بزرگان معلمین خودی و بیگانه را بخانه آورد و ادریس‌بک در نزد آنها بدرس خواندن پرداخت تالغات عربی و ترکی و فرانسه و انگلیسی را کامل ساخت و در ریاضیات و طبیعیات و شرعیات حظی تمام بهم رسانید و حکومت، وی را نخست در حدود (۱۳۰۶- ۱۳۰۷) نایب قضاوت و سپس قاضی مصر قرار داد. آن‌گاه در حدود (۱۳۰۸- ۱۳۰۹) بجای محمد توفیق پاشا رئیس بزرگ محفل وطنی مصر گردید و کمکی تمام بماسونیه نمود، و در حدود (۱۳۱۲- ۱۳۱۳) مدیر قلیوبیه شده و در آن مجلسی ماسونی بپا کرد.

و وی هماره بدرس و مطالعه می‌پرداخت و کتابخانه‌ئی شامل زیاده بر دو هزار کتاب برای خود فراهم نمود، و کتب چندی تألیف کرد:

اول کتاب «التحفة الراغبیه» در أفعال عربیه، در دو قسمت ۱- در تصاریف أفعال ۲- در معجم أفعال. دویم کتاب «طیب النفس» در معرفت اوقات خمس که آنرا هدیه برای عباس پاشا قرار داده. سیم کتاب «القانون الماسونی» برای مجلس بزرگ.

چهارم کتاب «الموسیقی الشرعی» که آنرا بکمک محمد کامل خلعی در موسیقی ایرانی و فرنگی تألیف کرده.

❊ (۱۴۱۱- جلوس اسمعیل پاشای مصری)❊

وی فرزند ابراهیم پاشا است که در (۱۲۰۴ ج ۱ ص ۱۵۸ ش ۹۱) گذشت و از جمله سلاطین مصر بوده. نوشته‌اند که وی در سنه ۱۸۳۰ متولد شده و در این سال بعد از وفات سعید پاشا بزمامداری مصر رسید و در سنه ۱۸۷۹ از آن خلع شده و در سنه ۱۸۹۵ وفات کرده.

و چون تحقیقا سال تولد و وفات وی- بقمری- بر ما معلوم نشد از احوال وی بدین چند کلمه در این عنوان اکتفا کردیم[۲۲۱]

---

(۱) شرح‌حال «الخدیوی اسماعیل» در «الاعلام ۱: ۳۰۲» تألیف خیر الدین زرکلی با ذکر مآخذ آمده است و آنجا گوید:

---

[۲۲۱] (۱) شرح‌حال« الخدیوی اسماعیل» در« الاعلام ۱: ۳۰۲» تألیف خیر الدین زرکلی با ذکر مآخذ آمده است و آنجا گوید: ولادتش ۱۲۴۵ وفاتش ۱۳۱۲ و عزل او از مقامش که بأمر انگلستان و فرانسه بوده است بسال ۱۲۹۶ و در اسلامبول وفات یافت و در قاهره بخاک رفت. م. عفی عنه.

ولادتش ۱۲۴۵ وفاتش ۱۳۱۲ و عزل او از مقامش که بأمر انگلستان و فرانسه بوده است بسال ۱۲۹۶ و در اسلامبول وفات یافت و در قاهره بخاک رفت. م. عفی عنه.

ص: ۲۲۵۲

و او چندین نفر فرزند داشته: بزرگ‌تر، محمد توفیق پاشا (۱۳۱۰)، و دیگر سلطان حسین کامل (۱۲۷۰ ص ۱۹۴۳ ص ۱۱۸۴).

❊ (۱۴۱۲- وفات میرزا بابا خوشنویس شیرازی)❊

وی- چنانکه در «فهرست کتابخانه مبارکه رضویه ع: ۶: ۴۵۳ پاورقی» فرموده- سیدی بوده نجیب و از همه خطوط با نصیب، و در اینسال بسن بیست و چهار سالگی وفات نموده[۲۲۲].

❊ (۱۴۱۳- تولد میرزا حسین خوینی قزوینی)❊

وی فرزند مرحوم ملا آقای قزوینی است که در (۱۲۴۷ ج ۴ ص ۱۲۹۶ ص ۶۹۴) گذشت. میرزا حسین از علماء این عصر است و در این سال متولد شده، کتاب «تأملیات» که حاشیه پدرش است بر «ریاض المسائل» از آغاز آن تا مبحث روزه‌اش را در پنج هزار بیت تدوین کرده و باقی آن همین‌طور متفرق مانده است[۲۲۳].

❊ (۱۴۱۴- تولد میرزا حسینخان اعتلاء الدوله اصفهانی)❊

وی از اهل علم و ادب در عصر خود در اصفهان بود، و بطوری‌که در «تاریخ جرائد و مجلات ایران ۱: ۱۸۱» نوشته، در اینسال در طهران متولد شده و پس از کسب معلومات آنزمان بخدمات دولتی مشغول و سال‌ها در وزارت خارجه خدمت کرد تا در

---

(۱) رجوع شود بکتاب «احوال و آثار خوش‌نویسان ۱: ۸۴» تألیف مرحوم دکتر بیانی. م.

(۲) مأخذ این مطالب «الذریعه ۳: ۳۰۱» میباشد. م.

ص: ۲۲۵۳

---

[۲۲۲] (۱) رجوع شود بکتاب« احوال و آثار خوش‌نویسان ۱: ۸۴» تألیف مرحوم دکتر بیانی. م.

[۲۲۳] (۲) مأخذ این مطالب« الذریعه ۳: ۳۰۱» میباشد. م.

سنه ۱۳۲۵ رئیس عدلیه کرمان گردید و در مدت محدودی که بدین سمت در آنجا بود از أعمال خود معنی عدالت را بمردم آن ولایت فهمانید و در اثر آن معزول شده و باصفهان آمد و دو روزنامه بنام «اصفهان» و «نقش جهان» در آن شهر برقرار نمود و در محرم سنه ۱۳۲۸ بعنوان کارگذاری خوزستان بمحمّره رفت و آنجا از حسن کفایت و سیاست وقت دولت ایران را سربلند نمود.

و آخر در اوائل سال هزار و سیصد و سی در کرمانشاه از مظالم سالار الدوله وی را بدار جفا کشیده تیرباران کردند و دو روز نعش او بر دار بود تا شبانه کسان زنانه او بزور پول زیاد بدن پاره‌پاره او را پائین آورده دفن کردند[۲۲۴].

❊ (۱۴۱۵- وفات شیخ حمادی‌کواز شاعر حلی)❊

وی فرزند حمزه آل نوح شمری، و خود از شعراء بزرگ بوده و «دیوانی در أشعار» دارد که آنرا برادرش شیخ صالح‌کواز جمع کرده و از بابت بسیار بودن آنها تمام آنرا جمع ننموده. و شیخ حمادی در اینسال وفات کرده، چنانکه در «الذریعه ۹ ش ۱۵۹۸» فرموده.

و او غیر از شیخ حمادی حلی (۱۳۲۵) است.

❊ (۱۴۱۶- تولد شیخ خزعل خان معزّ السلطنه خوزستانی)❊

وی فرزند حاج جابر خان نصرة الملک بن حاج یوسف بن حاج مرد او محمّره‌ئی است.

شرح احوال شیخ خزعل خان و خانواده او در کتاب «تاریخ پانصد ساله خوزستان» تألیف سید احمد حسینی تبریزی معروف بکسروی (۱۳۰۸) نوشته، و خلاصه آن با ملاحظه برخی از جاهای دیگر چنین می‌شود که محمره در اصل دیهی بوده بجای شهر

---

(۱) برای سالار الدوله رجوع فرمایند بکتاب «زندگانی سردار کابلی: ۱۹۳ ببعد». م.

بیان محمّره خرّمشهر

بیان که در قرون اولیه اسلام از شهرهای خوزستان شمرده می‌شده و بعد ویران گردیده مانند دیهی گردیده و همان دیه را نیز بیان می‌گفته‌اند، تا در مائه سیزدهم نام آن کوت المحمره شده و پس از آن محمره گردیده و صورت شهریّت بخود گرفته و باز

---

[۲۲۴] (۱) برای سالار الدوله رجوع فرمایند بکتاب« زندگانی سردار کابلی: ۱۹۳ ببعد». م.

از شهرهای معتبر خوزستان بشمار آمده، چنان‌که بعد از تألیف تاریخ مرقوم «پانصد ساله» نام آن خرم‌شهر شده و کنون بدین نام معروف است[۲۲۵].

و حاج یوسف مرقوم سرپرست این شهر بوده. و پس از وی فرزندش حاج جابر در زمان فرمانروائی شیخ ثامر کعبی در خوزستان رئیس این شهر و در زمان وی رونق آن زیادتر شده و او در سنه ۱۲۹۹- چنان‌که در «مجلة المجلات» نوشته- یا سال (۱۲۹۷ یا ۱۲۹۸) چنانکه در «تاریخ پانصد ساله» است- در محمره وفات کرد و سه فرزند برجا نهاد:

اول: شیخ محمد که پس از پدر، ناصر الدین شاه فرمان حکمرانی محمره را برای او فرستاد لکن برادرش شیخ مزعل با او نساخته و شیخ محمد تاب طرفیت با برادر را در خود ندید و ترک حکومت گفته از خوزستان ببصره رفت و آنجا نشیمن نمود.

دویم: شیخ مزعل، چنان‌که ناصر الدین شاه لقب نصرة الملک که از پدرش بود بوی داده و بعد از آن او را به عز السلطنه لقب داد که در «المآثر: ۲۳۸ س ۲» باین لقب ذکر شده. و او مانند پدر در ظاهر دولتخواه ایران و در باطن همدست انگلیسیان و از این رو شکوهی تمام در خوزستان بهمرسانید و در حدود ده سال با برادر خود شیخ خزعل صاحب عنوان طرفیت نموده، تا آخر بدستور همین برادر، در ۴ شنبه غره محرم سنه ۱۳۱۵ در کوشک فیلیه محمره کشته شده و گرچه پانزده نفر زن داشت لیکن پسری از خود نگذاشت.

سیم: شیخ خزعل خان صاحب عنوان که از رجال معروف خوزستان در عصر خود و وقایع اخیر او فصلی از تاریخ این ولایت بلکه مملکت ایران را اشغال کرده، چنان‌که شیخ محمد جواد شبیبی (۱۲۸۱) «رساله‌ئی مخصوص احوال او» تألیف نموده.

و او در این سال- چنان‌که در جریده «مجلة المجلات. سال ۶: ۱۷۴» نوشته-

---

(۱) رجوع شود به «دائرة المعارف الاسلامیه ۸: ۱۰۱ ببعد» تألیف آقای عبد العزیز صاحب جواهر. م.

ص: ۲۲۵۵

از بطن دختر طلال- یکی از اشراف عشیره باوی عربستان- متولد شده، و پس از کشته‌شدن مزعل لقب معز السلطنه و سپس سردار اقدس یافت، و در محمره و حدود و اطراف خوزستان نفوذی تمام بهمرسانیده و تموّل و تسلطی غریب پیدا کرد. و بتول خانم دختر حسینقلیخان مافی نظام السلطنه (۱۲۴۸ ج ۴ ص ۱۳۳۴ ش ۷۲۸)، و همچنین دختر برادر عبد المجید میرزای عین الدوله را بزنی گرفت، و در اجراء مقاصد و پیشرفت نفوذ خود از هر سیاه‌کاری و قتل و غارت ناحقی باک نداشت، و مانند پدر و برادر با دولت انگلیس سازش کرده و دولت ایران را هیچ نمی‌انگاشت، و در جنگ بین المللی که دولت

---

[۲۲۵] (۱) رجوع شود به« دائرة المعارف الاسلامیه ۸: ۱۰۱ ببعد» تألیف آقای عبد العزیز صاحب جواهر. م.

ایران رسما و علنا اعلان بی‌طرفی داده شیخ خزعل آشکار بدولت انگلیس پیوسته و یکی از علل شکست لشگر عثمانی در عراق عرب گردید، و بعد از آن سردار ارفع لقب یافت.

و بالاخره بر دو ثلث خاک خوزستان حکم‌روا و تسلطی در آن سرزمین بهم رسانید که از زمان شاه اسمعیل صفوی تا آنزمان چنو کسی را دست نداده بود. تا این‌که پادشاه سابق پهلوی ظهور نمود، و او در سنه ۱۳۴۲ لشگر بخوزستان فرستاد و در سنه ۱۳۴۳ کار را بر شیخ تنگ نمود، تا در یک‌شنبه (۱۰ ج ۱) آن سال یک باره در جنب دولت وقت تسلیم گردید و در ماه شوال وی را بتهران بردند، و آن‌جا ببود تا- چنان‌که در شماره ۴۹۴۶ سال ۱۷ صادره در ۷ رجب سنه ۱۳۶۱- ۳۱ تیر ۱۳۲۱ «روزنامه اطلاعات» نوشته- در شب دوشنبه چهارم ماه ربیع المولود سنه ۱۳۵۵ هزار و سیصد و پنجاه و پنج، مطابق ۴ خردادماه باستانی، هم در آن شهر در خانه خودش بحیله و خفیه مانند خیلی دیگر از کسان که بغدر و امر و دستور این پادشاه کشته شدند- در حالی‌که بیمار بود او را با درفشی که در گیج‌گاه او فرو بردند کشتند.

و در «تاریخ پانصد ساله» و «مجله» پسرانی بنام شیخ عبد الحمید و شیخ عبد الکریم و شیخ عبد اللّه از او نام می‌بردند. و نیز پسری از وی در «مجله یادگار» بدون ذکر نام او نوشته که شاید یکی از این سه نفر مذکور باشد.

و از جمله کارهای وی- از قراری که در این تاریخ نوشته- این‌که برای پیشرفت مقاصد خود همواره پول‌های بسیاری که همه را از طرق غیر مشروعه و خون‌دل بیچارگان فراهم نموده بروزنامه‌نویسان عراق و مصر و غیره و شعرا و ادباء متملّق بی‌شرافت وقت داده تا وی را بألقاب و عناوین سلطنتی و غیره بلندآوازه کنند، و آن‌ها هم چنین نموده تا آن‌جا که کتابی بنام «الریاض الخزعلیة» در سیاست انسانیه، بعنوان این‌که

ص: ۲۲۵۶

تألیف شیخ است منتشر و آن را دوبار در مصر چاپ کردند، و در «تاریخ» مرقوم گوید: بآسانی پیداست که مؤلف آن سالها در نجف نشیمن داشته و شیخ هیچ‌گاه بنجف نرفته![۲۲۶].

---

[۲۲۶] (۱)« ریاض خزعلیه» بزبان عربی و کتاب مفیدی است در دو جلد، جلد اول نسخه ما دارای ۶ صفحه سرآغاز و ۳۲۷ ص متن و ۸ ص فهرست، و جلد ۲ در ۴۰۳ ص متن و ۹ ص فهرست، و هردو در ۱۳۱۸ و ۱۹ قمری تألیف و در ۲۱ در دو مطبعه هندیه و عمومیه قاهره بچاپ رسیده، و شخصی که خود را متصدی امور طبع و تصحیح معرفی نموده عبد المجید بهبهانی بصری ایرانی است که از برخی مواضع کتاب(مانند حاشیه ص ۲۷۱ ج ۲) معلوم میشود این شخص خود مؤلف حقیقی آن است، و زرکلی نیز در« الاعلام ۲: ۳۰۵ ط ۸ جلدی» همین‌نظر را دارد، لکن مرحوم صاحب« الذریعه» فرماید کتاب تألیف شیخ محمد بن شیخ عیسی نجفی و بترتیب فاضل ادیب شیخ عبد المجید بصری ... است، و اللّه العالم.

ناگفته نماند که زرکلی در شرح‌حالی که برای خزعل با ذکر مآخذی نوشته است مطالب متن را تأیید و درباره جنازه شیخ گوید که پس از مدتی آنرا از طهران بنجف اشرف منتقل و در وادی السلام دفن کردند. بامداد نیز در« تاریخ رجال ایران ۱: ۴۷۶» شرح‌حال دو صفحه‌ئی برای شیخ خزعل ترتیب داده است.

دیگر مطلب اینکه در« روزنامه اطلاعات: ش ۱۴۲۷۸ ص ۶ صادره ۴ شنبه ۲۱/ ۹/ ۵۲ مط ۱۶ قعده ۹۳» بمصلحت وقت نامه‌ئی از عبد الامیر خزعل فرزند شیخ خزعل در تعریف و تمجید و ایرانی بودن پدر و نیاکانش و هم پاسخ بمقاله« چیزی در تاریخ بغداد» مندرج در همان روزنامه« ش ۱۴۲۷۱ سه‌شنبه ۱۳/ ۹» چاپ شده است، طالبان عزیز خود بدانجاها و به« جامع الانساب ۱: ۱۲۷» تألیف اینجانب و ایضا به دو کتاب« زندگانی احمد شاه» مکی و« در راه سلطنت رضا شاه»

(۱) «ریاض خزعلیه» بزبان عربی و کتاب مفیدی است در دو جلد، جلد اول نسخه ما دارای ۶ صفحه سرآغاز و ۳۲۷ ص متن و ۸ ص فهرست، و جلد ۲ در ۴۰۳ ص متن و ۹ ص فهرست، و هردو در ۱۳۱۸ و ۱۹ قمری تألیف و در ۲۱ در دو مطبعه هندیه و عمومیه قاهره بچاپ رسیده، و شخصی که خود را متصدی امور طبع و تصحیح معرفی نموده عبد المجید بهبهانی بصری ایرانی است که از برخی مواضع کتاب (مانند حاشیه ص ۲۷۱ ج ۲) معلوم میشود این شخص خود مؤلف حقیقی آن است، و زرکلی نیز در «الاعلام ۲: ۳۰۵ ط ۸ جلدی» همین‌نظر را دارد، لکن مرحوم صاحب «الذریعه» فرماید کتاب تألیف شیخ محمد بن شیخ عیسی نجفی و بترتیب فاضل ادیب شیخ عبد المجید بصری ... است، و اللّه العالم.

ناگفته نماند که زرکلی در شرح‌حالی که برای خزعل با ذکر مآخذی نوشته است مطالب متن را تأیید و درباره جنازه شیخ گوید که پس از مدتی آنرا از طهران بنجف اشرف منتقل و در وادی السلام دفن کردند. بامداد نیز در «تاریخ رجال ایران ۱: ۴۷۶» شرح‌حال دو صفحه‌ئی برای شیخ خزعل ترتیب داده است.

دیگر مطلب اینکه در «روزنامه اطلاعات: ش ۱۴۲۷۸ ص ۶ صادره ۴ شنبه ۲۱/ ۹/ ۵۲ مط ۱۶ قعده ۹۳» بمصلحت وقت نامه‌ئی از عبد الامیر خزعل فرزند شیخ خزعل در تعریف و تمجید و ایرانی بودن پدر و نیاکانش و هم پاسخ بمقاله «چیزی در تاریخ بغداد» مندرج در همان روزنامه «ش ۱۴۲۷۱ سه‌شنبه ۱۳/ ۹» چاپ شده است، طالبان عزیز خود بدانجاها و به «جامع الانساب ۱: ۱۲۷» تألیف اینجانب و ایضا به دو کتاب «زندگانی احمد شاه» مکی و «در راه سلطنت رضا شاه» صفوی رجوع فرمایند. منبع اخیر در چاپ دوم بنام «اسرار سقوط احمد شاه» از طرف ناشر تغییر یافته، و تازه‌ترین مرجع ارزشمندی که در این زمینه منتشر گردیده و نامه‌ئی از سید حسن مدرس وکیل مشروطه خواه مجلس را بخزعل (در ص ۱۷۴) دارد، کتاب مفصلی است که عنوانش چنین است: «شیخ خزعل و پادشاهی رضا خان. خاطرات سیاسی سرپرسی لورین، وزیر مختار انگلیس در ایران. ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی» چاپ تهران ۱۳۶۳ ش ۲۹۳ ص، و السلام. م. عفی عنه.

ص: ۲۲۵۷

❊ (۱۴۱۷- تولد دکتر خلیل خان ثقفی اعلم الدوله تهرانی)❊

وی فرزند حاج میرزا عبد الباقی ۴۷ بن حاج محمد اسمعیل بیک ۴۶ بن آقا بابا بیک ۴۵ بن علینقی بیک ۴۴ بن حسین بیک ۴۳ بن مختار علی بیک ۴۲ بن ابراهیم خلیل ۴۱ بن محمد جلال الدین ۴۰ بن جلیل ۳۹ بن خلیل ۳۸ بن اسمعیل ۳۷ بن ابراهیم ۳۶ بن احمد ۳۵ مختار جلال الدین بن عبد الحمید ۳۴ ابن عبد المجید ۳۳ بن مختار علی ۳۲ بن محمود ۳۱ کمال

صفوی رجوع فرمایند. منبع اخیر در چاپ دوم بنام« اسرار سقوط احمد شاه» از طرف ناشر تغییر یافته، و تازه‌ترین مرجع ارزشمندی که در این زمینه منتشر گردیده و نامه‌ئی از سید حسن مدرس وکیل مشروطه خواه مجلس را بخزعل(در ص ۱۷۴) دارد، کتاب مفصلی است که عنوانش چنین است:« شیخ خزعل و پادشاهی رضا خان. خاطرات سیاسی سرپرسی لورین، وزیر مختار انگلیس در ایران. ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی» چاپ تهران ۱۳۶۳ ش ۲۹۳ ص، و السلام. م. عفی عنه.

الدین بن اسمعیل ۳۰ بن اسد اللّه ۲۹ بن حسین ۲۸ بن ابراهیم ۲۷ بن حسن ۲۶ بن علی ۲۵ بن عبد اللّه ۲۴ بن اسد ۲۳ بن راشد ۲۲ بن احمد ۲۱ بن مختار ۲۰ بن ابو عبیده ثقفی ۱۹ (ره) است، که پدرش حاج میرزا عبد الباقی ملقب به اعتضاد الاطباء بوده و در «المآثر: ۲۲۳» عنوانی دارد و آنجا درباره وی فرماید:

«در فن طب و تدریس کتب اساتید سلف و بعضی از علوم عقلانیه مسلم صنادید اساتید و مدرسین دار الخلافه تهران می‌باشد»، انتهی.

و در «مجله یادگار. س ۳ ش ۵: ۴۵» خلاصه‌ئی از احوال او نوشته، بحاصل این‌که: او در حدود سال (۱۳۱۶- ۱۳۱۷) در کربلا وفات کرده و شاگرد حاج میرزا سید اسد اللّه طبیب و او شاگرد حاج میرزا بابا حکیمباشی نایب السلطنه و فرزندش محمد شاه بوده، و حاجی میرزا عبد الباقی چند کتاب طبی و ادبی را چاپ کرده و بر آنها مقدماتی در احوال مؤلف یا غیره و حواشی مفیدی نوشته، از آن جمله «قانون» شیخ الرئیس که «حواشی» مفیده بر آن دارد و «گنجینه معتمدی» یعنی رسائل و اشعار معتمد الدوله نشاط و «دیوان یغما» که پدرش همت بطبع آن گماشته و وی بخط خود آن را نوشته و مقدمه آن از پدرش می‌باشد، انتهی.

و مرحوم حاج میرزا عبد الباقی چندین پسر داشته: ۱- صاحب عنوان ۲- عبد الحمید خان متین السلطنه (۱۲۹۶) ۳- میرزا جلیل خان دبیر الدوله مؤید الحکماء مدیر «روزنامه اصلاح» ۴- عبد المجید خان حاذق الدوله.

و بهرحال، مرحوم اعلم الدوله از مشاهیر اطباء این عصر بود و در برخی از فضایل دیگر نیز تتبع و تحقیقی کامل داشت و نثر را بسیار جذاب و ساده می‌نوشت.

شرح احوالش در «مجله یادگار، سال و شماره و صفحه مرقوم» و جزء اول

ص: ۲۲۵۸

کتاب «فهرست کتب خطی کتابخانه عمومی معارف: ۱۶۴» نوشته، و از آن‌ها چنین برآید که: وی در این سال متولد شده و پس از تحصیلات طبیب مخصوص مظفر الدین شاه گردید، و در مدرسه دار الفنون بتعلیم طب پرداخت و لقب اعلم الدوله یافت و بجای دکتر ابراهیم حکیم الملک طبیب مخصوص وی گردید، و در تهران شهرت و اهمیتی بهم رسانید، تا در اواخر عمر خود بواسطه انتحار یکی از پسران رشیدش افکاری گوناگون در او پیدا شد و معتقد بتسخیر ارواح گردیده و در تهران بریاست یا عضویت «انجمن معرفة الروح تجربتی ایران» برقرار شد و برخی از حکایات تألیفاتش روی این افکار ده بیست سال آخر عمرش بیان شده، و او را تألیفات چندی است:

اول کتاب «تحفه نوروزی». دویم «ترجمه درسهای کلینیک»- یعنی معالجه مرضی در بستر- تألیف دکتر آلبو فرانسه‌ئی معلم طب دار الفنون در عهد ناصر الدینشاه.

سیم «ترجمه کتاب جراحی» دکتر مرقوم. چهارم کتاب «تشریح». پنجم کتاب «خردنامه جاویدان» در حکایات و قصص. ششم کتاب «صد و پنجاه مقاله یادگار عصر جدید» که آنها را در «مجله عصر جدید» که در تحت مدیریت برادر کوچکش عبد الحمید خان متین السلطنه (۱۲۹۶) منتشر می‌شد نوشته و پس از کشته‌شدن وی آنها را جمع و تدوین نمود و در ص ۲ آن- چنان‌که در «مجله یادگار» گفته- نسب خود را تا مختار بن ابو عبیده ثقفی ذکر کرده که در مجله آنرا نیاورده لکن در «تاریخ جرائد و مجلات ایران ۳: ۱۵۵» آنرا نقل کرده و ما در صدر عنوان از آن نقل کردیم.

هفتم کتاب «فلسفه جدیده». هشتم کتاب «فوائد لغت فرانسه». نهم کتاب «فوائد النصائح». دهم کتاب «کلید زندگی». یازدهم کتاب «مقالات گوناگون» در وقایع تاریخی قاجاریه. دوازدهم کتاب «هزار و یک حکایت». سیزدهم کتاب «هزار و یک نصیحت». چهاردهم کتاب «هفتاد و یک مقاله معرفة الروح» که مربوط بانجمن مرقوم است.

و او در صبح روز دوشنبه سیم ماه ربیع الاخر سنه ۱۳۶۳ هزار و سیصد و شصت و سه- مطابق ۷ فروردینماه باستانی[۲۲۷]- در تهران وفات کرد.

---

(۱) مقصود سال ۱۳۲۳ شمسی است و در «تاریخ رجال ایران» تألیف بامداد باشتباه (۱۳۰۳) بحروف چاپ شده. بامداد تاریخ تولد صاحب عنوان را ننوشته لکن سن او را بهنگام فوت (حدود نود سال) دانسته است. برای آگاهی بیشتر از احوال ثقفی رجوع شود بتاریخ بامداد و «مؤلفین کتب چاپی» مرحوم مشار. م. عفی عنه.

ص: ۲۲۵۹

و در مجله عمر او را هشتاد و هفت سال نوشته، و این منافات با تاریخ تولد او- که ما بنقل از «فهرست کتابخانه عمومی» نوشتیم- دارد.

و اینک گوئیم که حضرت مختار ۲۰ بن ابو عبیده- که این طائفه نسب خود را بوی می‌رسانند- کنیه‌اش ابو اسحق و لقبش کیسان و از معاریف[۲۲۸] توابین و قاتل قتله حضرت سید الشهداء (ع) است و در قدح و مدح او در کتب اخبار و رجال اختلاف است. تولدش سنه ۱ شهادتش ۱۴ ماه رمضان سنه ۶۷ قبرش در مسجد کوفه. و او فرزند ابو عبیدة ۱۹ بن مسعود ۱۸ بن عمیر ۱۷ بن عقدة ۱۶ بن عنز ۱۵ بن عوف ۱۴ بن قسی ۱۳- این قسی ملقب بثقیف و سرسلسله این طایفه است- بن منبه

---

[۲۲۷] (۱) مقصود سال ۱۳۲۳ شمسی است و در« تاریخ رجال ایران» تألیف بامداد باشتباه(۱۳۰۳) بحروف چاپ شده. بامداد تاریخ تولد صاحب عنوان را ننوشته لکن سن او را بهنگام فوت(حدود نود سال) دانسته است. برای آگاهی بیشتر از احوال ثقفی رجوع شود بتاریخ بامداد و« مؤلفین کتب چاپی» مرحوم مشار. م. عفی عنه.

[۲۲۸] (۱) معاریف و برخی از کلمات رایجه دیگر مانند مدرک تدفین، تفتن، جمادی الاخری و امثالها از اغلاط مشهوره‌اند و صواب در اینجا معارف است. بحث خوبی درباره اغلاط مشهوره در کتاب« الکلام یجر الکلام ۲: ۷۱» هست، طالبین خود مراجعه فرمایند. م.

۱۲ بن بکر ۱۱ بن هوازن ۱۰ بن منصور ۹ بن عکرمة ۸ بن حصفة ۷ بن قیس ۶ بن عیلان ۵ (نأس) بن مضر ۴ است که در مقدمه (فصل سیم ص ۲۵) گذشت.

❊ (۱۴۱۸- وفات شیخ طاهر حچامی مالکی)❊

وی فرزند شیخ عبد علی بن عبد الرسول بن اسماعیل مالکی، و خود از علما و اهل فضل و ادب بوده، و در سوق الشیوخ سکونت داشته، و کتابی دارد بنام «الانوار- السنیه» در شرح «شرح آجرومیه».

تبیین این‌که: «آجرومیة» کتابی است از شیخ محمد بن محمد صنهاجی در نحو و آن را «جرومیه» نیز گویند و چندین نفر بر آن شرح نوشته‌اند، از آن جمله یکی از علماء شیعه که این شیخ طاهر صاحب عنوان نام او را از شیخ محمد قطیفی شنیده و فراموش کرده، و «الانوار السنیه» مرقوم شرح بر این شرح است، و آنرا بنام دو پسر خود شیخ علی و شیخ دخیل تألیف کرده، انجام آن ۱۴ صفر سنه ۱۲۶۲.

و خود در این سال در حدود نود سالگی وفات کرده و چندین نفر فرزند داشته:

---

(۱) معاریف و برخی از کلمات رایجه دیگر مانند مدرک تدفین، تفتن، جمادی الاخری و امثالها از اغلاط مشهوره‌اند و صواب در اینجا معارف است.

بحث خوبی درباره اغلاط مشهوره در کتاب «الکلام یجر الکلام ۲: ۷۱» هست، طالبین خود مراجعه فرمایند. م.

یکی شیخ علی که نوشتیم «الانوار» بنام او تألیف شده و در سنه ۱۲۸۴ وفات کرده.

و دیگر شیخ دخیل (۱۲۴۵ ج ۴ ص ۱۲۵۰ ش ۶۵۶) و شیخ عبد علی (۱۳۵۷).

❊ (۱۴۱۹- تولد میرزا عبد الرحیم، مهانی زنجانی)❊

وی از علماء این عصر و بطوری‌که در «فهرست علماء زنجان: ۷۲» فرموده منسوب بیکی از دیهات طارم در نزدیکی قریه‌سردان این شهر است، و همانا در اینسال متولد شده و در سنه ۱۲۹۹ بعراق عرب رفته و آنجا در نزد آخوند خراسانی درس خوانده و در سنه ۱۳۱۴ بازگشت و در جلالت و فضل شهرتی بهم رسانید، زیرا که وی مجتهدی محقق کثیر العلم سلیم النفس حسن الخلق جید الخط بود و در مسجد جمیلیه نماز جماعت می‌کرد و هم بمنبر می‌رفت و بمواعظ متینه مردمان را بهره‌مند می‌نمود، و هیچ‌وقت پس از مراجعت از نجف از زنجان بجائی سفر نکرد الا اینکه گاهی- آن هم کم- ببعضی از دیهات آن می‌رفت.

تا بالاخره در پنج‌شنبه دوازدهم (یا ۱۳) ماه صفر المظفر سنه ۱۳۶۵ هزار و سیصد و شصت و پنج- مطابق ۶ بهمنماه باستانی- وفات کرد. و دو فرزندش آقا کمال الدین و آقا عماد الدین از محصلین‌اند.

و برادر صاحب عنوان حاج ملا فتح اللّه هم از علماء است که در هیدج در نزد ملا علی درس خوانده تا فاضلی جلیل گردید و هم در آن ولایت سکونت گزید و فرزندش آقا میرزا عبد العظیم در هیدج نزد مدرسین آن درس خوانده تا از اهل فضل گردید.

و فرزند وی میرزا عبد الرحمن از فضلاء محصلین در شهر مقدس قم می‌باشد[۲۲۹].

---

(۱) رجوع شود به «گنجینه دانشمندان ۵: ۲۴۴- ۲۴۹» و «تاریخ علماء زنجان: ۳۳۸- ۳۳۹». م.

ص: ۲۲۶۱

❊ (۱۴۰۲- تولد سید علی اکبر ۳۷ فتوحی زواره‌ئی)❊

وی فرزند مرحوم سید محمد علی ۳۶ بن سید علی اکبر ۳۵ بن حاج میرزا رفیعا ۳۴ بن میر سید محمد ۳۳ بن میر محمد حسین ۳۲ بن میرزا رفیع الدین محمد ۳۱ طباطبائی نائینی (ره) است.

میرزا رفیع الدین محمد ۳۱ در (۱۱۹۵ ج ۱ ص ۳۵) گذشت، و آنجا وعده دادیم که شرح احوال فرزندش میر محمد حسین ۳۲ را در اینسال بنویسیم.

اینک گوئیم که مرحوم میر محمد حسین مرقوم- بطوری‌که در «تاریخ نائین ۳: ۹۶» نوشته- سیدی محدث و فقیه بوده و در سنه ۱۱۷۵ وفات نموده و در اصفهان در قبرستان آب‌بخشان نزدیک بمسجدی که در کنار آن بوده دفن شده و بر قبرش سنگی افتاده و بر آن عباراتی منقور بوده که در موقعی که قبور آن قبرستان را برای امتداد خیابان جدید چهارباغ تا آخر شهر بطرف برخوار خراب می‌کرده‌اند و مخصوصا عملجات این کار داشته‌اند کلنگ میزده‌اند آقای نجفی مرعشی عبارات آن سنگ را وامی‌نوشته و از جمله این شعر ماده تاریخ بوده:

گفتا رفیق از پی تاریخ آن امام یا رب بخلد جای محمد حسین باد

انتهی کلام «تاریخ نائین» الا تغییر در تاریخ وفات، بدین معنی که ماده مزبور (۱۰۹۰) میشود نه (۱۱۷۵)، و ما آنرا بدو راه اشتباه دانستیم: یکی اینکه میر محمد حسین مرقوم برادر میر سید علی ۳۲ (۱۱۹۵ ج ۱ ص ۳۵ ش ۱۳) و در طبقه او است و نشاید که تقریبا صد سال پیش از او یا هشت سال بعد از جد اعلایشان میرزا رفیعای نائینی ۲۸ معروف وفات کرده باشد.

---

[۲۲۹] (۱) رجوع شود به« گنجینه دانشمندان ۵: ۲۴۴- ۲۴۹» و« تاریخ علماء زنجان: ۳۳۸- ۳۳۹». م.

دیگر آن‌که: گوینده این شعر- چنان‌که دیدی- رفیق اصفهانی (۱۲۱۲ ش ۱۸۰) است و او در (۱۰۹۰) نبوده بلکه در حوالی (۱۱۷۵) بوده و این ماده را گفته، و در نقل ماده اشتباه شده، و أصل آن را آقای میر سید محمد ۳۷ یزدانیان که اینک ذکر میشود چنین نقل می‌کرد:

گفتا رفیق از پی تاریخ آن مدام «الخ«

و این وقت سنه ۱۱۷۵ میشود و درست است.

ص: ۲۲۶۲

و او علاوه بر چندین شعر مرثیه و ماده تاریخ بطور مذکور، عبارات نثری روی سنگ را نیز داشت که پدرش سید اسمعیل آنرا در سنه ۱۳۵۲ که قبرستان را خراب می‌کرده‌اند وانوشته بود و از جمله آن تصریح بتاریخ وفات در ۳ ج ۱ همین سال ۱۱۷۵ بود.

و میر سید محمد مرقوم بطوری‌که می‌گفت فرزند سید اسمعیل ۳۶ بن سید حسن ۳۵ بن میرزا محمد حسین ۳۴ شیخ الاسلام بن میر محمد صادق ۳۳ مدفون در زواره ابن میر محمد حسین ۳۲ مذکور است و «شجره‌نامه‌ئی» در دست داشت که آنرا عم پدرش سید اسمعیل ۳۵ بن میرزا محمد حسین ۳۴ شیخ الاسلام در ذی الحجه ۱۲۲۳ بخط نسخ بسیار خوب در نسب خودش تا میرزا رفیعا بطوری‌که اینجا نقل کردیم و از او تا حضرت امام حسن (ع) مانند آنچه در ۱۱۹۵ ذکر شد نوشته بود، الا یکی دو جا تفاوت، و آن «شجره‌نامه» هم خالی از اشکالی که در اغلب انساب سادات بدان اشاره نموده‌ایم نبود، مانند عم بودن او نسبت بسید اسمعیل پدر سید محمد یزدانیان مرقوم، و هیچ شعب و فروعی در آن نبود، و فقط همان نسب خود را تا حضرت امام حسن (ع) نوشته بود.

و بهرحال، فرزند ابن میر محمد حسین: مرحوم میر سید محمد ۳۳- بطوری‌که در «تاریخ نائین مرقوم ۳: ۹۳» نوشته- در تخت پولاد پهلوی قبر جدش میرزا رفیعای مذکور دفن است.

فرزندش حاج میرزا رفیعا ۳۴ در نجف دفن است.

فرزندش سید علی اکبر ۳۵ مشهور به محیی طبیب بوده.

فرزندش سید محمد علی ۳۶ مشهور بشمس الاطباء و در نجف دفن است، و او چهار پسر داشته: اول سید علی اکبر ۳۷ صاحب عنوان. دویم سید ابو الحسن ۳۷ که در زواره بزاویه مقدسه حضرت شاه عبد العظیم «علیه التحیة و التسلیم» مهاجرت نموده و دفتری برای ازدواج و طلاق دارد. سیم سید عبد الجواد ۳۷ که در زواره بزراعت می- گذراند. چهارم سید مصطفی ۳۷ فتوحی که از زواره بزاویه مقدسه آمده و آموزگار دبستان دولتی است، چنان‌که این همه در جلد و صفحه مرقومین تاریخ مزبور نوشته.

و سید علی اکبر صاحب عنوان از اهل علم و ادب است و شعر هم می‌گوید و بطوری‌که در آن صفحه گفته در اینسال متولد شده و نخستین کسی است از این خانواده که از زواره بزاویه مقدسه حضرت شاه عبد العظیم (ع) هجرت نموده و تاکنون در آنجا سکونت دارد، انتهی. و شهرت او بفتوحی بنسبت جدش ابو الفتوح احمد ۹ است

ص: ۲۲۶۳

که در (۱۱۹۵ ش ۱۳) گذشت.

❊ (۱۴۲۱- وفات نواب فخر الدین حیدر آبادی هندی)❊

حیدر آباد- بطوری‌که در «معجم الامکنه: ۲۳» نوشته- ولایتی است از هند جنوبی معروف بحیدر آباد دکن که در قدیم حکمران آن تابع پادشاه دهلی بوده، و پس از آن چون نظام الملک آصفجاه اول بر آن دست یافت از تبعیت آن ولایت خارج و خود مملکتی مستقل و بمملکت نظام معروف شد، و شهر حکومت‌نشین و قاعده این ولایت نیز بهمین نام حیدرآباد میباشد. و نیز چنانکه در (ص ۲۴) نوشته- حیدرآباد شهری است از مقاطعه سند در ولایت بمبئی.

و نواب فخر الدین صاحب این عنوان- بطوری‌که در «رساله احوال سید عبد الحی حسنی (۱۲۸۶): ص ی» نوشته- از حکماء ریاضیین هند و ملقب به شمس الامراء بوده و کتبی تألیف کرده: اول کتاب «السنة الشمسیه» دویم کتاب «شمس الهندسه»، و در این سال وفات کرده[۲۳۰].

---

(۱) دو مأخذ فوق از متعلقات «نزهة الخواطر و بهجة المسامع و النواظر. ط حیدرآباد» است و شرح‌حال مفصلتر در خود کتاب یاد شده (ج ۷: ۳۶۸) بطبع رسیده و در آنجا نام و نسب چنین است: «الامیر الکبیر فخر الدین بن ابی الفتح بن ابی الخیر العمری الفریدی الشکوه آبادی» و تاریخ ولادتش را در پنجم ماه رمضان ۱۲۰۰ در حیدرآباد ضبط نموده. توضیحا حیدر لفظی است عربی و همیشه باید بفتح حاء تلفظ شود.

و برای اطلاع بیشتر از احوال و آثار صاحب عنوان رجوع شود بکتاب «الثقافة الاسلامیة فی الهند: معارف العوارف» از همان مؤلف نزهه. از مطبوعات مجمع اللغة العربیه بدمشق- ۱۴۰۳.

---

[۲۳۰] (۱) دو مأخذ فوق از متعلقات« نزهة الخواطر و بهجة المسامع و النواظر. ط حیدرآباد» است و شرح‌حال مفصلتر در خود کتاب یاد شده(ج ۷: ۳۶۸) بطبع رسیده و در آنجا نام و نسب چنین است:« الامیر الکبیر فخر الدین بن ابی الفتح بن ابی الخیر العمری الفریدی الشکوه آبادی» و تاریخ ولادتش را در پنجم ماه رمضان ۱۲۰۰ در حیدرآباد ضبط نموده. توضیحا حیدر لفظی است عربی و همیشه باید بفتح حاء تلفظ شود.

و برای اطلاع بیشتر از احوال و آثار صاحب عنوان رجوع شود بکتاب« الثقافة الاسلامیة فی الهند: معارف العوارف» از همان مؤلف نزهه. از مطبوعات مجمع اللغة العربیه بدمشق- ۱۴۰۳.

در اینجا با اینکه هنوز وقایع سال ۱۲۷۹ قمری بپایان نرسیده است مع الوصف بناچار جلد ششم مکارم الاثار را ختم می‌کنیم، دخل الزمان بنا و فرق بیننا، و صلی اللّه علی محمد و آله الطاهرین. بتاریخ چهارم ذی القعده الحرام ۱۴۰۵ مطابق اول مرداد ماه ۱۳۶۴ سیّد محمّد علی روضاتی

ص: ۲۲۶۴

فهرست عناوین جلد ششم

ابراهیم حقی پاشای استانبولی ۲۲۴۶

ابراهیم زنجانی/ شیخ ۲۰۴۲

ابراهیم سلماسی کاظمینی/ میرزا ۲۰۶۲

ابراهیم کازرونی/ ملا ۲۰۶۴

ابراهیم واعظ اصفهانی امین الواعظین/ میرزا ۲۰۹۲

ابن الحاج سلمی سنی/ شیخ ابو عبد الله محمد/ ۲۰۷۲

ابن الحاج سلمی سنی/ شیخ طالب ۲۰۴۷

ابو تراب امام جمعه شیرازی/ حاج شیخ ۲۰۰۶

ابو تراب خوانساری/ سید ۱۹۸۱

ابو تراب شهیدی قزوینی/ حاج ۲۲۰۹

ابو الحسن امید نهاوندی/ میرزا ۱۹۵۴

ابو الحسن تهرانی/ ملا ۲۰۲۱

ابو الحسن عاملی/ سید ۲۰۹۳

ابو الحسن یغما شاعر جندقی/ میرزا ۲۱۰۵

ابو طالب عارف سمنانی/ میرزا ۲۱۵۰

ابو الفضل تهرانی/ حاج میرزا ۲۰۴۳

ابو القاسم امام جمعه تهرانی/ میرزا ۲۰۰۶

ابو القاسم دهکردی/ سید ۲۰۰۷

ابو القاسم شیخ الاسلام تبریزی/ حاج میرزا ۲۲۴۹

ابو القاسم کاشانی نجفی/ شیخ ۲۰۹۳

احتشام الدوله/ عبد العلی میرزا ۲۰۶۷

احمد آل حر عاملی/ شیخ ۲۰۸۴

احمد ارسنجانی/ ملا ۲۰۶۴

احمد بک شافعی حسینی/ سید ۱۹۸۷

احمد حسن قنوجی هندی/ سید ۲۱۵۱

احمد خان مجاهد الدوله تهرانی ۱۹۲۸

احمد شاعر قاجار ۱۹۴۳

احمد عارف حکمت شیخ الاسلام ۲۰۹۶

احمد موسوی کاشانی/ سید ۲۲۵۰

احیاء شاعر جهرمی عبد الوهاب ۱۹۸۴

ادریس یک راغب سنی مصری ۲۲۵۰

ادوارد براون خاورشناس انگلیسی ۲۲۰۲

ادوارد کلارز آلمانی ۱۹۸۸

ارتضا علی خان صفوی مدراسی ۱۹۶۷

آروینک امریکائی ۲۱۰۹

اسد الله امین الواعظین تهرانی/ حاج شیخ ۱۹۴۷

اسد الله بروجردی/ حاجی ملا ۱۹۵۲

اسد الله رودباری نجفی/ سید ۲۱۱۳

اسمعیل پاشای مصری ۲۲۵۱

اسمعیل خان دبیر تفرشی ۱۹۸۶

اسمعیل شیخ المشایخ تهرانی/ حاجی شیخ ۲۲۴۳

اسمعیل محلاتی/ شیخ ۱۹۱۷

اسمعیل واحد العین اصفهانی/ ملا ۲۱۵۲

اقبال موسوی میرزا آقای جندقی ۲۰۹۲

ص: ۲۲۶۵

امید نهاوندی میرزا ابو الحسن ۱۹۵۴

امیر کبیر میرزا تقی خان ۱۸۸۴

امین الواعظین اصفهانی/ میرزا ابراهیم ۲۰۹۲

امین الواعظین تهرانی/ حاجی شیخ اسد اللّه ۱۹۴۷

امین خاقان شیرازی ۱۹۳۵

انجم شاعر نفری فارسی ۱۹۳۳

باجوری شافعی مصری ۲۱۵۴

باقر کاظمینی/ شیخ ۲۲۱۰

بانو عظمی افتخار الدوله قاجار ۲۰۵۱

بدیع/ نظام الشریعه خوانساری ۱۸۹۸

پرنس ارفع الدوله تبریزی ۱۹۵۶

تقی خان امیر کبیر/ میرزا ۱۸۸۴

ثاقب افندی اخسخه‌ئی ۱۹۲۸

ثقه الاسلام تبریزی میرزا علی آقا ۲۱۳۵

جرجی زیدان بیروتی ۲۲۰۰

جعفر خان مشیر الدوله/ میرزا سید ۲۲۳۹

جعفر شاعر حلی/ سید ۲۱۴۰

جعفر طالقانی نجفی/ سید ۲۱۳۲

جعفر هر کربلائی/ شیخ ۲۰۲۲

جهانگیر خان ناظم الملک مرندی ضیائی/ میرزا ۲۰۹۴

جواد جهان‌بخش منجم نهاوندی/ میرزا ۲۱۱۳

جواد قزوینی/ سید ۲۲۱۱

چهره شاعر مجلسی میرزا نور الدین ۲۰۷۸

حاجب شاعر مرودشتی حیدر علی ۱۹۸۹

حاجی آقا قراچه‌داغی/ میرزا ۲۰۴۵

حبیب الله حکیم قاآنی/ میرزا ۱۹۴۸

حجاب شیرازی آقا فتح الله ۱۹۳۶

حسنخان ملک الحکماء خراسانی/ میرزا ۱۹۲۸

حسن ساکت اصفهانی/ میرزا ۲۲۱۱

حسن صدر کاظمینی/ آقا سید ۲۰۱۵

حسن (فدا حسین) لکهنوی/ شیخ ۲۲۱۲

حسن قفطانی نجفی/ شیخ ۲۰۹۵

حسن قیم شاعر حلی/ حاج شیخ ۲۱۱۵

حسن مدرس اصفهانی/ آقا میر سید ۲۰۳۵

حسن مشهدی/ حاجی میرزا ۲۲۰۴

حسن نائینی/ ملا ۱۹۵۵

حسن نقیب الممالک شیرازی/ حاجی درویش ۱۸۹۵

حسنعلی میرزا شجاع السلطنه ۱۹۵۵

حسنعلی وفا شاعر شیرازی/ میرزا ۲۱۱۵

حسین براقی شاعر نجفی/ سید ۲۱۱۶

حسین بروجردی/ آقا سید ۲۱۵۵

حسینخان اعتلاء الدوله اصفهانی/ میرزا ۲۲۵۲

حسین خوینی قزوینی/ میرزا ۲۲۵۲

حسین دلداری هندی/ سید ۲۰۴۵

حسین علوی سبزواری/ حاج میرزا ۱۸۹۶

حسین غبار شاعر همدانی/ سید ۱۹۵۵

حسین کامل خدیوی مصری/ سید ۱۹۴۳

حسین منجم افشار/ ملا ۲۰۴۵

حسین نجم‌آبادی/ آقا ۲۰۲۲

حنفی‌بک ناصف مصری ۲۰۴۶

حکیم هیدجی حاجی ملا محمد ۱۹۶۵

حمادی کواز شاعر حلی/ شیخ ۲۲۵۳

حیدر خان قاجار ۲۰۲۳

حیدر علی حاجب شاعر مرودشتی ۱۹۸۹

خادم شاعر لکهنوی خادم حسین خان ۲۰۹۵

خزعل خان معز السلطنه خوزستانی/ شیخ ۲۲۵۳

خلف آل عصفور/ شیخ ۲۰۴۷

خلیل خان ثقفی اعلم الدوله تهرانی/ دکتر ۲۲۵۷

دبیر تفرشی میرزا اسمعیل خان ۱۹۸۶

درویش علی حایری بغدادی/ شیخ ۲۱۵۵

درویش علیمحمد امین خاقان شیرازی ۱۹۳۵

ص: ۲۲۶۶

دوستمحمد خان افغان/ امیر ۲۲۴۸

ذو الفنون عراقی تهرانی میرزا حبیب الله ۲۲۰۴

رحمت شاعر شیرازی میرزا عبد الله ۲۰۲۳

رحمتعلی شاه شیرازی ۲۱۹۲

رضا خان ارفع الدوله/ پرنس میرزا ۱۹۵۶

رضا عاملی/ شیخ ۱۹۲۹

رضا نظام الشریعه بدیع/ میرزا ۱۸۹۸

رضی لاریجانی/ حاج سید ۱۹۵۷

زرگر شاعر اصفهانی محمد حسن ۱۹۷۰

زین العابدین خان قاجار کرمانی/ حاج ۲۱۰۹

زین العابدین خوانساری/ حاجی میرزا ۲۰۸۴

ژرژ (جرجی) زیدان بیروتی ۲۲۰۰

ژونبول خاورشناس هلندی ۲۱۵۵

سپهر مشیر افخم میرزا عباسقلیخان ۱۹۰۱

سعید العلماء بارفروشی مازندرانی ۱۹۷۰

شاهد شاعر ایزد خواستی میر محمد مؤمن ۱۹۷۱

شباب شاعر کرمانشاهی میرزا محمد جواد ۱۹۶۸

شبلی نعمانی هندی اعظم گرهئی/ محمد ۲۰۷۳

شعری شاعر اصفهانی ۲۰۹۶

شمیم شاعر شیرازی حاج محمد علی حکاک ۱۹۹۷

شهاب الدین آلوسی بغدادی/ سید ۱۹۵۰

شوریده شیرازی حاجی میرزا محمد تقی مجد الشعرا ۲۰۷۷

شیخ الاسلام تبریزی حاج میرزا ابو القاسم ۲۲۴۹

شیخ الاسلام تبریزی حاج میرزا علی اصغر ۲۲۲۵

شیخ المشایخ تهرانی حاجی شیخ اسماعیل ۲۲۴۳

صابر شاعر شماخیه‌ئی میرزا علی اکبر ۲۲۲۶

صابر علیشاه گرگویه‌ئی ۱۸۹۴

صادق آقا تبریزی/ میرزا ۲۰۶۵

صبور شاعر تبریزی ۱۹۴۰

صدر شاعر شوشتری شیخ محمد رضا ۲۱۸۴

صفاء شاعر اصفهانی ۱۹۴۰

صمد علی عارف تهرانی ۱۸۹۱

ضیاء الدین عراقی/ آقا ۲۲۱۴

ضیائی میرزا جهانگیر خان مرندی ۲۰۹۴

طاهر جزائری دمشقی/ شیخ ۱۸۹۹

طاهر حچامی مالکی/ شیخ ۲۲۵۹

طغرل شاعر چهارمحلی میرزا علیمحمد ۲۰۷۲

عارف حکمت بک ۲۰۹۶

عباس پاشا خدیوی مصری ۱۹۵۰

عباسعلی قزوینی منصور علی/ حاجی شیخ ۲۱۴۸

عباسقلیخان جوانشیر معتمد الدوله ۲۲۲۴

عباسقلیخان سپهر مشیر افخم ۱۹۰۱

عباسقلیخان کلهر ۲۰۴۸

عبد الباقی افندی عمری ۲۱۹۷

عبد الباقی ملاباشی شیرازی/ میرزا ۲۲۲۴

عبد الحسین آل کمونه نجفی/ سید ۱۹۰۸

عبد الحسین آل محیی الدین/ شیخ ۱۹۹۰

عبد الحسین تجلی دزفولی/ شیخ ۲۰۶۵

عبد الحسین خان صدر اصفهانی ۲۱۵۶

عبد الحسین خیامی آل صادق عاملی/ شیخ ۲۲۳۷

عبد الحسین نیسان شاعر شهشهانی/ حاجی میرزا ۱۹۲۲

عبد الرحمن مدرس مشهدی/ میرزا ۱۸۹۲

عبد الرحیم بروجردی/ شیخ ۲۱۴۴

عبد الرحیم طالب اوف تبریزی/ حاجی میرزا ۲۰۲۴

عبد الرحیم گلی بری انصاری/ میرزا ۲۰۲۰

عبد الرحیم مهانی زنجانی/ میرزا ۲۲۶۰

عبد العلی زنجانی/ شیخ ۱۸۹۰

عبد العلی میرزا احتشام الدوله ۲۰۶۷

عبد الفتاح شیخ الاسلام تبریزی/ حاجی میرزا ۱۹۳۱

عبد الکریم یزدی/ حاجی شیخ ۲۱۱۸

عبد الله کلیم یمنی/ شیخ ۱۹۳۲

عبد الله قطیفی/ شیخ ۲۰۶۸

عبد المجید خان عثمانی/ سلطان ۲۱۴۷

عبد المجید بن کریم مجدی کردستانی ۱۹۰۹

عبد المجید همدانی/ شیخ ۲۱۲۱

عبد الهادی آل شلیله بغدادی/ شیخ ۱۹۵۸

عبد الوهاب حکیم‌باشی جهرمی احیاء ۱۹۸۴

عبد الوهاب قطره شاعر چهارمحلی ۱۹۵۹

عزیز جنگ شمس العلماء احمد عبد العزیز ولا ۲۰۲۵

علاء الدین همت شاعر شیرازی ۲۱۱۷

علی آل کاشف الغطا/ شیخ ۱۹۱۰

علی آلوسی بغدادی/ سید ۲۱۵۹

علی زین عاملی/ حاج ۱۹۶۰

علی احمد مذنب شاعر بدایونی ۱۹۸۸

علی اخباری نیشابوری/ میرزا ۲۰۴۹

علی امین عاملی/ سید ۲۱۲۴

علی بحرینی/ شیخ ۲۱۵۸

علی بلادی بحرینی/ شیخ ۲۰۶۹

علی حرز الدین نجفی/ شیخ ۲۱۵۸

علی شیرازی/ حاجی میرزا سید ۱۹۶۰

علی فومنی رشتی/ شیخ ۱۹۰۹

علی کازرونی/ آقا سید ۲۱۵۷

علی کربلائی شیخ العراقین/ حاج شیخ ۲۱۲۳

علی مانع نجفی/ شیخ ۱۹۹۲

علی هندی نجفی/ سید ۲۰۴۹

علی اصغر شیخ الاسلام تبریزی/ حاج میرزا ۲۲۲۵

علی اصغر خان صدر اعظم تهرانی/ میرزا ۲۰۶۹

علی اکبر آقا اردبیلی/ میرزا ۱۹۳۳

علی اکبر خان انجم شاعر نفری ۱۹۳۳

علی اکبر طاهرزاده صابر شاعر/ میرزا ۲۲۲۶

علی اکبر فتوحی زواره/ سید ۲۲۶۱

علی اکبر نهاوندی/ حاجی شیخ ۲۲۰۷

علی اکبر همدانی/ حاجی میرزا ۱۹۶۱

علیرضا همدانی/ شیخ ۱۹۳۴

علیشاه رضوی/ سید ۱۹۳۴

علیقلیخان سردار اسعد بختیاری/ حاج ۲۰۷۱

علیمحمد خان نظام الدوله اصفهانی/ میرزا ۲۱۱۱

علیمحمد طغرل شاعر چهار محلی/ میرزا ۲۰۷۲

علی مدد کاشانی/ ملا ۱۹۶۳

عید رسمی ۱۳ ماه رجب ۲۱۳۹

عیسی لواسانی/ حاج شیخ ۲۱۵۹

عین الدین دزفولی/ میر ۲۰۵۰

غازی شاعر مازندرانی محمد قاسم خان ۲۰۰۰

غبار شاعر رازی تهرانی/ میرزا نبی ۲۰۳۰

غبار شاعر همدانی ۱۹۵۵

غلامحسین صفائی/ شاطر ۲۰۵۰

غلامرضا خان مصدق السلطان تفضلی/ میرزا ۲۱۲۵

غلامعلی خوشنویس اصفهانی/ آقا ۱۹۳۵

فایز شاعر شوشتری/ حاج حاجی ۲۱۵۴

فتح الله نظام الشعراء فراهانی/ سید ۲۲۲۷

فتحعلی حجاب شیرازی/ آقا ۱۹۳۶

فتحعلی زنجانی/ آقا ۱۸۸۹

فخر الدین حیدر آبادی هندی/ نواب ۲۲۶۳

فرخ قاجار فریدون میرزا ۲۰۰۷

فرصت شیرازی میرزا محمد نصیر ۲۰۰۰

فروغی شاعر بسطامی ۲۰۶۰

فریتاک خاورشناس آلمانی ۲۱۶۰

فریدون میرزا فرخ قاجار ۲۰۰۷

فضل حق چشتی/ مولوی ۲۲۲۸

فضلعلی آقا صفاء ایروانی/ میرزا ۲۱۹۲

فقیر محمد لاهوری/ مولوی ۱۹۱۱

ص: ۲۲۶۸

قاآنی/ میرزا حبیب الله حکیم شاعر ۱۹۴۹

قاسم هر حائری/ شیخ ۲۱۲۷

قاسم بیک شاعر آذربایگانی ۱۹۹۵

قائم‌مقام التولیه رضوی حاج میرزا محمد علی ۲۰۵۵

قدرت شاعر قمی سید علی ۱۹۹۱

قطره شاعر چهار محلی عبد الوهاب ۱۹۵۹

قلندر شاه عارف ونکی ۲۱۳۴

کاترمر مستشرق فرانسوی ۲۰۵۱

کاظم آشفته شیرازی/ حاجی ۲۲۲۹

کامران میرزا نایب السلطنه قاجار ۲۰۱۹

کسرائیل خانم بانو عظمی قاجار ۲۰۵۱

کلیم شاعر هندی نظیر حسن ۲۲۰۱

کوکب خراسانی میرزا محمد باقر ۲۰۲۶

کیوان قزوینی حاج شیخ عباسعلی ۲۱۴۸

لطف الله خان اسد آبادی همدانی/ میرزا ۲۰۳۶

لطفعلی صدر الافاضل/ میرزا ۱۹۱۱

لویس شیخویسوعی ۲۰۹۷

مارگلیوس خاورشناس انگلیسی ۲۰۸۳

مجدی ملک الکلام کردستانی ۱۹۰۹

محزون شاعر/ مولوی عبد الرحمن واعظ هندی ۲۰۶۶

محسن خنفر شیخ ۱۹۸۵

محمد افندی بیومی مصری ۱۹۱۳

محمد ترکابادی/ حاج ملا میرزا ۱۹۳۹

محمد تنکابنی/ آقا سید ۲۱۶۱

محمد حجه الاسلام مامقانی تبریزی/ ملا ۱۹۳۸

محمد حرز نجفی/ شیخ ۲۰۵۲

محمد حکیم هیدجی/ حاجی ملا ۱۹۶۵

محمد خطی/ سید ۱۹۹۵

محمد زنجانی/ سید ۱۹۳۷

محمد سنوسی صوفی/ سید ۲۱۲۷

محمد صائب شاعر ترکی ۱۹۶۴

محمد بن عقیل حضرموتی علوی/ حاج سید ۲۲۴۵

محمد عوامی قطیفی/ شیخ ۲۱۶۴

محمد فیروزآبادی/ سید ۲۰۹۸

محمد قطیفی حائری/ سید ۱۹۳۸

محمد کاظمینی/ حاج میرزا ۲۰۱۲

محمد لاجوردی/ حاجی سید ۱۹۶۴

محمد مصاحبی نائینی/ ملا میرزا ۲۲۳۰

محمد مفتون شاعر محلاتی/ شیخ ۲۰۷۳

محمد هاشمی نجفی/ حاج سید ۲۲۲۱

محمد ابراهیم چهارسوقی/ میرزا ۱۹۲۳

محمد ابراهیم ذوق شاعر دهلوی/ آقا ۱۹۹۶

محمد اسمعیل کجوری مازندرانی/ ملا ۲۲۰۶

محمد اسمعیل نائینی/ آقا ۲۰۲۵

محمد امین افندی بغدادی/ شیخ ۲۰۵۳

محمد باقر بهاری همدانی/ حاج شیخ ۲۱۶۵

محمد باقر بیرجندی/ حاجی شیخ ۲۱۰۴

محمد باقر حجت کربلائی/ سید ۲۰۳۹

محمد باقر کوکب خراسانی/ میرزا ۲۰۲۶

محمد باقر مدرس رضوی/ میرزا ۱۹۴۶

محمد باقر واثق شاعر همدانی/ حاجی شیخ ۲۰۷۵

محمد باقر وفاء شیرازی/ شیخ ۲۲۳۳

محمد بیرم رابع تونسی/ شیخ ۲۱۹۷

محمد تقی تربتی خراسانی/ حاج شیخ ۲۰۲۷

محمد تقی خراسانی نجفی/ سید ۲۰۹۸

محمد تقی قاضی تبریزی/ حاج میرزا ۲۱۲۷

محمد تقی قزوینی/ حاج سید ۱۹۶۷

محمد تقی مجد الشعراء شوریده شیرازی/ حاجی میرزا ۲۰۷۷

محمد تقی مدرس اصفهانی/ میر ۲۰۳۱

محمد تقی منصور علی خوئی/ میرزا ۲۰۷۶

محمد جعفر موسوی جزائری/ سید ۲۱۲۸

ص: ۲۲۶۹

محمد جواد خراسانی/ سید ۱۹۸۲

محمد جواد شباب کرمانشاهی/ میرزا ۱۹۶۸

محمد جواد نراقی/ حاج شیخ ۲۲۱۰

محمد حسن آل کبه/ حاج شیخ ۱۹۲۷

محمد حسن سه دهی اصفهانی/ سید ۲۱۳۳

محمد حسن مرتاض نائینی/ حاج ملا ۲۰۹۹

محمد حسین بلبل کوچک خراسانی/ سید ۱۹۹۷

محمد حسین روضاتی اصفهانی/ حاجی میرزا ۲۰۹۰

محمد حسین صبور شاعر تبریزی ۱۹۴۰

محمد حسین صفاء شاعر اصفهانی ۱۹۴۰

محمد حسین کربلائی/ حاج شیخ ۲۰۵۳

محمد حسین نائینی غروی/ حاج میرزا ۲۱۶۹

محمد حسین یزدی/ آقا ۲۰۲۸

محمد رضا خان قوام الملک شیرازی ۱۹۱۳

محمد رضا میرزا افسر قاجار ۲۱۸۴

محمد سعید افندی بغدادی/ سید ۲۰۴۱

محمد شریف اردوبادی/ شیخ ۲۱۸۵

محمد شفیع شوشتری/ سید ۲۰۶۲

محمد صادق خان ادیب الممالک فراهانی/ میرزا ۲۱۳۱

محمد صادق مدرس خاتونابادی/ میر ۲۰۱۲

محمد طاهر بریلوی هندی/ ملا ۲۲۳۵

محمد علی اصفهانی/ ثقه الاسلام حاجی شیخ ۱۹۷۳

محمد علی حکاک شمیم شیرازی/ حاجی ۱۹۹۷

محمد علی دزفولی اصفهانی/ شیخ ۱۹۹۸

محمد علی قائم‌مقام التولیه رضوی/ حاجی میرزا ۲۰۵۵

محمد علی گلستانه اصفهانی/ حاج سید ۲۱۸۵

محمد علی مذهب اصفهانی/ آقا ۲۱۰۲

محمد علی نخجوانی/ میرزا ۱۹۱۴

محمد علی یزدی اصفهانی/ شیخ ۲۰۵۳

محمد قاسم اردوبادی/ شیخ ۲۰۶۱

محمد کاظم کاشانی/ آقا ۲۰۵۸

محمد مهدی بید آبادی اصفهانی/ میر سید ۲۲۳۶

محمد مهدی تحویلدار مشهدی/ میرزا ۲۱۲۹

محمد مهدی خان بدایع‌نگار تفریشی/ میرزا ۲۲۴۱

محمد مهدی کرباسی/ آقا ۲۱۹۷

محمد مهدی کشوان کاظمینی/ سید ۲۰۲۸

محمد مهدی نراقی ثانی/ حاجی ملا ۱۹۱۵

محمد مؤمن خان شاعر دهلوی ۱۹۱۵

محمد نصیر نراقی کاشانی/ میرزا ۲۰۵۸

محمد هادی بیرجندی/ حاج شیخ ۲۱۳۷

محمود بهبهانی/ آقا ۲۰۰۲

محمود خان علاء الملک تبریزی/ میرزا ۱۸۹۲

محمود شکری آلوسی بغدادی ۲۰۴۰

محمود مرعشی تبریزی/ میرزا ۲۲۳۸

محمود نظام العلماء تبریزی/ حاج ملا ۲۰۰۴

مذنب شاعر بدایونی/ علی احمد ۱۹۸۸

مرتاض نائینی حاج ملا محمد حسن ۲۰۹۹

مرتضی عاملی کاظمینی/ شیخ ۲۱۸۸

مرتضی قلیخان صنیع الدوله تهرانی ۲۰۳۹

مرتضی کشمیری/ سید ۱۹۱۵

مریم شاعره قائم‌مقامی ۲۱۸۹

مسکین شاعر اکبر آبادی شیخ عبد الواحد ۱۹۹۰

مشکور حولاوی نجفی/ شیخ ۲۰۳۰

مظفر الدین شاه قاجار ۱۹۱۸

معصوم علیشاه محمد معصوم نایب الصدر ۱۹۴۴

مفتون شاعر محلاتی شیخ محمد ۲۰۷۳

ملک الکتاب فراهانی میرزا مهدی ۱۹۵۰

منیر الدین اصفهانی/ حاج آقا ۱۹۲۱

مهدی ابو طاپو بغدادی/ سید ۲۱۹۰

مهدی خالصی/ حاجی شیخ ۲۱۴۵

ص: ۲۲۷۰

مهدی خان علیم الدوله تهرانی ۲۰۰۳

مهدی لکهنوی/ سید ۱۹۴۳

مهدی ملک الکتاب فراهانی/ میرزا ۱۹۵۰

موسی خان انصاری اصفهانی/ حاجی میرزا ۲۰۵۸

میرزا آقا خان محاسب الدوله ۲۰۶۳

میرزا آقا جندقی اقبال موسوی ۲۰۹۲

میرزا بابا خوشنویس شیرازی ۲۲۵۲

نایب الصدر شیرازی/ حاجی ۱۹۴۴

نبی غبار شاعر رازی تهرانی ۲۰۳۰

نجفقلی میرزا والی شاعر قاجار ۲۰۳۰

نصر الله صدر الممالک اردبیلی/ میرزا ۱۹۷۲

نصر الله منجم مراغه‌ئی/ میرزا ۲۱۳۰

نظام الشریعه خوانساری/ بدیع ۱۸۹۸

نظام الشعراء فراهانی عراقی سید فتح الله ۲۲۲۷

نعمت فسائی میرزا محمود خان ۲۰۰۲

نور شاعر قاجار، نور الله میرزای جناب ۲۱۹۱

نور الدین چهره مجلسی اصفهانی/ میرزا ۲۰۷۸

نیسان شاعر شهشهانی ۱۹۲۲

هاشم مشهدی/ حاجی میرزا ۱۹۴۳

هدایه الله چهارسوئی/ میرزا ۱۹۷۷

هلاکو شاعر قاجار ۲۰۰۴

همایون میرزای حشمت قاجار ۲۰۵۹

همت شاعر شیرازی میرزا علاء الدین ۲۱۱۷

همرپورژستال، مستشرق اطریشی ۲۰۳۱

واثق شاعر همدانی/ حاجی شیخ محمد باقر ۲۰۷۵

یغما شاعر جندقی میرزا ابو الحسن ۲۱۰۵

یوسف عز الدین افندی/ شاهزاده ۲۰۶۰

«پایان فهرست عناوین و الحمد لله»